

جلد اول

فضائل و مناقب در ثواب و ایات ظاهره

تالیف: مفسر کبیر، محدث خبیر
علامه سید شرف الدین علی حسینی
استرآبادی (قدس سره)
از علمای قرن دهم هجری
شاگرد برجسته علامه محقق کرکی (قدس سره)

ترجمه: استاد محمد ظریف

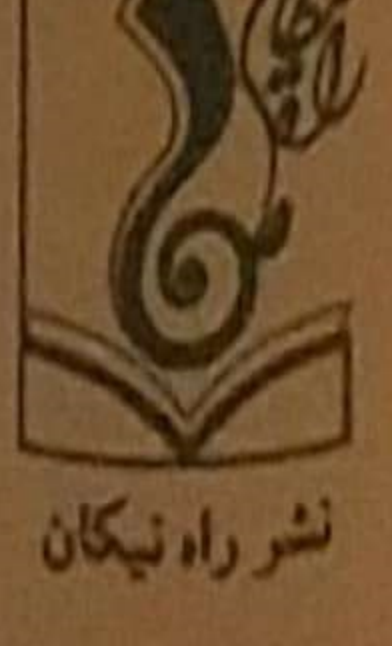
تالیف: مفسر کبیر، محدث خبیر

علامہ سید شرف الدین علی حسینی

استر آبادی (قدس سره)

از علمای قرن دهم هجری

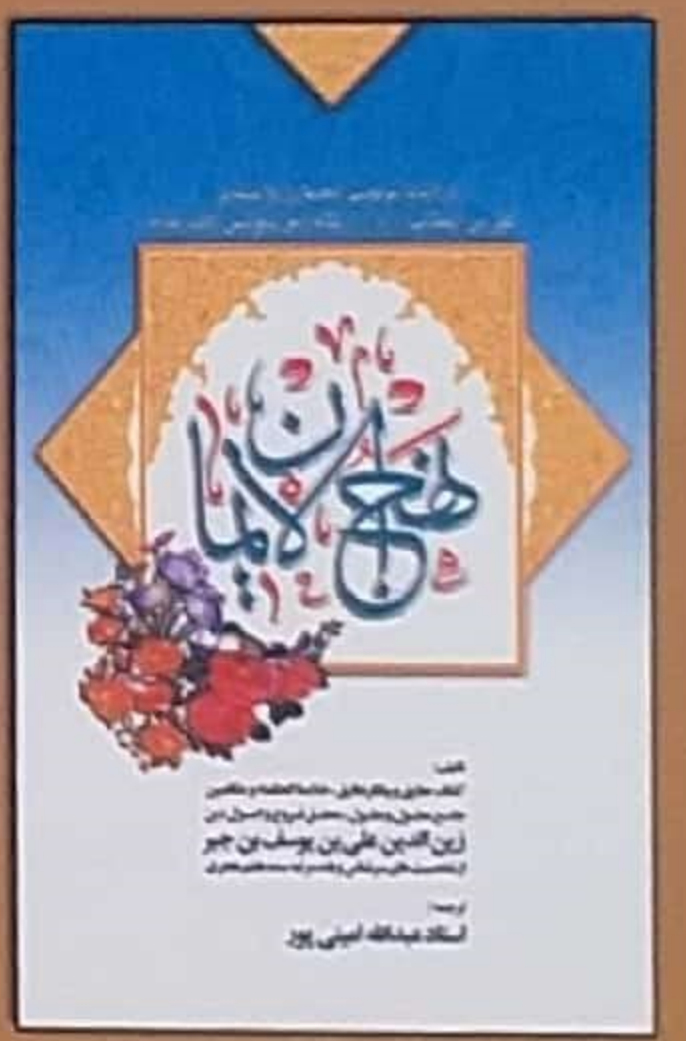
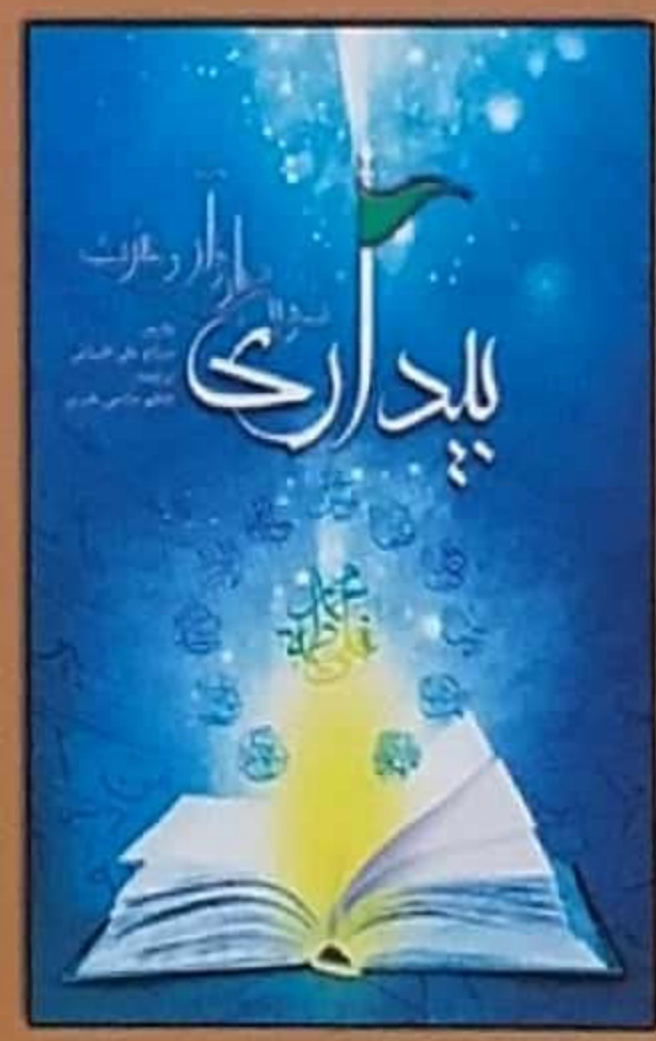
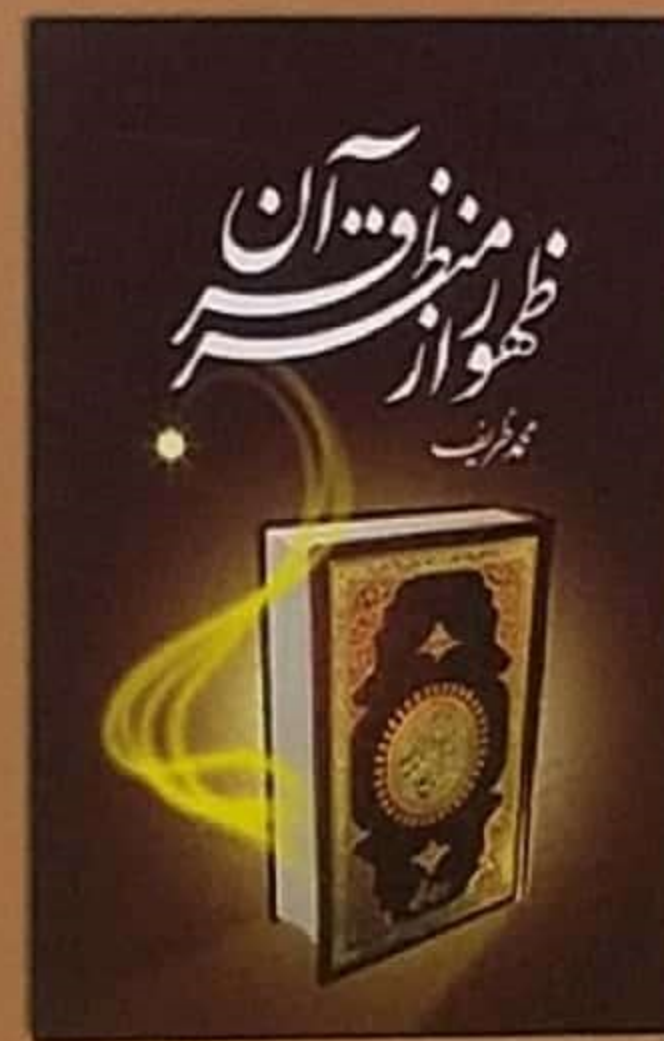
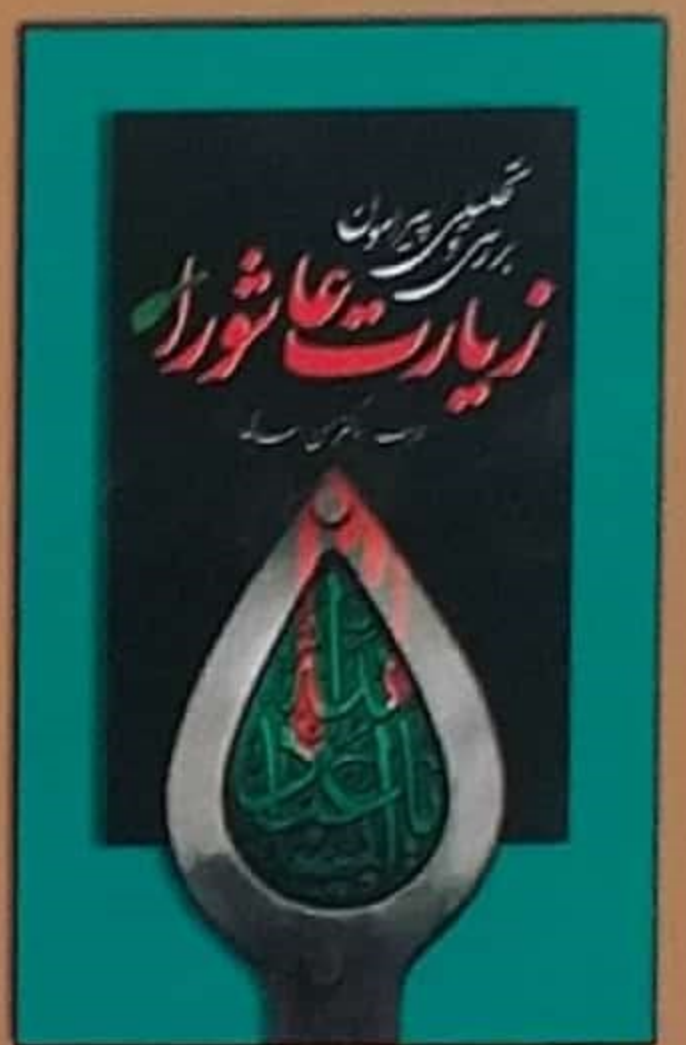
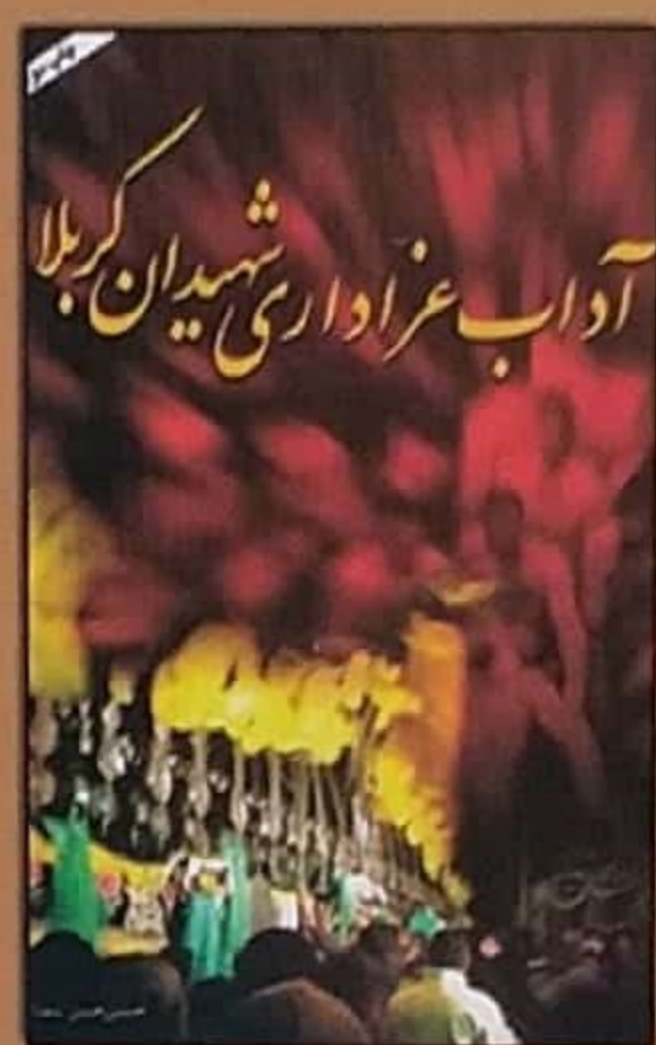
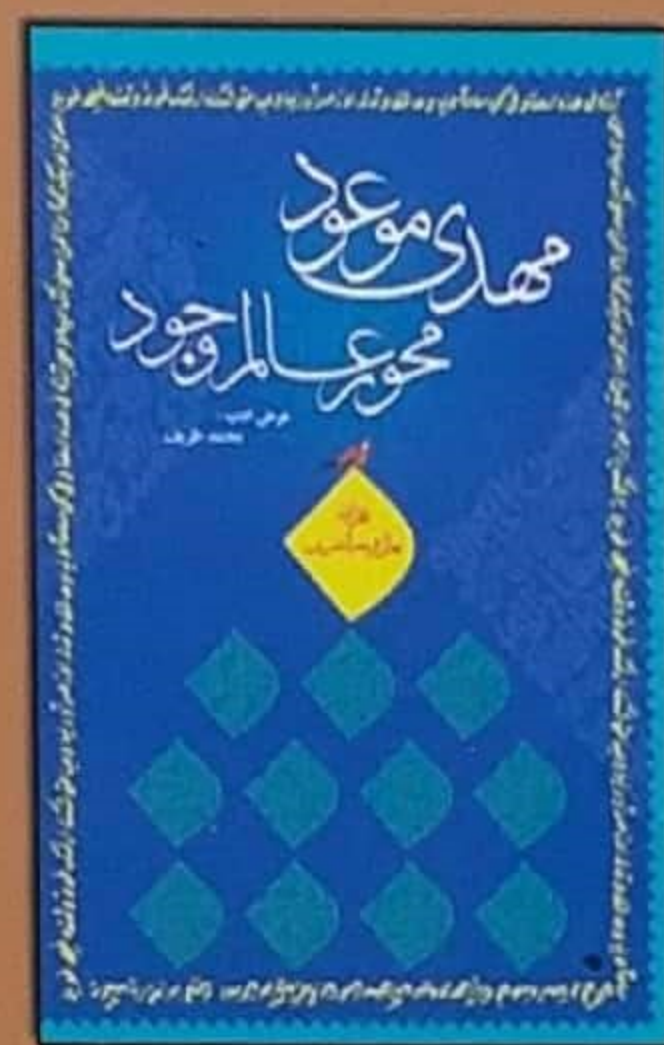
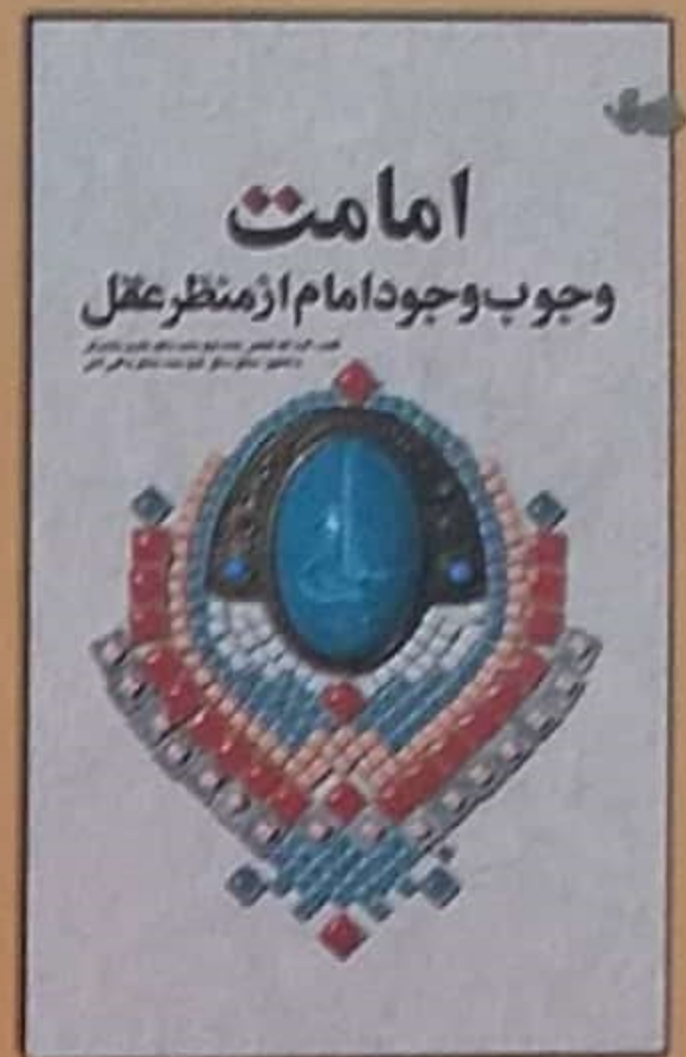
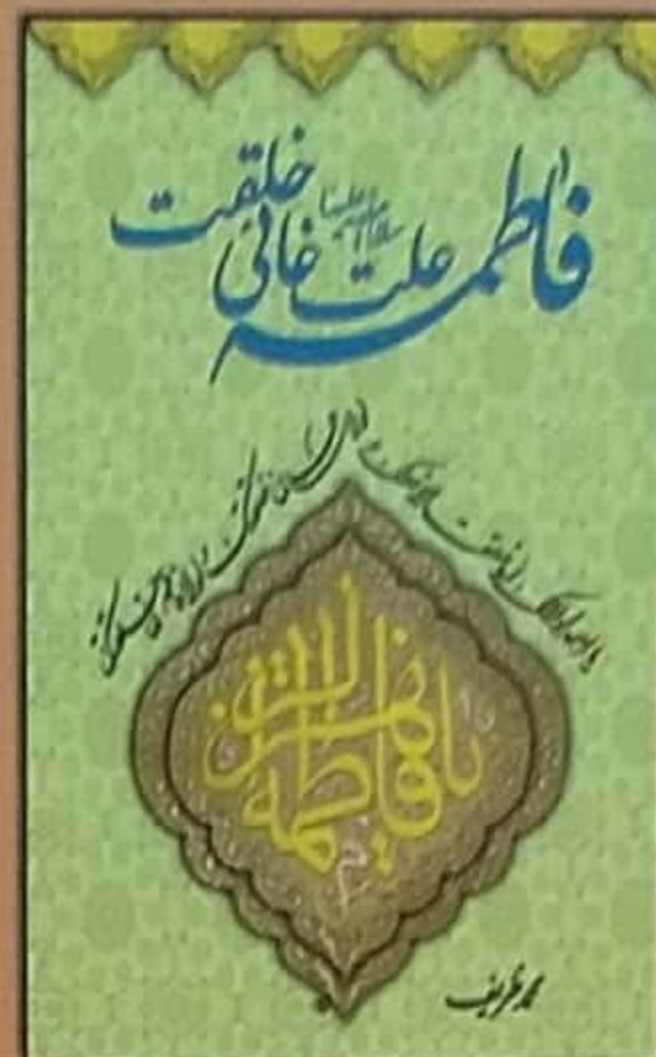
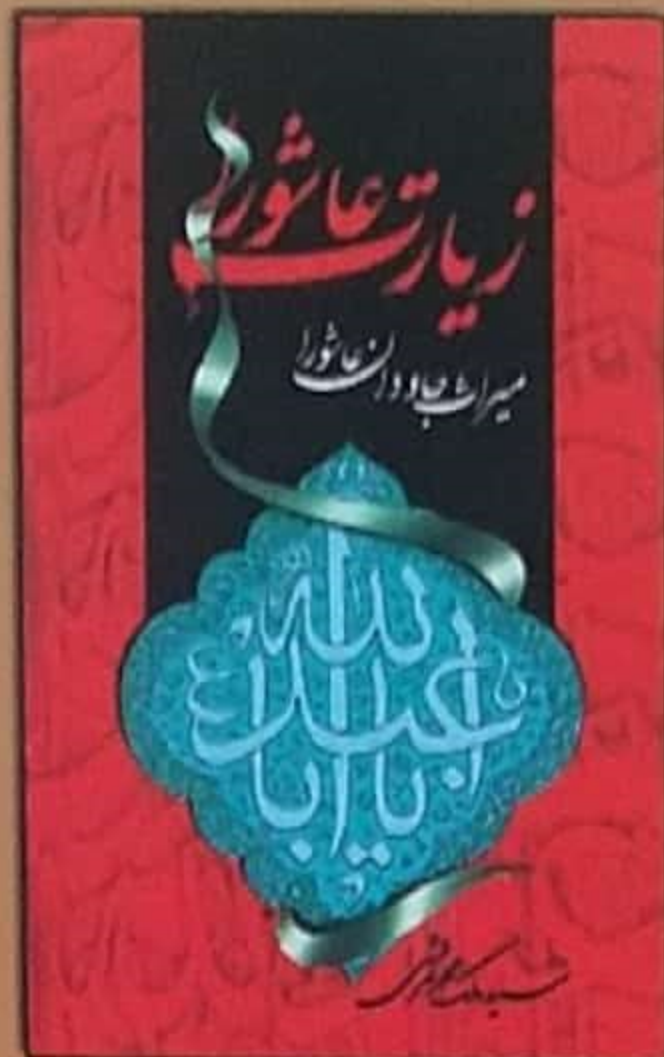
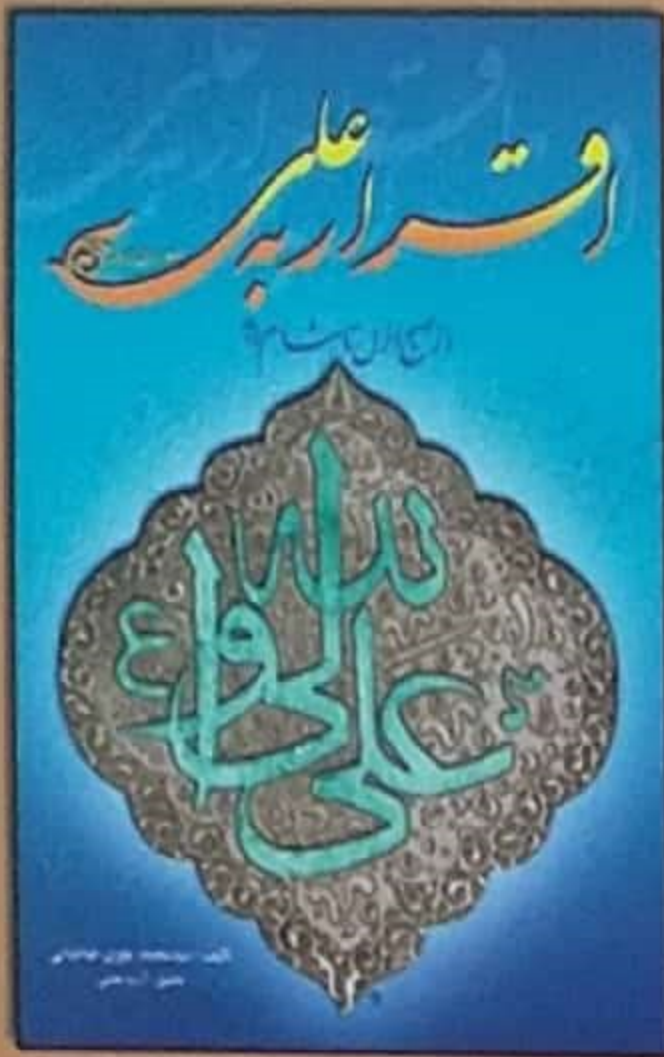
ترجمہ: استاد محمد ظریف



نشر راه نیکان

فضائل عمرہ طائرہ در ثواب و آثار طائرہ

جلد اول



مراکز پخش تهران

انتشارات دارالکتب الاسلامیه: ۰۵۶۲۰۴۱۰
 پخش گلستان: ۶۶۴۹۱۷۴۷
 انتشارات مروی: ۳۳۱۱۳۶۲۵
 انتشارات سنایی: ۶۶۴۰۱۰۶۱

Info@rahenikan.com
 www.rahenikan.com
 instagram.com/rahenikan
 telegram@rahenikan



نشر راه نیکان



از روز ازل به فاطمه^(س) دل بستیم
با آل علی^(ع) رشته جان پیوستیم

آنجا که خدا مدح آل علی^(ع) می گوید
ما حلقه به گوش اهل بیتش هستیم

فضائل عترت طاهره در تأویل آیات طاهره

جلد اول

تألیف

مفسر کبیر، محدث خبیر

علامه سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی قدس سره

از علمای قرن دهم هجری

شاگرد برجسته علامه محقق کرکی قدس سره

ترجمه: محمد ظریف

سرشناسه : استرآبادی ، سید علی ، -۰۴۹ ق.
عنوان قراردادی : تاویل الایات الظاهره فق فضایل العتره طاهره . فارسی عنوان
و نام پدید آور : فضایل عترت طاهره در تاویل آیات ظاهره / سید شرف الدین علی
حسینی استرآبادی ، ترجمه : محمد ظریف مشخصات نشر : تهران: راه نیکان
۶۹۳۱

مشخصات ظاهری : ۲ جلد

شابک دوره : ۸۷۹-۰۰۶-۷۹۲۷-۰۴-۷

شابک جلد ۱ : ۸۷۹-۰۰۶-۷۹۲۷-۸۳-۴

وضعیت فهرستنویسی : فیا

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۰۱ ق

موضوع : تاویل

شناسه افزوده : ظریف ، محمد ۵۳۳۱ - مترجم

رده بندی کنگره : ۵۹۳۱ ۱۴۰۲ ت ۵ الف ۶۹ BP

رده بندی دیویی : ۹۷۱/۷۹۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۳۹۱۴



نشر راه نیکان

بخش : عقائد امامیه

فضایل عترت طاهره در تاویل آیات ظاهره

تالیف : سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی

ترجمه : محمد ظریف

شمارگان : ۲۰۰۰ دوره جلد اول چاپ اول : ۱۳۹۶

شابک جلد ۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۳۸-۴-۴ ISBN: 978-600-7297-38-4

شابک دوره : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۴۰-۷

شماره ثبت مجوز : ۱۴۱۳۶۵۱ قیمت دوره دوجلدی : ۷۵۰۰۰ تومان

سخن ناشر

با توجه به این که بیان احکام و فضائل، اصول دین و فروع آن در قرآن مجید و فرقان حمید موجود است و تفصیل همه‌ی اشیاء خصوصاً فضائل حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام در آن مبسوط و تفریط و اهمال نشده است. به اعتراف دانشمندان برجسته ذکر چیزی علی‌الخصوص مهمات ارکان دین و امهات احکام شریعت سید المرسلین که خاتم النبیین است به موجب شهادت نص آیات محکّمات و صریح منزلات و اضحات مثل «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۱ و «كُلُّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا»^۲، «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^۳، «وَتَفْصِيلِ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^۴، «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»^۵ و غیر از این‌ها که مضمون همه آن‌ها بیان‌کننده این واقعیت است تفصیل و بیان هرچیز از ارکان دین و احکام شریعت در قرآن موجود است

-
- | | |
|------------------------|------------------------|
| ۱. سوره نحل: آیه ۸۹. | ۲. سوره اسراء: آیه ۱۲. |
| ۳. سوره یس: آیه ۱۲. | ۴. سوره یوسف: آیه ۱۱۱. |
| ۵. سوره انعام: آیه ۳۸. | |

و در حکم چیزی فروگذاری نشده است. ولی حضرت خواجه کائنات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با توجه به این جامعیتی که انسان را الی الابد کفایت می‌کند باز در حدیث شریف «ثقلین» که مورد اتفاق شیعه و سنی است. عترت طاهره علیهم السلام را لازمه قرآن و متقابلاً قرآن مجید را لازمه عترت علیهم السلام دانسته‌اند.

برای اینکه تفسیری برای چنین مهمی داشته باشیم کلام امام صادق علیه السلام را می‌آوریم که فرموده‌اند: «من پسر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هستم و من می‌دانم کتاب خداوند را، در این کتاب ابتدا خلق آمده است و در آن است چه خواهد شد و تا روز قیامت چه به وجود خواهد آمد. در قرآن خبر آسمان، خبر زمین، خبر جنت، خبر دوزخ و خبر آن چه بوده و آنچه خواهد شد. من می‌دانم همه این‌ها را چنان که به کف دست خود نگاه می‌کنم و به درستی که خداوند تعالی می‌فرماید «فیه تبیان کل شیء»^۱ در روایتی دیگر فرموده‌اند «ما ائمه آن را می‌دانیم»^۲

اما علاوه بر این خصوصیت استثنائی ائمه طاهرين علیهم السلام در ارتباط با فهم قرآن، باید به مهمی دیگر که بهترین شرح دهنده علت همراهی عترت علیهم السلام با قرآن است و ربط با کتاب دارد اشاره کنیم. تا پیش از آنچه درباره حدیث شریف «ثقلین» در اصل قرآن و عترت فرموده‌اند به علت نص نبوی پیرامون «ثقلین» پی ببریم. حضرت امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «قرآن بر چهار ربع نازل شده است، یک ربع آن در حق ما و یک ربع آن درباره دشمنان ما و ربع ثالث طریقه‌ها و امثال است و ربع چهارم فرائض

۲. کافی ۱/۶۱، ج ۹.

۱. کافی ۱/۵۰، ج ۸.

و احکام می‌باشد^۱ از این نوع روایات به دست می‌آید تمام خوبی‌ها که در قرآن مذکور است مربوط به حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد و جمع بدی‌ها درباره دشمنان ایشان است. ولی متأسفانه بعضی از مغرضین مارک دار که وابسته به شیعه ستیزان بوده‌اند و در همیشه تاریخ حضور داشته و دارند، همان‌هایی که برای برخورد ناجوانمردانه با امامان شیعه حقایق را به سلیقه بازگو کرده و می‌کنند از این که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنابر اراده خدای متعال عترت علیهم‌السلام را در کنار قرآن داده رنج می‌کشند، حتی بعضاً بدون اختیار در جداسازی عترت از قرآن حتی آیات و احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را انکار یا تحریف کرده‌اند کوشیده‌اند. در صورتی که قرآن به اعتبار کلام امام باقر علیه‌السلام^۲ و علی امیرالمؤمنین^۳ در شأن ایشان و دشمنان آنان و دیگر سنن، آداب، امثال، فرائض و احکام نازل شده است. پس بنابراین جمیع قرآن در تعریف ائمه علیهم‌السلام و دوستان ایشان یا در ذم و تقیح مخالفان و دشمنان ائمه علیهم‌السلام است. زیرا دوست خداوند عالم و پیامبران دوست ائمه علیهم‌السلام است و دشمنان خداوند و پیغمبران دشمنان ایشان است. در اینصورت قرآن و تمامی دلیل خداوند رحمان در مدح و تعریف آل محمد علیهم‌السلام می‌باشد.

چنان که علامه فیض کاشانی فرموده است: «اخبار بسیار از اهل بیت علیهم‌السلام در تأویل بسیاری از آیات قرآن در حق حضرات ائمه علیهم‌السلام و دوستان ایشان و درباره دشمنان بر این نحو تصنیف کرده‌اند آنچه را که از

۱. کافی ۶۲۸/۱، باب ۱۳ ج ۴ + تفسیر عیاشی: ۹/۱ ج ۳ + تفسیر صافی ۶۰/۱.

۲. تفسیر عیاشی: ۱۰/۱ ج ۷ + تفسیر صافی ۶۰/۱.

۳. کافی ۶۷۲/۲، باب النوادر + تفسیر صافی ۵۹/۱.

ائمہ علیہ السلام وارد شده در تأویل آیه به آیه یا در شأن آن ذوات مقدسه است و یا درباره شیعیان ایشان و یا در ذم دشمنان ایشان. سپس به کتاب‌هایی نظیر «تفسیر عیاشی، تفسیر قمی، تفسیر امام حسن عسکری علیہ السلام اشاره می‌کند»^۱

کتاب «فضائل عترت طاهره در تأویل آیات ظاهره» ترجمه اثر کم‌نظیر، بل بی‌نظیر «تأویل آیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره» تألیف علامه بلند آوازه، شخصیت عالی رتبه مفسر و محدث سید شرف‌الدین علی حسینی استرآبادی شاگرد برجسته علامه محقق کرکی است که در ادامه تحقیقات گذشتگان تألیف شده است.

نشر راه نیکان به پیشنهاد آیه‌الله زاده معظم حجة الاسلام آقا سید محمدحسین فقیه ایمانی، فرزند حضرت آیه‌الله حاج آقا کمال فقیه ایمانی که از نوادر روزگارند از جناب استاد محقق مدقق آقای محمد ظریف - که خداوند عمرشان را به بلندای آفتاب فرماید، تقاضای قبول زحمت نموده این میراث بزرگ را ترجمه نمودند.

باشد مورد استفاده آنانی قرارگیرد که از جمله مصادیق پند
به گیتی مزین جز به نیکی نفس قدم زن تو در راه نیکان و بس

سالروز ظهور جسمانی حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام

مدیر

نشر راه نیکان

۲۹ دی ۱۳۹۴

مقدمه مترجم

قرآن کریم یکی از دو وزنه و زین و یکی از دو ثقل گرانبهایی است که رسول خدا ﷺ از خود به یادگار گذاشت و فرمود:

أَنْتِ سَأْمَلِكُمْ حِينَ تَرُدُّونَ عَلَيَّ مِنَ الثَّقَلَيْنِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهَا.^۱
هنگامی که در کنار حوض بر من وارد شوید از شما درباره این دو امانت سؤال می‌کنم، ببینید با آن دو چگونه رفتار کردید؟
آیا حرمت پیامبر ﷺ را در مورد آن دو رعایت کردید؟ آیا حق آن حضرت را درباره آن دو ادا نمودید؟ آیا به آن دو تمسک کردید و آن دو را امام و پیشوای خود قرار دادید؟ یا به آن دو بی‌اعتنائی نمودید؟

رسول خدا ﷺ کتاب خدا و عترت را در کنار هم قرار داد و فرمود: این دو همواره با هم هستند و هرگز از یکدیگر جدایی ندارند و تا مادامی که امت به این دو تمسک نمایند هرگز گمراه نمی‌شوند، یکی کتاب صامت است و دیگری کتاب ناطق.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود:

أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَهَذَا كَلَامُ اللَّهِ الصَّامِتِ.

من کلام گویای خداوند و این قرآن کلام خاموش حضرت حق است.^۱

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰.

یکی بیان است و دیگری بیان کننده،
در سوره آل عمران، آیه ۱۳۸ می فرماید:

﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾

«این بیان است برای مردم و هدایت و اندرز است برای پرهیزگاران».

و در سوره نحل آیه ۴۴ می فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾

«ما کتاب را به سوی تو نازل کردیم تا تو برای مردم آن را بیان کنی».

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

نحن تراجم وحی الله.

ما اهل بیت مترجم وحی الهی و بیان کننده آن هستیم.^۲

حدیث ثقلین که از احادیث متواتر و مورد اتفاق فریقین است مطالب فراوانی دربر دارد و از جهات مختلف قابل بحث و بررسی است اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن و عترت را قرین یکدیگر و هر کدام را عدل دیگری قرار داده^۳ و فرموده: «میان آن دو هرگز افتراق و جدائی نیست» لازمه اش این است که میان آن دو کاملاً هماهنگی باشد و همواره هم-سو باشند و در اوصاف با یکدیگر مطابقت داشته باشند

امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطب نهج البلاغه بیش از چهل وصف برای قرآن ذکر کرده اند و اهل بیت علیهم السلام تمام آن اوصاف را دارا می باشند در اولین توصیف و در اولین فراز می فرماید:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶.

۲. بصائر الدرجات، ص ۱۲۴، باب ۱۹، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۵، ح ۴.

۳. شیعه و سنی از ام سلمه روایت کرده اند که گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمودند: «علی مع القرآن و القرآن مع علی، لا یفترقان حتی یردا علی الحوض». امالی طوسی، ص ۴۶۰، ح ۱۰۲۸؛ المعجم الصغير، ج ۱، ص ۲۵۵؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۱۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳، ح ۳۲۹۱۲؛ فیض القدير، ج ۴، ص ۴۷۰؛ تاریخ الخلفاء، ص ۱۹۱؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۷۶.

ثم انزل عليه الكتاب، نوراً لا يطفأ مصابيحها.

خداوند کتاب را بر پیامبرش نازل فرمود و آن نوری است که خاموشی ندارد.

رسول خدا ﷺ فرموده اند:

ان هذا القرآن هو النور المبين والحبل المتين.^۱

خداوند تبارک و تعالی نیز در قرآن می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُوراً مُبِيناً﴾.^۲

«ای مردم، از سوی پروردگارتان برای شما برهان و دلیلی (چون پیامبر و

معجزاتش) آمد و نور روشنگری (مانند قرآن) به سوی شما نازل کردیم».

قرآن نور است، اهل بیت علیهم السلام نیز نورند.

امیرالمؤمنین علیهم السلام می فرماید:

أنا عين الله في أرضه، أنا لسان الله الناطق في خلقه، أنا نور الله الذي لا يطفأ.

من چشم بینای پروردگار در زمین و زبان گویای او در میان خلق و نور تابان

او هستم که برایش خاموشی نمی باشد».^۳

حضرت علی بن موسی الرضا علیهم السلام در توصیف امام علیهم السلام می فرماید:

الامام البدر المنير والسراج الزاهر والنور الساطع.

امام ماه تابان، چراغ فروزان و نور درخشان است.

و در قسمت دیگری از آن می فرماید:

الامام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم.^۴

امام مانند خورشید فروزان و تابناکی است که همه عالم را به نور خود

روشن می سازد.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۱.

۲. سوره نساء، آیه ۱۷۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۴.

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۳.

نور امام علیه السلام است که به دل های مؤمنان روشنی می بخشد.

امام باقر علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمود:

والله يا ابا خالد، لنور الامام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار،
وهم والله ينورون قلوب المؤمنين.

به خدا قسم نور امام در دل های مؤمنان تابناک تر از خورشید فروزان در روز
است و به خدا قسم آنها دل های مؤمنان را روشن می کنند.^۱

• قرآن نور است برای کسانی که از آن پیروی کنند.

امام سجاد علیه السلام در چهل و دومین دعای صحیفه می فرماید:

وجعلته نوراً نهتدى من ظلم الضلالة والجهالة باتباعه

و آن را نور و روشنایی قرار دادی که با پیروی از آن از ظلمت ضلالت و
جهالت رهایی یابیم.

ائمه طاهرين علیهم السلام نیز نورند برای کسی که از آنها پیروی کند.

در روایتی حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرموده اند:

نحن نور لمن تبعنا، و نور لمن اقتدى بنا.

ما نوریم برای کسانی که از ما پیروی کند و نوریم برای کسی که به ما اقتدا
نماید.^۲

امام عسکری علیه السلام فرموده اند:

نحت كهف لمن التجأ الینا، و نور لمن استضاء بنا.

ما پناهگاهیم برای کسی که به ما پناه آورد، و نوریم برای کسی که بخواهد
از ما کسب نور کند.^۳

هر کسی که در راه آنها قدم بردارد بدون تردید راه را برای او روشن می کنند و اجازه

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۰۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۱۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۹.

نمی‌دهند که در تاریکی‌ها دچار حیرت و سرگردانی شود. هرچه انسان‌ها ظرفیت و قابلیت و استعداد بیشتری داشته باشند بیشتر می‌توانند از نور امام علیه السلام استفاده کنند. و لذا در زمان ظهور تابش نور امام علیه السلام به حدی است که مردم به برکت آن، از آفتاب و ماه بی‌نیاز می‌گردند.

مفضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

إِن قَامْنَا إِذَا قَامَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ
ذَهَبَتِ الظُّلَّةُ.^۱

هنگامی که قیام کننده ما قیام کند زمین با نور مربی خود روشن گردد و مردم از نور خورشید بی‌نیاز گردند و تاریکی زائل شود.

در آن دوران باشکوه نور جایگزین ظلمت شود، نور علام و دانش جایگزین تاریکی جهل و نادانی شود، نور عدل و داد جایگزین ظلمت بیداد و ستم شود، و از ظلمت اثری باقی نماند.

• قرآن کتاب هدایت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان ویژگی‌های قرآن می‌فرماید:

هُدًى لِّمَنْ أَرَادَ بِهِ.

قرآن هدایت کننده و راهنمای کسانی است که از رهنمودهای آن تبعیت کنند.

و در ضمن خطبه‌ای در توصیف قرآن می‌فرماید:

فَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغْشَى وَالْهَادِي الَّذِي لَا يَضِلُّ وَ
الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ.

بدانید این قرآن نصیحت‌کننده و خیرخواهی است که فریب نمی‌دهد، و هدایتگر و راهنمایی است که گمراه نمی‌کند و خبر دهنده‌ای است که

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

دروغ نمی‌گوید.

از باارزش‌ترین نعمت‌های معنوی نعمت هدایت است و سایر نعمت‌ها فرع این نعمت بزرگ است.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ﴾^۱.

«من آمرزنده‌ام کسی را که توبه کرده، ایمان آورده، عمل صالح انجام داده و در جاده هدایت قرار گرفته است.»

در این آیه شریفه دقت کنید، توبه، ایمان و عمل صالح نمی‌توانند انسان را به آموزش الهی برسانند، لازمه آموزش «ثم اهتدی» است. تا مادامی که انسان در مسیر صحیح حرکت نکند و در صراط مستقیم قدم نهد، یعنی هدایت نشده باشد هیچ چیزی نصیب او نخواهد شد.

و هدایت در پرتو قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام حاصل می‌شود.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد قرآن می‌فرماید:

القرآن هدی من الضلالة و تبیان من العمی.

قرآن کتاب هدایت است که بشر را از گمراهی می‌رهاند و آن روشنگری است که آدمی را از کوری و نا آگاهی بازمی‌دارد.^۲

و نیز فرموده است:

من آثره علی ما سواه هداه الله و من طلب الهدی فی غیره أضله الله.

کسی که آن را بر غیر آن برگزیند خداوند او را هدایت نماید و کسی که خواهان هدایت از غیر آن باشد خدا او را گمراه سازد.^۳

۱. سوره طه، آیه ۸۲.

۲. عیاشی، ج ۱، ص ۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۱.

اهل بیت علیهم السلام نیز سرچشمه هدایتند و هر کسی که خواهان هدایت است باید هدایت را از آنان بجوید.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

جعلهم الله اركان الأرض... لا يتهدى هاد الا بهداهم.

خداوند اهل بیت علیهم السلام را ارکان زمین قرار داد... هیچ کس جز به هدایت آنان هدایت نمی‌شود.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الا وقد جعلت علياً علماً للناس، فمن تبعه كان هادياً ومن تركه كان ضالاً.

آگاه باشید و بدانید من علی علیه السلام را علامت و نشانه برای مردم قرار دادم، کسی که از او پیروی کند هدایت شود و راه را بیابد و کسی که او را رها کند گمراه است.^۲

راه هدایت منحصر است به راه امیرالمؤمنین علیه السلام و هر راهی جز راه او بیراهه است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

كان امير المؤمنين عليه السلام باب الله الذي لا يؤق الا منه، وسبيله الذي من سلک بغيره هلك.

امیرالمؤمنین علیه السلام آن دری است که جز از آن در نمی‌توان به درگاه ربوبی راه یافت و راهی است که هر کس غیر آن را بپوید هلاک می‌گردد.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله به عمار فرمود:

يا عمار، ان رأيت علياً قد سلک وادياً و سلک الناس كلهم وادياً فاسلک مع علي عليه السلام.^۴

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۵۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۵۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۴۴، ح ۴۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۳۹، سطر ۱.

اگر حضرت علی علیه السلام را دیدی که در راهی قدم نهاده و همه مردم را دیدی در راه دیگری می‌روند، تو راه علی علیه السلام را اختیار کن که تنها راه او راه هدایت است.

علی علیه السلام رایت هدایت و مشعل هدایت و باب هدایت است، او معیار، میزان و صراط مستقیم است.

هرکه هدایت را از غیر او بجوید گمراه است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اعلموا أن الله عزوجل من علی أهل الدین اذا هدهم بی، و أنا امن علی أهل الدین اذا اهدیهم بعلی بن ابيطالب ابن عمی و ابي ذریتی، ألا و من اهتدی بهم نجی، و من تخلف عنهم ضل و غوی.

بدینند خداوند تبارک و تعالی بر اهل دین و دیانت منت نهاده، زیرا آنها را به وسیله من هدایت فرموده است، و من بر اهل دین و دیانت منت می‌نهم زیرا آنان را به وسیله علی بن ابیطالب، پسرعمو و پدر و ذریه‌ام هدایت می‌نمایم. آگاه باشید و بدانید، کسی که به وسیله اینان هدایت شود اهل نجات است و کسی که از آنان تخلف کند گمراه و فریب خورده است.^۱

فهم دین و معارف قرآن نیز به هدایت آنان نیازمند است.

در مورد دین حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرموده‌اند:

ان دین الله لا یصاب بالعقول الناقصة والآراء الباطلة والمقاييس الفاسدة، ولا

یحاب الا بالتسليم، فن سلم لنا سلم، و من اهتدی بنا هدی

به دین پروردگار با این عقل‌های ناقص و آراء باطل و مقیاس‌های فاسد

نمی‌تواند رسید، و تنها راه رسیدن به آن تسلیم است، کسی که بر آستان ما

سرنهد و تسلیم ما گردد سلامت می‌ماند و کسی که به وسیله ما هدایت

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۴۳، ح ۹۷.

شود او راه را یافته و هدایت شده است.^۱

و در مورد قرآن امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

لیس شیء أبعد من عقول الرجال من تفسیر القرآن.

چیزی به اندازه تفسیر قرآن از عقول مردان دورتر نیست.^۲

یعنی قرآن، این کتاب آسمانی را نمی‌توان با این عقل‌های نقص و محجوب و مغلوب تفسیر کرد تنها اهل بیت علیهم السلام که خزانه‌دار علم الهی و معدن علم او هستند با تمام رموز، اسرار، علوم و حقایق قرآن آشنایند و کسانی که بخواهند با قرآن و علوم آن آشنا شوند باید به آنها مراجعه کنند و از هرگونه اظهارنظری خودداری کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

من تکلم فی القرآن برأیه فقد أخطأ.

کسی که درباره قرآن به رأی خود سخن بگوید همانا اشتباه کرده است.^۳

و امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

ایاک أن تفسر القرآن برأیک.

از اینکه بخواهی قرآن را به رأی خود تفسیر کنی جداً پرهیز کن.

قرآن را اگر هرکسی به دلخواه خود تفسیر کند پرواضح است که نمی‌تواند مردم را هدایت کند، بلکه آنها را به این سو و آن سو و انحراف می‌کشاند. فرقه‌ها و مذاهب مختلف هر کدام بر مبنای میل و سلیقه و نظر خود به نفع خود از آیات این قرآن دلیل می‌آورند.

منصور بن حازم در محضر امام صادق علیه السلام عرض کرد: به این مردم عوام یعنی مخالفین گفتیم: «فحین مضی رسول الله صلی الله علیه و آله من كان الحجة علی خلقه؟» پس از

رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله حجت بر خلق کیست؟

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۱۰، ح ۱۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۱۱.

گفتند: قرآن، دیدم با این قرآن فرقه‌های مختلف یعنی مرجئه و قدریه و زندیقی که به آن ایمان ندارد مخاصمه می‌کنند و طرف مقابل را محکوم می‌نماید (هر کدام آیات قرآن را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که به نفع او باشد و عقیده و فکر او را اثبات کند، زیرا قرآن ذو وجوه است) از اینجا دانستم که قرآن نمی‌تواند حجت باشد مگر آنکه قیّم داشته باشد و او در کنار قرآن بیان‌کننده وجه صحیح و تفسیر صحیح آن باشد.

به آنها گفتم: قیّم قرآن کیست؟ یعنی چه کسی است که می‌تواند پرده از حقایق قرآن بردارد و در موارد اختلاف حق را بیان کند؟
گفتند: ابن مسعود می‌داند، عمر می‌داند، خدیفه می‌داند.

گفتم: آیا آنها تمام قرآن را می‌دانند؟ گفتند: نه، و جز علی بن ابیطالب کسی را نیافتم که گفته شود: تمام قرآن را می‌داند،^۱ هنگامی که مشکلی در میان قوم پیش می‌آمد، هر کدام از اینها می‌گفتند: نمی‌دانیم، و تنها علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ بود که می‌گفت: می‌دانم و مشکل را حل می‌کرد پس باید گفت و گواهی داد که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ قیّم قرآن بوده و آنچه او درباره قرآن بگوید حق است.^۲

آری، راسخون در علم که تأویل قرآن را می‌دانند تنها اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند و تمام رموز و اسرار و علوم و معارف قرآن در سینه مبارک آنان است و هیچ کس بدون همراهی آنان نمی‌تواند از این دریای بی‌کران الهی بهره‌مند شود، بلکه بدون تردید دچار حیرت و سرگردانی می‌شود و به ساحل نمی‌رسد و لذا بر ما است که برای فهم معانی دقیق قرآن و معرفت تفسیر و تأویل آن به کسانی مراجعه کنیم که علم آن به آنها داده شده، و آنها جز

۱. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند: «ما يستطيع أحد أن يدعى أن عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الأوصياء». کسی جز اوصیاء نمی‌تواند ادعا کند که تمام قرآن ظاهر و باطن آن نزد او است. (اصول کافی: ج ۱، ص ۲۲۸).

و در ضمن حدیث فرموده‌اند: «و نحن فعلمه فليس يعلمه غيرنا» تنها ما هستیم که می‌دانیم و غیر ما آن را نمی‌داند. (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۱، ح ۵)
۲. کافی: ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۲.

اهل بیت علیهم السلام نیستند.

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه «فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱

فرمودند:

کتاب الله الذکر، و أهله آل محمد الذين أمر الله بسؤالهم، و لم يؤمروا بسؤال الجہال.

مقصود از «ذکر» کتاب خدا است و اهل آن آل محمد علیهم السلام هستند که خداوند تبارک و تعالی به سؤال کردن از ایشان امر فرموده است و آنها هرگز به سؤال کردن از جاهلان امر نشده‌اند.^۲

کتاب که پیش رو دارید شرح این اجمال است که بیان گردید، مؤلف محترم علیه السلام سید فاضل و علامه زکی شرف‌الدین علی حسینی استرآبادی، که شیخ حرّ عاملی در توصیف او فرموده: «كان فاضلاً محدثاً صالحاً»^۳ با فحص و بررسی و با دقت لازم روایاتی را در تأویل آیاتی که متضمن مدح اهل بیت و اولیاء ایشان و ذم دشمنانش می‌باشد جمع‌آوری نموده و در معرض استفاده عموم قرار داده است.

مؤسسه الامام المهدي علیه السلام با سابقه درخشانی که در تحقیق و نشر آثار اهل بیت علیهم السلام دارد این کتاب ارزشمند را مورد بررسی و تحقیق خود قرار داده و با مقابله دقیق با چهار نسخه خطی که در اختیار داشته و سایر مصادر موجود متن صحیحی را ارائه نموده و ما در ترجمه خود از آن استفاده کرده‌ایم.

خداوند روح ملکوتی مؤسس محترم آن مؤسسه یعنی علامه محقق حضرت آیه الله سید محمد باقر موحد ابطحی را از عمل ما خشنود و با ارواح طیبه نیاکانش محشور فرماید.

۱. سوره نحل، آیه ۴۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۹۳، ح ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۸۱، ح ۳۳.

۳. أمل الآمال، ج ۲، ص ۱۳۱.

مدیر محترم نشر راه نیکان که همواره توفیق نشر معارف اهل بیت علیهم السلام را داشته‌اند و در این زمینه خدمات شایانی انجام داده‌اند برای استفاده فارسی‌زبانان عزیز دستور ترجمه این کتاب ارزشمند را صادر نمودند و ما با عدم بضاعت امتثال امر نموده و سعی خود را در این راه مبذول داشته‌ایم، توفیق روزافزون ایشان و همکاران محترم ایشان را در خدمت بیشتر به مکتب نورانی قرآن و اهل بیت و ترویج و اشاعه فرهنگ تشیع را خواهیم.

و این سعی ناقابل را به عنوان ران ملخی به درگاه پرحشمت سلیمان زمان، فرمانروای جهان و قطب عالم امکان حضرت صاحب الزمان ارواحنا له الفداء تقدیم می‌نماییم، امیدواریم که آن رحمة للعالمین و خزینه و معدن علم، با قبول آن بر ما منت گذارند و ما را از موران درگاه خود قرار دهند.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾

اقل خدمة اهل البيت علیهم السلام

محمد ظریف

مقدمه مؤلف

بدون تردید بهترین آنچه همچون تاجی بر سرالفاظ کلمات نهاده می‌شود و قلم‌های فرشتگان در صحیفه اعمال بندگان ثبت می‌کنند حمد و ستایش کسی است که با گسترانیدن ابرهای جود وجودش بر موجودات سزاوار حمد و ستایش است و شکر کسی است که با سرازیر نمودن نعمت‌های فراوان و الطاف بی‌نهایتش شایسته شکر است. سپس درود بر پیامبر او، اشرف کائنات و برترین افراد بشر حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله که جامع جمیع کمالات است، و درود بر خاندان پاک او، درود خدا بر او و بر آنان، درودی دائمی و همیشگی تا مادامی که آسمان و زمین برپا است و تا مادامی که شکوفه گیاهی شکفته می‌گردد.

اما بعد، چون بعضی از آیات قرآن و تأویل آن را مشاهده کردم که در مدح اهل بیت علیهم‌السلام و مدح اولیاء ایشان و نیز ذم دشمنانشان می‌باشد و آن‌ها به طور پراکنده در بسیاری از کتب تفسیر و حدیث نقل شده و دسترسی به آن برای جستجوگر دشوار است دوست داشتم آن‌ها را در کتاب مستقلی گردآوری نمایم تا دسترسی به آن آسان‌تر و برای آنکه راغب است راحت‌تر و برای تحقیق واضح‌تر و برای نگاه‌کننده روشن‌تر و به سوی راه راست هدایت‌کننده‌تر باشد و تمام این تأویل را از راسخین در علم که آگاه و خبیر به همه علوم و رموز و اسرار قرآن هستند و جز خدا و آنان کسی تأویل آیات را نمی‌داند گرفته‌ام، و هرآیه را به سوره آن ملحق نمودم تا برای اهلش به صورت زیبایی جلوه کند، و نامیدم آن را به «تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة»، و آن را خالص برای خداوند کریم و وسیله تقرب به پیامبر و اهل بیت طاهرين او قرار دادم.

و پیش از شروع در تأویل و معنای آن مقدمه ای را که شایسته ذکر است ذکر می کنیم: بدان - که خدا تو را به طریق ولایت هدایت کند و از فتنه های گمراه کننده دور بدارد. ما مدح اولیاء و ذم اعداء را ذکر کردیم تا اولیاء بدانند آنچه بر اثر موالات و دوستی برای آنان آماده گردیده و آنچه برای دشمنان به خاطر دشمنی ایشان آماده گردیده چیست و به این وسیله ولایت آنان نسبت به اولیاء و تبری ایشان نسبت به اعداء تقویت شود.

۱. بدان - خدا تو را تأیید فرماید. از طریق عامه و خاصه از عبدالله بن عباس روایت شده است که گفت: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

قرآن پیرامون چهار موضوع نازل شده است: يك چهارم آن درباره ما، يك چهارم آن درباره دشمنان ما، يك چهارم آن سنت ها و مثل ها، و يك چهارم آن فرائض و احکام است، و کرائم قرآن به ما اختصاص دارد.^۱

و مقصود از «کرائم قرآن»، محاسن و بهترین های آن است به خاطر این کلام خداوند تبارک و تعالی:

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾^۲

«کسانی که گفتار را می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند».

و مقصود از «قول» در آیه شریفه قرآن است.

۲. و تأیید می کند آن را حدیثی که شیخ طوسی به سند خود از فضل بن شاذان و او از داود بن کثیر روایت کرده است که گفت: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا مقصود از نماز، زکات و حج در کتاب خداوند تبارک و تعالی شما هستید؟ فرمود:

نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَحْنُ الزَّكَاةُ وَ نَحْنُ الصِّيَامُ وَ نَحْنُ الْحَجُّ وَ نَحْنُ الشَّهْرُ الْحَرَامُ وَ نَحْنُ الْبَلَدُ الْحَرَامُ وَ نَحْنُ كَعْبَةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ قِبْلَةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ وَجْهُ

۱. تفسیر فرات: ص ۴۶ ح ۲؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۰۵ ح ۱ و ج ۳۶ ص ۱۱۷ ح ۶۴؛ کشف الغمّه: ج ۱، ص ۳۱۴

؛ عوالم العلوم: ج ۲/۱۵ ص ۹ ح ۳.

۲. سوره زمر، آیه ۸.

اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿فَأَيْنَمَا تُولُوْنَ فَمَهْ وَجْهَ اللَّهِ﴾ وَنَحْنُ الْبَيِّنَاتُ،
وَعَدُوْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الْفَحْشَاءُ وَ الْمُنْكَرُ وَ الْبَغْيُ وَ الْحَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ
الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ وَ الْأَصْنَامُ وَ الْأَوْثَانُ وَ الْحِبْتُ وَ الطَّاغُوتُ وَ الْمَيْتَةُ ...

مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، مکه، کعبه و قبله در کتاب خداوند ما
هستیم، وجه خداوند - یعنی آنچه باعث شناخت خداوند می شود - ما
هستیم که فرموده است: «به هر کجا روی آورید آنجا وجه خداوند است» و
مراد از آیات و بیّنات یعنی نشانه ها و دلایل ما هستیم.

و مقصود از زشتی و بدی و ستم و شراب و قمار و آنچه برای پرستش غیر
خداوند برافراشته کنند، و تیرهای قمار و انواع بت ها و مردار و خون و
گوشت خوک در کتاب خداوند دشمن ما است.

يَا دَاوُدُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقْنَا فَأَكْرَمَ خَلْقَنَا وَ فَضَّلَنَا وَ جَعَلْنَا أَمْنَاءَهُ وَ حَفَظْتَهُ وَ خَزَانَتَهُ
عَلَى مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ لَنَا أَضْدَادًا وَ أَعْدَاءَ فَسَمَّانَا فِي
كِتَابِهِ وَ كَتَبَ عَنَ أَسْمَانِنَا بِأَحْسَنِ الْأَسْمَاءِ وَ أَحَبَّهَا إِلَيْهِ تَكْنِيَةً عَنِ الْعَدُوِّ وَ سَمَّى
أَضْدَادَنَا وَ أَعْدَاءَنَا فِي كِتَابِهِ وَ كَتَبَ عَنَ أَسْمَائِهِمْ وَ ضَرَبَ لَهُمُ الْأَمْثَالَ فِي كِتَابِهِ
فِي أَبْغَضِ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ وَ إِلَى عِبَادِهِ الْمُتَّقِينَ.

خداوند تبارک و تعالی ما را آفرید و خلقت ما را نیکو و گرامی گردانید، و ما
را بر دیگران برتری بخشید و امین و خزانه دار خودش بر آنچه در آسمانها و
زمین است قرار داد، و برای ما مخالفین و دشمنانی نیز قرار داد خداوند
تبارک و تعالی در کتاب خود از ما نام برده و به صورت کنایه در قالب
محبوب ترین نام ها در نزد خودش ذکر کرده است، از مخالفین و دشمنان ما
نیز در کتاب خود نام برده و نام های آنان را به صورت کنایه در قالب
مبغوض ترین نام ها در نزد خود و بندگان پرهیزکارش ذکر کرده است.^۱

۳. و نیز آن را تأیید می‌کند حدیثی که از فضل بن شاذان مسندا از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَمِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ وَمِنَ الْبِرِّ التَّوْحِيدُ وَالصَّلَاةُ وَالصِّيَامُ وَكَظْمُ الْغَيْظِ وَالْعَفْوُ عَنِ الْمُسِيءِ، وَرَحْمَةُ الْفَقِيرِ، وَتَعَاهُدُ الْجَارِ، وَالْإِقْرَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ؛

وَ عَدْوُنَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ فُرُوعِهِمْ كُلِّ قَبِيحٍ وَ فَاحِشَةٍ فَمِنْهُمْ الْكَذِبُ وَ التَّمِيمَةُ وَ الْبُخْلُ وَ الْقَطِيعَةُ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ بغيرِ حَقِّهِ وَ تَعَدِّي الْحُدُودِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ رُكُوبِ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ مِنَ الرِّبَا وَ السَّرِقَةِ وَ كُلِّ مَا وَافَقَ ذَلِكَ مِنَ الْقَبِيحِ؛ وَ كَذَبَ مَنْ قَالَ إِنَّهُ مَعَنَا وَ هُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفَرْعٍ غَيْرِنَا.

ما اصل و اساس و ریشه هر خیر هستیم، از فروع ما و شاخ و برگ ما همه خوبی‌ها است و از خوبی‌ها توحید است، نماز، روزه، فرو نشانیدن خشم، گذشت از گنه کار، رحم کردن به فقیر، مواظبت از همسایه و اقرار کردن به فضیلت برای اهل فضیلت است.

و دشمن ما اصل و اساس و ریشه هر بدی است، از فروع آن‌ها و شاخ و برگشان هر پلیدی و زشتی و ناپاکی است پس از ایشان است دروغ، سخن چینی، بخل، قطع رحم، خوردن ربا، خوردن مال یتیم به ناحق، تجاوز از حدودی که خداوند به آن امر فرموده، ارتکاب زشتی‌ها آنچه از آن‌ها ظاهر و آشکار است و آنچه باطن و پنهان است مانند زنا و دزدی و پلیدی‌های دیگر. و دروغ می‌گوید آنکه می‌گوید با ما است در حالی که به شاخ و برگ دشمن ما آویخته است.^۱

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۰۳، ح ۱۵.

۴. و از آن جمله حدیثی است که شیخ صدوق رحمته الله علیه آن را در کتاب اعتقادات ذکر کرده، پس از ذکر مقداری از تأویل قرآن گفته است: امام صادق رحمته الله علیه فرموده‌اند:

وَمَا مِنْ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ أَوْهَا ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ إِلَّا وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رحمته الله علیه
أَمِيرُهَا وَقَائِدُهَا وَشَرِيفُهَا وَأَوْلُهَا؛

وَمَا مِنْ آيَةٍ تَسُوقُ إِلَى الْجَنَّةِ إِلَّا وَهِيَ فِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَمِّمَةِ رحمته الله علیه وَ
أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ؛

وَمَا مِنْ آيَةٍ تَسُوقُ إِلَى النَّارِ إِلَّا وَهِيَ فِي أَعْدَائِهِمْ وَالْمُخَالِفِينَ لَهُمْ؛
وَإِنْ كَانَتِ الْآيَاتُ فِي ذِكْرِ الْأَوَّلِينَ فَمَا كَانَ مِنْهَا مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ جَارٍ فِي أَهْلِ الْخَيْرِ وَ
مَا كَانَ مِنْهَا مِنْ شَرٍّ فَهُوَ جَارٍ فِي أَهْلِ الشَّرِّ؛

هر کجا در قرآن «یا ایها الذین آمنوا» نازل شده و اهل ایمان مورد خطاب قرار گرفته‌اند، امیر آنان و زمامدار آنان و شریف آنان و رئیس آنان علی بن ابی طالب رحمته الله علیه است.

آیه‌ای نیست در قرآن که اشاره به بهشت داشته باشد و به آن تشویق کند مگر آنکه در شأن پیامبر و ائمه طاهرين رحمته الله علیه و شیعیان و پیروان ایشان است. و آیه‌ای نیست که اشاره به جهنم داشته باشد مگر آنکه در شأن دشمنان و مخالفین ایشان است.

آیاتی که در ذکر پیشینیان است، اگر خیر و خوبی آنان باشد در اهل خیر نیز جاری است و اگر شر و بدی آنان باشد درباره اهل شرنیز جاری است.^۱

و در میان خوبان خوب‌تر از شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیست، و در میان اوصیاء برتر از اوصیاء آن حضرت نیست و در میان امت‌ها برتر از این امت نمی‌باشد و آن‌ها در حقیقت شیعیان اهل بیت رحمته الله علیه هستند نه دیگران، و در میان اشرار بدتر از دشمنان و مخالفان آن‌ها کسی نیست.

۱. اعتقادات: ص ۹۴؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۱۶، ح ۲۰.

بدان . خدا ما و شما را از اهل ولایت اهل بیت و از اهل برائت از دشمنان ایشان قرار دهد . تأویلی از اهل بیت ممکن است بیاید و برای آن باطنی و ظاهری باشد، پس هرگاه مطلبی باطنی از آن را شنیدی آن را انکار نکن، زیرا که آنان به تنزیل قرآن و تأویل آن داناتر و آگاهترند .

گاهی ممکن است برای يك آیه دو تأویل باشد، بخاطر علمی که آن ها دارند به آنچه صلاح و مصلحت سؤال کننده و شنونده است .

۵. از جابر بن یزید روایت شده است که گفت: از امام باقر علیه السلام درباره چیزی از تفسیر قرآن سؤال کردم، به من پاسخ آن را مرحمت فرمود، دوباره در مورد آن سؤال کردم جواب دیگری مرحمت فرمودند، عرض کردم: فدای شما شوم، پیش از این درباره این مسأله جوابی غیر از این مرحمت نمودید، فرمود:

يَا جَابِرُ إِنَّ لِقُرْآنَ بَظْنًا وَ لِبَظْنٍ بَظْنًا وَ لَهُ ظَهْرًا وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرًا وَ لَيْسَ شَيْءٌ
أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ إِنَّ الْآيَةَ تَنْزِلُ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا
فِي شَيْءٍ وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يَتَصَرَّفُ عَنْ وَجْهِهِ .

ای جابر، همانا برای قرآن باطنی و برای آن باطن باطنی است و برای آن ظاهری و برای آن ظاهر ظاهری است، و چیزی دورتر از عقول رجال از تفسیر قرآن نیست، ابتدای يك آیه درباره مطلبی، وسط آن درباره مطلبی و آخر آن درباره مطلب دیگری است و آن کلام متصلی است که به وجوه مختلفی گردانیده می شود.^۱

و چون این مطلب را دانستید شروع می کنیم در تأویل آیات . و خدا ما را بس است و او خوب یار و پشتیبانی است .

۱. تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۱۲، ح ۸۷؛ محاسن: ج ۲، ص ۷ ح ۵؛ بحار الأنوار: ج ۹۲، ص ۹۵، ح ۴۸.

در انجام
وظیفهٔ احیاء
آثار بزرگان تشیع
حضرت آیه الله الکبری امام
خامنه ای مدظله العالی
فرموده اند:

«من

این طور

تصور می کنم که بایستی
تولید کتابمان به مراتب از
آن مقدار که هست، بیشتر باشد
هم به معنای تولید کتاب... که تألیف
و ترجمه و این طور چیزهاست هم به معنای
احیای آثار کهن و قدیمی، خیلی از کتابها
هست که در قدیم چاپ شده، ولی
ما از آنها هیچ نشانه ای
نمی بینیم، و در دست
مردم نیست

این

را باید احیاء

کنند. البته مواردی

که خوب و مناسب است.»

«مصاحبه معظم له پس از بازدید

یازدهمین نمایشگاه

بین المللی کتاب

در ۵ خرداد

۱۳۷۷

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

خداوند شنوای دانا فرموده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضل سوره فاتحه

۱- در تفسیر حضرت ابا محمد امام حسن عسکری علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمودند:

هر کس آن را قرائت کند در حالی که معتقد به ولایت پیغمبر اکرم و اهل بیت آن حضرت و مطیع و فرمانبردار اوامرایشان و مؤمن به مقامات ظاهری و باطنی آنان باشد خداوند به هر حرفی از آن حسنه‌ای به او عطا فرماید.

هر حسنه‌ای از آن برای او بهتر باشد از دنیا و آنچه در آن است از اموال گوناگون و

۱. در یکی از نسخه‌های تفسیر امام عسکری علیه السلام این گونه آمده است: آن حضرت از پدر بزرگوارش، از پدران، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به من فرمود: «ما به تو سوره فاتحه و قرآن عظیم را عطا کردیم، پس بر من به فاتحه کتاب منت گذاشته و آن را به ازاء قرآن عظیم قرار داده است و اینکه فاتحه کتاب ارزنده‌ترین چیزی است که در گنج‌های عرش می‌باشد، و اینکه خداوند عزیز با جلالت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله آن را اختصاص داده و به آن او را شرافت بخشیده و هیچ یک از پیامبران را با آن حضرت در این فضیلت شریک نگردانیده جز حضرت سلیمان، که به او تنها «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را عطا فرموده، آیا نمی‌بینی او را که از بلقیس (ملکه سبا) حکایت می‌کند که گفت: نامه ارزشمندی به سوی من افکنده شده، این نامه از سلیمان است و چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان، پس هر کس آن را قرائت کند...» تا آخر حدیث که در متن آمده است.

خیرات مختلف آن و هر کس به خواننده‌ای که آن را می‌خواند گوش فرا دهد به اندازه یک سوم ثواب خواننده به او داده شود، پس هر یک از شما باید از این خیری که برای او عرضه شد زیاد بهره ببرد، که آن غنیمت است و اجازه ندهد که زمان آن بگذرد و حسرت آن در دلش باقی بماند.^۱

تأویل سوره

۲ - شیخ صدوق رحمه الله در کتاب توحید به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت در مورد آیه شریفه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ سؤال شد، فرمودند:

حرف «باء» اشاره به «بهاء الله؛ یعنی شکوه و عظمت خداوند» دارد.

حرف «سین» اشاره به «سناء الله یعنی مرتبه والای خداوند» دارد.

حرف «میم» اشاره به «ملک الله یعنی سلطنت و پادشاهی خداوند» دارد.

راوی عرض کرد: در مورد ﴿الله﴾ برای ما توضیح دهید، امام علیه السلام فرمودند:

«الف» اشاره به «آلاء الله» یعنی الطاف الهی نسبت به خلق دارد که در رأس آن نعمت

ولایت ما اهل بیت است.

«لام» اشاره دارد به الزام خداوند خلقش را به ولایت ما اهل بیت.

«هاء» اشاره دارد به «هوان» یعنی خواری و پستی مخالفین محمد و آل محمد علیهم السلام.

سپس در مورد ﴿الرحمن﴾ و ﴿الرحیم﴾ سؤال کرد، امام علیه السلام فرمودند:

«رحمان» به رحمت عام الهی اشاره دارد که شامل همه موجودات عالم می‌شود.

«رحیم» به رحمت خاص پروردگار اشاره دارد که تنها شامل حال مؤمنین می‌گردد و

آن‌ها تنها شیعیان آل محمد علیهم السلام هستند.^۲

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۴۴، ج ۱۰؛ بحار الأنوار: ج ۹۲، ص ۲۲۷، ح ۵؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج ۱.

ص ۳۰۱، ح ۶۰؛ أمالی صدوق: ص ۲۴۰، ح ۳؛ وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۸۲۳، ح ۱۳ و ص ۷۴۶، ح ۹.

۲. توحید: ص ۲۳۰، ح ۳؛ معانی الأخبار: ص ۳، ح ۲؛ بحار الانوار: ج ۹۲، ص ۲۳۱، ح.

۳- در تفسیر امام عسکری علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿الرحمن﴾ آمده است: همانا «رحمان» از رحمت مشتق گشته است.

و فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

من «رحمان» هستم و آن از «رحم» است برای آن اسمی از اسماء خودم مشتق نموده‌ام، هر که با آن بیبندد با او می‌پیوندم، و هر که با او قطع کند، با او قطع می‌نمایم. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

إِنَّ الرَّحْمَ الَّذِي اشْتَقَّهَا اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اسْمِهِ بِقَوْلِهِ أَنَا الرَّحْمَنُ هِيَ الرَّحْمُ، رَحِمَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّ مِنْ إِعْظَامِ اللَّهِ إِعْظَامَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ مِنْ إِعْظَامِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِعْظَامَ رَحِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مِنْ شِيعَتِنَا هُوَ مِنْ رَحِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ إِعْظَامَهُمْ مِنْ إِعْظَامِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَالْوَيْلُ لِمَنْ اسْتَحَفَّ بِشَيْءٍ مِنْ حُرْمَةِ رَحِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ طَوَّبَى لِمَنْ عَظَّمَ حُرْمَتَهُ وَ أَكْرَمَ رَحْمَهُ وَ وَصَلَهَا.

همانا رحمی که خداوند تبارک و تعالی آن را از اسم خود مشتق نموده به کلامش «أنا الرحمن» مقصود رحم محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (یعنی خویشاوندان آن حضرت) است، و همانا از بزرگداشت خداوند بزرگداشت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و همانا از بزرگداشت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بزرگداشت رحم آن حضرت است، و بدون تردید هر زن و مرد مؤمنی از شیعیان ما از رحم حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند و همانا بزرگداشت آن‌ها بزرگداشت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

پس وای به حال کسی که نسبت به حرمت رحم حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کوتاهی کند و استخفاف نماید، و خوشا به حال کسی که حرمت آن را بزرگ بدارد و رحم او را گرامی بدارد و با آن بیبندد.^۱

۴- امام عسکری علیه السلام در تفسیر ﴿الرحیم﴾ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت نموده‌اند که

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۴۸ ح ۱۲؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۶۶، ح ۱۲.

فرموده‌اند:

او به بندگان مؤمنش بسیار مهربان است، و از رحمت او این است که صد رحمت آفریده است یکی از آن صد رحمت را در میان همه خلق قرار داده است، تمام مهر و محبت‌هایی که در میان مردم است یا میان مادر و فرزندش می‌باشد از آن رحمت سرچشمه گرفته است، هنگامی که روز قیامت فرا رسد این یک رحمت را به نود و نه رحمت دیگر می‌افزاید و با آن به اُمَّت خاتم الانبیاء حضرت محمد ﷺ رحم می‌کند، یعنی آن‌ها را تحت پوشش آن رحمت قرار می‌دهد، آنگاه آن‌ها را شفیع می‌گرداند در مورد کسانی که دوست دارند برای او شفاعت کنند از اهل دین و آئین.

و آن قدر این شفاعت دایره‌اش گسترده است که شخصی می‌آید نزد یکی از شیعیان و به او می‌گوید: برای من شفاعت کن می‌گوید: توجه حقی بر من داری؟ می‌گوید: روزی به تو آب برای آشامیدن دادم، او به یاد می‌آورد و شفاعت می‌کند و شفاعت او پذیرفته می‌شود، دیگری می‌آید و می‌گوید: من هم بر تو حقی دارم، می‌پرسد حقّ تو چیست؟ می‌گوید روزی در هوای گرم از سایه دیوار من استفاده کردی، برای او نیز شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته می‌شود و پیوسته شفاعت می‌کند تا در مورد همسایگان، همشینیان و آشنایانش شفاعت می‌نماید.

و همانا مؤمن نزد خداوند از آنچه گمان می‌کنید گرمی‌تر است.^۱

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

ثنا و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

۵- حضرت ابا محمد عسکری علیه السلام فرموده‌اند: پدرم از جدّم، از امام باقر علیه السلام، از حضرت زین العابدین روایت کرده‌اند که: شخصی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: به من از تفسیر آیه شریفه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ خبر

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۵۱ ح ۱۳؛ بحار الانوار: ج ۸، ص ۴۴، ح ۴۴ و ج ۹۲ ص ۲۵۰ ضمن ح ۴۸.

دهید؟ حضرت فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی بعضی از نعمت‌های خود را اجمالاً به بندگانش تعریف نمود، چون آن‌ها بر معرفت همه آن‌ها به تفصیل توانایی ندارند زیرا آن‌ها بیشتر از آن هستند که تعریف شوند و شمارش گردند، آنگاه به آن‌ها فرمود: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ «حمد و ستایش شایسته خداوندی است که پروردگار جهانیان است» برآنچه به سبب آن بر ما نعمت بخشیده و از ما در کتاب‌های پیشینیان پیش از آنکه ما باشیم به خیر و خوبی یاد فرموده است، و این واجب می‌سازد بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام و بر شیعیان ایشان، که او را شکر نمایند بخاطر برتری و فضیلتی که به آن‌ها مرحمت فرموده است.^۱

﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ و ﴿و

مهربان و رحم‌کننده بر همه و بر مؤمنین است * مالک و فرمانروای روز جزاست

رحمان و رحیم دو صفت خداوند تبارک و تعالی است و بیان آن در تفسیر ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ گذشت.

۶- امام عسکری علیه‌السلام از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرموده‌اند:

مقصود از «یوم الدین» در آیه شریفه ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ روز حساب است.

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که فرمودند: آیا به شما از باهوش‌ترین افراد و احمق‌ترین آنان

خبردهم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. پس ایشان فرمود:

أَكْبَسُ الْكَيْسِيِّينَ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَإِنَّ أحمَقَ الْحَمَقِ مَنِ

اتَّبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَ تَمَتَّى عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْأَمَانِيِّ.

زیرک‌ترین افراد کسی است که محاسبه نفس کند و برای بعد از مرگ خود کار کند، و

احمق‌ترین افراد کسی است که پیروی از هواهای نفسانی خود کنید و آرزوهای دراز در سر

۱. تفسیر امام عسکری علیه‌السلام : ص ۴۴؛ بحارالانوار؛ ج ۲۶، ص ۲۷۴، ح ۱۷؛ عیون اخبار الرضا علیه‌السلام : ج ۱،

ص ۲۸۲، ح ۳۰؛ علل الشرائع؛ ص ۴۱۶، ح ۳.

بپروراند.

شخصی سؤال کرد: ای امیرالمؤمنین انسان چگونه به حساب خود رسیدگی کند؟
امام علیه السلام فرمودند:

صبح را که به شب رسانید به خودش مراجعه کند و بگوید: ای نفس، این روزی بود که بر تو گذشت و هرگز باز نمی‌گردد و خداوند تبارک و تعالی از تو در مورد آن سؤال می‌کند که چگونه آن را سپری کردی و چه عملی در آن انجام دادی؟ آیا به یاد خدا بودی؟ آیا او را حمد و ثنا نمودی، آیا حق برادر مؤمن خود را ادا کردی؟ آیا گرفتاری و اندوهی از او برطرف نمودی؟ آیا در غیاب او رعایت حال اهل و عیال او را نمودی، آیا بعد از مرگ او در مورد بازماندگانش حرمت او را حفظ کردی؟ آیا با آبروی خود از غیبت برادر مؤمن جلوگیری کردی؟ آیا مسلمانی را یاری نمودی؟ در این روزی که گذشت چه کردی؟

فَيَذْكُرُ مَا كَانَ مِنْهُ فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ جَرَى مِنْهُ خَيْرٌ، حَمْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَ شَكَرَهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ؛ وَإِنْ ذَكَرَ مَعْصِيَةً أَوْ تَفْصِيرًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَعَزَمَ عَلَى تَرْكِ مَعَاوَدَتِهِ، وَ مَحَا ذَلِكَ عَنْ نَفْسِهِ بِتَجْدِيدِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ عليهم السلام وَ عَرَضَ بِنِعَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَى نَفْسِهِ وَقَبُولَهُ لَهَا وَ إِعَادَةَ لَعْنِ أَعْدَائِهِ وَ شَانِئِيهِ وَ دَافِعِيهِ عَنْ حُقُوقِهِ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: لَسْتُ أَنَا قِشْقُ فِي شَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ مَوْلَاتِكَ أَوْلِيَائِي وَ مَعَادَاتِكَ أَعْدَائِي.

فکر می‌کند و کارهایش را به یاد می‌آورد پس اگر کار خیری را به یاد آورد که به دست او جاری گشته خدا را حمد و ثنا می‌گوید و بر این که به او توفیق مرحمت کرده شکر می‌نماید و اگر معصیت و تقصیری را به یاد آورد، از خدا آمرزش می‌طلبد و تصمیم جدی بر ترک آن و عدم تکرار آن می‌گیرد،

و این گناه را با تجدید صلوات بر محمد و خاندان پاکش و عرضه نمودن بیعت امیرالمؤمنین را بر خود و پذیرش آن و با لعن بردشمنان و مخالفان آن حضرت و کسانی که او را از حقش باز داشتند محو می‌کند و از بین می‌برد.

و چون چنین کرد خدای تعالی می‌فرماید: با تو در مورد هیچ یک از گناهان مناقشه

نمی‌کنم با ولایتی که نسبت به اولیاء من و عداوتی که نسبت به دشمنان من داری.^۱

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^۵

«تنها تو را پرستش می‌کنیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم»

۷- امام عسکری علیه السلام در مورد آیه شریفه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ فرمودند: خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

ای خلقی که بر آنان نعمت داده شده، بگویید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ تنها تو را عبادت و بندگی می‌نماییم ای خدایی که بر ما نعمت بخشیدی و تو را با اخلاص و با خضوع و خشوع بدون اینکه بخواهیم به کسی نشان دهیم یا به گوش کسی برسانیم اطاعت می‌کنیم ﴿وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ و تنها از تو یاری می‌جوئیم، از تو یاری می‌طلبیم بر اطاعت تو تا آنکه آن گونه که امر فرموده‌ای بجا آوریم، و از دنیا آنچه ما را از آن نهی فرموده‌ای پرهیز کنیم، و از شیطان و لشکریان انس او که گمراهند و آزار دهنده و ستمگر، در پناه تو پناهنده می‌شویم.^۲

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۶

«ما را به راه راست هدایت کن»

۸- امام عسکری علیه السلام فرمودند: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند: ما را به راه راست، آن راهی که به محبت تو و بهشت تو منتهی می‌شود و مانع می‌گردد از این که هواها و خواهش‌های نفسانی خود را پیروی کنیم که گرفتار رنج و زحمت شویم یا به آراء و نظرات خود عمل کنیم که گرفتار هلاکت گردیم، راهنمایی فرما.^۳

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۵۲، ح ۱۴؛ بحار الانوار: ج ۷، ص ۶۹، ح ۱۶؛ تنبیه الخواطر: ج ۲، ص ۹۴.
 ۲. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۵۳، ح ۱۵؛ بحار الانوار: ج ۷، ص ۲۱۶ و ج ۹۲، ص ۲۵۱، ضمن ح ۴۸؛ تنبیه الخواطر: ج ۲، ص ۹۵.
 ۳. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۵۷، ح ۱۵؛ بحار الانوار: ج ۴۷، ص ۲۳۸، ح ۲۳، احتجاج: ج ۲، ص ۱۲۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۶۵؛ معانی الاخبار: ص ۳۳.

۹- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل، از خداوند تبارک و تعالی روایت نموده‌اند که فرمود:

يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَسَلُونِي الْهُدَى أَهْدِيكُمْ.

ای بندگان من، همه شما گمراهید جز کسی که او را هدایت کنم، پس از من هدایت بخواهید تا شما را هدایت کنم.

۱۰- وَمِنْهُ:

ای بندگان من به برترین اطاعت‌ها و اعظم آنان عمل کنید تا اگر در غیر آن کوتاهی کردید نسبت به شما مسامحه کنم، بزرگترین معاصی و زشت‌ترین آن‌ها را ترک کنید تا اگر غیر آن را انجام دادید با شما مناقشه نکنم.

فَإِنَّ أَعْظَمَ الطَّاعَاتِ تَوْحِيدِي وَتَصْدِيقِي نَبِيِّي وَالتَّسْلِيمُ لِمَنْ نَصَبْتُهُ بَعْدَهُ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالأئِمَّةُ الظَّاهِرُونَ مِنْ نَسْلِهِ...

بدانید برترین اطاعت و بزرگترین فرمانبرداری توحید من و تصدیق پیامبر من و تسلیم بودن در برابر کسی است که او را بعد از خود نصب فرموده یعنی علی بن ابی طالب و ائمه طاهرين از نسل پاک آن حضرت.

و همانا بزرگترین معصیت نزد من کفر به من و به پیامبرم و مخالفت کردن با ولی او بعد از او یعنی علی بن ابی طالب و اولیاء علی بن ابی طالب بعد از او یعنی ائمه طاهرين علیهم السلام است، پس اگر می‌خواهید نزد من در مرتبه والا و مقام ارزنده‌ای باشید باید هیچ یک از بندگانم نزد شما برتر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و بعد از او برادرش علی بن ابی طالب و بعد از آن دو، فرزندان معصوم ایشان - که قیام کننده به امور بندگان من بعد از ایشان هستند - نباشد، پس کسی که عقیده‌اش چنین باشد او را از اشراف فرمانروایان به‌ششم قرار می‌دهم.

بدانید مبعوض‌ترین خلق نزد من کسی است که به من خود را مثال زند و ادعای ربوبیت من را بنماید، و بعد از او مبعوض‌ترین خلق نزد من کسی است که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خود را مثال زند و ادعای نبوت او را داشته باشد و در این مقام با او منازعه

کند، و بعد از او مبعوض‌ترین خلق کسی است که خود را مثال وصی حضرت محمد ﷺ تصور کند و نسبت به جایگاه او با او منازعه کند و ادعای آن مقام را داشته باشد، و بعد از این مدعیان دروغین مبعوض‌ترین خلق که دچار خشم و غضب من گردیده کسی است که این مدعیان را یاری رساند، و بعد از اینها مبعوض‌ترین خلق نزد من کسی است که به فعل آن‌ها راضی باشد اگر چه آن‌ها را یاری ننموده باشد.

محبوب‌تر از همه خلق نزد من قیام‌کنندگان به حق من هستند، و برترین آنان نزد من و گرامی‌ترین آنان بر من حضرت محمد ﷺ است که سرور همه خلق است، و گرامی‌ترین آنان و برترین آنان بعد از او حضرت علی علیه السلام برادر مصطفی است سپس بعد از آن دو قیام‌کنندگان به قسط و پیشوایان حق هستند، و برترین مردم بعد از ایشان کسانی هستند که آن‌ها را بر حقیقت یاری نمایند، و بعد از آنان کسانی هستند که آنان را دوست و دشمنان آنان را دشمن بدارند اگر چه یاری نمودن آنان برای ایشان ممکن نباشد.^۱

۱۱ - و معنی این تاویل این است که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه طاهرين - که درود خدا بر آنان باد - صراط مستقیم هستند به خاطر آنچه بیان آن می‌آید، از طریق عامه، از ابن عباس روایت شده است که در تفسیر ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ گفته است: یعنی ما را به ولایت حضرت محمد ﷺ و اهل بیت آن حضرت - که درود خدا بر آنان باد - هدایت کن.^۲

۱۲ - و علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر «صراط مستقیم» فرمودند: مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام و معرفت آن حضرت است. و دلیل بر آن، این آیه شریفه است: ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ﴾ «و همانا او در «أم الكتاب» نزد ما علی حکیم است».^۳

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۵۵، ج ۱۹؛ جواهر السنیه: ص ۱۷۱؛ مستدرک الوسائل: ج ۵، ص ۱۶۳.

۲. شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۵۸، ج ۸۷؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۷۳؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۶.

۳. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۴۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۱، ج ۳۵، ص ۳۷۳؛ معانی الاخبار: ج ۲، ص ۳.

۱۳ - و تأیید می‌کند آن را، آنچه از ایشان علیهم‌السلام روایت شده که فرمودند:

همانا «صراط» دو صراط است، یکی در دنیا و دیگری در آخرت صراطی که در دنیا است امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، هر کس در دنیا به ولایت آن حضرت رهنمون گردید بر صراطی که در آخرت است عبور می‌کند، و کسی که در دنیا به ولایت او راه نیافت بر صراطی که در آخرت است عبور نخواهد کرد و از آن نمی‌تواند بگذرد.^۱

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾

«راه کسانی که بر آنان نعمت بخشیدی»

هنگامی که صراط مستقیم را ذکر کرد در مقام تعریف آن و معرفی اهل آن فرمود:

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾، اکنون کلام درباره کسانی است که بر آنان نعمت داده شده و راه آنان راه مستقیم است.

طبرسی رحمته‌الله در تفسیرش فرموده است:

آن‌ها پیامبر اکرم و ائمه طاهرين علیهم‌السلام هستند به دلیل این آیه شریفه: ﴿فَأُولَئِكَ مَعَ

الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ﴾^{۲، ۳}.

۱. شیخ صدوق رحمته‌الله از مفضل روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه‌السلام در مورد صراط سؤال کردم، حضرت فرمودند: صراط راهی است که آدمی را به معرفت و شناخت پروردگار رهنمون گردد، و آن دو تا است، یکی در دنیا و دیگری در آخرت، صراطی که در دنیا است مقصود امامی است که اطاعت و فرمان برداری از دستوراتش بر همگان واجب است، هر که او را در دنیا شناخت و راه هدایت او را پیمود بر پل صراط که روی جهنم کشیده شده عبور کند، و کسی که او را در دنیا نشناخت و از معرفت او بی‌بهره ماند بر صراط آخرت دچار لغزش شود و در آتش دوزخ سقوط کند. معانی الأخبار: ص ۳۱.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۱، ح ۳؛ غایة المرام: ج ۳، ص ۴۶، ح ۱۱؛ المحجة البيضاء: ج ۱، ص ۲۵۰؛ اثبات الهداة: ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱۰۷.

۳. سوره نساء: آیه ۶۹.

۴. مجمع البیان: ج ۱، ص ۲۸.

۱۴ - و آن را تأیید می‌کند آنچه در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است، آن حضرت در تفسیر آیه شریفه ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ فرموده‌اند:

یعنی بگویند: ما را به راه کسانی که به آنان با توفیق دینداری و اطاعتت نعمت بخشیدی هدایت کن. و آن‌ها کسانی هستند که خداوند تبارک و تعالی درباره آن‌ها فرموده است: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾ «کسی که خدا و رسول را اطاعت کند با کسانی است که خداوند به آن‌ها نعمت مرحمت فرموده و آن‌ها پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان هستند و آن‌ها رفیقانی نیکومی باشند».

و مراد از نعمتی که به آن‌ها داده شده مال و ثروت و صحت بدن نیست اگرچه هر یک از این‌ها نعمتی از نعمت‌های ظاهریه الهیه است، ولی این گونه نعمت‌ها به آن‌ها اختصاص ندارد، آیا نمی‌بینید در میان کسانی که از چنین نعمت‌هایی برخوردارند گاهی کافریا فاسق نیز دیده می‌شود، به شما دستور داده نشده که دعا کنید تا به راه آنان هدایت شوید، بلکه دستور داده شده که دعا کنید تا به راه کسانی هدایت شوید که به آن‌ها ایمان به خدا و تصدیق رسول گرامی او و ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و اصحاب نیکوکار برگزیده‌اش داده شده و نیز به آن‌ها تقیه‌ای عنایت شده که به وسیله آن از شر بندگان خدا مصون بمانند و مانع زیاد شدن جرم و گناه دشمنان خدا و کفر آنان شوند به اینکه با آن‌ها مدارا کنند و آن‌ها را به اذیت و آزار مؤمنین و ادار نکنند و نیز معرفت به حقوق برادران دینی به آن‌ها عطا شده است، پس بدون تردید هر مرد و زنی که ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و اصحاب راستین آن حضرت را دارا باشد و با دشمنان آنان دشمن باشد حصار بازدارنده و سپر محکمی در برابر عذاب الهی اتخاذ کرده است.^۱

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۶۰ ح ۲۲؛ بحار الانوار: ج ۶۸، ص ۷۸، ح ۱۴؛ تنبیه الخواطر: ج ۲، ص ۹۸.

﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ ٧

«نه آن‌هایی که بر آنان غضب شده و نه گمراهان»

۱۵ - امام عسکری علیه السلام روایت کرده‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

خداوند تبارک و تعالی به بندگان امر فرموده است که راه کسانی را که به آن‌ها نعمت داده شده، یعنی راه پیامبران، صدیقین، شهداء و صالحین را بخواهند و درخواست کنند.

و به او پناه ببرند از راه «کسانی که بر آن‌ها غضب شده است»، یعنی یهود، خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿قُلْ هَلْ أَنْتُمْ بِشِرِّ مَنِ ذَلِكُمْ مَثُوبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَعَظِبَ عَلَيْهِ﴾^۱ «بگو: آیا شما را به کسانی که پاداش ایشان نزد خدا بدتر از این است با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آن‌ها را لعنت نموده و مورد خشم خود قرار داده است»، و آن‌ها یهود هستند.

و نیز به او پناه ببرند از راه «گمراهان»، و آن‌ها کسانی هستند که خداوند تبارک و تعالی درباره آن‌ها فرموده است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾^۲ «بگو: ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و غیر از حق نگویند و از خواسته‌های گروهی که پیش از این گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند پیروی ننمایید» و آن‌ها نصاری هستند.^۳

۱۶ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ فرمودند:

مقصود از «کسانی که بر آن‌ها غضب شده» ناصبی‌ها هستند و مقصود از «گمراهان» شکاکی هستند که امام علیه السلام را نشناخته‌اند.^۴

۲. سوره مائده، آیه ۷۷.

۱. سوره مائده، آیه ۶۰.

۳. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۶۲، ح ۲۳؛ بحار الأنوار: ج ۲۵، ص ۲۷۳؛ اثبات الهداة: ج ۷، ص ۴۷۱ ح ۶۳.

۴. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۴۲؛ بحار الأنوار: ج ۹۲، ص ۲۳۰، ح ۱۱.

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ ﴿١﴾ - ﴿٢﴾

«الم از حروف مقطعه است، این کتاب تردیدی در آن نیست هدایتگر متقین است،

کسانی که به غیب ایمان می آورند و نماز را به پا می دارند و از آنچه خدا به آن ها

روزی فرموده انفاق می کنند»

۱ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند:

«الم» و هر حرف مقطعه ای در قرآن از حروف اسم اعظم خداوند است که آن را

رسول صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام گردآوری نموده و به آن دعا می کنند و به اجابت می رسد.

جابر می گوید: عرض کردم تفسیر آیه شریفه ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ چیست؟

امام علیه السلام فرمودند:

مقصود از «کتاب» امیرالمؤمنین علیه السلام است و هیچ گونه تردیدی در او نیست که او امام

است،

و مقصود از «متقین» در آیه شریفه ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ شیعیان ما هستند،

و مقصود از «غیب» در آیه شریفه ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ برانگیخته شدن،

رستاخیز، قیام امام قائم علیه السلام و رجعت است.

و مقصود از ﴿وَمِمَّا زَرَقْنَا لَهُمُ الْيُفُوقَ﴾ یعنی از آنچه از قرآن می آموزند تلاوت می کنند.^۱
 ۲- و تأیید می کند آن را حدیثی که شیخ صدوق رحمته الله به سند خود از یحیی بن ابی القاسم روایت کرده است، و از امام صادق رحمته الله تفسیر این آیات را سؤال کرد، امام رحمته الله فرمودند:

«المتقون» هم شیعة علی رحمته الله و «الغیب» هو الحجة الغائب.

مقصود از متقین، شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رحمته الله و مقصود از غیب حجت غائب پروردگار است.^۲

۳- و در تفسیر امام عسکری رحمته الله آمده است که فرمودند:

ان الله لما بعث موسى بن عمران ومن بعده إلى بني اسرائيل لم يكن فيهم أحد الا أخذوا عليه العهود والمواثيق ليؤمنن بمحمد العربي الأُمي.

خداوند تبارک و تعالی هنگامی که موسی بن عمران و پیامبران بعد از او را برانگیخت، از هر کدام از آن ها عهد و پیمان گرفت که به حضرت محمد رحمته الله عربی نژاد امی که به مکه مبعوث می شود و به مدینه مهاجرت می کند ایمان آورند. او کتابی می آورد که ابتدای بعضی از سوره های آن حروف مقطعه است، امت او آن ها را حفظ می کنند و ایستاده و نشسته و در حال راه رفتن و در هر حالی آن ها را می خوانند، خداوند حفظ آن را بر آن ها آسان می گرداند به برکت حضرت محمد رحمته الله و برادر و وصی او حضرت علی بن ابی طالب رحمته الله کسی که علوم او را فرا گرفته و امانت های او را که به عهده گرفته از طرف او رد کرده، و با شمشیر برنده اش هر کسی را که با حضرت محمد رحمته الله عناد ورزیده به خاک مذلت نشانده و با دلیل قاطعش هر کسی را که با او به جدال و خصومت پرداخته به سکوت وا داشته، و بر تنزیل کتاب حضرت محمد رحمته الله با بندگان خدا جنگیده تا آنان

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۵۱، ح ۶۹، و ج ۹۲، ص ۳۷۶ ح ۳.

۲. کمال الدین: ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۲۰؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۵۲، ح ۲۹ و ج ۵۲، ص ۱۲۴ ح ۱۰؛ اثبات الهداة: ج ۶، ص ۳۸۵ ح ۹۴.

را خواه ناخواه به قبول آن رهنمون گشته است.

سپس زمانی که حضرت محمد ﷺ دنیا را وداع نمود، و به رضوان پروردگار شتافت و بسیاری از کسانی که ایمانی ظاهری داشتند مرتد شدند، و تأویلات کتاب را دگرگون ساختند و معانی آن را تغییر دادند و آن‌ها را بر خلاف صورتش وضع نمودند با آن‌ها بر تأویل قرآن مبارزه نمود تا ابلیس اغواگر و منحرف کننده آنان زیانکار، ذلیل، رانده شده و مغلوب باشد.

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ و آن همان طور است که حضرت محمد ﷺ فرموده و وصی او از قول آن حضرت، و آن حضرت از قول پروردگار جهانیان فرموده‌اند.

سپس فرموده: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ یعنی بیان است و شفا است برای اهل تقوا از شیعیان حضرت محمد و علی عليهما السلام که نسبت به انواع کفر تقوا پیشه نمودند و آن‌ها را ترک کردند و نسبت به گناهان هلاکت بار تقوا پیشه نمودند و آن‌ها را رها کردند، و نسبت به آشکار نمودن اسرار الهی و اسرار بندگان پاک خداوند اوصیاء بعد از حضرت محمد ﷺ تقوا پیشه نمودند و آن‌ها را کتمان نمودند، و نسبت به پنهان کردن علوم از اهلش و کسانی که سزاوار و شایسته آن هستند تقوا پیشه نمودند و در میان آنان نشر دادند.^۱

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ ﴿٤﴾

«و کسانی که به آنچه به سوی تو و پیشینیان تو نازل شده ایمان می‌آورند و به

آخرت یقین دارند»

۴ - حضرت ابا محمد امام عسکری عليه السلام فرموده‌اند:

۱. تفسیر امام عسکری عليه السلام : ص ۷۶ ح ۳۳؛ بحار الأنوار: ج ۹۲، ص ۳۷۷، ح ۱۰ و ج ۱۰ ص ۱۴ ح ۷؛ معانی الاخبار: ص ۲۴، ح ۴.

سپس این اشخاصی را که نماز را به پا می‌دارند، توصیف نموده و فرموده است: و کسانی که به آنچه به سوی تو ای محمد ﷺ نازل شده ایمان می‌آورند، و بر آنچه پیش از تو نازل شده بر پیامبران گذشته مثل تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم و سایر کتاب‌های آسمانی که خداوند بر پیامبرانش نازل فرموده نیز ایمان می‌آورند به اینکه حَقّ است و به راستی از نزد پروردگار ارجمند صادق حکیم می‌باشد.

﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ یعنی به سرای آخرت بعد از این دنیا یقین دارند و هرگز در آن تردیدی ندارند، سربایی است که پاداش کارهای شایسته و نیکو به برتر از آنچه عمل کرده‌اند و کیفرهای ناشایسته و زشت مطابق آنچه مرتکب شده‌اند به آن‌ها داده می‌شود.^۱ امام عسکری علیه السلام از امام مجتبی علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمودند:

کسی که فضیلت و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام را رد کند در واقع تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم و سایر کتب آسمانی را که خداوند نازل فرموده تکذیب کرده است، زیرا هیچ یک از آن‌ها نازل نشده مگر آنکه مهم‌ترین چیزی که بعد از امر به توحید پروردگار و اقرار به نبوت در آن آمده اعتراف به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و خاندان پاک آن حضرت است.^۲

﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿٥﴾

«آنان را بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگاران هستند.»

۵- امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

هنگامی که خداوند سبحان از جلالت و مرتبه والای موصوفین به این صفات خبر داد، یادآور شد که آن‌ها بر هدایت و روشنی و حق و حقیقت از طرف پروردگارشان و علم و آگاهی به آنچه ایشان را امر فرموده هستند ﴿هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آن‌ها از آنچه کافران در آن

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۹۷ ح ۴۵؛ بحار الانوار: ج ۶۷، ص ۱۸، و ج ۶۸، ص ۲۸۵، ح ۴۳.

۲. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۹۸، ح ۴۶؛ بحار الانوار: ج ۶۸، ص ۲۸۶.

گرفتارند رهایی یافته اند.^۱

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ ﴿۱۰﴾

«همانا نسبت به کسانی که کافر گشته اند فرق نمی کنند آنان را بیم دهی یا بیم ندهی ایمان نمی آورند».

۶- امام عسکری علیه السلام فرموده اند:

هنگامی که مؤمنان را یاد نمود و آن‌ها را مدح و ثنا فرمود کافرانی را که با آنان مخالفند یاد کرد و فرمود:

همانا کسانی که به خدا و به آنچه مؤمنان ایمان آورده اند، یعنی به توحید پروردگار و به نبوت رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و به وصایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و به ائمه طاهرین علیهم السلام بهترین بندگان او که وجودشان منشأ خیر و برکت است و آن‌ها به مصالح خلق خداوند تبارک و تعالی قیام کننده اند، کافر گشته اند «نسبت به آن‌ها فرق نمی کند آن‌ها را بترسانی یا نترسانی، ایمان نمی آورند» درباره آن‌ها از روی علم و آگاهی خبر داده است که آن‌ها ایمان نمی آورند.^۲

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿۸﴾

«بعضی از مردم به گونه ای هستند که می گویند به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم در حالی که مؤمن نیستند»

۷- امام عسکری علیه السلام روایت کرده اند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر، امیرالمؤمنین علیه السلام را در جایگاه معروف و مشهورش قرار داد، رو کرد به جمعیت انبوه حاضرین؛ و به آنها فرمود: ای بندگان خدا،

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۹۹، ح ۴۹؛ بحار الانوار: ج ۶۸، ص ۲۸۶، ح ۴۳.

۲. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۱۰۰، ح ۵۱؛ بحار الانوار: ج ۹، ص ۱۷۳، ح ۲، و ج ۶۸، ص ۲۸۶.

نسب و نژاد مرا بیان کنید. عرض کردند: شما محمد پسر عبدالله، پسر عبدالمطلب، پسر هاشم، پسر عبد مناف هستید.

فرمود: ای مردم! آیا من نسبت به شما از خود شما اولی و سزاوارتر نیستم؟ عرض کردند: سزاوارترید ای رسول خدا.

فرمود: آیا من مولای شما و سزاوارتر به شما از خود شما به شما هستم؟ عرض کردند: آری! ای رسول خدا.

آنگاه رسول خدا ﷺ نگاهی به سوی آسمان کرد و فرمود: خدایا تو گواه باش، و سه مرتبه آن را تکرار نمود، مردم هم سه مرتبه آن را تکرار کردند.

سپس فرمود: آگاه باشید! هر که من مولای او و سزاوارتر نسبت به او هستم، این علی مولای او و سزاوارتر نسبت به او است، سپس دعا کرد و فرمود: خدایا! دوست او را دوست و دشمنش را دشمن بدار، یار او را یار و خوار کننده او را خوار کننده باش.

سپس فرمود: ای ابوبکر، برخیز و با آن حضرت به عنوان امیر و فرمانروای مؤمنان بیعت کن، ابوبکر برخاست و بیعت کرد.

پس از آن فرمود: ای عمر برخیز و با او به عنوان امیر و فرمانروای مؤمنان بیعت کن، او از جا برخاست و همان گونه عمل کرد.

سپس به تمام آن نه نفر و پس از آن به رؤسای مهاجرین و انصار، آن دستور را داد و آنها همگی طبق دستور پیامبر ﷺ بیعت کردند.

در این هنگام عمر از میان جمعیت برخاست. و گفت: «بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا أَبِی طَالِبٍ، أَصْبَحْتَ مَوْلَایَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ»؛ «به به! آفرین، گوارایت باد ای پسر ابوطالب، مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گردیدی».

سپس پراکنده شدند در حالی که عهد و پیمان را با آنها محکم ساخته بود.

سپس گروهی از سرکشان و زورگویان آنها در میان خود قرار گذاشتند و توافق کردند که اگر برای حضرت محمد ﷺ حادثه‌ای پیش آید و از دنیا رود، این امر را از علی عَلِيٍّ دور بداریم و اجازه ندهیم که او بر این منصب باشد، و خداوند تبارک و تعالی از قلوب آنها

آگاه بود، آنها نزد رسول خدا ﷺ می آمدند و می گفتند: علی را که محبوبترین خلق خدا نزد خدا و شما و ما است به این منصب گماشتی و به وسیله او زحمت ظالمین و ستمگران را در اداره مملکت از ما کفایت فرمودی، آنها به زبان چنین می گفتند و خدا که می دانست در قلوب آنها چیز دیگری است و با هم قرار بسته اند که با علی دشمنی کنند و این امر را از او که سزاوار و شایسته این منصب است دور نمایند، به پیامبر خود از حال آنها خبر داد و فرمود:

ای محمد! ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ﴾ «از مردم کسانی هستند که می گویند ایمان آوردیم به خدا»، که تو را امر کرد علی عليه السلام را به عنوان امام و پیشوا و اداره کننده امور امت نصب نمایی ﴿وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ «درحالی که مؤمن نیستند و به آنچه می گویند ایمان واقعی ندارند»، بلکه به خون تو و علی عليه السلام تشنه اند و نقشه برای از بین بردن تو و علی عليه السلام کشیده اند و خود را برای سرپیچی نمودن از فرمان علی عليه السلام آماده کرده اند، اگر حادثه ای پیش آید و تواز دنیا روی^۱.

﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ ﴿١٠﴾

«با خدا و مؤمنان خدعه می کنند اما جز به خودشان خدعه نمی کنند و نمی فهمند»

۸- امام عسکری عليه السلام از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام روایت کرده اند که فرمود: این توطئه و برنامه ریزی و گفتارشان در مورد حضرت علی عليه السلام و نقشه سوء آنان به رسول خدا ﷺ رسید، آنها را احضار کرد و توبیخ و سرزنش نمود و آنها کوشیدند که خود را مؤمن نشان دهند.

اولی گفت: ای رسول خدا! به چیزی، مانند این بیعت اهمیت نمی دهم و مورد توجه من نیست، امیدم این است که خدا به خاطر آن درب قصرهای بهشت را به روی من

۱. تفسیر امام عسکری عليه السلام: ص ۱۱۷، ح ۵۸؛ بحار الأنوار: ج ۶، ص ۵۱، ح ۲ و ج ۳۷، ص ۱۴۱، ح ۳۶؛ اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۷۳، ح ۶۵۸.

بگشاید و مرا از بهترین ساکنان آن قرار دهد.

دومی گفت: پدر و مادرم فدای شما ای رسول خدا، برای وارد شدن در بهشت و رهایی از دوزخ به چیزی مانند این بیعت اطمینان ندارم، به خدا سوگند اگر در برابر نقض این بیعت یا شکستن آن، میان زمین تا عرش را برای من پر از جواهر گرانبها نمایند مرا خشنود نمی سازد.

سومی گفت: به خدا سوگند ای رسول خدا، مرا این بیعت به قدری شادمان ساخته و به قدری به رضوان و خشنودی خدا نزدیک نموده که یقین دارم اگر گناه اهل زمین را داشته باشم، به برکت آن همه اش از بین خواهد رفت و برگفته خویش سوگند یاد کرد و بر کسی که خلاف آن را به رسول خدا ﷺ گزارش داده لعنت نمود. سپس سرکشان و زورگویان دیگر با گفتن مطالبی شبیه گفتار آنها، از ایشان پیروی کردند.

خداوند تبارک و تعالی به حضرت محمد ﷺ فرمود: اینها به دروغ و برخلاف آنچه در باطن دارند اظهار ایمان می کنند و با این وسیله با رسول خدا ﷺ و مؤمنان که سرور و سالار ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام است خدعه می نمایند.

سپس فرمود: ﴿وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ﴾؛ «با این خدعه و نیرنگ جز به خودشان ضرر نمی زنند»، خدا از آنها و از یاری آنها بی نیاز است و اگر مهلت الهی نبود هرگز قدرت نداشتند این گونه طغیان و سرکشی نمایند.

﴿وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ یعنی «آنها نمی دانند» که قصه چنین است و خدا پیامبرش را از نفاق باطنی و کفر و دروغ ایشان آگاه می سازد و آن حضرت را به لعن ایشان، در ضمن لعن ستمگران پیمان شکن دستور می دهد و این لعن هرگز در دنیا از ایشان جدائی ندارد و بندگان خوب خدا آنها را لعنت خواهند نمود و در آخرت به سخت ترین عذاب الهی مبتلا خواهند شد.^۱

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۱۱۹ ضمن ح ۵۹؛ بحار الأنوار؛ ج ۳۷، ص ۱۴۳.

﴿ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

يَمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴾ ﴿۲۱﴾

«در دل‌های آنان مرض و بیماری است و خدا مرض دل‌های آنان را افزون گرداند و برای آن‌ها عذاب دردناکی است»

۹- در تأویل این آیه شریفه منقبتی عظیم و فضیلتی بزرگ برای مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام است، امام عسکری علیه السلام از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمودند:

هنگامی که منافقین با گفته‌های دروغین خود عذر آوردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله بزرگواری کرد و گفتار ظاهری آنان را پذیرفت و باطن ایشان را به خدای بزرگ واگذار نمود، جبرئیل نازل شد و عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه و آله پروردگار بلند مرتبه برای شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: به سرکشانی که خبرشان در مورد پیمان شکنی و مخالفت با علی علیه السلام به شما رسیده دستور بده بیرون روند تا عجائبی که خداوند به وسیله آنها علی علیه السلام را گرامی داشته و او را جانشین و قائم مقام توفیق داده، از اطاعت زمین و کوه و آسمان و سایر مخلوقات برای آن حضرت را مشاهده کنند تا بدانند که ولی خدا علی علیه السلام از آنها بی‌نیاز است، و از انتقام گرفتن از آنان جز به امر و فرمان الهی - که آن هم بر اساس تدبیر و حکمتی است که آن را به انجام خواهند رسانید - خودداری نکرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله آن گروه را دستور داد که بیرون روند، و به علی علیه السلام فرمود: علی جان، خداوند تبارک و تعالی اینان را به یاری و مساعدت و خدمتگزاری و کوشش در اطاعت و فرمانبرداریت دستور داده است، اگر تو را اطاعت کنند برای خود ایشان خیر و خوبی است، در بهشت الهی برای همیشه فرمانروائی می‌کنند و در ناز و نعمت به سر می‌برند، و اگر با تو مخالفت کنند، برای آنان بد خواهد بود و برای همیشه در دوزخ گرفتار عذاب می‌گردند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن گروه فرمود: بدانید اگر علی علیه السلام را اطاعت نمودید

سعادت یار شما گشته و اگر با او مخالفت کنید خداوند او را به وسیله کسانی و چیزهایی که خواهید دید و به زودی مشاهده خواهید کرد از شما بی نیاز می گرداند.

سپس رسول خدا ﷺ به علی عَلِيٌّ فرمود: علی جان، از پروردگارت به آبروی محمد و خاندان پاک او - که تو بعد از محمد سرور و سالاران هستی - بخواه که این کوه ها را به آنچه می خواهی تبدیل کند، علی عَلِيٌّ از پروردگارش درخواست نمود و کوه ها به نقره تبدیل شدند و ندا سردادند: ای علی، ای وصی رسول خدا ﷺ، همانا خداوند تبارک و تعالی ما را برای شما آماده ساخته که اگر خواستی در امر خویش انفاق فرمائی، پس هرگاه ما را بخوانی تو را اجابت خواهیم کرد تا در مورد ما حکم خویش را اجرا کنی و خواسته ات را عملی سازی، سپس همه آنها به طلای سرخ تبدیل شدند و همان گفتار نقره را بازگو نمودند، پس از آن به مشک و عنبر و یاقوت و گوهر تبدیل شدند و هر یک از آنها علی عَلِيٌّ را مخاطب قرار می داد و می گفت: ای ابا الحسن، ای برادر گرامی رسول خدا ﷺ ما همگی مسخر تو و تحت فرمان تو هستیم، هر زمان خواستی ما را در جائی انفاق کنی، دستور بده تا تو را اجابت کنیم و برای توبه هرشکلی که بخواهی دگرگون شویم.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: آیا نمی اندیشید که خداوند تبارک و تعالی علی عَلِيٌّ را به

آنچه مشاهده کردید از اموال شما بی نیاز می گرداند؟

پس از آن رسول خدا ﷺ به علی عَلِيٌّ فرمود: علی جان، از خداوند به حق محمد و خاندان پاک او - که تو بعد از محمد که رسول خدا است، سرور و سالاران هستی - بخواه که تمام درخت های اینجا را مردانی مسلح و سنگ های آن را به صورت گرگ و شیر و افعی درآورد، حضرت علی عَلِيٌّ آنگونه دعا کرد، سپس آن کوه ها و دشت ها و روی زمین پراز مردان مسلح - که ده هزار از مردان آن گروه با یکی از اینها برابری نمی کنند - و پراز گرگ و شیر و افعی گردید، به گونه ای که آن کوه ها و زمین و صحرا به وجود آنها پرشد و هر یک از آنها فریاد می زد: ای علی، ای وصی رسول خدا ﷺ، ما را خداوند تحت فرمان شما قرار داده و دستور داده است که هرگاه ما را بخوانی برای نابودی کسی، تو را اجابت کنیم؛ پس هر زمانی خواستی ما را بخوان تا تو را اجابت کنیم و دستور بده تا تو را اطاعت

نمائیم. ای علی، ای وصی رسول خدا، تونزد خدا از مقام و مرتبه والائی برخوردار هستی که اگر از او بخواهی تمام اطراف زمین و جوانب آن را برایت به شکل واحدی مانند یک کیسه بگرداند، این کار را خواهد کرد.

یا اگر بخواهی آسمان را به زمین فرود آورد و یا زمین را به آسمان بالا ببرد، انجام خواهد داد؛ یا آب تلخ دریا را آب شیرین و گوارا یا زنبق و یا بان^۱ بگرداند؛ یا آنچه بخواهی از انواع آشامیدنی‌ها و روغن‌ها، انجام خواهد داد.

اگر بخواهی آب دریا را منجمد سازد یا سایر زمین‌ها را مثل دریا قرار دهد، این کار را خواهد کرد. سرکشی این سرکشان و نافرمانی این مخالفین تورا محزون نسازد، گویا دنیا سپری شده و آنها نبوده‌اند یا به آخرت وارد شده اند به گونه ای که گویا دائماً آنجا بوده‌اند.

ای علی، آنچه ایشان را با فسق و کفرشان و نافرمانی از اطاعت تو مهلت داده همان چیزی است که فرعون و نمرود و مدعیان الوهیت و طغیانگران و در رأس همه آنها ابلیس را مهلت داده است، تو و آنها برای دنیا که دار فنا و از بین رفتن است آفریده نشده‌اید، بلکه برای آخرت که سرای همیشگی است خلق شده‌اید و از خانه‌ای به خانه دیگری منتقل خواهید شد و پروردگارت نیازی ندارد به کسی که آنها را سرپرستی و اداره کند ولی خواسته است که شرافت شما و فضیلت شما را بر آنان بیان کند و اگر می‌خواست، آنها را هدایت می‌کرد. پس دل‌های آن گروه با دیدن آن عجائب دچار مرضی گردید، افزون بر مرض حسدی که نسبت به آن حضرت و امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند و خداوند تبارک و تعالی در این هنگام فرمود:

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ دل‌های آن سرکشان پیمان شکن با بیعتی که برای علی علیه السلام از آنها گرفته شد، دچار مرض گردید.

۱. بان: گیاهی از تیره بانها که در مناطق استوایی رشد می‌کند، نرم و انعطاف پذیر است. میوه‌ای همانند لوبیا دارد که از دانه‌های آن روغنی خوش بو گرفته می‌شود.

﴿فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾؛ «و خداوند بر مرض آن افزود» به گونه ای که دل های آنان سرگردان شد، و این جزای آنان بود که آیات و معجزات به آنها نشان داده شد.

﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ «و برای ایشان عذاب دردناکی است به خاطر دروغی که گفتند که ما بر عهد و پیمان خویش استواریم».^۱

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ ﴿۱۱﴾

«و زمانی که به آنها گفته شود در روی زمین فساد نکنید گویند: ما اصلا حگريم ، آگاه باشید به راستی آنها مفسدند ولی نمی فهمند»

۱۰- امام عسکری علیه السلام از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده اند که فرمودند: زمانی که به آن بیعت شکنان غدیر گفته شود: در روی زمین با آشکار نمودن بیعت شکنی برای بندگان مستضعف خداوند فساد نکنید، که آنها در دینشان دچار تشویش و نگرانی و در مذهبشان گرفتار تحیر و سرگردانی شوند.

﴿قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾؛ «بگویند ما مصلح هستیم» زیرا که ما نه به دین محمد صلی الله علیه و آله معتقدیم و نه به دین غیر او و ما در دین متحیریم.

پس ما در ظاهر به محمد صلی الله علیه و آله با اظهار پذیرفتن دین و آئین او رضایت داده ایم ولی در باطن بر اساس شهوات و خواسته های خویش حکم می کنیم و زندگی گوارا و مرفهی داریم و خود را از دین محمد صلی الله علیه و آله و از اطاعت پسر عمیش علی علیه السلام رها می سازیم تا در دنیا در صورت پیروزی آن حضرت مغلوب نشویم و اگر امر او نابود گردید و از هم پاشید از اسیری دشمنانش سالم بمانیم.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ﴾؛ «آگاه باشید همانا اینها همان مفسدان هستند» به سبب آنچه در مورد کار خویش انجام می دهند، زیرا خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را از نفاق درونی ایشان با خبر می سازد پس آن حضرت اینان را

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام؛ ص ۱۲۰ ضمن ح ۶۰؛ بحار الانوار؛ ج ۳۷ ص ۱۴۴ ضمن ح ۳۶.

لعنت می‌کند و به مسلمانان دستور می‌دهد که ایشان را لعنت کنند. از آن طرف دشمنان مؤمنین هم به اینها اطمینان ندارند زیرا آنها هم می‌پندارند که اینها از در نفاق وارد شده و منافقانه عمل می‌کنند همانطور که با اصحاب و یاران حضرت محمد ﷺ منافقانه عمل می‌کند پس نزد آنان هم منزلت اینان بالا نمی‌رود و جایگاه اهل اطمینان را ندارند.^۱

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ ﴿۳۱﴾

«زمانی که به آن‌ها گفته شد ایمان آورید همان طور که مردم ایمان آورده‌اند، گفتند: آیا ایمان آوریم همان طور که سفیهان و نابخردان ایمان آوردند»

۱۱ - امام عسکری از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمودند:

زمانی که به آن بیعت شکنان گفته شد: به رسول خدا ﷺ و حضرت علی علیه السلام که او را در جایگاه خویش و قائم مقامش قرار داده و همه مصالح دین و دنیا را به او مربوط ساخته ایمان آورید، به این پیامبر ایمان آورید و نسبت به این امام در ظاهر و باطن امر تسلیم باشید، همانطور که مردم با ایمان مانند سلمان و مقداد و ابوذر و عمار ایمان آوردند؛ در جواب کسانی که برای آنها این مطلب را گزارش دهند (نه برای آن مؤمنان زیرا نسبت به آنها چنین جرأت و جسارتی ندارند، ولی به گروهی از منافقین یا مردم مستضعف و یا مؤمنینی که به کتمان کردن آنها مطمئن هستند) می‌گویند:

﴿أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ﴾ ؛ «آیا ایمان آوریم همانطور که سفیهان ایمان آورده‌اند» و مقصودشان از سفیهان، سلمان و یاران او هستند که دوستی خالصانه و اطاعت محض نسبت به امیرمؤمنان علیه السلام از خود نشان داده‌اند و سرهای خود را برای دوستی با دوستانش و دشمنی با دشمنانش برهنه کردند، اینها اگر امر محمد صلی الله علیه و آله و سلم دچار نابودی و از هم پاشیدگی شود به وسیله دشمنان آن حضرت شکسته می‌شوند و پراکنده می‌گردند و به

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۱۲۳ ح ۶۱ ؛ بحار الانوار: ج ۹، ص ۱۸۲ ح ۱۱، و ج ۳۷ ص ۱۴۶ ضمن ح ۳۶.

وسیله سایر فرمانروایان و مخالفان آن حضرت هلاک و نابود خواهند شد یعنی آنها به این گرفتاری احتمالی نادان و سفیه هستند.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السَّفَهَاءُ﴾ «در واقع اینها سفیه و بی‌خردند» و نظرات و آراء آنها از روی بی‌خردی است که در امر محمد ﷺ دقت لازم را ننموده‌اند تا به نبوت او شناخت لازم را پیدا کنند و به درستی آنچه به علی ؑ تعلق دارد و مربوط است از امر دین و دنیا آگاه شوند و لذا با ترک این تأمل و اندیشه جاهل باقی ماندند و از حضرت محمد ﷺ و طرفداران او و مخالفینش ترسناک و بیمناک گردیدند، نمی‌دانند کدامیک مغلوب می‌شوند و با او هلاک می‌گردند.

پس آنها سفیه و بی‌خردند که با داشتن نفاق نه محبت حضرت محمد ﷺ و مؤمنین و نه محبت یهود و سایر کافران برای ایشان سالم می‌ماند و آنها برای حضرت محمد ﷺ دوستی و ارادت خود را نسبت به او و برادرش حضرت علی ؑ و دشمنی دشمنانشان یعنی یهود و نصارا و نواصب را اظهار می‌کردند همانطور که برای آنها دشمنی حضرت محمد ﷺ و حضرت علی ؑ را اظهار می‌داشتند.^۱

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا - إِلَى قَوْلِهِ - إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

«هنگامی که اهل ایمان را ملاقات کنند به آن‌ها بگویند: ما ایمان آورده‌ایم... همانا

خداوند بر هر چیز تواناست» ﴿۱۱﴾-﴿۲۰﴾

۱۲ - تأویل این آیه شریفه در تفسیر امام عسکری ؑ ذکر شده و فرموده‌اند:

این آیه درباره قوم سرکشی است که بیعت خود را با امیرالمؤمنین ؑ شکستند، و آن مفصل و طولانی است.^{۲، ۳}

۱. تفسیر امام عسکری ؑ : ص ۱۲۳، ضمن ح ۶۱.

۲. تفسیر امام عسکری ؑ : ص ۱۲۴ ح ۶۲؛ بحار الانوار؛ ج ۳۰، ص ۲۲۳، ح ۹۲.

۳. خوارزمی از ابن عباس روایت کرده است که فرمود: عبدالله بن اُبی رئیس منافقین مدینه با عده‌ای از

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ ﴿۱۱﴾

«ای مردم پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده بندگی و پرستش نمایید،

شاید پرهیزکار شوید»

۱۳ - امام عسکری علیه السلام روایت کرده اند که حضرت علی بن الحسین علیه السلام در تأویل

این آیه شریفه فرمودند:

این آیه همه مکلفین از فرزندان آدم علیه السلام را مخاطب قرار داده و فرموده است: به ندای پروردگارتان لبیک بگویید که امر فرموده معتقد شوید که خدایی جز او نیست، او یکتا است و شریکی و شبیهی و مثل و مانندی برایش نیست، او عدل است ستم نمی کند، جواد و بخشنده است، بخل نمی ورزد، بردبار است، عجله و شتاب نمی نماید، حکیم است و خطا نمی نماید.

و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است و اینکه آل محمد علیهم السلام در میان آل پیامبران برترین آن ها هستند، و اینکه حضرت علی علیه السلام در میان آل محمد علیهم السلام برترین آن ها است، و اینکه مؤمنان از اصحاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله در میان اصحاب رسولان

اصحاب و یارانش خارج شده بودند، در بین راه با عده ای از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله برخورد کردند عبدالله به همراهانش گفت: نگاه کنید ببینید چگونه این سفیهان را از شما رد می کنم. آنگاه نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و عرض کرد: مرحبا یابن عم رسول الله، مرحبا خوش آمدی ای پسر عمومی رسول خدا، ای سرور بنی هاشم، ای نفس رسول خدا. امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمودند: ای عبدالله، از خدا بترس، تقوا پیشه کن و دست از نفاق بردار، که منافق بدترین مخلوق خداوند است. عبدالله عرض کرد: قدری آهسته ای ابا الحسن، به خدا قسم ما هم مثل شما مؤمن هستیم و همانند شما ایمان داریم سپس پراکنده شده و از یکدیگر جدا شدند. عبدالله پس از اینکه از حضرت علی علیه السلام و یاران آن حضرت فاصله گرفت به رفقای خودش گفت: چگونه بود کار من؟ آن ها کارش را ستودند و تعریف کردند و هم زمان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه نازل گردید: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَابِئِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ» (مناقب خوارزمی: ص ۲۷۸، ح ۲۶۶).

برترین آن‌ها هستند، و اینکه امت حضرت محمد ﷺ در میان امت‌های پیامبران برترین آن‌ها هستند. سلام خدا بر او و بر آنان باد.^۱

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَعْرَاضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ ﴿۲۲﴾

«کسی که زمین را برای شما گسترانید، و آسمان را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد، پس برای خدا همتیانی قرار ندهید در حالی که می‌دانید»

۱۴ - امام عسکری علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمودند:

﴿جَعَلَ لَكُمْ الْأَعْرَاضَ فِرَاشًا﴾ زمین را برای خوابیدن خود فرش می‌کند.

﴿وَالسَّمَاءَ بِنَاءً﴾ سقف محفوظی که از زمین فاصله گرفته، خورشید و ماه و ستارگانش مسخر فرمان اویند و برای منافع بندگانش در جریان هستند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: از اینکه آسمان را از فرود آمدن و سقوط کردن بر زمین حفظ کرده تعجب نکنید، خداوند آنچه را که از آن عظیم‌تر است حفظ می‌کند. عرض کردند: آن عظیم‌تر چیست؟ فرمود: ثواب اطاعت دوستان محمد و آل محمد علیهم السلام.

سپس فرمود: ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ یعنی «از آسمان باران را نازل می‌کند»، با هر قطره از آن فرشته‌ای است که آن را در همان محلی که خداوند امر فرموده قرار می‌دهد.

اصحاب از شنیدن این مطلب تعجب کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا از تعداد این فرشتگان تعجب می‌کنید و آن را زیاد می‌شمارید؟ تعداد فرشتگانی که برای دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام استغفار می‌کنند از تعداد آن‌ها زیادتر است و تعداد فرشتگانی که بردشمنان آن حضرت لعن و نفرین می‌کنند از آن تعداد نیز زیادتر هستند.

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۱۳۷ ح ۶۸؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۸، ص ۲۸۶، ح ۴۴.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿فَأَخْرِجْ بِهِ مِنَ الْأَشْمَارِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ آیا کثرت این برگها و دانه‌ها و علف‌ها را می‌بینید؟

عرض کردند: آری ای رسول خدا، چه قدر تعداد آن‌ها زیاد است!

رسول خدا ﷺ فرمود: از این تعداد بیشتر فرشتگانی هستند که در بهشت طبق‌های نور برای آل محمد ﷺ حمل می‌کنند که بر آن‌ها تحف و هدایای پروردگارشان می‌باشد و بالای آن‌ها پارچه‌های نور است، این فرشتگان خدمت می‌کنند و آنچه را بخواهند آل محمد ﷺ به شیعیان و دوستانشان برسانند برمی‌دارند و می‌رسانند. و همانا یک طبق از آن طبق‌ها خیراتی را در بردارد که جمیع اموال دنیا با کمترین جزء آن برابری نمی‌کند.

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا

شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ﴿۲۳﴾

«اگر در تردید هستید از آنچه بر بنده خود نازل کردیم سوره‌ای به مانند آن بیاورید و گواهان خود را بخوانید اگر راستگو هستید»

۱۵ - امام عسکری علیه السلام از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده‌اند که در

تفسیر آیه مذکور فرمودند:

خداوند به مشرکین و یهود و سایر دشمنان و مخالفانی که گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در مورد برتری امیرالمؤمنین علیه السلام - آنکه در میان اهل فضیلت ممتاز است و بر تمامی مجاهدان برتری دارد و برایش در یاری مؤمنان و نابودی فاسقان و به هلاکت رسانیدن کافران و استوار ساختن دین پروردگار جهانیان نظیری نیست - تکذیب می‌کردند، خطاب کرده و فرموده است:

اگر در شک و تردید هستید، نسبت به آنچه بر بنده خویش نازل کردیم، من جمله باطل ساختن عبادت بتها، بازداشتن از دوستی نمودن با دشمنان خدا و دشمنی کردن با

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۱۴۹ ضمن ح ۷۵؛ بحار الأنوار؛ ج ۵۹، ص ۳۷۹، ح ۱۸.

دوستان خدا، و واداشتن به فرمانبرداری از برادر رسول خدا و او را امام و پیشوای خویش گرفتن و به فضیلت و برتری او اعتقاد داشتن و اینکه خداوند ایمانی و اطاعتی را بدون ولایت او از کسی نمی پذیرد، و گمان می کنید که حضرت محمد ﷺ این مطالب را از جانب خود می گوید و آن ها را به پروردگارش نسبت می دهد، اگر آن طور است که شما گمان می کنید، ﴿فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ﴾ یعنی مثل و مانند محمد ﷺ را، که درس نخوانده و هرگز نزد صاحبان کتاب و علم رفت و آمد نکرده و نزد هیچ کس تلمذ ننموده و از کسی چیزی نیاموخته، بیاورید.

﴿وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ﴾ و بخوانید کسانی را که به زعم شما گواهی می دهند که حق با شما است و آنچه آورده اید نظیر آن است که محمد ﷺ آورده است، ﴿إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ اگر در این ادعا که می گوئید محمد ﷺ آن ها را از جانب خود آورده صادق هستید.^۱

۱۶ - کلینی رحمته الله از علی بن ابراهیم، و او به سند خود از جابرو او از امام باقر رحمته الله روایت کرده است که فرمودند:

جبرئیل آیه مذکور را این گونه بر حضرت محمد ﷺ نازل کرد: ﴿وَإِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فِي عَلِيٍّ فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ﴾ اگر در شک و تردید هستید از آنچه بر بنده خویش درباره حضرت علی رحمته الله نازل کردیم سوره ای مانند آن را بیاورید.^۲

۱۷ - امام عسکری رحمته الله فرموده اند: سپس خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا﴾ «اگر انجام ندادید» آنچه را که شما را به آن تحدی نمودم (به مبارزه طلبیدم) ﴿وَلَن تَفْعَلُوا﴾ یعنی هرگز این کار از شما ساخته نیست و قدرت بر انجام آن را ندارید»، پس بدانید که شما باطل هستید، و باید محمد صادق امین رحمته الله را که به رسالت پروردگار جهانیان اختصاص یافته و به وسیله روح الامین و برادرش امیرالمؤمنین و سرور و

۱. تفسیر امام عسکری رحمته الله: ص ۱۹۰ ح ۹۲؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۲، ص ۳۰، و ج ۱۷ ص ۲۱۶ ضمن ح ۲۰.

۲. کافی؛ ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۲۶؛ بحار الأنوار؛ ج ۲۳، ص ۳۷۳، ذح ۵۱.

سالار متقین عليه السلام، تأیید شده، تصدیق کنید، در آنچه به شما از خداوند خبر می دهد در اوامر و نواهی او و در آنچه از فضل و فضیلت وصی و برادرش علی بن ابی طالب عليه السلام یادآور می شود، و بدین وسیله از عذاب دوزخی که آتش گیره و هیزم آن مردم هستند و سنگ کبریت که از همه چیز حرارتش بیشتر است پرهیز کنید، آتشی که برای کافران و شک کنندگان به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و رد کنندگان حق برادرش علی بن ابی طالب عليه السلام و منکران امامت او آماده شده است.

سپس خداوند می فرماید: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ «و بشارت بده کسانی را که ایمان آورده اند» یعنی به خداوند ایمان آوردند و تورا در نبوت تصدیق کرده و به عنوان پیامبر خویش برگزیدند، و برادرت حضرت علی عليه السلام را بعد از تو امام و پیشوای خود و وصی و جانشین پسندیده توفرار دادند و به آنچه ایشان را امر فرمود فرمانبرداری نمودند و به سوی آنچه ایشان را رهنمون گردید رفتند و برای آن حضرت تمام آنچه را که برای شما قائلند جز نبوت که شما به آن منفرد و ممتاز هستید قائل هستند.^۱

و اینکه بهشت فراهم نمی گردد برای آنان مگر به موالات و دوستی کسانی که به آن ها تصریح نموده از ذریه اش و موالات و دوستی اهل ولایتش و دشمنی اهل مخالفت و عداوتش. و اینکه آتش دوزخ نسبت به آنان آرام نمی گیرد و از عذاب آن رهایی نمی یابند مگر به دوری نمودن از موالات و دوستی مخالفان آنان و یاری نمودن دشمنانشان.

﴿وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ «و اعمال صالح انجام دهند» یعنی واجبات را بجا آورند و محرمات را ترک کنند و مثل آن کافران نسبت به مقام تو نباشند،

﴿أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾ «آن ها را بشارت بده که باغ هایی از بهشت برای آن ها است که نهرها از زیر درختان و منازلش جاری است، هر زمان که میوه ای از آن به

۱. امام صادق عليه السلام فرموده اند: «أدنى معرفة الامام أنه عدل النبي الأ درجة النبوة...» کمترین حد معرفت امام عليه السلام این است که بدانی امام عليه السلام عدل و همتای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و جز مرتبه نبوت همه مراتب او را دارا است... بحار الأنوار: ج ۴، ص ۵۴.

آنان داده شود می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود، و میوه‌هایی که برای آن‌ها آورده می‌شود همه (از نظر خوبی) یکسانند و برای آنان در آنجا همسرانی پاک از هر گونه آلودگی است و آن‌ها برای همیشه در آنجا خواهند بود».^۱

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ

هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ﴿۳۰﴾

«و به آدم اسماء را آموخت، سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اسماء اینها را به من خبر دهید اگر راست می‌گویید»

۱۸ - در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است:

امام حسین علیه السلام در کربلا به اصحابش فرمود: آیا پیرامون ابتدای امر خود و امر شما برایتان بگویم تا تحمل آنچه برای آن اعراض کرده‌اید برای شما آسان گردد؟ عرض کردند: آری ای فرزند رسول خدا.

فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی هنگامی که آدم را آفرید و او را استوار و متناسب گردانید و اسماء هر چیز را به او آموخت و او آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود، حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به صورت پنج شیخ در پشت آدم قرار داد، در حالی که انوار مبارک آن‌ها در همه آفاق از آسمان‌ها و حجاب‌ها و بهشت و کرسی و عرش نورافشانی می‌نمود، سپس خداوند فرشتگان را امر فرمود که بر آدم سجده کنند، برای تعظیم آدم و نیز اینکه او را فضیلت بخشیده و ظرف آن اشباحی که نورشان همه آفاق را فرا گرفته، قرار داده است.

آن‌ها همگی جز ابلیس سجده کردند، او امتناع ورزید که برای جلال عظمت الهی فروتنی نماید، و برای انوار ما اهل بیت تواضع نشان دهد، فرشتگان همگی در برابر آن عظمت و آن انوار سر فرود آوردند، اما او استکبار نمود و با امتناع ورزیدن از سجده تکبر

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۱۹۰ ج ۹۲؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۸، ص ۳۴، ح ۷۱.

نمود و از کافران گردید.^۱

۱۹ - حضرت علی بن الحسین علیه السلام از پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام و آن حضرت از پدر والا مقامش امیرالمؤمنین علیه السلام و آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمودند:

ای بندگان خدا، همانا حضرت آدم هنگامی که نور را در صلب خود درخشنده دید . چون خداوند اشباح ما را از بالای عرش به پشت او منتقل کرده بود . نور را دید و اشباح را تشخیص نداد، عرض کرد: پروردگارا اینها چه انواری است ؟

خداوند تبارک و تعالی فرمود: اینها انوار اشباحی است که از بالاترین بقعه های عرشم به پشت تو منتقل نموده ام و بخاطر آن ملائکه را امر کردم که برای تو سجده کنند، چون تو ظرف برای آن اشباح بودی . حضرت آدم عرض کرد: پروردگارا اگر آن ها را برای من بیان کنی (لطف کرده ای)، خداوند تبارک و تعالی فرمود:

ای آدم به بالای عرش نگاه کن، آدم نگاه کرد و نور اشباح ما از پشت آدم به بالای عرش بالا رفت، و صورت آن انوار در بالای عرش منعکس گردید همان طور که صورت انسان در آینه صاف منعکس می گردد، آنگاه آدم اشباح ما را دید عرض کرد: پروردگارا این اشباح کیست؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای آدم، اینها اشباح برترین مخلوقات و موجودات من است، این شبخ، محمد صلی الله علیه و آله است و من حمید و ستوده شده در کارهایم هستم، برای او نامی از نام های خود مشتق نموده ام. این شبخ، علی علیه السلام و من علی عظیم هستم، نامی از نام های خود برای او برگرفته ام. این شبخ، فاطمه علیه السلام است و من فاطره و پدید آورنده آسمان ها و زمینم، دشمنانم را از رحمتم در روزی که حکم قطعی صادر می شود بریده و دوستانم را از آنچه آنان را زشت و ناپسند گرداند جدا کننده است، برای او نامی از نام های خود مشتق نموده و برگرفته ام.

این شبخ، حسن، و این دیگری حسین علیه السلام است و من محسن و مجمل یعنی احسان

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۲۰۴، ح ۱۰۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۳۲۶، ح ۱۰.

کننده و نیکوکارم، نام آندو را از نام خود مشتق نموده‌ام. اینها بهترین خلق من و گرامی‌ترین آفریدگان من هستند، به سبب ایشان می‌گیرم و به سبب ایشان عطا می‌کنم، به سبب ایشان کیفر می‌دهم و به سبب ایشان ثواب و پاداش می‌دهم.

ای آدم وقتی دچار بلای سخت و دشوار شدی به ایشان متوسل شو و آنان را به درگاه من شفیع خود قرار بده، همانا من سوگند یاد کرده‌ام سوگند حق و ثابتی که هیچ آرزومندی را به وسیله ایشان محروم نگردانم و هیچ سائلی را به وسیله ایشان رد ننمایم، و به همین خاطر هنگامی که آن لغزش از او صادر شد خداوند تبارک و تعالی را با واسطه ایشان خواند و خداوند توبه‌اش را پذیرفت و او را آمرزید.^۱

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا

وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (۳۵)

«و گفتیم: ای آدم تو و همسرت در بهشت ساکن شو، و از نعمت‌های آن هر چه خواستید بخورید و نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد»

۲۰ - امام عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند:

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی ابلیس را به خاطر نافرمانی‌اش لعن و طرد فرمود و فرشتگان را به خاطر فرمانبرداری و سجودشان برای حضرت آدم اکرام نمود به حضرت آدم و حوا فرمود: وارد بهشت شوید و از این رحمت و اسعه الهی بدون هیچ گونه تعب و رنجی استفاده کنید ولی نزدیک این درخت نشوید مقصود از این شجره، شجره علم محمد و آل محمد علیهم السلام بوده است که اختصاص به این بزرگواران داشته و خداوند این امتیاز و ویژگی را به آنان مرحمت فرموده و دیگران نمی‌توانند از آن برخوردار شوند.

و آن درختی است که در میان درختان بهشت ممتاز است، همانا سائر درختان بهشت هر نوعی از آن نوعی میوه و خوراکی را در بر دارد و این درخت گندم، انگور، انجیر، عناب

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۰۶ ح ۱۰۲؛ بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۳۲۷، ح ۱۰.

و سائر انواع میوه و خوراکی را در بر دارد، و لذا کسانی که از این درخت یاد نموده‌اند گوناگون حکایت کرده‌اند، بعضی از آنان گفته‌اند: که آن گندم بوده، برخی گفته‌اند: انگور بوده، گروهی گفته‌اند: انجیر و گروهی گفته‌اند عناب بوده است.

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «نزدیک این شجره نشوید» که بدین وسیله بخواهید درجه و مرتبه محمد و آل محمد علیهم‌السلام را تمنا کنید زیرا خداوند آن مرتبه را مخصوص آنان قرار داده نه غیر آنان، و آن درختی است که هر کس از آن به اذن و فرمان پروردگار برخوردار شود علم اولین و آخرین بدون آموختن و فراگرفتن به او الهام می‌شود، و هر کس بخواهد بدون اذن و فرمان الهی از آن برخوردار گردد به مقصود نمی‌رسد و معصیت پروردگار نموده است.

﴿فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ شما از ستمگران خواهید شد به واسطه نافرمانی و درخواست درجه و مرتبه‌ای که آن به غیر شما اختصاص دارد سپس خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ﴾ پس شیطان باعث لغزش آن‌ها و خروجشان از بهشت شد و آنان را از آنچه در آن بودند بیرون کرد.^۱

﴿فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿۳۷﴾

«آدم از پروردگارش کلماتی دریافت کرد، و خدا توبه او را پذیرفت»

تأویل آیه: معنای «فتلقى» قبول کردن و گرفتن و برخوردار شدن بر طریق اطاعت پروردگار است.

مقصود از «کلمات» نام‌های مبارک اهل بیت علیهم‌السلام است همان طور که از ایشان نقل شده است:

حضرت آدم علیه‌السلام بر عرش الهی نام‌هایی مقدس و گرامی را مشاهده کرد، در مورد آن‌ها سؤال کرد، به او گفته شد: این نام‌های ارزشمند از آن کسانی است که در میان خلق

۱. تفسیر امام عسکری علیه‌السلام: ص ۲۰۷ ح ۱۰۳؛ بحار الأنوار: ج ۱۱، ص ۱۸۹، ح ۴۷.

والاثرین مرتبه را نزد خداوند تبارک و تعالی دارند و آن‌ها عبارتند از: محمد ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین. درود و رحمت خداوند بر آنان باد. آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ به وسیله ایشان به درگاه ربوبی متوسل شد تا خدا توبه‌اش را بپذیرد و منزلت و جایگاهش را بالا برد، و خداوند توبه او را پذیرفت.^۱

۲۱- و این تأویل را تأیید می‌کند آنچه در مورد این آیه شریفه ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ در تفسیر امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است، آن حضرت فرموده‌اند:

﴿التَّوَّابُ﴾ یعنی قبول کننده توبه‌ها ﴿الرحیم﴾ یعنی رحم کننده و مهربان نسبت به توبه کنندگان.

هنگامی که آن خطا از آدم صادر شد نزد پروردگارش معذرت خواهی نمود و عرض کرد: پروردگارا توبه مرا قبول کن و عذر مرا بپذیر و مرا به مرتبه‌ام بازگردان و درجه‌ام را بدین وسیله بالا ببر، به راستی که آثار ذلّت آن خطا در اعضاء وجودم ظاهر گشته است.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: آیا امری که به تو نمودم که در سختی‌ها و بلاها و حوادث ناگوار مرا به محمد ﷺ و خاندان پاکش بخوانی به یاد نداری؟ آدم عرض کرد: آری به یاد دارم ای پروردگار من.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: آن‌ها محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند، مرا به وسیله آنان بخوان تا به تو در مورد خواسته ات جواب دهم و زیادتر از آنچه اراده کرده‌ای عطا کنم.

آدم عرض کرد: پروردگارا، جایگاه آنان نزد تو در این حد است که با توسل به آنان توبه مرا می‌پذیری و خطای مرا می‌بخشی در حالی که من کسی هستم که فرشتگان را برای او به سجده و داشتی و بهشت را برایش مباح ساختی و حوا را به او تزویج نمودی و ملائکه بزرگوارت را در خدمت او قرار دادی؟!!

۱. مجمع البیان: ج ۱، ص ۸۸ و ۸۹.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای آدم، من ملائکه را دستور دادم که با سجود خود تو را تعظیم نمایند چون ظرف برای آن انوار مقدسه بودی و اگر پیش از ارتکاب خطا به وسیله آنان از من درخواست می نمودی که تورا از آن خطا حفظ کنم و نسبت به مکر دشمن ابلیس آگاهی دهم تا از آن دوری گزینی چنین کاری می نمودم، اکنون به وسیله آنان مرا بخوان تا اجابت کنم.

آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ در این هنگام گفت: خداوندا به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان پاکش، به آبروی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی و فاطمه و حسن و حسین و خاندان پاک ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر من با قبول توبه ام و آموزش لغزشم لطف کن و به کرمت مرا به مرتبه بازگردان.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: توبه ات را قبول کردم و به رضوان و خوشنودی ام بر تو روی آوردم، و الطاف و نعمت های خویش را متوجه تو ساختم و از روی کرم تورا به مرتبه ات باز گردانیده و نصیب تورا از رحمت خود فراوان گردانیدم.

و این است مضمون فرمایش خداوند تبارک و تعالی که فرمود: «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» «پس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و با آن ها توبه کرد و خداوند توبه او را پذیرفت، که او بسیار توبه پذیر و مهربان است»^۱.

۲۲ - و این را تأیید می کند روایتی که شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از ابن عباس رضی الله عنه نقل کرده است که گفت:

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی آدم را آفرید و از روح خود در او دمید، آدم عطسه ای کرد، و به الهام خداوند گفت: «الحمد لله رب العالمین» خداوند تبارک و تعالی فرمود: پروردگارت به تو رحمت فرستد، هنگامی که ملائکه را وا داشت که او را سجده کنند عجب او را گرفت، عرض کرد: پروردگارا آیا مخلوقی را آفریده ای که نزد تو محبوب تر از من باشد؟ به او پاسخی نداد، بار دوم عرض کرد پاسخی نشنید، بار سوم عرض کرد باز هم پاسخی به او داده نشد.

۱. تفسیر امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ: ص ۲۱۰، ح ۱۰۵.

سپس خداوند سبحان فرمود: ای آدم خلقی را آفریده‌ام که اگر آن‌ها نبودند تو را نمی‌آفریدم. عرض کرد: پروردگارا آن‌ها را به من نشان بده. خداوند به فرشتگان حجب وحی نمود که حجاب‌ها را بالا بزنید.

چون آن‌ها را بالا زدند، آدم پنج شبیح را در مقابل عرش مشاهده نمود، عرض کرد: پروردگارا اینها کیستند؟

فرمود: ای آدم، این شبیح، محمد ﷺ پیامبر من، این یکی علی علیه السلام پسر عم و وصی او است، این یکی فاطمه علیها السلام دختر پیامبر من، و این دو حسن و حسین علیهما السلام دو فرزند آن‌ها هستند.

سپس فرمود: ای آدم، اینها فرزندان تو هستند، و آدم از شنیدن آن شادمان گردید. و هنگامی که مرتکب آن خطا شد عرض کرد: پروردگارا از تو درخواست می‌کنم به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام که مرا بیامری و خداوند او را آمرزد، و به همین مطلب اشاره نموده است این آیه شریفه: ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۱.

۱. مصباح الأنوار: ص ۲۴۱ (مخطوط)؛ بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۳۲۵، ح ۸، و ج ۱۱ ص ۱۷۵ ح ۲۰. مستدرک الوسائل: ج ۵، ص ۲۳۲، ح ۸. و نظیر آن روایتی است که ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که فرمودند: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی آدم را آفرید او را در پیشگاه خود نگه داشت، حضرت آدم عطسه‌ای نمود خداوند به او الهام فرمود که او را حمد و ثنا نماید (و او حمد و ستایش پروردگار نمود). خداوند فرمود: مرا حمد و ثنا گفتی، به عزت و جلالم سوگند اگر نبودند دو نفر از بندگانم که می‌خواهم در آخرالزمان آن‌ها را بیافرینم هرگز تو را نمی‌آفریدم. حضرت آدم عرض کرد: به مقام و مرتبه آنان نزد تو به من بگو اسم آن‌ها چیست؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: به طرف عرش نگاه کن، آدم علیه السلام نگاه کرد و دو سطر از نور دید، سطر اول نوشته شده بود: «لا اله الا الله، محمد نبي الرحمة، وعلی مفتاح الجنة؛ معبودی جز خدا نیست محمد ﷺ پیامبر رحمت و علی علیه السلام مفتاح بهشت یعنی رمز وارد شدن در بهشت است»، در سطر دوم نوشته شده بود: «آلیت علی نقسی أن ارحم من والاهما وأعذب من عاداهما؛ بر خودم لازم نموده‌ام و سوگند یاد کرده‌ام که هر که ولایت آندو را داشته باشد به او رحم کنم و هر که با آن دو دشمنی نماید او را عذاب نمایم». بحار الأنوار: ج ۱۱، ص ۱۱۴، ح ۳۹ و ج ۲۷، ص ۶، ح ۱۲؛ القطره، ح ۷۴۱.

و همچنین تأیید می‌کند آن را آنچه وارده شده است که: آدم و غیر او از پیامبران اولوالعزم از خدا به وسیله محمد و آل محمد علیهم‌السلام درخواست نمودند و خداوند دعای آنان را مستجاب نمود و آن‌ها را از بلا و گرفتاری نجات داد.

و این دلالت می‌کند که آنان از نظر فضیلت یکسان نیستند بلکه از آن استفاده می‌شود که آنکه به وسیله واسطه او از خداوند درخواست می‌شود، افضل است از خود درخواست کننده، و این دلالت از واضح‌ترین دلالت‌ها است.

۲۳ - و مؤید آن حدیثی است که شیخ صدوق رحمته‌الله به سند خود از معمر بن راشد روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمودند:

یک یهودی خدمت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و در پیش روی حضرت ایستاد و خیره خیره به ایشان نگاه کرد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او فرمودند: ای یهودی چه سؤالی داری؟ عرض کرد: شما افضل هستید یا موسی بن عمران؟ پیامبری که خدا با او تکلم کرد و تورات را بر او نازل نمود و عصا به او مرحمت فرمود و دریا را برایش شکافت و دستور داد ابرها بر او سایه افکنند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: شایسته نیست کسی از خودش تعریف کند ولی در پاسخ تو (برای بیان حق) می‌گویم:

حضرت آدم هنگامی که آن خطا را مرتکب شد برای توبه کردن چنین گفت: اللهم اني أسألك بحق محمد وآل محمد لما غفرت لي؛ خداوندا از تو می‌خواهم که به حق محمد و آل محمد علیهم‌السلام مرا بیامرزی، و خدا او را آمرزید.

و نوح هنگامی که در کشتی نشست و از غرق شدن ترسید عرض کرد: اللهم اني أسألك بحق محمد وآل محمد لما أنجيتني من الغرق؛ خداوندا از تو درخواست می‌کنم که به حق محمد و آل محمد علیهم‌السلام که مرا از غرق شدن نجات دهی، و خداوند او را نجات داد.

حضرت ابراهیم هنگامی که در آتش افکنده شد عرض کرد: اللهم اني أسألك بحق محمد وآل محمد علیهم‌السلام لما أنجيتني منها؛ خداوندا از تو مسألت دارم که به حق محمد و

آل محمد ﷺ مرا از آتش نجات دهی، و خداوند آتش را بر او سرد و سلامت قرار داد. حضرت موسی ﷺ هنگامی که عصا را بر زمین افکند در وجود خود ترسی احساس نمود و عرض کرد: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ﷺ لِمَا أَمَنْتَنِي؛ خداوند! تو می خواهی که به حق محمد و آل محمد ﷺ مرا ایمنی بخشی و از وحشت رها سازی. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ «ترس، زیرا تو برتر هستی». ای یهودی، اگر موسی مرا درک کند سپس به من و نبوت من ایمان نیاورد ایمان او و نبوتش به او سودی نخواهد بخشید.

یا یهودی، ومن ذریّتی المهدي ﷺ إذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته وقدمه وصلى خلفه.

ای یهودی، و از ذریه من حضرت مهدی ﷺ است، هنگامی که ظهور نماید عیسی بن مریم برای یاری او از آسمان فرود آید و هنگام نماز او را مقدم دارد و پشت سرش نماز خواند.

و این اقتدای او دلالت می کند بر اینکه حضرت مهدی ﷺ مقامی برتر از عیسی بن مریم ﷺ دارد.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (۸۱)

۲۴ - امام عسکری ﷺ فرموده اند:

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا﴾ «کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند»، (منظور از «آیاتنا») آیاتی (است) که دلالت کننده است بر: صدق و راستی حضرت محمد ﷺ، و آنچه ایشان از اخبار قرن های پیشین آورده، و آنچه از ذکر فضیلت و برتری علی ﷺ و خاندان پاک او، که بعد از سرور و سالار همه موجودات، حضرت محمد ﷺ، از همه برترند، به سوی بندگان خدا رساند.

۱۰. امالی صدوق: ص ۲۸۷، ح ۴، مجلس ۳۹؛ بحار الأنوار: ج ۱۶، ص ۳۶۶، ح ۷۲ و ج ۲۶، ص ۳۱۹، ح ۱؛ جامع الاخبار: ص ۴۴، ح ۴۸؛ احتجاج: ج ۱، ص ۵۴.

﴿أُولَئِكَ﴾ (و منظور از «والذین کفروا») کسانی (اند) که صدق و راستی حضرت محمد ﷺ را در اخباری که خبر می داد رد کردند و تصدیق او را نسبت به سرور اوصیاء، امیرالمؤمنین علی ؑ و افراد برگزیده از ذریه پاکش، تکذیب کردند ﴿أَصْحَابُ التَّارِهُمُ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ «آن ها اهل آتش هستند و در آن برای همیشه خواهند ماند».^۱

تنبیه: بدان که در این سوره آیاتی است که خطاب در آن ها به بنی اسرائیل است ولی تاویل آن ذکر محمد و آل محمد ؑ را در بردارد، پس حال اقتضا می کند که ما همان قسمت ذکر ایشان را اخذ کنیم و بقیه را رها کنیم تا از طولانی شدن خودداری کرده باشیم و اگر مختصر است تمام آن را ذکر کنیم به مقداری که وضع کتاب اقتضا می کند.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ﴾ ﴿٥١﴾

«ای فرزندان اسرائیل نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید و به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید تا من نیز به عهد شما وفا کنم و تنها از من بترسید»

۲۵ - امام عسکری ؑ فرموده اند:

خداوند تبارک و تعالی فرمود: «ای بنی اسرائیل نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید» هنگامی که محمد ﷺ را مبعوث نمودم و در شهر شما او را قرار دادم و کوچ کردن به سوی او را پر مشقت نگردانیدم، و نشانه ها و دلائل صدق او را واضح و روشن ساختم تا امر او بر شما مشتبه نشود.

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِي﴾^۲ «و وفا کنید به آن عهد و پیمان من» که با پیشینیان شما بسته ام، (و

۱. تفسیر امام عسکری ؑ: ص ۲۱۱، ح ۱۰۶؛ بحار الانوار: ج ۱۱، ص ۱۹۲، ح ۴۷.

۲. عیاشی رحمه الله به سند خود از امام صادق ؑ روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي» فرمودند: مقصود عهد و پیمانی است که با خدا در مورد ولایت امیرالمؤمنین ؑ بسته اید «أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ» یعنی در برابر وفای شما به آن عهد، من هم به عهد خود در مورد بهشت شما وفا خواهم کرد (تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۶۰، ح ۳۰؛ تفسیر برهان: ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۷)

آن این) که پیامبران ایشان، آن‌ها را امر نمودند که به جانشینان خود برسانند که:

به پیامبر عربی نژاد قریشی، محمد ﷺ، که با آیات و نشانه‌ها جدا شده و ممتاز گردیده است؛ ایمان آورید، همو که با معجزات گوناگون، من جمله: تکلم کردن ذراع سمی، سخن گفتن گرگ، کج شدن چوب منبر به سوی او، زیاد شدن غذای کم، نرم شدن سنگ‌های سخت و سخت شدن آب‌های روان، تأیید شده است، و هیچ پیامبری از پیامبرانش به دلالتی تأیید نشد، مگر آنکه خداوند مانند آن و یا برتر از آن را برای آن حضرت ﷺ قرار داد.

همان پیامبری که بزرگترین آیتش را، علی بن ابی طالب علیه السلام، که هم‌تا و همراه اوست، قرار داد، و عقل آن حضرت از عقل او، و علم آن حضرت از علم او، و حلم و بردباری آن حضرت از حلم و بردباری او است. او که دین پیامبر را با شمشیر برانش یاری نمود، بعد از آنکه با دلیل چیره شونده و علم برتر و فضل کاملش عذر معاندین را قطع کرد.

﴿أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ﴾ «به عهد و پیمانی که با شما نمودم» که نعمت جاوید را در سرای کرامت و جایگاه رحمت نصیب شما گردانم «وفا کنم».

﴿وَإِيَّايَ فَازْهَبُونِ﴾ «و از من بترسید» در مخالفت کردن با حضرت محمد ﷺ، زیرا من قدرت و توانایی دارم بلایی را که از دشمنان بخاطر موافقت با دستور من به شما می‌رسد بگردانم ولی آن‌ها قدرت ندارند که انتقام مرا در صورتی که مخالفت مرا ترجیح دهید از شما بگردانند.^۱

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۱۲۲، ذح ۱۰۷؛ بحار الانوار: ج ۹، ص ۱۷۸؛ وج ۲۶، ص ۲۸۷ ح ۴۷.

﴿وَأٰمِنُوۡا بِمَاۤ اَنْزَلْتُۤ مُصَدِّقًاۙ لِّمَاۤ مَعَكُمْ وَلَا تَكُوْنُوۡاۙ اَوَّلَ كٰفِرٍۭ بِهٖ وَلَا تَشْتَرُوۡاۙ بِآيٰتِيۡ ثَمَنًاۙ قَلِيْلًاۙ وَاِيَّاۙیۡ فَاتَّقُوۡنَ﴾ ﴿۱﴾

«و ایمان آورید به آنچه نازل کردم که تصدیق کننده کتابی است که نزد شما است و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید و تنها از من بترسید و از مخالفت با من پرهیز کنید»

۲۶ - امام عسکری علیه السلام فرمود:

خداوند عزیز ارجمند به یهود فرمود: ای یهود، ایمان آورید به آنچه نازل کردم بر محمد صلی الله علیه و آله پیامبرم از یادآوری نبوت او و اخبار امامت برادرش علی علیه السلام و عترت طاهرین او، ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ﴾ «که تصدیق کننده است آنچه را که با شما است»، یعنی در کتاب شما هم مثل آنچه در قرآن ذکر شده، آمده است که: محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و سرور اولین و آخرین است و او به سرور اوصیاء، جانشین فرستاده پروردگار عالمیان، جدا کننده این امت، در ورودی شهر حکمت و وصی رسول رحمت، یعنی امیر المؤمنین، تأیید شده است.

﴿وَلَا تَشْتَرُوۡاۙ بِآيٰتِيۡ﴾ آیاتی را که نازل شده برای نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامت حضرت علی علیه السلام و عترت پاک او به بهای کمی نفروشید، به اینکه نبوت پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و واولاد طاهرین او را انکار کنید و به عوض آن بهره ناچیز دنیوی ببرید، زیرا آن بهره دنیوی اگرچه زیاد هم باشد در معرض فنا و نابودی است و از بین می رود.

سپس خداوند عزیز ارجمند فرمود:

﴿وَاِيَّاۙیۡ فَاتَّقُوۡنَ﴾ ؛ و از من بترسید و پرهیزید از کتمان کردن امر محمد صلی الله علیه و آله و امر وصی او، همانا اگر شما تقوا پیشه کنید و بترسید اشکال تراشی در نبوت پیامبر و وصایت وصی او نمی کنید، بلکه حجت ها و دلائل الهی استوار و براهین او بر این مطلب روشن است و عذر شما و بهانه گیری شما را از بین برده و درهم آمیختگی را که باطل خود را حق

جلوه دهید باطل کرده است.

آن یهودیان مدینه نبوت حضرت محمد را انکار کردند و خیانت نمودند و گفتند: ما می دانیم که محمد ﷺ پیامبر و علی علیه السلام وصی او است، ولی نه تو آن محمد هستی و نه او آن علی است. خداوند آن لباسی را که به تن پوشیده بودند و کفش هایی که در پا داشتند به سخن درآورد و قدرت تکلم به آنها بخشید و به صاحب خود گفتند: دروغ گفתי ای دشمن خدا، بلکه پیامبر همین محمد ﷺ و وصی او همین علی علیه السلام است و اگر خدا به ما اذن و فرمان می داد شما را فشار می دادیم و زخمی می نمودیم و از حرکت باز می داشتیم.

رسول خدا ﷺ فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی آنها را مهلت داده است بخاطر اینکه می داند از صلب آنها ذریه ای پاک و مؤمن به دنیا خواهد آمد و اگر آنها بیرون آیند خدا آنها را عذاب دردناکی خواهد نمود و همانا کسی نسبت به چیزی عجله و شتاب می کند که می ترسد از دستش برود.^۱

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ ﴿۱۴﴾

«حق را با باطل نیامیزید و به باطل لباس حق نبوشانید و حق را کتمان نکنید در حالی که می دانید»

۲۷ - امام عسکری علیه السلام فرموده است:

خداوند تبارک و تعالی گروهی از یهود را که حق و باطل را درهم آمیخته کردند مورد خطاب قرار داده است، آنهایی که پنداشته بودند که محمد ﷺ پیامبر و حضرت علی علیه السلام وصی است، ولی آن دو بزرگوار بعد از پانصد سال دیگر خواهند آمد.

رسول خدا ﷺ به آنها فرمود: آیا راضی هستید که تورات بین ما و شما حکم کند؟ عرض کردند: آری، آن را آوردند و شروع کردند به خواندن، ولی برخلاف آنچه در آن

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۱۳ ذح ۱۰۸؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۹۳، ح ۱۳.

بود می خواندند، خداوند آن طومار و ورقی را که در دست قاریان بود و از روی آن می خواندند و اول آن در دست یکی و آخر آن در دست دیگری بود، دگرگون ساخت و آن را به اژدهایی مبدل ساخت که دارای دو سر بود، هر کدام از آن دو سر دست آن قاری را چسبید و شروع کرد به تکه تکه کردن و ریز کردن آن و آن دو مرد فریاد می زدند و شیون می کردند. در آنجا طومارها و ورقه های دیگری بود، آنها به سخن آمدند و گفتند: شما پیوسته در عذابید تا آنکه آنچه در آن است از صفت حضرت محمد ﷺ و نبوتش و صفت حضرت علی ﷺ و امامتش همانطور که خداوند نازل فرموده بخوانید آنگاه آن دو به طور صحیح نوشته ها را خواندند و به رسول خدا ایمان آوردند. و به امامت وصی رسول خدا حضرت علی ﷺ معتقد گشتند. پس خداوند تبارک و تعالی فرمود:

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾؛ «حق و باطل را در هم آمیخته نسازید» به اینکه برای حضرت محمد ﷺ و حضرت علی ﷺ از جهتی اقرار کنید و از جهت دیگری انکار نمایید و حق را که نبوت این محمد ﷺ و امامت این علی ﷺ است پنهان سازید ﴿وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ «در حالی که شما می دانید»^۱.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ﴾ (۱۲)

«و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع نمایید».

۲۸ - سپس خداوند تبارک و تعالی به آنان فرمود:

«و نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید» ،

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾؛ نمازهای واجب را که حضرت محمد ﷺ به آنها دستور داده بجا

آورید و بر محمد و خاندان پاک او که سرور آنان و برتر آنان علی ﷺ است درود فرستید .

﴿وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾؛ زکات را از اموالتان، هنگامی که واجب گردد، و از جسم و جانانتان

، زمانی که لازم باشد، و از یاری رساندن خویش، هنگامی که درخواست شود؛ بپردازید.

۱. تفسیر امام عسری ﷺ: ص ۲۱۵، ذح ۱۰۹؛ بحار الانوار: ج ۹، ص ۳۰۷، ضمن ح ۱۰.

﴿وَأَزْكُوا مَعَ الزَّاكِّينَ﴾؛ «در برابر عظمت پروردگار همراه فروتنان فروتنی کنید»، و برای اولیاء خداوند، حضرت محمد پیامبر خدا ﷺ و حضرت علی ولی خدا ﷺ و ائمه طاهرین بعد از آن دو بزرگوار که سرور برگزیدگان الهی هستند فرمانبردار باشید.^۱

۲۹ - ابن مردویه و ابونعیم در تفسیر ﴿وَأَزْكُوا مَعَ الزَّاكِّينَ﴾ نقل کرده‌اند که:

این آیه شریفه تنها در مورد رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ نازل شده است، زیرا آن دو نفر اولین کسانی هستند که نماز خواندند و رکوع نمودند.^۲

﴿أَتَا مُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنَسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾

«آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید در حالی که شما کتاب می‌خوانید، آیا اندیشه نمی‌کنید»

۳۰ - در تفسیر امام عسکری ﷺ آمده است:

سران یهود اموال ضعفاء و ناتوانان خویش را به عنوان صدقات و موارث می‌گرفتند تا آن را بخورند،.... و گفتند: ما محمد ﷺ را به قتل می‌رسانیم، هنگامی که آمدند خداوند این خطر را از وجود شریف پیامبرش دفع کرد.... رسول خدا ﷺ به سران آن‌ها فرمود: شما چنین و چنان کرده‌اید، اموال این مردم ضعیف را گرفته‌اید و آن‌ها هم اکنون نزد شما موجود است آن‌ها این مطلب را انکار کردند، سپس رسول خدا ﷺ ملائکه را امر فرمود تا اموال را حاضر سازند، و چون آن‌ها را حاضر کردند، سران یهود به گناه خویش اعتراف نمودند و بعضی از آنان اسلام آوردند و بعضی به همان دین خود باقی ماندند.^۳

۱. تفسیر امام عسکری ﷺ: ص ۲۱۶، ح ۱۱۰؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۹۵، ح ۱۱۴.

۲. مناقب خوارزمی: ص ۲۸۰، ح ۲۷۴؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۱۲۴؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲، ص ۱۳؛ بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۳۴۷، ذح ۲۴.

۳. اصل این حدیث، طولانی‌تر و مفصل‌تر است و مؤلف محترم ﷺ این قسمت را خلاصه کرده است.

امام علیه السلام در ادامه فرموده‌اند:

آن قسمت از سران که اسلام را پذیرفتند گفتند: ای محمد صلی الله علیه و آله شهادت می‌دهیم که تو پیامبر و برتر و این برادرت وصی والا مرتبه و کامل‌تر است، خدا ما را به گناهانمان رسوا ساخت، به نظر مبارک شما اگر توبه کنیم نسبت به آنچه از اموال مردم برای خود گرفته‌ایم (یعنی آن‌ها را به صاحبانش رد کنیم) حال ما چگونه خواهد بود؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در این حال شما در بهشت رفقای ما و در دنیا برادران دینی ما خواهید بود، و خدا روزی شما را وسیع می‌گرداند و به جای اموالی که از شما گرفته شده چند برابر آن را می‌یابید، و این مردم رسوایی شما را فراموش می‌کنند به گونه‌ای که احدی از آن‌ها آن را به یاد نیاورد. آن‌ها که این کلام نورانی را شنیدند گفتند: شهادت می‌دهیم که معبودی جز خدای یکتا نیست و شریکی برای او نمی‌باشد و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و برگزیده و خلیل او است، و اینکه حضرت علی علیه السلام برادر، وزیر، و به پا دارنده دینت و نایب و مبارزه کننده در پیش روی تو است و جایگاه او نسبت به شما مانند هارون نسبت به موسی است با این تفاوت که بعد از شما پیامبری نیست رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در این هنگام شما سعادت‌مند و رستگار هستید.^۱

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ ^{۱۵}

«از صبر و نماز یاری بجویید و بدانید که آن جز بر اهل خشوع سنگین و گران است»

۳۱- امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

سپس خداوند تبارک و تعالی به سائر کافران و یهود و مشرکان فرمود: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ «یاری بجویید از صبر و نماز» یعنی در برابر حرام و در ادای امانت‌ها و بر ریاست‌های باطل و بر اعتراف به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام پایداری نمایید،

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۱۸، ح ۱۱۴؛ بحار الانوار: ج ۴۹، ص ۲۸۸، ح ۴۱ و ج ۷۲، ص ۲۲۳.

«و یاری بجوید از صبر» به استقامت و پایداری در خدمت آن دو بزرگوار و خدمت هر کس که شما را به آن امر کنند، تا شایستگی رضوان و آمرزش و غفران و نعمت‌های همیشگی بهشت در جوار رحمت خدای رحمان، و همراهی و همنشینی با مؤمنان و بهره‌مند شدن از دیدار چهره نورانی و ملکوتی سرور و سالار اولین و آخرین حضرت محمد ﷺ، و سرور و سالار اوصیاء، و خوبان برگزیده را پیدا کنید که آن دیدگان شما را روشن‌تر و سرور شما را تمام‌تر و هدایت شما را کامل‌تر از سایر نعمت‌های بهشت خواهد نمود. و نیز یاری بجوید به وسیله نمازهای پنجگانه و صلوات فرستادن بر حضرت محمد و خاندان پاکش بر اینکه زودتر و راحت‌تر به بهشت سرشار از نعمت الهی برسید، و «این کار» یعنی انجام نمازهای پنجگانه و صلوات فرستادن بر حضرت محمد و خاندان پاکش و فرمانبرداری از دستورات ایشان و ایمان داشتن به مقامات باطنی و ظاهری آنان و ترک چون و چرا کردن و اعتراض نمودن، «گران و دشوار است جز بر خاشعین» یعنی کسانی که از کیفر الهی در مخالفت کردن با او در واجباتش بیمناک و خائف‌اند.^۱

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ (۱۸)

«و از روزی بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود و نه غرامت از او قبول خواهد شد و نه یاری می‌شوند»

۳۲ - امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾ یعنی کسی عذابی را که مستحق گشته در هنگام جان دادن از او دفع نمی‌کند.

﴿وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ﴾ یعنی شفاعت کسی که بخواهد مرگ را از او به تأخیر اندازد

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۲۱، ح ۱۱۵؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۶، ح ۴، و ج ۸۲، ص ۱۹۲.

پذیرفته نمی شود.

﴿وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ﴾ یعنی از او فداء پذیرفته نمی شود، کسی اگر بخواهد خود را جای او و عوض او قرار دهد که او بمیرد و آن شخص را رها کنند چنین چیزی پذیرفته نمی شود.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: این روزی که توصیف شد روز مرگ است که شفاعت و فداء به او سودی نمی بخشد، اما روز قیامت ما از شیعیان خود کاملاً دستگیری خواهیم نمود، بر روی اعراف که میان بهشت و دوزخ است وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین و خاندان پاک ایشان حضور دارند، شیعیانمان را در آن عرصات می بینیم، اگر از آنان کسی گرفتار سختی ها باشد، شیعیان برگزیده خود مثل سلمان و اباذر و مقداد و عمار و نظائر آنان را، که در دوران بعد از ایشان و در دوران های بعد تا روز قیامت زیسته اند، می فرستیم و آن ها همانند باز شکاری با سرعت بر آن شیعیان فرود می آیند و آن ها را بر می گیرند، همان طور که باز شکاری صید خود را در چنگ می گیرد، سپس با شادی و با شتاب به سوی بهشت می روند، و بر دوستان دیگرمان شیعیان برگزیده خود را می فرستیم و این ها نیز، مانند کبوتر شیعیان گناهکار ما را از صحرای محشر بر می چینند همان طور که پرنده دانه را از زمین می چیند، و در محضر ما آن ها را به بهشت منتقل می کنند.

در برابر یکی از شیعیان ما که در اعمالش تقصیر داشته و کوتاهی نموده بعد از آنکه ولایت را حفظ کرده و تقیه را رعایت نموده و حقوق برادران دینی را پرداخته است، صد نفر تا صد هزار نفر (به اختلاف موارد) ناصبی آورده می شود، به آن شیعه مقصر گفته می شود اینها فدای تو از آتش هستند یعنی اینها را به عوض تو در برابرهایی تو می گیریم، پس آن مؤمنان وارد بهشت می شوند و آن ناصبی ها به دوزخ افکنده می شوند،

و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است که فرموده: ﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ یعنی

بالولاية ﴿لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾^۱ کافران به ولایت چه بسا آن روز آرزو می‌کنند که کاش مسلمان بودند در دنیا و در برابر امامت مطیع و منقاد می‌شدند تا مخالفانشان را فدای ایشان از آتش قرار می‌دادند.^۲

و معنای عبارت این است که آن‌ها . سلام و درود خدا بر آنان باد . شفعاء هستند و به ولایت ایشان گرفته می‌شود عدل از فسق و این فداء است، یعنی آن قدر از فسق می‌گیرند تا عدل رهایی یابد، پس بر آنان در هر صبح و شام از طرف خداوند درود و تحیت باد.

﴿وَإِذْ قَرَفْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ ﴿٥٥﴾

«به یاد آورید هنگامی که دریا را شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم و وابستگان فرعون را غرق نمودیم در حالی که شما نگاه می‌کردید»

۳۳ - امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام کنار دریا رسید خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرستاد: به بنی اسرائیل بگو:

جَدِّدُوا تَوْحِيدِي وَأْمُرُوا بِقُلُوبِكُمْ ذِكْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، سَيِّدِ عِبِيدِي وَإِمَائِي ، وَأَعِيدُوا عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ الْوَلَايَةَ لِعَلِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخِي مُحَمَّدٍ ، وَاللَّهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ قُولُوا: اللَّهُمَّ بِجَاهِهِمْ جَوِّزْنَا عَلَى مَتْنِ هَذَا الْمَاءِ ، فَإِنَّ الْمَاءَ يَتَحَوَّلُ لَكُمْ أَرْضًا .

توحید مرا تجدید کنید و به دل‌های خود یاد حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سرور بندگانم را اقرار و اعتراف نمایید و بر خود ولایت برادرش علی بن ابی طالب علیه السلام و خاندان پاک او را اعاده نمایید و بگویید: خداوندا به آبروی آنان ما را بر روی این آب عبور بده، اگر چنین کردید آب دریا برای شما همانند زمین خواهد شد.

۱. سوره حجر، آیه ۲.

۲. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۲۲۴، ح ۱۱۹؛ بحار الانوار: ج ۸، ص ۴۴، ح ۴۵.

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ این دستور الهی را به آن‌ها فرمود و آن‌ها امتناع ورزیدند و گفتند: ما جز بر روی زمین راه نمی‌رویم.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى: ﴿أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ﴾ وَقُلِ: اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ لَنَا فَلَقْتُهُ لَنَا.

خداوند تبارک و تعالی به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «عصای خود را به دریا بزن» و بگو: خداوندا به آبروی حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان پاک او، این دریا را برای ما بشکاف.

پس دریا شکافته شد و زمین تا انتهای خلیج ظاهر گردید و حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به آن‌ها فرمود: اکنون داخل شوید. آن‌ها گفتند: زمین آن مرطوب و لغزنده است می‌ترسیم که در آن فرورویم.

فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: يَا مُوسَى قُلِ: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ جَفِّفْهَا.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای موسی بگو: خداوندا به حق حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان پاک او، زمین دریا را خشک گردان. پس حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ این کلمات را گفت و خداوند باد صبا را بر آن زمین فرستاد و آن را خشک کرد.

پس از آن موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به آن‌ها فرمود: داخل شوید. آن‌ها گفتند: ای پیامبر خدا ما دوازده قبیله و فرزندان دوازده پدر هستیم و وقتی داخل دریا شدیم هر گروهی از ما می‌خواهد از دیگری سبقت بگیرد و ممکن است حادثه بدی پیش آید، اگر هر فرقه‌ای از ما راه مخصوصی داشته باشد ما از این وحشتی که داریم در امان خواهیم بود.

فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مُوسَى أَنْ يَضْرِبَ الْبَحْرَ بَعْدَ دِهِمِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ صَرْبَةً فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَوْضِعاً وَيَقُولَ: اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ بَيْنَ الْأَرْضِ لَنَا وَ أَمِطِ الْمَاءَ عَنَّا، فَصَارَ فِيهِ تَمَامُ اثْنَيْ عَشَرَ طَرِيقاً.

خداوند تبارک و تعالی به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ امر فرمود: با عصایت به عدد آن‌ها، یعنی دوازده مرتبه در دوازده موضع بر زمین بزن و بگو: «خداوندا به آبروی حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان پاک او، زمین را برای ما ظاهر کن و آب را دور گردان.»

آنگاه دوازده راه پیدا شد، حضرت موسی علیه السلام فرمود: اکنون وارد شوید، آن‌ها گفتند: وقتی هر گروه از ما وارد یکی از این راه‌ها شد نمی‌داند بر سر دیگران چه می‌آید؟

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَاضْرِبْ كُلَّ طُودٍ مِّنَ الْمَاءِ بَيْنَ هَذِهِ السِّكِّكِ وَقَلْبِ: اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ لَمَا جَعَلْتَ فِي هَذِهِ الْمَاءِ طَبَقَاتٍ وَاسِعَةً يَرَى بَعْضُهُمْ بَعْضَهُمْ بَعْضاً مِنْهَا، فَحَدَّثَتْ طَبَقَاتٌ وَاسِعَةً يَرَى بَعْضُهُمْ بَعْضاً مِنْهَا.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: در بین این راه‌ها هر انباشته‌ای از آب را با عصا بزنی و بگو: خداوندا به آبروی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او در میان این آب طوق‌ها و کمان‌هایی بزرگ قرار بده که افراد این گروه بتوانند افراد گروه دیگر را ببینند.

بنی اسرائیل بعد از این پیشنهادها بالأخره داخل شدند و چون به آخر دریا رسیدند، فرعون و لشکر او از راه رسیدند و چون آن‌ها همه وارد دریا شدند خداوند عزوجل به دریا دستور داد که بر آن‌ها منطبق گردید، یعنی پاره‌ای از آن به پاره دیگری از آن پیوست و آن‌ها همه غرق شدند در حالی که اصحاب حضرت موسی علیه السلام به آن‌ها می‌نگریستند.

خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیلی که در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند فرمود:

فَإِذَا كَانَ اللَّهُ فَعَلَ هَذَا كُلَّهُ بِأَسْلَافِكُمْ لِكِرَامَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عليهم السلام وَدَعَا مُوسَى بِهِمْ دُعَاءً يَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ أَنَّ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذْ قَدْ شَاهَدْتُمُوهُ الْآنَ.

وقتی خداوند با پیشینیان شما بخاطر کرامت و بزرگداشت محمد و آل محمد علیهم السلام که موسی آن‌ها را در دعایش وسیله قرار داد چنین رفتار کرد سزاوار است اکنون که شما آن حضرت را مشاهده می‌کنید به او و خاندان او ایمان آورید.

﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ

وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ ﴿۵۱﴾

«به یاد آورید هنگامی که چهل شب با موسی وعده کردیم، سپس شما گوساله را بعد از او به عنوان معبود خود گرفتید و شما ستمکار بودید»

۳۴ - امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

خداوند تبارک و تعالی به حضرت موسی علیه السلام وحی فرمود: ای موسی بن عمران اینها به عبادتشان و اینکه معبودی غیر از من را برگزیدند خوار و ذلیل نشدند مگر بخاطر اینکه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام را سبک شمردند و موالات و دوستی ایشان را انکار کردند و به نبوت نبی اکرم و وصایت وصی او اعتراف نمودند تا آنکه کارشان به آنجا کشید که گوساله را معبود خویش گرفتند.

پس اگر خداوند آن گوساله پرستان را به خاطر سبک شمردن صلوات فرستادن بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصی او علی بن ابی طالب علیه السلام گرفتار چنین خواری و ذلت فرمود، شما لازم و سزاوار است که بترسید از اینکه گرفتار خواری و ذلت بیشتری شوید با عناد و لجاجی که نسبت به آن دو بزرگوار یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام دارید در حالی که آن دو را مشاهده نموده‌اید و آیات و دلائل ایشان را به وضوح و روشنی دیده‌اید.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ سپس آن پیشینیان شما را عفو نمودیم، شاید شما که از بنی اسرائیل هستید در دوران حضرت محمد صلی الله علیه و آله آن نعمت را که بر پیشینیان شما ارزانی داشتیم شکرگزاری نمایید.

امام علیه السلام فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی آنان را عفو نمود زیرا خداوند عزیز و با جلال را به وسیله محمد و آل محمد علیهم السلام خواندند و بر خودشان ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب و خاندان پاک ایشان علیهم السلام را تجدید نمودند، و این

باعث شد که خداوند به آن‌ها رحم کند و گناه آنان را عفو نماید.^۱

﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ ﴿٥٧﴾

«به یاد آورید هنگامی را که به موسی علیه السلام کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را عطا نمودیم تا هدایت شوید»

۳۵- امام عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند:

به یاد آورید زمانی را که به موسی علیه السلام کتاب دادیم، و آن تورات است که بر بنی اسرائیل لازم بود به آن ایمان آورند و به آنچه واجب می‌کند ملتزم باشند، و نیز به او فرقان مرحمت کردیم و آن وسیله‌ای است که حق و باطل و اهل حق و اهل باطل را از یکدیگر جدا می‌سازد.

چون خداوند تبارک و تعالی آنان را به کتاب و ایمان به آن و ملتزم بودن به احکامش گرامی داشت، بعد از آن به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود: ای موسی، این کتاب است که به آن اقرار نموده‌اند، باقی مانده است فرقان که میان مؤمنان و کافران فرق می‌گذارد و اهل حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌سازد، عهد و پیمان به آن را بر آنان تجدید فرما، همانا من بر خود قسم یاد کرده‌ام که از هیچ کس ایمان او و اعمالش را نپذیرم مگر در صورتی که به آن ایمان داشته باشد.

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا فرقان چیست؟

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مُوسَى تَأْخُذُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّ مُحَمَّدًا خَيْرُ الْبَشَرِ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَّ أَخَاهُ وَ وَصِيَّهُ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ الَّذِينَ يُقِيمُهُمْ سَادَةَ الْحَلْقِ وَ أَنَّ شِيعَتَهُ الْمُنْفَادِينَ لَهُ الْمُسْلِمِينَ لَهُ وَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ لِخَلْقَانِهِ نُجُومِ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَ مَلُوكِ جَنَّاتِ عَدْنٍ.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای موسی عهد و پیمان می‌گیری بر بنی اسرائیل که

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۲۹، ج ۱۲۲؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۳۱، ح ۴۲.

حضرت محمد ﷺ بهترین افراد بشر و سرور همه رسولان است و اینکه برادر او و وصی او بهترین اوصیاء است، و اینکه اولیاء او که آن‌ها را جانشین خویش قرار می‌دهد، سروران خلق هستند، و شیعیان او که فرمان‌بردار بی‌چون و چرای او و تسلیم او و دستوراتش هستند و نیز تسلیم جانشینان او، ستارگان فردوس اعلی و فرمانروایان بهشت عدن خواهند بود. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام این پیمان را از آن‌ها گرفت، برخی از آنان به حق معتقد شدند، برخی دیگر به زبان پذیرفتند و قلب آن‌ها اقرار نکرد، گروه اول که به حقیقت معتقد گشتند بر پیشانی آن‌ها نور آشکاری طلوع کرد، اما گروه دوم فاقد این نور بودند. و این «فرقان» است که خداوند عزوجل به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام عطا نمود، و این وسیله فرق گذاشتن بین اهل حق و باطل بوده است.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ یعنی شاید بدانید که آنچه بنده را نزد خدا شرافت می‌بخشد اعتقاد به ولایت است، همان طور که پیشینیان شما به وسیله آن شرافت یافتند.^۱

﴿وَأَذَّأ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿٥١﴾

«به یاد آورید زمانی را که حضرت موسی به قوم خود فرمود: ای قوم من شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید، پس توبه کنید و به سوی خالق خود بازگردید و خود را (یکدیگر را) به قتل برسانید، این کار برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است، سپس خداوند توبه شما را پذیرفت، و او توبه‌پذیر و مهربان است.»

معنی تاویل:

۱. تفسیر امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام: ص ۲۳۳ ذح ۱۲۳؛ بحار الأنوار: ج ۱۳، ص ۲۳۲، ح ۴۳.

قوم حضرت موسی علیه السلام هنگامی که گوساله پرستیدند و آن گناهی است بزرگ کفاره اش این بود که کسی که گوساله نپرستیده آن را که پرستیده به قتل برساند، این کار بر بنی اسرائیل خیلی سخت و دشوار بود که یکی پدر خود یا برادر و یا فرزندش را به قتل رساند، به حضرت موسی علیه السلام این مطلب را گفتند، خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرمود که به آن‌ها بگو: هر کس خدا را به وسیله محمد و آل اطهار او بخواند و بخواند که خدا این کار را بر او آسان گرداند برای او آسان خواهد شد، آن‌ها گفتند و اجرای دستور پروردگار بر آن‌ها آسان گردید و برای آن درد و ناراحتی احساس نکردند.

۳۶ - امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

خداوند بعضی از آنان را موفق گردانید، به بعضی دیگر، در حالی که هنوز حکم قتل صادر نگشته بود، گفتند: آیا خداوند تو سئل به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاک او را، امری که با آن هیچ خواسته‌ای ناکام نمی‌ماند و هیچ درخواستی رد نمی‌شود، قرار نداده است؟ مگر پیامبران و رسولان به آن‌ها متوسل نشده‌اند؟ پس چرا ما دست به دامان آن‌ها نشویم.

آن‌ها پس از این گفتگو اجتماع کردند و ضجه و فریاد زدند و عرض کردند: پروردگارا به آبروی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که گرامی‌ترین خلق تو است و به آبروی علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام که برترین خلق تو هستند و به آبروی امام حسن و امام حسین علیهم السلام دو سبط سرور انبیاء و دو سرور جوانان اهل بهشت و به آبروی ذریه پاک و پاکیزه از آل طه و یس تو را قسم می‌دهیم که گناهان ما را بیامیزی و از لغزش‌های ما درگذری و این قتل را از ما زائل نمایی،

در این هنگام به حضرت موسی علیه السلام از آسمان ندا شد که نسبت به حکم قتل خودداری کن، بعضی از آنان از من درخواست نموده‌اند درخواستی و قسم داده‌اند مرا قسمی که اگر آن پرستش کنندگان گوساله مرا به آن قسم می‌دادند و می‌خواستند که آن را پرستش نکنند به آن‌ها پاسخ می‌دادم و اگر ابلیس لعین مرا به آن قسم می‌داد او را هدایت می‌نمودم، و اگر نمرد و فرعون مرا به آن قسم می‌دادند آن‌ها را نجات می‌بخشیدم، پس

قتل از آن‌ها برداشته شد، و می‌گفتند: جای بسی تأسف چرا خدا را به محمد و آل محمد نخواندیم تا خدا ما را از شر آن فتنه حفظ کند و به بهترین وجهی ما را مصون بدارد.^۱

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ * ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ ﴿۵۵﴾ و ﴿۵۶﴾

«به یاد آورید زمانی را که گفتید: «ای موسی، ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا آنکه خدا را آشکارا ببینیم پس صاعقه شما را گرفت در حالی که تماشا می‌کردید * سپس شما را پس از مرگ حیات بخشیدیم، شاید شکرگزاری کنید»

۳۷- امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

حضرت موسی علیه السلام هنگامی که اراده کرد تا از آن‌ها عهد فرقان بگیرد تا بین اهل حق و باطل فرق گذاشته شود، یعنی برای نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه طاهرين علیهم السلام از آن‌ها عهد و پیمان بگیرد.

آن‌ها گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم که این امر پروردگار تو است، تا آنکه او را آشکارا ببینیم و خودش به ما از آن خبر دهد. بر اثر این درخواست غلط و ناروا، صاعقه آن‌ها را گرفت و در حالی که نگاه می‌کردند صاعقه بر آن‌ها نازل شد.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای موسی، من اولیاء خود را که برگزیدگان مرا تصدیق نمایند گرامی می‌دارم و باکی ندارم، و نیز دشمنانم را که حقوق برگزیدگان مرا نادیده بگیرند عذاب می‌کنم و باکی ندارم.

حضرت موسی علیه السلام به آن افراد باقیمانده که دچار صاعقه نشدند فرمود: شما چه می‌گویید؟ آیا می‌پذیرید و اعتراف می‌کنید، و یا می‌خواهید به آن‌ها ملحق شوید؟

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۲۳۴، ذح ۱۲۴؛ بحار الأنوار: ج ۱۳، ص ۲۳۵، ح ۴۳.

آن‌ها گفتند: ای موسی، می‌دانی آن‌ها چرا دچار صاعقه شدند؟ آن‌ها نه بخاطر تو گرفتار صاعقه شدند، بلکه این یک حادثه طبیعی است که خوب و بد را در بر می‌گیرد، اگر می‌گویی آن‌ها بخاطر رد کلام تو در مورد حضرت محمد ﷺ و علی بن ابی طالب و خاندان ایشان بوده، از پروردگارت به وسیله آنان بخواه که صاعقه زدگان را زنده گرداند و ما از آن‌ها علت این امر را سؤال کنیم.

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ خدا را خواند و خدا آن‌ها را زنده نمود، موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به قوم خود فرمود: از آن‌ها سؤال کنید چرا مبتلا به صاعقه شدند و آن‌ها سؤال کردند. در پاسخ گفتند: ای بنی اسرائیل دچار این گرفتاری نشدیم مگر به خاطر اینکه نسبت به اعتقاد به امامت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از اعتقاد به نبوت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امتناع ورزیدیم. ما بعد از مرگ، ممالک پروردگارانمان از آسمان‌ها و حجب و کرسی و عرش و بهشت و دوزخ او را دیدیم، و در تمام آن ممالک امر کسی را نافذتر و سلطنت کسی را عظیم‌تر از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ندیدیم. هنگامی که بر اثر صاعقه مردیم ما را به طرف دوزخ بردند، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ آن‌ها را صدا زدند و فرمودند: عذابتان را از اینها باز بدارید، اینها دوباره به درخواست سائلی که خدا را به وسیله ما و خاندان پاک ما خوانده است، زنده می‌شوند. لذا ما را در دوزخ نیفکندند و تأخیر نمودند تا به دعای تو، ای پیامبر خدا، که محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را وسیله قرار دادی ما را برانگیختند.

خداوند عزوجل به اهل زمان حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هنگامی که ظلمت پیشینیان شما که با ظلمشان گرفتار صاعقه شدند با دعا و وسیله قرار دادن محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برطرف شده است، آیا بر شما واجب نیست از آنچه باعث هلاکت و نابودی آن‌ها گردید اجتناب کنید و به مثل آن متعرض نشوید.^۱

۱. تفسیر امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ : ص ۲۳۶ ح ۱۲۵؛ بحار الانوار: ج ۱۳، ص ۲۳۵ ذح ۴۳، وج ۲۶ ص ۳۲۸ ح ۱.

﴿وَوَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوٰى كُلَّوْا مِنْ طَيِّبٰتِ
مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُوْنَا وَلٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴾ ﴿۵۷﴾

«ابر را بر شما سایبان قرار دادیم و بر شما منّ (شیره مخصوص درختان) و سلوی (پرنده‌ای شبیه بلدرچین) را بر شما فرستادیم و گفتیم از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید (ولی شما کفران نمودید) آن‌ها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم نمودند»

۳۸ - امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

خداوند تبارک و تعالی فرمود: به یاد آورید ای بنی اسرائیل هنگامی را که ابرها را بر شما سایبان قرار دادیم، وقتی در بیابان سرگشته بودید، تا شما را از حرارت خورشید و سردی ماه حفظ کند، و بر شما منّ، یعنی ترنجبین، و سلوی، که نوعی پرنده است، نازل کردیم. از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی نمودیم بخورید، و نعمت مرا شکر کنید و کسانی که من بزرگ داشتم را بزرگ بدارید و تعظیم کنید و کسانی که من محترم داشتم از کسانی که برای ایشان از شما عهد و پیمان گرفتم، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او، را احترام نمایید.

سپس امام علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کردند که آن حضرت فرموده‌اند:

بندگان خدا، بر شما باد به اعتقاد ولایت ما اهل بیت و میان ما فرق نگذارید، نگاه کنید خدا چگونه بر شما توسعه داده، چرا که حجت را برای شما واضح ساخته است تا شما شناخت حق برای شما آسان باشد. سپس برای شما توسعه داده و اجازه فرموده در تقیه تا از شرور خلق سالم بمانید، سپس اگر دگرگون نمودید و تغییر دادید توبه را بر شما عرضه می‌دارد و از شما می‌پذیرد، پس برای نعمت‌های خداوند شاکر باشید.^۱

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۳۷، ح ۱۲۶؛ بحار الأنوار: ج ۱۳، ص ۱۸۲، ح ۱۹.

﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا

الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَتَرِذُ الْمُحْسِنِينَ﴾ ﴿٥٨﴾

» و به یاد آورید زمانی که گفتیم در این شهر وارد شوید و از نعمت های فراوان از هر جا که می خواهید بخورید، و از در (معبد بیت المقدس) با خشوع وارد شوید و بگویید: خداوندا گناهان ما را بریز، تا گناهان شما را ببخشم و به زودی به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد»

۳۹ - امام عسکری علیه السلام فرموده اند:

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای بنی اسرائیل، به یاد آورید هنگامی را که به پیشینیان شما گفتیم: «وارد این قریه شوید» که مقصود اریحا از شهرهای شام بود، و این هنگامی بود که از بیابان و سرگشته بودن، خارج شدند،

﴿فَكُلُوا مِنْهَا﴾ پس بخورید از نعمت های فراوان آن قریه،

﴿حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا﴾ هر جا که خواهید بدون زحمت و رنج،

﴿وَادْخُلُوا الْبَابَ﴾ بَابُ الْقَرْيَةِ ﴿سُجَّدًا﴾. مَثَلُ اللَّهِ عَلَى الْبَابِ مِثَالُ مُحَمَّدٍ وَ

عَلِيٍّ وَ أَمْرُهُمْ أَنْ يَسْجُدُوا لِلَّهِ تَعْظِيمًا لِذَلِكَ الْمَثَالِ وَ يُجِدُّوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ

بَيْنَعْتَهُمَا وَ ذَكَرَ مَوَالِيَهُمَا وَ يَذْكُرُوا الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ الْمَأْخُودِينَ عَلَيْهِمْ لَهْمَا

﴿وَقُولُوا حِطَّةً﴾ أَي قُولُوا إِنَّ سُجُودَنَا لِلَّهِ تَعْظِيمًا لِمِثَالِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ اعْتِقَادَنَا

لَوْلَايَتِهِمَا حِطَّةً لِدُنُوبِنَا وَ مَحْوَلِ سَيِّئَاتِنَا.

«و سجده کنان از در قریه وارد شوید»، خداوند تبارک و تعالی بر در قریه تمثال مبارک

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام را زد و آن ها را امر فرمود: برای خداوند، به

احترام این دو تمثال سجده کنند و بیعت با آن دو بزرگوار و موالات و دوستی با ایشان را بر

خودشان تجدید کنند و تازه نمایند، و به یاد آورند آن عهد و پیمانی که برای آن دو بزرگوار

از آن ها گرفته شده است،

﴿وَقُولُوا حِطَّةً﴾ یعنی بگویید: همانا سجده ما برای خداوند به خاطر تعظیم در برابر

تمثال حضرت محمد ﷺ و علی بن ابی طالب علیه السلام و اعتقاد ما به ولایت آن‌ها باعث ریزش گناهان ما و از بین رفتن آن‌ها است.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿تَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ﴾ ما با این کار گناهان گذشته شما را می‌آمرزیم و آثار آن‌ها را از بین می‌بریم.

﴿وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ و به زودی به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد، یعنی کسی که از شما گناهانی را که مخالفین ولایت انجام می‌دهند مرتکب نشود و بر پیمانی که نسبت به ولایت بسته ثابت و استوار بماند ما به چنین افرادی به خاطر این عمل به درجات و پاداش‌های آن‌ها می‌افزاییم، و این است معنای گفتار خداوند تبارک و تعالی که فرموده است: ﴿وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱

﴿قَبَدَلِ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا

مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾^{۵۱}

«پس تبدیل کردند ظالمین آن حرف را به غیر آن حرفی که به آن‌ها گفته شده بود، پس بر آن‌ها در برابر این نافرمانی عذابی از آسمان فرستادیم»

۴۰ - امام عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

آن‌ها سجده نکردند آن گونه که امر شدند و نگفتند آنچه را که به آن دستور داده شدند و با عقب خود وارد شدند و به جای «حظه» گفتند: «حنطة حمراء ينقونها أحب الينا من هذا الفعل؛ گندم سرخی که آن را پاک کرده باشند نزد ما از این کار بهتر است»، خداوند بر آنان که ظلم کردند و آنچه به آن‌ها گفته شده بود تبدیل نمودند و تغییر دادند و سر تسلیم در برابر ولایت محمد و آل محمد علیه السلام فرود نیاوردند عذابی نازل فرمود.

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ «رجزی از آسمان بر آن ظالمان نازل کردیم به خاطر فسق آن‌ها و مخالفتشان با

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۳۹، ح ۱۲۷؛ بحار الأنوار: ج ۱۳، ص ۱۸۳، ضمن ح ۱۹.

امر خداوند»، و رجزی که مبتلا شدند این بود که در پاره‌ای از روز صد و بیست هزار نفر از آنان مردند و در علم الهی بود که آن‌ها ایمان نمی‌آورند و توبه نمی‌کنند، و نسبت به کسانی که می‌دانست توبه می‌کنند یا از نسل آن‌ها ذریه پاکی که موحد باشند و ایمان به نبوت حضرت محمد و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام داشته باشند به دنیا می‌آیند آن رجز را نازل ننمود.^۱

۴۱ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تأویل این آیه شریفه فرمودند:

«قَبَدَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ. قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ. رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»

پس دگرگون نمودند آن حرف را که به گفتن آن مأمور بودند کسانی که در حق آل محمد علیهم السلام ظلم کردند و ما بر کسانی که در حق آل محمد علیهم السلام ظلم کردند به خاطر این کار عذابی از آسمان نازل کردیم.^۲

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ

أَثْنًا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ﴾ ﴿٢١﴾

«و به یاد آورید زمانی را که موسی برای قوم خود آب طلبید، به او دستور دادیم: عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن. ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید، آن گونه که هر یک از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل چشمه مخصوص خود را می‌شناختند»

۴۲ - امام عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند:

ای بنی اسرائیل به یاد آورید زمانی را که حضرت موسی برای قوم خود آب طلب کرد و آن وقتی بود که آن‌ها در صحرا دچار تشنگی شدند و صدای ضجه و فریادشان بلند شد و

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۸۷؛ بحار الأنوار: ج ۱۳، ص ۱۸۳.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۵۸؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۲۴، ح ۱۵؛ اثبات الهداة: ج ۲، ص ۲۷۸، ح ۵۹.

به موسی علیه السلام گفتند: ما به خاطر تشنگی مان رو به نابودی هستیم. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا به حق حضرت محمد سرور انبیاء و به حق حضرت علی بن ابی طالب سرور اوصیاء و به حق حضرت فاطمه سرور همه زنان، و به حق امام حسن سرور اولیاء، و به حق امام حسین سرور و سالار همه شهیدان، و به حق خاندان ایشان و جانشینان پاکشان، این بندگان را از آب سیراب کن.

خداوند تبارک و تعالی در پاسخ به درخواست موسی علیه السلام به او وحی فرمود: ای موسی علیه السلام ﴿اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ﴾ با عصایت بر سنگ بزن. حضرت موسی علیه السلام به دستور پروردگار عمل کرد و دوازده چشمه آب از آن جوشید، و هر قبیله ای از اولاد یعقوب محل آشامیدن خود را می دانست.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ﴾ از رزق و روزی خدا که به شما عطا فرموده، بخورید و بیاشامید ﴿وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ راه نروید و تلاش نکنید در روی زمین در حالی که فساد می کنید و نافرمانی می نمایید.

سپس امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که قیام کند بر موالات و دوستی ما اهل بیت خداوند جامی از محبت خود را به او بچشاند که هرگز حاضر نباشد آن را با چیز دیگری عوض کند و غیر او را به عنوان حافظ و یار و پشتیبان نخواهد.

و کسی که خود را آماده و وادارد نماید بر تحمل سختی ها در راه دوستی و ولایت ما، خداوند او را در عرصات روز قیامت به گونه ای قرار می دهد که چشم هر کسی که آن جا حضور دارد، از آنچه از درجات او مشاهده می کند، خسته و ناتوان گردد، اگر چه هر یک از آن ها احاطه داشته باشد به آنچه برای او از درجات است به مانند احاطه او در دنیا به آنچه پیش روی خود می بیند.

سپس به او گفته شود: خود را وا داشتی بر تحمل سختی ها و ناگواری ها در راه ولایت و دوستی محمد و آل محمد، اکنون خدا این امکانات را به تو مرحمت کرده و این اختیار را به تو داده که بتوانی در این سرزمین هر گرفتاری را که بخواهی از گرفتاری رهایی بخشی.

او چشم خود را به صحرای قیامت می‌افکند، سپس هر کس را که به او نیکی یا احسانی به دست یا زبان نموده یا غیبتی را از او دور ساخته یا برخورد خوبی با او نموده یا ارفاقی به او کرده جدا می‌کند همان طور که شخص در هم صحیح را از شکسته جدا می‌کند. سپس به او گفته می‌شود: این‌ها را در هر جای بهشت که خواهی قرار بده، و او آن‌ها را در بهشت ساکن گرداند.

سپس به او گفته می‌شود: و نیز این اختیار به توداده شده که اهل دوزخ را دیدار کنی و هر که را بخواهی از دوزخ نجات دهی. او آن‌ها را نگاهی می‌کند و از میان آن‌ها افرادی را جدا می‌کند همان طور که شخص دینار را از تکه‌های بریده شده بی ارزش جدا می‌کند. سپس به او گفته می‌شود: آن‌ها را هر کجا که بخواهی از میان آتش ببر، و او این کار را می‌کند. خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیل که در عصر حضرت محمد ﷺ بودند فرمود: وقتی نیاکان شما به موالات و دوستی حضرت محمد و خاندان پاک او فرا خوانده شدند، شما که آن حضرت را مشاهده می‌کنید سزاوارتر است که به موالات و دوستی او روی آورید، به هوش باشید و با تقرب به ما به سوی خداوند تبارک و تعالی تقرب پیدا کنید و با دوری از ما به سخط و خشم خدا خود را نزدیک نکنید و از رحمت او خود را دور نمایید.^۱

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ

وَإِذْ كُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ ﴿۳۷﴾

«به یاد آورید زمانی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم (و به شما گفتیم: آنچه به شما عطا کردیم (از آیات و دستوره‌های خداوند) با قدرت بگیرید و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید شاید پرهیزکار شوید)»

۴۳ - امام عسکری علیه السلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی به آنان فرمود:

به یاد آورید هنگامی را که از شما عهد و پیمان گرفتیم که عمل کنید به آنچه در

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص ۲۴۰ ح ۱۲۹؛ بحار الانوار؛ ج ۹۴، ص ۹، ح ۱۰.

تورات و آنچه در فرقان است، که آن را به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ عطا کردیم با کتابی که اختصاص دارد به ذکر حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی بن ابی طالب عَلَيْهِمَا السَّلَامُ و خاندان پاک آنان که آن‌ها از همه خلق برتر و قیام کننده به حق هستند، و عهد و پیمان گرفتیم از شما که به آن اقرار کنید و به جانشینان خود آن را برسانید و به آنان نیز امر کنید که به آیندگان بگویند که: به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر خدا ایمان آورند و نسبت به آنچه او از طرف خداوند در مورد علی بن ابی طالب عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ولی خدا، به آن‌ها امر می‌کند، و نیز به آنچه خبر می‌دهد به ایشان از احوال جانشینان بعد از او، که قیام کنندگان به حق هستند، تسلیم باشند، ولی شما از قبول آن عهد امتناع ورزیدید و روش استکبار را پیشه نمودید، پس کوه طور را بالای سر شما بالا بردیم، به جبرئیل دستور دادیم که قطعه‌ای از آن را که به قدر لشکرگاه پیشینیان شما بود جدا کند. پس آن را آورد و بالای سر شما قرار دادیم، پس حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به آنان فرمود: یا به دستوراتی که به شما داده شده ملتزم می‌شوید و یا این کوه بر شما افکنده می‌شود آن‌ها مجبور شدند و از روی اکراه پذیرفتند مگر کسانی که خداوند آن‌ها را از عناد و لجاج حفظ کرد که آن‌ها از روی میل و با اختیار قبول کردند.

سپس هنگامی که آن‌ها را پذیرفتند سجده کردند و صورت بر خاک نهادند و بسیاری از آن‌ها چهره بر خاک نهادنشان نه به خاطر فروتنی و خضوع در برابر خدا بلکه از ترس فرود آمدن کوه بود، ولی گروهی از روی اختیار و برای اطاعت پروردگار سجده کردند.

سپس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

ای گروه شیعه خدا را بر این توفیق ثنا و ستایش کنید که در سجود خود پیشانی بر خاک می‌نهد نه آن گونه که کافران بنی اسرائیل نهادند بلکه آن گونه که خوبان آنان نهادند.

و خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ﴾ یعنی آنچه به شما دستور داده شده از اوامر و نواهی در پیرامون این امر مهم، یعنی ذکر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی و خاندان پاک ایشان عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، با قوت تمام بگیرید و آنچه در آن است به یاد داشته باشید از ثواب‌ها و پاداش‌های فراوان به خاطر به پا داشتن آن و کیفرهای شدید به خاطر امتناع ورزیدن از

آن، تا شاید از مخالفتی که موجب کيفراست پرهيز كنيد و بدین وسيله ثواب بسيار را سزاوار شويد.^۱

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً...﴾ ﴿٢٧﴾

«به ياد آوريد زمانی را که حضرت موسی عليه السلام به قوم خود فرمود: خداوند تبارک

وتعالی به شما امر می کند که گاوی را بکشید»

این آیه شریفه اشاره دارد به قصه ای که مجمل آن چنین است: در بنی اسرائیل زن نیکو خصال و صاحب جمال و مالی بود و سه پسر عمو داشت هر سه نفر از او خواستگاری نمودند و او یکی از آنان را که از نظر علم و شرافت برتر بود برگزید، آن دو نفر دیگر حسد ورزیدند و برادر را به قتل رساندند، بنی اسرائیل درباره این قتل از موسی عليه السلام سؤال کردند.

۴۴ - امام عسکری عليه السلام فرمودند:

حضرت موسی عليه السلام اهل قبیله را به امر خداوند ملتزم ساخت که پنجاه نفر از بزرگان آنان سوگند یاد کنند و بگویند: «بِاللَّهِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ اَلِهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، مَفْضَلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ عَلَيَّ الْبِرَايَا أَجْمَعِينَ اَنَا مَا قَتَلْنَاهُ وَلَا عَلِمْنَا لَهُ قَاتِلًا» به خداوند نیرومند بسیار توانا، معبود بنی اسرائیل، او که برتری دهنده حضرت محمد و خاندان پاک او بر همه موجودات است، ما او را نکشته ایم و قاتل او را هرگز نمی شناسیم.

سپس بعد از آن بنی اسرائیل به اتفاق به حضرت موسی عليه السلام پیشنهاد نمودند که از خداوند بخواهد مقتول را زنده گرداند تا از او درباره قتل او سؤال کنند.

امام عليه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی به او وحی نمود: ای موسی، به پیشنهاد آن ها پاسخ مثبت بده و از من بخواه تا برای آن ها قاتل را بیان کنم تا به سزای عملش برسد و دیگران از تهمت و غرامت رهایی یابند، و من با اجابت پیشنهاد آنان می خواهم در رزق و

۱. تفسیر امام عسکری عليه السلام: ص ۲۴۴، ح ۱۳۴؛ بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۸۸ ح ۴۸.

روزی شخصی از خوبان امت تو، که دین و روش او، صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام و برتری دادن حضرت محمد و علی بن ابی طالب علیهم السلام بر سایر مخلوقات است، توسعه داده و او را در دنیا غنی و بی نیاز گردانم تا مقداری از اجر و پاداش او به خاطر تعظیم او در برابر محمد و آل محمد علیهم السلام باشد.

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا قاتل او را برای ما بیان کن، خداوند تبارک و تعالی به او وحی نمود: به بنی اسرائیل بگو: خداوند آن را برای شما روشن می گرداند به اینکه گاوی را ذبح کنید و بعضی از اجزاء گاو را به مقتول بزنید تا او به اذن پروردگار زنده شود.

سپس امام علیه السلام فرمود: هنگامی که امر مستقر گردید یعنی تصمیم آن ها جدی شد به جستجوی گاو پرداختند و آن را جز نزد جوانی از بنی اسرائیل نیافتند، که خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را در رؤیا به او نشان داده بود که به او فرموده بودند: تو محب ما و برتری دهنده ما بر دیگران هستی ما می خواهیم بعضی از پاداش تو را در دنیا به تو برسانیم، زمانی که برای خریدن گاو نزد تو آمدند جز به امر مادرت این کار را انجام نده.

امام علیه السلام فرمود: پیوسته بنی اسرائیل می خواستند به نیمی از قیمتی که مادرش می گوید خریداری کنند و جوان نزد مادر باز می گشت و او قیمت را دو برابر می نمود تا آنکه قیمت آن رسید به اینکه شکم گاو بزرگی را پراز دینار کنند، بیع انجام شد، آن را ذبح کردند و قطعه ای از آن را گرفتند و به مقتول زدند و گفتند:

اللهم بجاه محمد وآله الطيبين لما أحيت هذا الميت وأنطقته ليخبرنا عن قاتله

خداوندا به آبروی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاک او این میت را زنده گردان و او را گویا گردان تا از قاتلش به ما خبر دهد.

با گفتن این جمله مقتول از جا برخاست و عرض کرد: ای پیامبر خدا، مرا این دو پسر عمویم به قتل رسانده اند، اینها به من به خاطر دختر عمویم حسد ورزیدند و مرا به قتل رساندند.

بعضی از افراد بنی اسرائیل به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردند: نمی دانیم کدام یک از این دو عجیب تر است: زنده گرداندن خدا این مقتول را و به سخن درآوردن او، یا ثروتمند ساختن این جوان را با آن مال عظیم که به او رسید.

خداوند تبارک و تعالی به او وحی نمود: ای موسی، به بنی اسرائیل بگو: هر کدام از شما دوست دارد در دنیا زندگی گوارایی داشته باشد و در بهشت جایگاه او عظیم باشد و با محمد و آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ همنشین گردد کاری را که این جوان می کرد انجام دهد.

این جوان از موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَامُ ذکر محمد و آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ و علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاندان پاک ایشان را شنیده بود، همواره بر آنان صلوات می فرستاد و آن ها را بر همه خلائق از ملائکه و جن و انس فضیلت و برتری می داد و به همین خاطر این مال عظیم را متوجه او ساختم و نصیب او نمودم.

سپس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آن جوان به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: ای پیامبر خدا، چگونه این اموال را نگهداری کنم و چگونه نترسم از دشمنی کسانی که در مورد آن با من دشمنی می کنند و از حسودانی که به خاطر آن با من حسد می ورزند، حضرت فرمودند: در این موارد نیز صلوات بفرست بر حضرت محمد و آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاندان پاک او همان طور که پیش از بدست آوردن آن صلوات می فرستادی، جوان به دستور آن حضرت عمل کرد و هیچ حسود یا غاصب و یا دزدی قصد سوء نسبت به او نکرد مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی به لطف خود آن را دفع نمود.

هنگامی که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به جوان این مطلب را فرمود، مقتولی که زنده گردیده عرض کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكُ بِهِ هَذَا الْفَتَى مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَالتَّوَسَّلُ بِهِمْ أَنْ تَبْقِيَنِي فِي الدُّنْيَا مَتَمَتَعًا بِأَبْنَةِ عَمِّي وَتَحْزِي أَعْدَائِي وَحَسَادِي وَتَرْزُقَنِي مِنْهَا أَوْلَادًا كَثِيرًا طَيِّبًا».

خداوندا از تو درخواست می کنم به آنچه این جوان به وسیله آن از تو درخواست نمود. صلوات بر حضرت محمد و آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاندان پاک او و توسل به آنان. که مرا در دنیا بهره مند از دختر عمومیم باقی بداری و دشمنان و حاسدان مرا خوار و ذلیل گردانی و از او اولاد پاک

زیادی به من روزی نمایی.

خداوند تبارک و تعالی به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام وحی فرمود: ای موسی، این جوانی که بعد از قتل زنده شده شصت سال عمر کرده است هفتاد سال دیگر به خاطر درخواست او و توسلش به محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام به او بخشیدم تا صحیح و سالم از نظر حواس و عقل و قدرت و شهوت با همسرش زندگی کند و از حلال این دنیا بهره برداری نماید و هنگامی که مدت عمرشان در دنیا به پایان رسید هر دو بمیرند و رهسپار بهشت گردند و در آنجا نیز زوج یکدیگر باشند و از نعمت‌های آن برخوردار گردند.

امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: آن قبیله پس از این جریان نزد حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام ضجه زدند و فریاد بر آوردند و عرض کردند: ما دچار فقر و فلاکت شدیم و در معرض هلاکت قرار گرفتیم از خدا برای ما وسعت رزق درخواست کن.

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: وای بر شما، چه قدر شما کور دل هستید! آیا دعای آن جوان صاحب گاو را نشنیدید و ندیدید خدا چگونه مال و ثروت به او مرحمت فرمود، آیا دعای آن مقتولی که زنده شد نشنیدید و ندیدید چگونه بر اثر آن دعا عمر طولانی و سعادت و نعمت و سلامت جسم و جان یافت، چرا به مانند آن دو نفر دعا نمی‌کنید و به آن وسیله که آن دو متوسل شدند شما به درگاه الهی متوسل نمی‌شوید تا فقر و ناداری شما را برطرف کند و ورشکستگی شما را جبران نماید؟

آن‌ها عرض کردند:

اللَّهُمَّ الْيَكُ التَّجَانَا وَعَلَى فَضْلِكَ اعْتَمَدْنَا، فَأُزِلْ فَقْرَنَا وَسَدِّ خَلْتَنَا بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمْ.

خداوندا به تو پناه آوردیم و به فضل تو تکیه نمودیم، به آبروی حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و خاندان پاک ایشان، فقر ما را از بین ببر و بی‌نیازی به ما مرحمت کن.

خداوند به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام وحی نمود: ای موسی، به آن‌ها بگو: سرانشان به فلان خرابه بروند و از فلان محل آن، مقداری از خاک روی زمین بردارند و آنچه آنجا نهفته

شده استخراج کنند و آن ده هزار هزار دینار است، به هر کس آن مقداری که برای قیمت گاو پرداخته بپردازند تا وضع آن‌ها به حال اول بازگردد، سپس باقیمانده آن را که پنج هزار هزار دینار و معادل همان مقداری است که آن‌ها برای حل آن مشکل پرداخت کردند، میان خودشان تقسیم کنند تا اموالشان دو برابر گردد و این پاداش توصل آن‌ها به محمد و آل محمد علیهم‌السلام و اعتقاد داشتن به برتری آن بزرگواران است.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ «و به شما نشان می‌دهد سائر آیات و نشانه‌های خود را» غیر از این‌ها که دلالت می‌کرد بر توحید و یکتایی او و نبوت حضرت موسی پیامبرش و برتری حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر همه خلائق و فضیلت و برتری خاندان پاک او بر سائر خلائق، ﴿لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ «شاید اندیشه کنید و بفهمید» کسی که این عجائب و شگفتی‌ها را انجام می‌دهد جز از روی حکمت امر نمی‌کند و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان او را گزینش نفرموده مگر به خاطر آنکه آن‌ها برترین افراد در میان صاحبان عقل و خرد هستند.^۱

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ ﴿٥١﴾

«سپس دل‌های شما بعد از آن سخت شد، همچون سنگ، یا سخت‌تر، چرا که پاره‌ای از سنگ‌ها می‌شکافد و از آن نهرها جاری می‌شود و برخی از آن‌ها شکاف بر می‌دارد و آب از آن خارج می‌شود، و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد، اما دل‌های شما نه از خوف خدا می‌تپد و نه سرچشمه علم و دانش است، و خداوند از اعمال شما هرگز غافل نیست.»

۱. تفسیر امام عسکری علیه‌السلام، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۶۶، ح ۷.

خداوند سبحان هنگامی که نعمت‌های خود را بر بنی اسرائیل شماره نمود و به آن‌ها یادآوری کرد، از آن جمله قصه گاو و آنچه در پیرامون آن از آیات ظاهر شد و زنده نمودن مقتول را تذکر داد، ایمان آوردند و حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در آنچه به آن‌ها فرموده بود تصدیق کردند سپس بعد از آن دگرگون شدند، خداوند آن‌ها را بر این کار توبیخ نمود و فرمود: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» «سپس دل‌های آن‌ها بعد از آن جریان قسی و سخت گردید همچون سنگ یا سخت‌تر»، زیرا سنگ همان گونه است که خداوند سبحان آن را توصیف نموده و از آن جایی که دل‌های آن‌ها به خدا و رسول او ایمان نیاورد و برای ذکر خداوند سبحان نرم نگردید، از سنگ سخت‌تر است.

۴۵ - امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ در تأویل آیه مذکور فرمودند:

از دل‌های آنان خیر و خوبی نمی‌جوشد و شکافته نمی‌شود تا مقدار کمی از آن خیر و خوبی بیرون آید.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «وَإِنَّ مِنْهَا لَمَنْ يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» و پاره‌ای از آن‌ها از ترس خدا فرود آیند، زمانی که آن‌ها را به اسم خداوند تبارک و تعالی و به نام‌های اولیائش: حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و پاکان از خاندان ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قسم دهی، ولی در دل‌های شما ذره‌ای از این خیر و خوبی‌ها نیست. سپس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: این عیب گرفتن خداوند و خفیف ساختن او نسبت به یهود و نواصب است. و یهود دو امر را جمع کردند و دو خطا را مرتکب شدند پس بر یهود دشوار آمد، آنچه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایشان را به آن توبیخ فرمود.

جمعی از سران آن‌ها گفتند: ای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به دل‌های ما ادعا می‌کنی آنچه را که خدا خلاف آن را می‌داند و همانا در آن خیر فراوانی است، روزه می‌گیریم، صدقه می‌دهیم، با فقرا مواسات می‌نماییم، تومی‌پنداری که در دل‌های ما چیزی از مواسات با فقراء و یاری نمودن ناتوانان نیست و سنگ‌ها نرم‌ترند از دل‌های ما و برای خدا فرمانبردارتر هستند، ما را نزد بعضی از این کوه‌ها، که در حضور شما هستند، ببر و از آن‌ها بر تصدیق خودت و تکذیب ما گواهی بخواه.

رسول خدا ﷺ فرمود: آری، بیايید نزد هر کدام که می‌خواهید برویم تا از او گواهی بخواهم تا به نفع من و علیه شما گواهی دهد.

آنگاه به سوی دشوارترین کوهی که دیدند، رفتند و گفتند: ای محمد ﷺ از این کوه گواهی بخواه. رسول خدا ﷺ فرمود: ای کوه، به آبروی محمد و خاندان پاک او که خداوند عرش را بر دوش هشت فرشته، وقتی نام آن‌ها را ذکر کردند، سبک گردانید، بعد از آنکه تعداد بسیار زیادی از آن‌ها، که تعداد آن‌ها را جز خدا نمی‌دانست، قدرت حرکت دادن آن را نداشتند؛ و به حق محمد و خاندان پاک او که با ذکر نام آنان خداوند توبه آدم را پذیرفت و خطای او را آمرزید و او را به مقام و مرتبه‌اش بازگردانید؛ و به حق محمد و خاندان پاک او که با ذکر نام آنان و درخواست از خدا به وسیله آنان ادریس را به مکانی والا در بهشت بالا برد؛ از تو می‌خواهم که، به آنچه خدا در توبه و دیعه نهاده، برای محمد ﷺ شهادت دهی به تصدیق او علیه این یهود که دل‌هایشان قساوت دارد، و به تکذیب آنان که گفتار محمد رسول خدا ﷺ را انکار کردند.

با تمام شدن فرمایش رسول خدا ﷺ کوه حرکتی از خود نشان داد و به لرزه افتاد و آب همچون سیل از آن روان گردید و فریاد برآورد: ای محمد ﷺ شهادت می‌دهم که تو رسول خدا و فرستاده پروردگار جهانیان و سرور همه خلایق هستی، و گواهی می‌دهم که دل‌های این یهودیان همان گونه که شما توصیف نمودید سخت‌تر از سنگ است و از آن‌ها هیچ خیری صادر نمی‌گردد، در حالی که چه بسا از سنگ، آب به صورت سیل و یا به شکل جوشیدن و فوران خارج می‌شود. و گواهی می‌دهم که این‌ها بر تو دروغ گفتند با نسبت دروغی که به خداوند عالم دادند که گفتند: خدا خلاف آنچه را تو ادعا می‌کنی می‌داند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: وای کوه از تو می‌خواهم به آبروی محمد و خاندان پاک او، که به وسیله ایشان خداوند تبارک و تعالی نوح را از اندوه عظیم نجات داد؛ و به وسیله ایشان آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت قرار داد و او را در دل آتش بر تخت راحت و فرش نرم جای داد و اطراف او درختان سبز و خرم و پرشکوفه رویانید، و به انواع آنچه جز در فصول چهارگانه سال یافت نمی‌شود آباد نمود؛ بگویی آیا خدا تو را امر فرموده است به

اطاعت من در آنچه از تو می‌خواهم؟

از کوه فریادی برآمد که: آری ای محمد ﷺ برای تو گواهی می‌دهم به این مطالب و گواهی می‌دهم که اگر تو بر خدایت پیشنهاد نمایی که تمام مردان دنیا را میمون و خوک بگرداند و یا همه را فرشته قرار دهد، آتش را گلستان و گلستان را آتش نماید، آسمان را به زمین فرود آورد و یا زمین را به آسمان بالا برد، یا کرانه‌های مشرق و مغرب و درّه‌ها همه را کیسه‌ای قرار دهد انجام خواهد داد، و به راستی زمین و آسمان مطیع و فرمانبردار تو قرار داده شده، کوه‌ها و دریاها به امر تو دگرگون می‌گردند، و سائر آنچه خدا آفریده از باد و صاعقه و اعضاء و جوارح انسان و حیوان همه تحت فرمان تو هستند و هر امری که نسبت به آن‌ها بفرمایی بدون چون و چرا انجام خواهند داد.

یهودیان گفتند: تو امر را بر ما مشتبه می‌سازی و خلاف واقع را واقع می‌نمایی. سپس چیزهایی را پیشنهاد نمودند تا آن کوه انجام دهد و رسول خدا ﷺ پذیرفت.

امام عسکری علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ مقداری فاصله گرفت و به فضای وسیعی دورتر از محل آن‌ها رفت و کوه را مخاطب قرار داد و فرمود: ای کوه، به حق محمد و خاندان پاک او، همان‌ها که خداوند به آبروی آنان و به وسیله ایشان، با درخواست بندگانش، بر قوم عاد تندباد وحشتناک سردی را فرستاد که مردم را همچون تنه‌های نخل ریشه کن شده از جا برکند؛ و جبرئیل را امر فرمود که صیحه‌ای در قوم صالح بزند به گونه‌ای که همه به صورت گیاه خشکی درآمدند؛^۱ به اذن خداوند از جای خود کنده شو و به حضور من بیا.

کوه از جا تکان خورد و به لرزه درآمد و مانند مرکبی تندرو خود را نزد رسول خدا ﷺ رسانید و ایستاد، آنگاه ندایی از او برآمد که: ای رسول خدا در خدمت شما و گوش به فرمان شما هستم، و اگر بخواهی بینی این معاندین را به خاک بمالم، به امر خود مرا مأمور گردان.

۱. اقتباس از آیه ۱۹ و ۲۰ سوره قمر «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ».

۲. اقتباس از آیه ۳۱ سوره قمر «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ».

رسول خدا ﷺ فرمود: این معاندین به من پیشنهاد کرده‌اند که تو را امر کنم از اصل خود قطع شوی و دو نیم گردی، سپس قسمت بالای تو به پایین و قسمت پایین تو به بالا رود، کوه عرض کرد: ای رسول خدایا مرا به چنین دستوری امر می‌فرمایید؟ فرمود: آری. آنگاه کوه دو نیم گردید و قسمت بالای آن روی زمین و قسمت پایین آن در بالا قرار گرفت، فرع آن اصل و اصل آن فرع گردید.

سپس کوه فریاد برآورد: ای یهودیان، آیا آنچه را مشاهده کردید کمتر از معجزات حضرت موسی ﷺ است که می‌پندارید به او ایمان دارید. یهودیان برخی از آن‌ها به برخی دیگر نگاه کردند و بعضی از آن‌ها گفتند: راه گریزی از آن نیست، دیگران گفتند: این شخص خوش شانس است، عجائب برای او فراهم می‌گردد، از آنچه مشاهده کردید فریب نخورید. کوه فریاد برآورد که: ای دشمنان خدا با آنچه گفتید نبوت حضرت موسی ﷺ را نیز باطل نمودید، چرا در مورد حضرت موسی ﷺ هنگامی که عصایش تبدیل به اژدها شد، دریا برایش شکافته گردید و کوه بالای سرتان همچون ابری سایه افکند، به او نگفتید: تو آدم خوش شانسی هستی، عجائب برایت آماده و فراهم می‌گردد و آنچه از تو مشاهده کرده‌ایم ما را فریب نمی‌دهد؟ پس کوه با این گفتار زور که یهود گفتند، آن‌ها را در خود فرو برد و حجت پروردگار جهانیان گریبانگیر آنان شد.^۱

﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ

فِيهَا خَالِدُونَ﴾^(۸)

«آری کسی که مرتکب گناه شود و گناه او را احاطه نماید، این گونه اشخاص اهل آتش هستند و در آن همیشه خواهند ماند.»

۴۶ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۹، ص ۳۱۲، ح ۱۱.

آن گناه انکار امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است، و کسی که چنین گناهی مرتکب شد اهل آتش است و برای همیشه در آتش خواهد بود.^۱

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِأَلْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

وَذِي الْقُرْبَىٰ...﴾ ﴿۸۳﴾

«و هنگامی که از بنی اسرائیل میثاق گرفتیم که جز خدا را نپرستید و نسبت به «پدر و مادر» و «ذی القربی» و... احسان کنید».

۴۷ - امام عسکری علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

أَفْضَلُ وَالِدَيْكُمْ وَأَحَقُّهُمَا بِشُكْرِكُمْ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ علیه السلام.

برترین و ارزشمندترین پدران شما و آن‌ها که سزاوارترند به شکرگزاری و سپاس حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام می‌باشند.

و امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ...

من و علی دو پدر مهربان این امت هستیم و حق ما بر آنان عظیم‌تر از حق پدری است که در ولادت او نقش داشته، ما آن‌ها را در صورتی که از ما اطاعت کنند، از آتش نجات می‌دهیم و به دارالقرار و سرای رحمت پایدار می‌رسانیم و از بندگی‌های ناروا و ناشایسته به حریت واقعی می‌کشانیم.

سپس امام علیه السلام در تفسیر ﴿ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ فرمودند:

۱. امام عسکری علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرموده‌اند: گناهی که به شخص احاطه می‌کند آن است که او را از دین خدا خارج سازد و از ولایت پروردگار بیرون آورد و از خشم الهی ایمن دارد و بی‌خیال نماید و آن شرک به خدا و کفر به او و به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و جانشینان بعد از آن حضرت است، هر یک از این‌ها گناهی است که به شخص احاطه می‌کند یعنی به اعمال او احاطه می‌کند و همه آن‌ها را باطل می‌گرداند و از بین می‌برد. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۰۳ ح ۱۴۶.

آن‌ها اقوام و خویشان پدری و مادری توهستند، به تو گفته شده: حق آنان را بشناس، همان طور که از بنی اسرائیل عهد و پیمان گرفت، و از شما عهد و پیمان گرفت به شناخت حق خویشاوندان حضرت محمد ﷺ که آنان امامان بعد از او هستند.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: کسی که حق خویشاوندان پدری و مادری خود را رعایت کند در بهشت به او هزار هزار درجه عطا شود، سپس درجات را تفسیر نمود. سپس فرمود: و کسی که حق خویشاوندان حضرت محمد ﷺ و علی بن ابی طالب رضی الله عنهما را رعایت کند، به او درجات و ثواب زیادتری داده شود به قدر زیادتر بودن فضل و برتری حضرت محمد ﷺ و علی بن ابی طالب رضی الله عنهما بر پدر نسبی خودش.

۴۸ - و نیز در تفسیر ادامه آیه: ﴿وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ﴾ فرمود:

و سخت‌تر از تنهایی یتیمی که پدر از دست داده، تنهایی یتیمی است که از امام خود جدا افتاده و در آنچه مبتلا می‌شود به آن از شرایع دینش حکم آن را نمی‌داند.

آگاه باشید، اگر کسی از شیعیان ما که عالم به علوم ماست، فردی را که جاهل به شریعت ماست و از مشاهده ما محروم مانده و در دوری از امامش همچون یتیم است، هدایت و راهنمایی نماید و شریعت ما را به او یاد دهد، در جایگاه والای بهشت با ما خواهد بود. پدرم این حدیث را از پدران بزرگوارش، از رسول خدا ﷺ برای من روایت فرموده‌اند.

۴۹ - امام عسکری رضی الله عنه فرموده‌اند:

همانا از دوستان حضرت محمد ﷺ مساکین معنوی هستند، مواسات با آنان بهتر و برتر از مواسات با مساکین مادی است، و مقصود از مساکین معنوی کسانی هستند که قوای آنان از نبرد با دشمنان خدا، که آن‌ها را به خاطر دین سرزنش می‌کنند و نادان و سفیه می‌خوانند، ناتوان است.

آگاه باشید کسی که با تفقه، آگاهی و علم خود، مساکین معنوی را تقویت نماید، تا

۱. تفسیر امام عسکری رضی الله عنه، ص ۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۲.

ضعف و مسکنت آنان زایل گردد، سپس آن‌ها را بردشمنان ظاهری - نواصب - و دشمنان باطنی - ابلیس و لشکریانش - مسلط نماید، و این دشمنان را از دین خدا و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام دور گردانده و فراری دهد؛ خداوند این مسکنت و ناتوانی را به شیاطین ایشان منتقل می‌کند و آن‌ها را از گمراه کردن ایشان عاجز و ناتوان می‌سازد.

خداوند تبارک و تعالی بر زبان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدان حکم فرموده است و آن حکم قطعی و ثابت است.^۱

۵۰ - امام عسکری علیه‌السلام در تفسیر این قسمت از آیه شریفه ﴿وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ﴾ فرموده‌اند:

یعنی نماز را با رکوع و سجود کامل به پا دارید و اوقات آن را رعایت کنید و حقوق آن را ادا کنید. همان حقوقی که بدون ادای آن، پروردگار خلالتی، نماز را نمی‌پذیرد، و آن صلوات فرستادن بر پیامبر و امیرالمؤمنین و خاندان ایشان علیهم‌السلام بعد از آن است، همراه با اعتقاد به این که آنان برترین برگزیده خدا و به پا دارندگان حق خدا و یاوران دین خدا هستند.^۲

۵۱ - امام عسکری علیه‌السلام فرموده‌اند:

صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام را در هر حالی، در هنگام غضب و خشنودی و سختی و بلا و در رفاه و آسایش و در اندوه دل‌هایتان رها نکنید و در مورد آن پایداری نمایید.^۳

۵۲ - و در تفسیر آیات شریفه ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ... فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ فرموده‌اند:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: این آیه درباره یهودیانی نازل شد که عهد خدا را شکستند، فرستادگان خدا را تکذیب نمودند و اولیاء خدا را به شهادت رساندند.

۱. تفسیر امام عسکری علیه‌السلام، ص ۳۱۲ ح ۲۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۷، ذ ح ۱۳.

۲. تفسیر امام عسکری علیه‌السلام، ص ۳۲۷ ح ۲۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۲۸۵، ح ۱۲.

۳. تفسیر امام عسکری علیه‌السلام، ص ۲۹۵، ضمن ح ۱۷۴.

(سپس فرمود:) آیا به شما خبر دهم به مشابه آنان از یهود این امت؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. فرمود: گروهی از امت من، به خود می‌بندند که از اهل آیین من هستند، اما دانشمندان ذریه من و پاکان خاندان مرا به قتل می‌رسانند، شریعت و سنت مرا دگرگون می‌سازند، دو میوه دلم امام حسن و امام حسین علیهما السلام را می‌کشند همان طور که پیشینیان یهود، زکریا و یحیی علیهما السلام را کشتند.

آگاه باشید و بدانید که خدا اینان را لعنت می‌کند، همان طور که آنان را لعنت فرمود؛ و پیش از فرارسیدن قیامت، بر باقی ماندگان از نسل اینان، هدایت‌گر و هدایت شده‌ای از فرزندان حسین مظلوم علیه السلام (یعنی امام زمان علیه السلام) را برمی‌انگیزاند و با شمشیر دوستان آن حضرت، آنان را به سوی آتش دوزخ روانه خواهد ساخت.^۱

﴿أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ

وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾ ﴿٢٧﴾

«هرگاه فرستاده‌ای از طرف خداوند دستوری آورد که مطابق میل نفسانی شما نبود، تکبر ورزیدید پس گروهی را تکذیب نمودید و گروهی را به قتل رسانیدید».

۵۳- تاویل این آیه شریفه حدیثی است که کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

«أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ مُحَمَّدٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ بِمَوَالِئِ عَلِيِّ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ»

هرگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله مطلبی در مورد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام آورد که مطابق با میل نفسانی شما نیست، گروهی از آل محمد علیهم السلام را تکذیب می‌کنید و گروهی از ایشان را به قتل می‌رسانید.^۲

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام: ۳۳۱، ج ۲۵۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۱۸، ج ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۷۴، ج ۵۴ و ج ۲۴، ص ۳۰۷، ج ۷.

﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا...﴾ ﴿۱۰﴾

«آن‌ها بد معامله‌ای با خود کردند که به ناروا به آنچه خداوند نازل فرموده بود کافر گشتند».

۵۴ - کلینی رحمه الله در تأویل آیه مذکور به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

جبرئیل این آیه شریفه را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه نازل نموده است: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ - فِي عَلِيٍّ - بَغْيًا» «آن‌ها بد معامله‌ای با خود کردند که به ناروا به آنچه خداوند در مورد حضرت علی علیه السلام نازل فرموده بود کافر گشتند».^۱

﴿وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ ﴿۱۷۰﴾

«خداوند هر کس را بخواهد به رحمت خویش مخصوص می‌گرداند و خداوند دارای فضل و احسان عظیم است».

۵۵ - دیلمی رحمه الله در تأویل این آیه از حضرت رضا علیه السلام و آن بزرگوار از پدرش و ایشان از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمودند:

المختصون بالرحمة نبي الله ووصيه وعترتهما عليهما السلام.

مراد از آنانکه به رحمت خدا مخصوص گردیده‌اند پیامبر اکرم و وصی آن حضرت و عترت طاهرين آن‌ها هستند، خداوند تبارک و تعالی صد رحمت آفرید، نود و نه رحمت را برای حضرت محمد و علی و عترت ایشان ذخیره نمود و اختصاص داد، و یک رحمت را میان سائر مخلوقاتش گسترش داده است.^۲

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۷۲، ح ۵۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۶۱، ح ۴۴.

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ ﴿١٣١﴾

«کسانی که کتاب آسمانی به آن‌ها دادیم آن را آن گونه که شایسته است تلاوت می‌کنند آن‌ها به او ایمان می‌آورند».

۵۶ - کلینی رحمته الله به سند خود از ابوولاد نقل کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه مذکور سؤال کردم، فرمودند:

مقصود از کسانی که قرآن را آنگونه که سزاوار است تلاوت می‌کنند ائمه طاهرين علیهم السلام هستند.^۱

و مراد از «کتاب»، قرآن مجید است، و اگر آن عزیزان تلاوت کنندگان شایسته قرآن نباشند غیر آن‌ها چه کسی خواهد بود؟^۲

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا

قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ ﴿١٢٤﴾

«به یاد آورید، زمانی که پروردگار متعال ابراهیم را به کلماتی آزمود، پس آن‌ها را کامل گردانید، فرمود: من تو را امام برای مردم قرار دادم عرض کرد: و از ذریه و دودمان من؟ خداوند فرمود: عهد من به ستمکاران نمی‌رسد».

۵۷ - صدوق رحمته الله به سند خود از مفضل روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره «کلمات» در این آیه شریفه ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾ سؤال کردم، فرمودند:

هي الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب عليه، وهو أن قال: «يا رب بحق

۱. و امروز تالی قرآن کما هو حقّه امام زمان سلام الله علیه است، او خود کتاب الله ناطق است و آنگونه که سزاوار و شایسته است کتاب صامت الهی را تلاوت می‌کند، در زیارت آل یس در یکی از سلام‌ها به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام عرض می‌کنیم: «السلام عليك يا تالي كتاب الله وترجمانه».

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۹۰، ذ ح ۶.

محمد وعلی و فاطمه و الحسن و الحسین الا تبت علی» فتاب علیه «آته هو التواب الرحیم».

مقصود همان کلماتی است که آدم از پروردگارش دریافت نمود، عرض کرد: «پروردگارا به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام توبه مرا بپذیر»، و خداوند توبه اش را پذیرفت، زیرا که او بسیار توبه پذیر و مهربان است.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، معنای این فرمایش پروردگار ﴿فَاتَمَنَنَّ﴾ چیست؟ فرمود:

آن را به وجود مقدس امام قائم علیه السلام کامل کرد، دوازده امام هستند، حضرت علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام.^۱ و اما این قسمت از آیه شریفه ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ «من تو را برای مردم امام قرار دادم» یعنی امام و پیشوایی که در گفتار و رفتارش به او اقتدا شود و به تدبیر امت و سیاست آن، یعنی اداره امور آنان، قیام کند.

هنگامی که خداوند به حضرت ابراهیم این بشارت را مرحمت فرمود، از خوشحالی و شادمانی عرض کرد: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾ «آیا در ذریه و نسل من هم این امامت خواهد بود؟» خداوند فرمود: ﴿لَا يَتَّأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ «عهد من به ظالمین نمی رسد»، مقصود از «عهد» مسأله امامت و مقصود از «ظالم» کافر است که خداوند تبارک و تعالی فرموده است ﴿وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۲ «کافران همان ظالمان هستند»، و لذا ظالم هرگز امام نمی باشد.

و به این آیه استدلال می شود بر اینکه امام جز کسی که از هرگونه زشت و قبیح معصوم است نمی باشد، و ظالم زشت و قبیح انجام می دهد و خداوند سبحان نفی نموده که عهد او به ظالم برسد، اعم از اینکه ظلم به خود کند و یا ظلم به غیر خود نماید.

۱. معانی الأخبار، ص ۱۲۶، ح ۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۷؛ بحار، ج ۲۴، ص ۱۷۷.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۴.

۵۸ - ابن مغزلی به سند خود از عبدالله بن مسعود روایت کرده است که گفت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

من دعای پدرم ابراهیم هستم.

عرض کردم: شما چگونه دعای پدرتان حضرت ابراهیم هستید؟ فرمود:

خداوند تبارک و تعالی به ابراهیم وحی فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ «من تو را

امام برای مردم قرار می‌دهم»، شادمانی باعث شد آن را سبک شمارد، عرض کرد:

پروردگارا از دودمان من امامانی مانند من هستند؟ خداوند تبارک و تعالی به او وحی نمود:

ای ابراهیم من عهدی را به تو عطا نمی‌کنم که به آن وفا نکنم، عرض کرد: پروردگارا آن

عهد چیست؟ فرمود: برای ظالم از ذریه تو عهدی را عطا نمی‌کنم.

ابراهیم ﷺ در این هنگام عرض کرد: ﴿وَاجْتَنِبِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلُّنَّ

كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ﴾ «من و فرزندانم را باز بدار که بت‌ها را پرستش نمایم، پروردگارا آن‌ها

بسیاری از مردم را گمراه نمودند».

سپس رسول خدا ﷺ فرمود:

این دعا به من و علی بن ابی طالب ﷺ منتهی گردید، که هرگز در مقابل بتی سجده

نکردیم، پس خداوند مرا پیامبر، و علی ﷺ را وصی قرار داد.

و در همین راستا است فرمایش پروردگار که حکایت از قول ابراهیم می‌نماید: ﴿رَبَّنَا

وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ «پروردگارا در میان ایشان رسولی را از خود ایشان بفرست تا آیات تو را برای

آنان تلاوت کند و کتاب و حکمت را تعلیم نماید و آن‌ها را پاکیزه گرداند، زیرا تو توانا و

حکیمی».

﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا

تَمُونَنَّ إِلَّا وَآنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿۱۳۲﴾

«حضرت ابراهیم و یعقوب فرزندان خود را به آن آیین پاک وصیت نمود و فرمود: خداوند برای شما این دین و آیین را برگزیده است، پس از دنیا نروید مگر آنکه تسلیم باشید».

۵۹- صاحب کتاب نهج الایمان از صاحب کتاب شرح الأخبار نقل کرده است

که حضرت باقر العلوم علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

حضرت ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود سفارش کردند و گفتند: خداوند این دین و آیین را برای شما برگزیده، پس از دنیا نروید مگر آنکه تسلیم باشید نسبت به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.

۶۰- و تأیید می‌کند آن را، آنچه کلینی رحمته الله علیه به سند خود از حضرت علی بن موسی

الرضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

ولاية علي عليه السلام مكتوبة في جميع صحف الأنبياء، ولم يبعث الله نبياً إلا بنبوة

محمد ووصية علي صلوات الله عليهما وأهلها.

ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در تمام کتاب‌های آسمانی پیامبران نوشته

شده و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده مگر به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و

وصایت وصی او حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام.

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۹۱؛ بحار، ج ۲۳، ص ۳۷۱، ح ۴۸، ج ۳۵، ص ۳۴۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۶؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۱؛ بحار، ج ۲۶، ص ۲۸۰، ح ۲۴.

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ * فَإِنِ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣٦﴾ و ﴿١٣٧﴾

«بگویند: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شد و آنچه بر پیامبران گذشته چون ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندان او و موسی و عیسی نازل شده و به همه آنچه پیامبران از جانب خدا آورده اند ایمان آورده ایم... * اگر مردم هم به آنچه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند هدایت یافته اند و اگر از آیین شما سرپیچی کنند قطعاً دچار بدبختی شده و به باطل گرویده اند...»

۶۱ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا﴾ فرمودند:

أَمَّا عَنِ بَدَلِكِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عليهم السلام وَجَرَّتْ بَعْدَهُمْ فِي الْأُمَّةِ عليهم السلام مَقْصُودِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَحَضْرَتِ فَاطِمَةَ وَامَامِ حَسَنِ وَامَامِ حُسَيْنِ عليهم السلام مِي بَاشَنَد، وَ آَن هَا هَسْتَنَد كِه بِه خَدَا وَ بِه أَنچِه بِه سَوِي آَن هَا نَاَزَل شَدِه وَ بَرِ پِيَا مَبْرَانِ پِي شِيْنِ فَرَسْتَا دِه شَدِه اِيْمَانِ آَوْرَدِه اَنْد، وَ بَعْدِ اَز اِي شَانِ مَفَادِ آيِه دَر مَوْرِدِ اَمَامَانِ دِيْگَر جَارِي گِشْتِه اَسْت.

پس از آن، کلام خدا متوجه مردم می شود و می فرماید: ﴿فَإِنِ آمَنُوا﴾ یعنی اگر مردم به آن چه شما - یعنی امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان عليهم السلام - ایمان آورده اید، ایمان آورند، به طور حتم هدایت گشته اند و اگر از شما روی بگردانند قطعاً گرفتار بدبختی و در باطل خواهند بود.^۱

و معنایش این است که خداوند سبحان ائمه طاهرين عليهم السلام را امر فرمود که بگویند: ﴿آمَنَّا بِاللَّهِ﴾ زیرا که آن ها مؤمن واقعی و حقیقی و راستین هستند به آنچه به آن امر شده اند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۵۵، ح ۶.

سپس مردم را مخاطب قرار داده و فرموده است: «اگر ایمان آورند به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید، هدایت یافته‌اند» به شما و به آنچه شما ایمان دارید «و اگر روی بگردانند قطعاً دچار بدبختی» و گرفتار نزاع و کشمکش و جنگ و درگیری با تو «گشته‌اند»

﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ ﴿۱۳۸﴾

«رنگ خدایی و چه رنگی نیکوتر از رنگ خدایی و ما تنها او را عبادت کننده‌ایم».

آنچه ائمه طاهرين عليهم السلام و مؤمنان به آن ایمان آورده‌اند ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ﴾ است و آن علامتی است که به وسیله آن، مؤمنان از غیر آنان شناخته می‌شوند، و آن ایمان است؛ یعنی چیزی نیکوتر از آن از نظر ابتدا و انتها نیست.

﴿وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ یعنی ما اطاعت کننده و پیروی کننده از اوامر و نواهی او

هستیم.

در بعضی از روایات فرموده‌اند: مراد از «صِبْغَةَ» ولایت است:

۶۲ - کلینی رحمته الله علیه به سند خود از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که در مورد

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ﴾ در آیه شریفه ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾ فرمودند:

مقصود معرفت به ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام است در عالم میثاق.^۱

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ

الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ ﴿۱۵۳﴾

«شما را امتی وسط و میانه گردانیدیم تا گواه بر مردمان باشید

و پیامبر گواه بر شما باشد».

خطاب این آیه شریفه متوجه ائمه طاهرين عليهم السلام است که قائم مقام رسول خدا بعد از

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۷۹، ح ۶۵.

او هستند، در هر زمانی از آنان امامی است که بر اهل زمان خود گواه است، و رسول خدا ﷺ گواه بر آن امام می باشد.

۶۳ - کلینی رحمته الله به سند خود از برید عجلی روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه مذکور سؤال کردم، فرمودند:

نحن الامّة الوسط، ونحن شهداء الله على خلقه وحججه في أرضه.

مقصود از امت وسط - که دور از افراط و تفریطند و به چپ و راست انحراف ندارند - ما هستیم و ما از طرف خداوند بر مردمان گواه هستیم و حجت او در روی زمین می باشیم.^۱

۶۴ - حسکانی به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

ان الله تعالى ايانا عنى بقوله ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾

خداوند تبارک و تعالی در این فرمایش خود ما را اراده فرموده است، پس رسول خدا ﷺ گواه بر ما و ما گواه بر مردم و حجت حق بر روی زمین هستیم.^۲

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مَوْلَاهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

«هر طایفه ای قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین فرموده است، پس در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت بگیرید، هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می گرداند، همانا خداوند بر هر کاری توانا است.»

۶۵ - همانا برای هر امتی و اهل هر آیینی وجهه یعنی طریقه ای است، خداوند تبارک و تعالی آن را برای آنان اختیار فرموده و به سوی آن هدایتشان نموده است و آن اسلام و ولایت است،

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۹۰، ج ۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۳۶، ج ۲.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۲، ج ۱۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۳۴؛ احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۵۵۳.

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ یعنی به سوی ولایت از یکدیگر سبقت بگیرید.

مقصود از «الخيرات» ولایت است.

بنابراینچه نعمانی به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است.^۱

۶۶ - و در مورد این قسمت از آیه ﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾ به سند خود

از جابر بن یزید و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

مخاطب در این آیه شریفه اصحاب امام قائم علیه السلام هستند.

و بعد از ذکر علامات ظهور آن حضرت فرموده اند:

ثم يجمع الله له أصحابه، وهم ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً عداة أهل بدر يجمعهم

الله (له) علی غیر میعاد قرعا کقرع الحریف ...

سپس خدای تعالی اصحاب آن حضرت را برای او جمع آوری می نماید، و آن ها

سیصد و سیزده نفر هستند، به تعداد اهل بدر. خداوند آن ها را بدون وعده پیشین و به طور

ناگهانی جمع می نماید، مثل ابرهای خزان که پراکنده اند و به یکباره جمع می شوند.

ای جابر، و آن آیه ای است که خداوند در کتابش ذکر فرموده: ﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ

بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.^۲

﴿وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ

رَاجِعُونَ﴾ ﴿۱۵۵﴾ و ﴿۱۵۶﴾

«بشارت بده شکیبایان را * کسانی که چون گرفتار مصیبتی شوند بگویند: ما از خدا

هستیم و بازگشت ما به سوی او است * درود و رحمت خدا بر آنان است و آن ها

هدایت یافتگان می باشند».

۶۷ - ابن مردویه از طریق عامه به سند خود از ابن عباس روایت کرده که گفت:

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۴، ح ۶.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۱۴، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹، ضمن ح ۱۰۵.

هنگامی که به امیرالمؤمنین علیه السلام خبر شهادت عمویش حمزه علیه السلام رسید، فرمود: «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» پس این آیه نازل شد. و مراد از «صابرین» در آیه شریفه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ * إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾ ﴿١١٥﴾ و ﴿١١٦﴾

«برخی از مردم غیر خداوند را برای خود انتخاب می‌کنند و آنان را همانند خداوند دوست می‌دارند، ولی اهل ایمان کمال محبت را به خدای یکتا دارند. و آن‌ها که ستم کردند (و معبودی غیر خدا برگزیدند) هنگامی که عذاب الهی را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت از آن خداست و خدا دارای مجازات شدید است، در آن هنگام رهبران گمراه از پیروان خود بیزاری می‌جویند».

۶۸ - کلینی رحمته الله به سند خود از جابر روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند:

آن‌ها پیروان فلانی و فلانی هستند، آن‌ها را برای خویش امام و پیشوا قرار دادند و آن امامی را که خداوند برای مردم امام و پیشوا قرار داده، رها کردند.

و به این خاطر خداوند فرموده است: «هنگامی که عذاب الهی را مشاهده کنند خواهند دانست که تمام قدرت از آن خداست و خدا دارای مجازات شدید است، در آن هنگام رهبران گمراه که متابعت شدند از پیروان خود بیزاری می‌جویند، و کیفر خدا را

۱. علامه مجلسی رحمه الله مشابه این حدیث را در بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۹۱ به نقل از مشارق الأنوار، ص ۱۷۵ نقل کرده است.

مشاهده می‌کنند و دستشان از همه جا کوتاه است».

سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: ای جابر، آن‌ها پیشوایان ضلالت و گمراهی و پیروان آن‌ها هستند.^۱

۶۹ - شیخ طوسی رحمته الله در کتاب امالی به سند خود از امام صادق، حضرت جعفر بن محمد علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

روز قیامت که فرارسد منادی از میان عرش فریاد می‌زند: خلیفه خدا در زمین کجا است؟ حضرت داود علیه السلام با شنیدن این ندا از جا برخیزد که از جانب پروردگار ندایی آید که ما تو را اراده نکرده‌ایم اگر چه تو هم خلیفه خدا بوده‌ای.

سپس برای بار دوم ندایی بلند شود: خلیفه خدا در زمین کجا است؟ این بار امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از جا برخیزد.

در این هنگام از جانب پروردگار متعال ندا می‌آید: ای مردم! این علی بن ابی طالب، خلیفه خدا در روی زمین و حجت او بر بندگانش می‌باشد، هر که در دنیا به ریسمان ولایت او چنگ زده، امروز نیز به آن چنگ بزند و از نور او روشنایی گیرد و در رفتن به سوی درجات عالی بهشت از او پیروی کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: در این هنگام کسانی که به ریسمان ولایت او در دنیا چنگ زده بودند بر می‌خیزند و به دنبال آن حضرت به سوی بهشت روانه می‌گردند. سپس از جانب پروردگار یکتا ندایی رسد: آگاه باشید هر که در دنیا پیرو هر امامی بوده هر کجا آن امام را می‌برند، به دنبال او حرکت می‌کند.

پس در این هنگام ﴿تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ...﴾ «رهبران گمراه با مشاهده عذاب و از بین رفتن همه اسباب، وقتی دست خود را از همه جا کوتاه می‌بینند، از پیروان خود بی‌زاری می‌جویند، پیروان آن‌ها هم بگویند: ما اگر بار دیگر به دنیا بازگردیم از

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱؛ اختصاص: ص ۳۲۹؛ غیبت نعمانی: ص ۱۳۱، ح ۱۲؛ بحار الانوار: ج ۲۳،

ص ۳۵۹، ح ۱۶، و ج ۷۲، ص ۱۳۷، ح ۲۳.

آن‌ها بیزاری می‌جویم، همان‌طور که آن‌ها امروز از ما بیزاری می‌جویند، خداوند این چنین اعمالشان را که مایه حسرت و افسوس آن‌ها است به آنان نشان دهد و آن‌ها هرگز از آتش دوزخ خارج نخواهند شد و رهایی ندارند»^۱.

بیان: معنای این تأویل آن است که: برخی از مردم برای خود ولی و سرپرست غیر از ولی خدا انتخاب می‌کنند «من دون الله» در واقع «من دون ولی الله» بوده مضاف یعنی «ولی» حذف شده و مضاف الیه، یعنی «الله»، جای آن قرار گرفته است، پس یعنی برای ولی خدا همتیانی قرار داده و آن‌ها را ولی خود می‌دانند،

﴿يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾ یعنی آن‌ها غیر ولی خدا را، که مقصود فلانی و فلانی است، دوست می‌دارند همان‌طور که خدا را دوست می‌دارند و به دوستی آنان به خدا تقرب می‌جویند، ولی کسانی که به خدا و رسول او و امامی که از طرف خداوند است ایمان دارند محبت بیشتری به ولی خدا یعنی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ دارند، یعنی محبت آنان به ولی خدا بیش از محبتی است که پیروان فلانی و فلانی به پیشوایان خود دارند.

﴿وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ کسانی که ظلم کردند در حق آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هنگامی که عذاب را ببینند و با چشم مشاهده کنند می‌فهمند که ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ تمام قدرت از آن خداست و برای آنان هیچ قدرتی نیست و خدا دارای مجازات شدید است.

﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا﴾ در آن هنگام بیزاری می‌جویند کسانی که متابعت شدند یعنی فلانی و فلانی و سران ضلالت و گمراهی؛

﴿مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا﴾ از کسانی که از آن‌ها پیروی کرده‌اند یعنی پیروان و دوستانشان؛
﴿وَرَأَوْا الْعَذَابَ﴾ و عذاب را بالعیان ببینند؛ ﴿وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابَ﴾ همه سبب‌ها و راه‌ها و دوستی‌هایی که بین آنان در دنیا بوده قطع شود و چاره‌ای برای آن‌ها نماند و کیفر و عقوبت دردناک به آنان برسد.

۱. امالی طوسی: ص ۶۳، ح: ۱؛ امالی مفید، ۲۸۵، ح ۳، بحار الانوار: ج ۸، ص ۱۰، ح ۳.

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ
 آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ
 ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ
 الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ
 وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۷۷﴾

«خبر و خوبی و فضیلت به این نیست که روی خود به طرف مشرق و مغرب بگردانید، بلکه صاحب فضیلت کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان دارد و مال و ثروت خود را با همه علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کند، نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و نیز کسانی که به عهد خود هنگامی که عهد و پیمانی بستند وفا می‌کنند و در سختی‌ها و دشواری‌ها و ناملانمات و در میدان نبرد و مبارزه صبر و پایداری می‌نمایند، آن‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند، و آن‌ها هستند پرهیزکاران.»

۷۰ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر خود فرموده است:

این آیه در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه نازل شده است. زیرا این شروط، شروط ایمان و صفات کمالیه است و جز در وجود مقدس حضرت علی رضی الله عنه و اولاد طاهریں آن حضرت در کسی یافت نمی‌شود.^۱

بیان مطلب: اما در مورد ایمان به خدا و روز قیامت و ملائکه و کتاب و پیامبران که روشن است و همه قبول دارند که امیرالمؤمنین رضی الله عنه اول مؤمن است و پیش از هر کسی ایمان به خدا و رسول خدا آورده است بلکه او مؤمن بوده در حالی که هنوز آدم بین آب و گل بوده است.

۱. تفسیر قمی، ص ۵۸.

در مورد بخشش مال به خویشاوندان و ایتام و مساکین، او کسی است که خداوند سبحان درباره او و همسر و دو فرزند گرامی اش فرموده است: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۱

در مورد «سائلین» او کسی است که نگین خود را به سائل عطا کرد در حالی که در محراب عبادت بود.

در مورد ﴿وَفِي الرِّقَابِ﴾ از خود آن حضرت صلوات الله علیه روایت شده است که فرمود: «هزار رقبه» یعنی برده را پس از مالک شدن آزاد کردن.^۲

در مورد «اقامه نماز و پرداخت زکات» آن حضرت کسی است که خداوند تبارک و تعالی درباره اش این آیه شریفه را نازل فرموده است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۳ «همانا ولی و سرپرست شما خدا و رسول او و مؤمنینی هستند که نماز به پا می دارند و زکات می دهند».

در مورد «وفای به عهد» آن حضرت کسی است که خدا در شأن او فرموده است: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَصَىٰ نَحْبَهُ﴾ «از اهل ایمان مردانی هستند که بر عهد خود با خداوند وفا نمودند»، و آن‌ها حضرت حمزه و جعفر بن ابی طالب علیه السلام بودند ﴿وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ﴾^۴ «از آنان کسانی هستند که انتظار می کشند»، و آن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

۱. بی مناسبت نیست ذکر چند بیت در این زمینه:

ای که هستی به همه خلق امیر	نظر مرحمتی کن به فقیر
چه کسی جز تو سه شب داده غذا	به یتیم و به فقیر و به اسیر
چه کسی غیر تو در عرصه جنگ	داده از لطف به دشمن شمشیر

۲. کافی: ج ۸، ص ۱۶۳، ح ۱۷۳؛ ارشاد مفید: ج ۲، ص ۱۴۲؛ بحار الانوار: ج ۴۱، ص ۱۱۰، ح ۱۹.

۳. سوره مائده: آیه ۵۵.

۴. سوره احزاب: آیه ۲۳.

در مورد صبر و پایداری در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها، آن حضرت گوینده این کلام جانسوز است:

فصبرت وفي العين قذى وفي الحلق شجى.

صبر کردم همچون کسی که استخوان در گلو و خار در چشم او رفته باشد، من ارث خود را غارت رفته دیدم.

در مورد صبر در میدان نبرد، او کسی است که دارنده مدال «لا فتى الا على ولا سيف الا ذوالفقار» از جبرئیل است، و دارنده نشان پرافتخار «لأعطين الراية غدا رجلاً كزار غير فرار» از رسول خدا ﷺ است.

در مورد ﴿أَوْلِيكَ الَّذِينَ صَدَقُوا﴾ او صدیق اکبر است.

در مورد ﴿وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ باید گفت: او امام و پیشوای متقین است.

پس حمد و سپاس خدا را که پروردگار جهانیان است، بر ولایت آن حضرت و ولایت ذریه پاک آن حضرت، که والاترین و پربرهاترین نعمت الهی است.

﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا

الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَأَتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ ﴿۱۸۸﴾

«نیکی و نیکوکاری به این نیست که از پشت دیوار وارد خانه شوید، بلکه همه خوبی به این است که تقوا پیشه کنید و از درب خانه وارد شوید».

۷۱- طبرسی رحمته الله علیه در کتاب احتجاج از اصبع بن نباته روایت کرده است که گفت:

در محضر امیرالمؤمنین عليه السلام نشسته بودم که این کوا وارد شد، ابن کوا از امام عليه السلام پرسید مقصود از بیوت در آیه شریفه: ﴿لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا...﴾ چیست؟ امام عليه السلام فرمود:

مقصود از «بیوت» ما هستیم، ما آن بیوت و خانه‌هایی هستیم که خداوند امر فرموده از در آن خانه‌ها وارد شوید، ما در خانه و خانه‌ای هستیم که باید از آن وارد شد، هر که با ما

بیعت کند (و بنا بر نسخه‌ای هر که از ما متابعت کند) و بر ولایت ما اقرار و اعتراف داشته باشد از راه صحیح وارد شده (یعنی از درِ خانه وارد خانه شده) است و هر کس که با ما مخالفت کند و غیر ما را بر ما برتری و ترجیح دهد از راه غیر صحیح رفته، از در خانه وارد نشده بلکه از پشت دیوار وارد خانه شده است، یعنی دچار بیراهه شده و از راه صحیح دور افتاده است.^۱

۷۲- و این حدیث را تأیید می‌کند روایتی که کلینی رحمته الله به سند خود نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

الاصیاء هم ابواب الله عزوجل التي يؤتی منها، ولولا هم ما عرف الله عزوجل،
وبهم احتج علی خلقه.

اوصیاء ابواب الهی هستند که از آن‌ها باید به درگاه ربوبی وارد شد، و اگر آن‌ها نبودند خداوند تبارک و تعالی شناخته نمی‌شد و خدا به وجود ایشان بر خلق خود احتجاج می‌کند.^۲

۷۳- در ذیل معنی «کسی که از غیر در خانه وارد شود» ابو عمر زاهد در کتابش به سند خود از محمد بن مسلم و او از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام روایت کرده است که گفت: به امام علیه السلام عرض کردم:

بعضی از مخالفین شما را می‌بینیم که دارای عبادت و اجتهاد و خشوع است، آیا این‌ها به او سودی می‌بخشد؟ حضرت فرمودند:

همانا مثل آنان مثل اهل بیتی است که در بنی اسرائیل بودند و در میان آن‌ها رسم چنین بود که اگر یکی از آنان چهل شب به عبادت می‌پرداخت و آنگاه دعا می‌کرد دعای او به اجابت می‌رسید.

یک نفر از آنان به همین رسم عمل کرد و دعا نمود ولی دعایش مستجاب نشد. نزد

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۳۳۷، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۲۸، تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۲.

حضرت عیسی بن مریم علیه السلام آمد و از وضع خود شکایت نمود و از آن حضرت خواست که برایش دعا کند. حضرت عیسی علیه السلام وضو گرفت و نماز خواند، سپس برای او دعا کرد. پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی نمود: ای عیسی، اشکال کار این بنده ام این است که از غیر آن دری که باید وارد شود وارد شده، او مرا خوانده است در حالی که در قلبش درباره توشک و تردید دارد، اگر آن قدر دعا کند که گردنش قطع شود و انگشتانش از هم بگسلد، هرگز دعایش را به اجابت نمی‌رسانم.

حضرت عیسی رو به آن شخص کرد و به او فرمود: پروردگارت را می‌خوانی در حالی که در دل خود نسبت به پیامبر او شک داری؟! عرض کرد: همان طور است که شما می‌فرمایید، از خدا بخواه که این مرض از من زایل شود.

پس حضرت عیسی علیه السلام برایش دعا کرد و خدا از او پذیرفت و آن شخص هم مانند سایر اهل بیتش گردید.

وكذلك نحن اهل البيت، لا يقبل الله عمل عبد وهو يشك فينا.

قصه ما اهل بیت نیز چنین است، خداوند عمل بنده‌ای را که درباره ما شک و تردید داشته باشد هرگز نمی‌پذیرد.^۱

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَقَاصَ النَّاسِ وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿۱۳۳﴾

«سپس به راهی که مردم می‌روند شما هم روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خداوند آمرزنده و مهربان است.»

۷۴ - کلینی رحمه الله به سند خود از سعید بن مسیب روایت کرده است که گفت: از

حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که فرمودند:

شخصی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: شما اگر عالم و دانشمند هستید به سؤالات من پاسخ دهید: ناس کیست؟ اشباه ناس و نسناس چه کسانی

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۲، ح ۴۸.

هستند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند بزرگوارشان امام حسین علیه السلام فرمودند: سؤالات این شخص را جواب بده. امام حسین علیه السلام فرمود:

اما این که پرسیدی «ناس» کیست، (پس بدان) «ناس یعنی مردم»، ما هستیم، و لذا خداوند تبارک و تعالی در قرآنش فرموده است: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ مراد از «ناس» در این آیه رسول خدا است، به مردم امر می فرماید از آن جا که رسول خدا صلی الله علیه و آله کوچ می کند شما هم کوچ کنید و روانه شوید.

و اما «أشباه الناس» شیعیان و ازادتمندان ما هستند و آن ها از ما می باشند همان گونه که ابراهیم علیه السلام فرمود: ﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي﴾^۱ «هر کس از من پیروی کند بدون تردید او از من است».

و اما «نسناس» بقیه مردم هستند که حیران و سرگردان و گمراهند و اکثریت مردم را تشکیل می دهند. و با دست مبارکش اشاره به جمعیت مردم نمود، سپس فرمود: ﴿إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ «آنان همچون چهار پایان هستند بلکه از آنان گمراه ترند».^۲

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (۷۷)

«برخی از مردم جان خود را در راه رضای خدا بذل می کنند و خداوند نسبت به بندگانش رؤوف و بسیار مهربان است».

این آیه اشاره به فداکاری بی نظیر امیرالمؤمنین علیه السلام دارد، هنگامی که حاضر شدند در بستر پیامبر بخوابند تا جان آن حضرت را حفظ کنند، در شب لیلۃ المبیت که چهل نفر از چهل قبیله عرب، شمشیر به دست، خانه پیامبر خدا را محاصره کرده بودند و می خواستند ایشان را به قتل رسانند.

۱. سوره ابراهیم، آیه ۳۶.

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۴۴، ج ۳۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۹۵، ج ۲؛ تفسیر فرات، ص ۶۴، ج ۳۰.

﴿وَمِنَ النَّاسِ﴾ یعنی «برخی از مردم» و مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام است بنا بر آنچه بیان آن گذشت و نیز خواهد آمد.

﴿مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ﴾ یعنی «جان خود را می فروشد».

﴿ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ «در طلب رضای خدا»، زیرا که او خریدار است، همان طور که می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ﴾^۱ «خداوند است که از مؤمنین جان آنان را می خرد».

و هر بیعی احتیاج به ایجاب و قبول دارد، ایجاب از طرف خداوند، و قبول از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ به خاطر اینکه به صدق وعده پروردگارش علم دارد.

بدان هنگامی که خداوند سبحان دشمن خود را در آیات پیشین یاد نمود و فرمود: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ * وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ «از مردم کسی هست که گفتارش مایه اعجاب تو می شود در زندگی دنیا، و خدا را بر آنچه در دل دار گواه می گیر، در حالیکه از بدترین و سرسخت ترین دشمنان است * چون قدرت پیدا کند در روی زمین فتنه و فساد به پا کند، زراعت ها و چهارپایان را نابود سازد»

خداوند عز وجل بعد از ذکر این آیات و بیان فساد دشمنان، به ذکر حال امیر المؤمنین علیه السلام و بیان منزلت رفیع آن حضرت، که هرگز کسی به آن مرتبه راه پیدا نخواهد کرد؛ پرداخته است، و آن فضیلت، خوابیدن در بستر رسول خدا برای حفظ جان آن حضرت است، شبی که پیامبر خواستند از بیم کفار از شهر به سوی غار خارج شوند.

۷۵- درباره این قصه اخبار فراوانی وارد شده، از جمله روایتی است که احمد بن

حنبل از عمر بن میمون در ذیل این آیه شریفه نقل کرده است، او گفته است:

مقصود از ﴿مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ علی بن ابی طالب علیه السلام است، او جان خود را در طبق اخلاص نهاد هنگامی که در بستر رسول خدا قرار گرفت،

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

پیامبر لباس خود را به او پوشانید و او را در جای خویش قرار داد و مشرکان خیال کردند که او شخص رسول خدا ﷺ است.^۱

۷۶- ثعلبی در تفسیر این آیه شریفه روایت کرده است:

هنگامی که رسول خدا ﷺ می خواستند از مکه مهاجرت کنند، علی عَلِيٌّ را برای پرداخت بدهی های خود و بازگرداندن امانت هایی که نزدشان بود، به جای خویش قرار دادند. و در آن شبی که به سوی غار خارج شدند و مشرکان اطراف خانه ایشان را محاصره کرده بودند به امیرالمؤمنین امر نمودند که در بستر آن حضرت قرار گیرد و فرمودند: لباس من، یعنی آن بُردِ حضرمی را بپوش و در بستر من بخواب و بدان که هیچ گونه مکروهی از ایشان به تو نخواهد رسید. امیرالمؤمنین عَلِيٌّ نیز دستور پیامبر را اجرا نمود.

پس خداوند تبارک و تعالی به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد که من میان شما پیمان برادری برقرار نمودم و عمریکی را بیش از دیگری قرار دادم کدام یک حاضرید ایثار کنید و برادر خود را بر خود ترجیح دهید؟ هیچ کدام نپذیرفتند و حاضر نشدند از عمر زیادتر چشم پوشی نمایند.

آنگاه به آن ها فرمود: چرا نمی توانید مثل علی بن ابی طالب عَلِيٌّ باشید، بین او و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیمان برادری برقرار نمودم و او اکنون در بستر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوابیده و حاضر شده جان خود را فدای او نماید، هر دو فرود آید و او را از خطر حمله دشمن حفظ کنید.

هر دو به فرمان پروردگار فرود آمدند. میکائیل پایین پای وی قرار گرفت و جبرئیل بالای سر آن حضرت، و عرض کرد:

يَخَّ مِنْ مِثْلِكَ يَا بَنِي طَالِبٍ، يَا بَاهِي اللَّهِ بِكَ مَلَائِكَةٌ.

به به، ای پسر رشید ابوطالب، کیست همانند تو، خداوند به این کار تو بر فرشتگانش مباحثات نمود.

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۸۶، ح ۳۷.

و آنگاه که رسول خدا ﷺ به سوی مدینه در حرکت بود خداوند این آیه شریفه را در شأن علی بن ابی طالب ع نازل فرمود: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ...﴾^۱

۷۷ - خوارزمی از رسول خدا ﷺ روایتی را نقل کرده است که فرمودند:

بامداد روزی که در غار به سر می بردم، جبرئیل بر من نازل شد، به او گفتم: حبیب من تو را شادمان می بینم! عرض کرد: چگونه شادمان نباشم در حالی که دیدگان من روشن گشته به آنچه خداوند وصی تو و برادرت و پیشوای امت را بدان گرامی داشته است.

به او گفتم: خداوند به چه چیزی او را گرامی داشته؟ عرض کرد: خداوند با عبادت دیشب او بر همه فرشتگانش مباحات نمود و فرمود: فرشتگان من، به حجت من بعد از پیامبرم در زمین بنگرید، او جان خود را بذل نموده و در برابر عظمت من صورت بر خاک نهاده شما را گواه می گیرم که او پیشوای خلق من و مولای بندگان من است.^۲

بدان این که خداوند جلیل به جبرئیل و میکائیل وحی نمود که کدام یک از شما برادر خود را به عمر طولانی تر ترجیح می دهد در حالی که او به شأن آن دو اجمالاً و تفصیلاً آگاه است، برای این بوده که فضیلت و برتری امیرالمؤمنین ع را بر فرشتگان مقرب خود بیان کند و این فضلی روشن و آشکار است که از اولین و آخرین کسی به آن دست نیافته است.

۷۸ - امام عسکری ع در تفسیر خود از رسول خدا ﷺ روایت کرده اند که

فرمودند:

معاشر عباد الله عليكم بخدمة من أكرمه الله بالإتضاء، وحباه بالإصطفاء،
وجعله أفضل أهل الارض والسماء بعد محمد سيد الأنبياء علي بن أبي طالب
عليه السلام، و بموالاته أوليائه ومعاداة أعدائه.

۱. تفسیر ثعلبی، ج ۲، ص ۱۲۵؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۶، ح ۱۳۳؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۳۰؛ أسد

الغابة، ج ۳، ص ۵۹۹؛ کفایة الطالب، ص ۲۳۹، باب ۶۲؛ امالی طوسی؛ ص ۴۴۸، ح ۱۰۰۰؛ ارشاد القلوب:

ج ۲، ص ۳۳؛ تنبیه الخواطر؛ ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. مناقب خوارزمی، ص ۲۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۸۷، ح ۳۷.

ای بندگان خدا، بر شما باد به خدمت کردن کسی که خدا او را اکرام کرد و گرامی داشت، به اینکه او را پسندید و از میان خلق خود برگزید و به او رتبه اصطفاء عطا کرد، و او را بهترین اهل آسمان‌ها و زمین بعد از محمد ﷺ که سرور انبیاء است قرار داد، و بر شما باد به دوستی کردن با دوستان آن حضرت یعنی علی بن ابی طالب عليه السلام و دشمنی کردن با دشمنان او.

و کلام خود را ادامه داد تا اینکه فرمود:

فردای قیامت یکی از شیعیان او را می آورند در حالیکه خداوند در کفّه گناهان او گناهای بزرگتر و سنگین‌تر از کوه‌های استوار و دریا‌های موج‌قرار داده است، مردمی که آن را نظاره می‌کنند می‌گویند: این بنده خدا هلاک شد، و شکی ندارند که از نابودشدگان است و در عذاب الهی برای همیشه باید گرفتار باشد.

آنگاه از پیشگاه پروردگار ندایی رسد: ای بنده خطاکار، این‌ها گناهای است که ترا به هلاکت افکنده است، آیا در مقابل آن حسنات و خوبی‌هایی داری که تورا به آن‌ها پاداش دهم و به رحمت خود وارد بهشت کنم؟ آن بنده خدا با سرافکنندگی گوید: خدایا نمی‌دانم.

دوباره منادی پروردگار گوید: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: در این صحنه پهناور قیامت فریاد بزن و بگو: من فلانی پسر فلانی و اهل فلان شهر هستم، اسیر گناهان خود که مانند کوه‌ها و دریاها سنگین است شده‌ام و کارهای خوبی در مقابل آن‌ها ندارم، کدامیک از شما در میان این محشر هستید که من به او احسانی یا بخششی کرده باشم، به پاداش آن اکنون به فریاد من برس، زیرا الآن وقت احتیاج من به آن است.

آن بنده خدا هم طبق فرمان الهی چنین فریادی در آنجا می‌زند، اول کسی که در میان اهل محشر به او جواب دهد علی بن ابی طالب عليه السلام است، می‌فرماید:

لَيْبِكَ لَيْبِكَ أَيُّهَا الْمَمْتَحَنُ فِي مَحَبَّتِي، الْمَظْلُومُ بَعْدَ وُقُوعِي.

لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ایش ای کسی که در محبت و دوستی من امتحان شدی و به خاطر دشمنی با من مورد ظلم و ستم دشمنانم واقع شدی.

سپس امام علیه السلام با عده زیادی به فریاد او می‌رسند گرچه عده آن‌ها از طلبکاران او کمتر است. آنگاه آن گروهی که همراه علی علیه السلام آمده‌اند به آن حضرت می‌گویند: ما برادران ایمانی این شخص هستیم، او به ما نیکی می‌کرد و ما را اکرام و احترام می‌نمود و در معاشرت و برخورد هایش با ما با همه احسان و بخششی که داشت تواضع می‌کرد، ما از همه طاعت‌ها و ثواب‌های خود گذشتیم و آن‌ها را به او بخشیدیم. علی علیه السلام گوید: پس شما خودتان چگونه و به چه عملی وارد بهشت می‌شوید؟ عرض می‌کنند: ما به رحمت بی‌نهایت الهی که هر کس شما را دوست داشته باشد شامل حال او می‌گردد.

مرتبۀ دیگر از ناحیه پروردگار ندا می‌رسد: ای برادر رسول خدا، این‌ها برادران مؤمن او بودند و به او چنین بخششی کردند تو چه احسانی به او می‌کنی؟ من که بین او و گناهانش حاکم هستم گناهان او را که بین من و او بوده به خاطر دوستی‌اش با تو بخشیدم، اما گناهانی که بین او و بندگانم صورت گرفته و ستمی که به آن‌ها کرده و بدهکاریش به آن‌ها باید بررسی شود و محاکمه گردد و تا از آن‌ها خلاص نشود نجات پیدا نمی‌کند. علی علیه السلام گوید: خداوندا، آنچه مرا دستور دهمی انجام خواهم داد.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: برای آن‌ها که طرف دعوا هستند و با او نزاع دارند ضمانت کن که ستمی که به آن‌ها شده جبران کنی. علی علیه السلام نیز چنین کند و به آن‌ها بفرماید: آنچه از ثواب و پاداش در مقابل ستمی که به شما شده از من بخواهید عطا کنم. آن‌ها می‌گویند:

يا أبا رسول الله، تجعل لنا بإزاء ظلاماتنا قبله ثواب نفس من أنفاسك ليلة
بيتوتتك على فراش محمد صلى الله عليه وآله وسلم.

ای برادر رسول خدا، فقط ثواب یک نفس کشیدن تو را در آن شبی که در جایگاه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خوابیدی تا جان او را حفظ کنی از تو درخواست می‌کنیم.
امیرالمؤمنین علیه السلام آن را می‌پذیرد و ثواب یک نفس کشیدن خود را در آن شب به آن‌ها می‌بخشد.

آنگاه خداوند تبارک و تعالی به آن‌ها می‌فرماید: اکنون ای بندگان من، نگاه کنید به

آن مقاماتی که نائل شدید از ناحیه علی علیه السلام در مقابل آن ستمی که به شما شده بود، و قصرهای بهشتی را به ایشان نشان دهد، و چون آن‌ها مراتب و منازل خود را که نه چشمی آن‌ها را دیده و نه گوشی اوصافش را شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده ببینند عرض کنند: خداوندا، آیا از بهشت تو چیزی باقی مانده است؟ و بعد از این بخششی که به ما کردی و قصرها و جایگاه‌هایی که در اختیار ما قرار دادی بقیه بندگان مؤمن و انبیا و صدیقین و شهدا و صلحا کجا وارد می‌شوند؟ و آن‌ها خیال می‌کنند که بهشت به طور کامل در تصرف آن‌ها درآمده است.

سپس ندایی از ناحیه پروردگار به گوش آن‌ها رسد که: ای بندگان من، آنچه مشاهده کردید ثواب یک نفس از نفس‌های علی علیه السلام است که شما از او درخواست کردید و او به شما بخشید، اکنون به برکت آن وارد بهشت شوید و آن‌ها را در تصرف خود درآورید، آنگاه در آنجا می‌بینند مقداری که خداوند به ممالک علی علیه السلام افزوده و آن چندین برابر آن است که علی علیه السلام از طرف آن به طلبکاران او بخشیده است و اندازه‌اش را جز خداوند کسی نمی‌داند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

﴿أَذَلَّكَ خَيْرٌ نَزَلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ﴾، آیا این مقام عالی بهتر است یا شجره زقوم که برای مخالفین برادر و جانشینم علی بن ابی طالب علیه السلام آماده شده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُورَاتِ الشَّيْطَانِ

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ ﴿٢٨﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در سلّم (یعنی آنچه باعث صلح و سازش است) وارد شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمنی روشن و آشکار است».

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان کرد که او در راه رضای خدا از بذل جان دریغ ننموده است به مؤمنین دستور داده است که همگی

در «سَلِم» وارد شوند، و مقصود از «سَلِم» ولایت آن حضرت است و بیان آن خواهد آمد و از پیروی کردن از گام‌های شیطان نهی فرمود و آن دشمنی است که ذکر آن گذشت در ذیل آیه شریفه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ...﴾.

تاویل آیه شریفه:

۷۹- علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر خود در ذیل این آیه شریفه فرموده است:

«نزلت في الولاية؛ این آیه در مورد ولایت نازل شده است.»^۱

۸۰- شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب امالی از محمد بن ابراهیم روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر این قسمت از آیه شریفه ﴿ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾ فرمودند:

ادخلوا في ولاية علي بن أبي طالب عليه السلام.

همگی در ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شوید.

و در تفسیر ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ فرمودند:

یعنی از غیر آن حضرت متابعت نکنید.^۲

۸۱- کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه

شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾ فرمودند:

یعنی در ولایت ما وارد شوید.^۳

۸۲- دیلمی رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه

مذکور فرمودند:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۳۴۲، ح ۱۲.

۲. از این فرمایش امام علیه السلام استفاده می‌شود که هر راهی جز راه امیرالمؤمنین علیه السلام در حقیقت راه شیطان است و پیمودن هر راهی جز راه امیرالمؤمنین علیه السلام پیمودن راه شیطان است، او صراط مستقیم است و صراط مستقیم جز یک راه نمی‌باشد.

۳. امالی طوسی، ص ۲۹۹، ح ۵۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۳۴۲، ح ۱۳.

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۰، ح ۶.

«السلام» ولایة امیرالمؤمنین علیه السلام وولایة اولاده صلوات الله علیهم أجمعین.

مقصود از «سلم» پذیرفتن ولایت و سرپرستی امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرت است.^۱

مؤلف علیه السلام گوید: با دیده دقت و اعتبار به این کلام نورانی پروردگار یکتا بنگر که چگونه امیرالمؤمنین علیه السلام را به این افتخار اختصاص داده و ولایت آن حضرت را «سلم» قرار داده، که هر کس در آن وارد شود در دنیا و آخرت ایمن است و کسی که در آن وارد نشود با خدا و رسول او در حال جنگ و ستیزاست و در دنیا و آخرت ایمن نیست و اهل آتش خواهد بود.

۸۳- شیخ صدوق علیه السلام به سند خود از حضرت رضا علیه السلام از حضرت موسی بن جعفر، از اجداد طاهرینش علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح، از قلم روایت کرده اند که خداوند تبارک و تعالی فرمود:

ولایة علی بن ابی طالب علیه السلام حصنی ومن دخل حصنی أمن من ناری.

ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دژ محکم و حصار من است و هر کس در حصار من وارد شود از عذاب من ایمن است.^۲

﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو

فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (۵۱)

«و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نمی کرد، زمین را فساد فرا می گرفت، ولی خداوند بر جهانیان دارای لطف و احسان است.»

۸۴- کلینی علیه السلام به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَدْفَعُ بَيْنَ يَصَلِّيٍّ مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يَصَلِّيٍّ مِنْ شِيعَتِنَا فَلَوْ

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۰، ح ۷.

۲. امالی صدوق، ص ۳۰۶، ح ۹؛ بحار، ج ۳۹، ص ۲۴۶، ح ۱.

اجتمعوا علی ترک الصلاة لهلکوا.

همانا خداوند تبارک و تعالی به واسطه شیعیانی که نماز می‌خوانند، از شیعیانی که نماز نمی‌خوانند (بلا را) دفع می‌کند، و اگر همه اجتماع کرده بودند بر ترک نماز بدون تردید هلاک می‌شدند.

و همانا خداوند تبارک و تعالی به وسیله کسانی که زکات می‌پردازند از شیعیان ما، از کسانی که زکات نمی‌پردازند (بلا را) دفع می‌کند، و اگر همه اجتماع کرده بودند بر ترک زکات، بدون تردید هلاک می‌شدند.

و همانا خداوند تبارک و تعالی به وسیله آنانکه حج می‌روند از شیعیان ما، از کسانی که حج نمی‌روند (بلا را) دفع می‌کند، و اگر همه اجتماع کرده بودند بر ترک حج، بدون تردید هلاک می‌شدند، و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است ﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ به خدا قسم این آیه جز در مورد شما نازل نشده و غیر شما به آن قصد نشده است.^۱

پس مقصود از «ناس» در این آیه شیعیان هستند که خدا از آنان خشنود و آنان از خدا خشنود هستند، خدا از آن‌ها اعمالشان را پذیرفته و آن‌ها دستور او را پذیرفته‌اند، خدا آن‌ها را برای جلب رضا و رضوانش موفق بدارد و در میان بهشتش ساکن گرداند، به حق محمد و آل محمد و یاوران و یاران ایشان.

۱. کافی: ج ۲، ص ۴۵۱؛ تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۲۵۵؛ بحار الانوار: ج ۷۳، ص ۳۸۳.

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّن كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ
 دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ
 اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ
 اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ
 اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٣٤﴾

«این پیامبران، برخی از ایشان را بر برخی دیگر فضیلت و برتری دادیم، برخی از
 آن‌ها خدا با آن‌ها سخن گفت و بعضی را درجاتی برتر داد... این امت‌ها بودند که با
 هم اختلاف کردند، بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند و اگر خدا می‌خواست با
 هم پیکار نمی‌کردند.»

۸۵ - شیخ طوسی رحمته الله از اصبح بن نباته روایت کرده است که گفت:

شخصی محضر امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان، این
 گروهی که با آن‌ها می‌جنگیم با ما در رسول و نماز و حج مشترکند، اگر آن‌ها مسلمان
 نیستند پس آنان را چه بنامیم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:
 آنان را به آنچه خدا در کتابش نامیده است بنامید.

آن شخص عرض کرد: همه آنچه در کتاب خدا است که من نمی‌دانم.
 حضرت فرمودند: آیا این آیه را نشنیده‌ای که فرموده است: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا
 بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ... وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ﴾ و چون هنگامی که
 میان امت اختلاف افتاد، ما به خدا و پیامبر خدا و کتاب خدا و حق سزاوارتر و آشنا تریم،
 پس ما کسانی هستیم که ایمان آورده‌ایم، بنابراین آن‌ها که در مقابل ما صف‌آرایی
 کرده‌اند، کسانی هستند که کافر گشته‌اند، و خدا به اراده و مشیت خود جنگ کردن با
 آنان را از ما خواسته است.^۱

۱. امالی طوسی، ص ۱۹۷، ح ۳۳۷؛ مؤلف رحمه الله این حدیث را از شیخ طبرسی و کتاب احتجاج او (ج ۱)،

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ
وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (۱۶۱)

«در دین اکراهی نیست، راه رشد و کمال از راه گمراهی روشن گشته است، کسی که به طاغوت (آنکه برخلاف خداوند حکم می‌کند) کافر شود و به خدا ایمان آورد به دست‌آویز محکمی چنگ زده که گسستن برای آن نیست، و خداوند شنوا و دانا است.»

۸۶- صاحب کتاب نهج الایمان در تأویل این آیه گفته است: حسین بن جبیر رضی الله عنه در کتاب «نخب المناقب لآل ابي طالب» حدیثی را مسندا از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

من أحب أن يتمسك بالعروة الوثقى فليتمسك بحب علي بن أبي طالب.

کسی که دوست دارد به دست‌آویز محکم و مطمئنی چنگ بزند باید به محبت امیرالمؤمنین علیه السلام چنگ بزند.^۱

مؤلف رضی الله عنه گوید: وقتی این مطلب را فهمیدی بدان که در صدر کتاب گذشت که طاغوت کنایه از دشمن آل محمد صلی الله علیه و آله است، پس کسی که به طاغوت، یعنی دشمن آشکار اهل بیت علیهم السلام، کافر، و به خدا ایمان داشته باشد به دست‌آویز محکم و مورد اطمینان که محبت امیرالمؤمنین علیه السلام است چنگ زده است.

ص ۲۴۹ نقل کرده است که کمی با هم اختلاف دارند.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۸۳، ح ۱.

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
أُولَئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (٢٥٧)

۸۷- نعمانی رحمته در کتاب غیبت به سند خود از عبدالله بن ابی یعفر روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

من با مردم معاشرت دارم و خیلی تعجب می‌کنم از عده‌ای که اهل ولایت و محبت شما نیستند و ولایت فلانی و فلانی را پذیرفته‌اند ولی امانتدار و راستگو هستند و به عهد و پیمان خود وفا دارند. ولی بعضی از کسانی که ولایت شما را قبول دارند این امانتداری و راستگویی و وفا را ندارند.

ابن ابی یعفر گوید: امام صادق علیه السلام در برابر من در حالی که نشسته بودند قرار گرفتند و مانند کسی که خشمگین باشد روبه من کرده و فرمودند:

لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَلَا عَثْبَ عَلَى مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ
إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ.

کسی که معتقد به ولایت پیشوای ستمگری باشد که از طرف خدا نیست دین ندارد، و کسی که معتقد به ولایت امام عادل باشد که از طرف خدا برگزیده شده، بر او هیچگونه ملامت و سرزنشی نیست.

می‌گوید: عرض کردم: آن گروه دین ندارند، و این گروه را سرزنشی نیست؟
امام علیه السلام فرمود: آری، آن‌ها دین ندارند، و اینها را سرزنشی نیست، آیا فرمایش پروردگار را نشنیده‌ای که در کتابش فرموده است:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا
الدُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَالْمَغْفِرَةَ لَوَلَايَتِهِمْ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ﴾ ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا
أُولَئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ﴾ ﴿فَأَيُّ نُورٍ يَكُونُ
لِلْكَافِرِينَ فَيُخْرِجُ مِنْهُ؟ إِمَّا عَنِّي بِهِدَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ، فَلَمَّا تَوَلَّوْا

كُلِّمَ اِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللّٰهِ، خَرَجُوا بِوَلَايَتِهِمْ اِيَّاهُمْ مِنْ نُوْرِ الْاِسْلَامِ اِلَى ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ، فَاَوْجَبَ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفَّارِ فَقَالَ: ﴿اُولَئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾.

«خدا ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آن‌ها را از تاریکی‌ها به نور و روشنایی خارج می‌کند»، یعنی آن‌ها را از تاریکی‌های گناه به سوی روشنایی توبه و آمرزش خارج می‌کند به خاطر ولایتی که نسبت به امام عادل برگزیده شده خداوند دارند. بعد از آن خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «کسانی که کافر شدند سرپرست ایشان طاغوت است و آن‌ها را از روشنایی به تاریکی بیرون می‌برد». می‌گوید: عرض کردم اینکه فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا﴾ آیا مقصودش کافران نیست؟ امام علیه السلام فرمود:

برای کافر در حال کفر چه نوری است تا او را از آن خارج کند و به طرف تاریکی بکشاند؟ پس مقصود از کافران کسانی هستند که مشمول نور اسلام و نورانیت آن بودند ولی چون از حق پیروی نکردند و سرپرستی پیشوای ظالم غاصب را که منصوب از طرف پروردگار نبود، پذیرفتند، با این ولایت ناروا از نور اسلام به تاریکی کفر کشیده شدند و سزاوار داخل شدن در آتش به همراه کافران گشتند که خداوند در آخر آیه فرموده است: «آن‌ها اهل دوزخند و برای همیشه در آن خواهند بود».

و نیز کلینی رحمته الله به سند خود از عبدالله بن ابی یعفر این حدیث را روایت کرده است.^۱

و این فرمایش که فرمود: «آن‌ها را از تاریکی‌های گناه به سوی روشنایی توبه و آمرزش خارج می‌کند»، معنایش این است که: خیانت، دروغ‌گویی و بی‌فایبی و غیر این‌ها گناه است، ولی خداوند سبحانه و تعالی این‌گونه‌اند آن‌ها را از ظلمات گناه به نور توبه

۱. غیبت نعمانی: ص ۱۳۱، ح ۱۴؛ کافی: ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۳؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۲۳، ح ۱۸؛ وح ۶۸، ص ۱۰۴، ح ۱۸.

از آن‌ها و مغفرت خارج می‌نماید، که او آمرزنده و مهربان است، به خاطر قبول ولایت امام عادل‌لی که از طرف خدا منصوب است، بهترین درود و سلام بر آن‌ها باد.

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ ﴿٣٧٨﴾

«خداوند به هر که خواهد حکمت عطا می‌کند و به هر که حکمت داده شود خیر فراوانی داده شده و جز صاحبان عقل و خرد متذکر نمی‌شوند».

۸۸ - کلینی رحمته به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این

آیه شریفه فرمود:

مقصود از «حکمت» در این آیه اطاعت و فرمانبرداری خدا و معرفت و شناخت امام علیه السلام است.^۱

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿٣٧٩﴾

«آنانکه اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار در راه خدا انفاق می‌کنند اجر و پاداش ایشان نزد پروردگارشان محفوظ است، هیچگونه بیمی بر آن‌ها نیست و هرگز دچار غم و غصه نمی‌شوند».

۸۹ - طبرسی رحمته در شأن نزول این آیه شریفه از ابن عباس روایت کرده که گفت:

نزلت هذه الآية في علي بن أبي طالب عليه السلام كانت معه أربعة دراهم فتصدق بواحد ليلاً، وواحد نهاراً، وواحد سرّاً وواحد علانيةً.

این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است، آن زمانی که ایشان چهار درهم داشتند، و یک درهم را در روز، یک درهم را شب، یک درهم را پنهانی و درهم

۱. کافی: ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۱؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۸۶، ح ۲.

دیگر را آشکارا در راه خدا صدقه دادند.

طبرسی رحمته الله علیه گوید: این حدیث از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده، عامه نیز آن را روایت کرده اند.^{۱، ۲}

﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ ﴿۳۸﴾

«پیامبر اکرم به آن چه از سوی پروردگارش به او نازل شده ایمان آورده و مؤمنان...»

۹۰- مقلد بن غالب به سند خود از ابوسلمی روایت کرده است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

شبی که به آسمان‌ها مرا بالا بردند، خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ عرض کردم: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ﴾، خداوند تبارک و تعالی فرمود: راست گفתי.

(سپس فرمود: ای محمد، بگو چه کسی را در میان امت جانشین خود قرار دادی؟ عرض کردم: بهترین فرد امت را. خداوند تبارک و تعالی فرمود: مقصودت علی بن ابی طالب علیه السلام است؟ عرض کردم: آری.

فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله، بر زمین و اهل آن توجهی کردم و تو را از میان آنان برگزیدم، برای تو نامی از نام‌های خود برگرفتم در هر جا که من یاد شوم تو نیز همراه من یاد می‌شوی، من محمود و ستوده‌ام، و تو محمدی، سپس برای بار دوم توجهی بر زمین نمودم و از میان اهل آن علی علیه السلام را اختیار نمودم و نامی از نام‌های خود برای او برگرفتم، من اعلی و برترینم و او علی است.

۱. مجمع البیان: ج ۲، ص ۳۸۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۶۱، ح ۶۴، ج ۱۷۵.

۲. زمخشری نیز در کتاب تفسیرش در ذیل این آیه می‌گوید: گفته شده است که این آیه در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است، جز چهار درهم دارا نبود، درهمی را روز، درهمی را شب، درهمی را پنهانی و درهم دیگر را علنی و آشکار در راه خدا انفاق کرد. تفسیر کشاف: ج ۱، ص ۳۱۹؛ اسد الغابة: ج ۳، ص ۶۰۰؛ مناقب ابن المغازلی: ص ۲۸۰، ح ۳۲۵؛ مناقب خوارزمی: ص ۱۹۸.

ای محمّد، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان دیگر از فرزندان حسین علیه السلام را از نور خود آفریدم، پس ولایت شما را بر اهل آسمان‌ها و زمین عرضه نمودم، هر کس آن را پذیرفت نزد من از مؤمنین به حساب می‌آید و هر کس آن را انکار کرد نزد من از گمراهان است. ای محمّد، اگر بنده‌ای از بندگانت مرا عبادت کند تا دوران عمرش سپری شود و یا پوست خشکی گردد، سپس در پیشگاه من حضور پیدا کند در حالی که منکر ولایت شما باشد او را نمی‌آمرزم تا به ولایت شما اقرار کند.

ای محمّد صلی الله علیه و آله آیا دوست داری آن‌ها را ببینی؟ عرض کردم: آری ای پروردگار من. فرمود: نگاه کن، به طرف راست عرش نگاه کردم، نام خودم را به همراه نام علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمّد، جعفر، موسی، علی، محمّد، علی، حسن و مهدی علیهم السلام که در وسط آنان همچون ستاره‌ای درخشان بود یافتم.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای محمّد، این‌ها حجت من بر خلق می‌باشند، و این که در وسط بود قیام کننده از فرزندان تو با شمشیر و انتقام گیرنده از دشمنان تو است.^۱ مؤلف علیه السلام گوید: در این سوره مشاهده کردی و برای روشن گردید فضائلی که اختصاص به وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرت دارد، پس به ولایت آنان متمسک باش تا از رستگاران باشی و در کشتی آنان قرار بگیری تا از نجات یافتگان گردی، و روزی که وحشت عظیم همه را می‌گیرد تو در امن و امان به سربری. درود و رحمت خدا بر آنان باد، درودی دائمی در دنیا و آخرت، و درودی پیوسته و پاینده در هر عصر و زمان.

۱. غیبت طوسی، ص ۱۴۷، ج ۹؛ غیبت نعمانی، ص ۱۰۱، ج ۳۱؛ تفسیر فرات، ص ۷۳، ج ۴۷؛ فراید السمطین، ج ۲، ص ۳۱۹، ج ۵۷۱؛ مقتل خوارزمی، ص ۹۵؛ الطرائف: ۴۳؛ منتخب الاثر: ص ۱۱۶، ج ۵؛ احقاق الحق: ج ۵، ص ۴۶؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۲۶۱، ج ۸۲.

سُورَةُ آلِ اِمْرَانٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...﴾ ﴿۷﴾

«او کسی است که کتاب را بر تو نازل کرد، برخی از آن آیات محکم (صریح و روشن) است که اساس این کتاب می باشد، و برخی از آن «متشابه» است (احتمالات مختلفی در آن داده می شود) اما آن ها که در دل هایشان انحراف است به دنبال متشابهاتند تا فتنه انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می جویند در حالی که تأویل آن را جز خدا و راسخون در علم نمی دانند.»

۱ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ فرمودند: مقصود از «آیات محکمت» که اصل و اساس کتاب هستند، امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین علیهم السلام می باشند.

و در تفسیر ﴿وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾ فرمودند:

مقصود از «متشابهات» فلانی و فلانی هستند.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ﴾ مقصود از «کسانی که در قلوب آن ها انحراف است»، اصحاب آن ها و اهل ولایتشان هستند، ﴿فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ اصحاب آن ها از آن ها پیروی می کنند و به دنبال فتنه و تأویل آن هستند.

﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ در حالی که تأویل آن را جز «راسخون در علم» یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه طاهرین علیهم السلام نمی دانند.^۱

۲- و نیز به سند خود از ابوبصیر و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ.

ما راسخون در علم هستیم که علم و دانش در دل های ما ریشه دارد و تأویل آیات قرآن را ما می دانیم.^۲

۳- و نیز تأیید می کند آن را روایتی که برید بن معاویه از یکی از امام باقر و یا امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه نقل کرده است که فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل افراد راسخون در علم است، خداوند تبارک و تعالی به او علم تمام آنچه نازل فرموده، تنزیل آن و تأویل آن را آموخته، و خداوند چنین نیست که چیزی را بر او نازل نماید که تأویل آن را به او نیاموخته است، و اوصیاء آن حضرت بعد از او تمام آن را می دانند، و چگونه آن را نمی دانند در حالی که آن ها معدن علم و سرای آن و جایگاه آن و مبدء آن می باشند و علم به آن ها منتهی می گردد.^۳

بیان این مطلب روایتی است که ذیلاً به آن اشاره می نمایم.

۴- کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

جبرئیل دو انار برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از آن دو را میل فرمودند و دیگری را دو نیم کردند، نیمی از آن را نیز میل فرمودند و نیم دیگر آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام مرحمت نمودند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: برادرم، آیا می دانی این دو انار چه بود؟ امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: نه.

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۱۴؛ بحار: ج ۲۳، ص ۲۰۸، ح ۱۲؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۶۴.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۱؛ وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۳۲، ح ۵؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۹۸، ح ۳۱.

۳. کافی: ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۲؛ بحار: ج ۱۷، ص ۱۳۰، ح ۱؛ وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۳۲.

رسول خدا ﷺ فرمودند: اولی نبوت بود که شما را در آن بهره‌ای نیست، اما انار دیگر علم بود که شما در آن با من شریک هستید.

راوی یعنی حمران بن اعین به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خدا امور شما را اصلاح فرماید، چگونه علی علیه السلام با آن حضرت در علم شریک است؟ امام علیه السلام فرمودند: خداوند به پیامبر علمی نیاموخت مگر آنکه امر فرمود آن را به حضرت علی علیه السلام بیاموزد.^۱

۵- و تأیید می‌کند آن را روایتی که کلینی رحمته الله به سند خود از محمد بن مسلم و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

جبرئیل دو انار بهشتی خدمت رسول خدا تقدیم نمود، امیرالمؤمنین علیه السلام آن حضرت را دیدار نمود و عرض کرد: این دو اناری که در دست مبارک شما قرار دارند چیست؟ فرمود: یکی از آن دو نبوت است که تو را در آن حظ و بهره‌ای نیست، دیگری علم است..
 آنگاه آن را دو نیم کرد، نیمی از آن را به علی علیه السلام مرحمت نمود و نیم دیگرش را رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفت، سپس فرمود: تو در آن با من شریکی و من با تو در آن شریکم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله حرفی را خداوند به او نیاموخت، مگر آنکه آن را به حضرت علی علیه السلام آموخت، سپس آن علم به ما منتهی گردید و دست مبارکش را بر روی سینه نهاد.^۲

۶- واضح‌تر از این حدیث از جهت بیان، حدیثی است که کلینی رحمته الله به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت:

خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: می‌خواهم از محضرتان مسأله‌ای را سؤال کنم، آیا اینجا کسی است که صدای مرا بشنود؟ امام علیه السلام پرده‌ای را که میان اطاق و اطاق دیگر بود بالا زدند و نگاهی کردند، سپس فرمودند: آنچه می‌خواهی سؤال کن.

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۱؛ بصائر الدرجات: ج ۱، ص ۵۲۲؛ بحار الأنوار: ج ۴۰، ص ۲۱۰، ح ۶۰.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۳؛ وافی: ج ۳، ص ۶۰۵، ح ۳؛ بحار: ج ۲۶، ص ۱۷۳، ح ۴۴.

عرض کردم: فدای شما شوم، شیعیان شما نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بابتی از علم آموخته بود که از آن هزار باب گشوده می‌شود. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ای ابا محمد، رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ هزار باب آموخته بود که از هر باب، هزار باب گشوده می‌شود.

عرض کردم: این به خدا قسم علم است، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ سر مبارک را به زیر انداختند، سپس فرمودند: آری این علم است ولی تمام علم نیست.

سپس فرمودند: ای ابا محمد، نزد ما جامعه است و آن‌ها نمی‌دانند جامعه چیست؟ عرض کردم: فدای شما شوم، جامعه چیست؟

فرمودند: جامعه کتابی است که طول آن هفتاد ذراع به ذراع رسول خدا است و آن حضرت به زبان مبارک خود آن را املاء فرموده و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ با دست مبارکش نوشته است، در آن هر حلال و حرامی و هر چه مردم تا روز قیامت به آن احتیاج دارند حتی جریمه خراش آمده است.

آنگاه با دست به من اشاره کردند و فرمودند: آیا اجازه می‌دهی به تو نمونه آن را نشان دهم؟ عرض کردم: فدای شما شوم من مملوک شما و شما اختیاردار من هستید. آنگاه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ دست مرا فشردند و فرمودند: حتی جریمه این نیز در آن ثبت گردیده است.

عرض کردم: این به خدا قسم علم است، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: آری این علم است ولی آن علم مورد نظر نیست.

سپس مدتی سکوت کردند و آنگاه فرمودند: و همانا نزد ما جفر است و آن‌ها چه می‌دانند که جفر چیست؟ عرض کردم: جفر چیست؟ امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ظرفی است از پوست، در آن علم تمام پیامبران و اوصیاء و علماء گذشته از بنی اسرائیل است.^۱

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در ضمن حدیث دیگری فرموده‌اند: وَأَنَّ عِنْدَنَا الْجُفْرَ الْأَحْمَرَ وَالْجُفْرَ الْأَبْيَضَ وَمَصْحَفَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ و در تفسیر و توضیح آن فرمودند: جفر احمر ظرفی است که در آن سلاح رسول خدا ﷺ ←

عرض کردم: به راستی این علم است، امام علیه السلام فرمودند: علم است، نه آن علمی که مورد نظر است.

سپس سکوتی کردند و سپس فرمودند: و نزد ما مصحف فاطمه علیها السلام است و آن ها چه می دانند که مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟

عرض کردم: مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: مصحفی است که در آن سه برابر مثل قرآن شما است و به خدا قسم در آن حرفی از قرآن شما نیست.

عرض کردم: این به خدا قسم علم است، امام علیه السلام فرمودند: علم است نه آن علمی که مورد نظر است. سپس سکوتی کردند و آنگاه فرمودند:

ان عندنا علم ما كان وعلم ما هو كائن إلى أن تقوم الساعة.

همانا نزد ما علم به آنچه بوده و علم به آنچه تا برپایی قیامت خواهد بود، می باشد.

عرض کردم: فدای شما شوم، این به خدا قسم علم است. امام علیه السلام فرمودند: علم است ولی نه آن علمی که مورد نظر است.

عرض کردم: فدای شما شوم، پس علم مورد نظر شما چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

ما يحدث بالليل والنهار، الأمر بعد الأمر، والشيء بعد الشيء إلى يوم القيامة.

آنچه به طور پیوسته حادث می شود در شب و روز، امری بعد از امری، و چیزی بعد از چیزی تا روز قیامت.^۱

۷- و از آنچه درباره علم نامحدود ایشان صلوات الله علیهم وارد شده روایتی است که کلینی رحمته الله به سند خود از عده ای از اصحاب نقل کرده است که آن ها از امام صادق علیه السلام شنیدند که فرمود:

است و از آن بیرون نمی آید تا قائم ما اهل بیت علیهم السلام قیام کند؛ جفر ابیض، ظرفی است که در آن تورات موسی، انجیل عیسی، زبور داود و همه کتاب های آسمانی گذشته است و مصحف فاطمه علیها السلام شامل حوادثی است که رخ می دهد و در آن اسامی کسانی که تا روز قیامت حکومت می کنند، آمده است. بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۱۸، ح ۱.

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۳۸، ح ۷۰؛ وافی: ج ۳، ص ۵۷۸، ح ۱.

أَنِّي لأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ،
وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ.

همانا من به آنچه در آسمان‌ها و زمین است آگاهم و از آنچه در بهشت و دوزخ است با
خبرم و آنچه بوده و خواهد بود می‌دانم.

سپس مدت کمی سکوت کردند و دیدند که این مطلب گویا بر شنوندگان سنگین
آمده و لذا فرمودند: من آنچه را گفتم از کتاب خدا می‌دانم، فرموده است: ﴿فِيهِ تَبْيَانٌ لِّكُلِّ
شَيْءٍ﴾^۱ «در آن بیان هر چیزی هست».^۲

۸- و از آنچه درباره فراوانی علم ایشان صلوات الله عليهم وارد شده روایتی است
که کلینی رضی الله عنه به سند خود از سیف تمار نقل کرده است که گفت:

با عده‌ای از شیعیان در حجر در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم، حضرت فرمودند:
آیا در اطراف، بیگانه و جاسوسی نیست که نظاره‌گر ما باشد؟ ما به طرف راست و چپ
نگاه کردیم و کسی را ندیدیم، عرض کردیم: کسی نیست، امام علیه السلام سه مرتبه به خدای
کعبه سوگند یاد نمودند و فرمودند:

لَوْ كُنْتُ بَيْنَ مُوسَى وَالْخَضِرَ لَأَخْبِرْتَهُمَا أَنِّي أَعْلَمُ مِنْهُمَا وَلَأُنْبَأْتُهُمَا بِمَا لَيْسَ فِي
أَيْدِيهِمَا.

اگر من نزد موسی و خضر بودم به آن‌ها خبر می‌دادم که داننا تر از آن‌ها هستم و آن‌ها را
آگاه می‌نمودم به آنچه در دست آن‌ها و در توان آن‌ها نیست^۳، زیرا به موسی و خضر تنها

۱. سوره نحل، آیه ۸۹.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۶۱، ح ۲؛ بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۱۱۱، ح ۸؛ وج ۹۲، ص ۸۶، ح ۲۱.

۳. صفار رضی الله عنه در بصائر الدرجات به سند خود از ابو عمران روایت کرده است که گفت: امام باقر علیه السلام
فرمودند: حضرت موسی علیه السلام از حضرت خضر سؤالی پرسید که پاسخ آن را نمی‌دانست و حضرت
خضر علیه السلام هم از حضرت موسی علیه السلام سؤالی پرسید که او نیز پاسخ آن را نمی‌دانست، اگر من در آنجا
بودم پاسخ سؤال هر یک از آن دو را می‌گفتم و از آنان سؤالی می‌پرسیدم که هیچ کدام پاسخش را
نمی‌دانستند. بصائر الدرجات: ص ۲۲۹، ح ۱؛ القطره: ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۱۰۱۶.

علم به آنچه بوده داده شده و علم به آنچه می باشد و تا برپایی قیامت خواهد بود داده نشده، ولی ما آن را به صورت وراثت از رسول خدا ﷺ به ارث برده ایم.^۱

۹- و آن را تأیید می کند آنچه راویان حدیث از کتاب اربعین از عبدالمملک بن سلیمان نقل کرده اند که گفت:

در مخزن و گنجینه یکی از حواریون حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام ورقی یافت شد که در آن با قلم سریانی از تورات این چنین نقل شده بود:

بعد از ملاقاتی که حضرت موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام با خضر داشت و آن قصه ای که برایش پیش آمد و به سوی قوم خود برگشت، برادرش هارون از او سؤال کرد چه چیزی از خضر آموختی و از عجائب دریا چه چیزی مشاهده کردی؟

موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: من و خضر در کنار دریا ایستاده بودیم که پرنده ای ظاهر شد و با منقار خود قطره ای از آب دریا را برداشت و آن را به طرف مشرق انداخت، قطره دیگری برداشت و به طرف مغرب رها کرد، قطره سوم را برداشت به طرف آسمان و قطره چهارم را به طرف زمین افکند، سپس قطره پنجم را برداشت و به خود دریا برگردانید.

ما از کار او متحیر مانده بودیم ناگهان صیادی را دیدیم که در دریا مشغول صید بود، نگاهی به ما کرد و گفت: چه شده، شما را در مورد کار این پرنده در فکر می بینم؟ به او گفتیم: همین طور است. گفت: من یک شخص صیادم به اشاره او پی بردم و شما پیامبر هستید و نمی دانید؟ گفتیم: ما جز آنچه را که خدا به ما بیاموزد نمی دانیم.

گفت: این پرنده ای است در دریا که «مسلم» نامیده می شود، زیرا در فریادش می گوید: «مسلم، مسلم» او با این کارش که قطره آب را به مشرق و مغرب و آسمان و زمین و دریا رها کرد به این مطلب اشاره نمود که:

إِنَّهُ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَبِيٌّ يَكُونُ عِلْمُ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَأَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عِنْدَ عِلْمِهِ مِثْلَ هَذِهِ الْقَطْرَةِ الْمُلْقَاةِ فِي الْبَحْرِ وَبِئْرٍ عِلْمُهُ ابْنُ عَمِّهِ وَوَصِيْبُهُ.

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۱؛ بحار الانوار: ج ۱۳، ص ۳۰۰، ح ۲۰.

در آخر الزمان پیامبری می آید که علم اهل مشرق و مغرب و همه اهل آسمان و زمین نزد علم او و در مقایسه با علم او مانند قطره ای است که در دریا افکنده شد، و علم او را وصی او و پسر عمویش علی بن ابی طالب علیه السلام به ارث خواهد برد.

با شنیدن کلام او آرام گرفتیم چرا که هر کدام از ما علم خود را اندک و کم شمردیم بعد از آنکه به خود مُعجب بودیم، سپس آن شخص از ما غایب گردید، و آنگاه فهمیدیم که او فرشته ای بوده و خدا او را به سوی ما فرستاده که به ما نقصمان را بفهماند تا ادعای کمال نکنیم.^۱

۱۰- و از آنچه ذکر شده درباره علم ایشان صلوات الله علیهم روایتی است که شیخ طوسی رحمته الله در مصباح الأنوار به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمودند:

أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ عليه السلام كَفْتَاهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام حِبَالُهُ وَ فَاطِمَةُ عليها السلام عِلَاقَتُهُ وَ الْأَمَّةُ مِنْ بَعْدِهِمْ يَزْنُونَ الْمُحِبِّينَ وَ الْمُبْغِضِينَ.

من میزان علم، علی علیه السلام دو کفه آن، حسن و حسین علیهما السلام پُری آن و سنگینی آن، و فاطمه علیها السلام شاهین آن است و امامان بعد از ایشان دوستان و دشمنان ناصبی را - که لعنت خدا و لعنت لعن کنندگان بر آن ها باد - می سنجند.^۲

و حمد و سپاس خدا را که ما را از اهل محبت و اخلاص قرار داده و از دشمنان ناصبی - که لعنت خدا و لعنت لعن کنندگان بر آن ها باد - قرار نداده است.

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ ۳۳

«همانا خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزیده است.»

طبرسی رحمته الله در تأویل این آیه شریفه فرموده است:

۱. بحار: ج ۱۳، ص ۳۱۲، ج ۵۲ و ج ۲۶، ص ۱۹۹، ج ۱۲.

۲. مصباح الأنوار: ص ۱۹۱ (مخطوط)؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۱۰۶، ج ۶.

مقصود از آل ابراهیم، آل محمد ﷺ است، که معصومند، زیرا اصطفاء تعلق نمی‌گیرد مگر بر معصوم، و او کسی است که باطن او مانند ظاهرش غرق در طهارت و عصمت است و آل محمد ﷺ این گونه‌اند و بدون هیچ شک و تردید از این قبیل هستند.^۱

۱۱ - در تفسیر قمی علیه السلام آمده است:

در خبر مأثور (یعنی خبری که از ائمه طاهرين علیهم السلام رسیده باشد) روایت شده که آیه شریفه این گونه نازل شده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» ولی از عناد و کینه‌ای که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم داشتند، آل محمد علیهم السلام را از آن ساقط نمودند.^۲

۱۲ - از آنچه در معنای «اصطفاء» آمده روایتی است که شیخ طوسی علیه السلام به سند خود از امام باقر علیه السلام، از پدرش، از جدش، از علی بن ابی طالب علیه السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمودند:

چه شده، چرا گروهی هنگامی که آل ابراهیم و آل عمران را یاد می‌کنند شادمان می‌شوند و چون آل محمد علیهم السلام را یاد می‌نمایند دل‌هایشان می‌رمد و آن را ناخوش دارند؟ سوگند به کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله و سلم در قبضه قدرت او است اگر یکی از آنان با عمل هفتاد پیامبر در قیامت وارد شود، خداوند تبارک و تعالی از او نمی‌پذیرد مگر آنکه ولایت من و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را با خود آورده باشد.^۳

۱۳ - و نیز از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای ابوالحسن به من از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شما وصیت نموده خبر دهید، فرمود: به تو خبر خواهم

۱. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۳۳؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۳.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحار الأنوار: ج ۱۱، ص ۲۴، ح ۲، و ج ۲۳، ص ۲۲۲، ح ۲۵؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲.

۳. مصباح الأنوار: ص ۱۵۸ (مخطوط)؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۲۱، ح ۲۳؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۱۵.

داد، همانا خداوند دین را برای شما برگزید و آن را پسندید و بر شما نعمت خود را تمام کرد و شما اهل آن و از هر کس به آن شایسته تر بودید.

خداوند به پیامبرش وحی نمود که به من وصیت نماید، پس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: علی جان، وصیت مرا حفظ کن و پیمان مرا در نظر داشته باش: به عهد من وفا کن، به وعده‌های من جامه عمل بپوشان، دین مرا ادا نما، سنت مرا احیاء گردان و به پا بدار و به آیین من مردم را فرا خوان، زیرا خداوند مرا برگزید و اختیار فرمود، و من دعای برادرم موسی را به یاد آوردم و گفتم: خداوندا برای من یار و مددکاری از اهل من قرار بده همان طور که هارون را برای موسی قرار دادی. خداوند تبارک و تعالی به من وحی فرمود: همانا علی عَلِيٍّ یار و یاور تو و جانشین بعد از تو است.

علی جان تو از امامان هدایت‌گر هستی و اولاد تو از توهستند، پس شما پیشوایان هدایت و تقوا و شجره‌ای هستید که من اصل، اساس و ریشه آن و شما فرع و شاخه آن هستید، هر کس به آن تمسک کند اهل نجات و هر کس از آن تخلف نماید هلاک گشته و سقوط کرده است.

و شما هستید که خدا محبت و ولایت شما را بر همگان واجب فرموده و در کتابش یاد نموده و برای بندگانش توصیف کرده و فرموده: «همانا خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید، ذریه‌ای هستند که برخی از آنان از برخی دیگر (فضائل و کمالات را) گرفته‌اند و خداوند شنوا و دانا است». پس شما برگزیده خدا هستید از آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران، سلاله پاک هستید از اسماعیل، و عترت طاهره هستید از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۱۴ - و به همین مضمون روایتی است که شیخ طوسی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در کتاب امالی به سند خود از امیرالمؤمنین عَلِيٍّ روایت کرده است که فرمودند:

به من نه چیز (و در نسخه‌ای هفت آمده) عطا شده که به هیچ کس پیش از من جز

۱. مصباح الانوار: ۱۵۶ (مخطوط)؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۲۱؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۱۶.

رسول خدا ﷺ عطا نشده است: برای من راه‌ها گشوده شد، علم منایا (مرگ و میرها) و بلایا و انساب و فصل الخطاب (حکم قاطعی که بین خصومت‌ها فیصله می‌دهد) به من داده شده است، من به اذن و فرمان پروردگار به ملکوت نظر کردم و چیزی از آنچه پیش از من بوده و بعد از من خواهد آمد از من پنهان نماند، خداوند به ولایت من برای این امت دینشان را کامل و نعمت را تمام نمود و از اسلام آنان راضی گردید، زیرا در روز ولایت به حضرت محمد ﷺ فرمود: ای محمد ﷺ به آن‌ها خبر بده که من امروز برای آنان دینشان را کامل و نعمتم را تمام نمودم و از اسلام آنان راضی گشتم، تمام این‌ها منت الهی بر من و لطف او می‌باشد، پس حمد و ثنا شایسته و سزاوار او است.

﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ

هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۷﴾

«هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد غذایی در آنجا نزد او می‌یافت، به او گفت: ای مریم، این از کجا برایت آمده پاسخ داد: این از سوی خدا است، خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد».

مؤلف رحمته گوید: در تأویل این آیه شریفه منقبتی بزرگ و ارزشمند از مناقب مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام است، درود خدا بر آن دو بزرگوار و ذریه پاک آنان، درودی پیوسته و پایدار تا روز قیامت:

۱۵ - و آن حدیثی است که شیخ طوسی رحمته در مصباح الأنوار از ابوسعید خدری

نقل کرده است که گفت:

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام صبح کرد و به فاطمه علیها السلام فرمود: آیا نزد شما از خوراکی چیزی هست که صبحانه بخوریم؟ حضرت زهرا علیها السلام عرض کردند: نه، به حق کسی که پدرم را به نبوت و شما را به وصایت گرامی داشت دو روز است که نزد من چیزی از

۱. امالی طوسی: ص ۲۰۵، ح ۳۵۱؛ بحار: ج ۲۶، ص ۱۴۱، ح ۱۴.

خوراکی نیست جز آنچه شما را بر خودم و فرزندانم به آن ترجیح دادم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فاطمه، چرا مرا آگاه نکردی تا چیزی برای شما بجویم؟ حضرت زهرا علیها السلام عرض کردند: ای ابا الحسن، من از خدای خود حیا می‌کنم که شما را به کاری وابدارم که بر آن توانایی ندارید.

امیرالمؤمنین علیه السلام از نزد آن حضرت با توکل و اطمینان به خدا و گمان نیکو به او خارج شد، دیناری قرض کرد و رفت تا برای آنان چیزی خریداری کند، در بین راه به مقداد رضی الله عنه برخورد نمودند، و آن روز، روز بسیار گرمی بود و حرارت خورشید بر او اثر گذاشته و آزار می‌داد، همین که امیرالمؤمنین علیه السلام او را دیدند ناراحتی خود را پنهان داشت و خود را عادی نشان داد، حضرت به او فرمودند: مقداد، چه چیز تورا در این ساعت از خانه به بیرون کشانیده است؟ عرض کرد: ای ابا الحسن مرا رها کنید و از آنچه برابم پیش آمده سؤال نفرمایید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برادر، برای من جایز نیست که از من بگذری و من از حال تو با خبر نشوم. عرض کرد: از شما درخواست می‌کنم که مرا به حال خود واگذارید و نخواهید که از گرفتاری خود پرده بردارم. حضرت فرمودند: برادر، تو نباید حال خود را از من کتمان کنی. عرض کرد: حالا که اصرار می‌نمایید به شما عرض می‌کنم: سوگند به خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت و شما را به وصایت گرامی داشته مرا از خانه بیرون نرانده جز بی‌نوایی، زن و بچه‌ام را گرسنه رها کرده و بیرون آمده‌ام زیرا تاب شنیدن گریه آنان را نداشتم این شرح حال من و قصه من.

امیرالمؤمنین علیه السلام با شنیدن این گزارش اشک از چشمان مبارکش روان گردید و فرمود: سوگند به کسی که تو به او سوگند یاد نمودی مرا از خانه بیرون نرانده جز آنچه تورا بیرون رانده است، من دیناری را قرض کرده‌ام و اکنون تورا به آن بر خودم ترجیح می‌دهم، آنگاه دینار را به او مرحمت فرمود.

سپس امیرالمؤمنین از آن جا برگشت، داخل مسجد شد، نماز ظهر و عصر و مغرب را در آنجا با رسول خدا صلی الله علیه و آله به جای آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از ادای فریضه مغرب در هنگام ترک مسجد از کنار حضرت

علی علیه السلام عبور کردند در حالی که آن حضرت در صف آخر بودند، با پای مبارک اشاره کردند و حضرت علی علیه السلام از جا برخاستند و به دنبال رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه افتادند تا این که در کنار درب مسجد خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و سلام کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ سلام آن حضرت را داده و فرمودند: ای ابا الحسن، آیا غذایی دارید که همراه شما بیاییم و با شما شام بخوریم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ درنگ کرد و سر را به زیر انداخته و از رسول خدا صلی الله علیه و آله حیا می کرد که پاسخ منفی دهد - و خدا از طریق وحی رسول خود را از همه داستان او و قصه دینار آگاه کرده بود و به او امر فرموده بود که شام را امشب نزد علی علیه السلام میل نماید - رسول خدا صلی الله علیه و آله چون سکوت حضرت علی علیه السلام را مشاهده کرد فرمود: ای ابا الحسن چرا نمی گویی: «نه» تا منصرف شویم، و یا بگو: «آری» تا به همراه شما بیاییم. امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: محبت می کنید و بزرگواری می نمایید، قدم رنجه فرمایید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه امیرالمؤمنین علیه السلام به راه افتادند تا وارد خانه حضرت زهرا علیها السلام شدند، فاطمه علیها السلام در محراب عبادت بود و نماز خود را به جای آورده بود، در پشت سر آن حضرت ظرف غذایی بود که از آن بخار برمی خاست.

فاطمه علیها السلام هنگامی که کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنید از مصلائی خود بیرون آمد و بر آن حضرت سلام کرد - و او عزیزترین مردم نزد فاطمه علیها السلام بود - رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ سلام او را داد و دست نوازش بر سر او کشید و فرمود: دخترم، خدا تو را رحمت کند چگونه روز را شام کردی؟ عرض کرد: به خیر و نیکی، فرمود: شام را بیاور، خدا تو را غرق رحمت خویش سازد و ساخته است.

فاطمه علیها السلام ظرف غذا را در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داد. تا چشم مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام به غذا افتاد و بوی آن را استشمام نمود فرمود: این طعام از کجا است که من هرگز مانند این رنگ ندیده و مثل این بو استشمام نکرده و دل پذیرتر از آن نخورده ام (در حالی که در خانه غذایی نداشتیم)؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارک بر شانه امیرالمؤمنین علیه السلام نهادند و حرکتی دادند، سپس فرمودند: علی جان، این به

جای دینار تو و اجر و پاداش آن است «و خداوند هر که را بخواهد بدون حساب روزی می دهد»...

سپس اشک از دیدگان جاری نمود و فرمود: خدا را حمد و سپاس که نخواست شما از دنیا بروید تا آنکه تو را جاری مجرای زکریا و فاطمه علیهم السلام را جاری مجرای مریم دختر عمران قرار دهد، (یعنی کاری که نسبت به آنان انجام داد نسبت به شما نیز انجام داد و لطفی که در حق آنان فرمود در حق شما نیز فرمود)، و این قول خدای بزرگ است که فرموده: «هر زمان زکریا وارد محراب او می شد غذایی در آنجا نزد او می یافت. به او گفت: ای مریم، این از کجا برایت آمده پاسخ داد: این از سوی خدا است. خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد»^۱.

۱۶ - عیاشی رضی الله عنه در تفسیر خود از سیف بن عمیره و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی که نزول مائده آسمانی را برای حضرت زهرا علیها السلام بیان می کند فرموده اند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فاطمه، این غذا از کجا آمده است؟ حضرت زهرا علیها السلام عرض کردند: از سوی خداوند و او به هر کس که بخواهد بدون حساب روزی می دهد، آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله قصه مریم را برای آن حضرت ذکر نمود و آیه را تلاوت فرمود. سپس امام علیه السلام فرمود: از آن غذا یک ماه خوردند و آن ظرف پراز نان و گوشت بود. و فرمودند: و آن ظرفی است که مهدی موعود علیه السلام از آن خواهد خورد.^۲

۱۷ - صدوق رضی الله عنه به سند خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

۱. مصباح الأنوار: ص ۲۲۶ (مخطوط)؛ بحار الأنوار: ج ۹۶، ص ۱۴۷، ح ۲۵.

۲. تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۳۰۴، ضمن ح ۴۲؛ بحار الأنوار: ج ۱۴، ص ۱۹۷، ح ۴؛ ابن طاووس رحمه الله در کتاب سعد السعود (ص ۹۱) به شش طریق از محمد بن عباس، و زمحشری در کشف (ج ۱، ص ۲۷۵) حدیثی به همین مضمون روایت کرده اند. و از آن نقل کرده است: بحار: ج ۴۳، ص ۱۲۹. در امالی صدوق یافت نشد ولی در امالی طوسی: ص ۶۱۵، ضمن ح ۱۲۷۱ نقل شده است.

هنگامی که فاطمه علیها السلام در محراب عبادت می ایستد هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرب الهی بر او سلام و درود می فرستند و او را مخاطب ساخته و عرض می کنند:

يا فاطمة، ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾^۱

ای فاطمه، «خداوند تو را برگزیده و پاک گردانیده و بر همه زنان عالم برگزیده و برتری داده است».

۱۸ - و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

حضرت فاطمه علیها السلام «محدثه» نامیده شد، زیرا فرشتگان از آسمان فرود می آمدند و به محضر او شرفیاب می شدند و او را مخاطب قرار می دادند و می گفتند آنچه را که درباره مریم می گفتند: يا فاطمة، ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ * يا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾

ای فاطمه، «خداوند تو را برگزیده و پاک گردانیده و بر همه زنان عالم برگزیده و برتری داده است، ای فاطمه خدا را اطاعت و عبادت کن، او را سجده نما و همراه نماز گزاران نماز بخوان».

آن ها با آن حضرت سخن می گفتند و آن حضرت با آن ها سخن می گفت، شبی به آن ها فرمود: آیا کسی که بر همه زن های عالم برتری داده شده مریم نیست؟

عرض کردند: مریم سرور زنان عالم در دوران خودش بود، اما خداوند تو را سرور زنان عالم در دوران خودت و دوران او و همه عصرها و نسل ها قرار داده است، و تو سرور زنان عالم هستی از ابتدای خلقت تا انقراض آن و بر همه آن ها برتری داری.^۲

۱. امالی صدوق: ص ۵۷۴، ح ۱۸؛ بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۲۴، ذ ح ۲۰.

۲. علل الشرایع: ص ۱۸۲، ح ۱؛ بحار الانوار: ج ۱۴، ص ۲۰۶، ح ۲۳ و ج ۴۳، ص ۷۸، ح ۶۵.

﴿مَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا
وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ
لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ ①

«هرکس با تو محاجه کند و به ستیز برخیزد بعد از علم و دانشی که به تو رسیده به آن‌ها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را فرا بخوانیم شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم شما هم زنان خود را، ما از نفس خود دعوت کنیم، شما هم از نفس خود آنگاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

تأویل آیه مبارکه و سبب نزول آن

۱۹ - عده‌ای از نصاری نجران به مدینه آمده بودند تا درباره اسلام و مسیحیت با پیامبر اکرم ﷺ گفتگو کنند، به آن حضرت عرض کردند: آیا فرزندی را بدون پدر دیده‌اید؟ رسول خدا ﷺ به آن‌ها پاسخ نداد تا این آیه شریفه نازل شد: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ * الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ...﴾ «همانا مثل عیسی نزد خدا همچون آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: «موجود باش» او هم فوراً موجود شد * این‌ها حقایقی است از جانب پروردگار، بنابراین از تردید کنندگان مباش * هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، کسانی با تو به بحث و گفتگو بپردازند به آن‌ها بگو:....»

نصاری نجران وقتی در برابر منطق رسول خدا ﷺ عاجز شدند و حق آشکار شد باز نپذیرفتند. رسول خدا ﷺ آن‌ها را به مباهله فرا خواند، آن‌ها پذیرفتند.

سپس پیامبر اکرم ﷺ برای مباهله بیرون آمدند در حالی که دست حضرت علی (ع) را گرفته بود امام حسن و امام حسین (ع) پیشاپیش آن حضرت و حضرت فاطمه (ع) از پشت سر آنان حرکت می‌کردند.

اسقف، رئیس نصاری، هنگامی که از دور آنان را مشاهده کرد، از کسانی که با او بودند سؤال کرد این‌ها کیستند؟ به او گفتند: یکی از آنان حضرت علی بن ابی

طالب عليه السلام پسر عمو و داماد آن بزرگوار، دیگری دختر او فاطمه عليها السلام و آن دو فرزندان آن دو هستند.

اسقف به اطرافیان خود گفت: چهره‌هایی را مشاهده می‌کنم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جایش برکنند، برخواهد کند پس مباحله نکنید که هلاک می‌شوید و بر روی زمین تا روز قیامت یک نصرانی نخواهد ماند.

آنگاه اسقف به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای ابوالقاسم ما مباحله نه، بلکه مصالحه می‌کنیم، پس با ما بر آنچه ما توان انجام آن را داریم مصالحه کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن‌ها بر پرداخت دو هزار لباس، سی سرنیزه، سی زره و سی اسب مصالحه نمود و نوشته‌ای برای آنان نوشت و آن‌ها به شهر و دیار خود بازگشتند.
رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از این جریان فرمودند:

به حق کسی که جان من درید قدرت او است اگر مباحله کرده بودند همگی به شکل میمون و خوک مسخ می‌شدند و همه این وادی علیه آنان پراز آتش می‌شد و پیش از آنکه یکسال بگذرد همه نصاری هلاک می‌شدند.^۱

مؤلف رحمته الله گوید: بدان فرمایش پروردگار در این آیه شریفه «أبناءنا» به وضوح دلالت می‌کند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان پیامبرند اگر چه از طریق دختر هستند.

«نساءنا» مقصود فاطمه عليها السلام است نه غیر آن حضرت، زیرا کسی دیگر غیر از آن حضرت از زن‌ها نبود.

«أنفسنا» مقصود علی بن ابی طالب عليه السلام است، زیرا انسان جایز نیست خودش را دعوت کند و ناگزیر باید غیر خودش را دعوت کند و غیر خودش به اجماع و اتفاق فریقین کسی جز علی بن ابی طالب عليه السلام نبود، پس علی عليه السلام نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

۱. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۵۱؛ بحار الانوار: ج ۲۱، ص ۲۷۷.

۲۰ - سید بن طاووس رحمته الله حدیث مباهله را از محمد بن عباس از پنجاه و یک طریق نقل کرده و یکایک راویان را برشمرده است هر کس خواهان اطلاع بیشتر است به کتاب ارزشمند سعد السعود مراجعه نماید.^۱

۲۱ - و تأیید می‌کند آن را روایت صحیحی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده:

شخصی از آن حضرت در مورد اصحاب ایشان سؤال کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله هر یک از آن‌ها را با ذکر اوصافش نام بردند - و ذکری از امیرالمؤمنین علیه السلام به میان نیاوردند - سؤال کننده عرض کرد: پس چرا نامی از علی بن ابی طالب علیه السلام نبردید و از آن حضرت یاد نفرمودید؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِنَّمَا سَأَلْتَنِي عَنِ النَّاسِ وَلَمْ تَسْأَلْنِي عَنِ نَفْسِي.

تو از اصحاب سؤال کردی نه از نفس من، علی علیه السلام نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله است.^۲

مؤلف رحمته الله گوید: اگر با دیده بصیرت نظر کنی خواهی دید که امیرالمؤمنین علیه السلام در بردارنده تمام فضائل مباهله است زیرا «ابناء» فرزندان او، «نساء» همسراو، «أنفس» نفس پاک آن حضرت است که بر همه نفوس بشری فضیلت و برتری داده شده، زیرا نفس محمد صلی الله علیه و آله است که او افضل مخلوقات است، درود خدا بر آن حضرت و بر کسی که خداوند او را نفس آن حضرت خوانده (یعنی به منزله خود او است و همه فضائل و کمالات او را دارا است) درودی که بینی ناصبی‌های پست و زیدی مسلکان را به خاک مالد و باعث پاکی نفوس محبتین از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام گردد.

۱. سعد السعود: ص ۹۱؛ بحار الانوار: ج ۲۱، ص ۳۵۰، ح ۲۱.

۲. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۵۳؛ بحار الانوار: ج ۲۱، ص ۲۷۹.

﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ﴾

﴿الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿٦٨﴾

«همانا سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی می‌کنند و نیز این پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند و خداوند ولی مؤمنان است».

تأویل آیه و معنای آن

﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ﴾ «همانا سزاوارترین افراد به ابراهیم»، سپس بیان کرده که او چه کسی است و فرموده:

﴿لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾ «کسانی هستند که از او متابعت می‌کنند» در زمان او و بعد از او، که با کمک و یاری نمودن او، او را تأیید می‌نمایند، علیه کسانی که از او متابعت نمی‌کنند،

﴿وَهَذَا النَّبِيُّ﴾ «و این پیامبر» یعنی حضرت محمد ﷺ،

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ «و کسانی که به او ایمان آورده‌اند» و او را کمک و یاری نموده‌اند

نزدیکترین و سزاوارترین افراد به او هستند.

و مقصود از مؤمنین در آیه شریفه حضرت علی عليه السلام و ائمه طاهرين عليهم السلام هستند.

۲۲ - از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت شده است که فرمودند:

سزاوارترین افراد به ابراهیم کسانی هستند که به آنچه او آورده داناتراز بقیه هستند.

سپس آیه مذکور را تلاوت نموده و فرمود:

إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ أَطَاعِ اللَّهَ وَإِنْ بَعَدَتْ لِحْمَتِهِ، وَإِنَّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ عَصَى

اللَّهِ وَإِنْ قَرَّبَتْ قَرَابَتَهُ.

همانا ولی حضرت محمد عليه السلام کسی است که خدا را اطاعت کند اگر چه از نظر نسبی

از آن حضرت دور باشد، و دشمن حضرت محمد عليه السلام کسی است که خدا را معصیت

و نافرمانی کند اگر چه از نظر قرابت و خویشاوندی نزدیک باشد.^۱

۱. ربع الابراز: ج ۳، ص ۵۶۰؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۲۷، ۹.

۲۳ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

مقصود از کسانی که ایمان آورده اند ائمه طاهرين علیهم السلام و پیروان آنها هستند که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک ترین افراد به ابراهیم علیه السلام می باشند.^۱

۲۴ - و تأیید می کند آن را، آنچه طبرسی رحمته الله از عمر بن یزید روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

به خدا قسم شما از آل محمد علیهم السلام هستید.

عرض کردم: از خود آنان فدای شما شوم؟

فرمودند: آری، به خدا قسم، از خود آنان - و آن را سه مرتبه تکرار نمودند - سپس نگاهی به من کردند و فرمودند: خداوند تبارک و تعالی در کتابش فرموده است: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾.^۲

۲۵ - علی بن ابراهیم رحمته الله این روایت را در تفسیرش از پدرش روایت کرده است.^۳

﴿أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿۷۷﴾

«آن‌ها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و در

قیامت به آن‌ها نظر نمی‌نماید و آن‌ها را از گناه پاک نمی‌سازد و برای آن‌ها عذابی

دردناک است.»

۲۶ - شیخ طوسی رحمته الله در مصباح الأنوار به سند خود از حضرت علی بن موسی

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۲۰؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۲۵، ح ۴۲؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۳.

۲. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۵۸؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۲۵، ح ۴۳؛ تفسیر عتاشی: ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۶۱؛

تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۵.

۳. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۱۳؛ بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۸۴؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۲۵.

الرضا، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السلام - و با همین سلسله سند تا از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده اند که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

حَرَّمَ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى ظَالِمِ أَهْلِ بَيْتِي وَقَاتِلِهِمْ وَشَانِيهِمْ وَالْمُعِينِ عَلَيْهِمْ...

خداوند بهشت را حرام کرده بر کسانی که نسبت به اهل بیت علیهم السلام ستم روادارند و یا قاتل آنان باشند و یا بر آن ها دشنام دهند و یا مددکار دشمنان باشند، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ...﴾^۱

۲۷ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: سه طایفه اند که خداوند با آن ها سخن نگوید و روز قیامت به آن ها نظر نکند و آن ها را از گناه پاک نگرداند و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود:

مَنْ ادَّعَى إِمَامَةً لَيْسَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ؛ وَمَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ؛ وَمَنْ رَزَعَمَ أَنْ هُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا.

کسی که ادعای امامت کند و از طرف خداوند تعیین نشده باشد، کسی که امامت کسی را که از طرف خداوند تعیین شده انکار کند، و کسی که بپندارد برای آن دو (خلیفه غاصب) در اسلام بهره ای است.^۲

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ

رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾^(۸۱)

«(و به خاطر آورید) هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان مؤکد گرفت که هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شما است تصدیق می کند، به او ایمان آورید و او را یاری کنید».

۲۸ - تاویل آن حدیثی است که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است، آن

۱. مصباح الأنوار: ص ۳۰ (مخطوط)؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۲۴، ح ۱۴ و ج ۲۷، ص ۲۰۲، ح ۱.

۲. کافی: ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۴؛ بحار: ج ۷، ص ۲۱۲، ح ۱۱۳.

حضرت فرموده‌اند:

همانا خداوند از پیامبران عهد و پیمان گرفته است که امت خود را از بعثت رسول گرامی اسلام، حضرت محمد ﷺ، و صفات و ویژگی‌های او آگاه نمایند و به آن‌ها بشارت آمدن او را بدهند و آن‌ها را به تصدیق نمودن او فرمان دهند.^۱

و بگویند: ﴿هُوَ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ﴾ او تصدیق کننده آنچه با شما از کتاب و حکمت است، می‌باشد و خداوند از انبیاء پیمان گرفته که به او ایمان آورند و کتاب و حکمت او را تصدیق نمایند؛ همان طور که او کتاب و حکمت ایشان را تصدیق کرده است.

﴿وَلْتَنْصُرْنَهُ﴾ یعنی وصی آن حضرت را یاری نمایند، چرا که:

۲۹- دیلمی رحمته به سند خود از فرج بن ابی شیبه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که آیه ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾ را تلاوت نمود و فرمود:

﴿لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ﴾ یعنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورند؛

﴿وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾ یعنی وصی او امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری نمایند؛

و خداوند پیامبری را مبعوث نفرموده مگر آنکه از او درباره نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله

امامت علی بن ابی طالب علیه السلام عهد و پیمان گرفته است.^۲

۳۰- صاحب کتاب «الواحدة» به سند خود از امام باقر علیه السلام و آن حضرت از امیر

المؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

خداوند تبارک و تعالی یکتا و بی‌همتا است و در وحدانیت و یگانگی خود بی‌نظیر

است، و (چون اراده خلق نمود) به کلمه‌ای تکلم فرمود که آن نور گشت، آنگاه از آن نور

محمد صلی الله علیه و آله و من و ذریه مرا آفرید.

۱. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۶۸؛ بحار الانوار: ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۲. تأویل الایات: ج ۱، ص ۱۱۶، ج ۲۹، تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۵.

۳. مقصود از تکلم، خلق کلام است.

سپس به کلمه‌ای دیگر تکلم کرد و آن روح گردید، پس آن را در آن نور ساکن و در ابدان ما مستقر گردانید، پس ما روح خدا و کلمات او^۱ هستیم و به وسیله ما بر آفریدگانش اجتماع فرمود. و ما پیوسته در کنف او بودیم در حالی که نه خورشیدی بود و نه ماهی، نه روزی بود و نه شبی او را عبادت می‌کردیم و تسبیح و تقدیس می‌نمودیم پیش از آن‌که خلق و خلقت را بیافریند.

سپس از پیامبران به ایمان و نصرت ما میثاق گرفت و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ﴾؛ «یعنی به حضرت محمد ﷺ ایمان آورند و وصی او را یاری کنند، آن‌ها به حضرت محمد ﷺ ایمان آوردند و وصی او را یاری نمودند و به زودی همه او را یاری خواهند نمود».

و همانا خداوند از من و حضرت محمد ﷺ میثاق گرفت که بعضی از ما بعضی دیگر را یاری نماید، من آن حضرت را یاری نمودم و پیشاپیش او جهاد کردم و دشمن او را به قتل رساندم و وفا کردم به آنچه خداوند از من میثاق گرفت و مرا هیچ کدام از پیامبران و رسولان یاری ننمود و این به خاطر نبودن آن‌ها بود تا مرا یاری نمایند ولی به زودی مرا یاری خواهند نمود.^۲

حدیث طولانی است و آن دلالت بر رجعت می‌کند، ما این مقدار از حدیث را ذکر کردیم.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (۱۳۱)

«همگی به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

تأویل آیه شریفه:

۱. مقصود روح و کلمه‌ای است که خدا آفریده.

۲. تأویل الایات: ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۳۰، تفسیر برهان: ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۴.

﴿وَأَعْتَصَمُوا﴾ یعنی چنگ برنید و ملازم آن باشید.

﴿بِحَبْلِ اللَّهِ﴾ مقصود از «حبل الله» کتاب عزیز او یعنی قرآن و عترت پاک پیامبر او -

درود خداوند بر آنان باد - است.

﴿جَمِيعًا﴾ یعنی به آن هر دو.

﴿وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ یعنی میان آن دو جدایی نیفکنید.

۳۱ - و بر آن دلالت می کند حدیثی که طبرسی؛ در تفسیرش از ابوسعید خدری و

او از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ حَبْلَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا مِنْ بَعْدِي،
أَحَدِهِمَا أَكْبَرُ مِنَ الْأُخْرَى: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي
أَهْلُ بَيْتِي أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

مردم، من در میان شما دو ریسمان محکم به یادگار می گذارم، اگر به آن دو چنگ
زدید هرگز بعد از من دچار گمراهی نمی شوید یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است و آن دو
عبارتند از کتاب خدا، ریسمانی است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده و عترت
من یعنی اهل بیتم، آگاه باشید آن دو هرگز از یکدیگر جدایی ندارند تا در کنار حوض بر
من وارد شوند.

۳۲ - شیخ مفید در کتاب غیبت تأویل این آیه را روایت کرده و آن از زیباترین

تأویل ها است، او به سند خود از حضرت علی بن الحسین عليهما السلام روایت کرده است که
فرمودند:

روزی رسول خدا ﷺ در مسجد نشسته بودند و اصحاب در اطراف آن حضرت

حضور داشتند، رسول خدا ﷺ به آن ها فرمود:

هم اکنون مردی از اهل بهشت بر شما وارد می شود و سؤالی که در نظر دارد می پرسد.

پس از فرمایش رسول خدا ﷺ مردی شبیه مردان مصر وارد شد. بر رسول خدا ﷺ

سلام کرد و نشست و عرض کرد: ای رسول خدا، شنیده‌ام که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ مقصود از حبل الهی که خداوند ما را امر فرموده به آن تمسک کنیم و از آن پراکنده نشویم چیست؟

رسول خدا ﷺ مدتی سر را به زیر انداختند، سپس سر را بلند کردند و در حالی که به حضرت علی بن ابی طالب ع اشاره کردند، فرمودند:

هَذَا حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي مَنْ تَمَسَكَ بِهِ عَصِمَ فِي دُنْيَاهُ وَ لَمْ يَضَلَّ فِي آخِرَاهُ.

این علی حبل الله است که هر کس به آن چنگ بزند در دنیايش مصون و محفوظ می ماند و در آخرت دچار گمراهی نمی شود.

آن مرد با شنیدن فرمایش رسول خدا ﷺ از جا برخاست و دامن امیرالمؤمنین ع را گرفت، در حالی که می گفت: به حبل خدا و رسول او چنگ زده‌ام، سپس از مسجد بیرون رفت. یکی از مردم عرض کرد: ای رسول خدا، اجازه می دهید به دنبال او روم و از او بخواهم که برایم استغفار کند؟ حضرت فرمودند: اگر چنین کنی او را موفق می یابی.

آن مرد در پی او به راه افتاد و چون به او رسید از او خواست که برایش استغفار کند، آن شخص در پاسخ او گفت: آیا نفهمیدی رسول خدا ﷺ به من چه فرمود و من به حضرت چه عرض کردم؟ گفت: آری، فهمیدم گفت:

«إِنْ كُنْتَ مَتَمَسِكًا بِذَلِكَ الْحَبْلِ فَغَفَرَ اللَّهُ لَكَ، وَإِلَّا فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ؛ اگر به آن حبل

الهی که رسول خدا او را معرفی نمود و او واسطه بین خدا و خلق است تمسک نمودی خدا تو را بیامرزد و اگر غیر از این راه رفتی خدا تو را نیامرزد و نخواهد آمرزد». این کلام زیبا را گفت و او را رها کرد و رفت.^۱

۱. در کتاب غیبت مفید که مؤلف اشاره نموده یافت نشد بلکه در غیبت نعمانی: ص ۴۸، ح ۲ می باشد.

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿١٦٦﴾

«باید از شما گروهی باشند که مردم را به خیر دعوت کنند، به کارهای پسندیده دستور دهند و از کارهای زشت باز دارند و آن‌ها اهل فلاح و رستگاری هستند».

شیخ طبرسی رحمته الله علیه آیه شریفه را این گونه معنا کرده است:

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ﴾ یعنی باید از شما جماعتی باشند.

﴿يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾ یعنی به دین دعوت کنند.

﴿وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ به اطاعت خدا دستور دهند.

﴿وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ و آن‌ها را از معصیت و نافرمانی خدا باز دارند.

﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ و آن‌ها پیروز و رستگارند.^۱

۳۳- و از امام صادق عليه السلام روایت شده که فرمودند:

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

یعنی «امت» را به «ائمه» تأویل فرمودند و در این صورت معنای آیه چنین است:

باید از شما امامان و پیشوایانی باشند که دعوت به خیر نمایند امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها رستگارند.^۲

مؤلف رحمته الله علیه گوید: خدا و رسول او راست گفته‌اند، زیرا این صفات از صفات ائمه طاهرين عليهم السلام است، آن‌ها معصومند و معصوم به اطاعتی امر نمی‌کند مگر آنکه خودش عامل به آن است و از معصیتی نهی نمی‌کند مگر آنکه خودش تارک آن است و از آن خودداری می‌کند.

۳۴- همان طور که مولای موحدین امیرالمؤمنین عليه السلام فرموده‌اند:

۱. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۸۴؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۵۳، ح ۵.

وَاللّٰهُ مَا أَمَرْتُمْ بِطَاعَةِ إِلَّا وَقَدْ ائْتَمَرْتُمْ بِهَا وَلَا نَهَيْتُمْكُم مِّن مَّعْصِيَةٍ إِلَّا وَقَدْ ائْتَمَرْتُمْ بِهَا.

به خدا قسم شما را به اطاعتی امر نکردم مگر آنکه خودم به آن عمل کردم و از معصیتی باز نداشتم مگر آنکه از آن خودداری نمودم.^۱
شاعر گفته است:

ابدأ بنفسك فأنهها عن غيرها فاذا انتهت عنها فانت حكيم
فهنالك يُسمع ما تقول ويُقتدى بالفعل منك ويُقبل التعليم
لا تنة عن خلق وتأتي بمثله عاز عليك اذا فعلت عظيم

از خودت شروع کن ابتدا نفس خود را از بد رفتاری باز مدار، اگر نفس تو باز داشته شد تو آدم حکیمی هستی.

آنچه می‌گویی شنیده می‌شود و به آن اقتدا می‌نمایند، اگر خودت به آن عامل باشی، و تعلیم و آموزش تو پذیرفته گردد.

از رفتار و روشی دیگران را نهی نکن که خودت مانند آن را انجام می‌دهی، که چنین کاری بر تو عیب بزرگی است.

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ
إِيمَانِكُمْ قَدْ وُفُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ * وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ
وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿١٦٦﴾ و ﴿١٦٧﴾

«روزی که گروهی سفید رو و گروه دیگری سیاه رو باشند، به آن سیاه رویان گفته می‌شود: آیا بعد از ایمانتان کافر شدید؟ پس عذاب را بچشید به خاطر آنچه کفر می‌ورزیدید * و اما رو سفیدان در رحمت خدا هستند و در آن برای همیشه خواهند بود.»

۱. نهج البلاغه: ص ۲۵۰، خطبه ۱۷۵؛ بحار الانوار: ج ۳۴، ص ۲۱۷.

همانا این کسانی که رو سیاه معرفی شده‌اند این‌ها مؤمن بودند، سپس مرتد شدند و به آیین پیشینیان خود بازگشتند، و به همین دلیل روز قیامت به آن‌ها به شکل توبیخ گفته می‌شود: ﴿أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ «آیا بعد از ایمان، کافر شدید، اکنون عذاب را بچشید به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید».

اما کسانی که رو سفیدند آن‌ها مؤمنان هستند و در رحمت خدا یعنی پاداش الهی و بهشت پروردگارانند و در آنجا جاودانه‌اند و برای همیشه خواهند بود.

۳۵- علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از ابوذر غفاری روایت کرده است که گفت: هنگامی که این آیه شریفه ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

امت من در روز قیامت با پنج پرچم بر من وارد خواهند شد:

نخستین پرچم از آن گوساله این امت است، از آن‌ها سؤال می‌کنم: با قرآن و عترت من بعد از من چگونه رفتار کردید؟ می‌گویند: ثقل اکبر یعنی قرآن را تحریف کردیم و آن را پشت سرانداختیم، با ثقل اصغر یعنی عترت دشمنی نمودیم و کینه ورزیدیم و او را به قتل رساندیم. به آن‌ها می‌گویم: بروید تشنه و با روی سیاه وارد آتش شوید.

سپس فرعون این امت با پرچمی وارد می‌گردد، به آن‌ها می‌گویم: بعد از من با قرآن و عترت من چه کردید؟ می‌گویند: قرآن را تحریف نمودیم و پاره کردیم و با آن مخالفت نمودیم، با عترت دشمنی نمودیم و او را به قتل رساندیم. به آن‌ها می‌گویم: بروید تشنه و با روی سیاه وارد آتش شوید.

پس از او سامری این امت با پرچمی وارد می‌شود، به آن‌ها می‌گویم: شما بعد از من با ثقلین یعنی قرآن و عترت من چگونه رفتار نمودید؟ می‌گویند: قرآن را نافرمانی نمودیم و آن را رها کردیم، عترت را خوار ساختیم و ضایع گردانیدیم. به آن‌ها می‌گویم: بروید تشنه و با روی سیاه وارد آتش شوید.

سپس ذوالثدیه با پرچمی به همراه خوارج وارد می‌شوند، به آن‌ها می‌گویم: شما با قرآن و عترت چه کردید؟ می‌گویند: قرآن را پاره پاره نمودیم و از آن بیزاری جستیم، با عترت به

مبارزه و نبرد پرداختیم. به آن‌ها می‌گویم: بروید تشنه و با روی سیاه وارد آتش شوید. آنگاه پرچمی با پیشوای پرهیزکاران و سرور اوصیاء و رهبر رؤسفیدان و وصی رسول پروردگار جهانیان بر من وارد می‌شود، از آن‌ها سؤال می‌کنم، شما با قرآن و عترت بعد از من چگونه رفتار کردید؟ می‌گویند: قرآن را پیروی نمودیم و از آن اطاعت نمودیم، نسبت به عترت، به ندایش لبیک گفتیم، ولایتش را پذیرفتیم، او را کمک کردیم و یاری نمودیم تا آنکه در راه آن‌ها خون ما ریخته شد. به آن‌ها می‌گویم: بروید در حالی که از این حوض سیراب می‌شوید با روی سفید وارد بهشت شوید.

سپس رسول خدا ﷺ این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ...»^۱

۳۶- سید بن طاووس رحمته الله علیه از طریق عامه از کتب ایشان در بعضی از کتاب‌های خود مانند «الیقین» و «سعد السعود» از احمد بن محمد طبری با سند متصل به ابی‌ذر روایت کرده است که گفت:

هنگامی که این آیه شریفه «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ...» نازل شد.... تا آخر حدیث.^۲

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَتُؤْتُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

«شما بهترین امتی بودید که به نفع مردم قیام کردید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

مؤلف رحمته الله علیه گوید: بدان که این شروط در تمام افراد امت جمع نمی‌شود بلکه در بعضی از آن‌ها است اگرچه تمام امت مخاطب این آیه شریفه‌اند، ولی به گونه‌ای که به آن امر شده‌اند آن را انجام نمی‌دهند، و اما آن بعضی که شرائط را دارا هستند چه

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار: ج ۳۷، ص ۳۶۴؛ اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۵۱.

۲. الیقین: ص ۳۲۹، باب ۱۲۴.

کسانی هستند؟ در آیه گذشته در مورد آن بحث شد و گفتیم که این شروط جز در معصوم علیه السلام جمع نمی شود.

۳۷ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از ابن سنان نقل کرده است که گفت: نزد امام صادق علیه السلام این آیه شریفه قرائت شد، امام علیه السلام فرمودند:

چطور این امت بهترین امت است که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و دو فرزند عزیزش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، را می کشند؟! قرائت کننده آیه عرض کرد: فدای شما شوم پس آیه چگونه نازل شده است؟

امام علیه السلام فرمودند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» «شما بهترین پیشوایانی هستید که به نفع مردم قیام کردید». مگر نمی بینی خداوند چگونه بعد از آن، ایشان را مدح نموده و فرموده: «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» «به خوبی ها دستور می دهید و از کارهای ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید».

این فرمایش امام علیه السلام دلالت می کند برآنچه ما گفتیم، که این شروط جز در معصوم نمی باشد و از خطاب «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» آن ها قصد شده و مخاطب قرار گرفته اند، و چه کسی همانند آن بزرگواران به این امور قیام کردند، امر به معروف و ناهی از منکر و مؤمن به خداوند بدون تردید به معنای واقعی کلمه، آن ها هستند، صلوات و درود بی پایان خداوند بر روان پاک آنان باد.

﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا أَنْ يُحِبِّلَ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ﴾ ﴿۱۳۳﴾

«بر آنان مَهْر خواری و ذلت زده شده هر کجا یافت شوند مگر آنکه به ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم بپیوندند».

۳۸ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این کلام پروردگار ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا تَقِفُوا﴾ گفته است:

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۱۸؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۵۴، ح ۶.

این قسمت از آیه شریفه در مورد کسانی که حقوق آل محمد ﷺ را غصب کردند، نازل شده است.

﴿إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾ یعنی بر تمام غصب کنندگان، در دنیا و آخرت، هر کجا یافت شوند، «ذلت» یعنی پستی و خواری، زده شده است؛ مگر کسانی که به ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم چنگ زده باشند، که آن‌ها استثناء شده‌اند.

۳۹- حسین بن جبیر صاحب کتاب «النخب» در تأویل «دو حبل»، حدیثی را مسندا از امام باقر ﷺ روایت کرده است که فرمودند:

﴿حَبْلِ مِنَ اللَّهِ﴾ کتاب خدا، و ﴿حَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ است.^۱

۴۰- و آن را تأیید می‌کند آنچه در تأویل آیه شریفه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ گذشت و آن فرمایش نبی مکرم اسلام ﷺ بود که فرموده‌اند:

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ حَبْلِينَ: کتاب الله وعترتي اهل بيتي، فهما الحبلان المتصلان إلى يوم القيامة.

من در میان شما دو حبل محکم به یادگار گذاشتم، یکی کتاب خدا یعنی قرآن و دیگری عترت یعنی اهل بیتم، آن دو دو حبل بهم پیوسته‌اند و هرگز جدایی ندارند تا روز قیامت.^۲

۴۱- کلینی رحمته به سند خود از امام باقر ﷺ روایت کرده است که فرمودند:

كَانَ النَّاسُ أَهْلَ رَدَّةٍ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَّا ثَلَاثَةً.

مردم بعد از رسول خدا ﷺ همگی جز سه نفر به قهقرا بازگشتند.

راوی عرض کرد: آن سه نفر چه کسانی بودند؟ امام ﷺ فرمودند:

مقداد و ابوذر و سلمان فارسی که رحمت خدا بر آنان باد، و پس از اندک زمانی برخی

دیگر از مردم این امر را شناختند، و آن‌ها هستند که محورند و چرخ دین بر آن‌ها

۱. بحارالانوار: ج ۲۴، ص ۸۴، ح ۲.

۲. به ح ۳۱ مراجعه فرمایید.

می چرخد. آن‌ها از بیعت (با خلیفه اول غاصب) امتناع ورزیدند، تا هنگامی که به زور امیر المؤمنین علیه السلام را آوردند و از آن حضرت بیعت گرفتند، و این است معنای فرمایش پروردگار که فرموده است: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ﴾^۱.

۴۲ - سید بن طاووس رحمته الله به سند خود از شعبی روایت کرده است که گفت:

امیر المؤمنین علیه السلام از جنگ أحد بازگشت در حالی که هشتاد جراحت برپیکرنازنین او وارد شده بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن حضرت وارد شدند و امیر المؤمنین علیه السلام بر روی بساط چرمی بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشاهده امیر المؤمنین علیه السلام و حال آن حضرت گریستند و فرمودند:

به راستی کسی که در راه خدا این مصائب را ببیند سزاوار است که خداوند نسبت به او لطف فراوان نماید و می نماید.

امیر المؤمنین علیه السلام گریه کنان پاسخ داد:

پدر و مادرم به فدای شما، ای رسول خدا، حمد و سپاس خداوندی را که مرا روی گردان از شما ندید و توفیق داد که از دشمن فرار نکنم، ولی چگونه شد که از شهادت محروم ماندم؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شهادت را اگر خدا بخواهد در پیش رو خواهی داشت.

سپس فرمود: ابوسفیان کسی را فرستاده و تهدید کرده و برای من پیغام داده که وعده ما و شما حمراء الأسد و آن محلی است در هشت میلی مدینه.

امیر المؤمنین علیه السلام عرض کردند: پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا، هرگز از آن‌ها روبرونگردانم (یعنی میدان را خالی نکنم و از یاری شما دست برندارم)، اگر چه جنازه‌ام بر روی دست‌ها بالا رود.

و خداوند این آیه شریفه را نازل نمود: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا

۱. کافی: ج ۸، ص ۲۴۵، ح ۳۴۱؛ بحار الانوار: ج ۲۸، ص ۲۳۶، ح ۲۲.

لِما أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ^۱ «چه بسیار بیماری که همراه او خداپرستان زیادی با دشمن نبرد کردند و در برابر آن چه به آن‌ها اصابت کرد، در راه خدا سست و ناتوان نشدند و خداوند اشخاص پایدار و مقاوم را دوست دارد»^۲.

بدان به علم یقین که آن دو (خلیفه غاصب) اهل دگرگونی و ارتداد و اهل کجروی و انحراف و فساد بودند، شاهد آن روایتی است که کلینی رحمته الله علیه نقل کرده است:

۴۳ - کلینی رحمته الله علیه به سند خود از حنان بن سدیر و او از پدرش روایت کرده است که گفت: از امام باقر رحمته الله علیه در مورد آن دو نفر (غاصب حق امیرالمؤمنین رحمته الله علیه) سؤال کردم، حضرت فرمودند:

ای ابا الفضل (کنیه سدیر است) از من راجع به آن دو چه می‌پرسی؟

به خدا قسم، کسی از ما نمرده است مگر آنکه بر آن دو خشمگین بوده و امروز از ما کسی نیست مگر آنکه بر آن دو خشمگین است و این مطلب را بزرگ‌ترهای ما به کم سن و سال‌ها سفارش می‌کنند، زیرا که آن دو در حق ما ستم نمودند و قیء که از آن ما بود، غصب کردند، نخستین کسانی بودند که برگردن ما سوار شدند (و مردم را از اطراف ما پراکنده ساختند) و رخنه‌ای در اسلام ایجاد کردند که هرگز جز با قیام قائم رحمته الله علیه و سخن گفتن سخنگوی ما اصلاح نشود و رخنه برطرف نگردد.

سپس فرمود: آگاه باشید، به خدا قسم، اگر قائم رحمته الله علیه قیام کند یا سخنگوی ما لب بگشاید، از جنایات آن دو چیزهایی را که تا آن زمان مکتوم مانده افشا و آشکار سازد و از امور آن دو آنچه را ظاهر شده، مکتوم نماید (یعنی پرده از نفاق درون آن دو بردارد و کفر آن‌ها را که پنهان ساخته بودند، آشکار نماید).

به خدا قسم هر بلا و مصیبتی و هر حادثه ناگواری که برای ما پیش آمد، آن دو اساسش را پایه‌گذاری نمودند، پس لعنت خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آن دو خبیث باد.^۳

۱. سوره آل عمران: آیه ۱۴۶.

۲. سعد السعودی: ص ۱۲؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۲۶، ح ۱۳.

۳. کافی: ج ۸، ص ۲۴۵، ح ۲۴۰؛ بحار الانوار: ج ۳۰، ص ۲۸۶، ح ۳۸.

﴿أَقَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ يَبْتَئِسُ

الْمَصِيرُ * هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ﴿١٦٦﴾ و ﴿١٦٣﴾

«آیا کسی که در مقام جلب رضایت و خشنودی خداوند است مانند کسی است که خود را در معرض خشم الهی قرار داده و جایگاه او دوزخ و سرانجام او بسیار بد است * هر یک از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند...»

۴۴ - کلینی رحمته الله علیه به سند خود از عمار سبابی روایت کرده است که گفت: از امام صادق رحمته الله علیه در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، حضرت فرمودند:

مقصود از ﴿الَّذِينَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ﴾ «آنانکه در پی رضا و خشنودی پروردگارانند» ائمه طاهرين رحمته الله عليهم هستند. به خدا قسم ای عمار، آن‌ها باعث درجات مؤمنین هستند، و خداوند به خاطر ولایت و معرفتی که نسبت به ما دارند پاداش اعمال ایشان را دو چندان می‌گرداند و درجات ایشان را بالا می‌برد.^۱

مؤلف رحمته الله علیه گوید: معنای فرمایش امام رحمته الله علیه، این است: کسانی که دنبال رضا و خشنودی خداوند هستند - یعنی ائمه طاهرين رحمته الله عليهم - مانند کسانی نیستند که خود را در معرض خشم خداوند قرار داده‌اند - یعنی دشمنان اهل بیت - و جایگاه آنان دوزخ است و بد سرانجامی دارند.

﴿هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ﴾ «آن‌ها دارای درجات نزد خداوند می‌باشند»، یعنی ائمه طاهرين رحمته الله عليهم. یعنی این گروه هرگز همانند آن گروه نزد خداوند نیستند، بلکه ائمه طاهرين رحمته الله عليهم در بالاترین درجات و دشمنان ایشان در پست‌ترین مرتبه‌اند.

پس برائمه اطهار از طرف پروردگارش سلام و درود و بردشمنان ایشان لعنت و نفرین همیشگی باد.

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۳۰ ح ۸۴؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۹۲، ح ۱.

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَسْلَمُوا مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ * الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ ﴿۷۳﴾ و ﴿۷۴﴾

«کسانی که به ندای خدا و رسول پاسخ مثبت دادند بعد از آن که دچار جراحت شدند، برای نیکوکاران و پرهیزکاران ایشان پاداش بزرگی است * کسانی که بعضی از مردم به آنان گفتند: مردم (یعنی لشکر دشمن) برای (حمله به شما) اجتماع کرده‌اند از آن‌ها بترسید، (اما) این سخن برایمان آنان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و او بهترین حامی ما است».

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ از جنگ احد فارغ گشت و قصه آن مشهور است، ابوسفیان و مشرکین با تعدادی از افراد خود بازگشتند، چون به محلی به نام «روحاء» رسیدند از بازگشت خود پشیمان شدند و تصمیم گرفتند که دوباره به احد برگردند. پس از رسیدن این مطلب به رسول خدا ﷺ آن حضرت به اصحاب خود فرمودند: آیا کسی هست که خبری از این گروه برای ما بیاورد؟ هیچ کس جوابی به رسول خدا ﷺ نداد، جز امیرالمؤمنین علیه السلام که از جای خود برخاست و عرض کرد: انا یا رسول الله، من هستم و آماده اجرای فرمان شمایم. رسول خدا ﷺ فرمود: علی جان، برو و دقت کن، اگر آن‌ها را دیدی که براسب سوار شده و شتر را کنار گذاشته‌اند، بدان که اراده مدینه نموده‌اند، و اگر بر شتر سوار شده و اسب را کنار گذاشته‌اند، اراده مکه کرده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام بازگشتند و رسول خدا ﷺ را از قصه آگاه نمودند، فرمودند: آن‌ها اراده مکه نموده‌اند.

پس امیرالمؤمنین علیه السلام مخاطب و مشار الیه هستند به این کلام نورانی ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ﴾ و به این کلام نورانی دیگر: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ﴾.

۴۵ - ابن مردویه از ابورافع نقل کرده است که گفت:

رسول خدا ﷺ حضرت علی علیه السلام را به همراه چند نفر دیگر به دنبال ابوسفیان و در

تعقیب اور روانہ ساخت، یک نفر از اهل خزاعه ایشان را دید و عرض کرد: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكَ فَاخْشَوْهُمْ﴾ «همانا مردم . یعنی ابو سفیان و یاران او - برای حمله به شما اجتماع کرده اند، از آن ها بترسید»، آن ها - یعنی امیر المؤمنین علیه السلام و یاران آن حضرت گفتند: ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ «خدا ما را کفایت می کند و او خوب حامی و مدافعی است»، پس این آیات تا ﴿وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ نازل شد.^۱

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ ... وَاللَّهُ

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ﴾ ﴿۱۶۱﴾ و ﴿۱۶۲﴾

آنانکه خدا را ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند (و می گویند) بارالها این ها را بیهوده نیافریده ای، منزهی تو، ما را از عذاب دوزخ حفظ کن * پروردگارا همانا ما صدای منادی تو را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد و می گفت: به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا پس گناهان ما را بیامرز و از بدی های ما چشم پوشی نما و ما را با نیکان بمیران * پروردگارا آن چه به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرموده ای به ما عطا کن و در قیامت ما را رسوا مگردان که تو هیچ گاه از وعده خود تخلف نمی کنی * پس پروردگارشان درخواست آنان را اجابت نمود و فرمود: من عمل هیچ عمل کننده ای از شمارا مرد باشد یا زن ضایع نمی گردانم. کسانی که هجرت کردند و از دیارشان آواره گردیدند و در راه من اذیت و آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند بدون تردید از بدی های آن ها چشم پوشی می کنم و آنان را در بهشتی وارد می نمایم که از زیر درختانش نهرها جاری است و این پاداشی است از طرف خداوند، و نزد خداوند بهترین ثواب ها و پاداش ها است.

۴۶ - علی بن عیسی رضی الله عنه در کتاب کشف الغمّه ذکر نموده است که:

۱. تفسیر برهان: ج ۲، ص ۵۲۸، ح ۳؛ کشف الغمّه: ج ۱، ص ۳۱۷.

این آیات در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است آنگاه که رو به مدینه نمود و آن پس از خارج شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه بود، به حضرت علی علیه السلام دستور داده بودند که در بستر آن حضرت به جای ایشان قرار گیرد و بدهی های او را پردازد و امانت ها را به صاحبانش برگرداند و پس از آن با اهل و عیالش از مکه به مدینه رود، هنگامی که امیر المؤمنین از مکه خارج شدند به همراه ایشان حضرت فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه بنت اسد و فاطمه دختر زبیر بن عبد المطلب و آنهایی که از عیال آن حضرت مانده بودند و ام ایمن و فرزندش ایمن و عده ای از مؤمنین ناتوان بودند، به هر منزلی که فرود می آمدند خداوند تبارک و تعالی را یاد می نمودند، همان طور که فرموده: ﴿قِيَامًا وَقُعُودًا﴾ یعنی در حال نماز و غیر نماز ﴿وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ﴾ یعنی در حال اضطجاع و وقتی به پهلو قرار گرفته اند.

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ﴾ یعنی دعای ایشان را اجابت نمود.

﴿أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ﴾ «همانا من عمل کننده ای را ضایع

نمی سازم، مرد باشد یا زن» مقصود از مرد، امیر المؤمنین علیه السلام و مقصود از زن، سه فاطمه در آن جمع هستند.

﴿فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا﴾ «کسانی که

مهاجرت کردند و از دیار خود آواره شدند» مقصود امیر المؤمنین علیه السلام است، زیرا او به این صفات توصیف شده و به سبب آن بر همه مخلوقات برتری یافته است.

و هنگامی که به شهر مدینه رسیدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله شادمان گشتند و به آن

حضرت فرمودند:

يا علي، أنت أول هذه الأمة إيماناً بالله ورسوله، وأولهم هجرة إلى الله ورسوله، و

آخرهم عهداً برسوله، لا يحبك . و الذي نفسي بيده . إلا مؤمن قد امتحن الله

قلبه للإيمان، ولا يبغضك إلا منافق أو كافر.

علی جان، تو از میان این امت اولین کسی هستی که به خدا و رسول او ایمان

آورده ای، و اولین کسی هستی که به سوی خدا و رسول او هجرت نموده ای و آخرین

دیدارها را با رسول خدا داشته‌ای. به حق کسی که جانم در قبضه قدرت اوست تو را دوست نمی‌دارد جز مؤمنی که خدا قلب او را برای ایمان آزموده باشد و دشمن نمی‌دارد جز کسی که منافق یا کافر باشد.^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ ﴿٤٧﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و یکدیگر را به شکیبایی و پایداری سفارش کنید و رابطه داشته باشید و تقوای الهی پیشه خود سازید، شاید به فلاح و رستگاری نائل گردید.»

۴۷ - شیخ مفید رحمته الله علیه در تأویل این آیه شریفه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

﴿اصْبِرُوا﴾ یعنی بر اداء فرایض پایداری نمایید و در انجام واجبات، اگر سختی‌هایی دارد، شکیبا باشید و آن را تحمل کنید.

﴿وَصَابِرُوا﴾ یعنی در برابر دشمن از خود مقاومت نشان دهید و ضعف و ناتوانی به خود راه ندهید.

﴿وَرَابِطُوا﴾ یعنی با امام منتظر- درود خدا براو و پدران بزرگوار او باد - مرتبط باشید.^۲ مؤلف رحمته الله علیه گوید: بنابراین تأویل، مقصود از ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ در این آیه شریفه اصحاب امام منتظر علیه السلام هستند.

پس ای بیننده محترم، ببین این سوره چه فضائل ارزشمندی را برای ائمه طاهرين علیهم السلام بیان کرده، فضائلی که باعث فضل و برتری آنان بر همه گذشتگان و آیندگان بوده و خواهد بود. درود خدا بر آنان، درودی پیوسته و متصل که همه زمان‌ها را دربرگیرد.

۱. کشف الغمّة: ج ۱، ص ۴۰۶.

۲. غیبت نعمانی: ص ۱۹۹، ح ۱۳؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۱۹، ح ۱۴.

سُورَةُ النَّبَاِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتَ

أَيْمَانَكُمْ فَأَتَوْهُمْ نَصِيْبُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ (۳۷)

«برای هر کس از آن چه پدر و مادر و خویشان به ارث می نهند و ارثانی قرار دادیم *

نیز کسانی که با آن ها پیمان بسته اید نصیبشان را بپردازید، خداوند بر هر چیز

شاهد و گواه است.»

۱ - کلینی رحمه الله به سند خود از حسن بن محبوب روایت کرده است که گفت: از

حضرت موسی بن جعفر رحمتهما الله در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، حضرت فرمودند:

مقصود از کسانی که با آن ها عهد و پیمان بسته اید، ائمه طاهرين عليهم السلام می باشند.

توجیه این تاویل: این که فرموده است: ﴿وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ﴾ یعنی ما برای هراقتی

اولیاء و سرپرستانی از انبیاء و اوصیاء قرار دادیم، که شاهدش فرمایش رسول خدا است

که فرموده: «أَلَسْتُ أُولَىٰ بَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ؛ آیا من به شما از خود شما اولی نیستم؟» عرض

کردند: آری. فرمود: «مَنْ كُنْتَ مَوْلَا فَعَلِيٍّ مَوْلَا؛ هر که من مولای اویم، علی مولای اوست»

﴿مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ﴾ «آن چه «والدان» از علوم و شریعت از خود به جای می گذارند» و

مقصود از «والدان» نبی اکرم صلی الله علیه و آله و وصی آن حضرت هستند، به دلیل فرمایش رسول

خدا صلی الله علیه و آله که به حضرت علی رضی الله عنه فرمود:

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱؛ تفسیر کنز الدقائق: ج ۲، ص ۴۲۰؛ وسائل الشیعه: ج ۱۷، ص ۵۴۸، ح ۲.

یا علی، انا و أنت ابوا هذه الامة.

علی جان، من و تو دو پدر این امت هستیم.

﴿وَأَلْفَرُؤُونَ﴾ یعنی کسانی که از نظر نسب و علم و عصمت به آن دو بزرگوار نزدیک

هستند.

﴿وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ یعنی «کسانی که با آن‌ها پیمان بسته‌اید»، و آن‌ها ائمه

طاهرین علیهم‌السلام هستند، که خدا نسبت به ولایت ایشان از شما عهد و پیمان گرفته است.

و مقصود از ﴿أَيْمَان﴾ جمع یمین نیست، تا آن که تأویل صحیح باشد.

﴿فَأَتَوْهُمْ نَصِيبَهُمْ﴾ یعنی نصیب ایشان از ولایت و اطاعت که بر مردم فرض و واجب

گردیده است.

﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ یعنی خداوند بر هر عملی از اعمال شما شاهد،

ناظر و پاداش دهنده می‌باشد، اگر عمل شما عملی نیکو باشد پاداش نیکو و اگر عملی

بد باشد پاداش بد دریافت خواهید نمود.

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ ﴿۱۱﴾

پس چگونه است زمانی که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را گواه بر آنان آوریم.

۲ - کلینی رحمته‌الله به سند خود از سماعه و او از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که

در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

این آیه تنها در مورد امت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است، در هر مدتی و دوره‌ای

امامی از ما شاهد بر آنان می‌باشد و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شاهد بر ما می‌باشد.^۱

۱. کافی: ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱؛ بحار الانوار: ج ۷، ص ۲۸۳، ح ۷؛ وج ۲۳، ص ۳۳۵، ح ۱.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ... وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا﴾ ﴿۵۱﴾ ﴿۵۰﴾

«آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب به آن‌ها داده شده به جیت و طاغوت (بت پرستان) ایمان می‌آورند و درباره کافران می‌گویند: آن‌ها از کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت یافته‌ترند* آن‌ها هستند که خداوند آنان را لعنت فرموده و هر کس را که خدا لعنت کند یاوری برایش نخواهد بود».

۳- کلینی رحمته الله به سند خود از برید عجلی روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ سؤال کردم، پاسخ حضرت این آیه شریفه بود:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحِجَتِ وَ الطَّاعُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُوَ أَهْدَىٰ مِنْ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا﴾ نسبت به پیشوایان ضلالت و کسانی که دعوت کننده مردم به سوی آتش اند می‌گویند: این‌ها هدایت کننده‌تر هستند و راه را بهتر از آل محمد علیهم السلام نشان می‌دهند.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا﴾ «آن‌ها که چنین حرفی را می‌زنند مورد لعنت خدا هستند و کسی که خدا او را لعنت کند هرگز یاوری نخواهد یافت».

﴿أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ﴾ آیا برای آن‌ها بهره‌ای از ملک یعنی امامت و خلافت است؟ ﴿فَإِذَا لَاقِيُوا النَّاسَ نَقِيرًا﴾ «که در این هنگام کمترین حق را به مردم نمی‌دهند»، مقصود خدا از «مردم» در این آیه شریفه ما هستیم. و «نقیر» آن نقطه‌ای است که در وسط هسته می‌باشد.

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ «آیا نسبت به مردم به آنچه خدا از فضل و احسان خود به آنان عطا کرده حسد می‌ورزند» مقصود از «مردم» در این آیه شریفه که خدا به آن‌ها از فضل و کردم خود امامت را عطا کرده و مورد حسد قرار گرفته‌اند، ما هستیم.

﴿فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ «ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت عطا کردیم و ملک عظیمی بخشیدم» یعنی خداوند از میان آن‌ها کسانی را پیامبر و رسول و امام قرار داد، پس چگونه است که این مردم در مورد آل ابراهیم آن را می‌پذیرند و اعتراف می‌کنند، اما نسبت به آل محمد ﷺ انکار؟!

﴿فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا﴾ «بعضی از آنان به آن ایمان آوردند و بعضی راه مردم را بستند و شعله برافروخته جهنم برای آنان کافی است».^۱
این که فرموده است: ﴿فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ﴾ «بعضی به آن ایمان آوردند» یعنی به فضل و برتری ایشان که بر آن حسد ورزیدند بعضی از مردم ایمان آوردند و آن‌ها شیعیان و پیروان آنان هستند.

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ﴾ «برخی دیگر راه را بر مردم بستند» و آن‌ها مخالفان و دشمنان اهل بیت ﷺ هستند.

﴿وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا﴾ «و شعله برافروخته دوزخ از نظر جزا و سرانجام کار برای آن‌ها کافی است».

۴ - کلینی رحمته الله علیه به سند دیگری از محمد بن فضیل و او از حضرت موسی بن جعفر رحمته الله علیه روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ فرمودند:

مقصود از «محسودون» یعنی کسانی که مورد حسد قرار گرفته‌اند، ما هستیم.^۲

۵ - و نیز به سند دیگری از حمران بن أعین روایت کرده است که گفت: به امام صادق رحمته الله علیه عرض کردم: مقصود از کتاب و حکمت و ملک عظیم در این آیه ﴿فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ چیست؟ حضرت فرمودند:

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۸۹، ح ۱۷؛ تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱۵۴؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۹.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۱۹، ح ۳؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۹۵.

مقصود از «کتاب» نبوت و مقصود از «حکمت» نیروی فهم و داوری، و مقصود از «ملک عظیم» اطاعت است.^۱

۶- و نیز به سند خود از بُرید عجللی و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» فرمودند:

از آنان پیامبران و رسولان و امامان قرار داد، پس چگونه است که در مورد آل ابراهیم آن را می پذیرند و به آن اقرار می کنند، ولی در مورد خاندان پاک حضرت محمد صلی الله علیه و آله نمی پذیرند و آن را انکار می کنند؟

عرض کردم: مقصود از «ملک عظیم» در آیه «وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: «ملک عظیم» این است که امامت را در میان آنان قرار داد. هر که از ایشان اطاعت نماید، اطاعت خدا نموده، و کسی که نافرمانی ایشان کند، خدا را نافرمانی کرده است، و این مُلک عظیم و فرمانروایی بزرگ و ارزشمند است.^۲

۷- علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر آیه شریفه «آیا ندیدی کسانی که بهره ای از کتاب به آن ها داده شده به جبت و طاغوت ایمان می آورند و نسبت به کافران می گویند: این ها از کسانی که ایمان آورده اند هدایت یافته ترند» گفته است:

روایت شده است که این آیه شریفه درباره کسانی است که حق آل محمد صلی الله علیه و آله را غصب نموده اند.^۳

و دلیل بر آن فرمایش خداوند تبارک و تعالی است: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ» «آیا حسد می ورزند نسبت به مردم» یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام، «علی ما آتاهم الله مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» «بر آن چه خداوند

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۲۳، ح ۱۴؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۹۲، ح ۲۳؛ تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۲۰۴، ح ۱۶۱.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۵؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵.

۳. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۷۰، ضمن ح ۴۵.

از فضل خود به آن‌ها عطا فرموده. ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و مُلک عظیم بخشیدیم» و مقصود از «ملک عظیم» خلافت است.

سپس فرمود: «بعضی از آنان به آن ایمان آوردند و برخی مردم را از آن باز داشتند و شعله برافروخته جهنم برای آنان کافی است».

پس از آن دشمنان ایشان را ذکر نموده و فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَمَا فَصَّحْتَ جُلُودَهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ «همانا کسانی که به آیات ما کافر گردیدند به زودی آن‌ها را در آتش می‌افکنیم هرگاه پوست ایشان بریان گردد پوست دیگری به جای آن قرار می‌دهیم تا عذاب را بچشند. خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است»

سپس اولیاء ایشان را ذکر نموده و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ «کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند به زودی آن‌ها را وارد بهشت می‌نماییم که نهرها از زیر (درختانش) جاری است و برای همیشه در آنجا خواهند ماند، برای آن‌ها در آنجا همسرانی پاک است و آنان را در سایه‌های گسترده جای می‌دهیم».

سپس خداوند سبحان ائمه طاهرين عليهم السلام را مخاطب قرار داده و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ «خداوند به شما امر می‌فرماید که امانت‌ها را به اهل آن‌ها دهید» مقصود از «امانت» امامت است، خداوند بر امام فرض و واجب نموده که امر امامت را به کسی که خدا امر فرموده بعد از او امام باشد، بدهد.

سپس به آن‌ها فرموده: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ «هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید، خداوند اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، خداوند شنوا و بینا است».

سپس مردم را مخاطب قرار داده و فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا و رسول و اولو الامر - یعنی ائمه طاهرين عليهم السلام - اطاعت کنید و فرمانبرداری نمایید».

﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ «پس

اگر در چیزی نزاع نمودید آن را به خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید».

سپس فرموده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا* وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ - فِي الْإِمَامَةِ - رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا»^۱ «آیا ندیدی کسانی را که می‌پندارند به آن چه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند ولی می‌خواهند داوری را به سوی طاغوت بکشانند در حالی که امر شده‌اند که به آن کافر شوند و شیطان می‌خواهد آن‌ها را گمراه کند و به بیراهه‌های دوری بيفکند* و هنگامی که گفته شود به سوی آن چه خدا نازل فرموده و به سوی پیامبر - در امر امامت - بیاید منافقان را می‌بینی که راه را بر تو می‌بندند و از تو اعراض می‌کنند».

سپس فرموده است: «فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا* أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا»^۲ «پس چگونه است که چون گرفتار مصیبتی به خاطر اعمالشان می‌شوند و نزد تو می‌آیند سوگند به خدا یاد می‌کنند که ما (از بردن داوری نزد دیگران) جز احسان و توافق (میان طرفین نزاع) اراده نکردیم».

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: این آیات درباره امیر المؤمنین علیه السلام و دشمنان آن حضرت نازل شده است.

سپس به آن حضرت فرموده است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ - يَا عَلِيُّ - فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» «و اگر مخالفان هنگامی که به خود ستم کردند به نزد تو - ای علی - می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار

۱. سوره نساء: آیه ۶۰ و ۶۱.

۲. سوره نساء: آیه ۶۲ و ۶۳.

می‌کرد». آیه چنین نازل شده است.

و دلیل بر اینکه خطاب آیه متوجه امیر المؤمنین علیه السلام است فرمایش خداوند تبارک و تعالی است که فرموده است:

﴿جَاؤُكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ﴾ «نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برای آن‌ها استغفار می‌کرد»

سپس فرموده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ﴾ «نه به پروردگارت سوگند، ایمان نیاورده‌اند تا آنکه تو را در نزاع و خصومت خویش حاکم قرار دهند، آنگاه هیچ گونه اعتراض و ناخرسندی در خاطر خویش نسبت به حکمی که بر زبان تو جاری گشته در مورد ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نداشته باشند»^۱.

و حدیثی که محمد بن یعقوب علیه السلام آن را روایت کرده است، این تأویل را که خداوند سبحان، امیر المؤمنین علیه السلام را مخاطب قرار داده، تأیید می‌کند:

۸- کلینی علیه السلام به سند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی امیر المؤمنین علیه السلام را در کتابش مخاطب قرار داده است.

راوی - زراره یا بریده - گفت: عرض کردم: در کجا ایشان را مخاطب قرار داده است؟ امام علیه السلام فرمود:

در این آیه شریفه: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ - يَا عَلِيُّ - فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ﴾ «اگر مخالفین پس از آنکه به خود ستم روا داشتند نزد تو می‌آمدند - ای علی - آنگاه از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر برای آن‌ها استغفار می‌نمود، خدا را توبه‌پذیر و بسیار مهربان می‌یافتند * به پروردگارت سوگند، ایمان نیاورده‌اند تا آنکه تو را حاکم قرار دهند میان خودشان در آن چه بر سر آن نزاع دارند» در رابطه با پیمانی که با هم بسته‌اند که اگر

محمد ﷺ از دنیا رود اجازه نخواهیم داد این امر در بنی هاشم مستقر گردد ﴿ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ﴾ «سپس در نفس خود و خاطر خویش هیچ گونه احساس ناراحتی و ناخرسندی نکنند در آن چه تو حکم کنی» درباره آنان از قتل یا عفو ﴿وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ «و کاملاً در پیشگاه تو تسلیم باشند».

۹ - کلینی رحمته الله به سند خود از عبد الله بن نجاشی روایت کرده است که گفت: از امام صادق عليه السلام شنیدم که در تفسیر آیه شریفه: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾^۱؛ «آن ها کسانی هستند که خدا آنچه را در دل دارند می داند، پس از آنان صرف نظر کن و آن ها را اندرز بده و با بیانی رسا به آن ها گوشزد کن» فرمود:

به خدا قسم مقصود از «آن ها» فلانی و فلانی است .

و «اگر آن ها که به خود ستم کردند» یعنی مخالفت با پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین عليه السلام نمودند «نزد تو بیابند» ای علی، «و از خدا نسبت به آنچه انجام داده اند طلب آمرزش کنند و پیامبر برای آن ها استغفار نماید، خدا را توبه پذیر و بسیار مهربان می یابند»؛ و در مورد آیه: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ﴾؛ «به پروردگارت سوگند ایمان نیاورده اند تا آنکه در آنچه بین خودشان اختلاف کرده اند، تو را حکم و داور قرار دهند» امام صادق عليه السلام فرمود:

به خدا قسم مقصود علی عليه السلام است، یعنی او را حاکم قرار دهند .

﴿ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ﴾ یعنی از آنچه تو حکم کردی ای رسول خدا در مورد ولایت علی عليه السلام در نفس خود هیچ گونه سختی و ناراحتی نیابند .
﴿وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ و کاملاً تسلیم امیرالمؤمنین عليه السلام باشند.^۲

۱. سوره نساء، آیه ۶۳.

۲. کافی: ج ۸، ص ۳۳۴، ح ۵۲۶؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۵۷، ح ۵.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (٥٨) و (٥٩)

«همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها بازگردانید و هنگامی که در میان مردم داوری کردید، به عدل داوری کنید خداوند اندرزه‌های خوبی به شما می‌دهد، خداوند شنوا و بینا است * ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا و رسول و اولو الامر اطاعت کنید، و هرگاه در مورد چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و رسول ﷺ بازگردانید اگر به خدا و قیامت ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.»

۱۰ - کلینی رحمته الله به سند خود از احمد بن عمر روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام در مورد این آیه شریفه: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود:

خطاب متوجه امامان از آل محمد علیهم السلام است، خداوند امر فرموده که هر امامی امامت را به امام بعد از خود بسپارد و به غیر او اختصاص نداده و دور نسازد.

۱۱ - و به سند خود از معلی بن خنیس روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند:

خداوند امام پیشین را امر فرموده که آن چه نزد او است به امام بعد از خود تحویل دهد.^۲

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۳۰، ح ۲.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۴؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۳۱، ح ۴؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۷۶، ح ۶.

۱۲ - و نیز به سند خود از برید عجلی روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام درباره این فرمایش پروردگار **﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾** سؤال کردم، فرمود:

خطاب آیه متوجه ما است و مقصود این است که امام پیشین کتب و علم و سلاحی که نزد او است به امام بعد از خود بسپارد.

و فرموده است: **﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾** «و چون در میان مردم حکم کردید به عدالت حکم کنید» عدالتی که در قدرت و توان شما است.

سپس به مردم فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾** «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول و صاحبان امرتان اطاعت کنید» که مقصود از «اولی الامر» فقط ما اهل بیت هستیم.

سپس همه مؤمنان را تا روز قیامت به اطاعت ما امر نموده زیرا می‌فرماید: «فإن خفتم تنازعا في أمر فردوه إلى الله وإلى الرسول وإلى أولي الأمر منكم» «پس اگر از نزاع و خصومت در امری ترسیدید آن را به سوی خدا و رسول و صاحبان امرتان ارجاع دهید»، این چنین نازل شده است. و چگونه خداوند آنان را به اطاعت صاحبان امر دستور داده در نزاع با ایشان رخصت و اجازه فرموده؟ همانا این دستوری است برای مأمورینی که به آن‌ها گفته شده: از خدا و رسول و صاحبان امرتان اطاعت کنید.^۱

۱۳ - از آنچه در مورد سرپرستان امور بعد از پیامبر وارد شده که ائمه اثنا عشر هستند روایتی است که طبرسی رحمته الله به سند خود از جابر جعفی روایت کرده که گفت: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که گفت:

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی این آیه شریفه را بر پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود، عرض کردم: ای رسول خدا، ما، خدا و رسول او را شناختیم «اولو الأمر» که خدا اطاعت آنان را قرین اطاعت شما قرار داده چه کسانی هستند؟

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱؛ الزام الناصب: ج ۱، ص ۲۱؛ تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱۳.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای جابر، آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمین بعد از من هستند، اول ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام است، سپس حسن، حسین و علی بن الحسین و بعد از آن محمد بن علی علیه السلام است که در تورات به باقر معروف است و تو ایشان را درک می‌کنی، هنگامی که آن حضرت را ملاقات کردی به او از طرف من سلام برسان. سپس به ترتیب جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد و حسن بن علی علیه السلام می‌باشند، و بعد از ایشان هم نام و هم کنیه من، حجت خدا بر روی زمین و باقی مانده حجت‌های پروردگار در میان بندگان، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و او کسی است که خداوند به دست توانای او شرق و غرب عالم را فتح می‌کند، و او کسی است که از نظر شیعیان و دوستانش غایب می‌گردد، غیبتی که در آن بر امامت او ثابت نمی‌ماند مگر کسی که قلب او را برای ایمان آزموده باشند.

جابر عرض کرد: ای رسول خدا، آیا برای شیعیان او نفعی به وسیله او در غیبت او می‌رسد؟ رسول خدا ﷺ فرمود:

آری، به حق کسی که مرا به نبوت مبعوث فرمود، آن‌ها به نور او استضاءه (یعنی کسب نور) می‌کنند و به ولایت او در غیبتش متنفع می‌گردند مانند انتفاعی که مردم به وسیله خورشید می‌برند هنگامی که ابرآن را پنهان نموده باشد.

ای جابر، آنچه گفته شد از اسرار پنهانی پروردگار از گنجینه علم اوست، آن را جز از اهلش پوشیده مدار.^۱

مؤلف گوید: بدان، خدا به توفیق اطاعت از ائمه طاهرين علیهم السلام را مرحمت کند، همانا خداوند اطاعت اولوا الامر را به همراه اطاعت رسول صلی الله علیه و آله واجب فرموده، زیرا آن‌ها همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معصوم هستند. و اطاعت از غیر معصوم واجب نیست، به دلیل فرمایش پروردگار که فرموده: ﴿لَا يَنْتَهِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ «عهد من یعنی امامت به

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱؛ کمال الدین: ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۳۴، ح ۱؛ تفسیر

عیاشی: ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱۶۹؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۲۰۳.

ظالمین نمی‌رسد». و آنانکه با فرمان «اطیعوا: اطاعت کنید» خطاب شده‌اند، غیر «اولوا الأمر» هستند چرا که اگر غیر از این باشد، لازم می‌آید که انسان مخاطب به اطاعت خودش شود و این معقول نیست.

و اطاعت آن بزرگواران بر تمام خلق واجب گشته و دلیل آن روایات فراوانی است که از آنان وارد شده است:

۱۴ - در دعای روز عرفه امام سجّاد با اشاره به ائمه طاهرین علیهم‌السلام فرموده است:

وَجَعَلْتَهُمْ حُجْبًا عَلَيَّ خَلْقِكَ وَأَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَلَمْ تُرَخِّصْ لِأَحَدٍ فِي مَعْصِيَتِهِمْ.

آنان را حجت بر خلق خود قرار دادی و به اطاعت آنان دستور دادی و به هیچ کسی رخصت در نافرمانی ایشان ندادی و اطاعتشان را بر همه آفریدگانت واجب فرمودی.^۱
و این به وضوح دلالت می‌کند که ائمه طاهرین علیهم‌السلام برتر از همه خلق از اولین و آخرین هستند و حمد سپاس خداوندی را که تربیت کننده جهانیان است.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا * وَإِذَا

لَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا * وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (۲۶) - (۲۸)

«اگر آن‌ها به آنچه پند داده شدند عمل می‌کردند، برای آن‌ها بهتر و کاری اساسی‌تر و استوارتر بود * و از ناحیه خود اجر و پاداش عظیم به آن‌ها مرحمت می‌کردیم و آن‌ها را به راه راست هدایت می‌نمودیم».

۱۵ - کلینی رحمته‌الله به سند خود از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده است که فرمودند:

آیه این گونه نازل شده است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ - فِي عَلِيٍّ - لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَثْبِيثًا»؛ «اگر مردم به آن چه در مورد حضرت علی علیه‌السلام پند داده شدند عمل می‌کردند، برای آن‌ها بهتر و باعث ثبات قدم و استواری بیشتر برای آن‌ها بود».^۲

۱. اقبال: ۳۶۲؛ بحار الانوار: ج ۹۸، ص ۲۳۲؛ صحیفه سجّادیه جامعه: ص ۳۲۷ دعای ۱۴۹.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۶۰؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۷۳، ح ۵۲؛ وافی: ج ۳، ص ۹۲۱، ح ۱۴.

و هنگامی که آنچه برای آن‌ها بهتر است و آنچه در آن صلاح دنیا و آخرت آن‌ها است، و این که آن جز به اطاعت رسول خدا ﷺ حاصل نمی‌شود را به آن‌ها شناسانید، حال و منزلت اطاعت کننده و این که با چه کسانی می‌باشد و رفقای او چه کسانی هستند را بیان کرده و فرمود:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ ﴿٣١﴾

«کسانی که از خدا و رسول فرمان برداری کنند در زمره کسانی هستند که خداوند آن‌ها را گرامی داشته و نعمت بخشیده که پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان هستند و آنان همراهان و همنشینان خوبی هستند».

۱۶ - شیخ طوسی رحمته الله علیه از انس بن مالک روایت کرده است که گفت:

روزی رسول خدا ﷺ نماز صبح را با ما خواندند، سپس رو به ما نمودند، من عرض کردم: ای رسول خدا، اگر ممکن است این آیه شریفه را برای ما تفسیر نمایید: ﴿فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾. رسول خدا ﷺ فرمودند:

«نبیین» من هستم؛ «صدیقین» برادرم علی بن ابی طالب رضی الله عنه است. «شهداء» عموم حمزه است، و «صالحون» دخترم فاطمه رضی الله عنها و فرزندان آن حضرت، حسن و حسین رضی الله عنهما می‌باشند.

عباس عموی پیامبر رضی الله عنه حضور داشت، با شنیدن این مطلب یک مرتبه از جا برخاست و پیش روی پیامبر رضی الله عنه قرار گرفت و عرض کرد: آیا من و شما و علی و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم همگی از یک چشمه و اصل نیستیم؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: مگر چه شده است ای عمو؟ عباس عرض کرد: شما حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم را معرفی کردید و از ما چیزی نگفتید!

رسول خدا ﷺ تبسمی کردند و فرمودند: اما این که گفتی: آیا ما همگی از چشمه و اصل واحدی نیستیم؟ چرا، گفته ات را تصدیق می‌کنم، ولی ای عمو، خداوند مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را آفرید، پیش از آنکه آدم را بیافریند، هنگامی که نه آسمانی برافراشته بود و نه زمینی گسترده، نه نوری بود و نه ظلمتی، نه خورشیدی و نه ماهی، نه بهشتی بود و نه دوزخی.

عباس عرض کرد: ای رسول خدا، بدو خلقت شما چگونه بوده است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هنگامی که خداوند اراده فرمود ما را بیافریند به کلمه‌ای تکلم فرمود و از آن نوری آفرید، سپس به کلمه‌ای دیگر تکلم نمود و از آن روحی خلق کرد، آن روح را با نور درآمیخت و آنگاه مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را آفرید، ما خدا را تسبیح می‌گفتیم زمانی که هیچ تسبیحی نبود، و تقدیس می‌نمودیم هنگامی که تقدیسی نبود.

و چون خداوند اراده نمود خلقت را ایجاد کند، نور مرا شکافت و از نور من عرش را پدید آورد، پس عرش از نور من است و نور من از نور خداوند است و نور من برتر از عرش می‌باشد.

سپس نور برادرم علی علیه السلام را شکافت و از آن ملائکه را آفرید، پس ملائکه از نور علی علیه السلام هستند و نور علی علیه السلام از نور خدا است و علی علیه السلام از ملائکه افضل می‌باشد.

آنگاه نور دخترم فاطمه علیها السلام را شکافت و از آن آسمان‌ها و زمین را آفرید، پس آسمان‌ها و زمین از نور دخترم فاطمه علیها السلام و نور دخترم فاطمه علیها السلام از نور خدا است، و دخترم فاطمه علیها السلام برتر از آسمان‌ها و زمین می‌باشد.

سپس نور فرزندم حسن علیه السلام را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید، پس خورشید و ماه از نور فرزندم حسن علیه السلام و نور فرزندم حسن از نور خدا است و حسن علیه السلام برتر از ماه و خورشید می‌باشد.

آنگاه نور فرزندم حسین علیه السلام را شکافت و از آن بهشت و حور العین را آفرید، پس بهشت و حور العین از نور فرزندم حسین علیه السلام و نور فرزندم حسین علیه السلام از نور خدا است و حسین علیه السلام برتر از بهشت و حور العین می‌باشد.

سپس ظلمات را امر فرمود که برابرها عبور کنند، در نتیجه ظلمت و تاریکی آسمان‌ها و ملائکه را در بر گرفت، ملائکه با تسبیح و تقدیس پروردگار به درگاه او ضجّه زدند و گفتند: پروردگارا، ای سرور ما، از روزی که ما را آفریده‌ای و این اشباح را به ما معرفی نموده‌ای ما هیچ گونه بدی ندیده‌ایم، به حقّ این اشباح نورانی تو را قسم می‌دهیم که این ظلمت را از ما برطرف کنی. در این هنگام خداوند از نور دخترم فاطمه علیها السلام قندیل‌هایی از نور ایجاد کرد و آن‌ها را در وسط عرش آویزان نمود و بر اثر آن آسمان‌ها و زمین روشن شد، و به همین جهت آن حضرت، «زهرا» نامیده شد.

ملائکه عرض کردند: پروردگارا، ای سرور ما، این نور تابان که به آن آسمان و زمین را روشن نمودی از کجا و از کیست؟ خداوند تبارک و تعالی وحی فرمود: این نوری است که از نور جلال خود برای دختر حبیب رسول خدا و همسر ولیم علی بن ابی طالب علیه السلام او که برادر پیامبرم و پدر حجت‌های من بر بندگانم می‌باشد، آفریده‌ام. ای ملائکه شما را گواه می‌گیرم که ثواب تسبیح و تقدیس شما را برای آن حضرت و شیعیان و دوستان او تا روز قیامت قرار دادم.

عباس که این سخنان را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید از جا برخاست و پیشانی علی بن ابی طالب علیه السلام را بوسید و گفت: یا علی، به خدا قسم تو حجت بالغه و رسا و کامل هستی برای هر کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند.^۱

۱۷ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر خود فرموده است:

مراد و مقصود از «نبیین» رسول خدا صلی الله علیه و آله، از «صدّیقین» حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، از «شهداء» امام حسن و امام حسین علیهما السلام، از «صالحین» ائمه طاهرین علیهم السلام، از «رفیقان و همنشینان نیکو» قیام‌کننده از آل محمّد علیهم السلام می‌باشد.^۲

۱. مصباح الانوار: ۶۹ (مخطوط)؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۱۶۵، ح ۵؛ بحار الانوار: ج ۳۷، ص ۸۲، ح ۵۱؛ حلیة الابراز: ج ۳، ص ۹۷؛ مدینه المعاجز: ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۹۴۹.
 ۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۵۱؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۱، ح ۱ و ج ۶۷، ص ۱۹۲ و ج ۸۶، ص ۴؛ منتخب الاثر: ص ۷۴ ح ۲۴؛ الزام الناصب: ج ۱، ص ۵۵.

۱۸ - بدان - خدا ما و شما را با کسانی قرار دهد که به آن‌ها نعمت بخشیده است - آنچه انس روایت کرده از تأویل‌های نیکو است، و از فضائل اهل بیت علیهم‌السلام جز اندکی جمع نشده، زیرا فضائل آنان به حدی محدود نمی‌شود و به عددی شماره نمی‌گردد، و آن‌ها را جز خدا و خود ایشان نمی‌دانند، همان طور که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیر المؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند:

يا علي، ما عرف الله الا أنا وأنت، ولا عزفني إلا الله وأنت، ولا عرفك إلا الله وأنا.

علی جان، خدا را کسی جز من و تو نشناخت، مرا جز خدا و تو نشناخت، و تو را جز خدا و من نشناخت.

پس برای شنیدن فضائل ایشان، گیرنده و حفظ کننده؛ و نسبت به آنان پیرو و ولایت پذیر؛ و در برابر فرمان ایشان گوش کننده و مطیع باش، اگر می‌خواهی از کسانی باشی که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «کسانی که خدا و رسول را اطاعت کنند با کسانی هستند که خداوند به آن‌ها نعمت بخشیده است...»

و روایت شده که آن‌ها مقصود از این آیه شریفه‌اند که خداوند فرموده است: ﴿أَوْلِيَاكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾ «آن‌ها هستند که مؤمن حقیقی و شایسته‌اند» زیرا آن‌ها هستند که خدا و رسول را اطاعت نموده و از ائمه طاهرين علیهم‌السلام متابعت و پیروی کرده‌اند.

۱۹ - کلینی رحمته‌الله به سند خود از اسماعیل بن جابر روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

کسی که دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که به حقیقت مؤمن باشد، باید خدا و رسول و آنان را که ایمان آورده‌اند دوست بدارد و به درگاه خدا از دشمنان ایشان بیزاری جوید، و در برابر آنچه از فضایل آن‌ها که به او رسیده تسلیم گردد، زیرا درک فضائل آن‌ها را نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و نه غیر آن‌ها نتوانند نمود، آیا

نشنیده‌اید آنچه را خداوند در فضیلت پیروان با ایمان ائمه طاهرين عليهم السلام فرموده: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾ «کسانی که خدا و رسول را اطاعت نمایند با کسانی هستند که خدا نعمت بر آنان بخشیده از پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحین و چه نیکورفیقان و همراهانی هستند»^۱.

۲۰ - برقی در کتاب محاسن، از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که در ضمن رساله خود درباره قرآن فرمودند:

وَإِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ بِتَعْمِيْتِهِ فِي ذَلِكَ، أَنْ يَنْتَهُوا إِلَى بَابِهِ وَصِرَاطِهِ.

همانا مقصود خداوند از این که قرآن را خیلی واضح و روشن قرار نداده، این است که مردم به سوی باب او و راه او بروند و او را با اطاعت از کسانی که زبان گویا و عهده‌دار کتاب او هستند، بندگی نمایند؛ و آنچه را نیاز دارند در مورد علوم آن، از چشمه علم آن‌ها بجویند نه از رأی و نظر خودشان.

سپس فرمود: ﴿وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ «و اگر آن را به پیامبر یا صاحبان امر خود عرضه می‌کردند از ریشه‌های آن آگاه می‌شدند» و اما غیر آنان هرگز آن را نمی‌دانند...

طبرسی رحمته الله در کتاب احتجاج از حضرت امیر المؤمنین مثل این حدیث و همین مضمون را روایت کرده است.

ابن شهر آشوب نیز در کتاب مناقب خود مثل این حدیث را روایت کرده است.^۲ و این گوشه‌ای از فضیلت پیروان ائمه طاهرين عليهم السلام است، پس چگونه است حال خود آنان و فضیلت و برتری ایشان.

بدانید هیچ کس از خلق خدا به رضا و خشنودی پروردگار نائل نمی‌گردد مگر به

۱. کافی: ج ۸، ص ۱۰، ضمن ح ۱؛ بحار الانوار: ج ۶۸، ص ۳؛ اثبات الهداة: ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۸۷.

۲. محاسن: ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۹۶۰؛ بحار الانوار: ج ۹۲، ص ۱۰۰، ح ۷۲؛ وسائل: ج ۱۸، ص ۱۴۱، ح ۳۸. احتجاج:

ج ۱، ص ۳۶۹؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، ص ۶۷.

سبب اطاعت او و اطاعت رسول او و اطاعت صاحبان امر از آل محمد علیهم السلام، زیرا معصیت آنان معصیت خداوند است.

خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که خدا و رسول و صاحبان امر از آل محمد علیهم السلام را اطاعت و از آثار ایشان پیروی می نمایند و از انوار آنان در دنیا و آخرت روشنایی می جویند و کسب نور می کنند، زیرا که آنان فرقه ناجیه و عترت طاهره اند.

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحُوفِ أَدَاعُوا بِهِ وَتَوَرَّدُوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ آیة ۵۹

«و چون خبری که مایه آرامش یا نگرانی است به آن ها برسد آن را فاش می سازند، و اگر آن را به پیامبر یا صاحبان امر عرضه می کردند از ریشه مسائل آگاه می شدند.»

تأویل آیه: منافقین چون خبری از اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله را می شنیدند، از جهت امن و یا از جهت خوف آن را شایعه می کردند و آرامش را در مدینه سلب می نمودند در حالی که راست بودن یا دروغ بودن آن را نمی دانستند، پس خداوند آن ها را از چنین کاری نهی نمود و فرمان داد که آن مسأله را به رسول خدا و اولوا الامر - که طبق احادیث بیان شده، یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام - رد نمایند، که در این صورت آنچه یقینی و قطعی است از آن ها می فهمند و آگاهی پیدا می کنند.

﴿وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ آیة ۶۰

«و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود جز اندکی همگی از شیطان پیروی می کردید»

۲۱ - طبرسی رحمته الله علیه می گوید: از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: مقصود از «فضل خدا» و «رحمت او» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

۱. مجمع البیان: ج ۳، ص ۸۲؛ بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۴۲۳، ح ۳؛ تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۲۱۰.

۲۲ - از مولای ما حضرت علی بن الحسین علیه السلام از پدر بزرگوارش حسین بن علی علیه السلام از پدر گرانقدرش امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرموده‌اند: مؤمن در هر حالی بمیرد و در هر ساعتی قبض روح شود شهید است، از حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: اگر مؤمن از دنیا برود در حالی که مثل گناه اهل زمین را به دوش داشته باشد، مرگ کفار گناهان او است.

سپس فرمودند: کسی که «لا اله الا الله» را به اخلاص بگوید، از شرک بری و پاک است، و کسی که از دنیا برود در حالی که برای خدا شریک قرار نداده باشد وارد بهشت خواهد شد. سپس این آیه را تلاوت فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ «خداوند شرک را نمی‌آمرزد ولی گناهان کمتر از آن را می‌آمرزد البته نسبت به هر کس که بخواهد» و آن‌ها شیعیان و دوستان شما هستند.

عرض کردم: ای رسول خدا، این فضیلت از آن شیعیان من است؟

فرمود: آری، قسم به پروردگارم تنها مربوط به شیعیان و دوستان شما است. آن‌ها از قبرهای خود خارج می‌شوند در حالی که می‌گویند: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله».

برای آن‌ها جامه‌های سبزرنگ و افسرها و تاج‌هایی از بهشت آورده می‌شود، هر یک از آنان جامه‌ای سبز به تن و تاجی همچون تاج شاهان و افسرکرامت بر سر می‌نهند، سپس بر مرکب‌ها و یا ابرها سوار می‌شوند و به سوی بهشت پرواز می‌کنند و ﴿لَا يَخْرُجُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۱ «وحشت بزرگ آن‌ها را اندوهگین نمی‌سازد و ملائکه به دیدار آن‌ها می‌آیند و می‌گویند: این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود».^۲

۱. سوره انبیاء: آیه ۱۰۳.

۲. بحار الانوار: ج ۶۸، ص ۱۴۰، ح ۸۲.

۲۳ - شیخ طوسی رحمته الله در همین زمینه به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود:

مرگ کفار گناهان مؤمنین است.^۱

﴿وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (۱۳۵)

«اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.»

۲۴ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این

آیه شریفه فرمودند:

﴿وَإِنْ تَلَوْا - الْأَمْر - أَوْ تُعْرَضُوا - عَمَّا أُمِرْتُمْ بِهِ فِي وِلَايَةِ عَلِيٍّ - فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَبِيرًا﴾ اگر «امر» را تحریف، یا از آنچه در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام به آن امر شده‌اید، اعراض نمایید، خداوند به آنچه عمل کنید آگاه است.^۲

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ

يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾ (۱۳۷)

«کسانی که ایمان آوردند سپس کافر شدند، بار دیگر ایمان آوردند سپس کافر گردیدند، و پس از آن به کفر خود افزودند، خداوند آن‌ها را نخواهد آمرزید و آن‌ها را به راه مستقیم هدایت نخواهد کرد.»

۲۵ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این

آیه فرمودند:

۱. امالی طوسی: ص ۱۱۰، ح ۱۶۷؛ امالی مفید: ص ۲۸۳، ح ۸؛ بحار الانوار: ج ۶، ص ۱۵۱، ح ۳ و ج ۸۲، ص ۱۷۸، ح ۲۱.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۴۵؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۷۸، ح ۶۰.

این آیه در شأن فلانی و فلانی و فلانی نازل شده است، ابتدا به پیامبر ﷺ ایمان آوردند، ولی هنگامی که ولایت بر آن‌ها عرضه شد و رسول خدا ﷺ فرمود: «من كنت مولاة فهذا علي مولاة؛ هر که من مولای اویم این علی مولای او است» کافر شدند. پس از آن با بیعت با امیرالمؤمنین علیؑ ایمان آوردند، و چون رسول خدا ﷺ از دنیا رحلت فرمود، با نقض بیعت و انکار آن کافر شدند، سپس با این عمل که دیگران را به بیعت کردن با خود واداشتند، به کفر خود افزودند، پس در وجودشان چیزی از ایمان باقی نماند.^۱

یعنی در وجود بیعت کننده و کسی که با او بیعت شده، ایمانی نماند، و به همین خاطر خداوند سبحان هرگز آن‌ها را نخواهد آمرزید و هرگز آن‌ها را به راه هدایت راهنمایی نخواهد کرد. نفاق آن‌ها در دین عظیم بود، پس خداوند سبحان به پیامبرش فرمود: ﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ «به منافقین بشارت بده که برای آنان عذابی دردناک است» خداوند آن را همیشگی و دائمی بر آنان قرار داد.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا *
إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * يَا أَيُّهَا النَّاسُ
قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا
فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٧﴾ ﴿١٧٨﴾

«کسانی که کافر شدند و ستم کردند، هرگز خداوند آن‌ها را نخواهد آمرزید و به راهی هدایت نخواهد فرمود * جز راه جهنم که در آن برای همیشه خواهند ماند، و این کار برای خدا آسان است * ای مردم، رسول خدا حق را از طرف پروردگارتان آورد، به او ایمان آورید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید، آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداوند است و خداوند دانا و حکیم است.»

۲۶ - کلینی رحمه الله به سند خود از امام باقر علیهما السلام روایت کرده است که فرمود:

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۰ ح ۴۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۷۵، ح ۵۷.

جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ آیه مذکور را این گونه نازل نموده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وظَلَمُوا - آل محمد حَقَّهُمْ - لَمْ يَكُنِ اللهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ ...» «کسانی که کفر ورزیدند و ظلم کردند . در حق آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - خداوند هرگز آن‌ها را نخواهد آمرزید...».

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ - فِي وِلَايَةِ عَلِيٍّ - فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا - بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ - فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» «ای مردم پیامبر از جانب پروردگارتان حق را آورده است - در مورد ولایت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ - پس ایمان آورید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید - به ولایت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ - آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا است.»^۱

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ

نُورًا مُبِينًا﴾ ﴿٧٧﴾

«ای مردم، برای شما دلیل و برهان از طرف پروردگارتان آمده است و نوری آشکار به سوی شما فرستادیم.»

۲۷ - عیاشی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ از عبدالله بن سلیمان نقل کرده است که گفت: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: مقصود از برهان و نور در آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمُ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾ چیست؟ امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مقصود از «برهان» وجود مبارک حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و مقصود از «نور» امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد.

عرض کردم: مقصود از ﴿صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ در ادامه آیه چیست؟ فرمود:

«صراط مستقیم» علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ است.^۲

یعنی او معیار و ملاک و مصداق بارز راه راست و مستقیم است.

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۵۹؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۲۴ ذح ۱۵.

۲. تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۸؛ بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۳۵۷، ح ۴۶.

پس ای برادر رشید به این سوره و به آنچه از آیات جلی که در بردارد و معانی محکم و استواری که در آن فضیلت و برتری اهل بیت علیهم السلام بر غیر ایشان بیان گردیده، دقت کن، بر آن بزرگواران از خداوندی که به آنان برتری بخشیده، درود و رحمت نامتناهی و همیشگی و پیوسته باد که او استوار و با شکوه و عظمت است و او بر هر چیز گواه است.



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ﴾ ①

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهد و پیمان خود وفا کنید».

۲۸ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام جواد علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ده موضع برای خلافت علی علیه السلام از مردم عهد و پیمان گرفت، سپس خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهد و پیمانی که در مورد خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام بسته‌اید وفادار باشید»^۱.

سید بن طاووس در کتاب سعد السعود مثل این حدیث را روایت کرده است.^۲

﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ

الْإِسْلَامَ دِينًا ﴾ ②

«امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت را بر شما تمام نمودم و راضی گردیدم

که اسلام دین شما باشد».

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۶۰؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۹۲، ح ۲۰.

۲. سعد السعود: ص ۱۲۱؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۱۹۰، ح ۱۹۹.

۲۹ - طبرسی رحمته الله از امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمودند:

این آیه شریفه پس از آنکه رسول خدا صلى الله عليه وآله در بازگشت از مکه معظمه در غدیر خم امیر المؤمنین عليه السلام را به عنوان امام و پیشوای خلق و هادی و راهنمای آنان بعد از خودش معرفی نمود، نازل شد و این آخرین فریضه‌ای است که خداوند تبارک و تعالی نازل فرموده است.^۱

مؤلف گوید: خداوند تبارک و تعالی که فرموده است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ﴾ یعنی همه فرائض و حدود و حلال و حرام را به وسیله قرآنی که نازل کردم برای شما کامل نمودم، و بعد از امروز هیچ گونه کم و زیادی در آن صورت نخواهد گرفت، و آن روز غدیر بود.

۳۰ - از طریق عامه موفق بن احمد به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده است که گفت: پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله مردم را به غدیر خم فراخواند و دستور داد تا خارهای زیر آن درخت کهن را کنند و آنجا را جارو کردند (تا منبری در آن محل نصب کنند) آنگاه مردم را به ولایت علی عليه السلام دعوت کرد و دست آن حضرت را گرفت و بالا برد به گونه‌ای که کاملاً او را ببینند (و جای هیچ گونه شبهه‌ای نماند) و فرمود:

من كنت مولاة فعلي مولاة، اللهم والي من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله.

هر که من مولای اویم، پس از من علی عليه السلام مولای او است، خداوندا دوستان او را دوست بدار و با دشمنان او دشمن باش، هر که او را یاری کند، یاریش نما و هر که او را رها کند، خوار گردان.

و پیش از آنکه متفرق شوند این آیه شریفه نازل گردید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

الله اکبر بر کامل شدن دین و تمامی نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت

۱. مجمع البیان: ج ۳، ص ۱۵۹.

علی بن ابی طالب بعد از من^۱.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ ﴿۳۰﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید و به سوی او وسیله‌ای بجویید.

۳۱- طبرسی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه شریفه از حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند:

در بهشت دو مراوارید گران بها است که تا وسط عرش امتداد یافته و مربوط گردیده است، یکی از آن دو سفید و دیگری زرد رنگ است، در هریک از آن دو هفتاد هزار غرفه است. آن سفید رنگ که نامش وسیله است، مخصوص حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت، و آن زرد رنگ از آن ابراهیم و اهل بیت ایشان است.^۲

۳۲- صدوق رحمته الله علیه و غیر او از علمای ما و غیر آنان در معنای «وسیله» که در آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ ذکر شده، احادیث متعددی روایت کرده‌اند، و در خطبه‌ای طولانی که به «وسیله» معروف است و در کتاب روضه کافی نقل شده مطالبی است که کفایت می‌کند.^۳

۳۳- راویان حدیث در معنای «وسیله» همگی حدیثی را از ابوسعید خدری روایت کرده‌اند که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ لِي، فَاسْأَلُوهُ الْوَسِيلَةَ.

وقتی برای من، از خداوند، چیزی می‌خواهید، «وسیله» را درخواست کنید.

و وقتی از معنای «وسیله» از آن حضرت سؤال کردند، فرمود:

۱. مناقب خوارزمی: ص ۸۰؛ مقتل خوارزمی: ج ۱، ص ۴۷؛ فرائد السمطين: ج ۱، ص ۷۲، ح ۳۹؛ غایة المرام:

ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۱؛ احقاق الحق: ج ۶، ص ۳۵۵؛ طرائف: ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۲۲۱.

۲. مجمع البیان: ج ۳، ص ۱۸۹.

۳. امالی صدوق: ص ۴۳۵؛ ضمن ح ۲؛ توحید: ص ۴۷۹، ح ۲۷؛ کافی: ج ۸، ص ۲۴، ضمن ح ۴؛ بحار

الانوار: ج ۲۴، ص ۱۹، ضمن ح ۱۹.

«وسیله» درجه من در بهشت است و آن هزار مرتبه دارد، بین هر مرتبه تا مرتبه دیگر مسافتی است به اندازه‌ای که یک اسب تندرو در طول یک ماه با دویدن طی کند، و هر مرتبه‌ای به نوعی جواهرآلات مزین است.

آن را فردای قیامت که می‌آورند و در کنار درجه پیامبران دیگر نصب می‌کنند همانند ماه نسبت به ستارگان می‌درخشد، هر پیغمبری و صدیقی و شهیدی در آن روز می‌گوید، خوشا به حال کسی که این درجه او است.

ناگهان ندایی از ناحیه پروردگار بلند شود که تمام پیامبران و همه مردمان بشنوند، و آواز دهد که این درجه محمد ﷺ است. پس من وارد شوم در حالی که جامه‌ای از نور پوشیده و تاج پادشاهی و کرامت بر سر نهاده‌ام، و علی بن ابی طالب عليه السلام پیشاپیش من است در حالی که پرچم من که لواء حمد است در دست او است و بر آن نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَفْلُحُونَ هُمُ الْفَائِزُونَ بِاللَّهِ». معبودی جز خداوند یکتا نیست، اهل سعادت و رستگاری کسانی هستند که خدا آن‌ها را پیروز گرداند.

وقتی ما از کنار پیامبران عبور کنیم، می‌گویند: این‌ها دو فرشته بزرگوار و مقربند که آن‌ها را ندیده ایم و نمی‌شناسیم، و وقتی به فرشتگان عبور کنیم می‌گویند این‌ها دو پیامبر مرسل‌اند، تا اینکه به آن درجه که جایگاه من است بالا روم، و علی عليه السلام یک مرتبه پایین‌تر از من قرار بگیرد، هر پیغمبر و صدیق و شهیدی در آن هنگام گوید: خوشا به حال این دو بنده، چقدر نزد خداوند گرامی هستند.

پس ندایی که تمام پیامبران، صدیقین، شهداء و مؤمنین آنرا بشنوند بلند شود که:
هَذَا حَبِيبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهَذَا وَلِيِّي عَلِيٌّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُ
وَكُذِبَ عَلَيْهِ.

یکی از این دو حبیب من محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دیگری ولی من علی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، خوشا به حال کسی که او را دوست دارد، و بدبا به حال آن‌کس که با او دشمنی کند و او را تکذیب نماید.

سپس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ای علی، همه آن‌هایی که تو را دوست داشته‌اند با شنیدن این صدا آرامش

می یابند، صورت های آن ها سفید و دل های شان خشنود می گردد، و تمام کسانی که با تو دشمنی کرده اند یا با تو جنگ کرده اند و یا حقی از حقوق تو را انکار کرده اند با شنیدن این صدا چهره های آن ها سیاه و قدمهایشان به لرزه درمی آید.

در همین هنگام دو فرشته به طرف من می آیند که یکی خزانه دار بهشت به نام «رضوان» و دیگری خزانه دار دوزخ به نام «مالک» است، وقتی نزدیک می شوند ابتدا رضوان جلو می آید و سلام می کند، من بعد از پاسخ گفتن به سلام او می گویم: تو کیستی؟ چقدر خوش بو و نیکو چهره ای؟ می گوید: من «رضوان» خزانه دار بهشت هستم و این ها کلیدهای بهشت است که خداوند برای شما فرستاده است از من بگیرید.

در جواب او می گویم: آن ها را از طرف پروردگارم قبول کردم و او را بر این برتری که به من بخشیده سپاسگزارم، و آن ها را به علی علیه السلام تحویل می دهم.

سپس «رضوان» برمی گردد و مالک جلو می آید و بر من سلام می کند، من بعد از پاسخ او می گویم: ای فرشته چقدر زشت منظری و چقدر دیدن تو ناخوش آیند است، می گوید: من «مالک» خزانه دار دوزخ هستم و این ها کلیدهای جهنم است، خداوند نزد شما فرستاده است آن ها را از من بگیرید.

در جواب او می گویم: آن ها را از جانب پروردگارم پذیرفتم و او را بر این فضیلتی که به من بخشیده سپاس گویم، و آن ها را به علی علیه السلام تحویل می دهم، و مالک برمی گردد.

سپس علی علیه السلام که کلیدهای بهشت و جهنم را در اختیار دارد به راه می افتد تا بر قسمت نهایی جهنم می ایستد در حالی که آتش آن زبانه می کشد و می خروشد و حرارتش شدید است و زمام آن را علی علیه السلام به دست گرفته است. جهنم آن حضرت را مخاطب ساخته می گوید: ای علی، از کنار من عبور کن، به راستی نور تو شعله های مرا به خاموشی کشیده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام به او می فرماید: آرام باش ای جهنم، این را که دشمن من است بگیر، و این دیگری را که از دوستان من است رها کن. در آن روز فرمان برداری جهنم از فرمان علی علیه السلام به مراتب شدیدتر از اطاعت یک غلام نسبت به صاحبش می باشد، اگر

بخواهد او را به طرف راست و اگر بخواهد به طرف چپ می‌کشاند.

وَلْجَهْتُمْ يَوْمَئِذٍ أَشَدَّ مَطَاوَعَةً لِّعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا يَأْمُرُهَا بِهِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ.

و جهت در آن زمان آنچه را علی علیه السلام به او دستور دهد شدیداً اجرا می‌کند، و

فرمانبرداری او از دستورات آن حضرت بیشتر از همه آفریدگان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ

يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا

يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر یک از شما از آیین خود بازگردد، خداوند به زودی

گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند، در برابر

مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آن‌ها در راه خدا جهاد

می‌کنند و از سرزنش سرزنش کنندگان بیمی ندارند، این فضل خدا و لطف او است،

به هر کس بخواهد مرحمت می‌کند، و خدا (لطفش) واسع و گسترده و او دانا است.

تاویل آیه: هر کس از شما مرتدد شود، یعنی از آیین جدیدش که ایمان به خدا است

به آیین قدیم خود که کفر است، بازگردد، (بداند) خداوند سبحان دینش را از اعوان و

انصاری که آن را حمایت و از آن دفاع کنند، خالی قرار نمی‌دهد و اگر مدتی چنین

باشد، ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ به زودی گروهی را می‌آورد که آن‌ها را

دوست می‌دارد و آن‌ها او را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنین مهربان و نرم خو و

نسبت به کافران شدید و سخت و مقاوم هستند، در راه خدا برای بالا بردن کلمه الله و

عزت بخشیدن به دین او جهاد می‌کنند و در این راه از سرزنش ملامت کنندگان

نمی‌هراسند. و چون مردم را بررسی کنیم در میان همه آنان کسی را جز امیر

المؤمنین علیه السلام نمی‌یابیم که دارای همه این صفات باشد.

۳۴ - طبرسی رحمته الله در تفسیرش گفته است:

مقصود از این گروه که در آیه شریفه ذکر شده، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اصحاب آن حضرتند که به همراه ایشان با ناکثین و قاسطین و مارقین جنگیدند.

و گفته است که: این حدیث از عمّار یاسر، حدیفه، ابن عبّاس و نیز از حضرت باقر العلوم و امام صادق علیهما السلام روایت شده است و گفته است:

مؤید این مطلب فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در روز خیبر فرمودند:

لَأُعْطِيَنَّ الرَّايَةَ عَدَاً رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَرَارًا غَيْرَ فَرَارٍ لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ.

فردا پرچم را به کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست می دارند، او حمله کننده است و فرار کننده نیست، باز نمی گردد تا خداوند به دست او فتح و پیروزی را نصیب گرداند.

و نیز این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: ای گروه قریش، یا از آنچه شما را بازداشتم خود را بازدارید و یا خداوند شخصی را بر شما برمی انگیزد که بنا بر تأویل قرآن گردن شما را بزند همان گونه که من شما را بر تنزیل قرآن زدم.

پس بعضی از اصحاب عرض کردند: او چه کسی است ای رسول خدا، آیا ابوبکر است؟! حضرت فرمودند: نه. عرض کردند: آیا عمر است؟! فرمودند: نه. او کسی است که در میان حجره اکنون کفش را وصله می زند، و در آن حال امیر المؤمنین علیه السلام کفش رسول خدا صلی الله علیه و آله را می دوخت.^۱

۳۵ - از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که روز بصره فرمودند:

تا امروز با اهل این آیه، یعنی کسانی که از دین خود بازگشتند، مقاتله و نبرد نشده است.^۲ و آن حضرت و اصحابش گروهی هستند که خدا را دوست دارند و خدا آن ها را دوست می دارد.

۱. مجمع البیان: ج ۳، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۳۲.

۲. مجمع البیان: ج ۳، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۳۳.

علی بن ابراهیم رضی اللہ عنہ در تفسیر خود این گونه گفته است:

مخاطب در آیه شریفه ﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ﴾ اصحاب پیامبرند که بعد از وفات آن حضرت مرتد شدند و حقوق آل محمد رضی اللہ عنہم را غصب نمودند.

و این قسمت از آیه شریفه که می فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ﴾ در مورد قیام کننده از آل محمد رضی اللہ عنہم یعنی حجت بن الحسن رضی اللہ عنہ است.^۱

و دلالت می کند بر این مطلب کلمه «سوف» در جمله ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ﴾ که اشاره به مستقبل و آینده دارد و غیر موجودین در زمان پیامبر قصد شده اند، و او امام قائم منتظر رضی اللہ عنہ است که انتظارش را باید کشید.

بدان بعد از آن که خداوند سبحان به اصحاب پیامبر رضی اللہ عنہم خبر داد که «هر کس از دینش بازگردد و مرتد شود به زودی خداوند گروهی را می آورد»، پس صفاتی برای آن ها توصیف نمود که در مرتدین نیست، و سپس پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم آن ها را معزفی فرمود که آن ها امیر المؤمنین رضی اللہ عنہ و ذریه طاهرین آن حضرتند.

پس خداوند تبارک و تعالی به مرتدین فرمود: اگر ولایت امیر المؤمنین رضی اللہ عنہ را بخواهید یا نخواهید، بپذیرید یا نپذیرید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ
اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ ﴿٥٥﴾ و ﴿٥٦﴾

«سرپرست و صاحب اختیار شما تنها خدا و پیامبر و مؤمنانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند؛ و هر کس ولایت خدا و رسول او و کسانی را که ایمان آورده اند بپذیرد همانا حزب خداوند پیروزند»

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۷۷؛ تفسیر بهان: ج ۲، ص ۴۷۴، ج ۷.

هنگامی که خداوند سبحان اراده نمود که برای خلق خود بیان کند اولیاء چه کسانی هستند، فرمود: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ «ولی شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند».

«ولی» در اینجا به معنای اولی به تصرف است (یعنی کسی که نسبت به شما و امور و جان و مال شما از خود شما سزاوارتر است)، و شاهدش این آیه شریفه است که فرمود: ﴿التَّيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾.

«ولی» نیز کسی است که اطاعت او واجب می‌باشد و کسی که اطاعتش واجب باشد معرفت و شناخت او نیز واجب است زیرا جز کسی که شناخته شده باشد اطاعت نمی‌شود و چون که «ولی» صاحب نعمت است و صاحب نعمت شکرش واجب است و شکر او تمام و کامل نیست مگر بعد از شناخت او.

پس هنگامی که خداوند سبحان اولیاء را بیان کرد ابتدا به خودش نمود سپس در مرتبه دوم به رسولش و در مرتبه بعد به کسانی که ایمان آورده‌اند، و چون خداوند تبارک و تعالی ملاحظه این جهت را کرد که ممکن است امر بر مردم مشتبه شود، «کسانی که ایمان آورده‌اند» را به صفات خاصی توصیف نمود که کسی با او در آن صفات شرکت نداشته باشد، و لذا فرمود: ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.

و روایات عامه و خاصه متفق هستند در این که مقصود از «الَّذِينَ آمَنُوا» امیر المؤمنین علیه السلام است، زیرا غیر از آن حضرت کسی در حال رکوع صدقه مرحمت نکرده است و در این معنا روایات فراوانی ذکر شده که از جمله آن‌ها این روایت است:

۳۶- طبرسی رحمته الله از عبایه بن ربیع روایت کرده است که گفت:

عبد الله بن عباس بر لب چاه زمزم نشسته بود و حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کرد، در همین اثنا شخصی که سر و صورت خود را با عمامه پوشانیده بود از راه رسید. ابن عباس که می‌گفت: «قال رسول الله» او نیز می‌گفت: «قال رسول الله». پس ابن عباس به او گفت: تو را به خدا خودت را معرفی کن،

آن شخص عمامه را از صورت خود کنار زد و گفت: ای مردم، هر کس مرا

می‌شناسد که می‌شناسد، و کسی که مرا نمی‌شناسد بداند من جناب بن جناده بدی، ابوذر غفاری هستم. از رسول خدا ﷺ شنیدم با این دو گوشم و اگر راست نمی‌گویم کرسوند و دیدم با این دو چشمم و اگر چنین نیست کور شوند که فرمود:

عَلِيٌّ قَائِدُ الْبِرَّةِ، قَاتِلُ الْكُفْرِ، مَنْصُورٌ مِنْ نَصْرِهِ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ.

حضرت علیؑ زمامدار خلق و کشنده کفار است، یاری کننده او یاری می‌شود و هر کس او را رها کند خوار می‌گردد.

آگاه باشید، من روزی از روزها با رسول خدا ﷺ نماز ظهر خواندم. سائلی در مسجد درخواست کمک نمود، هیچ کس به او چیزی نداد، سائل دست خود را به سوی آسمان بالا برد و عرض کرد: خدایا شاهد باش در مسجد رسول خدا ﷺ از این مردم کمک خواستم، هیچ کس به من چیزی نداد، در این هنگام امیرالمؤمنین علیؑ در حال رکوع بود، با انگستی که در آن انگشتر بود به سائل اشاره نمود، سائل جلو آمد و انگشتر را از انگشت علیؑ گرفت و این صحنه را رسول خدا ﷺ مشاهده کرد. رسول خدا ﷺ پس از فراغت از نماز سرخود را به سوی آسمان بالا برد و عرض کرد:

خداوندا برادرم موسی از تو درخواست نمود و عرض کرد: «پروردگارا به من شرح صدر مرحمت کن و امرم را آسان گردان، و گره از زبانم بگشا، تا گفتارم را بفهمند، و برای من وزیر از خاندانم قرار ده، برادرم هارون را به وسیله او پشتم را محکم نما و او را در امر من شریک گردان»^۱، و پس از درخواست او این کلام خدا بر او نازل شد: «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَمُلًا سُلْطَانًا...»^۲ «به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم و نیرومند می‌کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم، در نتیجه دشمن به شما دست نمی‌یابد»،

خداوندا و من محمد ﷺ برگزیده و پیامبر تو هستم، خدایا به من شرح صدر یعنی سینه گشاده مرحمت کن و کارم را آسان گردان، و برای من وزیر از خاندانم، - علیؑ

۱. سوره طه، آیه ۲۵ - ۳۲.

۲. سوره قصص، آیه ۳۵.

برادرم - را قرار بده، و به سیله او پشتم را محکم گردان.

ابوذر گفت: به خدا قسم سخنان رسول خدا ﷺ تمام نشده بود که جبرئیل از طرف پروردگار نازل گردید و عرض کرد: ای محمد، بخوان. فرمود: چه بخوانم؟ عرض کرد: بخوان: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱.

۳۷ - و از جمله آن‌ها این روایت است که شیخ صدوق رحمته الله به سند خود از امام باقر رحمته الله روایت کرده است که در مورد آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...﴾ فرمود:

گروهی از یهودیان از جمله عبدالله بن سلام و أسد و ثعلبه و ابن یامین و ابن صوری که اسلام آورده بودند، نزد رسول خدا ﷺ شرفیاب شدند و عرض کردند:

ای پیامبر، حضرت موسی برای خود وصی معین کرد و او یوشع بن نون بود، وصی شما چه کسی است؟ و بعد از شما چه کسی ولی و سرپرست ما است؟

پس این آیه نازل شد: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

رسول خدا ﷺ به آن‌ها فرمود: برخیزید. آن‌ها برخاستند و به همراه آن حضرت به سوی مسجد راه افتادند. همزمان با ورود آن‌ها سائلی از مسجد خارج می‌شد، رسول خدا ﷺ به او فرمودند: آیا کسی به تو چیزی عطا نکرد؟ عرض کرد: این انگشتر را به من عطا کردند. فرمود: چه کسی آن را به تو بخشید؟ عرض کرد: همین شخصی که نماز می‌خواند. فرمودند: در چه حالی بود که آن را به تو بخشید؟ عرض کرد: در حال رکوع. رسول خدا ﷺ تکبیر گفتند و اهل مسجد تکبیر گفتند.

آنگاه رسول خدا ﷺ فرمود: علی بن ابی طالب رحمته الله ولی و سرپرست شما بعد از من است. گفتند: خشنودیم که خدا پروردگار ما، اسلام دین ما، محمد رحمته الله پیامبر ما و علی بن ابی طالب رحمته الله ولی و سرپرست ما باشد.

۱. مجمع البیان: ج ۳، ص ۲۱۰؛ اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۱۱، ح ۴۹۶؛ کشف الغمّه: ج ۱، ص ۱۶۶.

پس از آن، خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛ «کسی که ولایت خدا و رسول و افراد با ایمان را بپذیرد بداند که حزب خدا چیره شونده و پیروز است».

از عمر بن خطاب روایت شده است که گفت:

به خدا قسم چهل انگشتر در حال رکوع صدقه دادم تا آنچه در مورد علی علیه السلام نازل شد برای من هم نازل شود، ولی خبری نشد!!^۱

۳۸ - سید بن طاووس رحمته الله در کتابی که از آن یاد نمودیم نقل کرده است که: محمد بن عباس نزول آیه شریفه و مسأله ولایت را از نود طریق با اسانید متصل که همه از رجال مخالفین اهل بیت علیهم السلام هستند، روایت کرده است، سپس راویان را برشمرده و آن‌ها را نام برده است.

سپس سه حدیث از آن‌ها را نقل کرده: یکی از آن‌ها از ابورافع است که در آن مناقب بسیار ارزشمند و والا است. دومی که سندش به عمر منتهی می‌گردد، و گفته است: از اموال من مالی را به عنوان صدقه خارج نمودم و در حال رکوع بیست و چهار مرتبه از طرف من صدقه دادند به این نیت که درباره من نیز نازل شود، آنچه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد، ولی بی‌ثمر بود و آیه‌ای نازل نشد.

حدیث سوم این مطلب را دربردارد که انگشتری که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را صدقه دادند نقره بود و بر آن نقش شده بود: «الملك لله».^۲

۳۹ - شیخ کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾ فرمود:

﴿وَلِيِّكُمْ﴾ یعنی اولی بکم و أحق بأمورکم و أنفسکم و أموالکم...

«وَلِيِّكُمْ» یعنی کسی که نسبت به شما و کارهای شما و جان و مالتان از خود شما

۱. امالی صدوق: ص ۱۰۷، ج ۴؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۴۲۱، ج ۶؛ غایة المرام: ج ۲، ص ۱۶، ج ۵.

۲. سعد السعود: ص ۹۶؛ بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۲۰۱، ج ۲۴.

سزاوارتر است.

«که آن‌ها خدا و رسول) و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ «مؤمنان»، یعنی علی علیه السلام و فرزندان او ائمه طاهرین علیهم السلام هستند تا روز قیامت.

سپس آن‌ها را خداوند چنین توصیف فرموده است: ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ «کسانی که نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».

و قصه چنین بود که علی علیه السلام نماز ظهر می‌خواند و در رکعت دوم در حال رکوع بود و جامه‌ای به تن داشت که هزار دینار ارزش داشت و آن را نجاشی پادشاه حبشه به عنوان هدیه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده بود، و آن حضرت به علی علیه السلام بخشیده بود. در این هنگام فقیری وارد شد و در مقابل علی علیه السلام قرار گرفت و عرض کرد: «السلام عليك يا ولي الله وأولى بالمؤمنين من أنفسهم؛ درود بر تو ای ولی خدا و ای کسی که از خود مؤمنین به آن‌ها سزاوارتر هستی، به این بینوا چیزی در راه خدا صدقه بده».

علی علیه السلام آن جامه قیمتی را از تن بیرون کرد و بر زمین افکند و به فقیر اشاره کرد که آن را بردارد و همزمان با این عمل آیه ولایت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد.

و این نعمت سرچشمه نعمتی برای فرزندان آن حضرت گردید، و هر کدام از فرزندان آن بزرگوار که به مقام شامخ امامت نائل آمد این نعمت را دارا بود که نماز برپا دارد و در حال رکوع صدقه دهد.

سائلی که از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کمک کرد یکی از فرشتگان بود و کسانی که از فرزندان آن حضرت درخواست می‌کنند آن‌ها نیز فرشتگان می‌باشند.^۱

بدان هنگامی که خداوند سبحان برای مردم بیان کرد که اولیاء چه کسانی هستند، اضافه فرمود که هر کس آنان را دوست بدارد و ولایت آنان را بپذیرد از حزب خدا است، فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ «آن‌ها بر کسانی که

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۳؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۴.

با ایشان در ولایت مخالفند، پیروزند.

و این بیان دلالت می‌کند بر این که مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» یا امیرالمؤمنین و ذریه طاهرین آن حضرتند که در این صورت لفظ جمع یعنی «الذین آمنوا» مطابق است با معنا یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرت، و یا مراد تنها امیرالمؤمنین علیه السلام است که این نیز اشکالی ندارد، چنین استعمالی جایز است و در قرآن فراوان به کار رفته است، مثل این آیه شریفه «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ» و این به جهت تعظیم و احترام است.

و اما بیان اینکه مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرتند در خبر حُله یعنی حدیث پیشین گذشت، زیرا خداوند تبارک و تعالی هنگامی که فرمود: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» همه مؤمنین را مخاطب قرار داد که از جمله آن‌ها نبی مکرم صلی الله علیه و آله است.

و چون فرمود: «وَرَسُولُهُ» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از آن خطاب خارج نمود، و هنگامی که فرمود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا» واجب است که مخاطب به این آیه غیر کسانی باشد که ولایت را دارا هستند و گرنه لازم می‌آید که هر کسی صاحب ولایت باشد و هر کسی ولی خودش باشد و این محال است، پس راه منحصر است به این که بگوییم از «الَّذِينَ آمَنُوا» امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرت قصد شده است، همان کسانی که خداوند با علم و آگاهی آن‌ها را برگزیده و بر همه خلق برتری بخشیده است، درود خداوند بر آنان باد، درودی پیوسته و همیشگی تا روز قیامت.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْمِلُونَ﴾^{۳۶}

«اگر آن‌ها تورات و انجیل و آنچه را به سوی ایشان از طرف پروردگارشان نازل شده به پا دارند از آسمان و زمین روزی خواهند خورد، از آن‌ها گروهی میانه رو و معتدل هستند و بسیاری از آنان رفتار بدی دارند.»

۴۰ - کلینی رحمه الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از ﴿مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ﴾ ولایت است.^۱

معنای این تأویل این است که: ضمیر در «آنها» به بنی اسرائیل باز می‌گردد، زیرا آن‌ها اهل تورات و انجیل هستند که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند، یعنی اگر آن‌ها این دو کتاب را و آنچه در آن است و به سوی ایشان از طرف پروردگارشان نازل شده به پا می‌داشتند و آن را تحریف نمی‌کردند، بدون تردید در آن ذکر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و صفت آن بزرگوار و اینکه او به حق رسول خدا است، و ذکر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و صفت آن حضرت و اینکه ولایت او حق است و خداوند آن را بر خلق واجب فرموده است، مشاهده می‌کردند.

۴۱ - و این مطلب را تأیید می‌کند روایتی که کلینی رحمه الله به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

وَلَا يَسْتُنَّا وَلَا يَتَّبَعُ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا.

ولایت ما ولایت خداوند است که هیچ پیامبری را جز به آن مبعوث نفرموده است.^۲

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۶؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۸۷، ح ۱۱۰؛ تفسیر عتاشی: ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۳؛ وافی: ج ۳، ص ۴۹۴، ح ۵؛ بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۸۱، ح ۳۰.

۴۲ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ رَسُولًا إِلَّا بِبُؤْوَةِ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيَّةِ عَلِيٍّ.

ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در تمام کتب پیامبران نوشته شده و خداوند رسولی را مبعوث نفرموده مگر به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصایت علی بن ابی طالب علیه السلام.

در دنبال آیه شریفه فرموده است: ﴿لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ﴾ از آسمان بهره مند می شدند یعنی باران رحمتش را فراوان بر آن ها نازل می نمود ﴿وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ و از زمین روزی داده می شدند، یعنی خیرات و برکاتش را خارج می نمود.

و نظیر آن، این آیه شریفه است: ﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ و اگر بر طریق هدایت یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام پایداری می نمودند با آب گوارا سیرایشان می نمودیم.

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ ﴿٣٧﴾
 «ای پیامبر، آنچه به سوی تو از طرف پروردگارت نازل شده ابلاغ کن، و اگر ابلاغ نکردی رسالت او و پیام او را ابلاغ ننموده ای، و خداوند تو را از شر مردم حفظ می کند، همانا خداوند کافران را هدایت نمی کند».

خداوند تبارک و تعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان تبلیغ را صادر نمود و بر ترک آن تهدید نمود و به او وعده یاری و حفظ و حراست نمود، و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ﴾ یعنی ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه به سوی تو در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۶؛ وافی: ج ۳، ص ۴۹۵، ح ۴؛ بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۸۰، ح ۲۴.

اطاعت او نازل شده را به صورت آشکار و عمومی بدون هیچ گونه ترس و تقیه ابلاغ کن، و اگر ابلاغ نکنی رسالت او را ابلاغ ننموده‌ای، زیرا این رسالت و این پیام از بزرگ‌ترین رسالت‌ها و پیام‌هایی است که به سبب آن دین کامل و نعمت پروردگار جهانیان تمام و امور مسلمین انتظام پیدا می‌کند.

پس اگر آن را ابلاغ نکنی، غرض اصلی از تبلیغ حاصل نشده و گویا چیزی از رسالت او را تبلیغ ننموده‌ای، زیرا این فریضه آخرین فریضه‌ای است که نازل شده است.

و در این آیه شریفه پنج چیز آمده است: ۱- تعظیم و بزرگداشت با خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾، ۲- امر و دستور با جمله ﴿بَلِّغْ﴾، ۳- حکایت با این قسمت از آیه ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ﴾، ۴- جهت منفی قصه با جمله ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ﴾، ۵- حفظ و حراست با جمله ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾.

و قصه غدیر میان خاصه و عامه مشهور است، ما در اینجا به صورت مختصر آن را نقل می‌کنیم.

۴۳ - احمد بن حنبل به سند خود از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت:

پیامبر اکرم ﷺ مردم را به غدیر خم فراخواند و دستور داد تا خارهای زیر آن درخت کهن را کنند و آنجا را جارو کردند (تا منبری در آن محل نصب کنند) آنگاه مردم را به ولایت علی عليه السلام دعوت کرد و دست آن حضرت را گرفت و بالا برد به گونه‌ای که کاملاً او را ببینند (و جای هیچ گونه شبهه‌ای نماند) و فرمود:

من كنت مولاة فعلي مولاة، اللهم والي من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله.

هر که من مولای اویم، پس از من علی عليه السلام مولای او است، خداوندا دوستان او را دست‌بدار و با دشمنان او دشمن باش، هر که او را یاری کند، یاریش نما و هر که او را رها کند، خوار گردان.

و پیش از آنکه متفرق شوند این آیه شریفه نازل گردید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾.

و رسول خدا ﷺ فرمود: الله اكبر بر کامل شدن دین و تمامی نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب بعد از من.^۱

سید بن طاووس رحمته الله در کتاب طرائف و سعدالسعود و غیر آن دو، روایات متعددی از طریق اهل سنت در این باب نقل کرده است که انسان را به شگفتی وامی دارد و ذکر کرده که محمد بن عباس از سی و یک طریق آن را روایت کرده است.

۴۴ - شیخ صدوق رحمته الله در کتاب امالی حدیث جالبی را روایت کرده که قصه غدیر را به صورت اختصار در بردارد، او به سند خود از عبد الله بن عباس نقل کرده که گفت: هنگامی که رسول خدا ﷺ در آسمان سیر داده شد جبرئیل آن حضرت را به نهری رسانید که به آن «نور» گفته می شود و در این آیه شریفه ﴿وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالتُّورِ﴾ به آن اشاره شده، چون به آن نهر رسیدند، جبرئیل به آن حضرت عرض کرد:

ای محمد، به لطف الهی از آن عبور کن، خداوند دیدگان شما را روشنی و پیش روی شما را امتداد بخشیده است، این نهری است که از آن هیچ کس نه ملائکه مقرب و نه پیامبر مرسل عبور نکرده است، من هر روز یک مرتبه در آن فرو می روم و سپس بیرون می آیم و بال های خود را حرکتی می دهم، هر قطره ای که از بال های من می چکد خداوند از آن ملائکه مقربی می آفریند که صاحب بیست هزار صورت و چهل هزار زبان است، هر زبانی به لغتی سخن می گوید که زبان دیگری آن را نمی فهمد.

پس رسول خدا ﷺ از آن عبور کرد تا به حُجُب رسیدند و آن ها پانصد حجاب است، از حجابی تا حجاب دیگر مسیریانصد سال راه است.

سپس جبرئیل به آن حضرت عرض کرد: شما پیش بروید ای محمد، رسول خدا ﷺ فرمودند: ای جبرئیل، چرا تو با من نمی باشی؟ جبرئیل عرض کرد: من حق ندارم که از این مکان بگذرم.

۱. مناقب خوارزمی: ص ۸۰؛ مقتل خوارزمی: ج ۱، ص ۴۷؛ فرائد السمطین: ج ۱، ص ۷۲، ح ۳۹؛ غایة المرام: ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۱؛ احقاق الحق: ج ۶، ص ۳۵۵؛ طرائف: ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۲۲۱.

رسول خدا ﷺ به راه خود ادامه دادند به مقداری که خداوند خواست تا آنکه صدای پروردگار تبارک و تعالی را شنیدند که فرمود:

من محمود هستم و تو محمد، نام تو را از نام خود مشتق نموده‌ام، پس هر کس با تو مربوط باشد، من با او مربوط هستم و هر کس از تو جدا باشد و تو را رها کرده باشد من از او جدا هستم و او را رها می‌سازم، به نزد بندگانم برو و از کرامت من نسبت به خودت خبر بده، و همانا من پیامبری را مبعوث ننموده‌ام مگر آنکه برایش وزیری قرار داده‌ام، تو پیامبر من هستی و علی ع وزیر تو است.

رسول خدا ﷺ هنگامی که بر زمین فرود آمد کراهت داشت که چیزی از آن مطالب را به مردم بگوید زیرا خیلی از عهد جاهلیت نگذشته بود تا آنکه شش روز گذشت، خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل نمود: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ﴾ «گویا بعضی از آنچه به سوی تو وحی شده ترک کننده هستی و سینه‌ات به خاطر آن تنگ شده است». رسول خدا ﷺ آن را در خاطر نگه داشت تا روز هشتم شد، آن گاه این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾

رسول خدا ﷺ فرمود: این تهدید الهی است، امر پروردگارم را اجرا خواهم نمود، اگر مردم مرا متهم سازند و تکذیب کنند بر من آسان‌تر است از این که خداوند مرا به کیفر دردناک در دنیا و آخرت عقوبت نماید. جبرئیل در آن هنگام به حضرت علی ع به عنوان امیرالمؤمنین سلام کرد، حضرت علی ع عرض کرد: ای رسول خدا، کلام را می‌شنوم اما رؤیت را احساس نمی‌کنم!

رسول خدا ﷺ فرمود: جبرئیل است از طرف پروردگارم آمده تا آنچه به من وعده نموده تصدیق نماید.

سپس رسول خدا ﷺ به یکایک اصحاب خود دستور دادند که بر حضرت علی ع به عنوان امیرالمؤمنین ع سلام کنند.

آنگاه به بلال فرمودند: در میان مردم جار بزن که فردا جز علیل هیچ کس نماند مگر

این که خود را به غدیر خم برساند.

فرمای آن روز رسول خدا ﷺ در میان اصحاب حضور پیدا کرد و برای آن‌ها خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

ای مردم، خداوند تبارک و تعالی مرا به مأموریت و رسالتی به سوی شما فرستاد، من ابتدا از ترس این که مرا متهم سازید و تکذیب نمایید خودداری نمودم، اما خداوند بر من تهدید پس از تهدید نازل نمود، با خود گفتم: تکذیب شما بر من آسان‌تر از عقوبت و کیفر الهی است. خداوند تبارک و تعالی مرا به آسمان بالا برد و در آن جا شنیدم که فرمود: ای محمد، من محمود هستم و تو محمد، نام تو را از نام خودم مشتق نموده‌ام، هر کس با تو مربوط باشد من با او مربوط هستم و هر کس از تو جدا باشد و تو را رها کند من از او جدا هستم و او را رها می‌سازم، به سوی بندگانم فرود آی و از کرامت من نسبت به خودت خبر بده. و همانا من پیامبری را مبعوث ننموده‌ام مگر آنکه برایش وزیری قرار داده‌ام، تو پیامبر من هستی و علی عَلِيٌّ وزیر تو است.

آن‌گاه دست حضرت علی عَلِيٌّ را گرفت و بالا برد به گونه‌ای که زیر بغل آن حضرت را دیدند. سپس فرمود: ای مردم، خداوند تبارک و تعالی مولای من و من مولای مؤمنین هستم، پس هر که من مولای اویم علی عَلِيٌّ مولای او است، خداوند او را دوست بدار و با دشمنانش دشمن باش، یاران او را یاری کن و خواریکنندگان او را خوار گردان.

اهل شک و نفاق که در دل‌های آنان مرض و انحراف بود، گفتند: ما به سوی خدا از گفتاری که حتمی نیست بیزار می‌جوئیم و هرگز راضی نمی‌شویم که حضرت علی عَلِيٌّ وزیر او باشد، و این حرف از آن حضرت از روی تعصب است.

سلمان و مقداد و ابوذر و عمار، رضی الله عنهم، فرمودند: به خدا قسم، ما آن محل را ترک نکرده بودیم که این آیه شریفه نازل شد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

رسول خدا ﷺ آن را سه مرتبه تکرار نمود و سپس فرمود:

همانا کامل کننده دین و تمام کننده نعمت و خشنودی پروردگار به فرستادن من به

سوی شما و اعلام ولایت برای علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از من است.^۱
درو خدا بر آن دو و ذریه پاکشان باد.

﴿وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾^(۷۱)

«و گمان کردند که فتنه‌ای در کار نباشد پس کور و کر گردیدند، سپس خداوند توبه‌ها را پذیرفت و پس از آن دوباره بسیاری از آن‌ها کور و کر شدند (از دیدن و شنیدن حقایق) و خداوند به آن چه عمل می‌کنید کاملاً بینا است.»

۴۵ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این قسمت از آیه ﴿فَعَمُوا وَصَمُوا﴾ «پس کور و کر گردیدند» فرمود:

هنگامی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان آنان بود ﴿ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا﴾ «پس از آن دوباره کور و کر شدند» و آن هنگامی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله دار فانی را وداع فرمود و امیر المؤمنین علیه السلام را بر آنان قائم مقام خویش ساخت، آن‌ها کور و کر گردیدند تا به امروز و تا قیامت.^۲

۴۶ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

﴿وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَنَةً﴾ «پنداشتند که فتنه‌ای در کار نباشد» و آن هنگامی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان آن‌ها بود.

﴿فَعَمُوا وَصَمُوا﴾ «پس کور و کر گردیدند» و آن هنگامی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله دار فانی را وداع گفتند.

﴿ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ «خدا توبه آنان را پذیرفت» و آن هنگامی بود که امیر مؤمنان علیه السلام

۱. امالی صدوق: ص ۴۳۵، ح ۱۰؛ بحار الانوار: ج ۳۷، ص ۱۰۹، ح ۳.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار: ج ۳۷، ص ۳۴۵، ذح ۲.

خلافت را به دست گرفتند.

﴿ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا﴾ «سپس دوباره کور و کر گردیدند»، یعنی پس از آن حضرت تا به

امروز.

توجیه این تأویل: ظاهر کلام این است که قصه مربوط به بنی اسرائیل می باشد، ولی امام علی (ع) معنای آن را متوجه اصحاب پیامبر ﷺ نموده اند زیرا که آن ها همان راه بنی اسرائیل را پیمودند، همان طور که رسول خدا ﷺ خبر داده اند که امت من همان راه بنی اسرائیل را می پیمایند و قدم جای قدم آن ها می نهند.

اینکه فرموده اند: «کور و کر گردیدند هنگامی که رسول خدا ﷺ در میان آنان بودند»، یعنی از نور هدایت آن حضرت بهره نبردند و به بیراهه رفتند مانند کوری که راه را نبیند، و سفارش آن حضرت را در مورد عترتش نشنیده گرفتند مانند کوری که آن را نشنیده باشد.

اینکه فرموده اند: «هنگامی که دار فانی را وداع کردند و علی (ع) را قائم مقام خویش قرار دادند»، یعنی همانا پیامبر اکرم ﷺ آن ها را ابتدا بینایی بخشید و از مقابل دیدگان آن ها پرده ها را کنار زد و آن ها را از کوری رهانید و موعظه را در مورد وصی خود به گوش آن ها رسانید و پرده ها را از گوش آن ها کنار زد تا بشنوند، بعد از همه این زحمات دوباره کور و کر گردیدند و تا قیامت این مرض آن ها ادامه خواهد یافت.

﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخذُوا﴾ ٤٧

«از خدا و رسول اطاعت کنید و بترسید»

٤٧ - کلینی (ع) به سند خود از حسین بن نعیم صحاف روایت کرده است که گفت: از امام صادق (ع) در مورد این آیه شریفه ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخذُوا﴾ سؤال کردم، فرمود:

آگاه باشید، به خدا قسم از پیشینیان شما هلاک نشدند و از شما هلاک نگردیدند و از آیندگان شما هلاک نمی شوند مگر به خاطر ترک ولایت ما و انکار حق ما، و رسول خدا ﷺ دار فانی را وداع نکرد تا حق ما را در گردن این امت نهاد ﴿وَاللّٰهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ «و خداوند هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند»^۱.

معنای این تأویل: سؤال کننده هنگامی که از امام علیؑ سؤال کرد، امام علیؑ به او این پاسخ را داد، و توجیه آن، این است که خداوند سبحان مردم را به اطاعت خود و اطاعت رسول خود در آنچه فرمان می دهد که از آن ها مسأله ولایت است دستور داده و از مخالفت با آن حضرت در ترک ولایت نهی فرموده، پس اگر با او مخالفت کردند و جز ترک ولایت و انکار آن را نپذیرفتند خدا و رسول او این حق، یعنی ولایت را در گردن امت نهاده و بر آن ها واجب فرموده است، بخواهند و یا نخواهند، و همواره بر رسول جز ابلاغ نیست، و رسول خدا آنچه بر عهده داشته در چند جا و محل ابلاغ فرموده که آخرین جا و محل غدیر خم بوده است.

بر آن حضرت و خاندان پاک او بهترین درود و سلام.

﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا

إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ ﴿۱۱۶﴾

«روزی که خداوند و رسولان را گرد می آورد و به آن ها می فرماید: چه پاسخی به شما داده شد؟ می گویند: ما چیزی نمی دانیم، تو خود از همه اسرار غیب و نهان آگاهی»

۴۸ - شیخ کلینی رحمه الله به سند خود از یزید کناسی روایت کرده است که گفت: از

امام صادق علیؑ در مورد این آیه شریفه ﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ...﴾ سؤال کردم فرمودند:

برای این آیه شریفه تأویلی است، خداوند تبارک و تعالی به فرستادگان خود در قیامت می فرماید: مردم در برابر دعوت شما در مورد جانشینانی که معرفی کردید و به جای خود

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۶، ضمن ح ۷۴؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۸۰، ضمن ح ۶۸.

در میان امت نهادید چه پاسخی دادند، آن‌ها می‌گویند: ما نسبت به آنچه انجام دادند بعد از ما علم و آگاهی نداریم.^۱

بدان در این سوره مبارکه آیاتی است که دلالت می‌کند ولایت ائمه طاهرین علیهم‌السلام راه راست و استوار است و این که هر که ترک ولایت کند جایگاه او در دوزخ است و تمسک کننده به آن در بهشت پر نعمت خواهد بود، پس بر آنان از طرف پروردگارشان بهترین درود و سلام باد.



۱. کافی: ج ۸، ص ۲۲۸، ح ۳۳۵؛ تفسیر برهان: ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۲.

سورة الانعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَأَوْحَىٰ إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَن بَلَغَ...﴾ ﴿١﴾

۱ - کلینی علیه السلام به سند خود از مالک جھنی روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مقصود از ﴿مَن بَلَغَ﴾ در آیه شریفه ﴿وَأَوْحَىٰ إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَن بَلَغَ﴾ کیست؟ امام علیه السلام فرمود:

مقصود کسی است که به او ابلاغ شده که امامی از آل محمد علیهم السلام باشد، او مردم را به وسیله قرآن بیم می دهد همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به وسیله آن بیم داد.^۱

﴿وَلَوْ رُدُّوْا لَعَادُوْا لِمَا نُهُوْا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُوْنَ﴾ ﴿٢﴾

«و اگر باز گردانده شوند به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند باز می گردند و آن ها دروغگویند»

۲ - تاویل آن حدیثی است که به حذف سند از جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت شده است که گفت:

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را در خارج از کوفه دیدم و از پی آن حضرت رفتم تا به مقبره یهودیان رسیدم. علی علیه السلام در وسط آن مقبره ایستاد و با صدای بلند فریاد زد: یا یهود، یا یهود، آن ها از درون قبرها به آن حضرت جواب دادند و با عنوان «یا سیدنا»

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۶، ۲۱؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۵۳۶، ح ۱.

لیک گفتند.

امام علیه السلام فرمود: عذاب را چگونه دیدید؟ عرض کردند: تو را مانند (گذشتگانمان که) هارون (را نافرمانی کردند) نافرمانی کردیم و گرفتار عذاب شدیم، ما و هر که تو را نافرمانی کند تا روز قیامت در عذاب خواهد بود.

سپس صیحه و فریادی زدند که آسمان‌ها نزدیک بود فروریزند، من از وحشت آنچه دیدم با صورت به روی زمین افتادم و غش کردم. هنگامی که به هوش آمدم امیرالمؤمنین علیه السلام را بر تختی از یاقوت سرخ دیدم که بر سر مبارکش تاجی از جواهرنهاده و جامه‌ای سبز و زرد رنگ به تن داشت و چهره نورانی اش مانند قرص قمری درخشید، عرض کردم: ای سرور من، این مُلک عظیمی است. فرمود: آری ای جابر، همانا پادشاهی ما عظیم‌تر از پادشاهی سلیمان بن داود و سلطنت ما وسیع‌تر از سلطنت او است. سپس باز گشت و وارد کوفه شدیم و من به دنبال آن حضرت داخل مسجد شدم، چند قدمی که برداشتیم شنیدیم که می‌فرمود: نه به خدا قسم، هرگز انجام نمی‌دهم، نه به خدا قسم، چنین چیزی هرگز نخواهد شد.

عرض کردم: مولای من با چه کسی سخن می‌گفتید؟ و چه کسی را مخاطب قرار داده بودید، من که کسی را ندیدم. امام علیه السلام فرمود:

ای جابر، پرده از عالم برهوت برابم برداشته شد، اولی و دومی را دیدم که در درون تابوت در برهوت عذاب می‌شدند، به من گفتند: ای امیرمؤمنان، ما را به دنیا بازگردان تا به فضل تو اقرار نماییم و به ولایت تو اعتراف کنیم، من گفتم: نه به خدا قسم، این کار را نمی‌کنم، نه به خدا قسم چنین چیزی هرگز نخواهد شد، سپس این آیه را تلاوت فرمود:

﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ «اگر باز گردانده شوند دوباره به آنچه از آن نهی شده‌اند باز می‌گردند و همانا آنان دروغ‌گویند».

ای جابر، کسی نیست که با وصی پیامبری مخالفت کند مگر آنکه خداوند او را کور و

وارونه در عرصه قیامت محشور گرداند.^۱

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَعْمُنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ ﴿۳۸﴾

«آنانکه ایمان آوردند و ایمان خویش را به ظلم نیالودند برای آنان ایمن و آرامش است و ایشان اهل هدایت و راه یافته‌اند.»

۳ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا...﴾ فرمودند:

مقصود کسانی هستند که به آنچه حضرت محمد صلی الله علیه و آله از ولایت امیر المؤمنین علیه السلام آورده، ایمان آورده‌اند و آن را به ولایت فلانی و فلانی آورده نساخته‌اند، که قبولی ولایت آن دو با ولایت امیر المؤمنین علیه السلام، آمیختن (ایمان) به ظلم است.

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ

فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ ﴿۳۹﴾

«او است که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی‌های خشکی و دریا به وسیله آن‌ها راه را بیابید»

۴ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه فرموده است:

مقصود از «ستارگان»، آل محمد علیهم السلام هستند.^۲

زیرا هدایت شدن و راه یافتن جز به وسیله آن‌ها حاصل نمی‌شود، و به خاطر فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمودند:

مِثْلَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَثَلِ النُّجُومِ إِذَا حَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ.^۳

۱. بحار الأنوار: ج ۲۷، ص ۳۰۶، ۱۱، تفسیر برهان: ج ۳، ص ۵۴۴، ح ۵.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۱۸؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۷۶، ح ۱۵.

۳. نهج البلاغه: خطبه ۱۰۰.

مثل آل محمد علیهم السلام مثل ستارگان آسمان است، هرگاه یکی از ستارگان ناپدید شود ستاره دیگری طلوع می‌کند.

هدایت ستارگان آسمان کجا و هدایت آن‌ها کجا؟ هدایت آن‌ها انسان را به بهشت پراز نعمت پروردگار می‌رساند و کسی که از هدایتشان بهره نگیرد و راه آنان را نپوید به جهنم واصل خواهد شد، پس بر محمد و آل محمد از طرف پروردگار کریم کامل‌ترین درود و برترین سلام باد.

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ ^(۱۱۰)

«و کلمه پروردگارت از جهت صدق و عدل به حد کمال رسید، هیچ دگرگون کننده‌ای برای کلمات او نیست و او شنونده دانا است».

۵ - کلینی علیه السلام به سند خود از از حسن بن راشد روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی هرگاه بخواهد امام علیه السلام را بیافریند به فرشته‌ای دستور می‌دهد جرعه‌ای از آب زیر عرش بگیرد و آن را به پدر بزرگوار آن امام بیاشاماند و در نتیجه امام را از آن آب آفریده است. او در شکم مادر چهل روز می‌ماند در حالی که هیچ صدایی را نمی‌شنود، سپس بعد از آن می‌شنود. و چون متولد شود خدا همان فرشته را به سوی او بفرستد تا بین دو چشمان او بنویسد: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

و هنگامی که امام پیشین از دنیا رود، خداوند برای این امام در هر شهری قائمه‌ای از نور بالا برد که به وسیله آن به اعمال خلق نظر کند و به این وسیله خداوند بر خلق خود احتجاج نماید.^۱

۶ - و نیز به سند خود از یونس بن ظبیان روایت کرده است که گفت: از امام

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۲؛ وافی: ج ۳، ص ۶۸۷، ح ۱؛ حلیة الابراز: ج ۳، ص ۲۲۷، ح ۲.

صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

هنگامی که خداوند بخواهد امام را از امام پیشین بیافریند، فرشته‌ای را برانگیزد که مقداری از آب زیر عرش بگیرد و آن را فرود آورد یا به امام دهد که بیاشامد، او در رحم مادر چهل روز می ماند در حالی که کلامی را نمی شنود، سپس بعد از آن هر کلامی را می شنود. و چون به دنیا پا نهد خداوند آن فرشته را به سوی او فرستد و بر بازوی راست او نویسد: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ و چون به این امر یعنی امامت قیام کند، خداوند برای او در هر شهری قائمه‌ای از نور بالا برد تا به وسیله آن به اعمال بندگان بنگرد.^۱

۷ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

إِنَّ اللَّيْلَةَ الَّتِي يُولَدُ فِيهَا الْإِمَامُ لَا يُولَدُ فِيهَا مَوْلُودٌ إِلَّا كَانَ مُؤْمِنًا.

در آن شبی که امام علیه السلام به دنیا می آید هیچ نوزادی متولد نمی شود مگر آنکه مؤمن باشد، و اگر در سرزمین شرک به دنیا آید خداوند تبارک و تعالی او را به برکت امام علیه السلام به سرزمین ایمان منتقل نماید.^۲

﴿أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلَهُ فِي

الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ ﴿۱۳۳﴾

«آیا کسی که مرده بود پس او را زنده گردانیدیم و برای او نوری قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود مانند کسی است که در تاریکی ها فرو رفته و از آن خارج نگردیده است، این چنین برای کافران اعمال زشتی که انجام می دهند زینت داده شده و زیبا جلوه کرده است.»

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۸۷؛ وافی: ج ۳، ص ۶۸۸، ح ۲؛ حلیة الابراز: ج ۳، ص ۲۲۷، ح ۳.

۲. امالی طوسی: ص ۴۱۲، ح ۷۳؛ بحار الأنوار: ج ۲۵، ص ۳۶، ح ۱؛ مدینه المعاجز: ج ۴، ص ۲۴۱، ح ۱۶.

معنای آیه: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا» آیا کسی که مرده بود» این استفهام است و از آن اقرار گرفتن اراده شده است، «میت» در اینجا مقصود کافر است «فَأَحْيَيْنَاهُ» یعنی او را هدایت کردیم و برای او بعد از هدایت نوری را قرار دادیم که به وسیله آن در میان مردم راه رود. نور در اینجا مقصود پیامبر یا امام عليه السلام است. آیا کسی که به او چنین لطفی شده مانند کسی است که در تاریکی های کفر و جهالت به سر می برد، و با این حال از آن خارج نمی شود، بلکه در آن پیوسته مقیم است؟ یعنی آیا این دو نفر هم اکنون مساوی هستند و از نظر عاقبت کار و سرانجام امور یکسانند؟

«كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ» «این چنین جلوه داده شده برای کافران» پیشین و آیندگان «مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» «آنچه عمل می کنند» که گمراهی خود و گمراه کردن دیگران را در پی دارد، و جلوه دهنده برای آنان شیطان لعین است، براو و برآن کافران لعنت خدا و ملائکه و همه آدمیان باد.

تأویل آیه:

۸ - کلینی رحمته الله به سند خود از زبیر روایت کرده است که گفت: از امام باقر عليه السلام شنیدم که در تفسیر آیه مذکور فرمود:

مقصود از مرده در این فرمایش پروردگار «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا» کسی است که چیزی را نمی داند و نمی شناسد.

و مقصود از «نور» در آیه شریفه «نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» امامی است که به او اقتدا می کنند. خداوند می فرماید: آیا چنین کسی که برای او نور، یعنی امام، قرار دادیم تا از او پیروی کند، «كَمَنْ مَقَلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» مانند کسی است که در تاریکی ها به سر می برد یعنی امام را نشناخته است.

و علی بن ابراهیم رحمته الله در تفسیر این آیه گفته است: مقصود از «مرده» کسی است که حق را نشناخته و نسبت به ولایت نادان بوده است.

و مقصود از «نور» ولایت است. یعنی پس از آنکه نسبت به ولایت شناختی نداشت، ما او را به امر ولایت رهنمون گشتیم و او با ولایت آشنا شد.
و مقصود از «کسانی که در تاریکی‌ها فرو رفته‌اند» کسانی هستند که ولایت غیرائمه طاهرين عليهم السلام را پذیرفته‌اند.^۱

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۱۳۲)

«و به راستی که این صراط مستقیم و راه راست من است پس از او پیروی نمائید، و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او دور می‌سازد، این سفارش خداوند به شماست شاید تقوا پیشه کنید».

۹ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده که فرمودند: مقصود از «صراط مستقیم» در این آیه ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ﴾ طریق امامت، یعنی راه امیرالمؤمنین رضی الله عنه و اولاد طاهرين آن حضرت است، از آن پیروی کنید. و مقصود از «سبل» در این قسمت از آیه ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ﴾ راه‌های دیگر است که در حقیقت بیراهه است و باعث دور شدن از مقصد و مقصود است.^۲

۱۰ - علی بن یوسف بن جبیر در کتابش «نهج الایمان» گفته است: صراط مستقیم علی بن ابی طالب رضی الله عنه است به خاطر روایتی که ابراهیم ثقفی در کتابش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که در ذیل این آیه شریفه فرمودند: از خدا درخواست نمودم که آن - یعنی راه مستقیم - را برای علی بن ابی طالب رضی الله عنه قرار دهد، و او پذیرفت.^۳

۱. تفسیر علی بن ابراهیم: ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۲۷؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۷، ح ۲۵.

۳. مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۷۲؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۷، ح ۲۶ و ج ۳۵، ص ۳۶۴، ذح ۴.

﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا﴾ ﴿١٥٨﴾

«آن روز که برخی از آیات پروردگارت آید کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در ایمانش عمل خوبی انجام نداده ایمانش سودی به حال او نخواهد داشت».

۱۱ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه

مذکور فرمودند:

﴿لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ «از پیش ایمان نیاورده» یعنی در عالم ذر که عهد و میثاق

می گرفتند ایمان نیاورده است.

﴿أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا﴾ «یا کار خیری با داشتن ایمان انجام نداده» یعنی اقرار به

پیامبران و جانشینان آنها مخصوصا امیرالمؤمنین علیه السلام ننموده است. در این صورت ایمانش به او سودی نمی بخشد، زیرا از او گرفته می شود و آن را از دست می دهد.^۱

اینکه امام علیه السلام فرموده اند: «فی الميثاق» یعنی «عالم ذر» که از مردم برای ربوبیت پروردگار، نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت و وصایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، عهد و میثاق گرفته شد.

پس کسی که در آن روز ایمان آورده، ایمان او به او سود می بخشد و آنکه در آن روز ایمان نیاورده، ایمان او به او نفعی نمی دهد.

بدان، خداوند تورا برایمان ثابت بدارد، این سوره فضیلت و برتری اهل بیت علیهم السلام را بر همه اهل عالم در بردارد، و در این مطلب جز اهل نفاق مخالفت نمی کنند، که بر آنها به مقدار استحقاقشان لعنت باد و بر اهل بیت اطهار سلام و درود بی پایان از خداوند سبحان باد.

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۸۱، تفسیر برهان: ج ۴، ص ۷۶، ح ۲.

سورة الاعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا

يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

۱ - کلینی رحمته به سند خود از محمد بن منصور روایت کرده است که گفت: از امام علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً...﴾ سؤال کردم، فرمود:

آیا به نظر تو کسی می‌پندارد که خداوند تبارک و تعالی به زنا یا شرب خمر یا چیز دیگری از محرمات امر کند؟ عرض کردم: نه.

فرمود: پس این عمل زشتی که ادعا می‌کنند خدا آنان را به آن امر فرموده چیست؟ عرض کردم: خدا و ولی او دانانترند.

فرمود: این در مورد امامان جور است. ادعا کرده‌اند که خدا آنان را به پیروی کردن از گروهی دستور داده در حالی که خداوند چنین دستوری نداده و آن را رد کرده است و به آنان خبر داده که بر او دروغ بسته‌اند و این کار آنان را فاحشه نامیده است.^۱

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۹؛ بصائر الدرجات: ص ۳۴، ح ۴؛ عیاشی رحمته به سند خود حدیث را از محمد بن منصور و او از «عبد صالح» یعنی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۱۱، ح ۱۴.

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ ﴿٢٣﴾

«بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و نیز روزی‌های پاکیزه را حرام نموده است؟ بگو: آن‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند. اگر چه دیگران با آن‌ها نیز شرکت دارند. و در قیامت، خالص برای آن‌ها خواهد بود.»

۲ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از یونس بن ظبیان یا معلی بن خنیس روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بهره شما از این زمین چیست؟ امام علیه السلام تبسمی نمود و فرمود:

خداوند تبارک و تعالی جبرئیل را برانگیخت و به او دستور داد که با انگشت خود هشت نهر را که در زمین است، بشکافد، به نام‌های: سیحان و جیحان، نهری در بلخ؛ خشوع، نهری در شاش (که شهری در ماوراءالنهر است)؛ مهران، نهری در هند؛ نیل در مصر؛ دجله و فرات.

پس آنچه از آن‌ها آب بیاشامند یا بردارند از آن ما است و آنچه برای ما است نسبت به شیعیان ما نیز مجاز است، و دشمنان ما هیچ نصیبی از آن ندارند و آنچه بردارند غصب است. همانا نسبت به ولی ما امر واسع‌تر از فاصله زمین و آسمان است. سپس این آیه شریفه را تلاوت نمود: «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - الْمَغْضُوبِينَ عَلَيْهَا - خَالِصَةٌ - لَهُمْ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «بگو آن‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند - که از آن‌ها غصب شده است ولی - روز قیامت خالص و بدون این که غصب شود از آن‌ها خواهد بود.»

توضیح: این نهرها باعث آبادانی زمین و زینت‌هایی الهی می‌باشند که خدا برای بندگان خود آفریده است. و روزی‌های پاکیزه نیز در اختیار بندگان مطیع و گنه‌کار قرار گرفته است. بندگان مطیع که شیعیان آل محمد علیهم السلام هستند به حلال از آن‌ها استفاده می‌کنند و بندگان گنه‌کار که دشمنان ایشان هستند به حرام از آن‌ها استفاده می‌کنند.

اینکه فرموده است: ﴿يَا لَلَّذِينَ آمَنُوا﴾ «آن‌ها برای کسانی است که ایمان آورده‌اند»، مقصود ائمه طاهرين عليهم السلام و شیعیان ایشان هستند که در زندگی دنیا به ملک و به استحقاق دارا هستند. و اگر دشمنان ایشان با آن‌ها منازعه کنند و غاصبانه از آن‌ها بگیرند، روز قیامت بدون هیچ گونه نزاع و بدون اینکه کسی غصب کند، خالص برای آن‌ها خواهد بود و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾ ﴿۳۳﴾

«بگو همانا پروردگارم زشتی‌ها را چه آشکار باشد و چه پنهان حرام فرموده است».

۳ - کلینی رحمته الله به سند خود از محمد بن منصور روایت کرده است که گفت: از «عبد صالح» یعنی حضرت موسی بن جعفر عليه السلام در مورد آیه شریفه ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾ سؤال کردم آن حضرت فرمود:

برای قرآن ظاهری و باطنی است، همه آنچه خداوند در قرآن حرام فرموده است ظاهر قرآن است و باطن آن ائمه جور یعنی پیشوایان ستمگرند، و آنچه خداوند در قرآن حلال فرموده ظاهر قرآن است و باطن آن ائمه حق هستند.^۱

و دلالت می‌کند بر این، آنچه در مقدمه کتاب ذکر شد که: خداوند تبارک و تعالی نام‌های ائمه طاهرين عليهم السلام را در قرآن با بهترین نام‌ها و محبوب‌ترین آن‌ها نزد خود به صورت کنایه آورده، و نام‌های دشمنان ایشان را با زشت‌ترین نام‌ها و مبغوض‌ترین آن‌ها نزد خویش به صورت کنایه آورده است، این مطلب را بفهم و دقت کن.

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۱۰؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۲.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾ ﴿٥٠﴾

«کسانی که آیات ما را تکذیب نمودند و در برابر آن تکبر ورزیدند درهای آسمان به روی آنان گشوده نمی‌شود و هرگز داخل بهشت نخواهند شد تا آنکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد، این گونه گنه کاران را جزا می‌دهیم».

۴ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند: این آیه دریا اهل جمل «طلحه و زبیر» نازل شده و شتری که ذکر شده شتر آنان است. بیان مطلب: اهل جمل کسانی هستند که کفر ورزیدند و آیات الهی را تکذیب کردند، که اعظم آیات الهی امیرالمؤمنین رضی الله عنه است. در برابر آن حضرت تکبر نمودند و بر آن حضرت ظلم و ستم روا داشتند، پس هرگز برای آنان یعنی ارواح خبیث و اعمال زشتشان درهای آسمان گشوده نخواهد شد.

۵ - در تفسیر مولا امام عسکری رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله حال کسی که نسبت به زکات بخل نماید و از پرداخت آن خودداری کند را برای اصحاب بیان کردند، آن‌ها عرض کردند: چه حال بدی خواهد داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به شما خبر دهم از کسی که حال او بدتر از آن است؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا.

فرمود: آن شخصی که برای جهاد در راه خدا حاضر و در معرکه کشته شد در حالی که به دشمن پشت نکرد و با آن‌ها جنگید. پس حورالعین به او نظاره می‌کنند، خازنان بهشت ورود روح او را انتظار می‌کشند و فرشتگان زمین منتظر فرود آمدن حورالعین به نزد او هستند اما خبری نمی‌شود. فرشتگان زمین که در اطراف و نزدیک آن مقتول هستند می‌گویند: چه شده، چرا حورالعین فرود نمی‌آیند؟ و چه شده که خازنان بهشت بر او وارد نمی‌شوند؟

پس از بالای آسمان ندایی برخیزد که: ای ملائکه به کناره‌های آسمان نگاه کنید. چون نگاه کنند می‌بینند که توحید این شخص مقتول، ایمان او به رسول خدا صلی الله علیه و آله، نماز،

زکات، صدقه و اعمال خوب او، مانند یک قافله بزرگی که میان شرق و غرب را پر کرده باشد، همه نزدیک ورود به آسمان محبوس هستند و درهای آسمان همه بسته شده است. و فرشتگان حامل این اعمال فریاد برمی آورند: چه شده، چرا درهای آسمان به روی ما گشوده نمی گردد تا با اعمال این شهید وارد شویم؟ پس خداوند تبارک و تعالی دستور گشودن درهای آسمان را صادر می فرماید و درها گشوده می شوند، آنگاه به آن ها گفته می شود: اگر می توانید وارد شوید. آن ها قدرت بالا رفتن و بالا بردن این اعمال را ندارند و عرض می کنند: پروردگارا ما نمی توانیم این اعمال را بالا ببریم.

منادی پروردگار ندا دهد: ای ملائکه شما حامل این ها و بالا برنده این ها نیستید، حامل این ها و بالا برنده این ها مرکب هایی هستند که این ها را تا کنار عرش بالا می برند، سپس در درجات بهشت مستقر می سازند، ملائکه عرض می کنند: پروردگارا آن مرکب ها چیست؟ خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب برادر پیامبرم و ولایت ائمه طاهرين علیهم السلام می باشند، اگر آورده باشد و به همراه داشته باشد این اعمال را بالا می برد تا در بهشت می نهد.

آن ها نظر می کنند و متوجه می شوند که این شخص با همه این اعمال موالات و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام و خاندان پاک او و دشمنی با دشمنان ایشان را ندارد. آنگاه خداوند به آن فرشتگانی که حامل اعمال این شخص بودند می فرماید: آن ها را رها کنید و هر کدام به مراکز خویش بازگردید تا آن که سزاوارتر به حمل این اعمال است بیاید و آن ها را در محلی که شایسته آن ها است قرار دهد. در پی این فرمان، فرشتگان به مراکزی که برای ایشان قرار داده شده ملحق شوند.

سپس منادی پروردگار فریاد برآورد: ای شعله های برافروخته آتش، این ها را بگیرید و به دوزخ فروریزید، زیرا صاحب آن ها وسیله ای برای بالا بردن آن ها قرار نداده است، یعنی فاقد موالات علی بن ابی طالب علیه السلام و خاندان پاک آن حضرت بوده است. پس آن فرشتگان آن ها را بگیرند و خداوند تبارک و تعالی آن ها را دگرگون سازد و به وزر و وبال و بلا بر صاحبش تبدیل نماید چون فاقد موالات امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

آنگاه آن فرشتگان به مخالفت او با علی علیه السلام و موالات او با دشمنان آن حضرت ندا سردهند و خداوند آن‌ها را که به صورت شیران باشند بر آن اعمال مسلط نماید، از دهان آن شیران آتشی بیرون آید که آن‌ها را بسوزاند و عملی باقی نماند جز آنکه تباه گردد و باطل شود و تنها موالات او نسبت به دشمنان حضرت علی علیه السلام و انکار او نسبت به ولایت آن حضرت برای او باقی بماند. پس آن را در وسط جهنم ساکن گرداند و در این هنگام همه اعمالش باطل و زور و وبالش زیاد گردد، و این حالش بدتر است از کسی که زکات را نپرداخته و نماز را حفظ کرده است.^۱

بدان هر کس که اعمالش این گونه باشد در روز معاد برباد خواهد رفت و از کسانی باشد که خداوند سبحان درباره او فرموده است: «وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا»^۲ «و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار در هوا پراکنده و برباد می‌دهیم».

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ ﴿۱۳﴾

«حمد و سپاس خدای را که ما را به این راه رهنمون گردید و اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد و راهنمایی نمی‌فرمود ما راه را نمی‌یافتیم و هدایت نمی‌شدیم».

۶ - کلینی رحمه الله به سند خود از ابوبصیر و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر امامان از فرزندان آن حضرت فراخوانده شده و در جایگاهی که مردم آنان را ببینند آشکار می‌شوند، وقتی شیعیان آنان را ببینند می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» «خدا را سپاس که ما را به این راه یعنی ولایت امیر مؤمنان و

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۸۷، ح ۳۹؛ بحار الأنوار: ج ۲۷، ص ۱۸۹، ذح ۴۶، ج ۹۶، ص ۸، ح ۴.

۲. سوره فرقان، آیه ۲۳.

امامان دیگر از فرزندان آن حضرت راهنمایی و هدایت نمود.^۱

﴿فَأَذِّنْ مُوعِذُنَّ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ ﴿۱۱﴾

«آنگاه ندا دهنده‌ای در میان آنان ندا دهد و بانگ برآورد که نفرین خدا بر ستمگران باد.»

هنگامی که اهل بهشت در بهشت و اهل دوزخ در دوزخ قرار گرفتند در میان آنان ندا دهنده‌ای ندا دهد و او امیرالمؤمنین علیه السلام است بنابراین آنچه ابو علی طبرسی رحمته الله علیه در تفسیرش ذکر کرده است.

۷ - طبرسی رحمته الله علیه در تفسیرش گوید: از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

در این آیه شریفه «مُوعِذُنَّ» آنکه بانگ برآورد» امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۲

۸ - علی بن ابراهیم رحمته الله علیه به سند خود از حضرت ابا الحسن موسی بن جعفر علیه السلام

روایت کرده است که فرمودند:

بانگ برآورنده امیرالمؤمنین علیه السلام است بانگی برآورد و فریادی زند که همه خلایق

بشنوند.

و دلیل بر این مطلب آیه سوم سوره برائت است ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ

الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾ «اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر» یعنی

عید قربان، که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

من آن اعلام کننده در میان مردم بودم، از طرف خدا و رسول خدا در مراسم حج اعلام

کردم که خدا و رسول او از مشرکین بیزارند.^۳

۹ - طبرسی رحمته الله علیه در تفسیرش گوید: حاکم حسکانی به سند خود از

امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۳۳، تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۳۲، ح ۸.

۲. مجمع البیان: ج ۴، ص ۴۲۲.

۳. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۳۵؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۶۳، ح ۱.

من آن ندا دهنده و بانگ برآورنده‌ام.^۱

۱۰ - و نیز از حاکم حسکانی نقل کرده است که او به سند خودش از ابن عباس روایت نموده که گفت:

برای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در کتاب خدا نام‌های مبارکی است که مردم آن‌ها را نمی‌شناسند، عرض کردیم: آن نام‌ها کدامند؟ گفت:

خداوند او را در قرآن «مُؤَذَّن» نامیده است در این آیه شریفه: ﴿فَأَذَّنُ مُؤَذَّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾. مقصود از «مُؤَذَّن»: اعلام کننده» وجود مقدس امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است، او در میان مردم ندا دهد: «ألا لعنة الله على الذين كذبوا بولايته واستخفوا بحقِّي». لعنت خدا بر کسانی باد که ولایت مرا تکذیب کرده و حق و حرمت مرا سبک شمردند.^۲

﴿وَيَبْتَنَّهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمَا﴾ (۱۱)

«در میان آن دو (بهشتیان و دوزخیان) حجابی است و بر اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره شان می‌شناسند».

معنای آیه: اینکه فرموده: ﴿وَيَبْتَنَّهُمَا﴾ یعنی بین اهل بهشت و اهل آتش.

و «حجاب» پوششی است بین آن دو، و آن کنایه از اعراف است و مشابه آن، این آیه شریفه است: ﴿فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾ «دیواری میان آن‌ها زده می‌شود که دری دارد درونش رحمت - یعنی بهشت - است و بیرونش عذاب، یعنی آتش است».

۱۱ - طبرسی رحمته الله علیه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که فرمودند:

اعراف محل مرتفعی است در میان بهشت و دوزخ، بر روی آن هر پیامبر و جانشین

۱. مجمع البیان: ج ۴، ص ۶۵۱، تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۳۴؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۲۶۱.

۲. مجمع البیان: ج ۴، ص ۶۵۱؛ تفسیر فوات: ص ۱۴۱، ح ۱۷۱، شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۲۶۲.

پیامبری با گنه کاران از اهل زمان خود می‌ایستد همان گونه که رئیس لشکر با ناتوانان از لشکرش می‌ایستد، و این در حالی است که نیکوکاران به سوی بهشت پیشی گرفته‌اند، آن پیامبر و یا جانشین او به گنه‌کارانی که به همراهش ایستاده‌اند می‌گوید: به برادران نیکوکار خود بنگرید که به سوی بهشت سبقت گرفته‌اند، پس گنه‌کاران بر آن‌ها سلام کنند و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است ﴿وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾.

سپس خداوند سبحان خبر داده است که: «آن‌ها داخل بهشت نشده ولی طمع دارند» یعنی آن گنه‌کاران داخل بهشت نشده و طمع دارند که خداوند آن‌ها را به شفاعت پیامبر و امام داخل بهشت نماید، و نگاه می‌کنند آن‌ها به اهل دوزخ و می‌گویند: «پروردگارا ما را از گروه ستمگران قرار نده».

۱۲ - و از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

مقصود از مردانی که بر اعراف هستند آل محمد علیهم السلام می‌باشند، داخل بهشت نمی‌شود مگر کسی که آن‌ها را بشناسد و آن‌ها او را بشناسند، و داخل دوزخ نمی‌شود مگر کسی که آن‌ها را انکار کنند و آن‌ها نیز او را انکار کنند و نشناسند.^۱

۱۳ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت در مورد این آیه شریفه ﴿وَيَبْتَغِيهَا جَبَابٌ﴾ سؤال شد، امام علیه السلام فرمودند:

دیواری است در میان بهشت و دوزخ که بر آن پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، حضرت فاطمه و خدیجه علیهم السلام هستند و دوستان و شیعیان خود را فرامی‌خوانند، آن‌ها به سوی ایشان می‌آیند، و آن‌ها را به نام‌هایشان و نام پدران‌شان می‌شناسند و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است ﴿يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ «همه آن‌ها را به چهره-هایشان می‌شناسند»، پس دست آنان را می‌گیرند و از صراط عبورشان می‌دهند و وارد بهشت می‌نمایند.^۲

۱. مجمع البیان: ج ۴، ص ۴۲۳؛ بحار الأنوار: ج ۸، ص ۳۳۱.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۵۵، ح ۱۹.

۱۴ - کلینی علیه السلام به سند خود از مقرر روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: ابن کواء نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و از تفسیر این آیه ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ سؤال کرد، امام علیه السلام فرمودند:

ما «براعراف» هستیم، یاوران خود را به چهره های ایشان می شناسیم، و ما «اعراف» هستیم (یعنی وسیله شناسایی و معیار شناخت می باشیم) که خداوند عزیز و بلند مرتبه شناخته نمی شود مگر از راه شناخت ما. و ما «اعراف» هستیم که خداوند روز قیامت ما را بر صراط معرفی می نماید و وسیله شناخت افراد قرار می دهد، هر کس ما را شناخت و ما او را شناختیم وارد بهشت می شود و کسی که ما را (به عنوان شیعه و محب و پیرو خود) نشناختیم وارد دوزخ خواهد شد.

خداوند اگر بخواهد خود را به بندگانش می شناساند ولی ما را باب معرفت خود و طریق و راهش و جهتی قرار داده که از آن راه و جهت وارد شوند، پس کسی که از ولایت ما عدول کند و منحرف گردد یا غیر ما را بر ما برتری دهد، فَإِنَّهُمْ ﴿عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاجِبُونَ﴾^۱ آن ها «از راه مستقیم منحرفند».^۲

و تأیید می کند آن را اینکه: تقسیم کننده بهشت و دوزخ امیرالمؤمنین علیه السلام است.

﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ * أَهْوَاءَ الَّذِينَ أَفْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾

«اصحاب اعراف مردانی از دوزخیان را که از سیمایشان آن ها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: جمع شما و تکبرهای شما به حالتان سودی نبخشید، آیا این ها نیستند که قسم یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حال آن ها نخواهد شد (هم اکنون به آن ها گفته می شود) داخل بهشت شوید نه بیمی بر شما است و نه دچار حزن و غم می شوید».

۲. کافی: ج ۱، ص ۱۸۴.

۱. سوره مؤمنون، آیه ۲۴.

تاویل آیه: «اصحاب اعراف» یعنی ائمه طاهرين عليهم السلام ، مردانی از اهل آتش که سران ضلالت و گمراهی هستند را صدا زده و به آن‌ها بگویند: ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَنُودُكُمْ﴾ جمع شما از یاران و پیروانتان و آنچه به سبب آن بر ما تکبر می نمودید به شما نفعی نبخشید. سپس در حالی که به شیعیان و دوستان خود اشاره می کنند به آن‌ها می فرمایند: آیا این‌ها هستند که قسم یاد می کردید خداوند هرگز رحمتش را شامل حال آن‌ها نخواهد ساخت اکنون خداوند آن‌ها را مشمول رحمت خویش ساخت و به آن‌ها اجازه وارد شدن در بهشت را مرحمت فرمود.

آنگاه به دوستان و شیعیان خود می فرمایند: به کوری چشم دشمنانتان وارد بهشت شوید، هیچ گونه ترسی بر شما نیست و شما از هر جهت ایمن هستید و هرگز دچار اندوه و غم نخواهید شد.

﴿فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ ﴿۳۱﴾

«پس نعمتها و الطاف الهی را به یاد آورید».

۱۵ - کلینی رحمته الله به سند خود از ابو یوسف بزاز روایت کرده است که گفت: امام صادق عليه السلام این آیه مبارکه را قرائت کرد: ﴿فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ سپس فرمود:

آیا می دانی مقصود از این «نعمت‌ها و الطاف الهی» چیست؟ عرض کردم: نه. فرمود: مقصود بزرگترین نعمت خدا بر خلق می باشد و آن ولایت ما اهل بیت عليهم السلام است.^۱

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ ﴿۳۲﴾

۱۶ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر عليه السلام روایت کرده است که فرمودند: در کتاب علی عليه السلام در ذیل آیه شریفه ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ

۱. بصائر الدرجات، ۸۱، ۳، تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۵۴، ح ۴.

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿﴾ یافتیم که فرموده است:

أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثْنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا...

من و اهل بیت من کسانی هستیم که خداوند آنان را وارث زمین گردانیده، و مقصود از «متقین» در آیه ما هستیم، و تمام زمین ملک ما است.

هر کدام از مسلمانان که زمینی را احیا کند و با کشت و زراعت آباد کند باید مالیات آن را به امامی که از اهل بیت من است بپردازد و آنچه از محصول آن را صرف خوراکش بنماید اشکال ندارد، اگر زمینی را رها کرد یا آن را خراب کرد و شخص دیگری از مسلمانان آن را گرفت و احیا نمود و آباد کرد، او از کسی که زمین را رها کرده، به آن سزاوارتر است و محصول آن را به امامی که از خاندان من است می‌پردازد و به اندازه خوراکش از آن استفاده می‌کند.

تا آنکه آن قیام کننده از اهل بیت من با شمشیر ظاهر شود، در آن زمان زمین را از تصرف آنان بیرون می‌آورد و ایشان را خارج می‌کند، همان طور که رسول خدا ﷺ زمین را از آنان گرفت و مانع از بهره‌برداری آنان شد، مگر آنچه در اختیار شیعیان ما است که آن را در دست ایشان وامی‌گذارد و نسبت به آن مقاطعه می‌کند یعنی نسبتی از محصول را به آنان می‌پردازد.^۱

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۰۷ ح ۱؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۶۶ ح ۱؛ تفسیر عتاشی: ج ۲، ص ۱۵۷ ح ۶۶.

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي
يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ
إِصْرَهُمُ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ
وَاتَّبَعُوا الشُّرَاقَةَ الَّتِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿١٥٧﴾ و ﴿١٥٨﴾

«و رحمت همه چیز را فرا گرفته و آن را برای اهل تقوا و کسانی که زکات بپردازند و
آنانکه به آیات ما ایمان می آورند مقرر خواهم داشت»

۱۷ - کلینی علیه السلام به سند خود از ابو عبیده حداء روایت کرده است که گفت: از امام
باقر علیه السلام درباره استطاعت و قول مردم سؤال کردم، امام علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:
﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾^۱ «آن ها همواره مختلفند *
مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند و برای آن آن ها را آفرید». ای ابو عبیده، مردم در
خطا نکردن گفتار و به واقع رسیدن مختلفند و همه آنان هلاکند.

عرض کردم: پس این فرمایش پروردگار معنایش چیست؟ ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ﴾ «مگر
کسی که پروردگارت به او رحم کند».

فرمود: آن ها شیعیان ما هستند و آنان را برای رحمتش آفریده، و فرموده: ﴿وَلِذَلِكَ
خَلَقَهُمْ﴾ یعنی برای اطاعت از امام.

و رحمتی که می فرماید: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ «رحمت من همه چیز را فراگیر
است»، علم امام است، علم او - که از علم خداوند است - «هر چیزی» که مقصود
شیعیان ما است، را فرا می گیرد.

بعد فرموده است: ﴿فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾ «آن را برای کسانی مقرر خواهم فرمود

۱. سوره هود، آیه ۱۸ و ۱۹.

که پرهیز کنند» یعنی از ولایت غیر امام و اطاعت او پرهیز کنند.
 سپس خداوند فرمود: ﴿يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ «می یابند که نوشته شده در تورات و انجیلی که نزد آن ها است» یعنی نام پیامبر و وصی.
 و امام قائم عَلَيْهِ السَّلَام هنگامی که قیام کند ﴿يَأْمُرُهُمُ بِالْمَعْرُوفِ﴾ آن ها را به آنچه شایسته است دستور دهد و از منکر باز بدارد، و منکر کسی است که فضیلت و برتری امام را انکار کند و نپذیرد.

﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ﴾ «آنچه پاک و نیکو و خوش آیند و پربرکت است برای آن ها حلال می شمارد» مقصود گرفتن علم از اهل آن است.
 ﴿وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ «و آنچه پلید و ناپاک و پست است بر آن ها حرام می فرماید» مقصود گفتار مخالفین است.

﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ﴾ «بار گناه را از دوش آنان بردارد» مقصود گناهانی است که پیش از شناخت فضیلت و برتری امام به آن مبتلا بوده اند.
 ﴿وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ «غل و زنجیری که به گردن داشتند» یعنی گفتاری که می گفتند و به آن امر نشده بودند و منشأ آن عدم شناخت فضیلت امام بود. پس هنگامی که فضیلت و برتری امام را شناختند آن گناهان و آن بارهای سنگین را از دوش آنان برداشت.
 سپس آن ها (شیعیان) را معرفی کرده و فرموده است: ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ﴾ «پس کسانی که ایمان آوردند» به امام. ﴿وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ یعنی «کسانی که از پرستش جبت و طاغوت اجتناب نمایند»، و جبت و طاغوت فلانی و فلانی هستند، و پرستش آن ها اطاعت کردن مردم از دستورات آن ها است.^۱

توجه این تأویل: امام عَلَيْهِ السَّلَام رحمت خدا را به علم امام عَلَيْهِ السَّلَام تفسیر فرموده اند زیرا علم امام است که در قیامت به سوی رحمت خدا هدایت کننده است و همانا رحمت

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۹ ح ۸۳؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۵۳، ح ۷۳.

مجازاً علم نامیده شده از باب نام نهادن چیزی را به اسم عاقبت آن چیز. پس فرموده است: علم او یعنی علم امام فراگیر است که از علم او یعنی خداوند تبارک و تعالی است. و این فرمایش امام: «مقصود از «هر چیزی را» شیعیان ما است» یعنی رحمت پروردگاران گناه شیعیان ما را فرامی‌گیرد. و این فرمایش امام: «بزودی آن را خواهیم نوشت و مقترن خواهیم داشت، یعنی ولایت» چرا که ولایت موجب رحمت خداست. و این فرمایش امام: «برای کسانی که تقوا پیشه کنند، و آن‌ها شیعیان هستند»، زیرا آن‌ها موصوف به صفات مذکوره‌اند.

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ ۗ﴾ (۷۳)

«زمانی که پروردگارت از صلب فرزندان آدم ذریه آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را بر خویشتن گواه ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، گواهی می‌دهیم».

۱۸ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: عهد و میثاقی که از مردم گرفته شد برای ربوبیت خداوند و نبوت رسول خدا و امامت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين علیهم السلام بود، پس خداوند فرمود:

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ، وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَعَلِيٌّ إِمَامُكُمْ وَالْأُمَّةُ الْهَادُونَ أُمَّتُكُمْ؟

آیا من پروردگار شما نیستم و آیا محمد صلی الله علیه و آله پیامبر شما، امیرالمؤمنین و ائمه هدی امامان شما نیستند؟

پس مردم گفتند: آری، چنین است. برخی از آنان به زبان اقرار کردند و برخی به قلب تصدیق نمودند.

۱۹ - ابن شیره از حدیث نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۴۸؛ بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۲۶۸؛ ح ۲؛ اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۷، ح ۷۲۹.

اگر مردم می دانستند چه زمانی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ «امیرالمؤمنین» نامیده شد هرگز فضیلت و برتری او را انکار نمی کردند، او امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نامیده شد در حالی که آدم بین روح و جسد بود.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: «زمانی که پروردگارت از صلب فرزندان آدم ذریه آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را بر خویشتن گواه ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری چنین است و ما گواهی می دهیم». پس خداوند تبارک و تعالی فرمود:

أَنَا رَبِّكُمْ وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّكُمْ، وَعَلِيٌّ أَمِيرِكُمْ.

من پروردگار شما، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر شما و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ امیر و فرمانروای شما است.^۱

۲۰ - کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به سند خود از جابر روایت کرده است که گفت: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: لم سَمِّيَ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ اميرالمؤمنين؟ چرا علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ امیرالمؤمنین نامیده شد؟ امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

خداوند او را این گونه نامید و در کتابش این چنین نازل فرمود: «زمانی که پروردگارت از صلب فرزندان آدم فرزندان آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را بر خویشتن گواه ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟» و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر شما و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ «امیرالمؤمنین» نیست؟ عرض کردند: آری چنین است.^۲

۲۱ - سید بن طاووس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به سند خود از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و آن حضرت از پدرش، از جد بزرگوارش روایت کرده است که فرمودند: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: تو هستی که خداوند در ابتدای آفرینش به تو احتجاج نمود؛ هنگامی که آنان را به پا داشت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ عرض کردند: هستید، فرمود: آیا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسول خدا نیست؟ همگی عرض کردند: چنین است. فرمود: آیا علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ «امیرالمؤمنین» نیست؟ همگی جز عده اندکی از روی تکبر و روی گرداندن از ولایت

۱. بحار الأنوار: ج ۴۰، ص ۷۷، ضمن ح ۱۱۳؛ مدينة المعاجز: ج ۱، ص ۶۸، ح ۱۶.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۱۲، ح ۴؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۴۱۸، ح ۵۳.

گفتند: نه، و آن عده اندک، بسیار اندک بودند و آن‌ها اصحاب یمین هستند.^۱

۲۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه نیز به دو سند (از جابرو از خالد بن یزید)، روایتی شبیه به روایت مرحوم کلینی رضی الله عنه (شماره ۱۹) را از امام باقر رضی الله عنه نقل نموده است، و روایت دوم اندکی اضافه دارد و آن این است که حضرت فرمودند:
به خدا قسم، خداوند او را به نامی نامید که هیچ کس پیش از او به این نام نامیده نشده است.^۲

و از جمله احادیثی که در نامگذاری آن حضرت رضی الله عنه به «امیرالمؤمنین» وارد شده این چند روایت است:

۲۳ - شیخ مفید رضی الله عنه به سند خود از انس روایت کرده است که گفت:

من خادم رسول خدا بودم، شبی که به ام حبیبه دختر ابوسفیان اختصاص داشت آبی برای وضو گرفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردم، به من فرمود:

ای انس، در همین ساعت «امیرمؤمنان» و بهترین اوصیاء بر تو وارد می شود او که در اسلام بر همه مردم پیشی گرفته و از همه آنان علم بیشتری و حلم برتری دارد.

انس می گوید: با خود گفتم: خداوند او را از قوم من قرار بده. پس خیلی نگذشت که علی بن ابی طالب رضی الله عنه از در وارد شد در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وضو می گرفت. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آب به چهره مبارک علی رضی الله عنه ریخت به گونه ای که چشمان آن حضرت از آب پر شد. علی رضی الله عنه عرض کرد:

ای رسول خدا، آیا در مورد من خبری رسیده است؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جز خیر و خوبی درباره تو نرسیده است. تو از من هستی و من از تو، امانت مرا از طرف من ادا می کنی، به آنچه در ذمه من و عهده من است وفا می کنی، مرا غسل می دهی و در میان لحد پنهان می سازی، از من مطالب را به گوش مردم می رسانی... و برای آن‌ها بیان

۱. الیقین: ص ۲۸۲؛ بحار الأنوار: ج ۳۷، ص ۳۱۰، ح ۴۴.

۲. الیقین: ص ۲۸۳؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۵۵؛ اثبات الهداة: ج ۴، ص ۱۶۸، ح ۵۰۵.

می‌کنی بعد از من آنچه آن‌ها در آن اختلاف دارند.^۱

۲۴ - و نیز به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت: پیامبر اکرم ﷺ به ام سلمه فرمود:

گوش کن و شاهد باش، این علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان و سرور همه اوصیاء است.
۲۵ - و نیز به سند خود از معاویه بن ثعلبه روایت کرده است که گفت:
به ابوذر رضی الله عنه گفته شد وصیت کن، گفت: وصیت کرده‌ام.

گفته شد: به چه کسی؟ گفت: به امیرالمؤمنین رضی الله عنه.
گفته شد: مقصودت عثمان است؟ گفت: نه، بلکه به آنکه به حق «امیرالمؤمنین» است، وصیت کردم، که او علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌باشد، او رکن زمین و مایه برپایی آن و ناخدای کشتی این امت است، اگر او را از دست دهید زمین شما و هر که را بر روی آن است انکار می‌کند و زشت می‌شمارد.

۲۶ - و نیز به سند خود از بریده اسلمی روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من امر نمود - و من نفر هفتم از هفت نفر بودم که در میان آنان ابوبکر و عمرو طلحه و زبیر بودند - و فرمود:

به علی رضی الله عنه به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنید.
پس بر آن حضرت به همان شکل سلام کردیم در حالی که رسول خدا در میان ما و در حال حیات بودند.

۲۷ - در تفسیر مجاهد از طریق عامه نقل شده است که گفت:
در هیچ آیه‌ای از قرآن مؤمنان با خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مخاطب قرار نگرفته‌اند، مگر آنکه علی بن ابی طالب رضی الله عنه سابق همه آنان است زیرا او از همه آنان در اسلام پیشی گرفته است، خداوند سبحان در هشتاد و نه موضع او را «امیرالمؤمنین» نامیده و او سرور همه مخاطبین است تا روز قیامت.

۱. ارشاد مفید: ج ۱، ص ۴۷؛ بحار الأنوار: ج ۳۷، ص ۳۳۱، ح ۶۸؛ الصراط المستقیم: ج ۲، ص ۵۲.

۲۸ - حسین بن جبیر رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که از آن حضرت در مورد این آیه شریفه ﴿فَأَسْأَلُ الَّذِينَ يُقْرَوْنَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ﴾ «پیرس از کسانی که پیش از تو کتاب را قرائت می‌کردند» سؤال شد آن‌ها چه کسانی هستند؟ امام رضی الله عنه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

هنگامی که به آسمان چهارم بالا رفتم، جبرئیل اذان و اقامه گفت و پیامبران و صدیقین و شهدا و فرشتگان را جمع کرد، و آن‌ها همه به من اقتدا نموده و با من نماز خواندند. هنگامی که از نماز فارغ شدم جبرئیل به من گفت: از آن‌ها پیرس به چه چیزی شهادت می‌دهند؟ گفتند: شهادت می‌دهیم که معبود شایسته‌ای جز خدا نیست و تو رسول خداوندی و علی رضی الله عنه «امیرالمؤمنین» است.

۲۹ - خوارزمی به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل خود تشریف داشتند که علی بن ابی طالب رضی الله عنه برای آن حضرت صبحانه آوردند و دوست می‌داشت که هیچ کس بر او سبقت نگیرد و زودتر محضر پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب نشود.

پس امیرالمؤمنین رضی الله عنه بر پیامبر وارد شد و ایشان را در صحن حیاط مشاهده کرد که سر مبارکش بر دامن دحیه کلبی است. پس بر دحیه سلام کردند و احوال رسول خدا صلی الله علیه و آله را پرسیدند، دحیه عرض کرد: سلام بر شما، حال پیامبر خوب است ای برادر رسول خدا. امیرالمؤمنین رضی الله عنه فرمود: خداوند به تو از طرف ما اهل بیت جزای خیر مرحمت فرماید.

دحیه عرض کرد: من شما را دوست دارم و مدح و ثنایی برای شما نزد من است که به شما تقدیم می‌نمایم. شما «امیر مؤمنان» و پیشوای روسفیدان و سرور فرزندان آدم جز پیامبران و رسولان هستید. لواء حمد در قیامت به دست شما است. شما و شیعیان شما با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حزب او به سوی بهشت شتابان خواهید رفت، هر کس ولایت شما را پذیرفت، رستگار؛ و هر کس با شما دشمن باشد زیانکار است، و هر کس بغض و کینه شما را داشته باشد هرگز از شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برخوردار نخواهد شد. نزدیک بیا ای برگزیده

خدا و سر مبارک پسر عمّت را به دامن بگیر که توبه آن حضرت سزاوارتر از من هستی.

امیرالمؤمنین علیه السلام سر مبارک پیامبر خدا را در دامن نهاد، در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله سر بلند کرد و فرمود: این همه چیست؟ علی علیه السلام به آن حضرت خبر داد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

علی جان، او دحیه کلبی نبود، جبرئیل بود و تورا به نامی نامید که خدا به آن نام نامیده و او است که محبت تورا در دل‌های اهل ایمان و هیبت و ترس تورا در سینه کافران می‌افکند.

۳۰ - شیخ فقیه محمد بن جعفر رحمته الله مسندا از انس روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند:

علی جان، خوشا به حال هر کس که تورا دوست بدارد و وای به حال کسی که کینه و بغض تورا داشته باشد و تورا تکذیب نماید.

تو پرچم هدایت برای این امت هستی، هر که تورا دوست بدارد پیروز و سعادت‌مند است و هر کس کینه و بغض تورا داشته باشد هلاک است. من شهرم و تو در آن شهر هستی. تو «امیر مؤمنان» و پیشوای روسفیدانی.

ذکر تو و ذکر شیعیان تو، به تمام خوبی‌ها، در تورات شده است پیش از آنکه خلق شوند و به دنیا بیایند و همچنین یاد شده‌اند در انجیل و آنچه خدا به تواز علم کتاب عطا کرده است.

همانا اهل انجیل علی علیه السلام و شیعیان او را بزرگ می‌دارند در حالی که آن‌ها را نمی‌شناسند، تو و شیعیانت در کتب آن‌ها ذکر شده‌اید.

علی جان به اصحاب خود خبر بده که ذکر آنان در آسمان برتر و والاتر از ذکر آنان در زمین است، آن‌ها باید بدان خوشحال باشند و بر کوشش و تلاش خود (در راه تقرب) بیفزایند، همانا شیعیان تو بر راه روشن حق و استقامت‌اند.

۳۱ - ابو نعیم در کتاب حلیة الاولیاء مرفوعا از انس روایت کرده است که گفت:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای من آب وضو آماده کن. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وضو

گرفتند و سپس دو رکعت نماز خواندند، و بعد از آن فرمودند:

ای انس اولین کسی که از این در وارد می شود «امیر مؤمنان» و سرور مسلمانان و پیشوای رؤسایان و خاتم اوصیاء است.

انس می گوید: با خود گفتم: خدایا او را شخصی از انصار قرار بده. در همین اثناء علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کیست که وارد شد؟ عرض کردم: علی علیه السلام است، تا رسول خدا صلی الله علیه و آله نام علی علیه السلام را شنید خوشحال از جا برخاست، با علی علیه السلام معانقه کرد و عرق از چهره او پاک کرد و به چهره خود مالید. علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله، امروز برخوردی با من نمودید که پیش از آن ننموده بودید؟

فرمود: چه چیزی مانع من شود و مرا باز دارد از تجلیل و تکریم تو؟ در حالی که تو هستی که پیام مرا ابلاغ می نمایی و صدای مرا به گوش آنان می رسانی و بعد از من آنچه در آن اختلاف دارند بیان می کنی.^۱

۳۲ - شیخ فقیه محمد بن جعفر رحمته الله علیه مسندا از انس و عبدالله بن عباس روایت کرده است که گفتند:

در محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب بودیم که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدند به رسول خدا سلام عرض کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ آن حضرت فرمود: وعلیک السلام یا «امیرالمؤمنین» ورحمة الله وبرکاته.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: مرا این گونه می خوانید در حالی که شما زنده هستید؟ فرمود: آری، و من در حال حیات هستم.

توای علی دیروز به ما گذر کردی، آن وقتی که من و جبرئیل گفتگو می کردیم و بر ما سلام نکردی، جبرئیل گفت: چه شده «امیرالمؤمنین» بر ما عبور می کند و سلام نمی کند؟

۱. حلیة الاولیاء: ج ۱، ص ۶۳؛ بحار الأنوار: ج ۳۷، ص ۳۰۰، ح ۲۱؛ تفسیر عتاشی: ج ۳، ص ۱۳، ح ۳۸؛ مناقب خوارزمی: ص ۴۲.

به خدا قسم اگر سلام می کرد خوشحال می شدیم و به او پاسخ می دادیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، شما را با دحیه دیدم که صحبت می کردید، نخواستم کلام شما را قطع نمایم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: او دحیه نبود بلکه جبرئیل بود، به او گفتم: چگونه علی علیه السلام را امیرالمؤمنین نامیدی؟

عرض کرد: خداوند تبارک و تعالی در جنگ بدر به من وحی فرمود: نزد محمد صلی الله علیه و آله برو و به او بگو که به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام دستور دهد تا بین دو صف حرکتی کند و دوری بزند، همانا فرشتگان دوست دارند که به او نگاه کنند و او در میان دو صف گشت می زند. پس خداوند او را در آسمان امیرالمؤمنین نامید.

تو ای علی امیر آسمانیان و امیر زمینیان و امیر پیشینیان و امیر آیندگان هستی، هیچ امیری پیش از تو و بعد از تو نبوده و نیست. همانا جایز نیست به این اسم نامیده شود کسی که خدا او را به این اسم نامیده است.^۱

۳۳ - کلینی رحمته الله علیه به سند خود از عمر بن زاهر نقل کرده است که گفت: شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد آیا به امام قائم علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام می توان نمود؟ حضرت فرمودند:

نه، این اسمی است که خدا به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام اختصاص داده است، کسی پیش از او به این نام نامیده نشده و کسی بعد از او به این نام نامیده نمی شود مگر کافر باشد.

می گوید: عرض کردم چگونه به امام قائم علیه السلام سلام گفته می شود؟ فرمود:

می گویند: السلام عليك يا بقية الله. سپس این آیه شریفه را قرائت فرمود: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّكُفْرٍ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.^۲

۱. بحار الانوار: ج ۳۷، ص ۳۰۷، ح ۳۶.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۱۲.

۳۴ - و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

ما اهل بیتی هستیم که خداوند ما را بلند آوازه ساخته است هنگامی که آسمان‌ها و زمین را آفرید به یک منادی دستور داد که فریاد برآورد: «أشهد أن لا اله الا الله» سه مرتبه «أشهد أن محمدا رسول الله» سه مرتبه «أشهد أن عليا امير المؤمنين حقا» سه مرتبه.^۱

۳۵ - کراچکی رحمته الله مسندا از ابن عباس روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمودند:

سوگند به آنکه مرا به حق مبعوث فرمود تا بشارت دهنده و بیم دهنده باشم عرش و کرسی استقرار نیافتند، فلک به حرکت در نیامد آسمان‌ها و زمین برپا نگردید مگر به واسطه اینکه بر آن‌ها نوشته شد: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علي امير المؤمنين».

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی مرا به آسمان بالا برد و مخاطب قرار داد فرمود: ای محمد، من محمود و تو محمد هستی، نام تو را از نام خود باز گرفته‌ام و تو را بر تمام آفریدگانم برتری بخشیده‌ام، علی علیه السلام برادرت را علم و راهنما برای بندگانم منصوب نماتا آن‌ها را به دین من هدایت نماید.

ای محمد صلی الله علیه و آله من علی علیه السلام را «امیرالمؤمنین» قرار دادم. کسی که بر او امارت و فرمانروایی کند را لعنت می‌کنم. کسی که با او مخالفت کند را عذاب می‌نمایم و کسی که از او اطاعت کند را به او تقرب می‌بخشم.

ای محمد صلی الله علیه و آله من علی علیه السلام را امام و پیشوای مسلمانان قرار دادم، کسی که بر او پیشی جوید به عقب وا می‌دارم و کسی را که از او نافرمانی کند خرد می‌سازم. همانا علی علیه السلام سرور اوصیاء، پیشوای روسفیدان و حجت من بر همه خلق من می‌باشد.^۲

تنبیه: امیرالمؤمنین برتر از پیامبران و رسولان است، چون از طریق موافق و مخالف ثابت گردیده است که خداوند سبحان او را امیرالمؤمنین نامیده و بر ذریه آدم در حالی

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۸؛ باب مولد النبي و وفاته صلی الله علیه و آله.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۷، ص ۸، ح ۱۶؛ مائة منقبة: ص ۵۶، منقبة ۲۴؛ مدينة المعاجز: ج ۲، ص ۴۰۱، ح ۶۲۵.

که ذرات بودند فرمانروایی بخشیده و آن‌ها بدان اقرار نموده‌اند، و امیر از کسانی که تحت فرمان او هستند، برتر است. و لام در «المؤمنین» برای استغراق است و همه مؤمنین را شامل می‌شود و از جمله آن‌ها پیامبران و رسولان هستند به خاطر فرمایش پروردگار در سوره صافات که درباره نوح عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ و درباره ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ و درباره موسی و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَام فرموده است: ﴿إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ و درباره الیاس فرموده است: ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾.

این‌ها پنج تن از انبیاء و رسولان هستند، سه تن از آنان اولوالعزم اند «نوح و ابراهیم و موسی» و امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام افضل و برتر از آنان است زیرا او امیر آنان است که مؤمن اند و مرتبه امیر فوق مرتبه کسانی است که تحت فرمان او هستند.

۳۶ - و آن را تأیید می‌کند فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در ضمن حدیثی طولانی در پاسخ امیرالمؤمنین که سؤال کردند:

شما برترید یا جبرئیل؟ فرمود: علی جان، خداوند تبارک و تعالی پیامبران مرسل خود را بر فرشتگان مقرب برتری بخشیده و مرا بر همه پیامبران و رسولان برتری داده است و بعد از من این فضیلت و برتری برای تو و برای امامان بعد از تو است.^۱ و این بعدیت معنوی است یعنی رتبه فضلی که خداوند آن را به من اختصاص داده برای هیچ کس جز تو و ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَام بعد از تو نیست.

و دلیل ما بر اینکه آن حضرت و ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَام افضل و برتر از آن‌ها هستند عباراتی است که در این دعا آمده است:

سبحان من استعبد اهل السماوات والأرضين بولاية محمد وآل محمد وشيعتهم.
پاک و منزّه است کسی که اهل آسمان‌ها و زمین را به ولایت محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام و شیعیان ایشان متعبد ساخته است.

۱. عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام: ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ علل الشرایع: ص ۵، ح ۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۳۳۵.

پاک و منزّه است کسی که بهشت را برای محمد و آل محمد علیهم السلام آفریده است.
پاک و منزّه است کسی که محمد و آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان را وارث بهشت گردانیده است.

پاک و منزّه است کسی که دوزخ را برای دشمنان محمد و آل محمد علیهم السلام آفریده است، پاک و منزّه است کسی که محمد و آل محمد علیهم السلام (و شیعیان ایشان) را مالک آن قرار داده است.

پاک و منزّه است کسی که دنیا و آخرت و آنچه در شب و روز قرار دارد برای محمد و آل محمد علیهم السلام آفریده است.^۱

بدان از اسرار این دعا مطالبی ظاهر می‌گردد:

۱- اینکه متعبّد به ولایت او افضل و برتر است از متعبّد به ولایت غیر او.

۲- اینکه بهشت میراث محمد و آل محمد و شیعیان ایشان است.

پس انبیاء و مرسلین از شیعیان ایشان هستند به دلیل این آیه شریفه که حکایت از ابراهیم می‌کند که گفت: «وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ» «مرا از وارثین بهشت پر نعمت قرار بده»^۲، پس محمد و آل محمد علیهم السلام مقامشان برتر از آنان است.

۳- اینکه دوزخ برای دشمنان ایشان آفریده شده، زیرا ائمه طاهرين علیهم السلام هستند که بهشت را میان دوستان خود و دوزخ را میان دشمنان خویش تقسیم می‌کنند.

و همه این‌ها را این فقره از دعا در برداشته و شامل می‌شود:

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَمَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.^۳

و تمام آنچه گفته شد در تحت این عموم داخل هستند، پس محمد و آل محمد علیهم السلام برتر از همه خلائقند، و خدا را که پروردگار جهانیان است حمد و سپاس که ما را از شیعیان و دوستان و ارادتمندان ایشان قرار داد.

۱. تهذیب الأحكام: ج ۳، ص ۹۸.

۲. سوره شعراء، آیه ۸۵.

۳. تهذیب الاحكام: ج ۳، ص ۹۸.

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (١٨)

«و برای خداوند نام‌های نیکو است، او را به آن نام‌ها بخوانید و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند رها سازید، آن‌ها به زودی جزای اعمالی را که انجام می‌دهند می‌بینند».

۳۷ - کلینی علیه السلام به سند خود از معاویه بن عمار روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

به خدا قسم آن نام‌های نیکوی پروردگار ما هستیم و خداوند هیچ عملی را از بندگانش نمی‌پذیرد مگر آنکه با معرفت و شناخت ما همراه باشد.^۱

و معنای فرمایش امام علیه السلام این است که اسماء آنان از اسماء خداوند تبارک و تعالی مشتق گردیده و برگرفته شده است همان طور که در روایات وارد شده که نام‌های مبارک محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام از اسماء او مشتق گردیده و به بندگانش امر فرموده است که برای اجابت دعایشان او را به آن نام‌های مقدس بخوانند. از معصومین علیهم السلام روایت شده است که فرمودند:

هیچ کس به وسیله آن‌ها از خدا درخواست نمی‌کند مگر آنکه خداوند دعای او را به اجابت می‌رساند.

و این مطلبی روشن است و نیاز به توضیح و بیان ندارد.

و اما این قسمت از آیه که فرموده: ﴿وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ﴾ «رها کنید کسانی را که در اسماء او الحاد می‌کنند» یعنی از آن‌ها منحرف می‌شوند.

پس به ما اسمایی را که دستور داده به وسیله آن‌ها او را بخوانیم، معرفی فرموده و نیز دستور داده کسانی را که از این اسماء انحراف پیدا می‌کنند رها کنیم. و آن‌ها دشمنان

۱. کافی: ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۴؛ وافی: ج ۱، ص ۴۹۱؛ تفسیر عتاشی: ج ۲، ص ۱۷۶؛ بحار الأنوار: ج ۹۴، ص ۵.

ستمگرایشان هستند، و از نظر جزا و کیفر این فرمایش خداوند: ﴿سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ «به زودی جزای اعمالی را که انجام می دهند می بینند» کفایت می کند. و از آنچه این تأویل را که «اسماء حسنی» ائمه طاهرین علیهم السلام هستند تأیید می کند آیه بعد از آن است:

﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ (۱۷۸)

«و از آن ها که آفریدیم گروهی به حق هدایت می کنند و به حق عدالت را اجرا می کنند».

۳۸ - کلینی رحمته الله به سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه مذکور سؤال کردم، فرمودند: مقصود ائمه طاهرین علیهم السلام هستند.^۱

۳۹ - از طریق عامه از ابو نعیم و ابن مردویه نقل شده است که هر کدام به سند خود از زاذان و او از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: این امت به هفتاد و سه فرقه پراکنده می شوند، هفتاد و دو فرقه از آنان در آتش و یک فرقه در بهشت اند و آن ها کسانی هستند که خداوند در حق آنان فرموده است: ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ و آنان، من و شیعیانم هستیم.^۲

و به راستی که آن حضرت و شیعیان آن حضرت فرقه ناجیه هستند، و اگر آن ها نباشند پس چه کسی می باشد؟ و نیکوترین کلام در این زمینه کلام خواجه نصیر طوسی رحمته الله است، از او در مورد فرقه ناجیه سؤال شد، در پاسخ گفت:

«ما در مذاهب گوناگون بحث و بررسی کردیم و از فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرموده است:

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۱۳؛ وافی: ج ۳، ص ۸۸۶، ح ۱۳؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۴۶، ح ۱۷.
۲. کشف الغمّه: ج ۱، ص ۳۲۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۴۶، ح ۱۸ و ج ۳۶، ص ۱۸۶، ح ۱۸۷.

ستفترق أمتي على ثلاث وسبعين فرقة، منها فرقة ناجية والباقي في النار.

امت من به زودی به هفتاد و سه فرقه پراکنده می‌شوند، از میان آنان تنها یک فرقه اهل نجات هستند و بقیه همگی در آتش خواهند بود.

به این نتیجه رسیدیم و دریافتیم که فرقه ناجیه فرقه امامیه‌اند، زیرا با همه مذاهب در اصول عقاید تباین دارند و منحصر به فرد هستند و غیر آنان همه در عقاید مشترکند». پس تنها فرقه امامیه فرقه ناجیه‌اند و چگونه نباشند و حال آنکه فقط آنان هستند که در کشتی نجات منزل گرفته‌اند. به خدا قسم آن‌ها صاحب منصب‌های عالی و مراتب رفیع هستند و آن‌ها فردا در یک زندگی رضایت بخشی به سر می‌برند، در بهشتی عالی، که میوه‌هایش در دسترس است، و به آن‌ها گفته می‌شود: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾ «بخورید و بیاشامید گواریتان باد در برابر اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید».

و درود و سلام بر خورشیدهای درخشان و ماه‌های تابان در تاریکی‌های سخت و وحشت‌زا، حضرت محمد مصطفی و خاندان هدایت‌گرانان درودی پیوسته و پایدار.

سورة انفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ ﴿۱﴾

«ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که خدا و رسول شما را خواندند به آنچه مایه حیات شما است اجابت کنید».

۱ - ابن مردویه به سند خودش مرفوعاً (یعنی با قطع سند) از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:
إلى ولاية علي بن أبي طالب عليه السلام.

وقتی خدا و رسول شما را به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام که مایه حیات و زندگی معنوی است دعوت می کنند، اجابت نمایید.^۱

۲ - ابو جارود از آن حضرت روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ فرمودند:
در باره ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است.^۲

و معنای آن چنین است که: خداوند سبحان اهل ایمان را امر فرموده است که خدا و رسول را در آنچه ایشان را بدان امر می فرماید اجابت کنند و مقصود از «اجابت» اطاعت است یعنی اطاعت کنند. ﴿إِذَا دَعَاكُمْ﴾ یعنی وقتی رسول خدا شما را دعوت

۱. کشف الغمّه: ج ۱، ص ۳۲۱؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۱۲۳، ح ۶۶ و ص ۱۸۶، ح ۱۸۶.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۷۰؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۱۲۳، ح ۶۶.

کند ﴿لَمَّا يُخِيكُمُ﴾ «به آنچه حیات شما به آن بستگی دارد» و آن ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و آن را مجازاً «حیات» نامیده‌اند، نامگذاری چیزی به اسم عاقبت آن که آن بهشت است و آنچه در آن است از حیات دائم و نعمت پایدار. و گفته شده است: مقصود حیات قلب است به ولایت، بعد از موت آن به کفر، زیرا ولایت حقیقت ایمان است، پس به ولایت متمسک باش تا از اهل آن باشی، از آنانکه به حبل الهی و ریسمان ولایت متمسک اند تا لطف و احسان الهی شامل حالت شود و خداوند تو را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و فرزندان پاک آن حضرت محشور فرماید، درود و رحمت خداوند پیوسته بر آنان باد.

﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ ﴿٢٥﴾

«از فتنه‌ای که تنها دامن ستمکاران را نمی‌گیرد بترسید و بپرهیزید و بدانید که خدا دارای کیفری سخت است».

بعد از آن که خداوند سبحان اهل ایمان را امر فرمود دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را اجابت کنند و از او اطاعت نمایند، به آن‌ها - از جهت دور کردن و پرهیز دادن از نافرمانی او در امر علی بن ابی طالب علیه السلام و ولایت او - فرمود: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ «بترسید از فتنه‌ای که تنها به ستمگران شما اصابت نمی‌کند»، و مقصود از فتنه امتحان به ولایت است همان طور که ذکر آن گذشت.

هر کس حرف «لا» در ﴿لَا تُصِيبَنَّ﴾ را نافی‌ه قرار دهد فتنه را عام قرار داده و کسی که آن را زائده قرار دهد فتنه را خاص قرار داده است. بنابراین قول اول فتنه عام است، یعنی ظالم و غیر ظالم را شامل می‌شود و بنابراین قول دوم تنها ظالمین را شامل می‌شود و آن صحیح است زیرا در این صورت مردم از ظلم و مخالفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله باز داشته می‌شوند.

۳ - طبرسی رحمته الله علیه از حسن بصری نقل کرده است که در تأویل این آیه گفته است: فتنه ابتلا و امتحانی است که در آن باطن امرانسان ظاهر می‌گردد. و گفته است: این آیه در شأن علی بن ابی طالب و عمار و طلحه و زبیر نازل شده است.

و از زبیر نقل کرده است که او گفت: ما این آیه را مدتی می‌خواندیم و نمی‌اندیشیدیم که اهل آن کیست، در حالی که ما مقصود بودیم، پس مخالفت کردیم تا آنکه به خصوص گریبان ما را گرفت.^۱

۴ - و نیز از ابوایوب انصاری نقل کرده است که گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عمار فرمودند:

بعد از من به زودی بلایی رخ می‌دهد، شمشیر به روی یکدیگر می‌کشند و برخی از آنان برخی دیگر را می‌کشند و عده‌ای از عده‌ای دیگر بیزاری می‌جویند. وقتی چنین صحنه‌ای را مشاهده کردی بر تو باد به این شخص که طرف راست من نشسته است، یعنی علی بن ابی طالب رضی الله عنه، همواره ملازم او باش. اگر همه مردم را دیدی که از طرفی می‌روند و علی بن ابی طالب از طرف دیگر، تو به همان راهی برو که علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌رود و همه آن مردم را رها کن.

ای عمار، بدان و مطمئن باش که علی بن ابی طالب رضی الله عنه تو را هرگز از راه هدایت باز نمی‌دارد و به انحراف نمی‌کشاند. ای عمار، اطاعت علی بن ابی طالب رضی الله عنه اطاعت من و اطاعت من اطاعت پروردگار است.

سید ابوطالب هروی به سند خود از علقمه و اسود نقل کرده که گفتند: نزد ابوایوب انصاری رفتیم و او به ما این خبر را داد.^۲

۵ - و نیز از حاکم حسکانی و او به سند خود از ابن عباس نقل کرده است که

۱. مجمع البیان: ج ۴، ص ۵۳۴.

۲. مجمع البیان: ج ۴، ص ۵۳۴.

گفت: هنگامی که این آیه شریفه ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ نازل شد، رسول خدا ﷺ فرمودند:

هر کس به علی ع در مورد جایگاه من بعد از وفات من ظلم کند مانند آن است که نبوت من و نبوت پیامبران پیش از من را انکار کرده است.^۱

۶ - صاحب کتاب «نهج الایمان» گفته است: ابو عبدالله محمد بن علی بن سراج حدیثی را در تأویل این آیه مرفوعاً (یعنی با قطع سند) از ابن مسعود روایت کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای پسر مسعود، آیه‌ای در شأن علی بن ابی طالب ع نازل شده است ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ و من آن را نزد تو به ودیعه می‌گذارم و تنها برای تو آن ظالمان را نام می‌برم، آنچه می‌گویم حفظ کن و آن را از طرف من ابلاغ نما: کسی که در مورد جایگاه من ظلم کند (یعنی غیر علی ع را در جایگاه من قرار دهد) مانند کسی است که نبوت مرا و نبوت پیشینیان مرا انکار کرده است.

راوی به او گفت: ای ابا عبدالرحمان، آیا این حدیث را از رسول خدا ﷺ شنیدی؟ گفت: آری. به او گفت: پس چرا طرفدار ظالمین شدی و وزیر پرچم آن‌ها رفتی؟! گفت: به ناچار عقوبت و کیفر عملم گریبان مرا گرفت، من از امام خود کسب اجازه نکردم آن گونه که ابوذر و عمار و سلمان کسب اجازه نمودند و من از درگاه ربوبی طلب مغفرت می‌نمایم و به سوی او باز می‌گردم.^۲

۱. مجمع البیان: ج ۴، ص ۵۳۴؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۲۶۹؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۲۹۸، ح ۵؛ الطرائف: ج ۱، ص ۵۱، ح ۲۴؛ بحار الأنوار: ج ۳۸، ص ۱۵۵، ح ۱۳۱؛ احقاق الحق: ج ۱۴، ص ۳۹۹.
۲. بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۱۲۳، ح ۶۶؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۲۹۹، ح ۶؛ طرائف: ج ۱، ص ۵۱، ح ۲۵.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لَّهٗ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ﴾ ﴿۱۱﴾

«بدانید هر گونه غنیمت و بهره‌ای که بدست آورید یک پنجم آن از آن خدا و رسول و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است».

۷ - کلینی رحمته الله به سند خود از ابو حمزه روایت کرده است که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: بعضی از هم مذهبمان ما به مخالفین افترا می‌بندند و به آن‌ها نسبت حرامزادگی دهند، امام علیه السلام فرمودند: خودداری کردن نیکوتر است.

سپس فرمود: ای ابا حمزه، به خدا قسم، مردم همگی جز شیعیان ما اولاد حرام هستند. عرض کردم: چگونه می‌توانم برای آن دلیلی اقامه کنم؟

امام علیه السلام فرمودند: ای ابو حمزه، کتابی که خداوند تبارک و تعالی نازل فرموده بر آن دلالت می‌کند. همانا خداوند تبارک و تعالی برای ما اهل بیت سه سهم در همه عنائتم قرار داده است، سپس فرموده است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لَّهٗ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ﴾ پس ما صاحبان خمس و غنیمت هستیم و ما آن را بر تمام مردم جز شیعیانمان حرام کرده‌ایم.

به خدا قسم ای ابو حمزه، هیچ سرزمینی فتح نشود و هیچ خمسی محمّس نشود که بر آن مالیات ببندند مگر آنکه هر کس از آن بگیرد حرام باشد چه زن باشد و چه مال، و اگر حق پیروز گردد و دولت حق ظاهر شود، امام علیه السلام یا کسی که مأذون است از طرف امام از اصحاب خمس و عنائتم مردی را که در نظر خودش عزیز و محترم است در معرض فروش قرار دهند یا به مزایده گذارند در میان کسانی که چیزی به بهای او نیفزایند به خاطر پستی و حقارتش در نظر آنان، تا آنجا که یکی از آنان (یعنی مخالفین) حاضر است همه اموال خود را بدهد تا راه نجاتی برای خود بیابد ولی هرگز به این مقصود نرسد، و این‌ها بودند که ما و شیعیان ما را بدون هیچ عذر و دلیل و برهانی و به ناحق از حقمان محروم نمودند.^۱

۱. کافی: ج ۸، ص ۲۸۵، ج ۴۳۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۱۱، ج ۱۷؛ والوسائل: ج ۱۱، ص ۳۳۱، ج ۳.

﴿وَأَنْ جَنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ ﴿٦١﴾

«اگر به صلح و سازش گرائیدند تو هم بدان گرایش نشان بده و بر خدا توکل کن که او شنوا و دانا است».

معنای آیه: ﴿إِنْ جَنَحُوا﴾ یعنی اگر میل کردند و تمایل نشان دادند، ﴿سَلِمَ﴾ ضد جنگ و به معنای مسالمت است و در اینجا کنایه از ولایت است، زیرا هر که آن را دارا بود و آن را پذیرفت سالم است و اهل مسالمت می باشد و کسی که آن را قبول نکرد و پذیرفت محارب است یعنی اهل مخالفت و ناسازگاری است. و نیز در این آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾ «ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در «سلم» وارد شوید» «سلم» به معنای ولایت به کار رفته، و ولایت «سلم» نامیده شده است.

۸ - و تأیید آنچه گفته شد روایتی است که کلینی رحمته الله به سند خود از حلبی نقل کرده است که گفت: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مقصود از «سلم» در آیه شریفه ﴿وَأَنْ جَنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا﴾ چیست؟ حضرت فرمودند: مقصود وارد شدن در امر ما یعنی پذیرفتن ولایت ما است.^۱

﴿هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿٦٢﴾

«خداوند است که تو را به یاری خود و به وسیله مؤمنین تأیید فرمود».

۹ - ابو نعیم به سند خود از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کرده است که فرمود: بر (ساق) عرش نوشته شده است:

لا اله الا الله وحده لا شريك له، محمد عبدي ورسولي، أيده بعلي بن ابي طالب.
معبود شایسته ای جز خدا نیست، او یکتا است و شریک ندارد، محمد صلى الله عليه وآله بنده و فرستاده من است، او را به وسیله علی بن ابی طالب عليه السلام تأیید نمودم.^۲

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۶؛ وافی: ج ۳، ص ۸۸۶، ح ۱۵؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۶۲، ح ۱۲.

۲. تفسیر در المنثور: ج ۴، ص ۶۱؛ غایة المرام: ج ۴، ص ۳۰۳، ح ۱۲؛ امالی صدوق: ص ۲۸۴، ح ۳.

۱۰ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از ابی الحمراء خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

هنگامی که به آسمان سیر داده شدم دیدم که بر ساق عرش نوشته شده:

لا اله الا الله، محمد رسولی و صفی من خلقتی، ائیده بعلی و نصرته به.

معبود شایسته ای جز خداوند نیست، محمد صلی الله علیه و آله فرستاده من و برگزیده من از میان خلق من است، او را به علی علیه السلام تأیید کردم و به وسیله او یاری نمودم.^۱

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ت۱

«ای پیامبر، خدا تو را بس است و مؤمنانی که از تو پیروی کردند».

۱۱ - ابونعیم به سند خود از ابوهریره روایت کرده است که گفت:

این آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است و از «مؤمنین» در آیه مذکور آن حضرت قصد شده است.^۲

بیان مطلب: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را به جنگ با دشمن امر فرمود، بر او و هریک از اصحاب او واجب نمود که با ده نفر بجنگند، فرمود: ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ﴾ «اگر از شما بیست نفر پایدار و مقاوم باشند بر دویست نفر پیروز می شوند»، از آن طرف خداوند سبحان عجز و ناتوانی آنان را از انجام آن می دانست، از جهت اعلام این مطلب ابتدا به آن حضرت فرمود: ﴿حَسْبُكَ اللَّهُ﴾ «خدا تو را بس است»، ﴿هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ﴾ او است که تو را به یاری خود و به وسیله مؤمنان - که مقصود امیرالمؤمنین است - تأیید فرمود.

و در اینجا فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ «ای پیامبر، خدا تو را بس است و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند - که مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. مصباح الأنوار؛ ص ۸۸؛ بحار الأنوار؛ ج ۳۶، ص ۵۳، ۵۴؛ مدینه المعاجز؛ ج ۲، ص ۳۹۳، ح ۶۲۱.

۲. بحار الأنوار؛ ج ۳۶، ص ۵۲، ۵۳؛ غایة المرام؛ ج ۴، ص ۳۰۴، ح ۶؛ مناقب ابن شهر آشوب؛ ج ۳، ص ۱۴۳.

است - تو را کفایت می‌کنند». یعنی بر آنچه از توفوت شد از یاری اصحابت غمگین مباش، خداوند تو را کفایت می‌کند و به وسیله امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ تو را یاری و تأیید می‌فرماید، زیرا خداوند تبارک و تعالی فتح و پیروزی را در همه عرصه‌ها تنها به دست مبارک شاه ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار داده است.

و این فضیلتی است که هیچ کس غیر آن حضرت، آن را دارا نمی‌باشد، چون خداوند است که کفایت کننده جنگ برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حمایت کننده، یار و مؤید او است، و تنها برای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ این جایگاه را نسبت به پیامبرش قرار داده است. و این دو آیه فضائل فراوانی را در بردارد که به خاطر واضح بودن احتیاج به بیان ندارد، درود و رحمت بی پایان الهی بر پیامبر او و بر آن حضرت و ذریه پاک آن دو بزرگوار تا خورشید طلوع و غروب می‌کند.



سُورَةُ التَّوْبَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ...﴾ ﴿۵﴾

«اعلامی است از طرف خدا و رسول او بر مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش از مشرکان بپازرند».

معنای آیه: «الأذان» در لغت به معنای اعلام است و در اینجا نامی از نام‌های مبارک مولای موحدین امیرالمؤمنین علیه السلام است و بیان آن خواهد آمد، و مجازا به آن نامیده شده نامگذاری فاعل به اسم مفعول، زیرا او است که سوره برائت را ابلاغ نموده و او اعلام کننده به برائت بوده، و آن را انجام داده و به خاطر آن به «أذان» نامیده شده است.

۱ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از حضرت علی بن الحسین علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ روایت کرده است که فرمودند: ﴿أَذَانٌ﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام است، او فریادی بود که از طرف خدا و رسول او در روز حج اکبر بر مشرکین نواخته شد.

۲ - و در حدیث دیگر: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

من آن فریاد بودم در میان مردم.

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۱۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۲۹۲، ح ۷؛ تفسیر عتاشی: ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۱۴؛ معانی الأخبار، ص ۲۹۷، ح ۱؛ غایة المرام: ج ۴، ص ۸۰، ح ۳ و ج ۵، ص ۵۰، ح ۱۱.

۳ - ديلمی رضی الله عنه به سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا برای امیرالمؤمنین علیه السلام نام هایی است که جز اهل علم و دانش نمی دانند و از آن ها «أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» است او «أَذَانٌ» است.^۱

۴ - و نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» فرمودند:

«الأذان» اسمی است از آسمان که خداوند تعالی به حضرت علی علیه السلام مرحمت فرمود، زیرا او سوره براءت را از طرف خدا و رسول به مردم مگه رسانید و ابلاغ نمود.

پیش از آن حضرت، ابوبکر برای انجام این کار روانه گردیده بود، جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند تبارک و تعالی به شما می فرماید: این سوره را ابلاغ نمی نماید مگر خودت یا شخصی از خودت که او علی بن ابی طالب علیه السلام است. با رسیدن این پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را فرستاد و ایشان آن برگه را از ابوبکر گرفتند و با آن به سوی اهل مگه رفتند، خداوند تبارک و تعالی آن حضرت را «أَذَانًا مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» نامید.^۲

و برای شما پر واضح است که در این کنار زدن ابوبکر و واگذاری امر به امیرالمؤمنین علیه السلام فضیلتی است آشکار، که باعث امتیاز آن حضرت بر همه خلق است، و حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان می باشد.

سید بن طاووس رضی الله عنه نقل کرده است که محمد بن عباس این روایت را با سند و معنعنا از صد و بیست طریق روایت کرده است.^۳

۱. تفسیر فرات: ص ۱۶۰، ج ۲۰۲؛ بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۲۹۹؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۳۰۳، ج ۳۰۷.

۲. شیخ صدوق رضی الله عنه مشابه این حدیث را در کتاب امالی: ص ۲۹۸، ج ۲ روایت کرده است، علامه مجلسی رضی الله عنه آن را در بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۲۹۲، ج ۸ نقل کرده است.

۳. سعد السعود: ص ۷۲.

﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ
الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾ ﴿۱۲﴾

«اگر پس از عهد و پیمان خود، آن را شکستند، و آئین شما را مورد طعن و بدگویی خویش قرار دادند، با پیشوایان کفر پیکار کنید چرا که آن‌ها پیمانی ندارند، شاید خودداری کنند.»

۵ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه گفته است: از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

با این فرقه پیمان شکن جنگ نکردم مگر به سبب آیه‌ای از کتاب خدا، که فرموده است: ﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾^۱.

۶ - شیخ طبرسی رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه گفته است: امیرالمؤمنین علیه السلام در روز بصره (جنگ جمل) این آیه را قرائت نمود و سپس فرمود:

به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله با من عهد کرد و به من فرمود: تو ای علی، با گروه پیمان شکنان، و گروه ستمگران و گروه خروج کنندگان از دین (ناکثین، قاسطین، مارقین) خواهی جنگید، برای آن‌ها عهد و پیمانی نیست.^۲

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۸۲؛ تفسیر نورالثقلین: ج ۳، ص ۸۴، ۵۸.

۲. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۱.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (۱۱)

«آیا پنداشته‌اید که رها می‌شوید و خداوند کسانی را که از شما جهاد کرده‌اند و غیر از خدا و پیامبرش و مؤمنان را تکیه‌گاه نگرفته‌اند نمی‌شناسد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

معنای آیه: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ﴾ «آیا گمان کرده‌اید» که بدون جهاد رها می‌شوید، و اینکه خداوند جهاد کنندگان از شما و غیر جهاد کنندگان را نمی‌شناسد و نمی‌داند چه کسانی غیر خدا و رسول او و مؤمنان را تکیه‌گاه خود می‌گیرند. و مقصود از «ولیه» کسانی هستند که مردم آن‌ها را سرپرست خویش می‌گیرند و تکیه‌گاه و محرم اسرار خود قرار می‌دهند، و خطاب متوجه منافقین است.

۷ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً﴾ فرمودند: مقصود از مؤمنین در این آیه شریفه ائمه طاهرين عليهم السلام هستند، غیر آن‌ها را تکیه‌گاه و محرم اسرار نگرفتند.^۱

﴿أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (۱۱)

«آیا سیراب کردن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را مانند کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است، این‌ها هرگز نزد خدا یکسان نیستند».

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۵؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۴۴، ح ۱؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، ص ۴۲۱.

۸ - طبرسی رحمته الله در سبب نزول این آیه شریفه گفته است:

گفته شده: این آیه در مورد علی بن ابی طالب رضی الله عنه و عباس بن عبدالمطلب و طلحه بن شیبه نازل شده، آن‌ها به کار خود مباحات می‌کردند، طلحه می‌گفت: من اختیار دار بیت هستم و کلید آن در دست من است و اگر بخواهم در آن بیتوته می‌کنم، عباس می‌گفت: من دارای منصب سقایت هستم و حاجیان را از چشمه زمزم سیراب می‌سازم، امیرالمؤمنین رضی الله عنه فرمود: شما چه می‌گوئید نمی‌دانم، من شش ماه پیش از مردم به سوی قبله نماز گزارده و من صاحب جهادم.

این مطلب از حسن و شعبی و محمد بن کعب روایت شده است.^۱

۹ - حاکم حسکانی به سند خود از بریده روایت کرده است که گفت:

در هنگامی که شیبه و عباس به یکدیگر فخر فروشی می‌کردند، علی بن ابی طالب رضی الله عنه بر آن‌ها گذشت و فرمود: به چه چیزی بر یکدیگر مباحات می‌کنید؟ عباس گفت: فضیلتی به من داده شده که به هیچ کس داده نشده و آن منصب سقایت حاجیان است، شیبه گفت: به من آباد کردن مسجد الحرام عطا شده است.

امیرالمؤمنین رضی الله عنه فرمود: من از شما دو نفر (پیرمرد) حیا می‌کنم، به من با کمی سن چیزی عطا شده که به شما عطا نشده است. عرض کردند: چه چیزی به شما عطا شده؟ فرمود: برق شمشیر من شما را واداشت که ایمان به خدا و رسول آورید.

عباس خشمگین از جا برخاست و در حالی که دامن بر زمین می‌کشید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: دیدید علی رضی الله عنه با من چگونه برخورد نمود؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: علی رضی الله عنه را به نزد من فراخوانید.

علی رضی الله عنه نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضور یافت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: چه چیز تو را وادار نمود که این گونه با عمویت برخورد کنی؟ عرض کرد: ای رسول خدا حق گفتم و به حق پاسخ او را دادم هر که می‌خواهد ناراحت شود و هر که می‌خواهد خشنود گردد.

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۴؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۳۹.

در این هنگام جبرئیل نازل شد و عرض کرد: ای محمد ﷺ پروردگارت به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: این آیات را برای آن‌ها تلاوت کن: ﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ عباس پس از شنیدن آیات سه بار عرض کرد: ما راضی و خشنود هستیم.^۱

۱۰ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند:

این آیه درباره علی و حمزه رضی الله عنهما و عباس و شیبیه نازل شده است.

عباس گفت: من برترم، زیرا منصب سقایت حاجیان را دارم، شیبیه گفت: من برترم زیرا من کلید داربیت هستم.

حمزه گفت: من برترم، زیرا آباد کردن بیت و تعمیر آن به عهده من است،

امیرالمؤمنین رضی الله عنه فرمود: من برترم، زیرا پیش از شما ایمان آورده‌ام، سپس هجرت کرده و جهاد نموده‌ام.

همگی به داوری رسول خدا ﷺ رضایت دادند، در این هنگام خداوند تبارک و تعالی این آیات را نازل فرمود: ﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

پس مقام و مرتبه علی رضی الله عنه را در نزد خود بیان نمود و او را این گونه توصیف فرمود:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ «آنانکه ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا با اموال خویش و جانشان جهاد کرده‌اند مقام و مرتبه برتری نزد خدا دارند و آن‌ها پیروز و رستگارند * پروردگارش آنان را به رحمتی از ناحیه خود و خوشنودی و باغهایی از بهشت بشارت

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۵؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۳۹؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۳۳۸.

می‌دهد که در آن نعمت‌های پایدار است و در آنجا برای همیشه خواهند بود. همانا نزد خداوند اجر و پاداش عظیم است».^۱

این آیه شریفه تنها در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شد زیرا مقصود از «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا» امیرالمؤمنین علیه السلام است و اگر چه لفظ آن عام است ولی اراده خاص از آن شده است و نظائر آن در قرآن فراوان است، مانند این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را ولی و سرپرست نگیرید» که مخاطب به «الَّذِينَ آمَنُوا» ابن ابی بلتعنه است.^۲

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الَّذِينَ الْقَيْمِ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ» ﴿۳۱﴾

«همانا عدد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید دوازده است که از آن‌ها چهار ماه حرام است، این است آئین استوار، پس نسبت به آن‌ها به خود ستم نکنید».

۱۱ - نعمانی رحمته الله به سند خود از ابوحمزه ثمالی روایت کرده است که گفت: روزی در محضر امام باقر علیه السلام حضور داشتم، هنگامی که حاضرین پراکنده شدند به من فرمود:

ای ابوحمزه، از امور حتمی که برایش نزد خدا دگرگونی نیست قیام قائم ما علیه السلام است، کسی که در آنچه می‌گویم شک داشته باشد، خداوند سبحان را ملاقات می‌کند در حالی که به او کافر است و منکراوست.

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۳۴، ح ۱؛ نیابیع المودة: ص ۹۳؛ غایة المرام: ج ۴، ص ۷۱؛ تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۳۵؛ خصائص الوحي المبين: ص ۱۳۰، ح ۹۶؛ احقاق الحق: ج ۳، ص ۱۲۳ و ج ۱۴، ص ۱۹۴.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۳۴۲؛ بحار الأنوار: ج ۲۱، ص ۱۱۲، ح ۵.

سپس فرمود: پدر و مادرم به فدایش، نام او نام من، کنیه او کنیه من و هفتمین امام بعد از من است. پدرم به فدای او که زمین را پراز عدل و داد می‌کند همان طور که پراز ظلم و ستم شده باشد.

سپس فرمود: ای ابوحمزه، کسی که او را درک کند و تسلیم او نگردد، در حقیقت تسلیم پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نگشته است و خداوند بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش دوزخ است که بسیار بد جایگاهی است.

و - به حمد و سپاس الهی - برای کسی که خدا او را هدایت نموده و به او احسان فرموده است از این واضح، روشن، آشکار و درخشنده‌تر، کلام پروردگار است در کتابش که فرموده: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا...﴾.

و شناخت ماه‌ها که عبارتند از محرم و صفر و ربیع و... و شناخت ماه‌های حرام آن، یعنی رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم، دین قیم و آیین استوار نیست زیرا یهود و نصاری و مجوس و سایر ملت‌ها و سایر مردم از موافق و مخالف این ماه‌ها را می‌شناسند و نام آن‌ها را می‌دانند؛ بلکه مقصود امامانی هستند که دین خدا را برپا داشته‌اند.

و مقصود از ﴿مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ﴾ چهار نفر از این امامان هستند که اسم واحدی دارند: امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، که خداوند تبارک و تعالی نام او را از نام والای خودش برگرفته، همان طور که برای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نامی از نام‌های ستوده خودش مشتق ساخته، و سه تن از فرزندان آن حضرت که نام‌های آن‌ها «علی» است: حضرت علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. و به خاطر این اسمی که مشتق از نام خداوند تبارک و تعالی است دارای حرمت خاصی گردیدند. درود خدا بر حضرت محمد و خاندان او که همگی گرامی و محترمند.^۱

۱۲ - و نیز به سند خود از داود بن کثیر رقی روایت کرده است که گفت: در مدینه

خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرفیاب شدم، به من فرمود:

۱. غیبت نعمانی: ص ۸۶، ح ۱۷؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۴۵، ح ۱.

ای داود، چه چیز باعث تأخیر تو از حضور ما شده است؟ عرض کردم: کاری در کوفه
برایم پیش آمده بود.

امام علیه السلام فرمود: چه کسی را در آنجا رها کردی و پشت سر گذاشتی؟ عرض کردم:
فدای شما شوم عموی شما زید را رها کردم در حالی که سوار بر اسب بود و قرآنی (یا
شمشیری) را به گردن آویخته و با صدای بلند فریاد می‌زد: از من سؤال کنید از من
بپرسید پیش از آنکه مرا از دست دهید. در سینه من علم و دانش انباشته شده و موج
می‌زند. من ناسخ و منسوخ، سوره حمد و قرآن عظیم را شناخته‌ام، من نشانه و راهنما
بین شما و خداوندیم. امام علیه السلام به من فرمود: ای داود، مواظب باش منحرف نشوی و به
راه‌های دیگر تورا نبرند.

سپس سماعة بن مهران را صدا زدند و به او فرمودند: سبذ خرما را بیاور. سماعه
سبذی را که در آن خرما بود آورد.

امام علیه السلام یکی از آن‌ها را برداشتند، خوردند و دانه‌اش را از دهان مبارک بیرون آورده و
در زمین کاشتند. خیلی نگذشت که دانه شکافته و سبز شد و درختی باردار گردید.
آنگاه با دست مبارکش یک خرمای تازه از خوشه جدا کرد و آن را دو نیم فرمود و از درون
آن صفحه سفید رنگی بیرون آورد.

آن را گشود و به من مرحمت کرد و فرمود: این را بخوان. من نگاه کردم، دیدم بر روی
آن دو سطر نوشته شده است:

در سطر اول: «لا اله الا الله، محمد رسول الله»؛ و در سطر دوم: آیه مبارکه «إِنَّ عِدَّةَ
الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ
الَّذِينَ الْقَيِّمُ» و پس از آن، نام مبارک دوازده امام: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب،
حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد،
موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی،
حجة بن الحسن علیه السلام نقش بسته است.

سپس فرمود: ای داود، آیا می‌دانی این مطلب چه زمانی در این صفحه نوشته شده

است؟ عرض کردم: خدا و رسول او و شما دانائید.

فرمود: دو هزار سال پیش از خلقت آدم.^۱

۱۳ - مقلد بن غالب حسنی به سند خود از عبدالله بن سنان و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

پدرم، یعنی امام باقر علیه السلام، به جابر بن عبدالله فرمودند: ای جابر با تو کاری دارم می‌خواهم آن را وقت خلوتی در میان بگذارم. چون خلوت گردید و فرصت مناسبی پیدا شد امام علیه السلام به او فرمودند: ای جابر، می‌خواهم از لوحی که آن را نزد مادرم فاطمه زهرا علیها السلام دیده‌ای به من خبر دهی.

جابر عرض کرد: خدا را گواه می‌گیرم که بر سرورم حضرت صدیقه کبری علیها السلام وارد شدم تا ولادت فرزندش حسین عزیز علیه السلام را به آن حضرت تبریک بگویم. در دست مبارکش لوح سبزرنگی از زمرد سبز دیدم که بر آن نوشته‌ای بود نورانی‌تر از خورشید و خوش‌بو تر از مشک تیزبوی. عرض کردم: ای دختر رسول خدا این لوح چیست؟ فرمود: این لوحی است که خداوند تبارک و تعالی بر پدرم نازل کرده و آن حضرت به من فرمود که این را حفظ کن و من حفظ کردم. در آن نام پدرم و شوهرم و نام دو فرزندم و جانشینان فرزندم حسین علیه السلام است.

از حضرت زهرا علیها السلام درخواست نمودم آن را به من دهد تا نسخه برداری کنم، و آن حضرت علیها السلام پذیرفت.

پدرم به جابر فرمودند: آن نسخه را چه کردی؟ عرض کرد: نزد من محفوظ است. فرمود: ممکن است آن را به من نشان دهی؟ جابر از جا برخاست و به منزل رفت و با خود قطعه‌ای پوست قرمز رنگ آورد. امام علیه السلام فرمود: در این برگه‌ات نگاه کن تا برایم بخوانم. در آن برگه چنین نوشته شده بود:

به نام خداوند بخشنده مهربان، این نوشته‌ای از طرف خداوند عزیز دانا است، روح

۱. غیبت نعمانی: ص ۸۷، ح ۱۸؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۴۴۶، ح ۲.

الامین آن را بر حضرت محمد خاتم پیامبران ﷺ نازل نموده است.
 ای محمد **إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ**

ای محمد، اسماء مرا بزرگ شمار و نعمت های مرا شاکر باش و الطاف مرا انکار مکن،
 و به غیر من امید نداشته باش و به جز من از کسی ترسی به خود راه مده. همانا کسی که به
 غیر من امیدوار باشد و به جز من از کسی بترسد او را به عذابی گرفتار نمایم که هیچ یک
 از جهانیان را آنگونه عذاب ننموده باشم.

ای محمد، همانا من تو را بر تمام انبیا برگزیدم و وصی تو را بر همه اوصیا برتری
 بخشیدم.

حسن علیه السلام را بعد از سپری شدن دوران پدرش ظرف دانش خویش قرار دادم.
 حسین علیه السلام را بهترین اولاد اولین و آخرین قرار دادم، در او امامت را تثبیت و از او
 دنباله امامت را قرار دادم.

علی بن الحسین علیه السلام را زینت عبادت پیشه گان، و حضرت باقر علیه السلام را نشانه و
 راهنمای دعوت کننده به راهم بر طریقه و روش حق قرار دادم.

جعفر علیه السلام را در گفتار و رفتار راستگو قرار دادم. بعد از او فتنه ای سخت و تاریک به پا
 گردد، وای بر کسی، وای بر کسی که عترت پیامبر من و برگزیدگان خلم را تکذیب کند.
 موسی علیه السلام را فروبرنده خشم و علی علیه السلام را دارای مقام رضا قرار دادم. او را عفریت
 کافری به قتل می رساند و در شهری که آن را بنده صالح بنا نهاده، در کنار بدترین خلق
 خدا دفن می شود.

محمد علیه السلام را هدایتگر شبیه جد بزرگوارش قرار دادم.
 علی علیه السلام را دعوت کننده به راهم و دفاع کننده از حریم و قیام کننده به امور در میان
 رعیتم قرار دادم.

حسن علیه السلام را شریف و عزیز و باشکوه قرار دهم.
 و از او صاحب دو اسم، خلف و محمد را بوجود آوردم که در آخر الزمان خروج کند و

بر سر مبارکش عمامه سفیدی است که او را از خورشید بیوشاند و سایه افکند و یک منادی به زبان فصیح که جن و انس و همه موجودات در شرق و غرب عالم بشنوند فریاد برآورد «هذا المهدي من آل محمد؛ این است مهدی آل محمد ﷺ»، او زمین را پراز عدل و داد کند همان طور که پراز ظلم و ستم شده باشد.^۱

بدان همانا از این بزرگواران کنایه آورده شده به «شهور» به خاطر شهرتی که در فضیلت و منقبت دارند، می‌گویند: «شهرت الأمر شهرًا» یعنی آن را به وضوح کامل واضح ساختم. زیرا خداوند تبارک و تعالی فضل آنان را از قدیم برای امت‌های پیشین آشکار ساخته و آنان را بر همه جهانیان برتری بخشیده و بر همه خلق برگزیده است.

و اینکه فرموده: ﴿فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾ «ظلم» به معنای منع است یعنی خود را از ثواب اطاعت و ولایت ایشان باز ندارید که در نتیجه گرفتار کیفر دردناک شوید.

بدان که در این اخبار عبرت برای عبرت پذیرندگان و بینایی برای صاحبان بصیرت است. پس ای اهل ولا، به ولایت این سروران و عزیزان که کنایه آورده شده از آنان به «شهور» چنگ بزن و پیوسته متمسک باش، درود پایدار الهی تا مادامی که زمان و دهر پایدار است بر آنان باد.

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (١٧٥)

«و بگو کار انجام دهید پس به زودی خدا و رسول او و مؤمنان کار شما را می‌بینند».

معنای آیه: خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش امر فرمود که به اهل تقوا بگوید: آنچه خداوند امر فرموده بدان عمل کنید عمل کسی که می‌داند به او در برابر عملش پاداش داده می‌شود و همانا خداوند به زودی آن را می‌بیند و آن را او می‌داند و رسول او و مؤمنان

۱. بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۲۰۲ ح ۶؛ امالی طوسی ﷺ: ص ۲۹۱ ح ۱۳ از جعفر بن محمد ﷺ، کافی: ج ۱، ص ۵۳۲ ح ۹؛ بشارة المصطفى: ص ۲۸۳ ح ۱؛ اثبات الهداة: ج ۲، ص ۴۸۰، عیون أخبار الرضا ﷺ: ج ۱، ص ۴۶ و ۴۷ ح ۷۰۵؛ برهان: ج ۲، ص ۷۷۵ ح ۵.

که مقصود ائمه طاهرين عليهم السلام هستند بنا بر آنچه بيان آن می آید.

۱۴ - کلینی رحمته الله به سند خود از یعقوب بن شعیب روایت کرده است که گفت: از امام صادق عليه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، امام عليه السلام فرمودند: مراد از مؤمنان ائمه طاهرين عليهم السلام هستند.^۱

۱۵ - سید بن طاووس رحمته الله در کتاب سعد السعود نقل کرده است که محمد بن عباس از دوازده طریق روایت کرده است که اعمال بررسول خدا صلى الله عليه وآله بعد از وفات آن حضرت نیز عرضه می شود.

و مؤمنینی که در آیه ذکر شده ائمه طاهرين از آل محمد عليهم السلام هستند.

محمد بن حسن صفار رحمته الله در بصائر الدرجات نقل کرده همان طور که در کافی و سعد السعود نقل شده و روایات زیاد دیگری که ذکر آن ها موجب طولانی شدن این باب می گردد.^۲

۱۶ - و نیز به سند خود از عبدالله بن ابان زیات - که شخص آبرومندی نزد حضرت رضا عليه السلام بود - روایت کرده است که گفت:

به امام هشتم حضرت علی بن موسی عليه السلام عرض کردم: برای من و اهل بیت من دعا کنید. حضرت فرمودند: آیا دعا نمی کنم؟ به خدا قسم اعمال شما در هر شب و روز بر من عرضه می شود.

عبدالله بن ابان می گوید: من این مطلب را بزرگ شمردم، امام عليه السلام فرمودند:

آیا کتاب خدا را نخوانده ای که می فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ فرمود: به خدا قسم مقصود از مؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام است.^۳

۱۷ - و نیز به سند خود از امام باقر عليه السلام روایت کرده است که این آیه شریفه را یاد آور

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۲؛ وافی: ج ۳، ص ۵۴۴، ح ۳؛ وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۳۸۶، ح ۳؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۵۳، ح ۷۳.

۲. سعد السعود: ص ۱۹۶، ح ۲۱؛ بصائر الدرجات: ج ۲، ص ۷۶۹-۷۷۶، باب ۶ و ۷.

۳. کافی: ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۴؛ وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۳۸۷، ح ۵؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۴۷، ح ۴۷.

شدند و فرمودند:

به خدا قسم از «مؤمنون» علی بن ابی طالب علیه السلام اراده شده است.^۱

۱۸ - طبرسی رحمته الله گفته است: اصحاب ما روایت کرده‌اند:

اعمال امت هر دوشنبه و پنج شنبه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز برائمه هدی علیه السلام عرضه می‌شود و آن‌ها را می‌شناسند. و مقصود از «المؤمنون» در آیه شریفه آن‌ها هستند. وقتی این مطالب را دانستی بدان در این عصر و زمان اعمال مردم بر آخرین ذخیره الهی امام عصر، حضرت حجت علیه السلام عرضه می‌شود، درود خدا بر او و پدران اطهار او تا مادامی که گردش لیل و نهار ادامه دارد و روز و شب تکرار می‌شود.

﴿يَخْلُقُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ

وَهُمْ أُولَئِكَ لَمَّا قَالُوا﴾ (VI)

«به خدا سوگند یاد می‌کنند که چنین سخنانی نگفته‌اند، ولی به تحقیق سخن کفر گفته‌اند و بعد از اسلام کافر گشته‌اند و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند که به آن نرسیدند.»

علی بن ابراهیم رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه گفته است:

این آیه بعد از بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع و درباره اصحاب عقبه نازل شد. آن‌ها که در کعبه سوگند یاد کردند اجازه ندهند خلافت به اهل بیت علیهم السلام برسد، سپس در عقبه کمین کردند تا آن حضرت را به قتل رسانند از بیم آنکه مبادا وقتی ایشان به مدینه بازگشتند از آن‌ها برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت بگیرد. پس خداوند رسول خود را از تصمیمی که آن‌ها در مورد قتل پیامبر و بر آنچه هم پیمان شده‌اند آگاه نمود. هنگامی که آن‌ها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند سوگند یاد کردند که سخنی نگفته‌اند و

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۵؛ وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۳۸۷، ح ۶.

تصمیمی نگرفته اند خداوند سبحان این آیه شریفه را در تکذیب آنان نازل فرمود.^۱

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ
وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ * وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ ﴿۹۱﴾ و ﴿۹۲﴾

۱۹ - کلینی رحمته الله به سند خود از یوسف بن ثابت روایت کرده است که گفت:

عده‌ای خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و به ایشان عرض کردند:

همانا ما شما را تنها به خاطر خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و به خاطر حقی که خدا نسبت به شما بر ما واجب فرموده دوست داریم. به خاطر دنیا که از شما به ما برسد نمی‌خواهیم، بلکه به خاطر خدا و سرای آخرت و به خاطر اینکه هر یک از ما به وسیله شما دینش را اصلاح کند می‌خواهیم و دوست می‌داریم.

امام صادق علیه السلام گفتار آنان را تصدیق کرد، سپس فرمود:

هر که ما را دوست بدارد فردای قیامت با ما خواهد بود - یا اینکه فرمود: با ما بیاید - این گونه، و دو انگشت سبابه را کنار هم قرار داد - یعنی مانند این دو انگشت که در کنار هم قرار دارند، آن‌ها در ردیف ما خواهند بود - .

سپس فرمود: به خدا سوگند اگر کسی روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را به عبادت به سر برد سپس خداوند تبارک و تعالی را بدون ولایت ما اهل بیت ملاقات کند، او را ملاقات می‌کند در حالی که راضی و خشنود از او نیست بلکه بر او خشمگین است.

سپس فرمود: و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است: «و اموال و اولاد آن‌ها تو را به شگفتی و تعجب و ندارد، خدا می‌خواهد آنان را بدان وسیله در زندگی دنیا عذاب کند و جانشان بیرون آید در حالیکه کافرند».

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۰۱؛ بحار الأنوار: ج ۱۷، ص ۲۰۵.

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَتِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَمُوتُ بِهَا بَيَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْلُ الْعَظِيمُ * التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿١٣١﴾ و ﴿١٣٢﴾

«همانا خداوند از مؤمنان جان و مالشان را به بهای این که بهشت از آن آنان باشد خریده است در راه خدا نبرد می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده حقی است که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ بشارت باد شما را به داد و ستدی که با خدا انجام داده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ * توبه‌کنندگان، پرستش‌کنندگان، سپاسگزاران، اندیشه‌کنندگان درباره عظمت خدا، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، به خوبی سفارش‌کنندگان، از بدی بازدارندگان، رعایت‌کنندگان حدود الهی، و بشارت ده به (این گونه) مؤمنان».

معنای آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى﴾ یعنی «خدا خریداری کرد»، البته حقیقت اشتراء بر خداوند جایز نیست، زیرا مشتری چیزی را که مالک نیست می‌خرد، و خداوند تبارک و تعالی مالک همه اشیا است، ولی این مثل فرمایش دیگر او است که فرموده: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا﴾ «کیست که به خداوند قرض دهد قرض الحسنه» و خداوند از باب لطف و مهربانی‌اش به بندگانش این گونه فرموده است و چون بر خودش برای آنان ضمانت نموده از آن به «شراء» تعبیر فرموده است، ثواب را «ثمن» و اطاعت را «مِثْمَن»^۱ قرار داده و این بر طریق مجاز است.

سپس خداوند سبحان مؤمنانی را که از آنان جان و مالشان را می‌خرد به اوصافی

۱. «مِثْمَن» کالایی است که در معرض فروش قرار می‌دهند، «ثمن» بهایی است که برای خریدن می‌پردازند.

توصیف نموده و فرموده است:

﴿التَّائِبُونَ﴾ یعنی بازگشت کنندگان به سوی اطاعت خدا و بریدگان از غیر او.
 ﴿الْعَابِدُونَ﴾ کسانی که تنها و خالص خدا را پرستش می نمایند.
 ﴿الْحَامِدُونَ﴾ کسانی که خدا را سپاس نموده و بر نعمت های او شاکرند.
 ﴿السَّائِحُونَ﴾ کسانی که روزه دارند به دلیل فرمایش رسول خدا ﷺ که فرموده:
 «سیاحت امت من صیام است».
 ﴿الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ﴾ نماز گزاران نمازی که دارای رکوع و سجود است.
 ﴿الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّائِهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ معنایش ظاهر است.
 ﴿وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ﴾ کسانی که اطاعت خدا را انجام می دهند و از نواهی او اجتناب می نمایند.

﴿وَدَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ بشارت بده مؤمنانی را که جامع این صفات به طور کامل هستند و آن ها ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

۲۰ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیرش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

زهری، در راه حج حضرت علی بن الحسین علیهما السلام را ملاقات کرد و به آن حضرت عرض کرد: جهاد و سختی های آن را رها کرده و به حج و راحتی آن روی آورده اید در حالی که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّائِهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَدَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

امام علیه السلام فرمودند: هنگامی که کسانی را که دارای چنین اوصافی باشند دیدی، جهاد به همراه آنان افضل از حج است.^۱

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۰۶؛ کافی: ج ۵، ص ۲۲، ح ۱؛ احتجاج: ج ۲، ص ۱۴۴؛ بحار الأنوار: ج ۴۶، ص ۱۱۶ و ج ۱۰۰، ص ۱۸، ح ۴؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، ص ۱۵۹؛ وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۳۲، ح ۳.

و جزائمه طاهرین علیه السلام مقصود نیستند زیرا این اوصافی که ذکر شده جز در آنان یافت نمی شود، و اگر بعضی از مردم دارای بعضی از این اوصاف باشند در میان آن ها صفتی است که جز معصومین علیهم السلام به آن قیام نمی کنند و آن، صفت **«وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ»** است تنها معصومین علیهم السلام هستند که حافظ حدود الهی هستند و از آن هرگز تعدی نمی کنند، زیرا تعدی کننده از آن طبق این آیه شریفه: **«وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ»** نسبت به خود ظلم کننده است، و معصوم علیه السلام هرگز نه به خود و نه بر دیگری ظلم روا نمی دارد.

۲۱ - طبرسی رحمته الله در تفسیرش آورده است:

اصحاب ما روایت کرده اند که این صفات مخصوص ائمه معصومین علیهم السلام است زیرا غیر آنان جامع این اوصاف به طور کامل نیستند.^۱

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» ﴿۱۱۱﴾

«ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا پیشه کنید و با راستگویان باشید».

معنای آیه: خداوند سبحان بندگان مکلف خود را امر فرمود که با «صادقین» باشند و از آن ها پیروی کنند و به آن ها اقتدا نمایند.
و صادق کسی است که در گفتار و رفتارش تصدیق شود و هرگز دروغ نگوید، و این از صفات معصوم علیه السلام است.

۲۲ - طبرسی رحمته الله از ابن عباس روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه **«كُونُوا مَعَ**

الصَّادِقِينَ» گفته است:

با علی علیه السلام و اصحاب آن حضرت باشید.^۲

۲۳ - و از جابروا و از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۷۶.

۲. مجمع البیان: ج ۵، ص ۸۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۰.

فرمودند:

با آل محمد ﷺ باشید.^۱

۲۴ - کلینی رحمته الله به سند خود از برید بن معاویه عجللی روایت کرده است که گفت:
از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، فرمودند:
ما را قصد کرده و مقصود ما هستیم.^۲

۲۵ - و نیز به سند خود از ابن ابی نصر روایت کرده است که گفت: از حضرت
رضا علیه السلام درباره این آیه شریفه سؤال کردم، فرمود:

راستگویان در این آیه امامان هستند که با اطاعتشان تصدیق کننده اند.^۳

یعنی با اطاعتشان برای خداوند تبارک و تعالی، زیرا او امر نمی فرماید به اینکه با آنان
باشند مگر به خاطر اطاعت و فرمانبرداری ایشان از او، و به خاطر همین جهت اطاعت
آنان را مانند اطاعت رسول صلی الله علیه و آله، و اطاعت رسولش را مانند اطاعت خودش واجب قرار
داده است. در مورد معصیت نیز چنین است معصیت آنان را مانند معصیت رسول، و
معصیت رسولش را مانند معصیت خودش قرار داده است.

پس بر توباد که به ولایت آنان تمسک نمایی و با آنان و در حزب و گروه آنان باشی نه
در فرقه های دیگر، تا این که روز قیامت نیز در زمره آنان محشور شوی و به شفاعت آنان
وارد بهشت گردی. درود خدا بر آنان باد درودی پیوسته و پایدار و باقی تا مادامی که
حجت ایشان باقی است.

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱؛ وافی: ج ۲، ص ۱۰۸، ح ۷؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۱، ح ۳.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۲؛ وافی: ج ۲، ص ۱۰۷، ح ۶؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۱، ح ۵.

۳. کافی: ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۳؛ تفسیر برهان: ج ۴، ص ۵۷۵، ح ۲.

سُورَةُ يُوسُفَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ ﴿١﴾

«و مؤمنان را بشارت بده که برای آنان نزد پروردگارشان پیش فرستاده‌ای نیکوست».

معنای آیه: «قدم» در اینجا به معنای سابقه و پیشینه است، همان طور که گفته می‌شود: ان لفلان قدم: همانا برای فلانی شرف و فضیلت و مقام و منزلت نیکو است. «صدق» یعنی راستی و صداقتی که در آن دروغ نباشد.

و گفته شده: «قدم» اسم است برای کارهای نیکویی که بنده برای خود پیش می‌فرستد و «ید» اسم است برای کارهای نیکویی که آقا نسبت به بنده اش انجام می‌دهد. ۱ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در مورد این آیه شریفه ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ فرمودند:

مقصود از آن «پیش فرستاده نیکو»، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۱

﴿لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ﴾ یعنی: و برای آن‌ها است سابقه فضیلت و مقام و منزلت نیکو نزد پروردگارشان که آن ولایت است. و خداوند به آنان بر آن فضیلت پاداش نیکو پاداش می‌دهد و به آنان از ناحیه خود اجر عظیم عطا می‌کند؛ و روزی می‌دهد به آنان در بهشت روزی کریمانه و فراوان.

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۵۰؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۴۰، ج ۲ و ج ۳۶، ص ۵۸، ۵۹؛ وافی: ج ۳، ص ۸۹۳، ح ۳۴؛ احقاق الحق: ج ۳، ص ۴۲۳.

زیرا خداوند فرموده است: ﴿وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾^۱ «و او نسبت به مؤمنان بسیار مهربان است».

﴿قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ﴾^{۱۵}

«کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور یا آن را تبدیل کن».

۲ - کلینی علیه السلام به سند خود از مفضل روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه ﴿انْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ﴾ سؤال کردم، امام علیه السلام فرمودند: آن‌ها گفتند: به جای علی علیه السلام شخص دیگری را انتخاب کن و او را به دیگری تبدیل نما.^۲

مقصود کافران از تبدیل قرآن تبدیل علی علیه السلام بود، خداوند در جواب آنان به پیامبرش پیغام داد که به آن‌ها بگو: ﴿مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي﴾ من چنین حقی ندارم که از جانب خود علی علیه السلام را به شخص دیگری تبدیل کنم، یعنی به جای او دیگری را برای خلافت و جانشینی معرفی کنم، در مسأله ولایت او بر شما جز آنچه به من وحی شده پیروی نکرده‌ام. من می‌ترسم که با معصیت پروردگارم گرفتار عذاب دردناک روز عظیم قیامت شوم.

﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^{۱۶}

«خدا به سرای سلامت و سعادت یعنی بهشت دعوت می‌کند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید».

۳ - حسین بن جبیر رضی الله عنه در کتابش «نخب المناقب» به سند خود مرفوعاً از ابن

۱. سوره احزاب، آیه ۴۳.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۳۷؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۱۰، ح ۱۵؛ وافی: ج ۳، ص ۹۲۲، ح ۱۹.

عباس، و از زید بن علی در تفسیر آیه مذکور روایت کرده است که گفتند: مقصود از ﴿دَارِ السَّلَامِ﴾ در آیه شریفه بهشت است. و مقصود از ﴿صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱ خداوند سبحان هر که را بخواهد به ولایت آن حضرت که صراط مستقیم است هدایت می نماید. پس بر صاحب ولایت از طرف پروردگارش درود فراوان باد.

﴿وَيَسْتَنبِئُكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ ﴿۵۷﴾

«از تو جويا می شوند که آیا آن حق است؟ بگو: به پروردگارم سوگند که آن حق و حتمی است.»

۴ - حسین بن جبیر رضی الله عنه در کتاب «نخب المناقب» حدیثی را مسنداً از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

يسألونك يا محمد، أعلي وصيك؟ قل: ﴿إِي وَرَبِّي إِنَّهُ﴾ لوصي.

ای محمد صلی الله علیه و آله از تو می پرسند آیا علی علیه السلام وصی و جانشین تو است؟ بگو: آری به پروردگارم سوگند که او وصی من است.^۲

۵ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش می فرماید: مردم از تو می پرسند که آیا آنچه درباره علی علیه السلام می گویی حق است؟ بگو: آری قسم به پروردگارم که آن حق است.^۳

۱. بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۳۶۵، ح ۵؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۷۴.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۵۱، ح ۶۷ و ج ۳۶، ص ۱۲۴؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۶۱.

۳. کافی: ج ۱، ص ۴۳۰، ح ۸۷؛ وافی: ج ۳، ص ۹۲۹، ح ۳۵؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۵۱، ح ۶۸.

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ ﴿٥٠﴾

«بگو: به فضل خداوند و رحمت او باید که شادمان باشید و این بهتر است از آنچه دشمنان از زر و زیور دنیا) اندوخته می‌کنند».

۶ - طبرسی رحمته از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه فرمودند:

«فضل خداوند»، رسول خدا صلی الله علیه و آله و «رحمت او» علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

۷ - کلینی رحمته به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که چون محمد

بن فضیل از آن حضرت در مورد این آیه شریفه سؤال کرد، فرمودند:

یعنی به ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام خوشحال و شادمان باشید که این نعمت بهتر

است از آنچه دیگران از دنیای خویش اندوخته می‌کنند.^۲

و علی بن ابراهیم رحمته در تفسیر خود گفته است:

از جمله ﴿فَلْيُفْرِحُوا﴾ «باید شادمان باشند» شیعه مقصود هستند.^۳

۸ - عیاشی رحمته به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه

مذکور فرمودند:

شیعیان ما باید شادمان باشند به ولایت و محبتی که نسبت به ما دارند، که آن بهتر

است از آنچه دشمنان ایشان از طلا و نقره و از متاع دنیا اندوخته می‌کنند.^۴

۹ - صدوق رحمته به سند خود از حضرت محمد بن علی امام باقر علیه السلام و آن حضرت

از پدرش، از جدّ بزرگوارش علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون رفتند در حالی که سواره بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز

بیرون رفتند در حالی که پیاده راه می‌رفتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند:

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۷۸؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۴۲، ح ۷.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۵۵؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۴۱، ح ۵.

۳. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۱۴.

۴. تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۲۷۹، ح ۲۸؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۶۱، ح ۴۱.

ای ابا الحسن یا سوار شو و یا بازگرد، خداوند تبارک و تعالی به من امر فرموده زمانی که شما سواره بودید سواره باشم و وقتی پیاده بودید من هم پیاده باشم و هنگامی که نشسته باشی من نیز بنشینم، مگر آنکه حدی از حدود الهی باشد که چاره‌ای جز قیام به آن نباشد. و خداوند مرا به کرامتی اکرام نفرموده مگر آنکه شما را به مانند آن اکرام نموده و گرامی داشته است. خداوند مرا به نبوت و رسالت اختصاص داد، و تورا یار و یاور من در آن قرار داد که در امور دشواری مرا کمک کنی.

قسم به کسی که به حق مرا به پیامبری مبعوث فرمود، به من ایمان نیاورده است کسی که تورا نشناسد و به من اقرار ننموده کسی که تورا انکار نماید، و به خداوند ایمان نیاورده کسی که به تو کافر گردد.

و همانا فضل تو از فضل من و فضل من از فضل خدا است و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾^۱؛ مقصود از «فضل خدا» نبوت پیامبر، و «رحمت او» ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. ﴿فَبِذَلِكَ﴾ یعنی به این نبوت و ولایت ﴿فَلْيَفْرَحُوا﴾ باید شیعه شادمان باشد، ﴿هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ که آن نعمت بهتر و ارزشمندتر از آن چیزی است که مخالفین شما از اهل و مال و ثروت و اولاد در دنیا فراهم می‌نمایند.

ای علی، به خدا قسم آفریده نشده‌ای مگر برای آنکه خدا را عبادت کنی و به وسیله تو نشانه‌های دین شناخته شود و راه محو شده اصلاح گردد.

و به راستی آنکه از توروی گردانیده، گمراه گشته است و آنکه به سوی تو و ولایت تو هدایت نشده باشد به سوی خداوند هدایت نشده است. و این فرمایش پروردگار من است که فرموده است: ﴿وَإِنِّي لَفَقَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾^۲؛ «من آمرزنده‌ام کسی را که توبه کند، ایمان آورد و عمل صالح و شایسته انجام دهد و هدایت

۱. سوره یونس، آیه ۵۸.

۲. سوره طه، آیه ۸۲.

شود»، یعنی به ولایت تورهنمون گردد.

و خداوند تبارک و تعالی به من امر فرموده که واجب گردانم از حق تو آنچه واجب گردانیده آن را از حق من؛ و همانا حق تو بر هر که به من ایمان آورده، واجب است. و اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی شد و به وسیله تو دشمن خدا شناخته می شود. و هر کس خدا را با ولایت تو ملاقات نکند، او را بدون هیچ چیز ملاقات کرده است. و خداوند تبارک و تعالی این آیه شریفه را بر من نازل فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾؛ «ای پیامبر آنچه به سوی تو از طرف پروردگارت نازل شده ابلاغ کن» یعنی آنچه در مورد ولایت تو، ای علی جان، نازل شده است. بعد فرموده:

﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾؛ یعنی اگر آنچه را که به آن مأمور شده ام در مورد ولایت تو، تبلیغ نکنم و به مردم نرسانم عمل من هدر رفته و باطل شده است. و هر کس خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند عمل او هدر رفته و باطل گردیده است. و این وعده ای است که حتما به آن وفا می شود.

و نمی گویم جز فرمایش پروردگارم را و آنچه می گویم از خداوند تبارک و تعالی است که درباره تو آن را نازل فرموده است.^۱

۱۰ - در تفسیر امام عسکری علیه السلام است که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: خداوند عالم را به لطف و رحمت خود و توفیقی که به او برای ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او و دشمنی با دشمنان ایشان مرحمت کرده برتری بخشید و چگونه این نعمت بزرگ بهتر از آنچه اندوخته می کنند نباشد در حالی که آن بهای بهشت است و با داشتن آن شایستگی برای یافتن حضور در محضر حضرت محمد و آل اطهار او علیهم السلام می یابند که آن برتر و با ارزش تر از بهشت است، زیرا که با ارزش ترین زینت بهشت وجود ارزنده محمد و آل محمد علیهم السلام است.^۲

۱. امالی صدوق: ص ۳۹۹، ح ۱۳، تفسیر برهان: ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۲.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۶۵، ح ۵۰.

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ ﴿۳۱﴾ و ﴿۳۲﴾

«آگاه باشید که بر اولیای خدا بیمی نیست و آنها دچار حزن و اندوه نمی شوند * آنها که ایمان آوردند و تقوا پیشه کردند * برای آنان در زندگی دنیا و در آخرت بشارت و مژده است، کلمات خدا برایشان دگرگونی نیست، و این است آن رستگاری و کامیابی بزرگ».

معنای آیه: ﴿أَوْلِيَاءَ اللَّهِ﴾ کسانی هستند که با دوستان خدا دوست و با دشمنان او دشمن هستند. بیمی بر آن‌ها نیست در آخرت و دچار حزن و اندوه نمی شوند. سپس خداوند آن‌ها را توصیف نموده و فرموده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ به خدا و رسول و اولیاء او ایمان آورده و تقوا پیشه می کنند و از مخالفت با آنان در اوامر و نواهی می ترسند. ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ برای آنان در زندگی دنیا بشارت است. و این بشارتی است که خدا بر زبان مبارک رسول خدا ﷺ برای آنان جاری ساخته است مانند این آیه شریفه: ﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ﴾ «پروردگارش آن‌ها را به رحمتی از ناحیه خود و رضوان (خویش) بشارت می دهد» و مانند این آیه شریفه: ﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ «بشارت ده به مؤمنان».

﴿وَفِي الْآخِرَةِ﴾ و اما در آخرت بشارت است به بهشت، که ملائکه به آن‌ها در هنگام مرگ و وقت خروج از قبر و روز رستاخیز می دهند.

۱۱ - طبرسی رحمته الله علیه از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که به عقبه بن خالد

فرمودند:

ای عقبه، خداوند روز قیامت از بندگانش نمی پذیرد جز این دینی که شما به آن

معتقد هستید (یعنی دین با ولایت) و بین یکی از شما و دیدن آنچه باعث چشم روشنی او شود چیزی جز رسیدن نفس به حلقوم او نیست، سپس فرمود: در کتاب خدا شاهد بر این گفتار من وجود دارد، و این آیه شریفه را قرائت کرد: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.^۱

۱۲ - صدوق علیه السلام به سند خود مرفوعاً از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که به گروهی از شیعیانش فرمود:

یکی از شما آنگاه مورد غبطه واقع می‌شود که جانش به اینجا برسد - و با دست اشاره حلق مبارکش نمود - ملک الموت بر او نازل می‌شود و به او می‌گوید: اما آنچه بدان امید داشتی که عطا شدی و اما از آنچه می‌ترسیدی از آن ایمن گشتی. و برای او دری به منزلش از بهشت گشوده می‌شود، به او می‌گوید: به محل سکونت خود در بهشت نظاره کن، این رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و این‌ها حضرت علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند، آن‌ها رفقای تو هستند. سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: و به این مطلب اشاره دارد این فرمایش پروردگار: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.^۲

۱۳ - محمد بن یعقوب علیه السلام به سند خود از عقبه روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

بدون تردید هریک از شما وقتی جانش بالا می‌آید می‌بیند. عرض کردم: فدای شما شوم چه می‌بیند؟

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌بیند که به او می‌فرماید: تورا بشارت باد. سپس حضرت علی علیه السلام را می‌بیند که به او می‌فرماید: من علی بن ابی طالب هستم که او را دوست

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۲۰؛ تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۳۳؛ محاسن: ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۱۶۰؛ کافی: ج ۳، ص ۱۲۸، ح ۱؛ بحار الأنوار: ج ۶، ص ۱۸۵، ح ۲۰ و ج ۳۹، ص ۲۳۷، ح ۲۳.

۲. بحار الأنوار: ج ۶، ص ۱۷۷، ح ۵ و ج ۲۷، ص ۱۶۴، ح ۱۷؛ تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۳۲.

می‌داشتی، بر من واجب است و دوست دارم که امروز برای تونفعی داشته باشم. عرض کردم: آیا می‌شود یکی از مردم این صحنه را ببیند و پس از آن به دنیا باز گردد؟ امام علیه السلام فرمودند: نه، هر کس این صحنه را دیده مرده است.

عقبه گوید: این مطلب را بزرگ دانستم و عرض کردم: آیا در قرآن است؟ حضرت فرمودند: آری، این آیه شریفه: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۱

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا

بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً﴾ ﴿۷۷﴾

«به موسی و برادرش وحی نمودیم که برای قوم خود در مصر خانه بنا کنید و منزل گیرید و خانه هایتان را مقابل قرار دهید».

۱۴ - در پرسش‌های مأمون از حضرت رضا علیه السلام که در حضور علمای خراسان و شهرهای دیگر آن‌ها را مطرح کرد و امام علیه السلام پاسخ دادند تا آنکه فرمودند:

اما چهارم اینکه: پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را از مسجد خویش خارج کرد و عترت را در آن باقی گذاشت. و مردم در مورد آن سخن‌ها گفتند و عباس نیز به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا، علی علیه السلام را به حال خود رها کردی و ما را بیرون نمودی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من او را رها نکردم و شما را خارج ننمودم، بلکه خداوند چنین کاری کرد. و این قصه بیانگر فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «أنت متي بمنزلة هارون من موسى؛ تونسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی».

علما عرض کردند: این مطلب در کجای قرآن است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: سند قرآنی آن را به شما ارائه خواهم نمود و آن را برای شما قرائت می‌کنم.

عرض کردند: این کار را انجام بده. فرمود: این آیه شریفه: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ

۱. کافی: ج ۳، ص ۱۳۳، ۸؛ الايقاظ من الهجعة: ص ۲۲۳؛ تفسیر نور الثقلین: ج ۳، ص ۲۲۴، ح ۹۸.

أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمُ كَمَا بِمَضْرُئِيوتَا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً ﴿﴾ در این آیه شریفه منزلت هارون نسبت به موسی و منزلت علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان گردیده است. به علاوه دلیل واضحی در این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله است، که فرمود: بدانید این مسجد روا نیست برای جنب مگر برای محمد و آل محمد علیهم السلام.

در این هنگام علما عرض کردند: ای ابالحسن این شرح و این بیان یافت نمی شود جز نزد شما اهل بیت.

حضرت علیه السلام فرمودند: چه کسی این را برای ما انکار می کند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

أنا مدينة العلم وعليّ باهما، فمن أراد المدينة فليأتها من باهما.

من شهر علم و علی علیه السلام در آن است، پس هر کس می خواهد وارد شهر شود باید از در آن وارد شود.

و در آنچه بیان کردیم و شرح دادیم از فضل و شرف و پیشی گرفتن و اصطفاء و طهارت جز معاند (کسی با داشتن علم مطلبی را انکار می کند) آن را انکار نمی کند، و خدای عزوجل را بر آن حمد و سپاس.

﴿فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ

قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ ﴿١٥﴾

«اگر در مورد آنچه بر تو نازل نموده ایم تردیدی داری از پیشینیان خود که کتاب

می خواندند بپرس»

۱۵ - علی بن ابراهیم به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آسمان بردند، خداوند تبارک و تعالی آنچه خواست،

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱، ص ۲۳۲، ضمن ج ۱؛ بحار الأنوار: ج ۸۱، ص ۴۸، ح ۱۹.

از فضیلت و شرافت و عظمتی که علی علیه السلام در نزد خدا دارد، به او وحی فرمود. آنگاه آن حضرت را به بیت المعمور آورد و همه پیامبران را گرد او جمع کرد و آن‌ها همگی در پشت سر آن حضرت نماز خواندند. آنگاه در نفس رسول خدا نسبت به عظمت آنچه در مورد علی علیه السلام به او وحی شده بود چیزی عارض شد، خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ﴾ «اگر در مورد آنچه بر تو نازل نمودیم تردیدی داری از پیشینیان خود بپرس».

امام علیه السلام فرمود: مقصود انبیاء پیشین است، یعنی از آن پیامبران سؤال کن، زیرا آنچه از فضیلت آن حضرت در کتاب تو نازل کردیم بر آنان هم در کتاب‌هایشان نازل نمودیم. ﴿لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ «به راستی حق از طرف پروردگارت به تو رسیده است بنابراین از تردید کنندگان مباش».

امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث قسم یاد کرد و فرمود:

فوالله ما شك وما سأل.

به خدا قسم او هرگز شک نکرد و سؤالی ننمود.^۱

و این همانند قول خداوند تبارک و تعالی است ﴿وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا﴾ «از پیامبران ما که پیش از تو فرستادیم جویا شو و سؤال کن».

مؤلف گوید: در متن حدیث فوق آمده است: «عرض فی نفس رسول الله صلی الله علیه و آله» در نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله عارض گردید، یعنی به فکر آن حضرت و ذهن شریف او خطور کرد بزرگی آنچه خدا به او در مورد علی علیه السلام و فضل او وحی فرمود، و نزد آن حضرت در آن باره هیچ گونه شکمی نبود، زیرا فضیلت علی علیه السلام از فضیلت او است که بر تمام خلق برتری دارد و به خاطر آن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

يا علي ما عرف الله الا أنا وأنت ولا عرفني الا الله وأنت ولا عرفك الا الله وأنا.

علی جان، خدا را جز من و تو نشناخت، مرا جز خدا و تو نشناخت، و تو را جز خدا و

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۱۶، تفسیر برهان: ج ۵، ص ۶۶، ح ۱.

من شناخت.^۱

و کسی که گفتارش چنین باشد چگونه ممکن است شکی در فضل آن حضرت داشته باشد. و همانا این کلام را برای کسانی که از امت او در فضل علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شک دارند فرموده است تا غافل را آگاه نماید و او را از غفلت برهاند.

مؤلف گوید: هنگامی که این فرمایش پروردگار به پیامبرش باشد در حالی که آن حضرت شکی در فضیلت وصی خود ندارد، پس حال شک دارنده چگونه خواهد بود؟! از آن و از شر شیطان رانده شده به خدا پناه می‌بریم، و به خاطر همین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

هرگز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شک نکرد و از پیامبران سؤال نکرد.

﴿وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ﴾ (۱۱)

«نشانه‌ها و بیم دهنده‌ها به گروهی که ایمان نمی‌آورند سود نمی‌بخشد».

۱۶ - کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به سند خود از داود رقی روایت کرده است که گفت: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد آیه شریفه ﴿وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ...﴾ سؤال کردم، فرمود: مقصود از ﴿الآيَاتُ﴾ در این آیه، ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ و مقصود از ﴿النُّذُرُ﴾ پیامبران هستند که درود خدا بر آنان باد.^۲

۱. مشارق أنوار اليقين: ص ۱۱۲؛ المحتضر: ص ۷۸، ح ۱۱۳.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۸۶، ح ۱.

سُورَةُ هُودٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾ (۳)

«و به هر صاحب فضلی به اندازه فضل و دانش او عطا می کند».

معنای آیه: خداوند سبحان به هر صاحب فضل - یعنی صاحب عمل صالح - عطا می کند فضل او را - یعنی جزا و پاداش او را - در دنیا و آخرت، اما در دنیا به اینکه مودت و محبت و برتری او را در میان خلق قرار می دهد.

و اما در آخرت به اینکه دشمنان او را در آتش و دوستان و ارادتمندان او را به وسیله او در بهشت قرار می دهد، و او امیرالمؤمنین علیه السلام است.

۱ - ابن مردویه از عاقله به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که در تفسیر

این آیه شریفه فرمودند:

مقصود علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

﴿وَلَيُنْزِلُنَا أَجْرَنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾ (۸)

«اگر مجازات و عذاب آنان را برای مدت محدودی به تأخیر اندازیم تا آن گروه معین و

شمرده شده بیایند».

۱. تفسیر برهان: ج ۵، ص ۹۶، ح ۵؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۹۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۴۲۴، ح ۵.

۲ - طبرسی رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه گفته است:

گفته شده که مقصود از «أُمَّةٍ مَّغْدُودَةٍ» اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان است که تعداد آن‌ها سیصد و ده و چند نفر مانند تعداد اهل بدر می‌باشند و همگی مانند پاره‌های ابرپاییزی در یک ساعت در نزد آن حضرت گرد می‌آیند.

و این مطلب از امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت شده است.^۱

۳ - و تأیید می‌کند آن را آنچه محمد بن جمهور به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

مقصود از «عذاب» در آیه شریفه امام قائم علیه السلام است، او برای دشمنانش عذاب می‌باشد، و مراد از «أُمَّةٍ مَّغْدُودَةٍ» کسانی هستند که همراه آن حضرت قیام می‌کنند و تعدادشان به عدد اهل بدر می‌باشد.^۲

﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ ﴿۱۳﴾

«گویا بعضی از آنچه به تو وحی می‌شود ترک کننده‌ای. یعنی از ابلاغ آن (از بیم عدم پذیرش آنان) خودداری می‌کنی. و سینه‌ات تنگ گشته و تو را ناراحت کرده به خاطر این که می‌گویند: چرا گنجی بر او نازل نشده و یا چرا فرشته‌ای همراه او نیامده است؟ تو فقط بیم دهنده‌ای (ابلاغ کن و ناراحت مباش) و خداوند نگاهبان و ناظر بر همه چیز است.»

۴ - علی بن ابراهیم رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: سبب نزول آیه مذکور این بود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمدند و به علی علیه السلام فرمودند:

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۴۴؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۱۰۵، ح ۸؛ اثبات الهداة: ج ۷، ص ۵۰، ح ۴۱۸.
 ۲. تفسیر برهان: ج ۵، ص ۱۰۵، ح ۹؛ غیبت نعمانی: ص ۲۴۷، ح ۳۶؛ بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۵۸، ح ۵۱.

علی جان، شب گذشته از خداوند درخواست کردم که تورا وزیر من قرار دهد و او پذیرفت، از او خواستم که تورا وصی من قرار دهد، آن را نیز پذیرفت، و از او خواستم که تورا جانشین من در میان امتم قرار دهد، پذیرفت.

یکی از اصحاب گفت: به خدا قسم یک صاع (حدود سه کیلو) خرما در یک مشک فرسوده نزد من محبوب تر است از آنچه محمد ﷺ از پروردگارش درخواست نموده است. چرا از او نخواست که فرشته‌ای را به یاری او بفرستد و یا مال و ثروتی که او را کمک کند؟ به خدا قسم علی ؑ را در هیچ امری حق یا باطل نخواند مگر آنکه او را اجابت کند! پس خداوند تبارک و تعالی این آیه را بر رسولش نازل کرد: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ...﴾^۱

۵ - و تأیید می‌کند آن را آنچه مرحوم کلینی به سند خود از عمار بن سوید روایت کرده است که گفت: از امام صادق ؑ شنیدم که در تفسیر آیه شریفه ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ...﴾ فرمود:

چون رسول خدا ﷺ به وادی قُذید (محلّی است میان مکه و مدینه) فرود آمد به علی ؑ فرمود: علی جان، من از پروردگارم خواستم که موالات و دوستی میان من و تورا کامل گرداند و او پذیرفت، از حضرتش خواستم که میان من و تو اخوت و برادری قرار دهد و او اجابت کرد، از او درخواست نمودم که تورا وصی من گرداند و او قبول کرد.

دو نفر از قریش گفتند: به خدا یک صاع خرما در یک انبان فرسوده نزد ما محبوبتر است از آنچه محمد ﷺ از پروردگارش درخواست نموده است، چرا از او نخواست تا فرشته‌ای بفرستد و او را بردشمنش یاری نماید، و یا گنجی برساند که او را از تنگدستی رهایی بخشد، و به خدا برای هیچ حق و باطلی او را نخواند و به درگاه او دعا نکند جز آنکه اجابت فرماید. در این هنگام خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ...﴾

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۲۴، تفسیر برهان: ج ۵، ص ۱۰۷، ح ۲.

بدان که گفتار این گوینده، مفهوم و شرح حال او معلوم است. خداوند برای او آتش سوزان، و سایه دودهای متراکم و آتش زا را آماده ساخته و آشامیدنی او را آبی سوزان و خوراکی او را زقوم قرار داده است. و این پاداش او از خداوند زنده پاینده‌ای است که قائم به ذات خویش است.

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ﴾ ﴿١٧﴾

«آیا کسی که دلیل روشن و آشکاری از پروردگارش دارد و به دنبال او شاهی از او می‌باشد...».

۶ - طبرسی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه شریفه گفته است:

مقصود از «کسی که دارای بینه و دلیل روشن از طرف پروردگارش می‌باشد» رسول خدا صلی الله علیه و آله است. و مراد از «کسی که به دنبال و در پی او می‌آید و شاهی از او است» امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد، زیرا که امیرالمؤمنین علیه السلام به دنبال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌آید، از او پیروی می‌کند، برای او شهادت می‌دهد و از پیامبر خداست همان طور که ایشان فرموده است: «من از علی علیه السلام و علی علیه السلام از من است» و این مطلب از امام باقر و حضرت رضا علیه السلام روایت شده است.

و نیز طبرسی رحمته الله علیه به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام آن را روایت کرده است. و ابن طاووس رحمته الله علیه از محمد بن عباس نقل کرده است که او این حدیث را در کتابش از شصت و شش طریق با سندهای هریک روایت کرده است.^۱

۷ - علی بن ابراهیم رحمته الله علیه در تفسیرش گفته است: کسی که دارای بینه و دلیل روشن از طرف پروردگارش می‌باشد رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۸ - و نیز به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۵۰؛ بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۳۹۳، ذح ۱۸؛ نور الثقلین: ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۴۶.

کسی که دارای دلیل روشن و آشکار از طرف پروردگار است، رسول خدا ﷺ می باشد. و نزول این آیه شریفه چنین بوده: ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ . یعنی ﴿إِمَامًا وَرَحْمَةً﴾ مربوط به شاهد است نه مربوط به کتاب موسی، و در هنگام تألیف و گرد آوری آیات تقدیم و تأخیر شده است.^۱

توجیه مطلب: هنگامی که خداوند سبحان فرمود: ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ﴾ «و در پی او شاهدی از او می آید»، مقصود امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

بعد از آن فرموده است: همانا این کسی که در پی پیامبری آید و شاهدی که برای او به ابلاغ، و روز معاد برای امت او شهادت می دهد، ما او را برای شما امام و پیشوا قرار دادیم که به او اقتدا کنید و او رحمتی از ناحیه ما بر شما است، پس امامت او را در دنیا بپذیرید، زیرا کسی که امامت او را در دنیا بپذیرد باعث تقرب او در آخرت خواهد بود و پیروزمند و سعادت مند است و کسی که نپذیرد در دنیا و آخرت زیانکار است.

﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ ﴿۱۱۸﴾ و ﴿۱۱۹﴾

«آن ها همواره مختلفند مگر کسی که پروردگارت بر او ترحم نماید، و برای همین (رحمت) آن ها را آفرید.»

تأویل آیه: پیوسته آنان در مذهب و دین و آئین اختلاف دارند، و اختلاف نکردند مگر بعد از فرستادن رسولان به سوی آنان، به دلیل این آیه شریفه ﴿فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾ «آن ها اختلاف نکردند مگر بعد از علم و آگاهی و این اختلاف به خاطرستم و برتری جویی آنان بود.»

۹ - و به خاطر فرمایش پیامبر اکرم ﷺ که فرمود:

امت برادرم حضرت موسی ۷۱ فرقه شدند یک فرقه از آنان اهل نجات و بقیه آنان در آتش خواهند بود. امت برادرم حضرت عیسی ۷۲ فرقه شدند یک فرقه از آنان اهل نجات

۱. تفسیر علی بن ابراهیم: ج ۱، ص ۲۲۴، تفسیر برهان: ج ۵، ص ۱۱۴، ح ۱.

و بقیه آنان در آتش خواهند بود.

و به زودی امت من ۷۳ فرقه می‌شوند، یک فرقه از آنان اهل نجات و بقیه آنان در آتش خواهند بود.^۱

و آن‌ها هستند که قصد شده‌اند در این فرمایش پروردگار: ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ﴾ «مگر کسی که پروردگارت بر او رحم کند».

۱۰ - به خاطر روایتی که کلینی رضی الله عنه به سند خود از ابی عبیده روایت کرده است که گفت: از امام باقر رضی الله عنه درباره استطاعت و قول مردم سؤال کردم. امام رضی الله عنه این آیه را تلاوت فرمود:

﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾^۲ «آن‌ها همواره مختلفند * مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند و برای آن‌ها را آفرید». ای ابو عبیده، مردم در خطا نکردن گفتار و به واقع رسیدن مختلفند و همه آنان هلاکند.

عرض کردم: پس این فرمایش پروردگار معنایش چیست؟ ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ﴾ «مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند»؟

فرمود: آن‌ها شیعیان ما هستند و آنان را برای رحمتش آفریده و فرموده: ﴿وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ یعنی برای اطاعت از امام.^۳

این فرمایش امام «همه آنان هلاکند» مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند» که آن‌ها شیعیان ما هستند» به این دلیل است که شیعه تنها «فرقه ناجیه» است. در این مورد قبلاً [در احادیث: ۳۷ و ۳۸ از سوره اعراف] بحث کردیم.

۱. خصال: ص ۵۸۵، ح ۱۱؛ بحار الأنوار: ج ۱۴، ص ۳۴۶، ح ۳ و ج ۲۸، ص ۴، ح ۳؛ جامع الاخبار: ص ۱۶۲، ح ۲؛

الصراف المستقیم: ج ۲، ص ۹۶.

۲. سوره هود، آیه ۱۸ و ۱۹.

۳. کافی: ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۸۳.

سُورَةُ يُوسُفَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ ﴿۱۳۸﴾

«بگو: این راه من است، و من و آنکه از من متابعت کند با بصیرت و آگاهی مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم».

۱ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ فرمود: مقصود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصیاء آن دو هستند، آنان با بصیرت کامل مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند.^۱

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه خداوند تبارک و تعالی دعوت می‌کند و او نسبت به امر خویش بصیرت کامل دارد و همچنین آنکه از او متابعت کند و او امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصیاء بعد از او هستند که همگی راه او را پیمودند و از او متابعت کردند و دلیل او را اقامه نمودند.

درود و سلام خداوند بر آنان باد.

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۶۶، تفسیر برهان: ج ۵، ص ۲۸۸، ح ۱.

سُورَةُ الرَّعْدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ
وَعَيْرٌ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ﴾ ①

«در روی زمین قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخل ها که گاه بر یک پایه می رویند و گاه بر دو پایه ، همه آن ها از یک آب سیراب می شوند».

۱ - طبرسی رحمته الله در تفسیرش گفته است: از جابر بن عبدالله روایت شده است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به حضرت علی علیه السلام فرمود:

علی جان، مردم از درخت های گوناگونند اما من و تو از یک درخت هستیم، سپس این آیه را قرائت فرمود: ﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَعَيْرٌ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ﴾

مقصود از «شجره واحده» شجره نبوت است و آن شجره مبارکه زیتونه ابراهیمیته است، و مقصود شجره طیبه است که اصل و ریشه آن در زمین ثابت، و فرع و شاخه آن در آسمان بالا رونده است. درود خدا هر صبح و شام بر آن دو بزرگوار و بر ذریه پاک آنان.

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۲۷۶؛ نور الثقلین: ج ۳، ص ۴۱۵، ح ۱۰.

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ ﴿١﴾

«همانا تو بیم دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت کننده‌ای است.»

۲ - سید بن طاووس رحمته الله به سند خود از محمد بن عباس رحمته الله و او به سند خود از اصبع بن نباته روایت کرده است که گفت:

امیرالمؤمنین عليه السلام برای مردم خطبه خواند، پس از حمد و ثنای الهی فرمود:
ایها الناس، سلونی قبل أن تفقدونی، أنا یعسوب المؤمنین وغایة السابقین وامام
المتقین...

ای مردم، از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا از دست دهید، من سرور و سالارمؤمنین، مقصود پیشینیان، امام پرهیزکاران، رهبر و پیشوای رؤسفیدان، خاتم اوصیاء و وارث پیامبرانم، من تقسیم کننده آتش و خزانه دار بهشت و صاحب حوض هستم هیچ یک از ما نیست مگر آنکه به تمام اهل ولایتش آگاه و دانا است، و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۱

۳ - علی بن ابراهیم رحمته الله به سند خود از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ فرمودند:

«المنذر: بیم دهنده» رسول خدا صلى الله عليه وآله است و «الهادی: هدایت کننده» امیرالمؤمنین عليه السلام است و بعد از آن حضرت ائمه طاهرین عليهم السلام می باشند، در هر زمانی پیشوای هدایت کننده‌ای از فرزندان آن حضرت است.^۲

۴ - و آن را تأیید می کند روایتی که کلینی رحمته الله به سند خود از حضرت باقر عليه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ فرمودند:

رسول خدا صلى الله عليه وآله «منذر: بیم دهنده» است و برای هر زمان و دوران «هدایت کننده‌ای» از ما اهل بیت وجود دارد که مردم را به سوی آنچه پیامبر صلى الله عليه وآله آورده، هدایت می کند؛ و

۱. الیقین: ص ۴۸۹؛ بحار الأنوار: ج ۳۹، ص ۳۴۶، ح ۱۸.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۶۰؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۰، ح ۱۶؛ اثبات الهداة: ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۲۷۳.

هدایتگران پس از پیامبر ﷺ حضرت علی علیه السلام و پس از آن حضرت جانشینان او یکی پس از دیگری است.^۱

۵ - و نیز به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» سؤال کردم، فرمود:

«رسول خدا «منذر» یعنی بیم دهنده و علی علیه السلام «هاد» یعنی هدایت کننده است.»

آنگاه امام علیه السلام به من فرمودند: ای ابا محمد آیا امروز هدایت کننده ای هست؟

عرض کردم: آری فدای شما شوم، همواره از میان شما هدایتگری بوده و آنها یکی

پس از دیگری آمده اند تا امروز این منصب به شما رسیده است.

امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمد، خدا تو را رحمت کند، اگر چنین بود که هرگاه آیه ای بر

شخصی نازل می شد و با مردن آن شخص، آن آیه نیز میمرد، کتاب مرده بود و از بین رفته

بود ولی کتاب همواره زنده است و احکام آن درباره آیندگان جاری است همان طور که در

مورد پیشینیان جاری بوده است.^۲

۶ - طبرسی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه شریفه از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

هنگامی که این آیه شریفه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

أنا المنذر وأنت الهادي من بعدي، یا علی بك یمتدی المهتدون.

من «بیم دهنده» و تو «هادی» و هدایتگری بعد از من، یا علی به وسیله تو هدایت

یافتگان هدایت می شوند و در پرتو نور هدایت تو اهل هدایت راه را پیدا می کنند و

می پیمایند.^۳

حاکم حسکانی به سند خود از ابوبریده اسلمی روایت کرده است که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آبی خواستند تا وضو بگیرند. پس از فراغت از وضو، دست علی علیه السلام

۱. کافی: ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۲، تفسیر برهان: ج ۵، ص ۳۰۵، ح ۴.

۲. کافی: ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۳، تفسیر برهان: ج ۵، ص ۳۰۵، ح ۵.

۳. مجمع البیان: ج ۶، ص ۲۷۸.

را گرفتند و روی سینه خود نهادند و در حالی که به خود اشاره می فرمودند، این آیه را تلاوت نمودند: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ﴾.

سپس آن را بر سینه مبارک حضرت علی علیه السلام نهادند و فرمودند: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ «برای هر گروهی هدایتگری است».

سپس به آن حضرت فرمودند: تو محل تابش نور برای مردم و چهلچراغ هدایتی، تو امیر و فرمانروای قاریان هستی، و من گواهی می دهم بر آن و اینکه تو چنین هستی.^۱
سید بن طاووس رحمته الله در کتاب سعد السعود از محمد بن عباس نقل کرده است که آن را به ۵۰ طریق با اسانید آن ها روایت کرده است.^۲

﴿أَقَمَن يَعْلَمُ أَنَّ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ * وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ (۱۶) و (۱۷)

«آیا آنکه می داند آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده حق است مانند کسی است که نابینا باشد، صاحبان خرد و اندیشه اند که می توانند بفهمند و درک کنند * آن ها که به عهد پروردگار وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند * و آنانکه به دستور خداوند با کسانی که فرموده پیوند و ارتباط برقرار می کنند و از پروردگارشان می ترسند و از بدی حساب بیم دارند».

تأویل آیه: آیا از نظر هدایت مساوی می باشند کسانی که حق بودن آنچه را که از پروردگارت به تو نازل شده می دانند، با کسانی که کورند و این بینش را ندارند؟ این استفهام انکاری است، و معنایش این است که خداوند سبحان بین ولی و

۱. شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۴۱۴؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲، ص ۲۸۰؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۳۱۰، ح ۲۲.

۲. سعد السعود: ص ۱۹۹.

عدؤ فرق گذاشته است «ولئ» آن کسی است که از روی یقین می‌داند آنچه از طرف پروردگار به حضرت محمد ﷺ نازل شده حق است. و «عدؤ دشمن» آن نابینایی است که این درک و بینش را ندارد.

آیا این دو در مرتبه و منزلت مساوی هستند؟ هرگز نزد خدا مساوی نیستند. عالم هرگز مانند جاهل و بینا مانند کور نیست، «ولئ عالم» امیرالمؤمنین علیه السلام و «عدؤ جاهل نابینا» دشمن او است به دلیل آنچه بیان آن می‌آید.

۷ - ابن مردویه به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور گفته است:

از آنکه می‌داند آنچه بر رسول خدا ﷺ از طرف پروردگار نازل شده حق است، مقصود حضرت علی علیه السلام می‌باشد.^۱

۸ - و آن را تأیید می‌کند روایتی که حسین بن جبیر در کتاب «نخب المقال» مسندا از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه فرمودند:

آنکه می‌داند آنچه از طرف پروردگار به رسول خدا ﷺ نازل شده حق است علی بن ابی طالب علیه السلام و «أعمی»: «کور» در اینجا دشمن آن حضرت است. و «أُولُوا الْأَلْبَابِ» شیعیان آن حضرت هستند که این گونه توصیف شده‌اند «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ» آن‌ها که به عهد پروردگار وفا می‌کنند و پیمانی را که در عالم ذر و در روز غدیر از آن‌ها در مورد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام گرفته شده، نمی‌شکنند.^۲

سپس آن‌ها را به وصف دیگری توصیف نموده و فرموده: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» «آنانکه به دستور خداوند با کسانی که فرموده صلّه و احسان می‌نمایند» و آن‌ها خویشاوندان پیامبرند که خدا به صلّه و احسان و مودتشان امر فرموده است.

۹ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۸۱، ح ۱۷۶؛ كشف الغمّه: ج ۱، ص ۳۱۶؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۶۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۴۰۱، ح ۱۳۰ و ج ۳۶، ص ۱۲۴ و ج ۳۸، ص ۲۷؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۶۱.

است که فرمودند:

همانا رحم آل محمد علیهم السلام - یعنی آن رشته خویشاوندی - به عرش آویخته است و می‌گوید: خداوندا پیوند داشته باش با کسی که با من پیوند داشته و قطع کن (رحمت خود را) از کسی که از من بریده و با من قطع رابطه نموده است؛ و این در هررحمی جاری است. و این آیه درباره حق آل محمد و آنچه عهد گرفته از ایشان بر آن و میثاقی که از مردم گرفت در عالم ذر بر ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین بعد از آن حضرت علیه السلام، نازل شده است. و این فرمایش پروردگار عالم است: ﴿الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ «کسانی که به عهد خدا وفا می‌کنند و پیمان شکنی نمی‌نمایند».

سپس دشمنان ایشان را یاد نموده و فرموده است: ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾ «کسانی که بعد از محکم کردن عهد و میثاق در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام پیمان-شکنی نموده‌اند».

و حضرت علی علیه السلام کسی است که خداوند در عالم ذر، از مردم، برای او عهد و پیمان گرفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم.

سپس فرموده است: ﴿أُوْلَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ «آن‌ها سزاوار لعنت و دوری از رحمتند و بدی سرای آخرت از آن آنان است»^۱.

۱۰ - در تفسیر امام عسکری علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الرحمن» آمده است: همانا «رحمان» از رحمت مشتق گشته است.

و فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

أَنَا الرَّحْمَنُ وَ هِيَ مِنَ الرَّحِمِ شَقَّقْتُ لَهَا مِنْ اسْمِي مَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا بَتَّئْتُه.

من «رحمان» هستم و آن از «رحم» است برای آن اسمی از اسماء خودم مشتق نموده‌ام،

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۶۳؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۳۲۹، ح ۷.

هر که با آن بپیوندد با او می‌پیوندم، و هر که با او قطع کند، با او قطع می‌نمایم.
سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

همانا رحمی که خداوند تبارک و تعالی آن را از اسم خود مشتق نموده به کلامش «أنا الرحمن» مقصود رحم محمد صلی الله علیه و آله (یعنی خویشاوندان آن حضرت) است، و همانا از بزرگداشت خداوند بزرگداشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و همانا از بزرگداشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بزرگداشت رحم آن حضرت است، و بدون تردید هر زن و مرد مؤمنی از شیعیان ما از رحم حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستند و همانا بزرگداشت آن‌ها بزرگداشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

پس وای به حال کسی که نسبت به حرمت رحم حضرت محمد صلی الله علیه و آله کوتاهی کند و استخفاف نماید، و خوشا به حال کسی که حرمت آن را بزرگ بدارد و رحم او را گرمی بدارد و با آن بپیوندد.^۱

پس از آنکه خداوند سبحان ﴿أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ را توصیف کرد ضد آن‌ها و مخالفین آن‌ها را ذکر نمود و فرمود:

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ (۱۵)

«کسانی که بعد از محکم کردن عهد و میثاق الهی، پیمان شکنی نمودند و پیوندهایی را که خدا به برقراری آن دستور داده قطع می‌کنند و روی زمین فساد می‌نمایند لعنت برای آن‌ها است و بدی سرای آخرت».

علی بن ابراهیم رضی الله عنه گفته است:

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾ «کسانی که بعد از محکم کردن عهد و میثاق الهی پیمان شکنی کردند» یعنی پیمان و بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام را که رسول

۱. تفسیر امام عسکری علیه السلام : ص ۴۸ ح ۱۲؛ بحار الانوار؛ ج ۲۳، ص ۲۶۶، ح ۱۲.

خدا ﷺ در غدیر خم از آن‌ها گرفت، شکستند؛ ﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ و با آنانکه خدا امر فرموده به صله با آنان که مقصود خویشاوندان پیامبرند قطع رابطه نمایند، و در روی زمین فساد نمایند، برای آنان دوری از رحمت خدا و بدی سرای آخرت است.^۱

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ ﴿۳۸﴾

«کسانی که ایمان آورده و دل‌های آنان به ذکر و یاد خدا اطمینان و آرامش دارد، آگاه باشید دل‌ها تنها در پرتو یاد خدا آرامش می‌یابند».

۱۱ - عیاشی رضی الله عنه به سند خود از انس روایت کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ این آیه شریفه را تلاوت نمودند: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ «کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌های ایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است، آگاه باشید که دل‌ها تنها با یاد خدا آرامش می‌یابند»، سپس به من فرمودند:

آیا می‌دانی مقصود چه کسانی هستند؟ عرض کردم: آن‌ها چه کسانی هستند ای رسول خدا؟

فرمود: ما اهل بیت و شیعیانمان هستیم که دل‌های آرام و مطمئن داریم.^۲
سپس خداوند سبحان بیان نموده که صاحبان دل‌های مطمئن و آرام چه کسانی هستند و فرموده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾

«آنانکه ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند «طوبی» برای آنان است و بازگشت نیکو خواهند داشت».

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۶۵؛ نور الثقلین: ج ۳، ص ۴۳۸، ح ۱۱۶.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۴، ح ۴۸ از مستدرک ابن البطریق؛ تفسیر برهان: ج ۳، ص ۲۵۳ ح ۳.

یعنی محلّ بازگشت آن‌ها در آخرت نیکو است و آن عبارت از بهشت است.

۱۲ - سید بن طاووس رحمته الله به نقل از مختصر کتاب محمد بن عباس مسندا از امام صادق و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: هنگامی که این آیه شریفه ﴿طُوبَىٰ لِمَنْ هُوَ حَسُنَ مَا يَمُورُ﴾ نازل شد مقداد به پا خواست و عرض کرد: ای رسول خدا، طوبی چیست؟ حضرت فرمودند:

درختی است در بهشت که اگر اسب سوار چابکی صد سال در سایه آن راه برود به پایان آن نمی‌رسد. برگ‌های آن جامه‌های سبز، شکوفه‌های آن زرد رنگ، کناره‌های آن ابریشم و حریر، میوه‌های آن حله‌های سبز، صمغ آن عسل و زنجبیل، گستره آن یاقوت سرخ و زمرد سبز و خاک آن مشک و عنبر است - و در توصیف آن و شگفتی‌های آن مطلب را ادامه داد تا آنکه فرمود:-

روزی در حالی که در سایه آن درخت طوبی، (دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام) سخن می‌گفتند، ناگهان فرشتگانی آمدند که شترهایی را جلوداری می‌کردند - سپس در عجائب و اوصاف آن شترها، رنگ، کُرک و افسارشان مطالبی را فرمود که در متن حدیث ذکر شده، تا آنکه فرمود:- پس فرشتگان آن شترها را در کنار دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام بر زمین خواباندند و به آن‌ها گفتند: پروردگارتان به شما سلام می‌رساند، آیا در پیشگاه او حضور پیدا می‌کنید تا به شما نظر رحمت کند و به شما تحیت و درود فرستد و از فضل و لطف گسترده‌اش نسبت به شما بیفزاید که او صاحب رحمت گسترده و فضل عظیم است؟ پس هر یک از آنان بر مرکبش قرار گرفته و یک ردیف تشکیل دادند و به راه افتادند، به هیچ درختی از درختان بهشت عبور نمی‌کنند مگر آنکه از میوه هایش به آن‌ها هدیه می‌دهد و از میان راه آنان کنار می‌روند مبدا میان آن‌ها و همراهانشان جدایی اندازند.

هنگامی که در پیشگاه ربوبی حضور یابند عرض کنند: پروردگارا تو سلام هستی و سلام از تو است و جلالت و بزرگی شایسته تو است. پروردگار عالم در پاسخ ایشان می‌فرماید: من سلام هستم و سلام از من است و جلالت و بزرگی سزاوار من است، مرحبا به بندگانم که سفارش مرا در مورد اهل بیت پیامبرم مراعات نمودند و حق مرا رعایت کردند

و در پنهان و نهان از من ترسیدند و در هر حالی از من بیمناک بودند.

عرض کنند: به عزت و جلالت خدایا ما قدر تو را آنگونه که هستی و سزاوار است ندانستیم و حق تو را تمام حَقّت را ادا ننمودیم، اکنون اجازه بده سجده کنیم، پروردگارشان به آن‌ها می‌فرماید: سختی و زحمت عبادت را از شما برداشتم و بدن‌های شما را راحت ساختم، شما مدت‌ها بدن‌های خود را در راه عبادت من به زحمت انداختید، و با چهره بر خاک نهادن برای من فروتنی نمودید، اکنون به لطف و رحمت من نائل آمده‌اید، از من درخواست کنید آنچه می‌خواهید و تمنا کنید تا عطا کنم، من امروز شما را نه به اعمالتان بلکه به رحمت و کرامت و لطف و بزرگواریم و به محبت شما نسبت به اهل بیت پیامبرم محمد ﷺ پاداش می‌دهم.

ای مقداد، پیوسته دوستان علی بن ابی طالب علیه السلام غرق در عطا و بخشش الهی هستند حتی یک شیعه مقصّر آن حضرت مثل تمام دنیا را از روزی که خداوند آفریده تا روز قیامت تمنا می‌کند.

پروردگار تبارک و تعالی به آن‌ها می‌فرماید: در آرزو و تمنای خویش کوتاه آمدید و به کمتر از آنچه سزاوار شما است رضایت دادید، به عنایات و الطاف پروردگارتان بنگرید. در این هنگام قبه‌ها و قصرهایی از یاقوت سرخ و سبز و سفید و زرد در اعلیٰ علین مشاهده کنند که نور آن‌ها می‌درخشد - و آن قصور را توصیف فرمود به اوصافی که خردها در آن متحیر مانند - تا آنکه فرمود:

هنگامی که بخواهند به منزل‌های خویش بازگردند بر مرکب‌هایی از نور قرار گیرند. و چون داخل منزل‌های خود شوند ملائکه را مشاهده کنند که به آن‌ها کرامت پروردگار را گوارا باد گویند، و وقتی به قرارگاه خویش قرار گیرند به آن‌ها گفته شود: ﴿هل وجدتم ما وعد ربکم حقاً﴾ «آیا وعده پروردگارتان را یافتید که حق است»؟ عرض کنند: آری پروردگارا خشنود گشتیم تو از ما خشنود باش.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: با رضایتی که از شما داشتم و به محبتی که شما نسبت به اهل بیت پیامبرم دارید در سرای من وارد شدید و با ملائکه مصافحه نمودید.

پس گوارا باد، گوارا باد، این عطایی است که پیوسته است و قطع نمی‌شود و کمی و کاستی ندارد. در این هنگام بگویند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾. رَبِّ الْعَالَمِينَ. ﴿الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نِصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿﴾ «حمد و ستایش سزاوار خداوندی است - که پروردگار جهانیان است - آنکه اندوه را از ما برطرف ساخت، همانا پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است، آنکه با فضل و رحمتش ما را در این سرای اقامت وارد نمود که نه رنجی در آن به ما می‌رسد و نه دچار سستی و واماندگی می‌شویم»^{۱، ۲}.

۱۳ - طبرسی رحمته الله علیه از ثعلبی نقل کرده است که او به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

«طوبی» درختی است که ریشه آن در خانه علی بن ابی طالب رضی الله عنه در بهشت است، و در خانه هر مؤمنی شاخه‌ای از آن می‌باشد.^۳

۱۴ - و از حسکانی نقل کرده است که او به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدر بزرگوارش، از پدراناش روایت کرده‌اند که فرمودند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد «طوبی» سؤال شد، حضرت فرمودند: درختی است که اصل و ریشه آن در خانه من و شاخه‌های آن در خانه‌های بهشتیان است.

بار دیگر از آن حضرت سؤال شد، فرمودند: اصل آن در خانه علی بن ابی طالب رضی الله عنه است. عرض کردند: چگونه می‌شود؟ حضرت فرمودند: خانه من و خانه علی بن ابی طالب رضی الله عنه در بهشت در مکان واحدی است.^۴

۱۵ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

۱. سوره فاطر، آیه ۳۴ و ۳۵.

۲. سعد السعود: ص ۲۲۰، ج ۳۲: بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۷۱، ذح ۱۳۱.

۳. مجمع البیان: ج ۶، ص ۲۹۱؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۴۱۷؛ بحار الأنوار: ج ۸، ص ۸۷.

۴. مجمع البیان: ج ۶، ص ۲۹۱؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۴۱۷؛ بحار الأنوار: ج ۸، ص ۸۷.

رسول خدا ﷺ فاطمه‌اش را زیاد می‌بوسید، عایشه خوشش نمی‌آمد و نمی‌پسندید، رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای عایشه، هنگامی که به آسمان‌ها بالا برده شدم، وارد بهشت گردیدم، جبرئیل مرا نزدیک درختی طوبی برد و از میوه آن به من تعارف نمود و من خوردم خداوند آن را آبی در کمر من گردانید و چون به زمین فرود آمدم با همسرم خدیجه ع همبستر شدم و او به فاطمه ع حامله گردید. لذا هرگاه او را می‌بوسم رائحه درخت طوبی را از او استشمام می‌کنم^۱، فاطمه حوریه‌ای در لباس انسان است.

۱۶ - در معنای «تفاحه» حدیث شریف جالبی روایت شده است: شیخ طوسی ع به سند خود مرفوعاً از سلمان فارسی ع روایت کرده است که گفت:

به خانه فاطمه ع وارد شدم امام حسن و امام حسین ع را دیدم که در پیش روی آن حضرت بازی می‌کنند، از تماشای آن دو عزیز بسیار شادمان شدم. خیلی نگذشت که رسول خدا ﷺ وارد شدند عرض کردم: ای رسول خدا برایم از فضائل این عزیزانت بگو تا بر محبت من نسبت به آنان افزوده گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای سلمان، شبی که به آسمان‌ها برده شدم جبرئیل مرا در آسمان‌ها و در بهشت گردانید، در ضمن گشتن در قصرها و باغ‌های بهشت رائحه دلپذیری به مشام رسید که مرا شگفت زده نمود، به جبرئیل گفتم: دوست من این چه رائحه‌ای است که بر همه رائحه‌های بهشت چیره گشته و همه آن‌ها را تحت الشعاع قرار داده است.

جبرئیل گفت: ای محمد ع سببی است که خداوند تبارک و تعالی به دست قدرت خویش سیصد هزار سال پیش آفریده و ما نمی‌دانیم نسبت به آن چه اراده‌ای فرموده است. در همین حال که ما سخن می‌گفتیم فرشتگانی را دیدم که آن سیب را به همراه آورده بودند، فرشتگان گفتند: ای محمد ع پروردگار ما سلام به شما می‌رساند و این

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۳۶؛ بحار الأنوار: ج ۸، ص ۱۲۰، ح ۱۰ و ج ۱۸، ص ۳۶۴، ح ۶۸ و ج ۴۳، ص ۶، ح ۶.

سیب را به شما هدیه داده است.

رسول خدا ﷺ فرمودند: من آن سیب را گرفتم و زیر بال جبرئیل آن را قرار دادم، چون به زمین فرود آمدم آن سیب را خوردم و خداوند آب آن را در پشت من جمع نمود، با همسرم خدیجه همبستر گشتم و او از آب آن سیب به فاطمه علیها السلام حامله گردید.

خداوند به من وحی فرمود: برای تو حوریه‌ای به شکل انسان تولد یافته است. پس نور را به نور، یعنی فاطمه را به علی علیه السلام تزویج نما. من در آسمان فاطمه را به علی علیه السلام تزویج نمودم و مهریه او را یک پنجم زمین قرار دادم، و به زودی از آن دو ذریه پاکی به دنیا خواهد آمد، حسن و حسین علیهما السلام که دو چراغ پر فروغ بهشت اند و از صلب حسین علیه السلام ائمه دنیا می‌آیند که یاری نمی‌شوند و کشته می‌شوند، وای بر کسانی که ترک یاری آنان کنند و وای بر قاتلان آنان.^۱

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُم أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً﴾ ﴿۱۷﴾

«و ما رسولانی پیش از تو فرستادیم و برای آنان همسر و ذریه قرار دادیم.»

۱۷ - طبرسی رحمته الله در کتاب تفسیرش آورده است: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این آیه را قرائت نمود و به سینه مبارک اشاره کرد و فرمود:
به خدا قسم ما ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله هستیم.^۲

۱۸ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از عبدالله بن ولید روایت کرده است که گفت:
در زمان بنی مروان خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم، امام علیه السلام فرمودند: شما کیستید؟ عرض کردیم: از اهل کوفه هستیم. حضرت فرمودند:
هیچ شهری جمعیت دوستان ما در آن به اندازه کوفه نیست مخصوصاً این گروه، خداوند شما را به امری هدایت فرمود که مردم نسبت به آن جاهلند. شما ما را دوست

۱. بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۳۶۱، ح ۲۳۲؛ مدینه المعاجز: ج ۳، ص ۴۲۲، ح ۹۵۰.

۲. مجمع البیان: ج ۶، ص ۲۹۷؛ بحار الأنوار: ج ۱۱، ص ۱۴.

می‌دارید و مردم بغض و کینه ما را دارند. شما با ما بیعت کردید و مردم مخالفت نمودند. شما ما را تصدیق و مردم تکذیب کردند. خداوند حیات شما را (همچون) حیات ما، و مرگ شما را (همانند) مرگ ما قرار دهد، پدرم می‌فرمود:

فاصله‌ای بین شما و دیدن آنچه باعث چشم روشنی شما شود جز رسیدن جان به گلوگاه نیست، خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً﴾ «و ما پیش از تو رسولانی فرستادیم و برای آنان همسران و فرزندان قرار دادیم» و ما ذریه رسول خدا ﷺ هستیم.^۱

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ
وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ ﴿۱۴﴾

«و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: تو پیامبر نیستی بگو: خداوند و کسی که علم کتاب نزد او است کفایت می‌کند که میان من و شما گواهی دهد».

۱۹ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در مورد این آیه شریفه ﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ فرمود: کسی که نزد او علم کتاب است ماییم و آیه شریفه ما را قصد کرده است و حضرت علی علیه السلام اول ما و افضل ما و بهترین ما بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۲

۲۰ - و نیز به سند خود از جابر روایت کرده است که گفت:

هیچ کسی ادعا نکرده که همه قرآن را به گونه‌ای که نازل شده جمع آوری نموده است مگر آنکه دروغگو باشد، و آن را، به گونه‌ای که خداوند تبارک و تعالی نازل فرموده، حفظ نکرده و جمع آوری ننموده مگر علی بن ابی طالب و امامان بعد از آن

۱. امالی طوسی: ص ۱۴۴، ح ۴۷ و ص ۶۷۸، ح ۱۹؛ کافی: ج ۸، ص ۸۱، ح ۳۸؛ وافی: ج ۵، ص ۸۰۱، ح ۴؛ تفسیر فرات: ص ۲۱۶، ح ۲۹۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۷، ص ۱۶۵، ح ۲۲ و ج ۶۸، ص ۲۰، ح ۳۴.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱۶، تفسیر برهان: ج ۵، ص ۳۶۶، ح ۱، وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۳۴، ح ۱۵.

حضرت علیه السلام ۱.

۲۱ - و نیز به سند خود از عبد الاعلی مولی آل سام روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

والله اني لأعلم كتاب الله من أوله إلى آخره كأنه في كفي....

به خدا قسم من همه کتاب خدا را از ابتدا تا انتهایش می دانم گویا در کف دست من است، در آن خبر آسمان و خبر زمین و خبر آنچه بوده و خبر آنچه خواهد بود می باشد، خداوند تبارک و تعالی درباره آن فرموده است: «تبیان کل شیء»؛ در آن بیان هر چیز است» ۲.

۲۲ - و نیز به سند خود روایت کرده است که امام صادق علیه السلام آیه شریفه ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ ظَرْفُكَ﴾ ۳ «آنکه ۴ علمی از کتاب نزد او بود گفت: من پیش از آنکه چشم بر هم زنی آن را نزد تو آورم» را قرائت نمودند، آنگاه میان انگشتان خود را باز کرده و آن‌ها را بر سینه نهاده و فرمودند: و نزد ما به خدا قسم «علم تمام کتاب» است. ۵

۲۳ - طبرسی رحمته الله به سند خود از عبدالله بن ولید روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

مردم در مورد پیامبران اولوالعزم و مولای شما امیرالمؤمنین علیه السلام چه نظری دارند یعنی کدام را برتر می دانند؟

عرض کردم: آن‌ها هیچ کس را بر اولوالعزم مقدم نمی‌دارند، آن‌ها را از همه برتر می‌دانند. امام صادق علیه السلام با آیات قرآن استدلال نمودند و برایش توضیح دادند که گفته

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۱؛ بصائر الدرجات: ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۲؛ بحار: ج ۹۲، ص ۸۸، ح ۲۷.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۴؛ وافی: ج ۳، ص ۵۶۱، ح ۴.

۳. سوره نمل، آیه ۴۰.

۴. مقصود آصف بن برخیا است که تخت بلقیس را به یک چشم به هم زدن برای حضرت سلیمان حاضر کرد.

۵. کافی: ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۵؛ بصائر الدرجات: ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۲؛ بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۱۷۰، ح ۳۷.

آن‌ها درست نیست، فرمودند:

خداوند تعالی در مورد حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده است: ﴿وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَنْوَاجِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً﴾^۱ «برای او در الواح از هر چیزی موعظه‌ای نوشتیم». در این آیه فرموده است: ﴿مِنْ كُلِّ شَيْءٍ﴾ یعنی «بعضی از هر چیز» و فرموده: «كُلُّ شَيْءٍ؛ هر چیز».

در مورد حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده است: ﴿وَلَا يَبِينُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ﴾^۲ «برای شما بیان کنم بعضی از آنچه در آن اختلاف دارید». در این آیه نیز فرموده است: «بعضی از آن را» و فرموده: «همه آن را».

اما در مورد کتابی که بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل نموده، فرموده است: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾^۳ «برتو کتابی فرو فرستادیم که در آن بیان هر چیزی است». و فرموده است: ﴿وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۴ «هیچ ترو خشکی نیست مگر آنکه در کتاب مبین آمده است».

و علم این کتاب که همه چیز را در بر گرفته، نزد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است و درباره آن حضرت فرموده است: ﴿كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ «خداوند برای گواه میان من و شما کافی است و آنکه نزد او علم کتاب است».^۵

۲۴ - شیخ مفید رَحِمَهُ اللهُ به سند خود روایتی از سلمان فارسی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نقل می‌کند که گفت: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۵.

۲. سوره زخرف، آیه ۶۳.

۳. سوره نحل، آیه ۶۹. در کتاب تفسیر فرات می‌نویسد: احمد بن عتاب گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود: «ما بعث الله نبياً الا أعطاه من العلم بعضه، ما خلا النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فانه أعطاه من العلم كله» خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود جز آنکه بخشی از علم را به او مرحمت نمود جز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که به او تمام علم را عطا نمود و فرمود: «تبیاناً لكل شیء». (تفسیر فرات: ص ۱۴۵، ح ۱۱).

۴. سوره انعام، آیه ۵۹.

۵. احتجاج: ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۵؛ بحار الأنوار: ج ۳۵، ص ۴۲۹، ح ۳.

یا سلمان، الویل کُلّ الویل لمن لا یعرفنا حقّ معرفتنا وأنکر فضلنا.

ای سلمان، بدا به حال کسی که ما را آن طوری که سزاوار آن هستیم نشناسد و فضل و برتری ما را انکار کند.

ای سلمان، کدام یک از این دو بزرگوار افضل هستند: محمّد ﷺ یا سلیمان بن داود؟ سلمان گفت: بلکه محمّد ﷺ برتر و والاتر است.

فرمود: ای سلمان، آصف بن برخیا توانست تخت بلقیس را از فارس به مملکت سبا در یک چشم بهم زدن منتقل کند، و علمی از کتاب نزد او بود، و آیا من که نزدم هزار کتاب است، چندین برابر او قدرت ندارم؟!

خداوند بر شیث فرزند آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ پنجاه صحیفه و بر ادریس عَلَيْهِ السَّلَامُ سی صحیفه و بر ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَامُ بیست صحیفه، و تورات، انجیل، زبور و فرقان نازل نموده است. گفتم: ای سرور من، همین طور است که فرمودید. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

یا سلمان، إِنَّ الشَّاكَّ فِي أُمُورِنَا وَعُلُومِنَا كَالْمَسْتَهْزِئِ فِي مَعْرِفَتِنَا وَحَقُوقِنَا، وَقَدْ فَرَضَ اللَّهُ وَوَلَّيْتَنَا فِي كِتَابِهِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ وَبَيْنَ مَا أَوْجَبَ الْعَمَلَ بِهِ وَهُوَ مَكْشُوفٌ.

ای سلمان، کسی که در شؤون ما و علوم ما شک کند مثل کسی است که معرفت ما و حقوق ما را مسخره کرده در حالی که خداوند ولایت ما را در کتابش در چند جا واجب کرده و آنچه را که عمل کردن به آن واجب است بیان نموده و آن روشن و واضح است.^۱

مؤلف گوید: بدان در این تأویل دلیل واضح و برهان روشنی است بر برتری امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بر پیامبران اولوالعزم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و همانا برتری یافته بر آنان به سبب علم، به خاطر فرمایش پروردگار که فرموده: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَدْعُونَ لِلدِّينِ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» «بگو: آیا کسانی که می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند مساوی هستند».

و به خاطر این کلام خداوند که فرموده است: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ» «بگو: خداوند برای گواه میان من و شما کافی است او حاضر است و عالم است و

۱. بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۲۱، ج ۴۷، إرشاد القلوب: ج ۲، ص ۳۱۳.

می داند که من از نزد او فرستاده شده‌ام، سپس عطف نموده بر خودش و فرموده است: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» «و کسی که نزد او علم کتاب است»، یعنی خداوند تبارک و تعالی و او کفایت می‌کنند که میان من و شما گواه باشند، به خاطر علم او به کتاب. و هیچ کس دیگری را به عنوان کفایت کردن به همراه آن حضرت قرار نداده است، و این فضیلتی است که غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ کس از آن برخوردار نگردیده است. درود خدا بر او و پیامبر اکرم و ذریه پاک آن دو بزرگوار، درودی پیوسته و پایدار تا روز جزا.



سُورَةُ اِبْرٰهٖمَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿وَدَكِّرْهُمْ بِاَيَّامِ اللّٰهِ﴾

«ایام الله، یعنی روزهایی که به خدا انتساب یافته، را به آنها یادآوری کن».

۲۵ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیرش آورده است که:

روایت شده ایام الله سه روز هستند: روز قیام حضرت قائم علیه السلام، روز مرگ و روز قیامت.^۱

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ

وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ (۱۴) و (۱۵)

«آیا نیندیشیدی که چگونه خداوند کلمه طیبه را به شجره طیبه مثال زده و تشبیه

نموده که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان باشد * هر زمان به اذن

پروردگارش میوه می دهد».

۲۶ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از سلام بن مستنیر روایت کرده است که

گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد این قسمت از آیه شریفه ﴿شَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند:

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۶۹؛ بحار الأنوار: ج ۱۳، ص ۱۲، ح ۱۹ و ج ۵۱، ص ۴۵، ح ۲.

اصل و اساس و ریشه این شجره طیبه رسول خدا ﷺ و نسب آن حضرت در بنی هاشم ثابت است. تنه درخت علی بن ابی طالب علیه السلام و شاخه آن فاطمه و میوه اش امام حسن و امام حسین و سائر ائمه طاهرین علیهم السلام از فرزندان حضرت علی و فاطمه اند، و شیعیان ایشان برگ های درخت اند. مؤمنی فرزند می آورد برگی به برگ های این درخت افزوده می گردد و مؤمنی می میرد و برگی از آن ساقط می شود.

عرض کردم: مقصود از این قسمت از آیه شریفه چیست که می فرماید: ﴿تَوَعَّقِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَا ذَنِّ رَبِّهَا﴾ حضرت فرمودند:

مقصود فتاوی ائمه علیهم السلام به شیعیان شان در مورد حج و عمره از حلال و حرام است. سپس خداوند تبارک و تعالی برای دشمنان محمد و آل محمد علیهم السلام مثل زده و فرموده است: ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾ «مَثَل کلمه خبیثه مَثَل شجره خبیثه است از روی زمین کنده شده و قطع گردیده و هیچ قراری و ثباتی در زمین ندارد»^۱.

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (٣٧)

«خداوند اهل ایمان را به گفتار ثابت در زندگی دنیا و در آخرت استوار می دارد».

۲۷ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

«در زندگی دنیا» یعنی در هنگام مرگ و «در آخرت» یعنی در قبر هنگامی که از پروردگارش و پیامبر و امامش از او سؤال می شود.^۲

۲۸ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

انسان هنگامی که در آخرین روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت قرار

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۷۰؛ بحار الأنوار: ج ۹، ص ۲۱۷، ح ۹۷؛ بصائر الدرجات: ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۷۱.

گرفت، مال و فرزند و عمل او برایش مجسم می شوند؛

ابتدا به مال و ثروتش التفات و توجهی می کند و می گوید: به خدا قسم من نسبت به تو حریص و بخیل بودم، اکنون به چه کار من می آیی؟ می گوید: کفنت را می توانی از من بگیری.

پس از آن رو به فرزندانش می کند و می گوید: به خدا قسم من شما را دوست می داشتم و همواره از شما حمایت می کردم اکنون شما برای من چه می کنید؟ می گویند: تورا به کنار قبرت می بریم و در خاک پنهان می کنیم.

آنگاه به عمل خود نگاه می کند و می گوید: به خدا قسم من نسبت به تویی توجه و بی اعتنا بودم و تو بر من سنگین و دشوار بودی، اکنون تو با من چگونه خواهی بود؟ می گوید: من تورا رها نمی کنم، در میان قبر با تو هستم و در روز نشور و رستاخیز با تو خواهم بود تا من و تو بر پروردگارت عرضه شویم.

پس از آن امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

اگر این انسان از اولیاء خدا باشد شخصی که از همه مردم خوشبوتر و از همه نیکو منظرتر و دارای لباس فاخر باشد نزد او می آید و به او به روح و ریحان و بهشت سرشار از نعمت بشارت می دهد و به او خیر مقدم می گوید. به او می گوید: تو کیستی؟ پاسخ می دهد: من عمل صالح توام، از دنیا به سوی بهشت کوچ کن. وهمانا او غسل دهنده اش را می شناسد و حامل جنازه اش را سوگند می دهد که شتاب کند.

هنگامی که داخل قبر داخل شود دو فرشته قبر بیایند در حالی که موهای خود را می کشانند و زمین را با قدم های خود می شکافند، صدای آن ها مانند رعد برخورد و دیدگان آن ها مانند برق درخشنده و خیره کننده است. می گویند: پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبر و امامت چه کسی است؟ می گوید: خداوند پروردگار من، اسلام دین من، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبرم و علی عَلَيْهِ السَّلَام امام و پیشوای من است. به او می گویند: خداوند تورا ثابت بدارد در آنچه دوست می داری و می پسندی، و این فرمایش خدای سبحان است ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ﴾ سپس به مقداری

که چشم کار می‌کند قبرش را وسعت می‌دهند و آنگاه دری به سوی بهشت به روی او می‌گشایند. سپس می‌گویند: بخواب در حالی که پیروز و کامیاب هستی.

همانا خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا﴾^۱ «اهل بهشت در آن روز در بهترین قرارگاه و نیکوترین استراحتگاه خواهند بود».

و اگر دشمن پروردگارش باشد زشت‌ترین خلق خدا از نظر هیئت و بدبوترین آن‌ها نزد او آید و به او بگوید: بشارت باد تو را به پذیرایی با آب جوشان دوزخ و ورود در آتش جهنم. و همانا غسل دهنده‌اش را می‌شناسد و به حاملان جنازه‌اش سوگند می‌دهد که مرا نگاهدارید. و چون داخل قبر شود دو پرسش‌گر قبر بیایند، کفن را کنار بزنند و به او بگویند: پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبر و امامت چه کسی است؟ در پاسخ آن‌ها می‌گوید: نمی‌دانم، به او بگویند: ندانستی و هدایت نیافتی. آنگاه با پتک آهنی ضربتی بر فرق او زنند که جز جن و انس تمام جنبندگانی که خداوند تبارک و تعالی آفریده بترسند، سپس به روی او دری از آتش گشوده می‌شود.

سپس به او می‌گویند: در بدترین حال از تنگی مثل آن تنگی که در نیزه و آهن بُن نیزه است قرار بگیر، و فشارها بر او به حدی است که مغز او از بین ناخن‌ها و گوشت او خارج شود و خداوند بر او مارها و عقرب‌های زمین و حشرات آن را مسلط نماید، پس او را نیش بزنند و بگزند تا خداوند او را از قبرش برانگیزد، و از بس بدی در قبر می‌بیند برپایی قیامت را تمنا می‌کند.^۲

به خدا پناه می‌بریم از عذاب قبر.

۱. سوره فرقان، آیه ۲۴.

۲. کافی: ج ۳، ص ۲۳۱، ۱؛ بحار الأنوار: ج ۶، ص ۲۲۴، ۲۶؛ تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۷۱؛ امالی طوسی:

ص ۳۴۷، ۵۹؛ تفسیر عتاشی: ج ۲، ص ۴۰۹، ۱۹؛ غایة المرام: ج ۴، ص ۲۰۱، ۲.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ

يَصْلَوْنَهَا وَيَنسَوْنَ الْقُرْآنَ﴾ ﴿۳۸﴾ و ﴿۳۹﴾

«آیا ندیدی کسانی را که نسبت به نعمت خدا کفران نمودند و قوم خویش را به وادی هلاکت وارد ساختند، آن‌ها را به جهنم افکندند که بد جایگاه و قرارگاهی است.»

۲۹ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

این آیه شریفه در مورد دو گروه فاجر از قریش، یعنی بنی امیه و بنی مغیره، نازل شده است. اما بنی مغیره خدا نسل و دنباله ایشان را در روز بدر قطع کرد، اما بنی امیه تا مدت زمانی از دنیا برخوردار خواهند بود.^۱

۳۰ - طبرسی رحمته الله علیه در تفسیر خود نقل کرده است: شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد این آیه سؤال کرد، امام علیه السلام فرمودند:

مقصود دو گروه فاجر قریش، بنی امیه و بنی مغیره‌اند. اما بنی امیه تا مدت زمانی از دنیا برخوردار خواهند بود، و اما بنی مغیره، در روز بدر شرّ آن‌ها از شما دفع شد.^۲

۳۱ - کلینی رحمته الله علیه به سند خود از عبدالرحمان بن کثیر روایت کرده که گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا﴾ سؤال کردم حضرت فرمودند:

مقصود از کسانی که نعمت خدا را کفران نمودند، قریش هستند که همگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این بزرگترین نعمت الهی دشمنی کرده و جنگ به پا کردند و وصیت او را درباره وصیّش انکار نمودند.^۳

۳۲ - و نیز کلینی رحمته الله علیه به سند خود از اصبع بن نباته و او از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۷۳؛ بحار الأنوار: ج ۹، ص ۲۱۸، ح ۹۸ و ج ۲۴، ص ۵۱، ح ۲.

۲. مجمع البیان: ج ۶، ص ۳۱۴؛ نور الثقلین: ج ۳، ص ۴۸۷، ح ۸۹.

۳. کافی: ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۴؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۴۰۸، ح ۲.

کرده است که فرمودند:

چه شده است گروه‌هایی سنت رسول خدا ﷺ را تغییر داده و از وصی او عدول کرده و روی گردانیده‌اند؟ آیا نمی‌ترسند که عذابی بر آنان فرود آید؟
 آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمود: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كَفْرًا...﴾؛
 سپس فرمود: ما آن نعمتی هستیم که خداوند به بندگانش مرحمت فرموده و هر که روز قیامت رستگار شود به وسیله ما رستگار می‌شود.^۱

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الشَّمْرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ ﴿٣٥﴾

«پروردگارا بعضی از ذریه‌ام را در سرزمین بی آب و علف ساکن ساختم در کنار خانه محترم تو تا نماز را به پا دارند، تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها ساز، و از ثمرات به آن‌ها روزی ده، شاید شکر تو را بجا آورند.»

۸ - طبرسی رحمته الله علیه در معنای این آیه شریفه گفته است:

«از ذریه‌ام ساکن ساختم» یعنی بعضی از ذریه‌ام ؛ و بدون اختلاف و تردید اسماعیل عليه السلام مقصود بوده است ؛ «وادی بدون آب و علف» مقصود وادی مکه است .
 «قلوب بعضی از مردم را آنگونه قرار بده که به سوی آن‌ها مایل باشد». این دعا از حضرت ابراهیم عليه السلام برای فرزندش اسماعیل و برگزیدگان از ذریه او یعنی پیامبر و ائمه طاهرين عليهم السلام است به خاطر روایتی که از امام باقر عليه السلام نقل شده است که فرمود:
 ما بقیه آن عترت هستیم و دعای حضرت ابراهیم عليه السلام برای ما بود.

علی بن ابراهیم رحمته الله علیه در تفسیر این قسمت از آیه شریفه ﴿فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۱؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۴۰۸، ح ۱.

إِلَيْهِمْ وَأَزْزُقُهُمْ مِنَ الشَّمَرَاتِ ﴿ گفته است:

مقصود از «ثمرات» ثمرات قلوب یعنی میوه دل‌ها است. و خداوند دعای ابراهیم علیه السلام را در مورد برگزیدگان پاک از ذریه او با دوستی مؤمنین نسبت به ایشان و تمایلشان به سوی آن‌ها مستجاب فرمود.^۱

۹ - کلینی رحمته الله به سند خود از زید شحام روایت کرده است که گفت:

قتاده خدمت امام باقر علیه السلام رسید، بین او و امام علیه السلام گفتگویی صورت گرفت تا آنکه

امام علیه السلام به او فرمودند:

به من خبر بده از تفسیر این آیه شریفه ﴿وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾^۲ «سیر و سفر در میان آن شهرها را به طور متناسب مقتر داشتیم، شب‌ها و روزها در آن آبادی‌ها با ایمنی سفر کنید».

قتاده گفت: مقصود کسی است که با زاد و توشه حلال و مرکب حلال از خانه خویش به قصد زیارت خانه کعبه بیرون آید و کرایه‌اش را از مال حلال بپردازد چنین کسی در امان است تا به خانه و اهل و عیال خویش باز گردد.

امام باقر علیه السلام فرمودند: ای قتاده، تو را به خدا قسم آیا می‌دانی که بسا مردی از خانه‌اش با زاد و توشه حلال و مرکب و کرایه حلال به قصد خانه کعبه از خانه‌اش خارج شود و در بین راه گرفتار راهزن شود، خرجی راهی که به همراه دارد از او بگیرند و با این حال او را در حد هلاکت و نابودی کتک بزنند؟ قتاده عرض کرد: آری به خدا.

امام باقر علیه السلام فرمودند: وای بر تو ای قتاده، اگر تو قرآن را از پیش خودت تفسیر می‌کنی که خودت هلاک و دیگران را به هلاکت افکنده‌ای و اگر از اشخاص دیگر گرفته‌ای باز هم هلاک گشته و دیگران را هلاک نموده‌ای.

وای بر تو ای قتاده، این آیه در مورد کسی است که با زاد و راحله و کرایه حلال به

۱. مجمع البیان: ج ۶، ص ۳۱۸؛ تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۷۳؛ تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۴۱۵، ح ۳۴.

۲. سورة سبا، آیه ۱۸.

قصد بیت الله از خانه خویش خارج شده در حالی که به حق ما معرفت دارد و قلب او به سوی ما مایل است، همان طور که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿فَأَجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾ «دل‌های گروهی از مردمان را به سوی آن‌ها متمایل نما». و تمایل به سوی بیت را قصد نفرموده، و اگر آن را قصد کرده بود لازم بود. «تهوی الیه» بفرماید. به خدا قسم ما مقصود از دعای ابراهیم هستیم که هر کس قلب او به سوی ما پربکشد حج او مقبول است و اگر چنین نباشد حج او پذیرفته نیست. ای قتاده، و وقتی چنین باشد روز قیامت از عذاب جهنم ایمن خواهد بود.^۱



۱. کافی: ج ۸، ص ۳۱۱، ح ۴۸۵؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۳۷، ح ۶؛ ج ۴۶، ص ۳۴۹، ح ۲؛ وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۳۶، ح ۲۵.

سُورَةُ الْحَجَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ﴾^۱

«این راهی است مستقیم که (معرفی آن) بر عهده من است.»

۱ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از هشام بن حکم و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آیه مذکور را این گونه تلاوت نمودند:

«هذا صراط عليّ مستقيم؛ این راه علی علیه السلام است که مستقیم است.»^۱

مؤلف گوید: بدان هنگامی که ابلیس لعین بندگان خالص خداوند را استثنا نمود^۲، و آن‌ها ائمه معصومین علیهم السلام و شیعیان آن‌ها هستند (که بیان آن خواهد آمد)، خداوند تبارک و تعالی به ابلیس خبر داد که آن‌هایی را که استثنا کردی «هذا صراط عليّ» این راه علی علیه السلام - پدرائمه طاهرین علیهم السلام، اول و افضل ایشان - است که مستقیم می‌باشد. و در علم من سبقت گرفته است ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾ «تو بر بندگان من هیچگونه سلطنت و سلطه‌ای نخواهی داشت.»

۲ - صدوق رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که به ابوبصیر فرمودند:

ای ابامحمد، خداوند شما را در کتابش قرآن کریم یاد نموده و فرموده است: ﴿إِنَّ

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۶۳؛ وافی: ج ۳، ص ۸۹۵، ح ۴۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۳، ح ۴۹.

۲. منظور آیه ۴۰ سوره حجر است.

عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ ﴿﴾ به خدا قسم، او از این آیه شریفه جزائمه طاهرین علیهم السلام و شیعیان ایشان را اراده نفرموده است.^۱

۳ - کلینی علیه السلام به سند خود از سلیمان روایت کرده است که گفت: در محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب بودم که ابوبصیر وارد شد. - حدیث طولانی است و در آن بشارت‌های مهمی برای شیعیان است، و در ضمن آن آمده است: - ابوبصیر می‌گوید: عرض کردم: فدای شما شوم زیادتر بفرمایید، امام علیه السلام فرمودند:

ای ابامحمد، خداوند تبارک و تعالی شما را در کتابش یاد نموده و فرموده است: «تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من نخواهی داشت». به خدا قسم، به این آیه شریفه خداوند جزائمه طاهرین علیهم السلام و شیعیان ایشان را اراده نفرموده است، آیا تو را مسرور نمودم؟ عرض کردم: فدای شما شوم سخن خود را ادامه دهید و زیادتر بفرمایید...^۲

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَأَمِينِينَ * وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ﴾ ﴿٤٥﴾ - ﴿٤٧﴾

«بدون تردید پرهیزکاران در باغ‌ها و چشمه‌سارهای بهشتند، به آن‌ها گفته می‌شود: وارد این باغ‌ها شوید با سلامت و امنیت هرگونه کینه و دشمنی را از سینه آن‌ها بر می‌کنیم، همه با هم برادر و بر تخت‌هایی رو به روی یکدیگر قرار گیرند».

۴ - از طریق عامه حافظ ابونعیم به سند خود از ابوهریره نقل کرده است که گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردند: ای رسول خدا کدام یک از ما نزد شما محبوب‌تر هستیم، من یا فاطمه؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه محبوب‌تر و تو عزیزتر نزد من هستی.

سپس فرمود: گویا تو را می‌بینم که در کنار حوض ایستاده‌ای و مردم را از آن دور

۱. فضائل الشیعه: ص ۲۳.

۲. کافی: ج ۸، ص ۳۵؛ ضمن ح ۶؛ بحار الأنوار: ج ۶۷، ص ۵۱؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۴۸۹، ح ۸.

می‌کنی، و بر آن ظرف‌هایی به عدد ستارگان آسمان است. علی جان، من و تو و حسن و حسین و حمزه و جعفر در بهشت هستیم. ﴿إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾، «همچون برادران بر روی تخت‌هایی مقابل یکدیگر می‌باشیم». علی جان، تو و شیعیان با من هستید. سپس این آیه را قرائت فرمود: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾.^۱

۵ - محمد بن بابویه علیه السلام به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

هیچ زن و مردی از شما نیست مگر آنکه فرشتگان الهی از طرف خدا برای او سلام می‌آورند، و شما هستید کسانی که خداوند درباره آن‌ها فرموده است: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾^۲

۶ - کلینی علیه السلام به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ جَوْهَرًا وَجَوْهْرُ أَدَمَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَنَحْنُ وَشِيعَتُنَا بَعْدَهَا.

آگاه باشید برای هر چیز اصل و اساسی است و اصل و اساس فرزندان آدم حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ما و شیعیان ما بعد از ما هستند. چه نیکو هستند شیعیان ما، چه نزدیکند به عرش خداوند تبارک و تعالی، و چه نیکو است رفتار خداوند نسبت به آنان در روز قیامت. به خدا قسم اگر بر مردم بزرگ نمی‌آمد یا ایشان را غرور و خودبینی نمی‌گرفت فرشتگان رو در رو به آن‌ها سلام می‌کردند.

به خدا قسم هیچ یک از شیعیان ما در نمازش قرآن را ایستاده تلاوت نمی‌کند مگر آنکه در برابر هر حرفی از آن صد حسنه به او دهند و اگر قرآن را نشسته در نمازش بخواند به هر حرفی از آن پنجاه حسنه دهند، و اگر در غیر نماز بخواند به هر حرفی از آن ده حسنه دهند برای کسی که ساکت است از شیعیان ما اجر و پاداش کسی است که قرآن بخواند از کسانی که بر خلاف او هستند.

۱. تفسیر برهان: ج ۵، ص ۴۹۷، ج ۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۷، ص ۸۵، ج ۵۳؛ مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۱۷۳.

۲. این حدیث را مرحوم مجلسی در بحار: ج ۶۸، ص ۳۶، ج ۷۸ و مرحوم بحرانی در برهان: ج ۵، ص ۴۹۷،

ج ۷ از تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۴۳۱، ج ۲۴ نقل کرده‌اند.

به خدا قسم شما در بسترهایتان که خوابیده‌اید پاداش مجاهدان را دارید، و به خدا قسم شما به نماز که ایستاده‌اید اجر کسانی که صف کشیده‌اند در راه خدا دارید. به خدا قسم شما هستید که خداوند تبارک و تعالی درباره آن‌ها فرموده است: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ﴾.

شیعیان ما صاحب چهار چشم هستند، دو چشم در سر و دو چشم در قلب دارند، آگاه باشید که همه مردم اینگونه‌اند. ولی خداوند تبارک و تعالی چشمان شما را گشوده و بینا ساخته و چشمان آنان را کور کرده است.^۱

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ * وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾ (۷۵ و ۷۶)

«بی‌گمان در آن نشانه‌هایی است برای هوشمندان و اهل شناخت * همانا آن‌ها به راهی پایدار هستند».

۷ - کلینی رحمه الله به سند خود از اسباط بن سالم روایت کرده است که گفت: محضر مقدس امام صادق علیه السلام شرفیاب بودم، شخصی از آن حضرت در مورد این آیه شریفه ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ * وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾ سؤال کرد، امام علیه السلام فرمودند: متوسمین (یعنی آن‌ها که از نشانه پی به مطلب می‌برند) ما هستیم و راه در ما استوار و پایدار است.^۲

۸ - و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از «متوسمین» ائمه طاهرین علیهم السلام و مراد از ﴿وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾ امامت است که هرگز از محدوده ما خارج نمی‌شود.^۳

۱. کافی: ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۲۶۰؛ وافی: ج ۵، ص ۸۰۷، ح ۱۲؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۴۹۶، ح ۴.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۱؛ اختصاص: ص ۲۹۷؛ بصائر الدرجات: ج ۲، ص ۶۳۴، ح ۳.

۳. کافی: ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۴؛ اختصاص: ص ۳۰۰؛ بصائر الدرجات: ج ۲، ص ۷۰۰؛ بحار الأنوار: ج ۲۵، ص ۳۲۹.

۹ - و نیز به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:
امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله «متوسم» بودند، بعد از ایشان من و ائمه طاهرين از ذریه من «متوسم» هستیم.^۱

۱۰ - فضل بن شاذان رضی الله عنه به سند خود از عمار روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

هیچ کس نیست جز اینکه میان دو چشم او مؤمن یا کافر نوشته شده است و آن از همه خلائق جز ائمه علیهم السلام و اوصیا پنهان و پوشیده است. سپس این آیه شریفه را تلاوت نمود:
﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ﴾ و فرمود:

مقصود از «متوسمین» ما هستیم، به خدا قسم کسی بر ما وارد نمی شود جز اینکه او را به آن نشانه می شناسیم.^۲

درود خدا بر متوسمین، پیشوایان دین و راهنمایان مسلمین، درودی پیوسته و پایدار در هر عصر و زمان و در هر دقیقه و آن.

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۵؛ اختصاص: ص ۲۹۰؛ بصائر الدرجات: ج ۱، ص ۶۳۸، ح ۹؛ بحار الأنوار: ج ۱۷،

ص ۱۳۰، ح ۲؛ ج ۴۱، ص ۲۹۰، ح ۱۴.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۲۷، ح ۷.

سُورَةُ النَّحْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ ①

«امرو فرمان خداوند فرا رسید، در مورد آن عجله و شتاب نکنید.»

۱ - مفید علیه السلام در کتاب غیبت به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

مقصود امر ما، یعنی قیام قیام کننده ما آل محمد علیهم السلام است، خداوند تبارک و تعالی امر فرموده است که به آن عجله و شتاب نکنید. تا او را به سه لشکر که عبارتند از: ملائکه، مؤمنین و رعب و وحشت تأیید فرماید.

و خروج آن حضرت مانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله (از مکه) است که آیه پنجم از سوره انفال به آن اشاره دارد: ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾ «همانطور که پروردگارت تو را به حق از خانه‌ات بیرون نمود»^۱.

مؤلف گوید: معنای کلام پروردگار که فرمود: ﴿أَمْرُ اللَّهِ﴾ یعنی امر و فرمان خداوند آمدنی است و هر آمدنی نزدیک است پس گویا آمده است و جایز است خبر دادن از آینده به گذشته؛ یعنی چیزی را که تحقق پیدا خواهد کرد، بگوییم تحقق یافته است، به خاطر صدق خبر دهنده آن. و مانند آن در قرآن فراوان است، مثل این آیه شریفه ﴿وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ﴾ «صاحبان اعراف مردانی را ندا دادند»

۱. غیبت نعمانی: ص ۲۰۴، ح ۹ و ص ۲۵۱، ح ۴۳؛ بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۳۵۶، ح ۱۱۹.

مثل این آیه شریفه ﴿وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ﴾ «اهل دوزخ، بهشتیان را ندا دادند...» که یعنی ندا خواهند داد.

و این فرمایش پروردگار: ﴿فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ خطاب به تکذیب‌کنندگان قیام امام قائم علیه السلام است.

﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾^(۱۱)

«و نشانه‌هایی دیگر نیز قرار داد و آن‌ها به وسیله ستاره راه را می‌یابند».

۲ - کلینی رحمته الله به سند خود از داود جصاص روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه شریفه ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ فرمودند:

«ستاره» رسول خدا صلی الله علیه و آله و «علامات» ائمه طاهرین علیهم السلام هستند.^۱

۳ - و نیز به سند خود از وشاء روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره این آیه شریفه ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ سؤال کردم، فرمود:

ما مقصود از «علامات» هستیم و «ستاره» رسول خدا صلی الله علیه و آله است.^۲

۴ - علی بن ابراهیم رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

«ستاره» رسول خدا و «علامات» ائمه علیهم السلام هستند.^۳

۵ - طبرسی رحمته الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

ما «علامات» هستیم و «نجم یعنی ستاره» رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

و آن حضرت فرموده‌اند: خداوند تبارک و تعالی ستارگان را مایه ایمنی اهل آسمان قرار داده، اهل بیت مرا نیز مایه ایمنی اهل زمین قرار داده است.^۴

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۳؛ اللوامع النورانية: ص ۱۸۴؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۵۴۰، ح ۳.

۳. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۸۳.

۴. مجمع البیان: ج ۴، ص ۶۲.

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَآ يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ

حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ﴿۳۸﴾

«با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد می‌کنند که خداوند مردگان

را برنمی‌انگیزد».

۶ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه سؤال کردم، حضرت فرمودند: ای ابوبصیر تو در مورد آن چه می‌گویی؟ عرض کردم: مشرکان چنین می‌پنداشتند و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوگند یاد می‌کردند که خداوند مردگان را برنمی‌انگیزد.

امام علیه السلام فرمودند: کسی که چنین گوید، هلاک باد براو، از آن‌ها بپرس آیا مشرکین به لات و عزی سوگند یاد می‌نمایند یا به خداوند؟ عرض کردم: فدای شما شوم، به من یاد دهید معنای این آیه را.

حضرت فرمودند: ای ابوبصیر، هنگامی که قائم ما علیه السلام قیام کند، خداوند گروهی از شیعیان ما را زنده نموده و به سوی ایشان می‌فرستد، در حالی که شمشیرهایشان را روی دوششان قرار داده‌اند. این خبر به گوش جمعی از شیعیان ما که نمرده‌اند برسد، پس بگویند: فلانی و فلانی و فلانی از قبرهایشان برانگیخته شده و همراه امام قائم علیه السلام هستند. و چون به گوش دشمنان ما برسد، بگویند: ای گروه شیعه، چه مقدار دروغ می‌گویید، اکنون هم که دولت شما است باز دروغ می‌گویید. نه به خدا این افراد که می‌گویید زنده نشده و تا روز قیامت زنده نخواهند شد، خداوند گفتار آنان را در این آیه حکایت نموده و فرموده است: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَآ يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ﴾^۱.

شیخ مفید رضی الله عنه نیز در کتاب «ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین علیه السلام» و سید بن طاووس رضی الله عنه در کتاب «سعد السعود» این حدیث را نقل کرده‌اند.

۱. کافی: ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۴؛ بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۹۲، ح ۱۰۲؛ المحجّة: ص ۱۱۶؛ الايقاظ من الهجعة: ص ۲۴۷، ح ۲۴، باب ۹.

و خداوند تبارک و تعالی در تکذیب آنان فرموده است: ﴿بَلَىٰ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ «آری این وعده حتمی و قطعی خداوند است ولی بیشتر مردم نمی دانند» که آن‌ها دشمنان خدا و اهل بیت هستند.

سپس فرمود: ﴿لِيَبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ﴾ تا برای آن‌ها - شیعیان ایشان و دشمنانشان - روشن سازد آنچه را که در آن اختلاف داشتند از برانگیختن مردگان و زنده نمودن ایشان.

﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كٰذِبِينَ﴾ و بدانند کسانی که کافر گردیدند و منکر شدند - یعنی دشمنان اهل بیت - که دروغ می گفتند.

﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ وقتی ما چیزی را اراده کنیم - از زنده کردن مردگان - فقط به آن می‌گوییم «باش» و آن بلافاصله موجود می‌شود.

و این دلیل روشن و واضح در رجعت است، پس به آن معتقد باش و از کسانی که آن را تکذیب کننده‌اند روی برگردان، و به سوی کسانی که آن را تصدیق کننده هستند روی بیاور و مایل باش.

﴿فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ ﴿٤٢﴾

«اگر نمی دانید از اهل ذکر که دانا و آگاهند بپرسید».

طبرسی رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه گفته است:

مراد از «اهل ذکر» در آیه اهل قرآن هستند.

۷ - جابر بن یزید و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

ما اهل ذکر هستیم و خداوند در این آیه شریفه ﴿ذِكْرًا * رَسُولًا﴾^۱ رسول خدا را «ذکر» نامیده است.^۲

۱. سوره طلاق، آیه ۱۰ و ۱۱.

۲. مجمع البیان: ج ۶، ص ۳۶۲؛ بحار الأنوار: ج ۱۱، ص ۱۷؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۵۶۹، ح ۲۲.

پس بنا بر هر یک از دو وجه اهل بیت علیهم السلام، اهل ذکر هستند.

۸ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

مقصود از «ذکر» من هستم، و ائمه طاهرين علیهم السلام اهل ذکر هستند.^۱

۹ - و نیز به سند خود از عبدالرحمان بن کثیر روایت کرده است که گفت: در مورد

این آیه شریفه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» از امام صادق علیه السلام سؤال کردم، فرمود:

«ذکر» حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و ما «اهل ذکر» هستیم که مردم به سؤال کردن از ما

مأمورند.

عرض کردم: نظر مبارک شما درباره آیه شریفه «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ

تُسْأَلُونَ» چیست؟ امام علیه السلام فرمود:

مقصود ما هستیم، ما اهل ذکر هستیم، ما اهل ذکریم، و ما مورد سؤال قرار می گیریم.^۲

۱۰ - و نیز به سند خود از وشاء روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام

عرض کردم:

فدای شما شوم تفسیر آیه شریفه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» چیست؟

فرمود: ما «اهل ذکر» هستیم و ما مورد سؤال قرار می گیریم.

عرض کردم: پس شما سؤال شونده و ما سؤال کننده ایم؟ فرمود: آری.

عرض کردم: بر ما لازم است که از شما سؤال کنیم؟ فرمود: آری.

عرض کردم: بر شما لازم است که به ما جواب دهید؟ فرمود: نه، این اختیارش با ما

است، به خود ما بستگی دارد، اگر خواستیم انجام می دهیم و اگر نخواستیم انجام

نمی دهیم، آیا این کلام خدا را نشنیده ای که فرموده است: «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۱؛ بحار الأنوار: ج ۱۶، ص ۳۵۹، ح ۵۵؛ وافی: ج ۳، ص ۵۲۶، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۵،

ص ۵۶۱، ح ۱؛ وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۴۲، ح ۴.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۵۶۱، ح ۲.

بَغَيْرِ حِسَابٍ^۱؛ «این عطای ما است پس به هر کس می خواهی (و صلاح می دانی) ببخش و نسبت به هر کس که می خواهی امساک کن و خودداری نما و حسابی بر تو نیست (زیرا تو امین هستی)».^۲

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَىٰ التَّخْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ

وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾^۳

«پروردگارتو به زنبور عسل وحی نمود که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که می‌سازند خانه‌هایی اتخاذ کن».

۱۱ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

به خدا قسم مقصود از نحل که به او وحی می‌شود ما هستیم.

﴿أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا﴾ به ما امر فرموده که شیعه و پیرو اتخاذ کنیم، از عرب، ﴿وَمِنَ الشَّجَرِ﴾ یعنی و از عجم ﴿وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾ یعنی از موالی.

﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ﴾ از شکم‌های آن‌ها نوشیدنی‌های رنگارنگ بیرون می‌آید، مقصود علمی است که از ما به سوی شما صادر می‌شود و به شما می‌رسد.^۳

۱۲ - دیلمی رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَىٰ التَّخْلِ﴾ فرمودند:

«نحل» کیست و او که باشد که به او وحی شود، بلکه درباره ما این آیه شریفه نازل شده و مقصود از «نحل» ما هستیم، و ما هستیم که در زمین امر الهی را به پا می‌داریم و مقصود از «جبال» شیعیان ما و «شجر» زنان با ایمان هستند.^۴

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳.

۱. سوره ص، آیه ۳۹.

۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۰، ح ۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۰، ح ۲.

۱۳ - آنچه در کتاب مزار در حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن زیارت جامعه ای یافتم آن را تأیید می کند، در آنجا چنین آمده بود:

اللهم صل على الفتنه الهاشمية، و المشكاة الباهرة النبوية، و الدوحة المباركة
الأحمدية و الشجرة الميمونة الرضية...

خداوندا درود فرست بر گروه و دسته هاشمی، و چراغدان روشن و تابناک نبوی و سایبان پربرکت و بزرگ احمدی و درخت فرخنده و پسندیده ای که نبوت را از ریشه بیرون می دهد و رسالت را از شاخه جدا می سازد و امامت را ثمر می دهد و از چشمه های حکمت تغذی می نماید و از عسل مصفاً و آب زلال و گوارا که در آن حیات دلها و نور دیدگان است سیراب می شود. آنکه به او وحی شده به خوردن میوه ها و گرفتن خانه ها از کوه ها و درختان و از آنچه به عنوان داربست می سازند و آنکه پوینده راه پروردگارش می باشد. همان راهی که هر کس غیر آن را بجوید گمراه و هر کس غیر آن را بپوید هلاک و نابود است. از درون آن شربتی خارج می شود که رنگ های مختلف دارد و در آن شفا و بهبود برای مردم است.^۱

مؤلف علیه السلام می گوید: پس برای شما که گوش کننده و حفظ کننده ای روشن شد که آنچه به او وحی می شود و آنچه مراد و مقصود است نه زنبور عسل، بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام هستند.

توجیه تأویل اول: در تفسیری که از امام صادق علیه السلام گذشت ائمه علیهم السلام «نحل» شیعه «جبال» و زن ها «شجر» نامیده شده اند. نامگذاری مجازی به عنوان نامیدن چیزی به مماثل آن است.

اینکه ائمه طاهرين علیهم السلام «نحل» نامیده شده اند زیرا «نحل» همانطور که خداوند تبارک و تعالی فرموده: از درون آن شرابی بیرون می آید که رنگ های مختلف دارد و در آن شفا برای مردم است، ائمه علیهم السلام نیز از وجود مبارکشان علومی صادر می گردد که همچون

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۱۱، ح ۳.

شراب جان تشنه مؤمنین را سیراب می‌گرداند و رنگ‌های گوناگون دارد یعنی در زمینه‌های مختلف و رشته‌های گوناگون است. شفا برای مردم است از درد جهل و نادانی و کوری و نفهمی.

و برای «نحل» معنای دیگری است و آن، این است که در نام‌های مبارک حضرت امیرالمؤمنین «امیرالنحل» است، نحل، ائمه طاهرين عليهم السلام و آن حضرت امیرآنان است. و اما در مورد «جبال» همانا شیعه «جبال» نامیده شده‌اند، زیرا همانطور که «جبال» میخ‌های محکم و استوار زمین هستند که مانع از فروپاشی زمین می‌شوند و آن را از لرزش‌ها و ناثباتی‌ها حفظ می‌کنند شیعیان و امامان آن‌ها چنین نقش در نظام هستی از نظر باطنی دارند.

زنان «شجر» نامیده شده‌اند، زیرا «شجر» یعنی درخت بر اثر آبیاری شاخ و برگ از آن پدید می‌آید، زنان نیز اولاد از آنان به دنیا می‌آید. و «نساء مؤمنات» فرموده زیرا خطاب به ائمه مؤمنین است، پس جز «نساء مؤمنات» یعنی زنان مؤمن قصد نشده‌اند. و اما معنای این فرمایش پروردگار پروردگارت به «نحل» وحی فرمود، مقصود ائمه عليهم السلام هستند که آن‌ها اهل بیت وحی عليهم السلام می‌باشند.

که بگیری از «جبال» یعنی شیعیان «بیوت» را، که محل امن و آرامش هستند، و علوم خویش را نزد آنان به ودیعه قرار دهید و گنج‌های اسرارشان را بدون هیچ‌گونه ترس و وحشت و تقیه نزد آنان اندوخته نمایید. و این مطالب آن چیزی است که به ذهن انسان خطور می‌کند از معنا، و خداوند به راستی و درستی و حقیقت داناتر است.

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾

«خداوند دو نفر را مثال زد، یکی از آن دو گنگ است و بر هیچ عملی توانایی و قدرت ندارد و او سربار صاحب خویش است، به هر جا او را فرستد خیری نمی‌آورد، آیا چنین کسی مساوی است با آنکه به عدل و داد امر می‌کند و بر صراط مستقیم است.»

معنای تأویل آیه شریفه:

طبرسی رحمته الله در معنای آیه چنین گفته است:

خداوند دو شخص را مَثَل می‌زند، یکی از آن دو گنگ است یعنی قدرت بر تکلم ندارد؛ زیرا مطلبی را نمی‌فهمد و مطلبی از او فهمیده نمی‌شود.

و او کُلُّ بر مولایش و گران و سنگین براوست؛ که عهده‌دار آموزش می‌باشد. به هر جانب که او را روانه می‌سازد به خیر باز نمی‌گردد؛ یعنی نفعی و منفعتی در او برای مولایش نیست.

آیا مساوی است او با کسی که به عدل فرمان می‌دهد؛ و خود بدان عمل می‌کند و او بر صراط مستقیم یعنی بر راه روشن و بردین و آیین محکم و استوار است در آنچه انجام می‌دهد و امر و نهی می‌کند و هیچگونه شک و تردیدی در فکر او و عمل او نیست؟ روشن است که برای این کلام و برای این سؤال پاسخی جز نفی نیست.^۱

(و مؤلف می‌گوید:) و خداوند تبارک و تعالی این مَثَل را در مورد این دو نفر برای صاحبان درک و بصیرت زده است به گونه‌ای که فرق گذاشته و جدایی حاصل شود بین شخصی که گنگ است و کسی که به عدل دستور می‌دهد و او بر صراط مستقیم است.

اما منظور از شخص گنگ، فردی از قریش است که مولایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، و او کُلُّ بر پیامبر و بار گرانی بر آن حضرت بود و پیامبر او را به هیچ جانبی نفرستادند مگر اینکه ناموفق و سرافکنده، بدون هیچ خیر و منفعتی بازگشت.

و اما کسی که به عدل و داد فرمان می‌دهد و بر صراط مستقیم حرکت می‌کند حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۱۴ - شاهد آن روایتی است که حسین بن جبیر در کتاب «نخب المناقب» مسنداً از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» فرمودند:

۱. مجمع البیان: ج ۶، ص ۲۷۵.

او علی بن ابی طالب علیه السلام است که به عدل و داد فرمان می دهد و او بر صراط مستقیم است.

این مطلب را که دانستی بدان که شخص گنگ ضد آن حضرت از میان قومش می باشد پس چگونه با او مساوی خواهد بود بلکه با بند کفش آن حضرت هم مساوی نخواهد بود.

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا﴾ ﴿٤٨﴾

«روزی که برمی انگیزیم در میان هر امتی گواهی را»

۱۵ - طبرسی رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه گفته است:

مقصود روز قیامت است که خداوند سبحان در میان هر امتی گواهی را برمی انگیزد و او پیامبر صلی الله علیه و آله یا شخص عادل در هر عصر و زمان است که به اعمال مردم گواهی می دهد.

۱۶ - و از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

برای هر زمان و هر امتی امامی است و هر امتی با امامش برانگیخته می شود. و علی بن ابراهیم رحمته الله مثل همین مطلب را در تفسیرش گفته است.^۱

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ﴾ ﴿٤٩﴾

«روزی که برمی انگیزیم در میان هر امتی گواهی را از خودشان و تو را شاهد بر آن

شاهدان می آوریم».

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه شریفه گفته است:

شاهد در میان هر امت و گروهی، امام علیه السلام است و شاهد بر او وجود مقدس خاتم

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۹۰.

الانبیاء علیهم السلام است. یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله شاهد بر ائمه طاهرین؛ و ائمه طاهرین علیهم السلام شاهد بر مردم هستند.^۱

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ ﴿۱۶﴾

«همانا خداوند به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان دستور می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و سرکشی بازمی‌دارد. و شما را اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید و به خود آیید».

علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر آیه مذکور گفته است:

«عدل» شهادت به یکتایی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. «احسان» امیرالمؤمنین علیه السلام است. (ذی القربی ائمه طاهرین علیهم السلام هستند). «فحشاء و منکر و بغی» دشمنان ایشان فلانی و فلانی و فلانی هستند.^۲

مؤلف رضی الله عنه گوید: و معنای آن، این است که خداوند سبحان به سه چیز امر فرموده است: عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان. «عدل» کنایه از پیامبر و «احسان» کنایه از وصی است و این نامگذاری مجازی است، مضاف را به اسم مضاف الیه نامیده است، مانند اینکه فرموده: ﴿وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ﴾^۳ از قریه سؤال کن، روشن است که مقصود اهل قریه است، در این مورد هم پیامبر اهل عدل و وصی اهل احسان است. اما «ذی القربی» که گفته شد مقصود ائمه طاهرین علیهم السلام است این حقیقت است نه مجاز، زیرا آن‌ها از نظر خویشاوندی از هر کس نزدیک‌تر هستند به آن دو بزرگوار. درود و رحمت خدا بر آن‌ها و بر آن دو بزرگوار.

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۹۰؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۴۱، ح ۱۸؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۵۸۷، ح ۱.

۲. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۹۰؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۸۸، ح ۶؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۵۹۴، ح ۱.

۳. سوره یوسف، آیه ۸۲.

و خداوند سبحان از سه چیز نهی فرموده که عبارتند از فحشاء و منکرو بغی.

۱۷ - و تأیید می‌کند آن را روایتی را که دیلمی مسنداً از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه نقل کرده است، امام علیه السلام فرموده‌اند:

«عدل» شهادت به توحید و اخلاص است و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است.

«احسان» ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و اطاعت از آن دو بزرگوار است.

«ذی القربی» امام حسن و امام حسین و امامان از فرزندان ایشان علیهم السلام است.

«فحشاء و منکرو بغی» کسانی هستند که در حق پیامبر و اهل بیت آن حضرت ظلم کردند و از ادای حق ایشان مانع شدند و آن‌ها را به شهادت رساندند.^۱

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ * وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ ﴿١١﴾ و ﴿١٢﴾

«و به عهد خداوند وفا کنید هنگامی که عهد بستید و سوگندها را بعد از محکم ساختن آن مشکنید در حالی که خدا را ضامن آن سوگندها بر خودتان قرار دادید. بدون تردید خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و مانند آن زن نباشید که پشم‌های تابیده را پس از محکم ساختن باز می‌کرد، در حالی که سوگند و پیمان خود را وسیله خیانت و فساد قرار می‌دهید به خاطر اینکه گروهی، جمعیتشان از گروه دیگر بیشتر است، خدا شما را به این وسیله آزمایش می‌کند و به یقین روز قیامت آنچه را در آن اختلاف داشتید برای شما روشن می‌سازد.»

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۸۸، ح ۷؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۵۹۷، ح ۹.

۱۸ - کلینی رحمه الله به سند خود از زید بن جهم هلالی روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام از سوی خداوند نازل شد، از فرمایشات رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز این بود که فرمود: «همگی به عنوان امیرالمؤمنین بر حضرت علی علیه السلام سلام کنید» (یعنی بگویید: السلام علیک یا امیرالمؤمنین).

از آنچه خداوند در آن روز بر آن دو تأکید کرد، سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن دو بود که فرمود: شما دو نفر هم برخیزید و بر آن حضرت به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنید. آن دو گفتند: آیا این دستور از طرف خدا و رسول است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آری، این دستور از طرف خدا و رسول او است.

و این آیه در آن هنگام نازل شد:

«و سوگندهای خود را پس از محکم ساختن آن نشکنید در حالی که خدا را بر خودتان ضامن قرار داده‌اید. همانا خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌داند»، و مقصود سخن رسول خدا به آن دو است؛ و گفته آنان که: آیا این دستور از طرف خدا و رسول است؟

و این سخن خدا: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غُرَّتْهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْكَبُ مِنْ أُمَّتِكُمْ...» «و مباحثید مانند آن زن احمقی که رشته‌های تابیده خود را پس از محکم کردن باز می‌کرد. سوگندها (و پیمان‌های خود) را به خیانت و مکر میان خود می‌گیرید برای آنکه می‌باشند امامانی بالنده‌تر و افزایش دارنده‌تر از امامان شما».

زید، راوی حدیث گوید: عرض کردم فدای شما شوم «ائمه» است در عبارت؟ امام علیه السلام فرمود: آری به خدا قسم «ائمه» است.

عرض کردم: ما «أربی» می‌خوانیم - و شما ازکی خواندید - . امام علیه السلام فرمود: وای بر تو «أربی» چیست و با دست اشاره کرد و آن را گویا به دور افکند.

(و فرمود: ﴿إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ...﴾ همانا خدا شما را می‌آزماید به او یعنی به وسیله حضرت علی علیه السلام؛ و هر آینه برای شما بیان می‌کند روز قیامت آنچه را در آن اختلاف

داشتید * و اگر خدا می خواست شما را امت واحدی قرار می داد (و همه را به اجبار وادار به ایمان می کرد) ولی خدا هر کس را بخواهد (به لحاظ عدم شایستگی او) گمراه، و هر کس را بخواهد (به لحاظ شایستگی او) هدایت می کند، و حتماً شما از آنچه انجام می دهید (روز قیامت) سؤال خواهید شد * و سوگندهایتان را وسیله مکر و خیانت در میان خود قرار ندهید، پس قدم شما بعد از ثابت گشتن، یعنی بعد از گفتار رسول خدا ﷺ در مورد حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، دچار تزلزل شود، و به خاطر بازداشتن مردم از راه خدا، یعنی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و اطاعت او، آثار سوء آن را بچشید و برای شما عذاب عظیمی خواهد بود.^۱

۱۹ - علی بن ابراهیم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ﴾

فرموده است:

مقصود عهد و پیمانی است که رسول خدا ﷺ در مورد امیرالمؤمنین گرفته است. سپس خداوند جهت بازداشتن و ترساندن فرموده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا﴾ و مانند آن زنی نباشید که رشته های تابیده خود را پس از محکم کردن باز می کرد. و این اشاره است به زنی که در مکه بود و کنیزانی داشت، به آن ها دستور می داد که پشم ها را به صورت رشته درآورند و بتابند و این کار را از بامداد تا هنگام ظهر انجام می دادند، سپس به آن ها دستور می داد که آنچه رشته و تابیده اید را باز کنید و این کار را تا غروب انجام می دادند و این برنامه او بود و خداوند به کار او مثل زده است کار کسانی را که عهد و پیمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را پس از محکم شدن آن نقض می کنند و می شکنند.

اما این آیه شریفه که می فرماید: ﴿أَنْ تَكُونَ أُمَّةً هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ﴾ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ

روایت شده است که به قاری آن فرمود:

وای بر تو «آربی» چیست؟ آیه اینگونه نازل شده است: «أَنْ تَكُونَ أُمَّةً هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ». (یعنی سوگندها و پیمان های خود را وسیله مکر و خیانت قرار می دهید برای آنکه امامانی می باشند که از امامان شما رشیدتر و پاک ترند).

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱؛ تفسیر برهان: ج ۵، ص ۵۹۷، ح ۱.

﴿إِنَّمَا يَبْتَلُوكُمْ اللَّهُ بِهِ﴾ یعنی شما را به عهد و پیمان خدا و رسول در مورد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می آزماید.^۱

(مؤلف علیه السلام می گوید: «ازکی» در این کلام نورانی «ائمه هي ازکی من ائمتکم» به معنای «اطهر» است و ظاهر کسی است که معصوم باشد. و آن ها ائمه معصومین علیهم السلام هستند که پاک از هرگونه پلیدی هستند، دشمنان آنان امامان گمراه و گمراه کننده و مشرکینی هستند که نجس میباشند، بر آن ها باد از عذاب دائم آنچه سزاوار آن هستند.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ (۱۸) - (۱۷)

«هنگامی که قرآن قرائت می کنی از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببر * او بر کسانی که ایمان آورده و بر خدای خود توکل می کنند تسلطی ندارند * سلطه او فقط بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند و کسانی که به خدا شرک می ورزند.»

۲۰ - علی بن ابراهیم علیه السلام به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت در مورد این آیه شریفه ﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ سؤال کردند، امام علیه السلام فرمودند:

شیطان این قدرت را ندارد که از اهل ایمان و توکل، ولایت را سلب کند و این گوهر را برباید، ولی می تواند آن ها را مانند دیگران وسوسه کند و به گناه وادار نماید.^۲

۲۱ - و تأیید می کند آن را روایتی که کلینی علیه السلام به سند خود از ابوبصیر نقل کرده است، می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه مذکور سؤال کردم، حضرت فرمودند: ای ابامحمد، به خدا قسم، شیطان بر بدن مؤمن مسلط می شود ولی بر دین او مسلط

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۳۹۱؛ بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۸۱، ح ۴.

۲. تفسیر عیاشی: ج ۳، ص ۲۴، ح ۶۸؛ بحار الأنوار: ج ۶۳، ص ۲۵۵، ح ۱۲۳.

نمی‌شود. بر ائوب عَلَيْهِ مسلط شد و خلق او را مشوه و زشت گردانید و بردین او مسلط نشد، بر مؤمنین نیز بر ابدان آن‌ها مسلط می‌شود و بر ادیان آن‌ها مسلط نمی‌شود.

ابوبصیر می‌گوید: در مورد این قسمت از آیه شریفه ﴿إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ سؤال کردم، امام عَلَيْهِ فرمود:

کسانی که به خداوند شرک می‌ورزند بر ادیان و بر ابدان آن‌ها مسلط می‌شود.^۱
معنای این تأویل و توضیح آن:

مقصود از ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ در آیه شریفه شیعه و اهل ولایت است که شیطان بر آن‌ها در ولایت تسلطی ندارد زیرا آن‌ها ولایت و سرپرستی خدا را پذیرفته و سرپرستی شیطان پیروان او را نپذیرفته‌اند و به همین خاطر برای شیطان سلطنتی بر آن‌ها نیست.

و این قسمت از آیه ﴿إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ دلالت می‌کند بر این که کسانی که شیطان بر آن‌ها مسلط است ضد اهل ولایت یعنی ضد کسانی هستند که به خدا ایمان آورده و بر او توکل دارند و به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وصی او عَلَيْهِ ایمان آورده و سرپرستی آنان را پذیرفته‌اند و مخاطب به این آیه شریفه‌اند که فرموده است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ «همانا ولی و سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند. کسی که سرپرستی و ولایت خدا و رسول و آن مؤمنان را بپذیرد، بدون تردید حزب خدا غالب و چیره است».^۲

پس شما را ای مؤمنین که به ولایت جنگ زده‌اید، بشارت باد که با این سرمایه پیروز و رستگارید و از ترس و وحشت روز عظیم قیامت ایمن هستید و در زمره پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت اطهار او محشور خواهید شد - درود خدا بر او و بر آنان باد درودی پیوسته و مداوم تا مادامی که از سال و ماه و روز و شب اثری است.

۱. کافی: ج ۸، ص ۲۸۸، ح ۴۳۳؛ وافی: ج ۵، ص ۷۸۰؛ ح ۳؛ بحار الأنوار: ج ۶۳، ص ۲۵۵.

۲. سوره مائده، آیه ۵۵ و ۵۶.

سورة الاسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى

الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ ﴿۱﴾

«پاک و منزه است خداوندی که بنده اش را شبانگاه از مسجدالحرام تا

مسجدالاقصى، که اطراف آن را برکت بخشیده و مبارک گردانیده ایم، برد، تا

نشانه های قدرت خویش را به او بنمایانیم به راستی که او شنوا و بینا است.»

۱ - سید بن طاووس رحمته الله در تأویل این آیه شریفه، در کتاب سعدالسعود از محمد

بن عباس، از رجال مخالفین، نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله، در فضیلت مولای ما

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

من در میان «حجر» بودم که جبرئیل آمد و به پای من زد و من بیدار شدم و چیزی

ندیدم، سپس بار دوم آمد و به پای من زد و من بیدار شدم، آنگاه بازوی مرا گرفت و مرا در

چیزی شبیه لانه پرنده نهاد، همین که چشم به هم زدم به سوی من بازگشت در حالی که

من در جایگاه خودم بودم، به من گفت: آیا می دانی کجا هستی؟ گفتم: نه، گفت: اینجا

مسجدالاقصى است که در آن محل حشر و نشر است، سپس جبرئیل ایستاد و انگشت

سبابه راست خود را در گوش راستش قرار داد و اذان گفت و در آخر آن «حی علی

خیرالعمل» را دو بار گفت تا آن که اذان را تمام کرد، آنگاه اقامه برای نماز گفت و در آخر

آن «قد قامت الصلاة» را دو بار گفت.

نوری از آسمان برق زد و به وسیله آن قبور انبیاء باز شد. پس از هر طرف در حالی که دعوت جبرئیل را لبیک می‌گفتند روی آوردند. و چهار هزار و چهار صد و چهارده نبی جمع شدند و صفوفی را تشکیل دادند، من شک نداشتم که جبرئیل بر همه مقدم خواهد شد، ولی همین که صف‌ها منظم گردید جبرئیل بازوی مرا گرفت و به من گفت: شما جلو بایست و با برادرانت نماز بگذار.

به طرف راست خود توجهی کردم پدرم ابراهیم علیه السلام را دیدم که دو جامه سبزرنگ به تن داشت و از طرف راست او دو فرشته و از طرف چپ او دو فرشته بود، سپس به طرف چپ خود نگاه کردم برادر و وصی خود علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم که او دو جامه سفید پوشیده از طرف راست او دو فرشته و از طرف چپ او دو فرشته بود، من بسیار شادمان شدم.

پس از آن که نماز را جا آوردم به سوی ابراهیم علیه السلام رفتم. و او برای من از جا برخاست و با من مصافحه کرد و با دو دست دست راست مرا گرفت و گفت: «مرحبا به پیامبر صالح و فرزند صالح و برانگیخته شده صالح در زمان صالح». سپس به سوی علی بن ابی طالب علیه السلام رفت و با آن حضرت مصافحه کرد و با دو دست راست او را گرفت و گفت: «مرحبا به فرزند صالح و وصی صالح یا ابا الحسن». به او گفتم: پدر جان، او را با کنیه ابا الحسن صدا زدی در حالی که فرزندی ندارد؟ گفت: در صحف خود اینگونه یافتم و در علم غیب پروردگار من است که اسم او علی و کنیه اش ابا الحسن و الحسین است و او وصی خاتم انبیاء می‌باشد. و در ادامه حدیث فرمودند: سپس با نشاط در ابطح صبح کردیم و دچار هیچ زحمت و رنجی نگشته بودیم...

من این حدیث را برای شما بازگو نمودم. و گروهی به همین زودی آن را تکذیب می‌نمایند، ولی بدانید که آن حق است و دچار تردید نشوید.

سپس سید بن طاووس گفته است: شاید این اسراء دفعه دیگری غیر از آنچه مشهور است صورت گرفته و اخبار در صفات اسراء و کیفیت آن گوناگون وارد شده است. و شاید پیامبرانی که حضور پیدا کرده‌اند پیامبران مرسل بوده‌اند و یا پیامبرانی

بوده‌اند که ویژگی خاصی داشته‌اند، زیرا همه پیامبران نبودند و همه پیامبران آن طور که در اخبار وارد شده صد و بیست و چهار هزار نفرند.

و آنچه معلوم است این است که ما همه خصایص پیامبر ﷺ و علی ؑ را نمی‌دانیم ولی هر آنچه را عقل قابل قبول بداند و خداوند تبارک و تعالی آن را ذکر فرموده باشد، تکذیب آن جایز نیست، (و من در بعضی از مصنفات خود ذکر کرده‌ام که چون خداوند بنده‌ای از بندگانش را برای معرفت خویش پسندید و او را به خدمت خود شرافت بخشید، آنچه پس از آن به او لطف و احسان نماید کم‌تر از آن مرتبه و مقامی است که به او مرحمت فرموده است). و مخصوصاً این روایت را کسانی نقل کرده‌اند که در نقل فضایل مولا امیرالمؤمنین ؑ متهم نیستند.

۲ - و نیز در کتاب «الیقین» از محمد بن عباس نقل کرده و او به سند خود از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که فرمودند:

من در میان «حجر» خوابیده بودم که جبرئیل نزد من آمد و با حرکت دادن آرام مرا بیدار نمود و گفت: ای محمد برخیز و سوار شو و به پیشگاه پروردگارت حضور پیدا کن، و برایم جنبه‌ای کوچک‌تر از قاطر و بزرگ‌تر از الاغ حاضر کرد که هر گامش به اندازه‌ای بود که چشم آدمی کار می‌کرد و برایش دو بال از جواهر بود و «براق» نامیده می‌شد.

پس سوار بر آن مرکب شدم و رفتیم تا به تلی و جایگاه مرتفعی رسیدیم و با شخصی برخورد کردم که ایستاده بود و موهایش بر روی شانه‌اش ریخته بود، چشمش که به من افتاد گفت: سلام بر توای اول، سلام بر توای آخر، سلام بر توای گردآورنده. جبرئیل به من گفت: ای محمد ﷺ پاسخ سلام او را بده، من گفتم: درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

از آن شخص که گذشتم و عبور کردم به شخص دیگری برخورد کردم با چهره‌ای سفید و موهای پیچان، سلام کرد مانند آن اولی، و من به او پاسخ سلامش را گفتم، او به من در مورد علی بن ابی طالب ؑ سفارش کرد و سه مرتبه گفت: «احتفظ بالوصی» وصی را حفظ کن و مراقب او باش که مقرب درگاه ربوبی است.

از او که گذشتم به بیت المقدس رسیدم با شخصی برخورد کردم که از نظر چهره

نیکوتر از همه و از نظر جسم، تمام‌ترو کامل‌تراز همه، و از نظر آب و رنگ زیباتراز همه بود، به من که نگاهش افتاد، گفت: سلام بر تو ای پیامبر سلام بر تو ای اول - و مانند سلام آن اولی سلام گفت - جبرئیل به من گفت: سلام او را جواب بده، و من جواب سلامش را گفتم، آنگاه در مور دعلی بن ابی طالب رضی الله عنه به من سفارش کرد و سه مرتبه گفت: «احتفظ بالوصی» وصی را حفظ کن و مراقب باش. یعنی علی بن ابی طالب رضی الله عنه را که مقرب درگاه ربوبی و امین بر حوض و صاحب شفاعت است.

از مرکبم فرود آمدم، جبرئیل دست مرا گرفت و مرا وارد مسجد نمود و صف‌ها را شکافت در حالی که مسجد پراز جمعیت بود. در این هنگام ندایی از بالا به گوش رسید که گفت: مقدم شو و پیش بایست ای محمد. جبرئیل مرا مقدم نمود و من با آن‌ها نماز گزاردم. سپس از آنجا نردبانی به سوی آسمان دنیا از لؤلؤ برای ما نهاده شد، جبرئیل دست مرا گرفت و به سوی آسمان بالا رفتیم «همه جا را پراز محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم»^۱. پس جبرئیل درب ورود را زد، به او گفتند: کیستی؟ گفت: منم جبرئیل، به او گفتند: چه کسی به همراه توست؟ گفت: با من برادرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، گفتند: آیا به رسالت مبعوث گردیده؟ گفت: آری، آنگاه در را برای ما گشودند و گفتند: مرحبا به تو و این برادر و این خلیفه، خوب برادری، خوب خلیفه‌ای و خوب اختیار شده‌ای است. او خاتم پیامبران است و بعد از او پیامبری نیست.

سپس از آنجا برای ما نردبانی نهاده شد از یاقوت که به زبرجد سبز حمایل شده بود، به سوی آسمان دوم بالا رفتیم، جبرئیل درب ورود به آسمان دوم را زد، همان گفتار آسمان اول را به او گفتند و جبرئیل همان پاسخ‌ها را به آن‌ها داد، پس در را برای ما گشودند. سپس برای ما نردبانی از نور که اطراف آن را نور فرا گرفته بود نهاده شد، جبرئیل به من گفت: ای محمد، ثابت و استوار بمان و پیش برو.

آنگاه به اذن پروردگار به آسمان سوم و چهارم و پنجم تا هفتم بالا رفتیم، صدا و

۱. سوره جن، آیه ۸.

صیحه ای شدید به گوش من رسید، به جبرئیل گفتم: این چه صدایی است؟ گفت: این صدای طوبی است که به دیدار شما مشتاق است.

در این هنگام خوف شدیدی به من دست داد. جبرئیل گفت: به پیشگاه ربوبی نزدیک شو، به کرامت شما نزد پروردگار و به برکت وجود شما امروز قدم به جایی نهاده ام که نهاده بودم و اگر کرامت شما نبود این نوری که پیشاپیش من است مرا می سوزانید.

به پیش رفتم و برایم هفتاد حجاب کنار زده شد، صدایی شنیدم که فرمود: یا محمد! سجده کنان بر زمین افتادم و عرض کردم: لبیک ای پروردگار صاحب عزت و جلال، لبیک، به من گفته شد: ای محمد سراز سجده بردار و آنچه می خواهی درخواست کن که به تو عطا می شود و شفاعت کن که پذیرفته می گردد. ای محمد، تو حبیب من، برگزیده و فرستاده من به سوی خلق من و امین من در میان بندگانم می باشی، چه کسی را در میان قوم خویش به جا نهادی هنگامی که به سوی پیشگاه ربوبی کوچ نمودی؟

عرض کردم: تو آگاه تر از من هستی، برادرم و پسرعمویم و یاورم و وزیر و مددکارم و صندوق علم و دانشم و انجام دهنده وعده هایم را.

به من فرمود: قسم به عزت و جلال وجود و شکوه و قدرتم بر خلق، هرگز کسی ایمان به من و به پیامبری تو پذیرفته نمی شود، جز با ایمان به ولایت او.

ای محمد، آیا دوست داری که او را در ملکوت آسمان ببینی؟ عرض کردم: چگونه او را ببینم. در حالی که او را بر روی زمین به جا نهاده ام؟ به من فرمود: ای محمد سر خود را بلند کن. سرم را بلند کردم آن حضرت را با فرشتگان مقرب پروردگار مشاهده نمودم. خندیدم به گونه ای که دندان های آسیاب من ظاهر گشت، عرض کردم: پروردگارا امروز چشم من روشن گردید.

به من گفته شد: ای محمد، عرض کردم: لبیک ای صاحب عزت و جلال لبیک، فرمود: من در مورد علی علیه السلام عهدی با تو دارم، آن را گوش کن.

عرض کردم: پروردگارا آن عهد چیست؟ فرمود: علی پرچم هدایت و پیشوای نیکوکاران و قاتل بدکاران و امام کسانی است که مرا اطاعت کنند، و او کلمه ای است که

خدا تقوا پیشه‌گان را به آن ملزم ساخته است، او را وارث علم و فهم خود گردانیدم هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس با او دشمنی کند با من دشمنی نموده است. او خود امتحان داده شده و مردم به وسیله او امتحان می‌شوند، ای محمد، به او این مطلب را بشارت بده.

سپس جبرئیل نزد من آمد و به من گفت: خداوند تبارک و تعالی به شما می‌فرماید: ای محمد ﴿وَأَرْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا﴾^۱ آن‌ها را به کلمه تقوا یعنی نشان تقوا و حقیقت آن ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند، که مقصود از کلمه تقوا ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

به پیش بروای محمد، و من به پیش رفتم به نهری رسیدم دو طرف آن قبه‌هایی از درّ و یاقوت بود از نقره سفیدتر، از عسل شیرین‌تر و از مشک خوش‌بوتر، با دست به آن زدم، احساس کردم که گل آن مشک تیزبو است.

جبرئیل به من گفت: ای محمد، آیا می‌دانی این چه نهری است؟ گفتم: چه نهری است ای جبرئیل؟ گفت: این نهر شما است، همان نهری که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ ما به تو کوثر عطا کردیم و سوره را قرائت کرد تا «ابتر» و گفت ابتر عمرو بن عاص است.

سپس التفاتی نمودم و مردانی را مشاهده کردم که در آتش دوزخ افکنده می‌شدند، به جبرئیل گفتم: این‌ها چه کسانی هستند؟ به من گفت: این‌ها از مرجئه، قدریه، حروریه، بنیامیه و کسانی هستند که نسبت به ذریه شما نصب عداوت نمودند، این پنج گروه هیچ سهمی برای آنان در اسلام نیست.

سپس به من گفت: آیا از پروردگارت نسبت به آنچه برای تو تقسیم نموده خشنود هستی؟ گفتم: پاک و منزّه است پروردگارم که ابراهیم را خلیل خود گرفت و با موسی تکلم نمود و به سلیمان ملک عظیم عطا فرمود، با من نیز تکلم کرد و مرا خلیل خود گرفت

۱. سوره فتح، آیه ۲۶.

و در مورد علی علیه السلام امری عظیم به من عطا فرمود.

ای جبرئیل، کسی را که اول تل ملاقات کردم چه کسی بود؟ گفت: او برادرت موسی بن عمران بود، گفت: سلام بر تو ای اول، تو بشارت دهنده ای به عنوان اولین بشر، سلام بر تو ای آخر، تو مبعوث شونده ای به عنوان آخرین پیامبر، سلام بر تو ای حاشر، تو عهده دار حشر این امت هستی.

گفتم: آنکه در وسط تل او را ملاقت کردم چه کسی بود؟ گفت: او برادرت عیسی بن مریم بود، تو را نسبت به برادرت علی بن ابی طالب علیه السلام سفارش نمود، او زمامدار و رهبر سفیدرویان و امیر و فرمانروای مؤمنان است و توسید و سرور همه فرزندان آدم هستی.

گفتم: در کنار باب بیت المقدس با چه کسی دیدار کردم؟ گفت: او پدرت آدم بود. تو را نسبت به فرزندش علی بن ابی طالب علیه السلام به خیر و خوبی سفارش نمود و به شما خبر داد که او امیر مؤمنان و سرور مسلمانان و پیشوای روسفیدان است.

گفتم: آن ها که با ایشان نماز گزاردم چه کسانی بودند؟ گفت: آن ها پیامبران و فرشتگان بودند و این کرامتی از جانب پروردگار بود که تو را بدان اکرام نمود و گرمی داشت. سپس مرا به زمین فرود آورد.

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صبح کرد کسی را به سوی انس فرستاد و چون شرفیاب محضر حضرتش شد به او فرمود: علی علیه السلام را فراخوان. علی علیه السلام که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید به او فرمود: علی جان تو را بشارت می دهم، عرض کرد: به چه چیزی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله به جمیع آنچه دیده بود آن حضرت را بشارت داد و این حدیث طولانی است، تنها قسمت مورد نیاز را ذکر کردیم.^۱

مؤلف گوید: بدان این شیخ بزرگوار در این موضع و غیر این موضع از کتابش که مربوط به مسأله اسراء است احادیث فراوانی را روایت کرده است و هر یک از آن ها مشتمل بر فضایل بسیار است و تعداد زیادی از علمای عامه و خاصه - از کسانی که در

۱. الیقین: ص ۲۸۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۷، ص ۳۱۲، ح ۴۹.

این زمینه تألیفی دارند - از فضایل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به قدری ذکر کرده‌اند که قلم‌ها قادر به احصاء آن نیست.

۳ - علی بن ابراهیم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به سند خود از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أُنسِرَى بِعَبْدِهِ﴾ فرمودند: از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرموده‌اند:

من در ابطح خوابیده بودم. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در طرف راست و جعفر در طرف چپ و حمزه پیش روی من بود، ناگاه صدای حرکت بال‌های ملائکه را احساس کردم و گوینده‌ای را که می‌گفت: به سوی کدام یک از ایشان فرستاده شده‌ای ای جبرئیل؟ به طرف من اشاره کرد و گفت: به سوی این شخص، سپس اضافه کرد: او سرور فرزندان آدم و حوّا است و این آقا، وزیر او، وصی، داماد و جانشین او در میان امتش می‌باشد، و این یکی عموی او سیدالشهداء حمزه، و این دیگری پسرعمویش جعفر است او صاحب دو بال خواهد بود که با آن در بهشت به همراه ملائکه پرواز کند او را واگذار، دیدگانش بخواب و دو گوش او می‌شنود و قلبش حفظ می‌کند، برای او مثلی بزنید: ملک بنی دارا، واتخذ مآدبه، وبعث داعيا: پادشاهی خانه‌ای را بنا کرد و سفره‌ای گسترانید و دعوت کننده‌ای را فرستاد.

پادشاه خداوند است، خانه دنیا، سفره گسترانیده شده بهشت، و دعوت کننده به سوی آن من هستم...

۴ - صدوق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فاطمه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا را به عقد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ درآورد، زنان قریش و غیر آنان آن حضرت را سرزنش نمودند و گفتند: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تو را همسر کسی نموده که فقیر است و مال و ثروتی ندارد. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دخترش فرمود:

فاطمه جان، آیا رضایت نداری و خشنود نیستی؟ خداوند تبارک و تعالی التفاتی و توجهی به زمین نمود از آن دو نفر را برگزید یکی پدرت و دیگری همسرت. فاطمه جان، من و علی دو نور در پیشگاه پروردگار بودیم و چهارده هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم

را بیافریند او را اطاعت می نمودیم، چون آدم را آفرید آن نور را به دو قسمت تقسیم نمود، یک قسمت از آن من و قسمت دیگر علی علیه السلام گردید.

سپس قریش در پیرامون آن سخن گفتند و خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، به بلال دستور داد مردم را فرا بخواند رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد رفت و بر فراز منبر قرار گرفت و با مردم درباره کرامتی که خداوند به او اختصاص داده و کرامت‌هایی که مخصوص امیرالمؤمنین و فاطمه علیهما السلام گردانیده سخن گفت و فرمود:

ای مردم گفتار شما به من رسید و من حدیثی را برای شما ذکر می‌کنم، آن را به خاطر بسپارید... سخن را ادامه داد تا آنکه فرمود:

هنگامی که به آسمان بالا برده شدم به گروهی از ملائکه در آسمانی از آسمان‌ها برخورد نکردم مگر آنکه از علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدند و گفتند: ای محمد، به دنیا که بازگشتی به علی علیه السلام و شیعیان او از طرف ما سلام برسان.

هنگامی که به آسمان هفتم رسیدم و همه کسانی که به همراه من بودند از فرشتگان آسمان‌ها و جبرئیل و ملائکه مقرب باز ایستادند و آنان را پشت سر گذاشتم و به حُجب پروردگار رسیدم، در هفتاد هزار حجاب وارد شدم از حجب عزت و قدرت و بهاء و کرامت و کبریاء و عظمت و نور و ظلمت و وقار تا به حجاب جلال رسیدم، در پیشگاه ربوبی ایستادم و به مناجات با او پرداختم، آنچه اراده فرموده بود به من امر نمود و من برای خودم و علی بن ابی طالب علیه السلام چیزی از او درخواست نکردم مگر آنکه عطا فرمود و به من وعده شفاعت در مورد شیعیان و دوستان او داد.

سپس خداوند بلند مرتبه به من فرمود: ای محمد، از خلق من چه کسی را دوست میداری؟ عرض کردم: من آن را دوست می‌دارم که تو دوست داری، به من فرمود: اگر چنین است علی را دوست بدار که من او را دوست می‌دارم و دوستان او را دوست دارم. سجده‌کنان و تسبیح‌گویان به خاطر شکر پروردگار بر خاک افتادم.

سپس به من فرمود: ای محمد، علی، ولی من و برگزیده من از میان خلقم بعد از تو است، او را به عنوان برادر، وصی، وزیر، جانشین و یار و یاور تو اختیار نمودم.

ای محمد، به عزت و جلالم قسم هیچ جنّاری، با علی مخالفت و دشمنی نکند مگر آنکه او را شکست دهم و هیچ دشمنی از دشمنان من با علی مبارزه نکند مگر آنکه او را فراری دهم و هلاک گردانم.

ای محمد، به دل‌های بندگانم توجهی نمودم علی را نسبت به تو از همه خیرخواه‌تر و فرمانبردارتر یافتم، پس او را برادر و جانشین و وصی خود بگیر و دخترت فاطمه علیها السلام را به او تزویج نما، به آن دو دو فرزندی خواهم بخشید که طیب و طاهر و از هر جهت پاک و پاکیزه باشند.

به ذات خودم سوگند یاد می‌کنم و بر خودم حتمی و لازم می‌گردانم که هر کس از خلقم ولایت علی و همسرش و ذریه ایشان را بپذیرد پرچم او را تا قائمه عرش بالا ببرم و بهشتم را و کرامتم را بر او مباح نمایم و از جایگاه قدس خود او را سیراب سازم. و هر کس با آنان دشمنی نماید و یا از ولایت ایشان روی بگرداند دوستی و محبت خود را از او سلب نمایم و از مقام قرب خویش دور سازم و عذاب و لعنتم را بر او مضاعف گردانم.

ای محمد، تو فرستاده من به سوی همه خلق و علی ولی من و امیر و فرمانروای مؤمنان است، بر این اصل از فرشتگان و پیامبران و همه خلقم پیمان گرفته‌ام در حالی که آن‌ها ارواح بودند پیش از آن‌که خلقی را در آسمان و زمینم بیافرینم و این به خاطر محبت من نسبت به تو و علی و فرزندان شما و هر کسی است که شما را دوست بدارد و از شیعیان شما باشد، و به خاطر همین آنان را از طینت شما آفریدم.

عرض کردم: خداوند اای سرور من همه امت را بر این اصل هماهنگ فرما یعنی بر محور ولایت علی علیه السلام گردآور، این را بر من ابا نمود و نپذیرفت و فرمود: ای محمد، علی خود آزمایش شده و وسیله آزمایش خلق من است و همانا من شما را مایه امتحان آنان قرار داده‌ام. به وسیله شما همه بندگانم و آفریدگانم را که در آسمان و زمین و بین آن به سر می‌برند می‌آزمایم، تا ثواب را برای کسانی که مرا در مورد شما اطاعت کنند کامل گردانم، و عذاب و لعنتم را نسبت به کسانی که مرا در مورد شما مخالفت و نافرمانی کنند روا بدارم و به وسیله شما پاک و ناپاک را از یکدیگر جدا سازم.

ای محمد، به عزت و جلالم اگر تو نبودی آدم را نمی آفریدم و اگر علی نبود بهشت را خلق نمی کردم، زیرا من به وسیله شما و با در نظر گرفتن شما بندگانم را در روز معاد به پاداش و کیفر جزا می دهم، و به وسیله علی و ائمه از فرزندان او از دشمنانم در دنیا انتقام می گیرم، و سرانجام بندگانم در معاد به سوی من است، شما دو بزرگواری را در مورد بهشت و دوزخم حاکم می گردانم، دشمن شما هرگز داخل بهشت، ولی و ارادتمند شما هرگز داخل دوزخ نمی شود، به این مطلب به ذات خود قسم یاد کرده ام.

سپس بازگشتم و از هر حجابی از حجاب ها که خارج می شدم ندایی از پشت سرم می شنیدم که می گفت:

یا محمد ﷺ، احب علیاً، یا محمد ﷺ، اکرم علیاً، یا محمد، قدّم علیاً علیاً .

ای محمد، علی را دوست بدار، ای محمد، علی را گرامی بدار، ای محمد، علی را مقدم بدار.

ای محمد، علی را جانشین خود گردان، ای محمد، به علی وصیت کن، ای محمد، با علی مؤاخات و برادری برقرار کن..

ای محمد، هر که علی را دوست می دارد دوست بدار، ای محمد، در مورد علی و شیعیان او به خیر و خوبی سفارش کن.

هنگامی که به ملائکه رسیدم در آسمان ها، ضمن تهنیت می گفتند: ای رسول خدا کرامت پروردگار و گرامیداشت او نسبت به شما و علی ﷺ گوارا باد.

ای مردم علی برادر من است در دنیا و آخرت، و او وصی من و امین من بر اسرار من و اسرار پروردگار جهانیان است، او وزیر من و جانشین من بر شما در حیات من و بعد از وفات من است، هیچ کس غیر از من بر او مقدم نمی شود، او بهترین کسی است که بعد از خود به جای می گذارم. پروردگارم به من خبر داد که او سید و سالار مسلمانان، امام و پیشوای پرهیزکاران و امیر و فرمانروای مؤمنان است. او وارث من و وراث همه پیامبران و وصی رسول خدا است.

او به امر و فرمان پروردگار عالم روسفیدان از شیعیان و اهل ولایت خود را به سوی

بهشت جاودان و نعیم پایدار رهبری می‌نماید، خداوند در قیامت او را به مقام محمود می‌رساند که اولین و آخرین به مقام او غبطه می‌خورند. در دست او لوای من، یعنی لوای احمد، است، پیشاپیش من راه می‌رود و در زیر آن لواء آدم و جمیع فرزندان او از انبیاء و شهدا و صالحین هستند و به سوی بهشت رهسپارند. این حتمی است، از طرف پروردگار جهانیان حتمی شده و وعده الهی است که به من در مورد آن وعده داده است و خداوند هرگز وعده‌اش تخلف ندارد، و من بر این وعده و بر این مطلب از گواهان هستم.^۱

۵ - صدوق علیه السلام از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله صد و بیست مرتبه به معراج رفتند، در هر مرتبه خداوند تبارک و تعالی بیش از آنچه در مورد فرایض می‌فرمود درباره ولایت علی بن ابی طالب و ائمه طاهرین علیهم السلام تأکید و سفارش می‌نمود.^۲

۶ - شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب امالی از ابن عباس نقل می‌کند: از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

أعطاني الله خمساً وأعطى علياً خمساً، أعطاني جوامع الكلام وأعطى علياً جوامع العلم، وجعلني نبياً وجعله وصياً، وأعطاني الكوثر وأعطاه السلسبيل وأعطاني الوحي وأعطاه الألقام، وأسرى بي وفتح له أبواب السماء والحجب حتى نظرتني ونظرت إليه.

خداوند به من پنج چیز و به علی علیه السلام نیز پنج چیز عطا کرد: به من «جوامع العلم» یعنی قرآن را عطا کرد و به علی علیه السلام مجموعه علم را عنایت فرمود، مرا پیغمبر و علی را وصی من قرار داد، به من کوثر و به علی سلسبیل - نام نهری است در بهشت - عنایت کرد، به من وحی و به او الهام بخشید، مرا در آسمان‌ها سیر داد و درهای آسمان را به روی او گشود و برده‌ها را برایش کنار زد، به طوری که من به او نگاه می‌کردم و او به من نگاه می‌کرد.

۱. البیقین: ص ۴۲۴؛ بحار الأنوار: ج ۱۸، ص ۳۹۷، ح ۱۰۱؛ ج ۴۰، ص ۱۸، ح ۳۶.

۲. خصال: ص ۶۰۰، ح ۳؛ بحار الأنوار: ج ۱۸، ص ۳۸۷، ح ۹۶؛ ج ۲۳، ص ۶۷۹، ح ۴.

ابن عباس گوید: سپس رسول خدا ﷺ گریه کرد، عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما چرا گریه می‌کنید؟ فرمود:

ای ابن عباس، ابتدای گفتار پروردگارم این بود که فرمود: ای محمد، به پایین نگاه کن. نگاه کردم دیدم پرده‌ها کنار زده شده و درهای آسمان گشوده گشته و علی علیه السلام را دیدم که سر خود را بلند کرده است، او با من صحبت کرد و من با او به کلمات پروردگارم گفتگو کردم.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای محمد، من علی را وزیر و یاور و وصی و جانشین بعد از تو قرار دادم، به او خبر بده، کلامت را می‌شنود، من به او خبر دادم در حالی که در پیشگاه پروردگارم بودم و او قبول کرد و گفت: اطاعت می‌کنم.

خداوند فرشتگان را دستور داد تا به او سلام کنند و آنها انجام دادند، و علی علیه السلام آنها را پاسخ گفت، و فرشتگان را دیدم یکدیگر را بشارت می‌دادند، و به فرشته‌ای از فرشتگان آسمان عبور نکردم مگر اینکه به من تهنیت و تبریک می‌گفت و همگی گفتند:

يا محمد، والأذي بعثك بالحق نبياً لقد دخل السرور على جميع الملائكة باستخلاف الله تعالى لك ابن عمك.

ای محمد، قسم به آن کسی که تورا به حق پیغمبری داد از این که خداوند علی علیه السلام را به جانشینی تو برگزید خوشحالی و سرور فراوانی همه فرشتگان را فرا گرفت. حاملین عرش الهی را دیدم که سرها را پایین انداخته اند و به زمین نگاه می‌کنند، به جبرئیل گفتم: اینها چه می‌کنند؟

عرض کرد: ای محمد؛ فرشته‌ای از فرشتگان باقی نماند مگر اینکه نگاه بشارت آمیزی به چهره علی علیه السلام نمود جز اینها که عرش پروردگار را به دوش دارند، اکنون اجازه گرفته‌اند تا آن‌ها هم به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه کنند.

بعد فرمود: هنگامی که از آسمان فرود آمدم خواستم خیرهای بالا را به علی علیه السلام گزارش دهم دیدم او برایم وقایع را نقل می‌کند دانستم که قدمی برنداشته‌ام جز این که برای علی علیه السلام هم مکشوف گشته و آن را نگریسته است.

ابن عباس می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا، به من سفارشی بفرمایید. فرمود:

عليك بحب علي بن أبي طالب.

تورا به دوستی علی عليه السلام سفارش می کنم.

دوباره عرض کردم: ای رسول خدا، مرا سفارشی بفرما. فرمود:

عليك بمودة علي بن أبي طالب عليه السلام. والذي بعثني بالحق نبياً لا يقبل الله من

عبد حسنة حتى يسأله عن حب علي بن أبي طالب عليه السلام وهو أعلم، فإن جاء

بولايته قبل عمله على ما كان فيه، وإن لم يأت بولايته لم يسأله عن شيء وأمر

به إلى النار.

تورا توصیه می کنم که نسبت به علی عليه السلام اظهار محبت کنی. به حق آن کسی که مرا

به رسالت برگزید خداوند هیچ کار خوبی را از کسی نمی پذیرد تا از دوستی علی بن ابی

طالب عليه السلام از او سؤال کند - در حالی که خودش دانتر است - اگر ولایت علی عليه السلام را به

همراه داشته باشد اعمالش را با همه نقائص آن قبول می کند، ولی اگر از ولایت آن حضرت

بی بهره باشد او را به طرف آتش روانه می کند بدون این که از کارهایش پرسش کند.^۱

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ

عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ

شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ

عَلَيْهِمْ وَآمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿١٠١﴾ - ﴿١٠٢﴾

«ما به بنی اسرائیل در کتاب خبر دادیم که شما در این سرزمین دو بار فساد خواهید

کرد و برتریجویی شدیدی خواهید نمود هنگامی که وقت وعده نخستین فرا رسد

بندگان سخت جنگجو را بر شما برانگیزیم تا آنجا که در درون خانه های شما را

جستجو نمایند و این وعده حتماً انجام خواهد شد و قطعی است، سپس شما را بر

۱. امالی طوسی: ص ۱۰۴ ح ۱۵؛ بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۳۱۷، و خصال: ص ۲۹۳ ح ۵۷، بشارة المصطفی: ۱۰۱.

آن‌ها غلبه دهیم و چیره گردانیم و با ثروت و فرزند مدد رسانیم و عده شما را زیادتراز دشمن قرار دهیم».

۷ - کلینی علیه السلام به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه
﴿قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّةً مِّنْهُنَّ﴾ فرمودند:

فساد آن‌ها کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام و نیزه زدن بر امام حسن علیه السلام است.

﴿وَلَتَعْلَنَ عَلُوًّا كَبِيرًا﴾ سرکشی و برتری جویی بزرگ آن‌ها کشتن امام حسین علیه السلام است.
﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ هنگامی که زمان یاری خون امام حسین علیه السلام فرارسد، **﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾** بندگانی سخت جنگجو را برانگیزیم مقصود گروهی هستند که خداوند آن‌ها را پیش از قیام امام قائم علیه السلام برانگیزد پس هر که را که به آل محمد علیه السلام ظلم کرده رها نکنند تا آنکه او را بکشند.

و در تفسیر این قسمت از آیه **﴿وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا﴾** «وعده خدا انجام شده و حتمی است» فرمودند: مقصود خروج امام قائم علیه السلام است.

﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾ سپس شما را بر آنان چیره ساختیم با آمدن حسین بن علی علیه السلام به همراه هفتاد تن از اصحابش. آن‌ها کلاهخودهای طلاکاری شده که دورو دارد بر سر دارند و به مردم این مطلب را می‌رسانند که حسین بن علی علیه السلام خروج کرده، به حدی که مؤمنان هیچ شک و تردید در وجود او به خود راه ندهند و بدانند که او دجال و شیطان نیست و حضرت حجت هنوز در میان آنان است، و هنگامی که معرفت در دل‌های مؤمنین نسبت به امام حسین ثابت گردید حضرت حجت علیه السلام را مرگ فرارسد، کسی که آن حضرت را غسل دهد و کفن و حنوط کند و دفن نماید حسین بن علی علیه السلام است و کسی جز وصی برای وصی عهده‌دار این امور نگردد.^۱

پس بنابراین تأویل معنا چنین می‌شود: ما به بنی اسرائیل خبر دادیم به زبان موسی و عیسی علیه السلام در کتاب یعنی در تورات و انجیل **﴿لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ﴾** مخاطب در این

۱. کافی: ج ۸، ص ۲۰۶، ح ۲۵۰؛ بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۹۳، ح ۱۰۳.

قسمت از آیه امت حضرت محمد ﷺ هستند.

﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾ مخاطب در این کلام نورانی اصحاب امام حسین علیه السلام هستند.

و این تأویل دلیل صحیحی بر رجعت است و اینکه حسین بن علی علیه السلام خروج خواهد نمود.

و آن را تأیید می کند آنچه در دعای روز سوم شعبان آمده است:

الممدود بالنصرة يوم الكربة المعوض عن قتله ان الأئمة من نسله و الشفاء في تربته و الفوز معه في أوبته.

آنکه در روز رجعت به نصرت و یاری پایدار خواهد شد و عوض داده شده از قتلش این که ائمه طاهرين از نسل او و شفاء امراض در خاک پاک او قرار داده شده و پیروزی با او در بازگشتش خواهد بود.^۱

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ①

«همانا این قرآن هدایت می کند به راهی که پایدارتر و استوارتر است و به مؤمنان

بشارت می دهد».

۸ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این

آیه شریفه ﴿يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ فرمودند:

یهدی إلى الامام علیه السلام.

یعنی مردم را به سوی امام علیه السلام راهنمایی می کند.

و معنی فرمایش امام علیه السلام این است که در قرآن آیات روشن و دلایل واضحی است

که بر امام علیه السلام دلالت می کند.

مثل این آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ همانا ولی و سرپرست

۱. مصباح المتهجد: ۵۷۴؛ بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۹۴؛ ح ۱۰۷؛ ج ۱۰۱، ص ۳۴۷، ح ۱.

شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و مثل این آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا و رسول و صاحبان امر از خودتان را اطاعت کنید.

بدان همانطور که قرآن مردم را به سوی معرفت امام دعوت می‌کند امام علیه السلام نیز مردم را به سوی قرآن هدایت می‌کند.^۱

زیرا این دو، دو جبل به هم پیوسته هستند و هرگز میان آن‌ها جدایی نیست و یکی از آن دو بدون دیگری نمی‌توانند مقاومت و پایداری نمایند.

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ

إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا﴾ ﴿۲۳﴾

کسی که مظلوم کشته شده برای ولیش سلطه یعنی حق قصاص قرار دادیم، در قتل اسراف نکند، همانا او یاری شده است.

۹ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

نُزِلَتْ فِي قَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.

این آیه در مورد قتل امام حسین علیه السلام نازل شده است.^۲

و معنای فرمایش امام باقر علیه السلام این است که امام حسین علیه السلام مظلومانه به شهادت رسیده و خداوند تبارک و تعالی برای ولی او، یعنی امام قائم علیه السلام، سلطنت و قدرت بر دشمنانش قرار داده هنگامی که به امر الهی قیام کند، اگر از آن‌ها هر مقدار بکشد هرگز

۱. قرآن به مردم می‌گوید: برای فهم مطالب من و درک معانی ژرف و عمیق من به سوی امام علیه السلام بروید و از علم او که از سرچشمه وحی الهی است استفاده کنید. امام علیه السلام می‌فرماید: اگر دلیل روشن برای اثبات حقانیت من و گفتار من می‌خواهید به قرآن مراجعه کنید.

۲. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۸۶، ح ۸.

اسراف نکرده است زیرا که او یاری شده از طرف خداوند است.

۱۰ - همان طور که افراد ثقه و مورد اطمینان به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که از آن حضرت در مورد این آیه شریفه سؤال شد، امام علیه السلام فرمودند:
 نزلت في الحسين عليه السلام لو قتل وليه أهل الأرض به ما كان مسرفاً و وليه القائم عليه السلام.

این آیه در مورد امام حسین علیه السلام نازل شده است، اگر ولی او همه اهل زمین را به خاطر کشته شدن مظلومانه آن حضرت بکشد اسراف نکرده است، ولی او که حق قصاص به او داده شده امام قائم علیه السلام است.^۱

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ ۳۱

و به عهد و پیمان وفا کنید که درباره آن مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

۱۱ - سید بن طاووس رحمته الله از کتاب محمد بن عباس نقل کرده است که او به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که در تفسیر آیه شریفه ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ فرموده‌اند:
 «عهد» و پیمانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مودت ما و اطاعت امیرالمؤمنین علیه السلام از مردم گرفت که با او مخالفت نکنند و بر او مقدم نشوند و قطع رحم با او ننمایند و به آن‌ها خبر داد که از او و از کتاب خدا سؤال خواهند شد.^۲

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱۵.

۲. الیقین: ۲۹۶؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۸۲، ح ۱.

﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ ﴿۱۲﴾

«ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود، همچنین شجره ملعونه را که در قرآن ذکر کرده‌ایم، ما آن‌ها را بیم داده و می‌ترسانیم اما جز طغیان زیاد چیزی بر آن‌ها نمی‌افزاید».

۱۲ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در سبب نزول این آیه شریفه می‌گوید:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب مشاهده کرد که گویا بوزینه‌هایی از منبر او بالا می‌روند (یکی بالا می‌رود و یکی پایین می‌آید) این صحنه وجود مقدسش را ناراحت کرد و او را دچار غم و اندوه ساخت و آن‌گاه این آیه شریفه نازل شد.^۱

۱۳ - و آن را تأیید می‌کند آنچه طبرسی رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه نقل کرده است:

او از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است که فرمودند:

رؤیایی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را مشاهده کرد که بوزینه‌هایی بر منبر آن حضرت بالا می‌روند و پایین می‌آیند آن وجود مقدس را ناراحت کرد و غمگین ساخت و پس از آن تا هنگام وفات خنده‌کنان دیده نشد.^۲

دنباله معنای آیه: ﴿إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ﴾ یعنی امتحان و آزمایش مردم

﴿وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ﴾ یعنی شجره‌ای که اهل آن لعنت شده‌اند، (مضاف

حذف گردیده و ضمیر در اسم مفعول مستتر شده است.)

مقصود از اهل شجره ملعونه، بنی امیه‌اند^۳، بنا بر آنچه علی بن ابراهیم^۴ و

طبرسی رحمته الله ذکر کرده‌اند.

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۴۱۲؛ بحار الأنوار: ج ۳۱، ص ۱۹۴.

۲. مجمع البیان: ج ۶، ص ۴۲۴.

۳. به تفسیر سیوطی الدر المنثور: ج ۵، ص ۳۱۰ مراجعه کنید.

۴. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۴۱۲.

بنابراین تاویل بوزینه‌هایی را که پیامبر ﷺ آن‌ها را دیدند بنی امیه بوده‌اند که بر منبر آن حضرت بالا رفتند و سنت او را تغییر دادند و ذریه پاک او را به قتل رساندند.

۱۴ - از منهال روایت شده است که گفت: خدمت حضرت علی بن الحسین علیهما السلام رسیدم و از حال آن حضرت پرسیدم، به من فرمودند: **أصبحنا والله بمزلة بنی اسرائیل من آل فرعون، یذبّحون أبناءهم و یستحیون نساءهم.**

به خدا قسم صبح کردیم در حالیکه با ما همانند بنی‌اسرائیل از آل فرعون رفتار کردند، فرزندان ایشان را ذبح می‌کردند و زنان ایشان را زنده می‌گذاشتند، بهترین خلق خدا بعد از رسول خدا ﷺ بر منابر لعنت می‌شود و حقّ محبّ ما به خاطر محبتی که به ما دارد، داده نمی‌شود.^۱

مؤلف گوید: بدان، پیامبر خدا ﷺ این رؤیا را ندیده است مگر آنکه امتحانی برای مردم باشد تا مؤمنان از کافران جدا گردند، و مردم جز عده اندکی مرتد شدند. و خداوند سبحان پیامبرش را از عملکرد ستمگران بعد از آن حضرت خبر داده است. و آن‌ها را به غیر از صورت آدمیان بلکه به صورت بوزینه نشان داد، که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: **﴿كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾**^۲ به آن‌ها که نافرمانی او نمودند فرمود: به صورت بوزینه‌هایی طرد شده درآیید.

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ (۷۱)

«روزی که هر گروهی از مردم را با امامشان فرا می‌خوانیم».

۱۵ - طبرسی رحمته الله به سند خود از ابن عباس و نیز از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

۱. مجمع البیان: ج ۶، ص ۴۲۴.

۲. سوره بقره، آیه ۶۵.

إِنَّ الْأُمَّةَ أَمَامَن، امام هدی و امام ضلالت.

امامان دو گونه اند: بعضی پیشوای هدایتند و برخی دیگر پیشوای ضلالت.^۱
به تعبیر دیگر امام دو گونه است امام نور و امام نار، امامی که به سوی نور و روشنایی راهنمایی می کند و امامی که به سوی آتش مردم را رهبری می کند.

۱۶ - و نیز گفته است: عامه و خاصه با اسانید صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمودند:
در روز قیامت هر گروهی از مردم با امام زمان و کتاب پروردگار و سنت پیامبرش فرا خوانده می شوند.^۲

۱۷ - و نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:
آیا حمد و ستایش پروردگار نمی نمایید؟ هنگامی که روز قیامت فرا رسد هر قومی را با سرپرست ایشان بخوانند و ما را با رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا خوانند و شما به ما پناه آورید، فکر می کنید شما را به کجا ببرند؟

خود حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمودند: «إِلَى الْجَنَّةِ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» به پروردگار کعبه قسم شما را به سوی بهشت ببرند.^۳

۱۸ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه گفته است:
مقصود از آن روز، روز قیامت است، منادی فریاد برمی آورد: ابوبکر با پیروانش، عمر با پیروانش، عثمان با شیعیانش علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با شیعیانش برخیزند.^۴

۱۹ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:
هنگامی که این آیه شریفه نازل شد مسلمان ها عرض کردند: آیا شما امام همه مردم

نیستید؟

۱. مجمع البیان: ج ۶، ص ۴۲۹؛ بحار الأنوار: ج ۸، ص ۸.

۲. مجمع البیان: ج ۶، ص ۴۳۰؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۲۳، ح ۲۴.

۳. مجمع البیان: ج ۶، ص ۴۳۰؛ بحار الأنوار: ج ۸، ص ۸.

۴. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۴۱۳؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۶۵، ح ۲۶.

رسول خدا ﷺ فرمودند: من رسول خدا و فرستاده او به سوی همه مردم هستم ولی به زودی پس از من از طرف خداوند از خاندان من بر مردم امامانی می‌باشند که در میان مردم قیام می‌کنند و مورد تکذیب قرار می‌گیرند و پیشوایان کفر و ضلالت و پیروان ایشان بر آن‌ها ظلم و ستم روا می‌دارند.

پس هر کس آنان را دوست بدارد و ولایتشان را بپذیرد و از دستوراتشان پیروی کند از من و با من است و به زودی مرا ملاقات خواهد نمود، ولی آگاه باشید، هر کس به آنان ستم کند و ایشان را تکذیب نماید از من نیست و با من نخواهد بود و من از او بیزارم.^۱

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا

لَا تَخْذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٢﴾

«نزدیک بود آن‌ها تو را از آنچه بر تو وحی نمودیم بفریبند تا بر ما غیر آن را نسبت دهی، و در آن صورت تو را به دوستی خویش برگزینند».

۲۰ - شیخ محمد بن عباس رضی الله عنه در تأویل این آیه شریفه روایاتی را ذکر نموده و ما پیش از آنکه به ذکر روایات او پردازیم مختصری درباره خود او و آنچه در کتب رجال درباره او گفته شده می‌پردازیم.

در کتاب خلاصة الأقوال می‌نویسد: محمد بن عباس بن علی بن مروان بن ماهیار، ابوعبدالله بزاز، معروف به ابن جحام در میان اصحاب ما ثقه و مورد اطمینان است، او از شخصیت‌های برجسته و با ثبات است و احادیث بسیاری روایت کرده است، او صاحب کتاب «ما نزل من القرآن فی أهل البيت» است. عده‌ای از اصحاب ما درباره کتابش گفته‌اند: کتابی مانند آن در آن موضوع تصنیف نشده و گفته شده: هزار ورق بوده است. حسن بن داود رضی الله عنه در کتابش اسم و نسب او را به همان‌گونه که ما ذکر کردیم ذکر کرده و سپس او را توثیق نموده است. من بر تمامی کتاب او دست نیافتم بلکه

۱. کافی: ج ۱، ص ۲۱۵؛ ح ۱؛ اثبات الهداة: ج ۱، ص ۴۵۷، ح ۶۹.

نصف آن را یعنی از این آیه تا آخر قرآن دیده‌ام.

او به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ﴾ «نزدیک بود آن‌ها تو را بفریبند از آنچه بر تو وحی نمودیم» فرمودند:

مقصود از آنچه بر تو وحی نمودیم درباره علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

۲۱ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده‌اند که فرمود:

مشرکین تلاش بسیاری کردند که هرگونه شده و از هر طریقی شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از نظری که درباره علی بن ابی طالب علیه السلام دارد باز بدارند تا آنجا که بعضی از زنان آن حضرت در این مورد الحاح و اصرار زیادی نمودند و نزدیک بود رسول خدا صلی الله علیه و آله مختصر اعتمادی به آن‌ها نماید و اندک تمایلی به آن‌ها نشان دهد و آنگاه این آیه شریفه نازل شد.

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ﴾ - فی علی - لَتَفْتِرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا* وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتُمْ تَرُكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾ «نزدیک بود آن‌ها تو را از آنچه بر تو - درباره علی بن ابی طالب علیه السلام وحی نمودیم - بفریبند تا بر ما غیر او را نسبت دهی و در آن صورت تو را به دوستی خویش برگزینند* و اگر ما به تو ثبات قدم نداده بودیم - و از مقام عصمت برخوردار نبودی - نزدیک بود اندکی به آنان تمایل نمایی».^۲

محمد بن عباس رضی الله عنه گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله معصوم است و این برای بیم دادن امت و ترساندن آن‌ها است که مبدا یکی از مؤمنین بر یکی از مشرکین اعتماد نماید و

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۲۹، ح ۱.

۲. ظاهراً آنچه گفته شده فرضی است که رسول خدا (در آن فرض از مقام عصمت و آن نیروی قدسی برخوردار نباشد، اما با داشتن آن روح ملکوتی و عصمت الهی چنین چیزی محال است، یعنی محال است کوچک‌ترین قدمی بر خلاف رضای خداوند بردارد و محال است چیزی بخواهد بر خلاف آنچه خداوند می‌خواهد یا چیزی اراده کند بر خلاف آنچه خداوند اراده فرموده است زیرا که قلب پاک و منور او ظرف مشیت الهی است.

تمایلی نشان دهد، و این خطاب قرآنی مانند بعضی از خطابات از قبیل «به در می گویم دیوار گوش کند» می باشد. خداوند ظاهراً پیامبر را مورد خطاب قرار داده ولی امت او را اراده فرموده است.^۱

و معنای ﴿لَقَدْ كِدَّتْ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ﴾ این است که نزدیک بود به آن ها اعتماد کنی ولی اعتماد نکردی به خاطر دارا بودن عصمت، ما به وسیله عصمت تو را ثابت نگه داشتیم و این خطورات تا مادامی که به مرحله فعلیت نرسد هیچگونه بآسی در آن نیست.

۲۲ - در حدیث صحیح از آن حضرت نقل شده که فرموده اند:

حدیث نفس یعنی آن خطورات نفسانی تا مادامی که بر طبق آن سخن نگفته یا کاری انجام نداده از امت من برداشته شده است و اشکالی ندارد.^۲

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ ﴿۷۸﴾

«پاسی از شب را به تهجد بپرداز یعنی قرآن و نماز بخوان، این کار را انجام بده، امید است پروردگارت تو را به مقام محمود که در خور ستایش است برانگیزد».

۲۳ - اربلی رحمته الله صاحب کتاب کشف الغمه با حذف سند از انس بن مالک روایت کرده است که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم، که رو به سوی علی بن ابی طالب رضی الله عنه می رفت و این آیه شریفه را تلاوت می کرد: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ سپس فرمود:

علی جان، پروردگارم مرا مالک شفاعت در مورد اهل توحید از امتم گردانیده و شفاعت را از کسانی که نسبت به تو یا فرزندان اظهار دشمنی نمایند منع فرموده است.^۳

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۳۰، ح ۲.

۲. بحار الانوار: ج ۱۷، ص ۵۴؛ مجمع البیان: ج ۶، ص ۴۳۱.

۳. کشف الغمه: ج ۱، ص ۴۰۱؛ امالی طوسی: ص ۴۵۵، ح ۲۳؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۴۲، ح ۳.

و معنای این فرمایش رسول خدا ﷺ این است که مقام محمود، مقام شفاعت است و آن جزء برای شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام نمی باشد.

۲۴ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند:

إِذَا حُشِرَ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مَنْادٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ أَمَكَّنَكَ

مِنْ مَجَازَةِ مَحَبَّتِكَ وَ مَحَبَّتِي أَهْلَ بَيْتِكَ؛

فردای قیامت که مردم محشور شوند منادی فریاد برآورد: ای رسول خدا، خداوند تبارک و تعالی به تو اختیار داده است که دوستان خود و دوستان اهل بیت خود را که در راه تو با مردم دوستی نموده اند و در راه تو با آن ها دشمنی کرده اند پاداش دهی آن ها را آنگونه که خواهی پاداش بده. من می گویم: خداوند ا بهشت را برای آن ها خواهانم.

پس به من خطاب شود: «آن ها را به هر جایی از بهشت که می خواهی جای بده و ساکن گردان». و این مقام محمود است که به من وعده داده شده است.^۱

﴿ وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾ ﴿ ۸۱ ﴾

« بگو حق آمد و باطل رفت، بیگمان باطل از بین رفتنی است.»

۲۵ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

رسول خدا ﷺ مرا به همراه خود برد تا به کنار کعبه رسیدیم به من فرمود: بنشین، من کنار کعبه نشستم و رسول خدا بر شانه من بالا رفت آنگاه فرمود: برخیز و من برخاستم. چون رسول خدا ﷺ ضعف مرا مشاهده کرد فرمود: بنشین، من نشستم و رسول خدا ﷺ فرود آمد و به من فرمود: علی جان تو بر شانه من بالا برو.

۱. اُمالی طوسی: ص ۲۹۸، ح ۳۳؛ بحار الأنوار: ج ۸، ص ۳۹، ح ۲۰؛ ج ۶۸، ص ۱۱۷، ح ۴۲؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۴۳، ح ۷.

من روی شانه رسول خدا ﷺ قرار گرفتم و رسول خدا ﷺ برخاست. هنگامی که رسول خدا ﷺ برخاست به من چنین خیالی و احساسی دست داد که اگر بخواهم کرانه آسمان را به دست خواهم گرفت، بر بالای کعبه قرار گرفتم و رسول خدا ﷺ کنار رفتند. به من فرمودند: ابتدا بزرگ‌ترین بت آن‌ها را بر زمین بیفکن، آن بت از مس ساخته شده بود با میخ‌های آهنین که بر زمین کوبیده شده بود محکم گردیده بود، رسول خدا ﷺ به من فرمود: آن را چاره کن و فرمود: **بِهِ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا**. من آنقدر به آن وررفتم تا بر آن توانایی یافتم و پیروز شدم، رسول خدا ﷺ به من فرمود: آن را پرتاب کن، من پرتاب کردم و آن شکست.

آنگاه از بالای کعبه فرود آمدم و به همراه رسول خدا ﷺ به راه افتادیم در حالی که بیم آن را داشتیم که یکی از قریش یا غیر قریش ما را ببیند.^۱

۲۶ - به همین مناسبت و در همین زمینه روایت زیبایی وارد شده که دوست دارم آن را ذکر کنم: روایت شده است از عبدالجبار بن کثیر تمیمی، و او از محمد بن حرب هلالی، امیر مدینه نقل کرده است که گفت: به مولایم حضرت جعفر بن محمد، امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ای فرزند رسول خدا در خاطر من مسأله‌ای است و می‌خواهم آن را از شما سؤال کنم، امام علیه السلام فرمود: اگر بخواهی پیش از آنکه سؤال را مطرح کنی به تو خبر می‌دهم؟ عرض کردم: به چه وسیله و از چه راهی از ضمیر من آگاهی دارید پیش از آنکه سؤال کنم؟ امام علیه السلام فرمود: به وسیله تو شم (یعنی از نشانه به مطلب پی بردن و تفزس یعنی با فراست و زیرکی به احوال باطن کسی آگاهی یافتن)، آیا این کلام خداوند را نشنیده‌ای که فرموده است: **﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ﴾** «همانا در آن آیات و نشانه‌هایی است برای کسانی که از نشانه پی به مطلب می‌برند»، و آیا نشنیده‌ای این فرمایش رسول خدا ﷺ را که فرموده است: بپرهیزید و بترسید از فراست مؤمن یعنی از نظرهای تیزبین

۱. مصباح الأنوار: ص ۱۴۸؛ غایة المرام، ج ۴، ص ۳۱۱، ح ۲؛ مناقب خوارزمی: ص ۱۲۳، ح ۱۳۹.

مؤمن که از ظاهر به باطن آگاهی پیدا می‌کند، زیرا مؤمن به نوری که خداوند به او مرحمت کرده است نظر می‌کند.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، اکنون شما از سؤال من خبر دهید. امام علیه السلام فرمود: تومی خواهی سؤال کنی که چرا علی بن ابی طالب علیه السلام توان حمل رسول خدا صلی الله علیه و آله را نداشت، هنگامی که می‌خواستند بت‌ها را از فراز کعبه بر زمین اندازند، با آن قدرت و قوتی که امیر المؤمنین داشت و مانند کندن در خیر و افکندن آن، چهل ذراع پشت سر خود در حالی چهل مرد قدرت برداشتن آن را نداشتند، از او ظاهر گشته بود؛ و از آن طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شتر و اسب و قاطر و حمار سوار می‌شدند و در شب معراج بر براق سوار شدند و همه این‌ها در قدرت و نیرو کم‌تر از حضرت علی علیه السلام بودند؟

عرض کردم: آری یابن رسول الله، سؤال من همین بود و در مورد همین مطلب خواستم سؤال کنم، اکنون شما به من جواب آن را مرحمت کنید.

امام علیه السلام فرمودند: همانا علی علیه السلام به سبب رسول خدا صلی الله علیه و آله شرف یافت و به وسیله او برتری پیدا کرد و به وسیله او به خاموش کردن آتش شرک و باطل ساختن هر معبودی جز خدا راه یافت و رسید، اگر علی علیه السلام آن حضرت را برای فرود آوردن بت‌ها بالا می‌برد پیامبر بود که به وسیله علی علیه السلام شرف می‌یافت و بالا می‌رفت و به درهم شکستن بت‌ها واصل می‌گشت، و اگر چنین می‌شد علی علیه السلام افضل از پیامبر می‌گردید. آیا نمی‌اندیشی که علی علیه السلام هنگامی که بردوش پیامبر بالا رفت فرمود: چنان شرافت و رفعت یافتم که اگر می‌خواستم به آسمان دست یابم دست می‌یافتم.

آیا نمی‌دانی که به وسیله چراغ است که در تاریکی‌ها می‌توان راه را یافت و قیام فرع آن از اصل آن است یعنی پرتو چراغ از چراغ است و علی علیه السلام فرمود: من نسبت به احمد صلی الله علیه و آله همچون نور از نور هستم؟

آیا نمی‌دانی که محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نوری در پیشگاه ربوبی بودند دو هزار سال پیش از آنکه خداوند خلقت را بنا کند و ملائکه چون آن نور را دیدند برای آن اصل و مصدری دیدند که از او شعاع درخشنده‌ای منشعب گردیده بود، عرض کردند: سرور و

معبودا این نور چه نوری است؟ خداوند تبارک و تعالی وحی فرمودند: این نوری از نور من است. اصل آن نبوت و فرع آن امامت است، اما نبوت از آن بنده و فرستاده‌ام حضرت محمد ﷺ است و اما امامت به حجت‌م و ولیم علی ﷺ اختصاص دارد، و اگر این دو نبودند هرگز خلقت را بنا نمی‌کردم و خلق را نمی‌آفریدم.

آیا نمی‌دانی رسول خدا ﷺ در غدیر خم دست علی ﷺ را آن‌گونه بالا برد که مردم زیر بغل‌های هر دو را مشاهده کردند و او را مولای مسلمانان و امام آنان قرار داد. همچنین پیامبر ﷺ، حسن و حسین ﷺ را روزی که از بوستان بنی‌نجر باز می‌گردانید بردوش گرفت، بعضی از اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا یکی از آن دو را به ما دهید تا به دوش بگیریم، رسول خدا ﷺ فرمودند: خوب حمل شدگان و خوب سوارانی هستند و پدرشان بهتر از آن دو است.

رسول خدا ﷺ با اصحاب نماز می‌خواندند، سجده‌ای از سجده‌های خویش را طولانی نمودند، بعد از نماز از آن حضرت سؤال کردند یا رسول الله، یکی از سجده‌ها را طولانی نمودید، فرمودند: حسینم را دیدم که بر پشت من بالا رفته است، دوست نداشتم آن را چاره کنم تا آنکه خودش پایین آید.

در تمام این موارد رسول خدا ﷺ خواسته است به آن‌ها شرافت ببخشد و مقام آنان را بالا ببرد.

پیامبر مرتبه امامت و نبوت هر دو را داراست ولی علی ﷺ تنها مرتبه امامت را دارد و نبی و رسول نیست و لذا توان برداشتن سنگینی نبوت را ندارد.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا بیشتر بفرمایید. فرمود: آری تو شایسته‌ای برای بیشتر گفتن.

بدان رسول خدا ﷺ علی را بردوش خود بالا برد و اراده فرمود که او پدر فرزندانش می‌باشد و ائمه طاهرين ﷺ از فرزندان او هستند همانطور که ردای مبارک خود را در نماز استسقاء دگرگون نمود و جا به جا کرد تا به اصحاب بفهماند قحطی به سرسبزی و خرمی دگرگون گشت.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا زیادتر بفرمایید.

فرمود: پیامبر ﷺ علی عَلِيٍّ را بردوش گرفت تا به قوم خود بفهماند او است که از دوش رسول خدا بعد از او دین او را برمی دارد و وعده هایش را عملی می سازد.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا برایم بیفزایید.

فرمود: او را بردوش گرفت تا به این وسیله بفهماند که او معصوم است زیرا رسول خدا ﷺ جز معصوم را به دوش نمی گیرد و وزر و گناه را بر نمی دارد، پس افعال او نزد مردم حکمت و صواب باشد، یعنی مردم به افعال او به دیده حکمت و صواب بنگرند.

پیامبر ﷺ به علی عَلِيٍّ فرمود: خداوند تبارک و تعالی گناه شیعیان تو را بردوش من نهاد و آن‌ها را آمرزید و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ»^۱ تا خداوند گناهان گذشته و آینده تو را بیامرزد.

و هنگامی که این آیه شریفه را خداوند نازل فرمود: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»^۲ «نفس خود را مراقب باشید، زمانی که شما هدایت یافتید گمراهی گمراهان به شما ضرری نمی زند»، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: علی نفس من و برادر من است، او پاک و معصوم است، نه گمراه می شود و نه دچار شقاوت می گردد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «بگو خدا و رسول را اطاعت کنید پس اگر سرپیچی نمودید پیامبر مسئول اعمال خود و شما مسئول اعمال خویش هستید و اگر اطاعت نمودید هدایت خواهید شد و بر پیامبر چیزی جز ابلاغ آشکار نیست»^۳.

سپس فرمودند: اگر تمام اسرار این مطلب را برایت بگویم و آنچه از معانی در بردارد افشا کنم خواهی گفت: جعفر بن محمد عَلِيٍّ مجنون است، و لذا تو را همین مقدار کفایت می کند.

۱. سوره فتح: آیه ۲.

۲. سوره مائده: آیه ۱۰۵.

۳. سوره نور: آیه ۵۴.

آنگاه از جا برخاستم و سر و دست مبارکش را بوسه زدم و عرض کردم: ﴿اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾^۱ خداوند داناتراست که رسالت خویش را کجا و نزد چه کسی قرار دهد.^۲

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^۳

«از قرآن نازل می‌کنیم آنچه شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید».

۲۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که آیه مذکور را اینگونه تأویل نمودند:

«وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ - ظالِمی آل محمد حَقَّهُمْ - إِلَّا خَسَارًا». ما از قرآن نازل می‌کنیم آنچه شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران - در حق آل محمد رضی الله عنهم - را جز خسران و زیان نمی‌افزاید.^۳

۲۸ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدر بزرگوارش رضی الله عنه روایت کرده‌اند که فرمودند:

آیه مذکور اینگونه نازل شده: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ - لآل محمد - إِلَّا خَسَارًا» و ما از قرآن نازل می‌کنیم آنچه شفا و رحمت برای مؤمنان است و ظلم کنندگان به آل محمد رضی الله عنهم را جز زیان نمی‌افزاید.^۴

۱. سوره انعام: آیه ۱۲۴.

۲. علل الشرایع: ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۱؛ معانی الأخبار: ص ۳۵۰، ح ۱؛ بحار الأنوار: ج ۳۸، ص ۷۹، ح ۲.

۳. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۲۵، ح ۱۶.

۴. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۲۶، ح ۱۷.

﴿ لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ
إِلَّا كُفُورًا ﴾ ﴿۸۱﴾

«ما در این قرآن برای مردم مثل‌های گوناگون آوردیم (تا عبرت گیرند و نصیحت شوند) ولی بیشتر مردم جز ناسپاسی نمودن را نپذیرفتند.»

۲۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از جابرو او از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در مورد این آیه شریفه ﴿فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾ فرمودند: این آیه در مورد ولایت امیرالمؤمنین رضی الله عنه نازل شده است.^۱
یعنی اکثر مردم ولایت مولا امیرالمؤمنین رضی الله عنه را نپذیرفتند و از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

۳۰ - و نیز به سند خود از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت: امام صادق رضی الله عنه آیه را اینگونه تلاوت فرمود:

﴿فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ - بَوْلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - إِلَّا كُفُورًا﴾.^۲ بیشتر مردم نسبت به ولایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه جز کفر ورزیدن چیزی نپذیرفتند.^۳

۳۱ - و آن را تأیید می‌کند آنچه کلینی رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند:

جبرئیل آیه مذکور را اینگونه نازل فرموده است: ﴿فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ - بَوْلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - إِلَّا كُفُورًا﴾^۴ بیشتر مردم نسبت به ولایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه امتناع ورزیدند و جز انکار کردن و کفر ورزیدن چیزی را نپذیرفتند.^۵

۱. بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۸۰، ح ۷۰؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۶۳، ح ۲.

۲. ظاهراً امام رضی الله عنه در مقام بیان تأویل آیه و معنای باطنی آن آیه را اینگونه تلاوت فرموده‌اند و نمی‌خواهند ظاهر آیه را بیان نمایند.

۳. بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۸۱، ح ۷۱؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۶۳، ح ۳.

۴. شاید بتوان گفت که جبرئیل همزمان با تنزیل، تأویل آیه شریفه را نیز نازل فرموده است.

۵. کافی: ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۶۴؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۱۶۳، ح ۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۷۹، ح ۶۶.

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿لَيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ۱

«تا مردم را به عذاب شدید و سختی بیم دهد از ناحیه خودش و مؤمنان را بشارت دهد».

۳۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابو حمزه روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿لَيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ﴾ سؤال کردم، فرمود: مقصود از «بأس شدید» علی بن ابی طالب علیه السلام است، او از ناحیه رسول خدا است و قاتل دشمنان او.^۱

مؤلف گوید: «بأس شدید» در واقع «ذا بأس شدید» بوده، مضاف حذف شده و مضاف الیه در جای آن قرار گرفته است. و مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام است و شدت هجوم و حمله‌های او بر دشمن و عذاب او برای آنان مورد اتفاق است و اختلافی در آن نمی‌باشد.

﴿مِّن لَّدُنْهُ﴾ یعنی از نزد او و از اهل بیت او. درود خدا بر آن دو و بر ذریه پاک ایشان، درودی پایدار در هر عصر و زمان و در هر حین و اوان.

۱. اللوامع المنورانیة: ص ۲۰۱.

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا
أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ
كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾^۱

«بگو: این حق است از طرف پروردگارتان، هر کس می خواهد ایمان آورد و هر کس
می خواهد کافر گردد ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم که سرپرده اش آنان را از
هر سو احاطه می کند».

۳۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابو حمزه روایت کرده است که گفت:
امام باقر رضی الله عنه در تائیل این آیه شریفه فرمودند:

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ - فِي وِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رضی الله عنه - فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ
شَاءَ فَلْيُكْفُرْ. إِنَّا أَعْتَدْنَا - لظالمی آل محمد حَقَّهُمْ - نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا». «بگو: آنچه
حق است از طرف پروردگارتان - در مورد ولایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه - هر که خواهد
ایمان آورد و هر که خواهد انکار کند و کافر گردد، ما آماده کرده ایم - برای آنان که در حق
آل محمد رضی الله عنهم ظلم کنند - آتشی را که سرپرده اش آنها را از هر سو احاطه کرده است».^۱

۳۴ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدر
بزرگوارش روایت کرده اند که در مورد آیه مذکور فرمودند:

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ - فِي وِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رضی الله عنه - فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ
فَلْيُكْفُرْ». «بگو آنچه حق است از پروردگارتان - درباره ولایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه - هر
کس بخوهد ایمان آورد و هر کس بخوهد کافر گردد...»

سپس فرمود: به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾^۲ آشکار بیان کن آنچه
مأموریت داری درباره علی بن ابی طالب رضی الله عنه که آن حق است از طرف پروردگارت، هر که

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۲۶، ح ۱۸؛ الوامع النورانية: ص ۲۰۲.

۲. سوره حجر: آیه ۹۴.

بخواهد ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود. خداوند ترک ولایت را معصیت و ناسپاسی و کفر قرار داده است.

سپس امام علیه السلام این قسمت از آیه شریفه را قرائت کردند: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا...﴾ در تفسیر آن فرمودند: مقصود از ظالمین در این آیه شریفه کسانی هستند که به آل محمد علیهم السلام ستم روا دارند.

سپس آیه بعد را قرائت نمودند ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ «کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند ما اجر کسانی که عمل نیکو نمایند هرگز ضایع نمی گردانیم» و در تفسیر آن فرمودند: مقصود آل محمد علیهم السلام هستند.^۱

۳۵ - کلینی رحمته الله به سند خود از ابو حمزه و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

جبرئیل آیه مذکور را اینگونه نازل فرموده است: «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَم - فِي وِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام - فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمَرْ مِنْهُ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّ آعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ - لآلِ مُحَمَّدٍ - نَارًا...». بگو آنچه حق است از پروردگارت - درباره ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام - هر که بخواهد ایمان آورد و هر که خواهد انکار نماید ما برای ظالمین - کسانی که نسبت به آل محمد علیهم السلام ظلم کردند - آتشی را آماده کرده ایم که سراپرده اش آنان را از هر طرف احاطه کرده است.^۲

علی بن ابراهیم رحمته الله در تفسیرش مثل این روایت را از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.^۳

۱. بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۸۱، ح ۷۲.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۶۴؛ بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۳۷۹، ح ۶۶؛ ج ۲۴، ص ۲۲۱، ح ۳.

۳. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۹؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۲۲، ح ۷.

﴿ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْتَابٍ وَ حَقَفْنَاَهُمَا بِبَخْلِ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا رِزْعًا * كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا وَ فَجَرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا ﴾ ﴿٣٦﴾ و ﴿٣٧﴾

«برای آنان مثالی بزن، آن دو مرد که برای یکی از آنان دو باغ انگور قرار دادیم و اطراف آن را با نخل‌ها پر کردیم و در میان آن زراعت قرار دادیم * هر دو باغ میوه‌های فراوان به بار آورده و چیزی فروگذار نکرده بود.»

۳۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

مقصود از آن دو یکی امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگری آن دیگری است، آیات فوق حال این دورا بیان می‌کند.

توضیح مطلب و بیان آن:

﴿ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا ﴾ ای رسول خدا برای آنان مثالی بزن در مورد حال حضرت علی علیه السلام و آن دیگری یعنی دشمن آن حضرت.

﴿ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ ﴾ برای یکی از آن دو یعنی دشمن علی بن ابی طالب علیه السلام دو جنت قرار دادیم، این دو جنت عبارت از دنیا است، یکی از آن دو جنت برای او در زمان حیاتش و دیگری برای پیروان او بعد از وفاتش می‌باشد، زیرا او کافر است و دنیا زندان مؤمن و جنت کافر است.

و همانا این دو جنت برای او قرار داده شده زیرا او آن‌ها را ایجاد کرده و درختانش را بر زمین نشانده و نهرهای آن را جاری ساخته و میوه‌هایش را اخراج نموده است. و این‌ها بر سبیل مجاز است زیرا ما جنت را عبارت از دنیا گرفتیم، و معنایش این است که دنیا مورد وثوق و اطمینان او و پیروانش قرار داده شد تا برای مدتی از آن بهره‌مند شوند.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا* وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا^۱﴾

صاحب جنت و باغ به آن همراهش یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: من از نظر مال یعنی دنیا و سلطنت دنیا و از نظر نفر یعنی عشیره و مددکار از تو فزون تر هستم. و داخل جنتش یعنی دنیایش شد و به آن خوشحال و شادمان گردید و به آن اعتماد نمود در حالی که به خودش ظلم کننده بود با گفتارش و رفتارش، و به این مقدار اکتفا ننمود تا آنکه گفت: من گمان نمی‌کنم هرگز این جنت یعنی این دنیا نابود شود.

سپس خداوند از اعتقادش پرده برداشته و از آن حکایت نموده که گفته است: «و باور نمی‌کنم که قیامت برپا گردد، و اگر به سوی پرورگار بازگردانده شوم، آن‌گونه که آن‌ها می‌پندارند، و قیامتی در کار باشد جایگاهی بهتر از اینجا خواهم یافت».

﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ﴾ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام ﴿أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا﴾. آن همراه او که مقصود علی بن ابی طالب علیه السلام است به او فرمود: آیا به خدایی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و پس از آن تو را به صورت مرد کاملی قرار داد کافر شدی * ولی من کسی هستم که «الله» پروردگار من است.

معنای عبارت این است که اگر تو به پروردگارت کافر گردیدی، ولی من می‌گویم: «الله» پروردگار من و خالق و رازق من است. و هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم.

سپس او را به آنچه سزاوارتر بود که بگوید راهنمایی کرده و فرمود: ﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾ «چرا هنگامی که وارد باغی شدی نگفتی: «ما شاء الله لا قوة الا بالله» آنچه خدا بخواهد می‌شود، این خواست خدا بوده و هیچ قوت و نیرویی جز از ناحیه خدا نیست».

سپس آن حضرت به خودش بازگشته و اشاره نموده و به او فرموده است: ﴿إِن تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ﴾ «و اگر می‌بینی

۱. سوره کهف، آیات ۳۴ و ۳۵.

من از نظر مال و فرزند از تو کم ترم مهم نیست، شاید پروردگارم بهتر از جنت تو و دنیای تو به من عطا کند» در دنیا با قیام فرزندم مهدی علیه السلام دولت و سلطنت دهد و در آخرت بهشت و رضوان و شفاعت مرحمت فرماید.

«وَيُرْسِلُ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا» «و عذابی از آسمان بر جنت تو و دنیای تو فرو فرستد به گونه ای که آن را به زمین خشک بی گیاهی مبدل کند».

«وَ أَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفْتِهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا» و بر اثر آن عذاب میوه های آن نابود شود و همه دنیای او و سلطنتش از بین رود و به خاطر هزینه هایی که در آن صرف کرده از دین و دنیا و آخرت پیوسته دست برهم زند و تأسف خورد و بگوید: ای کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نمی دادم.

«وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا» «و طایفه و عشیره ای نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری دهند و از خودش نمی توانست یاری گیرد».

سپس خداوند سبحان پس از آنکه حال علی علیه السلام و حال دشمن او را آشکار ساخت به اینکه اگرچه دشمن علی علیه السلام در دنیا برایش دولتی و ولایتی از شیطان باشد، همانا برای علی بن ابی طالب علیه السلام ولایتی در دنیا و آخرت از ناحیه خداوند رحمان خواهد بود، و ولایت شیطان از بین رفتنی است در حالی که ولایت خداوند رحمان ثابت و همیشگی است، و این مضمون فرمایش خداوند است که فرموده:

﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ﴾ ﴿٣٤﴾

«آنجا ولایت و فرمانروایی و حق تصرف از آن خداوند برحق است».

۳۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابو حمزه روایت کرده است که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: نظر مبارکتان درباره این آیه شریفه ﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا﴾ چیست؟ امام علیه السلام فرمود:

«ولایت حق» همان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است و آن از نظر ثواب و پاداش و

از نظر سرانجام و عاقبت بهتر و ارزنده تر است.^۱

۳۸ - کلینی رحمته الله به سند خود از عبدالرحمان بن کثیر روایت کرده است که گفت:
از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود:
ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از آن اراده شده است.^۲
مؤلف رحمته الله گوید: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام همان ولایت خداوند است همان طور که
در دعا و زیارت وارد شده است:

من والاکم فقد والی الله، و من تبرأ منکم فقد تبرأ من الله.

هر کس ولایت شما را بپذیرد ولایت خداوند تبارک و تعالی را پذیرفته، و هر کس از
شما دوری گزیند و بیزاری جوید از خدا دوری گزیده و بیزاری جسته است.
خداوند ما و شما و همه مؤمنان را از موالیان محمد و آل محمد علیهم السلام و از دشمنان
ستمگرانان بیزار و متنفر قرار دهد که او ارحم الراحمین و اکرم الأکرمین است.

﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا﴾ ﴿۱۶﴾

«باقیات صالحات یعنی کارهای شایسته و ارزش‌های پایدار و ماندگار نزد پروردگارت
ثواب و پاداشش بهتر و امیدوار کننده‌ترند».

۳۹ - محمد بن عباس رحمته الله به سند خود از محمد بن اسماعیل روایت کرده که
گفت:

با عمویم حصین بن عبدالرحمان خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم، عمویم
سلام کرد و امام علیه السلام جواب مرحمت فرمود و او را نزدیک خود نشانید و سؤال کرد: این
همراه تو، فرزند کیست؟ عرض کرد: پسر برادرم اسماعیل است.

امام علیه السلام در حق اسماعیل دعا کرد و فرمود: خدا او را رحمت کند و از گناهانش

۱. بحار: ج ۳۶، ص ۱۲۶.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۱۸، ج ۲، ص ۳۴.

بگذرد، پس از او شما چگونه‌اید؟ عرض کرد: ما همگی در خیر و خوبی هستیم تا مادامی که خداوند برای ما دوستی و ولایت شما را باقی بدارد.

امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ای حصین، مودت و اظهار دوستی و ارادت به ما را کوچک نشمارید، زیرا که آن از باقیات الصالحات است و از گوهرهای ماندگار می‌باشد.

عرض کرد: ای فرزند رسول خدا آن را کوچک نمی‌شماریم و خدا را بر آن سپاس می‌گوییم به خاطر این فرمایش که از ایشان - که درود و رحمت خدا بر آنان باد - به ما رسیده که فرموده‌اند:

کسی که خدا را حمد و ستایش می‌کند باید بگوید: ستایش از آن خدا و سزاوار او است بر بهترین نعمت.

گفته شد: بهترین نعمت چیست؟ فرمودند: ولایت ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است.^۱

﴿وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَى﴾ (۸۱)

«و اما کسی که ایمان آورد و عمل شایسته انجام دهد برای او پاداشی نیکو است.»

۴۰ - محمد بن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به سند خود از حضرت علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام و آن حضرت از پدر بزرگوارش از پدرانش، از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده‌اند که فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: جبرئیل از طرف پروردگار عزیز و بلند مرتبه نزد من آمد و گفت: پروردگارم به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید:

يا محمد، بشر المؤمنین الذین يعملون الصالحات و يؤمنون بك و بأهل بيتك
بالجنة.^۲

ای محمد، مؤمنان را که اعمال شایسته انجام می‌دهند و به تو و اهل بیت تو ایمان دارند به بهشت بشارت بده و بگو که برای آنان نزد من پاداشی نیکو است، آن‌ها داخل

۱. تفسیر برهان: ج ۳/ص ۶۴۰ ح ۸؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۵۰ ح ۲۵.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۶۹ ح ۳۹؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۲۸۵ ح ۳۷.

بهشت می شوند.

مؤلف علیه السلام گوید: «پاداش نیکو» ولایت اهل بیت علیهم السلام داخل شدن در بهشت و همیشه در جوار آنان بودن است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا*

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا﴾ ﴿۱۷۷﴾ و ﴿۱۷۸﴾

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند باغ‌های بهشت برین جایگاه و منزلگاه آنان است * جاودانه در آن می‌مانند و هرگز تقاضای نقل مکان از آنجا نمی‌کنند».

۴۱ - محمد بن عباس علیه السلام به سند خود از مولا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: از پدرم امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾ سؤال کردم، فرمودند:

نُزِلَتْ فِي آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.

این آیه در شأن آل محمد علیهم السلام نازل شده است.^۱

۴۲ - و نیز به سند خود از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةٌ، وَذُرْوَةُ الْجَنَّةِ الْفِرْدَوْسُ وَهِيَ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.

برای هر چیزی برتری و بالاتری است، برترین و بالاترین نقطه بهشت، «جنت الفردوس» است و آن از آن محمد و آل محمد علیهم السلام است.^{۲، ۳}

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۶۹، ح ۴۰؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۲.

۲. آری فردوس که برترین بهشت در میان همه بهشت‌ها است سزاوار برترین بندگان از بندگان خداوند می‌باشد که بهشت به وجود مبارک آنان افتخار می‌کنند و آنان زینت بهشت هستند.

۳. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۶۹، ح ۴۱؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۳.

سُورَةُ مَرْيَمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿كهيعص * ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا﴾ ﴿١٩﴾

«از رموز قرآن است * این یادی است از رحمت پروردگارت نسبت به بنده اش زکریا»

۱ - طبرسی رحمته از سعد بن عبد الله روایت کرده است که گفت:

چهل و چند مسئله از مسائل مشکل نزد من فراهم گردیده بود و کسی که پاسخ آن‌ها را بدهد نمی‌یافتم. تصمیم گرفتم خدمت مولایم امام عسکری علیه السلام شرفیاب شوم و از محضر آن حضرت استفاده کنم. هنگامی که به درب خانه سید و سرورمان رسیدیم اجازه ورود خواستیم و اجازه صادر گردید.

سعد می‌گوید: چهره نورانی مولای ما همچون بدر تمام و ماه شب چهارده می‌درخشید و برزانوی مبارکش شاهزاده‌ای همچون مشتری قرار گرفته بود. بر آن وجود مقدس سلام کردیم. با عطوفت و مهربانی پاسخ سلام ما را مرحمت نمود و اشاره کرد که بنشینیم. هنگامی که نشستیم شیعیان سؤالات خود را در امور دینی و مذهبی مطرح نمودند. امام عسکری علیه السلام نگاهی به آن شاهزاده نمودند و فرمودند:

پسرم، سؤالات شیعیان و دوستان خود را جواب بده.

شاهزاده پاسخ هر کدام از آنان را پیش از آنکه بپرسند به نیکوترین وجه و بهترین برهان و خیلی روشن بیان نمود به گونه‌ای که عقل ما در مورد علم او و خبردادنش از غیب و پنهانی دچار حیرت گشته بود.

سپس امام عسکری علیه السلام رو به من نمودند و فرمودند: ای سعد، چه چیز تورا به اینجا کشانیده؟ عرض کردم: شوق دیدار مولایم. فرمود: مسائلی که خواستی سؤال کنی چه شد؟ عرض کردم: آن‌ها به حال خودش باقی است مولای من.

فرمود: از نور چشمانم و میوه دلم سؤال کن. و اشاره به فرزندشان، امام عصر سلام الله علیه و عجل الله فرجه که چندسال داشتند، نمود.

شاهزاده به من فرمود: آن چه می خواهی و آنچه در خاطر داری سؤال کن.

یکی از پرسش‌های من این بود که عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، به من از تأویل **«کهیص»** خبر دهید. فرمود:

این حروف از رموز و اسرار و از اخبار غیب است. خداوند حضرت زکریا را از آنگاه نمود، سپس بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله حکایت فرمود که قصه‌اش این است:

زکریا علیه السلام از خداوند درخواست نمود که اسماء مقدّس خمس طیبه را به او تعلیم دهد. جبرئیل به سوی او نازل شده و آن‌ها را به او تعلیم نمود.

زکریا چنین بود که هرگاه یکی از چهار اسم مقدّس محمد، علی، فاطمه و حسن علیهم السلام را یاد می نمود، اندوه او برطرف می شد و غم و غصه‌اش زایل می گردید و چون نام مبارک حسین علیه السلام را یاد می نمود عقده گلوگیر او می شد و به نفس نفس می افتاد.

روزی عرض کرد: خدایا چه شده و علتش چیست که من هرگاه چهار تن از این پنج تن را یاد می کنم اندوهم زایل می گردد و چون نام «حسین» را می برم دچار اندوه می گردم، اشکم جاری و آتش دلم برافروخته می شود. خداوند از این راز پرده برداشت و فرمود: «کهیص» و «کاف» اسم کربلا، «هائ» هلاکت عترت، «یاء» یزید ظلم کننده در حق امام حسین علیه السلام، «عین» عطش او و «صاد» صبر اوست.

وقتی زکریا از این قصه پر غصه باخبر شد تا سه روز ملازم مسجد گردید و به کسی اجازه وارد شدن و ملاقات نداد و پیوسته گریه کرد و ناله نمود و در ندبه‌اش می گفت:

إلهی أتفجع خیر جمیع خلقک بولده، إلهی أتنزل بلوی هذه الرزیه بفنائہ، إلهی أتلبس علیّ وفاطمة ثياب هذه المصیبة، إلهی أتحلّ کربة هذه الفجیعة بساحتہما؟

خدایا آیا دل بهترین خلق خود را در مصیبت فرزندش به درد می‌آوری؟ آیا بر ساحت مقدّس او بلای این مصیبت بزرگ را نازل می‌کنی؟ آیا لباس این مصیبت را بر تن علی و فاطمه علیهم‌السلام می‌پوشانی، و آیا سختی این مصیبت را بر حریم آنان روا می‌داری؟
 آنگاه عرض کرد: خدایا فرزندی به من عنایت فرما که در پیری، چشم من به او روشن شود و محبت او را در دل من زیاد گردان و سپس مرا به مصیبت او مبتلا نما، همان طور که حبیب خود را مبتلا به مصیبت فرزندش خواهی نمود.

سرانجام خداوند یحیی علیه‌السلام را به زکریا عطا نمود و او را به مصیبت او مبتلا کرد. حمل یحیی شش ماه بود چنان که حمل حضرت امام حسین علیه‌السلام نیز شش ماه بود.^۱
 اینکه فرمود: «مرا به مصیبت او مبتلا کن و دل مرا در آن مصیبت به درد آور همان طور که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مبتلا به مصیبت فرزندش خواهی کرد و قلب مبارکش را به درد خواهی آورد» حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از شهادت امام حسین علیه‌السلام دار فانی را وداع گفته‌اند، زکریا نیز چنین بوده است و این دلالت می‌کند بر این که انبیای الهی زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند، و با این گفتار میان امام حسین علیه‌السلام و یحیی مماثلت و مشابهتی در بعضی از امور ایحاد شده است. از آن امور، مدت حمل است که هر دو شش ماه بوده است و از آن امور کشته شدن مظلومانه است، و از آن امور این است که سر مبارک یحیی هدیه فرستاده شد به سوی حرامزاده‌ای از حرام زادگان بنی اسرائیل و سر مقدّس سید الشهداء حسین بن علی علیه‌السلام هدیه فرستاده شد به سوی حرامزاده‌ای از حرامزادگان بنی امیه، یعنی یزید که لعنت خدا به تمام لعنت‌هایش بر او باد و بر همه کسانی که او را یاری کردند و پیروی نمودند.

۱. کمال الدین: ۴۵۴ ح ۲۱؛ دلائل الامامة: ۵۰۵ ح ۹۵؛ احتجاج: ج ۲، ص ۵۲۳ ح ۳۳۹؛ بحار الانوار: ج ۴۴، ص ۲۲۳ و ج ۵۲، ص ۷۸ ذح ۱.

﴿وَأَيُّ خِفْتُ الْمَوَالِي مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

وَلِيًّا * يَرْتُنِّي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا﴾ ﴿٥﴾ و ﴿٦﴾

و من از بستگان و خویشاوندانم نسبت به بعد از خودم بپیمانکم و از طرفی همسرم نازا و عقیم است، تو از نزد خود جانشینی و وارثی به من عطا فرما.

۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمود:

روزی در محضر پدر بزرگوارم نشسته بودم، شخصی وارد شد و آنجا ایستاد و سؤال کرد: آیا در میان شما امام باقر آن شکافنده علم و سرآمد دانش حضرت محمد بن علی رضی الله عنه حضور دارد؟ به او گفته شد: آری. او مدتی نشست، سپس برخاست و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، به من از تفسیر این فرمایش پروردگار در قصه زکریا خبر دهید که فرمود:

﴿وَأَيُّ خِفْتُ الْمَوَالِي مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا﴾.

امام رضی الله عنه فرمود: آری، مقصود از «موالی» عموزادگان است، و خداوند دوست داشت که به او جانشینی و وارثی از صلب او مرحمت فرماید.

و از آنجا که زکریا از فضل و فضیلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله آگاهی یافته بود، عرض کرد: پروردگارا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را شرافت بخشیدی و گرامی داشتی و بلند آوازه فرمودی تا آنجا که نام او را با نام خودت مقرون ساختی، ای سرور من چه مانعی دارد که ذریه ای از صلب او به او ببخشی که در آن ها نبوت استمرار داشته باشد.

خداوند تبارک و تعالی به او فرمود: من نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله چنین کاری نموده ام، ولی نبوتی بعد از او نیست و او پایان بخش پیامبران است، اما امامت و پیشوایی برای پسر عمو و برادرش علی بن ابی طالب رضی الله عنه بعد از او است و ذریه او را از صلب علی بن ابی طالب قرار دادم «و بعضی از آن ذریه را از بعضی دیگر گردانیدم»، و امامان که حجت های من بر خلقند از نسل اویند.

و همانا من از صلب تو فرزندی بیرون آورم که از تو و از آل یعقوب ارث ببرد، و خداوند

به او، یحییٰ علیه السلام را مرحمت فرمود.^۱

۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از عبد الخالق روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در مورد آیه شریفه ﴿لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾ فرمود: مقصود یحییٰ بن زکریا است، برای او پیش از او همنامی نبوده است. امام حسین علیه السلام نیز چنین بوده است، همنامی برای او پیش از او نبوده است. آسمان جز بر آن دو چهل روز نگریسته است.

عرض کردم: گریستن آسمان چگونه بوده است؟ فرمود:

خورشید سرخ رنگ طلوع می‌کرد و سرخ رنگ نیز غروب می‌کرد.

و فرمود: قاتل حسین بن علی زنازاده و قاتل یحییٰ بن زکریا نیز زنازاده بود.^۲

۴ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند دیگری مثل این حدیث را از عبد الخالق روایت کرده است.^۳

﴿وَآتَيْنَاهُ الْكِتَابَ صَبِيًّا﴾ ﴿۱۲﴾

«و ما به او در کودکی حکم یعنی فرمان نبوت (و عقل و حلم و حکمت) دادیم»

۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حکم بن ایمن روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

به خدا سوگند، به علی علیه السلام در کودکی علم و عقل و حکمت داده شد، همان طور که به حضرت یحییٰ در کودکی نیز عطا شد.

۶ - طبرسی رضی الله عنه از عیاشی نقل کرده است که او به سند خود از علی بن اسباط روایت نموده است که گفت:

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۷۳، ح ۱۰۱، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۶ ح ۲.

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۷ ح ۳.

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۷ ح ۵.

وارد مدینه شدم و اراده مصر نموده بودم. محضر حضرت محمد بن علی، جواد الائمه علیهم السلام شرفیاب شدم درحالی که آن حضرت پنج بهار از عمر شریفش گذشته بود، با دقت در چهره مبارکش می‌نگریستم و در وجود مقدّسش می‌اندیشیدم تا بتوانم اوصاف آن حضرت را برای دوستان خود در مصر بیان کنم، به من نگاهی کرد و فرمود:

یا علی، ان الله قد أخذ فی الإمامة كما أخذ فی النبوة.

ای علی، خداوند تبارک و تعالی در مورد امامت همان روش را اتخاذ نموده که در نبوت اتخاذ کرده است: او در مورد حضرت یوسف علیه السلام فرموده است: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ - آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» «هنگامی که به رشد و بلوغ رسید ما حکم (نبوت) و علم به او مرحمت نمودیم». و در مورد حضرت یحیی علیه السلام فرموده است: «وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» «به او در کودکی حکم یعنی فرمان نبوت را عطا کردیم».

﴿وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ ☺

«و برای آنان (حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق) زبانی راست‌گو که والا و ارزشمند است قرار دادیم».

۷ - شیخ صدوق رحمته الله در کتاب کمال الدین نقل کرده و گفته است:

سپس ابراهیم برای بار دوم غایب گردید هنگامی که طاغوت آن حضرت را از مصر تبعید نمود و گفت: «وَأَعْتَرِكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» «و از شما و آنچه غیر خدا می‌خوانید کناره‌گیری می‌کنم و پروردگارم را می‌خوانم، امید است که به سبب خواندن پروردگارم شقی نباشم».

خداوند تبارک و تعالی بعد از آن فرمود:

﴿فَلَمَّا اعْتَرَاهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكَلَّمْنَا جَعَلْنَا نَبِيًّا * وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ «هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و هریک را پیامبری

قرار دادیم. و از رحمت خود به آنان عطا نمودیم و برای آن‌ها زبانی راست‌گو که والا و ارزشمند است قرار دادیم» که مقصود علی بن ابی طالب علیه السلام است، زیرا ابراهیم از خداوند می‌خواست که برای او در آخرین یعنی آیندگان «لسان صدق» قرار دهد و می‌فرمود: ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾^۱.

و خداوند به درخواست او جواب مثبت داد و برای او لسان صدق که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد قرار داد. و فرمود: ﴿وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ و برای ایشان زبانی راست‌گو که حضرت علی علیه السلام می‌باشد قرار دادیم.^۲

۸ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه از پدرش روایت کرده است که گفت: برای امام عسکری علیه السلام نامه نوشتم و از حضرتش در مورد آیه شریفه ﴿وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ سؤال کردم، امام علیه السلام در زیر نامه ام مرقوم داشتند: وَقَفَّكَ اللَّهُ وَرَحِمَكَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ علیه السلام.

خدا به تو توفیق دهد و مشمول رحمت خویش سازد، مقصود امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۳

۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از یونس بن عبد الرحمان روایت کرده است که گفت: به حضرت ابا الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: گروهی نام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در کتاب خداوند از من مطالبه می‌نمودند و من به آن‌ها گفتم: خداوند در این آیه شریفه ﴿وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نام برده است.

علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند:

راست گفتمی، مطلب همان است که تو گفته‌ای.^۴

۱. سوره شعراء، آیه ۸۴.

۲. کمال الدین: ص ۱۳۹.

۳. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۲۵؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۵۷، ح ۱.

۴. بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۵۷، ح ۳.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ ﴿٥٨﴾

«این‌ها گروهی از پیامبران هستند که خدا به آن‌ها نعمت داد از فرزندان آدم و از کسانی که با نوح سوار کشتی کردیم و از دودمان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم، آن‌ها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد سجده‌کنان و گریه‌کنان بر خاک می‌افتادند.»

۱۰ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند: حضرت علی بن الحسین رضی الله عنه هنگامی که این آیه را که در سوره مریم است ﴿وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ تلاوت می‌کردند سجده می‌نمودند و می‌فرمودند:

ما قصد شده‌ایم به این آیه، و ما هستیم که اهل هدایتیم و ما برگزیده شده‌ایم.

۱۱ - و آن را تأیید می‌کند آنچه محمد بن همام به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه روایت کرده است که گفت: در مورد این فرمایش پروردگار ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ...﴾ از آن حضرت سؤال کردم، فرمودند:

ما ذریه و نسل ابراهیم هستیم و ما به همراه نوح در کشتی سوار شدیم و ما برگزیده پروردگار می‌باشیم.

و اما این فرمایش پروردگار که فرمودند: ﴿مِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا﴾ «از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم» آن‌ها به خدا قسم شیعیان ما هستند که خداوند آن‌ها را به مودت و دوستی ما هدایت فرمود و برای دین ما برگزید، پس بر آن عقیده زیست نمودند و بر همان عقیده مردند، خداوند آن‌ها را به عبادت و خشوع و رقت قلب توصیف نموده و فرموده است: ﴿إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾

سپس فرموده است: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ

يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿۱۹﴾ «پس از آنان کسانی جانشین آنان شدند که نماز را ضایع نمودند و از شهوات و خواسته‌های نفسانی خود پیروی کردند، پس به زودی (مجازات) گمراهی را ملاقات خواهند نمود» و آن کوهی است از مس که در وسط جهنم می‌چرخد.

سپس فرمود: «إِلَّا مَنْ تَابَ مِنْ غُشِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا...» «مگر آنانکه از نیرنگ زدن به آل محمد ﷺ توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که آن‌ها داخل بهشت می‌شوند.»^۱

﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ

خَيْرٌ مَّقَامًا وَآحْسَنُ نَدِيًّا - أَلِيٰ قَوْلِهِ تَعَالَى - وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا ﴿۲۰﴾ ﴿۲۱﴾

«و زمانی که آیات ما بر آنان خوانده می‌شود کافران به اهل ایمان می‌گویند: کدام یک از دو گروه جایگاهش بهتر و اجتماعش باشکوه‌تر است... و دشمنان سرسخت را با آن بیم دهی و انذار نمایی»

۱۲ - کلینی رحمته الله به سند خود از ابوبصیر و او از امام صادق عليه السلام روایت کرده است

که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا...﴾ فرمودند:

رسول خدا صلى الله عليه وآله قریش را به ولایت ما فراخواندند، آن‌ها روی گردانیدند و انکار کردند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ کافران قریش به مؤمنان یعنی کسانی که به ولایت امیر

المؤمنین عليه السلام و ما اهل بیت اقرار کردند، گفتند: ﴿أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا﴾ «کدام یک از

ما دو گروه جایگاه بهتری دارد»، و این را از روی سرزنش به آن‌ها گفتند.

خداوند تبارک و تعالی در ردّ گفتار آنان فرمود: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ...﴾ «چه

بسیار از امت‌های گذشته پیش از آنان نابود کردیم که مال و ثروتشان از آنان بیشتر و

ظاهرشان آراسته‌تر بود».

عرض کردم: این آیه شریفه ﴿قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا﴾ «بگو کسی

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۲۳، ح ۳۷.

که در گمراهی است باید خداوند رحمان به او مهلت دهد؟ فرمود:

آنان همه در گمراهی بودند، به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و به ولایت ما ایمان نمی آوردند، گمراه و گمراه کننده بودند و به آن‌ها مهلت داد تا در گمراهی و نافرمانی و طغیانشان مردند، آنگاه خداوند آنان را از جهت مکان، بدترین مکان و از جهت لشکر و قدرت، ضعیف ترین لشکر و قدرت گردانید.

عرض کردم: این آیه شریفه ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ «تا آنکه ببینند آنچه را که وعده داده شده‌اند یا عذاب (این دنیا) یا (عذاب) قیامت، آنگاه خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر و لشکرش ناتوان تر است؟ فرمود: «تا آنکه وعده الهی را با چشم خود ببینند» مقصود خروج امام قائم علیه السلام است و مراد از «ساعت» آن است.

﴿فَسَيَعْلَمُونَ﴾ «آن روز خواهند دانست» و عذاب الهی را که به دست قیام کننده او بر آن‌ها نازل می شود مشاهده خواهند کرد. و این مضمون کلام خداوند است: ﴿مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ چه کسی جایگاهش نزد آن قیام کننده علیه السلام بدتر و لشکرش ناتوان تر است. عرض کردم: این آیه شریفه ﴿وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى﴾ «کسانی که اهل هدایتند، خداوند بر هدایت آنان بیفزاید؟ فرمود:

آن روز با پیروی کردن از امام قائم علیه السلام، بر هدایت آنان افزوده می شود زیرا امامتش را می پذیرند و انکار نمی کنند.

عرض کردم: این آیه شریفه ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ «مالک شفاعت نیست مگر کسی که نزد پروردگار مهربان عهد و پیمانی دارد؟ فرمود: یعنی مگر کسی که اعتقاد به ولایت امیر المؤمنین و ائمه طاهرين علیهم السلام بعد از آن حضرت داشته است و آن عهد و پیمان نزد خداوند است.

عرض کردم: این آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می دهد؟ فرمود:

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام آن «وَدَّ» و آن محبتی است که خداوند فرموده است. عرض کردم: این آیه شریفه: «فَإِنَّمَا يَسْتَرْزَأُ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا» «ما به زبان تو آن را (قرآن را) آسان و روان ساختم تا به وسیله آن پرهیزکاران را بشارت و دشمنان سرسخت را بیم دهی؟» فرمود:

همانا بر زبان او خداوند آسان و روان گردانید هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان «عَلَم» یعنی نشانه معرفی فرمود، پس به وسیله او مؤمنان را بشارت و کافران را بیم داد، و آن‌ها هستند که خداوند در کتابش از آن‌ها به عنوان «لُدَّا» یعنی «کفار» یاد فرموده است.^۱

﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا * وَنُسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِذًا﴾

«روزی که پرهیزکاران را به صورت گروهی و دسته جمعی به سوی خداوند رحمان محشور می‌نماییم و مجرمان را همانند شتران تشنه‌ای که به سوی آب می‌روند به

جهنم می‌رانیم». ﴿۸۵﴾ و ﴿۸۶﴾

۱۳ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

علی جان، فردای قیامت گروهی از قبرهای خود بیرون می‌آیند که چهره‌های آنان همچون برف سفید است. لباسی بر تن دارند که سفیدی آن همچون سفیدی شیر می‌باشد. کفش‌هایی پوشیده‌اند از طلا که بندهای آن از مروارید است و می‌درخشد. آن‌گاه مرکب‌هایی از نور می‌آورند که بر آنان جهازهای زرین است و با در و یاقوت تزیین شده‌اند. پس بر آن مرکب‌ها سوار می‌شوند تا کنار عرش خداوند رحمان منتهی می‌شوند. مردم همه در حساب و غم و اندوهند و آن‌ها می‌خورند و می‌آشامند و شادمانند.

امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد: آن‌ها چه کسانی هستند ای رسول خدا؟

فرمود: علی جان، آن‌ها شیعیان تو هستند و تو امام و پیشوای آنان و پیشاپیش آنان

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۹۰؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۳۲، ح ۵۸.

خواهی بود. و این فرمایش خداوند است: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا﴾ «روزی که پرهیزکاران را به صورت دسته جمعی به رحمت خداوند رحمان محشور می‌نماییم». و درباره دشمنان تو فرموده است: ﴿وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِدًا﴾ «آنها را بدون حساب به سوی آتش می‌کشانیم».^۱

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ ﴿۳۱﴾

«همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند خداوند رحمان برای آنها محبتی در دل‌ها قرار دهد»

۱۴ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه گفته است: روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند:

علی جان، بگو: خداوند برای من در دل‌های اهل ایمان محبتی قرار بده.

امیرالمؤمنین علیه السلام به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله این تقاضا را از خداوند تبارک و تعالی نمود، و خداوند این آیه شریفه را بر پیامبرش نازل فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾.^۲

۱۵ - و نیز علی بن ابراهیم رضی الله عنه گفته است: فضالة بن ایوب به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در مورد این آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ فرمودند:

یعنی به امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان آورده و بعد از معرفت کارهای شایسته انجام داده‌اند.^۳

مؤلف گوید: مقصود از معرفت، معرفت خدا و رسول و ائمه طاهرين علیهم السلام.

۱۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۲۷؛ بحار الانوار: ج ۷، ص ۱۷۲، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۲۲.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۳۰؛ بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۳۵۴، ح ۴.

۳. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲۴.

این آیه شریفه در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است: «بدون تردید کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند برای آن‌ها محبتی در دل‌های مؤمنان قرار خواهد داد».^۱

۱۷ - و نیز به سند دیگری از عبد الله بن عباس روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه **﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾** گفت:

این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است، و لذا هیچ مرد و زن مؤمنی را مشاهده نمی‌کنی مگر آن که در دل او محبتی نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام می‌یابی.^۲

درود خدا بر او و ذریه پاک او، درودی پیوسته و همیشگی در هر آن و زمان.

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۳۷۱ ح ۲۰؛ بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۳۵۷ ح ۸؛ تفسیر فرات: ۲۴۸ ح ۳۳۵.

۲. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۳۷۱ ح ۲۱.

سُورَةُ طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طه ﴿١﴾

۱۸ - صاحب کتاب نهج الایمان از تفسیر ثعلبی روایت کرده است که امام صادق حضرت جعفر بن محمد علیه السلام در تفسیر «طه» فرمودند:

این آیه اشاره به طهارت و پاکی اهل بیت علیهم السلام از هر گونه رجس و پلیدی دارد. و سپس این آیه را قرائت فرمودند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ خداوند تعالی اراده فرموده و چنین خواسته است که هر گونه رجس و پلیدی و آلودگی را از شما خاندان پیامبر دور گرداند و شما را پاک و پاکیزه قرار دهد.^۲

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُفْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي
يَفْقَهُوا قَوْلِي وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَ
أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي﴾ ﴿١٥﴾ - ﴿٢٣﴾

«بگو: پروردگارا سینه‌ام را گشایش بده و کارم را برایم آسان فرما، گره از زبانم باز کن، تا گفتارم را بفهمند و برایم وزیر و مددکاری از اهل و خاندانم، هارون برادرم را قرار بده، پشتم را به وسیله او محکم نما و او را در کار من شریک گردان.»

۱. سوره احزاب: آیه ۳۳.

۲. تفسیر ثعلبی: ج ۶، ص ۲۳۶؛ نهج الایمان: ۸۵؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۳.

۱۹ - محمد بن عباس رضی اللہ عنہ به سند خود از اسماء بنت عمیس روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را در کنار ثبیر (نام کوهی است در مکه) دیدم که دعا می کرد و عرض می نمود:

خداوندا از تو می خواهم آنچه برادرم موسی خواست، می خواهم که سینه ام را گشایش بخشی، کارم را برایم آسان گردانی، گره و گرفتگی از زبانم باز کنی تا گفتارم را بفهمند و وزیری از خاندانم، برادرم علی رضی اللہ عنہ را برایم قرار دهی، پشتم را به او محکم کنی و او را در کارم شریک سازی، تا تو را زیاد تسبیح گویم و یاد کنیم که توبه حال ما بینا هستی.^۱

۲۰ - و این روایت را تأیید می کند آنچه ابونعیم به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم دست علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ و دست مرا گرفت - در حالی که ما در مکه به سر می بردیم و چهار رکعت نماز خواند - سپس دست های خود را به سوی آسان بالا برد و فرمود:

خداوندا، پیامبر تو موسی بن عمران از تو درخواست نمود و عرض کرد: پروردگارا سینه ام را گشایش بده و کارم را برایم آسان گردان... و من محمد پیامبر تو هستم، از تو درخواست می نمایم و عرض می کنم: پروردگارا سینه ام را گشایش بده و کارم را برایم آسان گردان، گره از زبان من باز کن تا گفتارم را بفهمند، برایم وزیر و یاور از خاندانم، علی بن ابی طالب برادرم را قرار بده، پشتم را به وسیله او محکم نما و او را در کار من شریک گردان.

ابن عباس می گوید: شنیدم یک منادی ندا داد: ای احمد، آنچه خواستی به تو عطا شد.^۲

مؤلف گوید: این درخواست بدون تأمل منزلت و جایگاه رفیعی را برای امیر المؤمنین رضی اللہ عنہ نسبت به حضرت خاتم الانبیاء صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بیان می کند و آن جایگاه هارون

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۰۲؛ تفسیر فرات: ۲۵۵ ح ۳؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۳۶۹ ح ۵۱۱.

۲. مصباح الانوار: ص ۱۱۰ (مخطوط)؛ النور المشتعل: ص ۱۳۸؛ العمدة: ص ۲۷۲ ح ۴۳۰۱ با کمی اختلاف.

نسبت به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام است، و این از خصائص امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است و برای این منزلت و مرتبت منازل و مراتبی است. از آن مراتب این مرتبه است که فرمود: ﴿وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِ﴾ وزیر یعنی یار و مددکار و کمک کننده و آن حضرت نسبت به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین بود.

و از آن مراتب این مرتبه است که فرمود: ﴿مِّنْ أَهْلِ﴾ و این ظاهر و آشکار است زیرا آن حضرت پسر رشید حضرت ابوطالب عموی پیامبر بود.

مرتبه دیگر مرتبه اخوت است که فرمود: «علیا اخی» و آن حضرت ظاهرا در روز مؤاخات که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوند برادری میان اصحاب برقرار نمود به عنوان برادر پیامبر معزفی گردید و باطنا در عالم انوار و در طهارت و عصمت برادر بوده اند.

و از آن مراتب این است که فرمود: ﴿أَشْدُّدٌ بِهِ أَرْبِي﴾ یعنی به وسیله او پشتم را محکم گردان و مرا تقویت نما، و آن حضرت نسبت به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پشت و پشتیبان و تأیید کننده و یاری رسان بود.

مرتبه دیگر شرکت در ابلاغ رسالت بود که فرمود: ﴿وَ أَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي﴾ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با آن حضرت در مورد ابلاغ سوره برائت برای اهل مکه و غیر آن مورد، تشریک مساعی نمود و بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با وصیت به آن حضرت و فرزندان معصومش تداوم بخش راه رسالت بود. و اگر او نبود تبلیغ به معنای واقعی کلمه حاصل نمی شد و دین جز به وسیله آن حضرت و ذریه پاکش کامل نگردید.

و مرتبه جلیله ای که بر همه مراتب شرافت دارد مرتبه خلافت در حیات و ممات است. هارون خلیفه و جانشین حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بود در حیات او، و چون پیش از حضرت موسی وفات نمود نتوانست آن خلافت را بعد از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به عهده بگیرد. و برای هارون نسبت به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام مراتب و منازل دیگری بود که اینجا محل ذکر آن نیست.

و از اموری که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرکت داشت، مراتبی است که نه موسی و نه هارون و نه هیچ یک از پیامبران و رسولان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن مراتب را دارا نبودند. به

حدیثی که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم توخه کنید:

۲۱ - شیخ طوسی رحمته الله مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که به علی بن

ابی طالب رضی الله عنه فرمودند:

علی جان، خداوند تبارک و تعالی تو را در هفت جا حاضر کرده است که با من باشی: اول مورد آن‌ها شبی است که به سوی آسمان بالا برده شدم، جبرئیل به من گفت: برادرت کجا است؟ گفتم: او را به همراه نیاوردم. جبرئیل گفت: دعا کن و از خدا بخواه تا او را بیاورد. من از خدا خواستم و به ناگاه دیدم که تو با من هستی و ملائک صف کشیده و ایستاده‌اند. به جبرئیل گفتم: این‌ها کیستند؟ گفت: این‌ها ملائکه‌اند، خداوند به وجود تو بر آن‌ها مباهات فرموده است. پس آنگاه به من اذن داده شد و من سخن گفتم به گونه‌ای که خلق به مانند آن سخن نگفته‌اند. من درباره آنچه خدا آفریده و آنچه تا روز قیامت خواهد آفرید سخن گفتم.

مورد دوم: جبرئیل نزد من آمد و مرا به آسمان بالا برد، آنجا به من گفت: برادرت کجا است؟ گفتم: او را به همراه نیاوردم. گفت: از خدا بخواه تا او را بیاورد. من دعا کردم و از خدا خواستم و ناگهان دیدم که تو با من هستی. آنگاه خداوند برای من از آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه پرده را کنار زد به گونه‌ای که من همه ساکنان آن‌ها و جایگاه هرفرشته‌ای را دیدم، و من چیزی از آن‌ها را ندیدم مگر آن‌که تونیز مشاهده کردی.

مورد سوم: به وادی جن رفتم و تو به همراه من نبودی. جبرئیل به من گفت: برادرت کجا است؟ گفتم: او را به همراه نیاورده‌ام. گفت: از خدا بخواه تا او را حاضر گرداند. من دعا کردم و ناگهان دیدم که تو با من هستی. به آن‌ها چیزی نگفتم و آن‌ها به من پاسخی ندادند جز آنکه همه آن‌ها را توشنیدی و دانستی.

مورد چهارم: من از خدا درباره تو چیزی درخواست نکردم مگر آن که عطا کرد جز مسأله نبوت، که فرمود: ای محمد، نبوت به تو اختصاص دارد.

مورد پنجم: لیلۃ القدر به ما اختصاص دارد و برای غیر ما نیست.

مورد ششم: جبرئیل نزد من آمد و مرا به آسمان بالا برد. در آن جا به من گفت: برادرت

کجا است؟ گفتم: به همراه نیاورده‌ام. گفت: از خدا بخواه تا او را حاضر کند. من دعا کردم و ناگهان دیدم که تو با من هستی. جبرئیل اذان گفت و من با اهل آسمان‌ها نماز را به پا داشتم و تو با من بودی.

مورد هفتم: ما باز می‌گردیم هنگامی که کسی باقی نماند و نابودی احزاب به دست ما است.

مؤلف گوید: معنای فرمایش اخیر رسول خدا ﷺ دلیل است بر این که آن دو بزرگوار به دنیا باز می‌گردند و در آن جا به اندازه‌ای که خدا بخواهد درنگ می‌کنند همان طور که از ائمه طاهرين عليهم السلام در حدیث رجعت روایت شده است. سپس می‌مانند در حالی که احدی از خلق نماند.

و مقصود از احزاب که فرمودند: «نابودی احزاب به دست ما است» احزاب شیطان و اهل ظلم و عدوان می‌باشد. بر آن دو صفتان لعنت خداوند رحمان باد تا مادامی که روز و شب باقی است.

و از آنچه وارد شده در اموری که امیر المؤمنین عليه السلام در آن امور با رسول خدا ﷺ شرکت دارد و این که امر آن حضرت امر او و نهی آن حضرت نهی اوست، و اینکه فضل و برتری برای آن حضرت جاری است همان طور که برای رسول خدا ﷺ جاری است، و برای رسول خدا ﷺ فضیلت و برتری بر همه خلق خداوند است، امیر المؤمنین عليه السلام نیز چنین می‌باشد.

۲۲ - حدیثی است که شیخ طوسی رحمته الله در امالی به سند خود از سعید اعرج روایت کرده است که گفت: به همراه سلیمان بن خالد محضرامام صادق عليه السلام شرفیاب شدم، حضرت ابتدا به سخن کردند و فرمودند:

ای سعید، آنچه از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام صادر شده به آن اخذ می‌شود، و آنچه نهی فرموده از آن اجتناب می‌شود. از فضل و برتری آنچه برای رسول خدا ﷺ جاری است برای آن حضرت نیز جاری است و برای رسول خدا ﷺ فضل و برتری بر تمامی آفریدگان الهی است. کسی که بر امیر المؤمنین عليه السلام در مورد چیزی عیب و

ایراد بگیرد همانند عیب گیرنده بر خدا و رسول است. و کسی که حکم آن حضرت و یا گفتارش را درباره موضوع کوچک یا بزرگ رد کند در حدّ شرک به خداوند است.

امیر المؤمنین علیه السلام باب خداوند است که جز از آن نباید وارد شد و راه خداوند است که هر کس به غیر آن تمسک کند دچار هلاکت و نابودی می شود، و این در امامان بعد از آن حضرت، یکی پس از دیگری جاری است. خداوند آنان را ارکان زمین قرار داده و ایشان حجّت رسا بر همه کسانی هستند که روی زمین و درون آن هستند.

آیا نمی دانی که امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: من تقسیم کننده بهشت و دوزخ ام از طرف پروردگار و من بزرگ ترین جدا کننده و من صاحب عصا و میسم (وسيله ای که با آن علامت می گذارند) هستم. همه فرشتگان و روح برای من اقرار کرده اند به مانند آنچه برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله اقرار نموده اند. خداوند بر دوش من نهاده و در عهده من قرار داده آنچه به دوش رسول خدا صلی الله علیه و آله نهاده است و فردای قیامت پیامبر صلی الله علیه و آله فراخوانده می شود و پوشانیده می شود و از او خواسته می شود که سخن بگوید و سخن می گوید، من نیز فراخوانده و پوشانیده می شوم و از من خواسته می شود که سخن بگویم و سخن می گویم. و به من ارزش ها و خصلت هایی عطا شده که پیش از من به کسی عطا نشده است. علم بلایا و منایا و فصل الخطاب که مربوط به بلاها و پیش آمدها و احکام و آنچه باعث فیصله می شود بین دو خصم، همه را می دانم.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى﴾ ﴿٥١﴾

«همانا در آن نشانه هایی است برای صاحبان خرد»

۲۳ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر خود گفته است: از حضرت موسی بن

جعفر رضی الله عنه روایت شده است که فرمودند:

مقصود از «اولو النهی» یعنی کسانی که علم به آن ها منتهی گشته، ما هستیم. خداوند تبارک و تعالی به پیامبر خود از حوادث بعد از او درباره غصب خلافت خبر داد، رسول

خدا ﷺ این مطالب را به امیر المؤمنین علیؑ خبر داد و از امیر المؤمنین این خبر به ما منتهی گشت. پس ما «اولو النهی» هستیم یعنی علم حوادث همه آن به ما منتهی گشته است.^۱

۲۴ - و آن را تأیید می‌کند حدیثی که محمد بن عباسؓ به سند خود از عمار بن مروان روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیؑ در مورد این آیه سؤال کردم، فرمودند: به خدا قسم مقصود از «اولو النهی» در این آیه شریفه ما هستیم.

عرض کردم: فدای شما شوم، معنای این فرمایش شما که فرمودید: «نحن اولو النهی» چیست؟

امام علیؑ فرمودند: آنچه خداوند تبارک و تعالی به رسولش خبر داد درباره اموری که بعد از آن حضرت پدیدار می‌شود، از ادعای خلافت ابی فلان و اقدام به آن، و ادعای دومی بعد از او و سومی بعد از آن دو و بنی امیه، رسول خدا ﷺ به حضرت علیؑ خبر داد، و آن همان گونه که خداوند به رسولش خبر داد و رسول خدا ﷺ به امیر المؤمنین خبر داد، و همان گونه که علم آن از حضرت علیؑ به ما منتهی گشت تحقق یافت.

پس مقصود از اولی النهی در این آیه که خداوند تبارک و تعالی در کتابش ذکر نموده ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ﴾ ما هستیم، یعنی علم همه این امور به ما منتهی گشته است و ما در برابر امر خداوند صبر نمودیم.

پس ما قیم‌های خداوند بر امور خلق و خزانه داران او بردینش می‌باشیم، آن را حفظ می‌کنیم و می‌پوشانیم و از دشمنان خود پنهان می‌داریم و کتمان می‌کنیم، همان طور که رسول خدا ﷺ آن را کتمان نمود تا آنکه خداوند به او اجازه هجرت و جهاد با مشرکین را صادر نمود، و ما همان راه رسول خدا ﷺ را می‌پوییم و به طریقه و روش او عمل می‌کنیم تا خداوند اظهار دینش را به کمک شمشیر، به ما اجازه دهد و آنگاه مردم را به دین او دعوت نماییم و آنها را با شمشیر به آیین حق وادار کنیم همان طور که رسول خدا ﷺ در ابتدای ظهور اسلام چنین نمود.^۲

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۶۱.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۶۱.

﴿وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ ﴿٨٢﴾

«و من بدون تردید آمرزنده ام کسی را که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد و در جاده هدایت قرار گیرد».

۲۵ - طبرسی رحمته الله از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر ﴿ثُمَّ اهْتَدَى﴾ فرمودند:

ثم اهتدى إلى ولايتنا اهل البيت.

به ولایت ما اهل بیت هدایت شود.

سپس فرمودند: به خدا قسم اگر کسی همه عمرش را بین رکن و مقام به عبادت خدا سپری کند، سپس بمیرد در حالیکه ولایت ما را با خود نداشته باشد، خداوند او را با خواری و سرافکنندگی به رودر آتش می افکند.

۲۶ - و از محمد بن سلیمان به سند او از داود بن کثیر رقی روایت کرده است که گفت: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم:

فدای شما شوم، در این آیه شریفه که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ مقصود از هدایت بعد از توبه و ایمان و عمل صالح چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم مقصود معرفت ائمه طاهرين علیهم السلام یکی پس از دیگری است.

صدوق رحمته الله این روایت را به سند خود از داود رقی نقل کرده است.^۱

۲۷ - علی بن ابراهیم رحمته الله به سند خود از زراره و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر ﴿ثُمَّ اهْتَدَى﴾ فرمودند:

یعنی «اهْتَدَى إِلَيْنَا» به سوی ما هدایت شوند.^۲

۲۸ - محمد بن عباس رحمته الله به سند خود از جابر جعفی و او از امام باقر علیه السلام روایت

۱. فضائل الشیعه: ۲۶ ح ۲۲؛ بحار الانوار: ج ۲۷، ص ۱۹۸ ح ۶۴.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۴۸ ح ۲۸ و ۲۶ و ۲۷.

کرده است که در تفسیر این آیه شریفه که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «من آمرزنده ام کسی را که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و هدایت شود» فرمودند: یعنی به ولایت ما هدایت شود.^۱

۲۹ - و نیز به سند دیگری از جابر و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

یعنی به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام هدایت شوند.^۲

﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ﴾ (۱۸)

«در آن روز همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت»

۳۰ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: از پدرم امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه ﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ﴾ سؤال کردم و ایشان فرمودند: آن دعوت کننده امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۳

مؤلف گوید: این آیه شریفه از آیاتی است که بر رجعت دلالت دارد و خدا داناتر است.

﴿وَرَخَسَعَتِ الْأَعْصَاثُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾ (۱۹)

«همه صداها در برابر عظمت خداوند رحمان خاشع می گردد و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی».

۳۱ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۴۸ ح ۲۸ و ۲۶ و ۲۷.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۴۸ ح ۲۸ و ۲۶ و ۲۷.

۳. بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۱۲۷، ح ۶۸.

فرمودند:

هنگامی که قیامت فرا رسد خداوند همه مردم از اولین و آخرین را در مکانی گسترده گرد آورد در حالی که پابرنه و عریان هستند. آن‌ها در محشر نگهداشته می‌شوند به حدی که غرق عرق می‌گردند و نفس‌های ایشان به شماره می‌افتد، پنجاه سال در آنجا و در آن حال درنگ می‌کنند و آن فرمایش خداوند تبارک و تعالی است: ﴿وَوَخَشَعَتِ الْأَعْصَاوُتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾.

سپس یک منادی از جانب عرش ندا می‌کند: پیامبر اُمّی کجا است؟ مردم می‌گویند: صدا را به گوش ما رساندی، او را به نام صدا بزن. پس ندا دهد: پیامبر رحمت کجا است؟ محمد بن عبد الله ﷺ کجا است؟

در این هنگام رسول خدا ﷺ در مقابل همه مردم به پیش می‌رود تا به حوضی که طول آن به مقدار فاصله بین ایله و صنعاء است منتهی می‌گردد.

آنگاه مولای شما امیر المؤمنین عليه السلام را صدا می‌زنند، آن حضرت نیز در مقابل مردم به پیش می‌رود تا در کنار آن حضرت می‌ایستد.

سپس به مردم اجازه داده می‌شود که وارد شوند. گروهی راه می‌یابند و گروهی بازگردانده می‌شوند.

چون رسول خدا ﷺ عده‌ای از دوستان ما را مشاهده می‌کند که بازگردانده می‌شوند گریه می‌کند و عرض می‌کند: پروردگارا، این‌ها شیعیان علی بن ابی طالب عليه السلام اند. خداوند فرشته‌ای را به سوی پیامبر اکرم می‌فرستد و از آن حضرت سؤال می‌کند: ای رسول خدا، چه چیز شما را گریان ساخته است؟ رسول خدا ﷺ می‌فرماید: گریه‌ام به خاطر عده‌ای از شیعیان علی بن ابی طالب عليه السلام است که می‌بینم از ورود آن‌ها ممانعت می‌شود.

فرشته عرض کند: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ای محمد ﷺ، آنان را به خاطر تو بخشیدم و از گناهان آن‌ها به خاطر دوستی شما و عترت پاک شما گذشتم و آنان را به شما و کسانی که ولایت آنان را دارا هستند ملحق نمودم و در زمره شما قرار دادم. اکنون

آن‌ها را به حوض راه بده.

امام باقر علیه السلام در خاتمه این حدیث فرمودند:

فَكَمْ مِنْ بَاكِيَةٍ يَوْمَئِذٍ وَبَاكِ يُنَادُونَ يَا مُحَمَّدًا إِذَا رَأَوْا ذَلِكَ.

و چون این صحنه را مردم ببینند چه قدر زن و مرد گریه کنان فریاد برآورند: «یا محمده» و به آن حضرت استغاثه نمایند و در آن روز احدی از کسانی که ولایت و محبت ما را دارند و از دشمنان ما تبری می‌جویند باقی نماند جز آن که در حزب ما و با ما خواهند بود و در کنار حوض بر ما وارد می‌شود.^۱

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ * - إلى قوله

تعالی - فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا هَضْمًا ﴿١٣٨﴾ - ﴿١٣٩﴾

«در آن روز سودی نمی‌بخشد و پذیرفته نمی‌شود شفاعت کسی، مگر آنکه خداوند اذن شفاعت به او داده و به گفتار او راضی باشد».

و ممکن است معنای آیه چنین باشد:

«در آن روز سودی نمی‌بخشد شفاعت مگر درباره کسی که خداوند اذن شفاعت برای او داده و راضی شده که شافعان درباره او شفاعت نمایند».

۳۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت ابا الحسن موسی بن جعفر علیه السلام

و آن حضرت از پدرش امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

از پدر بزرگوارم شنیدم که در پاسخ شخصی که سؤال کرد از این آیه شریفه: ﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ فرمود:

روز قیامت از شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار نمی‌شود مگر کسی که خداوند

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۳۸؛ بحار الانوار: ج ۷، ص ۱۰۱، ج ۹، ص ۱۰ و ج ۶۸، ص ۹۸ ح ۳؛ امالی طوسی: ص ۶۷ ح ۶؛ امالی مفید: ص ۲۰۹ ح ۸؛ کشف الغمّة: ج ۱، ص ۱۳۷؛ تفسیر فرات: ص ۲۵۸ ح ۳۵۴.

به خاطر اطاعت آل محمد ﷺ در مورد او اذن داده باشد و از گفتار و رفتار او راضی و خشنود باشد، با مودت و دوستی آنان زندگی کرده و مرده باشد و خداوند گفتار او را درباره آنان و رفتار او را پسندیده باشد.

سپس این آیه را قرائت نمود: ﴿وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾^۱ لآل محمد؛ «و خوار می‌گردد چهره‌ها برای خداوند زنده پاینده، و محروم و ناکام و زیانکار است آنکه بار ظلم به آل محمد ﷺ را به دوش کشید».

سپس درباره این آیه شریفه: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا﴾ «کسی که کارهای شایسته بجا آورد در حالیکه مؤمن است نمی‌ترسد نه از ستمی و نه از شکستی و نقصان حقی» فرمود:

مقصود از «مؤمن» کسی است که به محبت آل محمد ایمان داشته و با دشمنان آنان دشمن باشد.^۲

﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾^{۱۱۵}

«ما از پیش به آدم سفارش کردیم ولی او فراموش کرد و برای او عزم و اراده استواری نیافتیم».

۳۳ - کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که در تفسیر این

آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ...﴾ فرمودند:

یعنی ما درباره حضرت محمد عليه السلام و امامان بعد از آن حضرت به او سفارش نمودیم و عهد و پیمان بستیم، ولی او رها کرد و واگذاشت، و برای او عزم و اراده استواری نبود که آنها چنین هستند.

و همانا اولوالعزم به این نام نامیده شده‌اند زیرا برای آنان درباره حضرت محمد عليه السلام و

۱. سوره طه، آیه ۱۱۱.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۵۷، ح ۴.

جانشینان بعد از او و درباره حضرت مهدی علیه السلام و سیره او عهد و پیمانی بسته شده و آنها عزم خود را جزم کرده اند که آری آنها چنین هستند و به آن اقرار نموده اند.^۱

۳۴ - و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ...» فرمود:

یعنی ما از پیش به آدم سفارش کردیم و با او عهد بستیم کلماتی را در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان از نسل ایشان، ولی او فراموش کرد و عزم و اراده ای برای او نیافتیم.

سپس امام فرمودند: به خدا قسم آیه شریفه این گونه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است.^۲

۳۵ - مفید رحمته به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی از پیامبران عهد و میثاق گرفت و فرمود:

آیا من پروردگار شما نیستم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول من، و حضرت علی علیه السلام امیر مؤمنان نیست؟

پاسخ مثبت دادند و گفتند: آری، چنین است و لذا نبوت برای آنها ثابت گردید.

سپس از پیامبران اولی العزم عهد و میثاق گرفت بر اینکه من پروردگار شما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول من، و حضرت علی امیر مؤمنان، و جانشینان بعد از او صاحبان امر و خزانه داران علم من هستند، آخرین آنها حضرت مهدی کسی است که دینم را به وسیله او یاری می‌نمایم و دولت‌م را به وسیله او ظاهر می‌سازم، و از دشمنانم به وسیله او انتقام می‌گیرم و خواه یا ناخواه به وسیله او پرستش و بندگی شوم.

گفتند: پروردگارا اقرار می‌کنیم و شهادت می‌دهیم، حضرت آدم انکار نکرد ولی اقرار نیز ننمود و لذا اولوالعزم بودن برای آن پنج پیامبر ثابت گردید و آنها صاحب عزم و اراده در

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۲۲؛ تفسیر قمی: ج ۲، ص ۶۶؛ علل الشرایع: ص ۱۲۲، ح ۱.

۲. کافی: ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۲۳؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۲۸، ح ۳.

یاری حضرت مهدی علیه السلام شدند ولی برای حضرت آدم این عزم و اراده قطعی پیدا نشد و این مضمون فرمایش پروردگار است که فرمود: ﴿وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَتَنِي وَكَانَ نَجْدًا لَهُ عَزْمًا﴾^۱.

﴿فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ (۱۳۲)

«پس کسی که از هدایت من پیروی نماید هرگز گمراه نمی‌گردد و در رنج نخواهد بود».

۳۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

از پدرم امام صادق علیه السلام درباره این فرمایش پروردگار ﴿فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ سؤال کردم، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای مردم، از هدایت الهی پیروی کنید تا هدایت شوید و به رشد و کمال نائل آید و آن هدایت من است، و هدایت من همان هدایت علی بن ابی طالب علیه السلام است. هر که راه هدایت او را در حیات من و بعد از مرگ من بپیماید، او بدون تردید راه هدایت مرا پیموده و کسی که راه هدایت مرا بپیماید بدون تردید راه هدایت الهی را پیموده، و کسی که راه هدایت الهی را بپیماید هرگز گمراه نمی‌گردد و در رنج نخواهد بود.

سپس امام علیه السلام آیات بعد از آن را قرائت فرمود: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي...﴾ تا این آیه شریفه ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ...﴾ و فرمود:

مقصود کسی است که اسراف کند در عداوت و دشمنی آل محمد علیهم السلام.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

﴿أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النَّهْيِ﴾ «آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از پیشینیان آنان را هلاک

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۲۹ ح ۴؛ بصائر الدرجات: ص ۷۰، ح ۲؛ بحار الأنوار: ج ۲۶، ص ۲۷۹، ح ۲۲.

۲. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۳۳، ح ۳.

نمودیم و این‌ها در مسکن‌های ویران شده آنان راه می‌روند. بدون تردید در این امر نشانه‌های روشنی برای صاحبان عقل و خرد است» و آنان ائمه و پیشوایان دین از آل محمد علیهم‌السلام هستند و آنچه در قرآن مثل آن می‌باشد.

و خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى * فَاصْبِرْ﴾ - یا محمد، نفسک و ذریتک - ﴿عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ «و اگر تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرر نبود عذاب الهی به زودی دامان آنان را می‌گرفت * پس صبر کن - ای محمد خودت و ذریه‌ات - در برابر آنچه می‌گویند، و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور». مؤلف گوید: معنای این فرمایش امام علیه‌السلام که فرموده است: «و ما كان في القرآن مثلها؛ آنچه در قرآن مانند آن است» یعنی آیه‌ای که در آن ذکری از «اولی النهی» شده مقصود ائمه طاهرین علیهم‌السلام می‌باشند.

۳۷ - و در معنای این تأویل روایتی است که کلینی رحمته‌الله به سند خود از علی بن عبد الله روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه ﴿فَمَنْ آتَبَعَ هَذَا فَلَا يُضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ سؤال شد، و آن حضرت فرمود: مقصود کسی است که قائل به امامت ائمه طاهرین علیهم‌السلام باشد و امرایشان را پیروی کند و از اطاعتشان تجاوز نکند.^۱

۳۸ - و نیز به سند خود از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي﴾ «کسی که از ذکر من روی بگرداند» فرمودند: مقصود (از «ذکر») ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

(و چنین شخصی) ﴿نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ «روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم» زیرا در دنیا نسبت به ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام کور دل بوده و آن را نادیده گرفته و به آن بی‌اعتنایی نموده است.

۱. کافی: ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۱۰؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۳۲، ح ۱؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۵۰، ح ۳۱.

و روز قیامت متحیر و سرگردان می‌گوید: ﴿لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾ «چرا مرا کور برانگیختی در حالی که من بینا بودم».

در پاسخ او می‌فرماید: آیات و نشانه‌های ما برایت آمد (که مقصود ائمه طاهرين عليهم السلام هستند) اما تو رها کردی، امروز در آتش رها می‌شوی همانگونه که ائمه طاهرين عليهم السلام را رها کردی و فرمان ایشان را اطاعت نکردی و گفتارشان را نشنیدی.

﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ «ما این چنین کیفر می‌دهیم هر که را تخلف کند» یعنی غیر امیرالمؤمنین عليه السلام را با آن حضرت در ولایت شریک گرداند «و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد» یعنی ائمه طاهرين عليهم السلام را از روی عناد رها کند و در نتیجه از آثار آنان پیروی نکند و ولایتشان را نپذیرد.^۱

مؤلف گوید: مقصود از «آیات» در ﴿أَتَتَكَ آيَاتُنَا﴾ و در ﴿وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ﴾ ائمه طاهرين عليهم السلام هستند.

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ ﴿۳۹﴾

«کسان و خویشان خود را به نماز فرمان بده و بر آن پایداری کن».

۳۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر عليه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش علی بن الحسین عليه السلام روایت کرده‌اند که در تفسیر این فرمایش پروردگار ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ فرمودند:

این آیه در مورد حضرت علی و فاطمه و امام حسن و امام حسین عليهم السلام نازل شده است. رسول خدا صلى الله عليه وآله هر سحرگاه پیش از نماز صبح کنار درب خانه حضرت زهرا عليها السلام می‌آمد و می‌فرمود:

سلام بر شما ای اهل بیت، رحمت خدا و برکات او بر شما باد. آنگاه سفارش به نماز می‌نمود و می‌فرمود: «الصلاة يرحمك الله» نماز، خدا شما را رحمت کند.

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۳۵ ح ۹۲؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۴۸ ح ۶۰.

سپس این آیه را تلاوت می نمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا﴾^۱ «خداوند اراده فرموده است تا رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را پاک و پاکیزه از هر عیب و نقصی قرار دهد»^۲.

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسْتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ

وَمَنْ اهْتَدَى﴾ ﴿۱۷۵﴾

«بگو: همه منتظرند، پس شما هم منتظر باشید، به زودی خواهید فهمید چه کسانی رهروان راه راست و چه کسانی هدایت یافته اند».

۴۰ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در

تفسیر این آیه شریفه در معنای ﴿وَمَنْ اهْتَدَى﴾ فرمودند:

إِهْتَدَى إِلَى وِلَايَتِنَا.

یعنی به زودی خواهید فهمید چه کسانی به ولایت ما راه یافته و هدایت شده اند.^۳

۴۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از جابر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر رضی الله عنه در مورد این آیه و کلمه ﴿وَمَنْ اهْتَدَى﴾ سؤال شد، حضرت فرمودند:

مقصود «مَنْ اهْتَدَى إِلَى وِلَايَتِنَا» است، کسانی که به ولایت ما هدایت شده اند.^۴

۴۲ - و نیز به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر آیه شریفه:

﴿فَسْتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنْ اهْتَدَى﴾ فرمودند:

حضرت علی رضی الله عنه مصداق بارز و اتم «صراط سوی» یعنی راه مستقیم است و مقصود از

۱. سوره احزاب: آیه ۳۳.

۲. بحار الانوار: ج ۲۵، ص ۲۱۹ ح ۱۹.

۳. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۴۳، ح ۷.

۴. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۴۳، ح ۸.

﴿ومن اهتدى﴾ کسانی هستند که به ولایت ما اهل بیت هدایت شده‌اند.^۱

۴۳ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: از پدرم در مورد این آیه شریفه ﴿فَسْتَغَاثُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾ سؤال کردم، فرمود:

مقصود از «صراط» امام قائم علیه السلام است.

و «هدایت یافته» کسی است که به اطاعت او هدایت شود و راه اطاعت او را ببوید، و

نظیر آن در کتاب خدا این آیه شریفه است:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾

که مقصود از «اهتدی» در دو آیه «اهتدی الی ولایتنا» است.^۲

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۵۰، ح ۳۳؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۴۳، ح ۹.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۱۵۰، ح ۳۴؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۴۳، ح ۱۰.

سورة الانبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ ۳

«و ستمگران پنهانی با هم نجوا کردند».

۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود کسانی هستند که در حق آل محمد صلی الله علیه و آله ستم روا داشتند.

﴿فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ ۷

«از اهل ذکر سؤال کنید اگر شما نمی دانید».

۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از اصبغ بن نباته و او از حضرت امیرالمؤمنین رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ فرمود:

ما «اهل ذکر» هستیم.

۳ - و نیز به سند خود از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت: به امام باقر رضی الله عنه عرض کردم: بعضی از ما می پندارند که مقصود از «اهل ذکر» در آیه شریفه ﴿فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ یهود و نصاری هستند، امام رضی الله عنه فرمودند:

اگر چنین باشد، آن‌ها شما را به دین خود فرا می‌خوانند. سپس با دست به سینه مبارک خود اشاره نموده و فرمودند: ما «اهل ذکر» هستیم و از ما سؤال می‌شود.^۱

مؤلف گوید: برای ذکر دو معنا است: یکی به معنای پیامبر و شاهد آن کلام خداوند است که فرموده: ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا * رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ﴾^۲. و دیگری به معنای قرآن است و شاهد آن فرمایش پروردگار است که فرموده: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۳ و ائمه طاهرين عليهم السلام اهل قرآن و اهل پیامبر صلى الله عليه وآله هستند.

۴ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از زراره روایت کرده است که گفت: از امام باقر عليه السلام سؤال کردم مقصود از «اهل ذکر» در این آیه شریفه ﴿فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ چه کسانی هستند؟

امام عليه السلام فرمود: به خدا قسم ما هستیم.

عرض کردم: از شما باید سؤال شود؟ فرمود: آری.

عرض کردم: و ما سؤال کننده‌ایم؟ فرمود: آری.

عرض کردم: پس بر ما است که از شما سؤال کنیم؟ فرمود: آری.

عرض کردم: و بر شما است که به ما پاسخ دهید؟ فرمود: نه، این به نظر ما و صلاحدید ما بستگی دارد، اگر خواستیم جواب می‌دهیم و اگر خواستیم بی جواب می‌گذاریم و این آیه را تلاوت نمود: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۴.

مؤلف گوید: کلینی رضی الله عنه به طرق گوناگون این روایت را نقل کرده و برای آن بابی تشکیل داده است.^۵

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۰ ح ۳۱؛ تفسیر عیاشی: ج ۳، ص ۱۱ ح ۳۱؛ کافی: ج ۱، ص ۲۱۱ ح ۷؛ بصائر الدرجات: ج ۱، ص ۹۳، ۱۷؛ وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۴۱ ح ۳.

۲. سوره طلاق: آیات ۱۰ و ۱۱.

۳. سوره حجر، آیه ۹.

۴. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۶۸؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۴۹ ح ۲.

۵. مراجعه کنید به کافی: ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۲.

﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^(۱۳)

«ما به سوی شما کتابی نازل نمودیم که در آن تذکرو یادآوری شما است
آیا نمی‌اندیشید».

۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود اطاعت امام علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۱
مؤلف رضی الله عنه گوید: همانا آنچه نازل شده در کتابی که در آن ذکر شما و عزت شما و شرف شما است، اطاعت امام به حق بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

﴿فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ﴾^(۱۴)

«چون عذاب و خشم ما را احساس کردند ناگهان همگی گریختند»

۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از جابر روایت کرده است که گفت: از امام باقر رضی الله عنه در مورد این آیه شریفه ﴿فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ﴾ سؤال کردم، امام رضی الله عنه فرمودند:

این مطلب در هنگام قیام امام قائم رضی الله عنه تحقق پیدا می‌کند.^۲

۷ - و نیز به سند خود از امام صادق رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

پس چون عذاب و خشم ما را احساس کردند- و این هنگامی است که امام قائم رضی الله عنه قیام کند- ناگهان همگی گریختند. (گفتیم) مگریزید و به محلّ ناز و نعمت و به مسکن‌های پررزق و برقتان بازگردید، باشد که بازخواست شوید- مقصود گنج‌هایی است که آن‌ها ذخیره می‌کردند و پنهان می‌نمودند- . گفتند: وای بر ما، بدون تردید ما ستمگر بودیم *

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۵۱، ح ۱.

۲. اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۲۴ ح ۶۳۷.

و همچنان این سخن را تکرار می‌کردند تا آن‌ها را- با شمشیر- درو کرده و خاموش ساختیم، از آنان باقی نماند چشمی که به هم بخورد.^۱

۸ - کلینی رحمته الله به سند خود از بدر بن خلیل روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند به سراغ بنی امیه که در شام به سر می‌برند می‌فرستد، آن‌ها به روم فرار کنند، رومی‌ها گویند: ما شما را راه نمی‌دهیم تا نصرانی شوید. پس صلیب در گردن‌های ایشان آویزان کنند و آن‌ها را به داخل شهر راه دهند. اصحاب و یاران امام عصر علیه السلام هنگامی که به محل آن‌ها فرود آیند امان خواهند و تقاضای صلح کنند. اصحاب حضرت می‌گویند: ما این کار را نمی‌کنیم یعنی امان نمی‌دهیم تا آنچه از ما نزد شما است به ما بازگردانید و آن‌ها باز گردانند و این است مضمون فرمایش پروردگار: ﴿لَا تَرْكُضُوا وَازْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْتَلُونَ﴾ «نگریزید و بازگردید به محلّ خوش گذرانی‌ها و منزل‌های خویشتن شاید پرسش شوید» فرمود: از محلّ گنج‌های ایشان سؤال کند با آنکه خود ایشان از آن‌ها داناتر است.

آن‌ها می‌گویند: ﴿يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ﴾ «وای بر ما که ما ستمگر بودیم * و این را پیوسته تکرار کنند تا آن که آن‌ها را درو کرده و خاموش ساختیم» با شمشیر.^۲

﴿هَذَا ذِكْرٌ مِّن مَّعِيَ وَذِكْرٌ مِّن قَبْلِي﴾ ﴿٢١﴾

«این ذکر و یاد کسانی است که با من هستند و ذکر و یاد کسانی است که پیش

از من بوده‌اند».

۹ - محمد بن عباس رحمته الله به سند خود از مولای ما حضرت ابا الحسن موسی بن

۱. اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۲۴ ح ۶۳۸.

۲. کافی: ج ۸، ص ۵۱، ح ۱۵؛ بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۷، ح ۱۸۰.

جعفر عليه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از ﴿ذِكْرٌ مِّنْ مَّعِيَ﴾ علی بن ابی طالب عليه السلام و مقصود از ﴿ذِكْرٌ مِّنْ قَبْلِي﴾ پیامبران و اوصیاء آنان است.^۱

یعنی در این قرآن ذکر همه پیامبران و علم آنچه بوده و خواهد بود می باشد، پس به آن تمسک نمایید تا هدایت شوید.

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ
وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ ﴿۲۱﴾-﴿۲۷﴾

«گفتند: خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده، او منزه است، آن‌ها بندگان گرامی اویند، هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و پیوسته به فرمان او عمل می‌کنند».

۱۰ - و نیز به سند خود از جابر جعفی روایت کرده است که گفت: از امام باقر عليه السلام شنیدم که این آیه شریفه را تلاوت نمودند: «و گفتند: خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده، او منزه است، آن‌ها بندگان گرامی و شایسته اویند»، و اشاره به سینه مبارک خود نمود و بقیه آیه را قرائت فرمود.^۲

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ ﴿۲۷﴾

«و ما ترازوهای عدل و داد را در روز قیامت به پا می‌کنیم».

۱۱ - کلینی عليه السلام به سند خود از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ﴾ فرمودند:

مقصود از «میزان‌های قسط» پیامبران و اوصیای آنها هستند.^۳

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۹۷، ح ۲۸؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۳.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۹۱، ح ۱۰.

۳. کافی: ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۳۶؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، ح ۱۸۸، ح ۴؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۴۷۴، ح ۲.

مؤلف گوید: بنابراین پیامبران و اوصیای آنان ملازم میزان‌هایی هستند که در آن‌ها اعمال وزن می‌شوند، و میزان عبارت است از حساب‌رسی عادلانه‌ای که در آن هیچ‌گونه ظلم و ستم نباشد و آن حساب‌رسی خداوند تبارک و تعالی از خلق است در روز قیامت. و آن به دست انبیا و اوصیا صورت می‌گیرد و به خاطر همین جهت از آن‌ها مجازاً به میزان کنایه آورده شده، یعنی آن‌ها ملازم میزان‌اند.^۱ و مشابه آن، این آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿وَسُئِلَ الْقَرْيَةَ﴾ که مقصود «واسأل اهل القرية» است مضاف یعنی «اهل» حذف شده و مضاف الیه یعنی «القرية» به جای آن قرار گرفته است.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ﴾ ﴿٧٢﴾

«آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما مردم را هدایت کنند و به آنها انجام خوبیها را وحی نمودیم».

۱۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از این ائمه، امامان از نسل حضرت فاطمه رضی الله عنها می‌باشند به آن‌ها وحی می‌شود به وسیله روح عظیمی که در سینه مبارک آنان است، سپس ذکر کرده آنچه را که خداوند به آن، ایشان را گرامی داشته است و فرموده: ﴿فِعْلَ الْخَيْرَاتِ﴾.^۲

پس بر آنان باد برترین درودها و فراوان‌ترین تحیت‌ها.

۱. ممکن است مقصود از این فرمایش که انبیا و اوصیاء میزان هستند چنین باشد که آن‌ها وسیله سنجش اعمال می‌باشند، معیار و ملاک آن‌ها هستند و اعمال و عقائد مردم را با آن‌ها می‌سنجند، همان طور که در یکی از زیارت‌های امیر المؤمنین رضی الله عنه این عبارت آمده است: «السلام علی میزان الاعمال».

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۱۵۸، ح ۲۱، تفسیر برهان: ج ۶ ص ۴۸۸ ح ۳.

﴿ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَّ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴾ ﴿ ۸۸ ﴾

«پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثان هستی».

۱۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از علی بن داود روایت کرده است که گفت: شخصی از فرزندان ربیعه بن عبد مناف برای من حدیث کرد که چون حضرت علی رضی الله عنه با عمرو به مبارزه پرداخت رسول خدا صلی الله علیه و آله دست های مبارک خود را برای دعا بالا برد و عرض کرد:

خداوندا عبیده بن حارث رضی الله عنه را در روز بدر و حمزه رضی الله عنه را در روز احد از من گرفتی، اکنون این علی رضی الله عنه است که در میدان نبرد حضور یافته، خدایا مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثان هستی.^۱

﴿ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴾ ﴿ ۹۱ ﴾

«کسانی که پیش از این نیکوترین وعده ها از سوی ما به آنان داده شده، از آن (آتش دوزخ) دورند و برکنار خواهند بود».

۱۴ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از نعمان بن بشیر روایت کرده است که گفت: شبی نزد علی بن ابی طالب رضی الله عنه بودیم، حضرت این آیه شریفه را قرائت نمود: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ ﴾ و فرمود: من از آنان هستم.

و چون نماز به پا گردید از جا برخاست و داخل مسجد شد در حالی که می فرمود: ﴿ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴾ «آن ها صدای آتش دوزخ را نمی شنوند و در آنچه مایل باشند جاودانه متنعم خواهند بود» سپس برای نماز تکبیر گفت.^۲

۱۵ - و نیز به سند خود از ربیع بن قریع روایت کرده است که گفت:

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۰۱ ح ۸.

۲. بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۱۲۷ ح ۶۹؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۰۵ ح ۴.

نزد عبد الله بن عمر بودیم، مردی از بنی تمیم به نام حسان بن وابسه به او گفت: ای ابو عبد الرحمان، دو نفر را دیدم که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و عثمان را یاد کردند و به آن دو ناسزا گفتند. پسر عمر گفت: اگر آن دو را لعنت نموده‌اند، لعنت خدا بر آنان باد.

سپس گفت: وای بر شما، ای اهل عراق، چگونه دشنام می‌دهید به شخصی که این سرای او نسبت به سرای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و بادست به خانه علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره کرد و گفت: قسم به پروردگار این حرم که او از مصادیق این آیه شریفه است که خداوند فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ﴾ «کسانی که برای آنان وعده نیکوی ما داده شده از عذاب دوزخ دورند و برکنار خواهند بود».^۱

۱۶ - صدوق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به سند خود از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که فرمودند:
يَبْعَثُ اللهُ شِيعَتَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ مَا فِيهِمْ مِنْ ذُنُوبٍ وَ عُيُوبٍ مُنْتَصِرَةً
وَجُوهَهُمْ...

خداوند تبارک و تعالی شیعیان ما را در قیامت با همه گناهان و عیوبی که دارند از قبرها خارج می‌کند در حالی که چهره‌های آنان سفید و روشن است، زشتی‌های آنان پوشیده شده و از ترس‌ها و خشونت‌ها ایمنی یافته‌اند. راه برای آنان هموار و سختی‌ها از آن‌ها برطرف گشته است. برشترانی از یاقوت سوار می‌شوند و پیوسته در اطراف بهشت می‌گردند. بند کفش‌های آنان از نوری است که می‌درخشد. برای آن‌ها سفره می‌گسترانند و مشغول خوردن طعام‌های بهشتی هستند در حالی که دیگران گرفتار حسابند و به اعمال آن‌ها رسیدگی می‌شود، و این فرمایش خداوند است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ * لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾.^۲

۱. بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۱۲۷ ذح ۶۹؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۰۵ ح ۵.

۲. بحار الانوار: ج ۷، ص ۱۸۴ ح ۳۵ به نقل از محاسن: ج ۱، ص ۲۸۵ ح ۱۶۸.

﴿لَا يَخْزِيهِمُ الْقَرْعُ الْأَعْلَىٰ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ ﴿۱۷﴾

«آن بیم و هراس و وحشت بزرگ اینان را اندوهگین نمی سازد و فرشتگان با آنان

ملاقات کنند و بگویند: این همان روز است که به شما وعده داده می شد».

۱۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در

ضمن حدیثی فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

همانا امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان آن حضرت روز قیامت بر توده ای از مشک

خوشبویند، مردم دچار بیم و هراسند در حالیکه آن ها هیچ بیم و هراسی ندارند، مردم

دچار غم و غصه اند و آنها هیچ غم و غصه ای ندارند و این فرمایش پروردگار یکتا است:

﴿لَا يَخْزِيهِمُ الْقَرْعُ الْأَعْلَىٰ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۱.

۱۸ - صدوق رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش،

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی به من فرمود:

علی جان، به برادران خود بشارت بده که خداوند از آنان راضی و خشنود است،

چون او به زمامداری تو برای آنان خشنود و آنان به ولایت و سرپرستی تو خشنود هستند.

علی جان، تو امیر و فرمانروای اهل ایمان و پیشوای روسفیدان هستی.

علی جان، شیعیان تو برگزیده اند و اگر تو و شیعیانت نبودید از دین خدا خبری نبود، و

اگر در روی زمین از شما کسی نبود آسمان بارانش را نازل نمی کرد.

علی جان، برای تو در بهشت گنجی است و تو صاحب آن می باشی، و شیعیان تو به

حزب الله شناخته می شوند.

علی جان، تو و شیعیانت به پا دارندگان عدل و داد، و برگزیدگان خداوند از میان خلق

هستید. علی جان، من اولین کسی هستم که سر از خاک بر می دارم و تو با من هستی،

سپس سائر خلق محشور می شوند.

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۷۰، ح ۴۲.

علی جان، تو و شیعیانت در کنار حوض کوثر هر که را دوست بدارید سیراب می‌کنید و هر که را مایل نباشید باز می‌دارید و شما در سایه عرش در آن روز پر اضطراب ایمن هستید، مردم همگی دچار ترس و وحشتند اما شما هیچگونه بیم و هراسی ندارید، آنها دچار غم و غصه‌اند و شما هیچ غصه‌ای ندارید.

و در مورد شما این آیه شریفه نازل شده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾.

و در مورد شما این آیه شریفه نازل شده است: ﴿لَا يَخْزِيهِمُ الْقَرْعُ الْأَعْكَبُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ «آن بیم و وحشت بزرگ، آنان را اندوهگین نمی‌سازد و فرشتگان با آنان ملاقات کنند و بگویند: این همان روز است که به شما وعده داده‌اند».

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَعْرَضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾ ﴿١٥﴾ و ﴿١٦﴾

«همانا در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث می‌برند، همانا در این ابلاغ رسا است برای جمعیت عبادت‌کنندگان».

۱۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه: ﴿أَنَّ الْأَعْرَضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ «زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث می‌برند»، فرمود:

مقصود از «بندگان شایسته» آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند.^۱

۲۰ - و نیز به سند خود از ابوصادق روایت کرده است که گفت: از امام باقر رضی الله عنه در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، فرمود:

مقصود از «بندگان شایسته» که وارثان زمینند» ما هستیم.

عرض کردم: مراد از ﴿عَابِدِينَ﴾ «گروهی که عبادت و بندگی خدا می‌کنند» در آیه شریفه ﴿إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾ کیست؟ فرمود: شیعیان ما هستند.^۱

۲۱ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از «بندگان شایسته پروردگار»، آل محمد علیهم السلام و هر کسی است که از راه روشن آن‌ها پیروی می‌کند. و مراد از «زمین» زمین بهشت است.^۲

۲۲ - و نیز به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مراد از «بندگان شایسته» اصحاب و یاوران حضرت مهدی علیه السلام هستند که در آخر الزمان خواهند آمد.^۳

۲۳ - و بر آن دلالت می‌کند، روایتی که شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که فرمود:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن را به قدری طولانی گرداند تا آنکه مردی از اهل بیت من را مبعوث گرداند و او زمین را پر از عدل و داد گرداند همان طور که پر از ظلم و بیداد شده باشد.^۴

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۵۸، ح ۷۹.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۵۹، ح ۸۰.

۳. اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۳۵، ح ۶۳۹؛ الزام الناصب: ج ۱، ص ۷۵.

۴. غیبت طوسی: ص ۱۸۱؛ بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۷۴ ح ۲۶؛ الفصول المهمة: ۲۷۶.

سُورَةُ الْحَجِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ *
ثَانِي عَظْمِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ ﴿۸﴾ و ﴿۹﴾

«از مردم کسانی هستند که بدون هرگونه علم و هدایت و کتاب روشنگری به مجادله درباره خدا می پردازند * آن ها با تکبر و بی اعتنائی (نسبت به سخنان پروردگار) می خواهند مردم را از راه خدا گمراه سازند، برای آنان در دنیا رسوایی است و در قیامت عذاب سوزان به آن ها می چشانیم».

۱ - تاویل این آیه در باطن تفسیر اهل بیت علیهم السلام آمده است، حماد بن عیسی از بعضی از اصحاب، حدیثی را مرفوعاً از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمودند: مقصود از کسی که «بدون علم و هدایت و کتاب روشنگر درباره خدا مجادله می کند»، اولی است، او جانب خود را به سوی دومی گردانید و این هنگامی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان امام و پیشوا برای مردم معرفی نمود و به عنوان خلیفه و جانشین و علم و راهنما برای آنها نصب فرمود، و آن دو نفر سوگند یاد نمودند که هرگز به این بیعت وفا نخواهیم کرد و اجازه نمی دهیم که این امر به او برسد.^۱

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۲۴، ح ۵۲.

﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾ ﴿١٥﴾

«کسی که گمان می‌کند خداوند رسولش را هرگز در دنیا و آخرت یاری نمی‌کند پس ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد و به گردن افکند و خود را حلق آویز کند سپس آن را قطع کند و ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند».

۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام صادق رضی الله عنه و ایشان از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده‌اند که فرمودند:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگرم به من وعده نصرت داده و این‌که مرا به فرشتگانش امداد نماید. و همانا خداوند به وسیله ملائکه، و از میان خاندانم، فقط به وسیله برادرم حضرت علی رضی الله عنه یاری ام می‌فرماید.

این مطلب که تنها از علی رضی الله عنه نام برد و از یاری او سخن گفت، بر آن گروه دشوار آمد و آن‌ها را خشمگین نمود. در این هنگام خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ - مُحَمَّدًا بَعْلِي - فِي الدُّنْيَا...» «کسی که گمان می‌کند خداوند - حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به وسیله حضرت علی رضی الله عنه - یاری نمی‌نماید در دنیا و آخرت، پس ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد و به گردن خود ببندد و به این وسیله نفس خود را قطع نماید و ببیند این عمل غیظ او را از بین می‌برد یا نه؟»

پس از قرائت آیه فرمود: چنین کسی باید ریسمانی را به گردن خود بیفکند و آن را به سقف خانه بیاویزد و به این وسیله نفس خود را قطع کند تا بمیرد، آنگاه بنگرد آیا با این نقشه خشم خود را از بین برده است یا نه؟^۱

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۵۹، ح ۸۱.

﴿هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ

ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ﴾ ﴿۱۹﴾

«این دو گروه هستند که در مورد پروردگارشان به ستیزه برخاستند، پس کسانی که کفر ورزیدند بر اندامشان جامه هایی از آتش بریده و پوشیده شده است.»

این آیه شریفه درباره شیبه و عتبه و ولید نازل شده که در روز بدر در مقابل امیر المؤمنین علیه السلام و حمزه و عبیده قرار گرفتند و بیان آن در ذیل آیه چهار سوره عنکبوت خواهد آمد.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ - إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى - صِرَاطٍ الْحَمِيدِ﴾ ﴿۲۳﴾ وَ ﴿۲۴﴾

«بدون تردید خداوند کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند وارد بهشتی می کند که نهرها در آن جاری است»

این آیه شریفه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام حمزه و عبیده نازل شده و بیان آن در ذیل آیه چهارم سوره عنکبوت خواهد آمد.

۳ - محمّد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

من اولین کسی هستم که برای مخاصمه در پیشگاه خداوند رحمان و در محکمه عدل اوزانو خواهم زد و با خصم خود به مخاصمه خواهم پرداخت.

قیس^۱ گفته است: این آیه شریفه ﴿هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾ درباره آن دو گروه است که در روز بدر در مقابل یکدیگر قرار گرفتند: امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت

۱. او قیس بن سعد بن عبادة بن داهم الساعدي انصاری از بزرگان صحابه امیرالمؤمنین علیه السلام است (معجم رجال الحديث، ۱۴/۹۳).

حمزه و عبیده بن حارث یک طرف و شیبه و عتبه و ولید هم در طرف دیگر قرار داشتند.^۱
 ۴ - کلینی رحمه الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مراد از ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ کسانی هستند که به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کافر گشتند، جامه های آتشین بر اندام آن ها پوشیده خواهد شد.^۲

﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾ (۱۳)

«به گفتار پاکیزه هدایت شدند و به راه قابل ستایش رهنمون گردیدند».

۵ - کلینی رحمه الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: این آیه مبارکه در شأن حضرت جعفر بن ابی طالب و حمزه و عبیده و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار است که به سوی مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام هدایت شدند.^۳

﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (۱۴)

«هرکس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می چشانیم».

۶ - کلینی رحمه الله به سند خود از عبدالرحمان بن کثیر روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه شریفه ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ...﴾ سؤال کردم، فرمودند: این آیه در شأن کسانی است که داخل کعبه شدند و با هم عهد و پیمان بستند که بر کفر خود باقی بمانند و آنچه در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده انکار کنند، پس در خانه

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۲۸، ۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۲۸، ۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۲۲، ۵۱؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۲۸، ۱.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۲۶، ۷۱؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۳۵، ۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۲/۲۹۲.

حق با ظلمی که بر رسول خدا ﷺ و ولی او امیرالمؤمنین علیه السلام نمودند عدول از حق کردند. ﴿فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ «وای بر گروه ستمکاران که از رحمت خدا به دورند».^۱

﴿وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ ﴿۲۱﴾

«خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان از هر گونه آلودگی پاک گردان».

۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

مقصود آل محمد صلی الله علیه و آله هستند، طواف کننده واقعی و قیام کننده حقیقی و رکوع کننده به معنای واقعی کلمه آن ها هستند.^۲

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ﴾ ﴿۲۲﴾

«سپس باید آلودگی های خود را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و گرد خانه کعبه طواف نمایند».

۸ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ذریح محاربی روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنای این فرمایش پروردگار: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ﴾ چیست؟ فرمود:

مقصود ملاقات و دیدار امام علیه السلام است.^۳

۹ - و آن را تأیید می کند آنچه از آن حضرت روایت شده است که فرمود: در حالی که نگاه به مردم طواف کننده می کرد:-

۱. کافی: ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۴۴؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۳۸، ح ۵.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۹۵، ح ۸۲؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۵۳، ح ۲۸.

۳. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۶۰، ح ۸۴.

کارهایی مانند کارهای مردم در جاهلیت می‌کنند، به خدا قسم این گونه امر نشده‌اند، بلکه امر شده‌اند که گرد این سنگ‌ها طواف کنند، سپس به سوی ما آیند و ما را از ولایت خودشان باخبر سازند و مودت خویش را اعلام نمایند و بر ما نصرت خویش را عرضه بدارند (یعنی اظهار آمادگی برای یاری ما بنمایند) و آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ^۱ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ^۲﴾.

﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ ﴿۳﴾

«کسی که گرامی بدارد آنچه را که از نظر خداوند محترم است برای او نزد پروردگارش بهتر است».

۱۰ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام صادق رضی الله عنه روایت کرده‌اند که در تفسیر این آیه فرمودند: مقصود سه حرمت است که رعایت و حفظ آن واجب می‌باشد و کسی که نسبت به یکی از آن‌ها حرمت شکنی کند به خدا شرک ورزیده است:

۱. «تفت» معنای ظاهری آن ازاله کثافات ظاهری بدن است که با ناخن گرفتن و تراشیدن مو و امثال آن حاصل می‌شود؛ و اما معنای باطنی آن ازاله آلودگی‌های باطن و تطهیر درون است که با ملاقات امام رضی الله عنه حاصل می‌شود.

شاهد آن روایتی است که صدوق به سند خود از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت: محضر مقدس امام صادق رضی الله عنه شرفیاب شدم و عرض کردم: فدای شما شوم معنای این فرمایش پروردگار: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾ چیست؟

امام رضی الله عنه فرمود: گرفتن شارب یعنی موهای بالای لب و چیدن ناخن و امثال اینها است. عرض کردم: فدای شما شوم، ذریع محاربی از شما روایت کرده است که فرموده‌اید: مقصود از آن دیدار امام رضی الله عنه است.

حضرت فرمودند: آری، ذریع راست گفته است و تو نیز راست می‌گویی، همانا برای قرآن ظاهری و باطنی است، و چه کسی مانند ذریع تحمل معنای باطنی قرآن و ظرفیت قبول آن را دارد؟! (من لا يحضره الفقيه: ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴۳۶؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۴۹، ح ۱۳).

۲. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۵۳، ح ۲۹.

- ۱- حرمت شکنی و بی حرمتی نمودن نسبت به بیت الله.
- ۲- حرمت شکنی و بی حرمتی نمودن نسبت به کتاب خدا، که آن را رها کند و به غیر آن عمل نماید.
- ۳- حرمت شکنی و بی حرمتی نمودن نسبت به اهل بیت علیهم السلام که آنچه خداوند در مورد مودت و اطاعت آنان واجب نموده رعایت نکند.^۱

﴿وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (۳۱ و ۳۰)

«به اهل فروتنی و تسلیم بشارت بده، آن‌ها که چون نام خدا برده شود دل‌هایشان به لرزه درآید و به هراس افتد و بر مصیبت‌ها شکیبایی دارند و نماز را به پا دارنده‌اند و از آنچه خدا به آن‌ها روزی فرموده انفاق می‌کنند.»

۱۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند: از پدرم در مورد این فرمایش پروردگار ﴿وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ...﴾ سؤال کردم، فرمود:

این آیه شریفه تنها در مورد ما نازل شده و بیان‌کننده بعضی از اوصاف ما است.^۲
طبرسی رضی الله عنه در ذیل این آیه شریفه گفته است:

﴿وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ یعنی کسانی که اهل تواضع و فروتنی هستند و اطمینان و اعتماد به خدا دارند. و گفته شده: کسانی هستند که ظلم نمی‌کنند و هنگامی که مورد ظلم و ستم قرار گرفتند یاری نمی‌شوند.

سپس آنان را توصیف نموده و فرموده: کسانی که وقتی به خداوند ترسانیده شوند بترسند و بر مصائبی که در راه اطاعت خدا بر آن‌ها وارد می‌شود صابرند، و نماز را در وقت

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۸۶ ح ۵؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۵۴، ح ۱.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۴۰۱ ح ۱۳۱؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۵۸، ح ۱.

خودش همان طور که خدا امر فرموده انجام دهند، و انفاق واجب و غیر واجب بنمایند.^۱

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾ (۳۸)

«همانا خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند حمایت می‌کند و شرّ دشمنان را از آنها دفع می‌نماید، خداوند هیچ خیانت‌کار کفران‌کننده‌ای را دوست ندارد.»

۱۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از اسحاق بن عمار روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ سؤال کردم، فرمودند: ما کسانی هستیم که ایمان آورده‌ایم و خداوند شرّ آنچه را که شیعیان ما از ما منتشر می‌کنند برطرف می‌نماید.^۲

مؤلف گوید: یعنی بعضی از شیعیانشان برخی از اسرار ایشان را از روی غرض یا بدون غرض به دشمنان می‌رسانند و منتشر می‌نمایند و خداوند شرّ این اذاعه خبر را از آنان دفع می‌کند.

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (۳۹)

«به آنان که جنگ برایشان تحمیل گردیده اجازه جهاد و کارزار داده شده، زیرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و بدون تردید خدا بریاری آنان توانا است.»

۱۳ - طبرسی رضی الله عنه در ذیل این آیه گفته است:

این آیه اول آیه‌ای است که در مورد جنگ نازل شده و در آیه چیزی حذف شده و تقدیرش این است: به مؤمنین اذن جهاد داده شده به خاطر این که آنان مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند، آنان را از دیارشان خارج نموده‌اند و مورد اذاء و اهانت قرار گرفته‌اند ﴿وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ و این وعده الهی است و معنای آن، این است که

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۸۴.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۸۲، ح ۷۵؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۲، ح ۱.

آن‌ها را به زودی یاری می‌نماید.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

این آیه درباره مهاجرین نازل شده و در مورد آل محمد علیهم السلام که از دیارشان بیرون رانده شدند و آن‌ها را ترسانیدند جاری گشته است.^۱

۱۴ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدرش، از جد بزرگوارش روایت کرده است که فرمودند:

این آیه تنها در مورد آل محمد علیهم السلام نازل شده است: ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا... وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾.^۲

۱۵ - و نیز به سند خود از ضریس روایت کرده است که گفت: شنیدم از امام باقر علیه السلام که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از «کسانی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند»، امام حسن و امام حسین علیهم السلام هستند.^۳

۱۶ - و نیز به سند خود از امام باقر روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

این آیه درباره امام قائم علیه السلام و اصحاب و یاران او نازل شده است.^۴
توضیح و بیان مطلب: ﴿أَذِنَ﴾ در آیه شریفه ماضی است ولی از آن آینده اراده شده و این دلالت می‌کند بر حتمی بودن وقوع آن در آینده به گونه‌ای که گویا انجام شده است، و مانند آن، این آیه است: ﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ﴾.^۵

و ممکن است گفته شود: اذن داده شده به آنان در قرآن، زیرا در آن علم آنچه انجام خواهد گرفت و انجام گرفته می‌باشد. و خداوند تبارک و تعالی به آنان وعده نصرت

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۸۷؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۲۷.

۲. بحار الانوار: ۲۴/۲۲۶ ح ۲۰؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۳ ح ۲.

۳. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۲۷ ح ۲۲؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۳ ح ۳.

۴. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۲۷ ح ۲۳؛ اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۲۵ ح ۶۴؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۴.

۵. سوره اعراف: آیه ۶.

داده و فرموده: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ و در جای دیگر فرموده است: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ «و همواره حق است بر ما و بر عهده ما یاری مؤمنان».

و امام قائم علیه السلام و اصحاب آن حضرت منصور یعنی یاری شده‌اند، زیرا آنان «جند الله» هستند و خداوند سبحان فرموده است: ﴿وَإِن جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۲ «و همانا لشکر ما همواره چیره شونده و پیروزند».

سپس خداوند سبحان حال کسانی را که به آن‌ها اذن داده شده در قتال و نبرد بیان نموده و فرموده است:

﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾^۳

«آنان که از دیارشان ناحق و ناروا بیرون رانده شدند و جرمشان جز این نبود که می‌گفتند: پروردگار ما خداوند است».

۱۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از محمد بن زید و او از پدرش روایت کرده است که گفت: از مولایم امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...﴾ سؤال کردم، فرمودند:

این آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه و جعفر نازل شده، سپس در شأن امام حسین علیه السلام نیز جاری گردیده است.^۳

۱۸ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده‌اند که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

این آیه در شأن ما نازل شده است، در مورد امیر المؤمنین علیه السلام و ذریه پاک او و آنچه در امر فاطمه علیه السلام مرتکب شدند.^۴

۱. سوره روم، آیه ۴۷.

۲. سوره صافات، آیه ۱۷۳.

۳. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۲۷ ح ۲۴؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۴ ح ۵؛ شواهد التنزیل: ۱/ ۳۹۹ ح ۵۵۲.

۴. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۲۶ ح ۲۱؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۴ ح ۶.

مؤلف علیه السلام گوید: بدان هنگامی که بیان گردید که مقصود از ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ...﴾ ائمه طاهرين علیهم السلام هستند، خداوند تبارک و تعالی فرموده و آن‌ها قصد شده‌اند به آنچه فرموده است:

﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ
وَمَا سَاجِدٌ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ
لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۱۹﴾

«و اگر خداوند شرّ بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که در آن‌ها نام خدا بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد»

۱۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حمران روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ...﴾ سؤال کردم، فرمود: عده‌ای افراد صالح و شایسته بودند از کنار مردمی بد هجرت نمودند از ترس اینکه مبدا آن‌ها را به فساد بکشانند. پس خداوند شرّ ظالمین را از افراد صالح به وسیله آن مردمان بد دفع کرد، و اجری به آن‌ها (مردمان بد) به خاطر آن که به سبب آن‌ها شرّ دفع شده داده نمی‌شود، و در مورد ما نیز قصّه همانند آنان است.^۱

۱. توضیح مطلب: عده‌ای از اهل ایمان از نزد مردمی بد و منافق هجرت می‌کنند و دوری می‌گزینند و با آن‌ها معاشرت نمی‌کنند از ترس این که دچار فساد در دین نشوند، خداوند به وسیله این مردم بد و منافق شرّ کفار را از مؤمنین دفع می‌کند، خلفای غاصب و بنی امیه و امثال آنان که با مشرکین می‌جنگند شرّ مشرکین از اهل ایمان به وسیله آن خلفای غاصب دفع می‌شود و خداوند به خاطر این دفع کردن اجرو پاداشی به آنان نمی‌دهد زیرا غرض آنان ریاست و سلطنت خودشان بوده است. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُؤْتِي هَذَا الدِّينَ بِأَقْوَامٍ لَا خَلْقَ لَهُمْ: خَدَاوَنَدُ» این دین را تأیید می‌کند به کسانی که خودشان بهره‌ای از دین ندارند. و اما این که فرموده است: «وَفِينَا مِثْلَهُ» یعنی ما نیز از مخالفین دوری می‌گزینیم به خاطر بدی رفتارشان، خداوند ضرر کافرین و شرّ آنان را از ما به وسیله مخالفین دفع می‌نماید.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۶۱ ح ۸۵.

۲۰ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ...» فرمود:

آن‌ها ائمه طاهرين علیهم السلام هستند و آن‌ها عَلم‌ها و نشانه‌ها و راهنمایان الهی اند، و اگر نبود صبرایشان و انتظارشان که از جانب پروردگار فرج رسد، همگی کشته می‌شدند، خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» «خداوند کسی را که در مقام یاری پروردگار باشد یاری می‌نماید. و خداوند قدرتمندی شکست‌ناپذیر است». بیان مطلب: آیه شریفه می‌فرماید: «اگر خداوند شرّ بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصاری و مساجد منهدم می‌شد» در تفسیر این آیه، امام علیه السلام فرموده‌اند: «صبر ائمه طاهرين علیهم السلام و انتظارشان، از انهدام صومعه‌ها و معابد و مساجد جلوگیری کرده است»، زیرا اگر صبر نمی‌کردند و در انتظار فرج به سر نمی‌بردند قیام می‌کردند و بر اثر قیام، خود ایشان و بسیاری از مردم کشته می‌شدند و این سبب انهدام آن مواضع می‌گردید و انهدام آن‌ها سبب تعطیل شرایع آنان می‌شد. پس به وسیله ائمه طاهرين علیهم السلام و صبر آنان، خداوند شرّ کافرین و مخالفین را از مؤمنین دفع نموده است.

مؤلف در مورد علت تعطیل شرایع می‌گوید:

زیرا برپایی شریعت و دین و آیین به سبب کتاب است و کتاب احتیاج به تأویل دارد، و تأویل را جز خدا و «راسخون در علم» نمی‌داند و راسخون در علم کسی جز ائمه طاهرين علیهم السلام نیست. آنان هستند که تأویل کتاب حضرت موسی و عیسی و خاتم الانبیاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله را می‌دانند.

۲۱ - شاهد آن فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود:

اگر تکیه برمسند قضا کنیم میان اهل تورات با تورات ایشان و میان اهل انجیل با انجیل ایشان و میان اهل قرآن با قرآنشان حکم می‌کنم به گونه‌ای که خود کتاب‌ها به سخن آیند

و گواهی دهند که علی علیه السلام راست گفت.^۱

و چون خداوند سبحان می دانست که آن ها اهل صبر و شکیبایی هستند وعده نصرت به آن ها داد و فرمود: «و خداوند یاری می کند کسی را که او را- یعنی دین او را- یاری کند، همانا خداوند در سلطنتش بسیار قوی و نیرومند است».

سپس شأن کسانی که او را یاری می نمایند بیان کرد و فرمود:

﴿الَّذِينَ إِذْ أَنْزَلْنَا إِلَيْنَا الْكِتَابَ كُنُوا لَهُمْ حَقًّا وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحِيمُ
بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (۱)

«آنان که اگر در روی زمین تمکن و قدرتی به ایشان دهیم نماز به پا دارند، زکات بپردازند، به خوبی ها فرمان دهند و از زشتی ها مردم را بازدارند و سرانجام کارها برای خدا و در اختیار او است».

۲۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدرش از پدرانش رضی الله عنهم روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «نخن هم»؛ ما هستیم که آن چنان هستیم.^۲

۲۳ - و نیز به سند خود از عبد الله بن الحسن و ایشان از مادرش و او از پدرش، و او نیز از پدرش روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند: این آیه در شأن ما اهل بیت رضی الله عنهم نازل شده است.^۳

۲۴ - و نیز به سند خود از عیسی بن داود و او از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند:

روزی نزد پدرم در مسجد بودم شخصی محضر آن حضرت شرفیاب شد و پیش روی

۱. بحار الانوار: ج ۴۰، ص ۱۵۳ ح ۱؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۱، ص ۳۱۷، با کمی اختلاف.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۶۴ ح ۷؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۸، ح ۱.

۳. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۶۹، ح ۲.

مبارکش ایستاد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، آیه ای در کتاب خدا مرا خسته کرده و به رنج واداشته، در مورد آن از جابر بن یزید سؤال کردم، او مرا به سوی شما راهنمایی کرد. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کدام آیه مورد نظر توست؟ گفت: این آیه شریفه ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...﴾ پدرم فرمود: آری، این آیه در مورد ما نازل شده است، و قصه اش این است:

فلانی و فلانی و گروهی دیگر- و نام آن ها را برد- نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجتماع نمودند و عرض کردند: ای رسول خدا، این امر- یعنی خلافت- بعد از شما به چه کسی می رسد؟ به خدا قسم اگر به یکی از اهل بیت شما برسد ما بیم داریم نسبت به خود و اگر به غیر آنان برسد، شاید غیر آنان به ما از آنان رحم کننده تر باشد.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حرف آنان بسیار خشمگین گردید، سپس فرمود: بدانید و آگاه باشید، به خدا قسم اگر ایمان به خدا و رسول خدا می داشتید هرگز با آنان دشمنی نمی نمودید، زیرا که بغض و کینه آنان بغض و کینه من است و بغض و کینه من کفر به خدا است.

به خدا قسم اگر خداوند به آنان در زمین توانایی و قدرت دهد نماز را در وقت آن به پا دارند و زکات را در محلّ خودش بپردازند، به خوبی ها فرمان دهند و از بدی ها و زشتی ها باز بدارند، خداوند بینی کسانی را که مرا و اهل بیت مرا و ذریه ام را دشمن می دارند به خاک بمالد.

آن گاه خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾.

پس آن طایفه کلام حق را نپذیرفتند و خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود: ﴿وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ * وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾. «اگر تو را تکذیب کنند پیش از آن ها قوم نوح و عاد و ثمود پیامبرانشان را تکذیب کردند * و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط و اصحاب مدین (قوم شعیب) و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد. پس من به

کافران مهلت دادم، سپس آن‌ها را گرفتار ساختم و مجازات کردم، پس چگونه بود انکار کردن و پاسخ آن.^۱

۲۵ - و نیز به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

این آیه در شأن آل محمد علیهم السلام، حضرت مهدی علیه السلام و یاران او است که خداوند ایشان را مالک شرق و غرب جهان گرداند، و به وسیله او دین را پیروز نماید و نیز به وسیله او و اصحاب او بدعت‌ها و باطل را بمیراند. همان طور که سفیهان حق را میرانده باشند. به گونه‌ای که دیگر اثری از ظلم و بدعت دیده نشود.^۲

﴿وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾^{۱۹}

«و چاه پرآبی که معطل مانده و قصر محکمی که مرتفع است.»

۲۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از صالح بن سهل روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه ﴿وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾ فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه السلام مقصود از ﴿قَصْرٍ مَشِيدٍ﴾ است و مراد از ﴿بِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ﴾ حضرت فاطمه و فرزندان بزرگوار ایشان می‌باشند که از ملک و سلطنت و فرمانروایی کنار زده شدند.^۳

۲۷ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از علی بن جعفر و ایشان از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده‌اند که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از ﴿بِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ﴾ امامی است که سکوت اختیار کرده و مراد از ﴿قَصْرٍ مَشِيدٍ﴾ امام ناطق است.^۴

۲۸ - حسین بن جبیر رضی الله عنه حدیثی را مرفوعاً از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که

۱. بحار الانوار: ۱۶۵/۲۴، تفسیر برهان: ۸۹۲/۳ ج ۳.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۶۲؛ المحجّه: ص ۱۴۳؛ منتخب الأثر: ص ۴۷۰، ج ۱؛ ینابیع المودّة: ص ۴۲۲.

۳. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۳، ج ۷.

۴. کافی: ج ۱، ص ۴۲۷، ج ۷۵؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۱، ج ۲.

در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از «قصر مرتفع» رسول خدا ﷺ و مراد از «چاه پرآبی که معطل مانده» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی است.

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه شریفه فرموده است:

این مثلی است برای آل محمد ﷺ: «بئرٌ مُعْظَلَةٌ» یعنی «چاه پرآبی که از آن آب کشیده نمی‌شود» و آن امامی است که غایب گشته و از علم او اقتباس نمی‌شود. «قَصْرٌ مَشِيدٌ» یعنی «قصر مرتفع» و آن مثل برای امیرالمؤمنین علی و ائمه طاهرین است که فضائل ایشان در سرتاسر عالم منتشر گشته و بر همه دنیا اشراق و درخشندگی دارد.^۱

محمد بن حسن بن ابی خالد که ملقب به شنبوله است در این رابطه شعری را سروده است که ترجمه اش چنین است:

چاه پرآبی که معطل مانده و از آن استفاده نمی‌شود و قصر مرتفع

این دو مثل جالبی برای آل محمد ﷺ است.

«قصر» مجد و شکوه ایشان است که به آن نمی‌توان رسید

«بئر» علم ایشان است که از آن برداشته نمی‌شود.^۲

﴿قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ * وَالَّذِينَ سَعَوْا

فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَ ﴿٥٢﴾

«آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند از آمرزش و روزی کریمانه و

ارزشمند الهی برخوردار می‌گردند * و کسانی که تلاش کنند در آیات ما که آن را

ناتوان جلوه دهند یعنی در محو کردن آیات ما بکوشند آن‌ها به یقین اهل دوزخند»

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۵۹؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۰۱، ۵؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۱.

۲. تفسیر قمی: ج ۲/۵۹؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۰۱، ۵؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۱، ح ۱.

۲۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدر عزیز و بزرگوارش امام صادق رضی الله عنه روایت کرده‌اند که در مورد این آیه شریفه ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ فرمودند: ایشان آل محمد رضی الله عنهم هستند. «آن‌ها که تلاش می‌کنند مودت آل محمد رضی الله عنهم و رشته ارادت با آنان را قطع کنند و می‌کوشند که آن را ناتوان جلوه دهند و محو کنند، به یقین آنان اهل دوزخند». و فرمودند: مقصود چهار نفر: تیمی و عدوی و آن دو اموی یعنی عثمان و معاویه‌اند.^۱

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ

فِي أَمْنِيَّتِهِ﴾ or

«و پیش از تو هیچ پیامبر و رسولی نفرستادیم مگر آنکه هرگاه آرزویی می‌کرد شیطان در آن دخالت می‌نمود و القائاتی می‌کرد اما خداوند آن القائات را از بین می‌برد»

۳۰ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حکم بن عیینه روایت کرده است که

گفت: حضرت علی بن الحسین رضی الله عنهما به من فرمودند:

ای حکم، آیا می‌دانی آیه‌ای که به وسیله آن حضرت علی رضی الله عنه قاتل خود را و امور عظیمی را که به مردم خبر می‌داد می‌شناخت کدام است؟ عرض کردم: نه به خدا قسم نمی‌دانم، شما به من بیاموزید و از آن مرا با خبر سازید.

حضرت فرمودند: این آیه شریفه است که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَمَا

أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ - وَلَا مَحْدَثٌ﴾.

عرض کردم: آیا حضرت علی رضی الله عنه محدث^۲ بود؟ فرمود: آری، و هر امامی از ما اهل

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۸۱ ح ۷۳؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۵؛ تفسیر کنز الدقائق: ج ۶، ص ۵۳۸.

۲. محدث: یعنی با او سخن گفته شده، محدث کسی است که کلام ملائکه را می‌شنود در حالی که چیزی را نمی‌بیند.

بیت محدث می باشد.^۱

۳۱ - و نیز به سند خود از حارث بن مغیره روایت کرده است که گفت: حکم بن عیینه به من گفت: مولایم حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: همانا تمام علم حضرت علی علیه السلام در یک آیه از قرآن است. حمران بن اعین خارج شد که از آن حضرت سؤال کند ولی دریافت که متأسفانه از دنیا رحلت فرموده‌اند.

به امام باقر علیه السلام عرض کرد: حکم بن عیینه از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که فرموده‌اند: تمام علم حضرت علی علیه السلام در یک آیه از قرآن است. امام علیه السلام فرمودند: آیا نمی‌دانی کدام آیه است؟ عرض کردم: نه، فرمودند: این آیه شریفه است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ - وَلَا مَحْدَثٍ»؛ آنگاه شأن رسول و پیامبر و محدث را آشکار ساخت - درود خداوند بر همه آنان باد.^۲

۳۲ - و نیز به سند خود از بُرید عجلی روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام درباره رسول و نبی و محدث سؤال کردم، فرمودند: رسول کسی است که ملائکه نزد او می‌آید و می‌بینند و پیام الهی را از او می‌گیرد. نبی کسی است که در خواب می‌بیند و آنچه را که می‌بیند عین واقع است و همان طور است که دیده است.

محدث کسی است که کلام ملائکه و گفتار آنان را می‌شنود ولی چیزی نمی‌بیند بلکه در گوشش طنین انداز و در قلب او افکنده می‌شود.^۳

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۷، ح ۳.

۲. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۸، ح ۴.

۳. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۸، ح ۵.

﴿إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ﴾ ﴿٢٢﴾

«هرگاه آرزویی می کرد شیطان در آن دخالت می نمود و القائاتی می کرد، اما خداوند آن القائات را از بین می برد».

۳۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله خارج شدند در حالی که دچار گرسنگی شدیدی بودند، نزد یکی از انصار رفتند. او برای آن حضرت بزغاله ای ذبح نمود و یک خوشه خرمای نارسیده و رطب برید و حاضر نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله آرزو کرد علی علیه السلام را و فرمود: مردی از اهل بهشت بر شما وارد می شود.

پس ابوبکر آمد، پس از او عمرو و عثمان آمد و آن گاه حضرت علی علیه السلام وارد شدند، و این آیه نازل گردید: ﴿إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ﴾ - بعلي حين جاء بعدهم - ﴿ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ﴾ پیش از تو رسول و پیامبری نفرستادیم مگر آن که هرگاه آرزویی می کرد شیطان در آن دخالت می نمود و القائاتی می کرد اما خداوند آن القائات را - به وسیله علی علیه السلام هنگامی دل که بعد از آنان آمد - از بین برد...^۱

۳۴ - و تأیید می کند آن را آن چه علی بن ابراهیم روایت کرده است، او گفته است: از خاصه روایت شده از امام صادق علیه السلام که فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله دچار فقر و گرسنگی شدند. نزد یکی از انصار آمدند و به او فرمودند: آیا نزد تو طعامی یافت می شود؟ عرض کرد: آری، ای رسول خدا. بزغاله ای را ذبح کرد و آن را بریان نمود. همین که آن را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آرزو کرد که حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام با او باشند.

در این هنگام آن دو منافق یعنی ابوبکر و عمر آمدند. سپس بعد از آن دو حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام وارد شدند. خداوند تبارک و تعالی این آیه شریفه را در این زمینه نازل

۱. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۷۷ ح ۲.

فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ - وَلَا مَحْدَثٍ».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: آیه این گونه نازل شده است:

﴿إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾ یعنی فلاناً و فلاناً ﴿فَيَنْسُخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ﴾ یعنی لما جاء علي علیه السلام بعدهما ﴿ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ﴾ یعنی ينصر أمير المؤمنين علیه السلام ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾.

مگر هرگاه آرزو می‌کرد شیطان در آرزوی او دخالت می‌کرد یعنی فلانی و فلانی، پس خداوند آنچه شیطان القا می‌نمود نسخ می‌کرد. یعنی هنگامی که علی علیه السلام بعد از آن دو آمد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید، یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری می‌نمود. و خداوند دانا و حکیم است.^۱

بیان این تأویل:

این که فرمود: ﴿إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾ «هرگاه آرزو می‌کرد شیطان در آرزوی او دخالت می‌نمود» یعنی در آن چه آرزو می‌کرد چیزی را که دوست نمی‌داشت و نمی‌خواست دخالت می‌داد.

«و آنچه القا می‌کرد آن را در آرزوی نبی اکرم صلی الله علیه و آله» بیانش این است که شیطان به اولیاء خودش وسوس خود را القا می‌کرد و به آنها الهام می‌داد که محمد صلی الله علیه و آله فلانی را میهمان نموده است به سوی او بروید تا از طعام بخورید و فضیلت آن مقام و جایگاه را احراز نمایید. پس پیش از حضرت علی علیه السلام آمدند تا فتنه باشد برای کسانی که در دل‌های آنان مرض است.

سپس خداوند سبحان فرمود: ﴿فَيَنْسُخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ﴾ «پس خداوند آن چه شیطان القا می‌نمود نسخ می‌کرد»، و آن چیزی است که اولیاء شیطان در خاطر خویش پنهان می‌داشتند که آن چه انجام دهند فضیلتی برای آنان باشد، خداوند آن را نسخ می‌نمود به این که آن را برای آنان ردیلت قرار می‌داد، چون که آنان به غیر تمتای نبی

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۶۰ با اختلافی اندک؛ بحار الانوار: ج ۱۷، ص ۸۵ ذخ ۱۴.

اکرم به خلاف آن چه اراده نموده آمدند.

سپس خداوند سبحان فرمود: ﴿ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ﴾ «سپس امر آیاتش را استحکام بخشید» و آیاتش پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هستند، ﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ «و خداوند به هر چیز دانا و حکیم است» هر چیز را در جای خویش قرار می دهد دنیا را برای شیطان و اولیاء او و حزب ستم پیشه ایشان، و آخرت را برای حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان پاک او و حزب پیروز و رستگار ایشان قرار می دهد، حمد و ثنا و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا
وَإِنَّ اللَّهَ لَهَوَّ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ ﴿۳۵﴾

«و کسانی که در راه خدا هجرت کردند سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند خداوند روزی نیکویی به آن ها مرحمت می کند و بدون تردید خداوند بهترین روزی دهندگان است.»

۳۵ - محمد بن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده اند که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ فرمودند:

این آیه در مورد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نازل شده است.^۱

﴿ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
لَعَفْوٌ غَفُورٌ﴾ ﴿۳۶﴾

«آری چنین است، و هر کس عقوبت کند به مانند آنچه به او ستم شده، سپس مورد تعدی و ستم قرار گیرد خدا او را یاری خواهد کرد، به راستی خداوند عفو کننده و آمرزنده است.»

۳۶ - و نیز به سند پیشین از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمودند:

از پدرم حضرت محمد بن علی - که درود خدا بر او باد - شنیدم که زیاد این آیه شریفه را تکرار می نمود. عرض کردم: پدر جان فدای شما شوم، گمان می کنم که این آیه به خصوص در مورد امیر المؤمنین نازل شده است؟ حضرت فرمودند: آری چنین است.^۱

﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ﴾ ﴿۳۷﴾

«برای هر امتی روش خاصی در عبادت قرار دادیم که آنها انجام دهند».

۳۷ - محمد بن عباس علیه السلام به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هنگامی که این آیه مبارکه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را فرا خواند و در اجتماع آن ها فرمود: ای گروه انصار و مهاجر، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «برای هر امتی ما آئینی و روشی قرار دادیم که آنها آن روش را دنبال کنند».

مقصود از «منسک و آیین و روش» امام است برای هر امتی بعد از پیامبرش، تا پیامبر بعدی را درک کند. بدانید و آگاه باشید ملازم بودن با امام و اطاعت او دین واقعی است و آن همان «منسک» یعنی راه و روش است و او علی بن ابی طالب علیه السلام است که بعد از من امام و پیشوای شما است. من شما را به راه او و هدایت او دعوت می کنم زیرا که او بر هدایت و برصراط مستقیم است.

آن گروه از جا برخاستند در حالی که شگفت زده بودند و می گفتند: به خدا قسم ما با او نزاع خواهیم داشت و او را از این امر عزل خواهیم نمود و به اطاعت او هرگز راضی نیستیم، اگر چه رسول خدا فریفته او است.

در این هنگام خداوند تبارک و تعالی این آیات را نازل فرمود:

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۶۲ ذح ۸۶.

﴿وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ * وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ * اللَّهُ يَخْتَكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ...﴾ «تو به سوی پروردگارت دعوت کن که بر هدایت و صراط مستقیمی * و اگر آنان با تو جدال نمودند بگو: خدا از کارهائی که شما انجام می‌دهید آگاه‌تر است * و خداوند در روز قیامت میان شما در آنچه اختلاف می‌کنید داوری خواهد کرد...»^۱

﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ

يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا﴾ ﴿۷۲﴾

«و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها تلاوت شود در چهره کسانی که کفر ورزیده‌اند آثار انکار را مشاهده می‌کنی به گونه‌ای که نزدیک است برخیزند و با مشت به تلاوت کننده آن آیات حمله کنند».

۳۸ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن

حضرت از پدر بزرگوارش رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

هنگامی که آیه‌ای از کتاب خدا درباره امیرالمؤمنین رضی الله عنه نازل می‌شد که در آن

صحبت از وجوب اطاعت او یا فضیلتی درباره او و یا درباره اهل بیتش بود، برای آن قوم

ناخوشایند بود و ناراحت می‌شدند به گونه‌ای که تصمیم سوئی درباره آن حضرت

می‌گرفتند، همان‌طور که از خشم و غضب و کینه و حسدی که نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله

داشتند نقشه قتل آن حضرت را بارم دادن شتر آن حضرت در آن شب داشتند.^۲

۱. بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۶۲ ح ۸۷؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۸۹ ح ۲.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۴، ص ۳۶۲، ح ۸۸؛ تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۹۰، ح ۱.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ازْكُرُوا مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ وَاعْبُدُوا رَبَّكُمُ - إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى -

فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ ﴿٧٧﴾ و ﴿٧٨﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجده کنید و پروردگار خود را بندگی و پرستش نمایید... که چه مولای خوب و یاور خوبی است.»

۳۹ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه گفته است: خداوند سبحان ائمه طاهرين عليهم السلام را مخاطب قرار داد و فرمود:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت و بندگی نمایید، و کار نیکو بجا آورید، امید است رستگار شوید * و در راه خدا جهاد کنید آن گونه که سزاوار و شایسته است. او شما را برگزید، و در دین امرسنگین و دشواری بر شما قرار نداد. از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید. خداوند شما را پیش از این در کتاب‌های پیشین و در این کتاب - یعنی قرآن - مسلمان نامیده است، تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر- مؤمنین و- مردم گواه باشید، پس نماز را به پا دارید و زکات بپردازید و به- فرمان- خداوند تمسک جوئید که او مولا و سرپرست شما است، و او خوب مولا و خوب یآوری است.»

۴۰ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از برید عجلی روایت کرده است که گفت: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: در مورد این آیه شریفه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجده نمایید... او شما را برگزیده است» فرمود:

ما را قصد کرده و ما برگزیده شده‌ایم، و خداوند تبارک و تعالی در دین ﴿حرج﴾ قرار نداده و «حرج» سخت‌تراز «ضیق» است.

﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ﴾ «آیین پدرتان حضرت ابراهیم عليه السلام» از این قسمت از آیه نیز ما را به خصوص قصده کرده است.

﴿هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ﴾ «او شما را مسلمان نامیده» ﴿مِنْ قَبْلُ﴾ در کتب پیشین ﴿وَفِي هَذَا﴾ و در این کتاب آسمانی یعنی قرآن.

﴿لَيَكُونَنَّ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ رسول خدا بر ما گواه است به آنچه از طرف خداوند تبارک و تعالی تبلیغ نموده ایم، و ما بر مردم گواه هستیم، پس هر کس تصدیق کند روز قیامت او را تصدیق می نماییم و هر کس تکذیب کند ما او را تکذیب خواهیم کرد.^۱

۴۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر و آن حضرت از پدر بزرگوارشان علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

این آیه شریفه شما را به رکوع، سجود، عبادت و بندگی خدا امر کرده و آن را بر شما واجب فرموده است.

و اما مقصود از «فعل خیر» در آیه شریفه، اطاعت امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

«و در راه خدا جهاد کنید و حق جهاد را ادا نمایید او شما را برگزیده است» ای شیعیان آل محمد، «و در دین بر شما خراج یعنی سختی و دشواری قرار نداده»، یعنی در دین چیزی قرار نداده که شما را در تنگنا قرار دهد.

﴿قَلَّةٌ أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لَيَكُونَنَّ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ﴾ «آئین پدرتان حضرت ابراهیم، او شما را از پیش مسلمان نام نهاد و در این زمان، تا پیغمبر گواه شما باشد» ای آل محمد، ای کسانی که مسلمانان را به ودیعه نزد شما نهاده و اطاعت شما را بر آنها واجب فرموده است.

«و شما گواه باشید بر مردم» نسبت به آنچه قطع کردند از رحم شما، و ضایع ساختند از حق شما، و پاره نمودند از کتاب خدا، و عدول نمودند از حکم شما به غیر شما، پس ملازم زمین باشید «نماز را به پا دارید و زکات بپردازید و به خدا تمسک جوئید» ای آل محمد، و ای اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله «او مولای شما» و شیعیان شما است «و او خوب مولا و خوب یاور است».^۲

۱. کافی: ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۴؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۳۷، ح ۸ به نقل از تفسیر فرات: ص ۲۷۵، ح ۱۰.

۲. تفسیر برهان: ج ۶، ص ۵۹۵، ح ۶.

سُورَةُ الْمُؤْمِنُونَ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ

خَاشِعُونَ - إِلَى قَوْلِهِ - فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿١﴾ ﴿٢﴾

«به نام خداوند بخشاینده مهربان * به راستی اهل ایمان رستگارند * آنان که در نمازشان خاشع و فروتن اند... آنان که وارث فردوس برین و در آن جاودانه و همیشگی هستند».

۴۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت

از پدر بزرگوارش روایت کرده اند که در تفسیر آیات مذکور فرمودند:

این آیات در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه و امام حسن و

امام حسین علیه السلام - که درود خدا بر همه آنان باد - نازل شده است.^۱

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ ﴿٥٧﴾

«بدون تردید این امت شما است امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، پس تقوا

پیشه کنید»

۴۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در

تفسیر این آیه شریفه ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ فرمودند:

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۸۲ صدرح ۷۴.

مقصود از «امت واحده» آل محمد ﷺ است.^۱

۴۴ - مؤلف ﷺ گوید: بنابراین مخاطب در «أُمَّتِكُمْ» آل محمد ﷺ هستند. و «امت واحده» یعنی جدا و پراکنده نیستند نه در گفتار و نه در رفتار، بلکه بیک طریق و منهج سلوک می نمایند و هرگز اختلافی ندارند. اگر مقصود از این امت، تمام امت حضرت محمد ﷺ باشد، نمی فرمود: «واحدة» زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند:

ستفترق أمتي من بعدي على ثلاثة وسبعين فرقة، فرقة منها ناجية والباقي في النار

به زودی بعد از من امتم هفتاد و سه فرقه و گروه می شوند، تنها یک گروه از آنان اهل نجات و بقیه در آتش اند.^۲

و آن گروه اهل نجات همان «امت واحده» هستند و آن ها آل محمد ﷺ و شیعیان ایشان می باشند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْعِثُونَ مَا اتَّوُوا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَتَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾ ﴿٥٧﴾ - ﴿٦١﴾

«کسانی که از ترس پروردگارشان بیمناکند * و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان دارند * و آن ها که به پروردگارشان شرک نمی ورزند * و آن ها که از کارهای نیکو آنچه را که می توانند انجام می دهند و با این حال دل های ایشان هراسناک است از این که سرانجام به سوی پروردگارشان باز می گردند * چنین کسانی در خیرات شتاب می کنند و از دیگران سبقت می گیرند».

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۵۸ ح ۲۲.

۲. خصال: ص ۵۸۵ ح ۱۱، بحار الانوار: ج ۲۸، ص ۴ ح ۳.

۴۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه (و آن حضرت از پدر بزرگوارش) روایت کرده اند که فرمودند:

آیات مذکور در شأن امیرالمؤمنین رضی الله عنه و فرزندان پاک آن حضرت نازل شده است.^۱
آری آن ها بودند که در پیشگاه با عظمت پروردگار رعشه بر اندامشان می افتاد، در هنگام وضو رنگ چهره آنان تغییر می کرد و در حال نماز بندهای بندشان می لرزید.

۴۶ - کلینی رضی الله عنه در تأویل این آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ به سند خود از حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت: از امام صادق رضی الله عنه شنیدم که فرمودند:

اگر می توانید کاری کنید که شناخته نشوید آن کار را انجام دهید، ضرری به حال تو ندارد اگر مردم مدح و ثنای تو نگویند، و ضرری به تو نمی زند اگر مردم تو را مورد مذمت و نکوهش قرار دهند در صورتی که نزد خداوند تبارک و تعالی ستوده و آبرومند باشی.

امیرالمؤمنین رضی الله عنه همواره می فرمود:

خیری در دنیا نیست مگر برای یکی از این دو نفر: کسی که هر روز کار نیکی به نیکی های خود بیفزاید و کسی که کارهای زشت خود را با توبه جبران نماید، ولی کجا است برای او توبه، به خدا قسم اگر سجده کند به حدی که گردنش قطع شود خداوند عزوجل عملی را جز با ولایت ما اهل بیت از او نمی پذیرد.

آگاه باشید کسی که حق ما را بشناسد یا امید ثواب و پاداش به وسیله ما داشته باشد به نیم مد (تقریباً ۵ سیر) خوراک در هر روز و بدانچه عورت او را بپوشاند و آنچه با آن سر خود را پوشیده نگه دارد راضی و خشنود است و به خدا قسم با این حال ترسان و هراسانند و دوست دارند که همین مقدار حظ و بهره آنها از دنیا باشد و خداوند تبارک و تعالی آنها را در قرآن این چنین توصیف فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ﴾ کسانی که انجام می دهند از کارهای نیکو آنچه را که می توانند انجام دهند و با این

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۸۲ ذح ۷۴ و ج ۳۵ ص ۳۳۴ ح ۱۱.

حال دل‌های ایشان بیمناک و هراسناک است».

آنها چه کاری انجام می‌دهند؟ به خدا قسم آنها اطاعت خدا را همراه با محبت و ولایت ما انجام می‌دهند و با این حال ترسانند که مبادا از آنها نپذیرند، و به خدا قسم بیم آنها نه بیم شک در اعتقاداتشان می‌باشد بلکه بیم آن است که مبادا در محبت و اطاعت ما مقصّر باشند و کوتاهی نموده باشند.^۱

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّا كِبُونَ﴾ ﴿٧٤﴾

«همانا کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند از صراط مستقیم منحرفند».

۴۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از زید بن موسی و او از پدرش حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه و آن حضرت از پدرش... از حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده‌اند که در تفسیر این آیه شریفه «کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، از راه راست و مستقیم منحرفند» فرمود:

مقصود از «راه مستقیم» که از آن منحرفند ولایت ما اهل بیت است.^۲

۴۸ - و نیز به سند خود از اصبغ بن نباته و او از امیرالمؤمنین رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

مقصود از «صراط» در این آیه شریفه ولایت ما است.^۳ یعنی کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند از ولایت ما منحرفند.

۱. کافی: ج ۲ ص ۴۵۷ باب محاسبة العمل.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۲۲، ج ۴۳: تفسیر برهان: ج ۷ ص ۳۵، ج ۲.

۳. تأویل الآيات، ج ۱ ص ۳۵۵، ج ۷، بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۲۲، ج ۴۴، اللوامع النورانية، ص ۲۴۲، تفسیر

برهان، ج ۷ ص ۳۵، ج ۳.

﴿قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَّتِي مَا يُوعَدُونَ﴾ ﴿۲۳﴾

«و بگو: پروردگارا، اگر عذاب‌هایی را که به آنان وعده داده می‌شود به من نشان دهی»

۴۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود مرفوعاً از ابن عباس و جابر بن عبد الله روایت کرده است که گفتند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدیم در آخرین حج ایشان یعنی حجة الوداع، در حالی که در منی بودند، فرمودند:

شما را می‌شناسم که بعد از من به کفر بازمی‌گردید برخی از شما برخی دیگر را گردن می‌زند، و به خدا قسم اگر چنین کردید مرا خواهید دید که در میان گروهی از لشکریان شما را می‌زنم، آن‌گاه التفاتی به عقب نمود و سپس روی مبارک به ما کرد و فرمود: یا علی، یا علی.

گفت: ما را این گونه حدیث نمودند که جبرئیل به آن حضرت اشاره نمود.

و بار دیگر گفت: دیدم که جبرئیل به آن حضرت عرض کرد.

پس این آیات نازل شد: ﴿قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَّتِي مَا يُوعَدُونَ * رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ﴾ «بگو: پروردگارا، اگر عذاب‌هایی را که به آنان وعده داده می‌شود به من نشان دهی * پروردگارا مرا در زمره گروه ستمگران قرار مده * و همانا ما بر اینکه به تو نشان دهیم آنچه را که به آنان وعده کرده‌ایم قادر و توانا هستیم.^۱ مؤلف رضی الله عنه گوید: این حدیث دلالت می‌کند بر این که علی بن ابی طالب رضی الله عنه زمانی که در آن لشکرگاه باشد که با آن‌ها زد و خورد می‌کند گویا نبی اکرم صلی الله علیه و آله است، زیرا که فعل آن حضرت فعل پیامبر صلی الله علیه و آله و گفتار آن حضرت، گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله است.

﴿فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿۲۴﴾

«کسانی که کفه اعمالشان سنگین است، آن‌ها همان رستگارانند».

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۱۷؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۴۰۳ ح ۵۵۹؛ تفسیر فرات: ص ۲۷۸ ح ۳۷۹.

۵۰ - محمد بن عباس رضی اللہ عنہ به سند خود از امام موسی بن جعفر رضی اللہ عنہ ، و آن حضرت از پدر بزرگوارش ، و آن حضرت از امام باقر رضی اللہ عنہ روایت کرده‌اند که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

این آیه مبارکه در شأن ما نازل شده است.^۱

﴿أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُثَلَّى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾ ﴿۳۰﴾

«آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن‌ها را تکذیب می‌کردید».

۵۱ - و نیز به سند حدیث پیشین از امام باقر رضی اللہ عنہ روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُثَلَّى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾ فرمودند:

آیاتی را که خداوند می‌فرماید: «آیا بر شما خوانده نشد؟» در مورد حضرت علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ بوده است.^۲

مؤلف رضی اللہ عنہ گوید: به دشمنان اهل بیت رضی اللہ عنہم که وزنه اعمالشان سبک است گفته می‌شود: «آیا آیات من بر شما خوانده نشد- درباره حضرت علی رضی اللہ عنہ - و شما آن‌ها را تکذیب می‌کردید؟ وقتی به آن‌ها چنین گفته شود، آن‌ها می‌گویند: ﴿قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ﴾ «پروردگارا شقاوت و بدبختی بر ما غلبه کرد و ما گروهی گمراه بودیم».

در آیات بعدی خداوند در پاسخ این بدبختان گمراه می‌فرماید: «فراموش کرده‌اید که شما گروهی از بندگان خوب مرا به باد مسخره می‌گرفتید من امروز آن‌ها را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم، آن‌ها پیروز و رستگارند» و آن‌ها شیعیان آل محمد رضی اللہ عنہم هستند.

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۵؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۵۸ ح ۵.

۲. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۴۷ ح ۱.

سُورَةُ النُّورِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - إِلَى قَوْلِهِ - وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ ﴿۲۵﴾

«خداوند روشنی بخش آسمان ها و زمین است... و خداوند به هر چیز دانا است.»

معنای آیه شریفه: نور خداوند سبحان هدایت او است که به وسیله آن مؤمنان را به

سوی ایمان هدایت می کند.

﴿كَمِشْكَاتٍ﴾ دریاچه در دیوار و طاقچه ای که چراغ را در آن می گذارند.

﴿الْمِضْبَاحُ﴾ فتیله چراغ ﴿الرَّجَاجَةُ﴾ قندیل ﴿كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ ستاره ای که به در

نسبت داده شده در روشنایی و صفای آن. یعنی نور این اشیاء روشنایی می بخشد در

هدایت و دین مانند کوكب درّی.

﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾ برافروخته می شود از درخت زیتون یعنی از روغن

درخت مبارک زیتون.

گفته شده: هفتاد پیامبر از آن خرسند شده و او را به برکت دعا کرده و به خاطر آن

«مبارکه» نامیده شده است.

﴿لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ سایه شرق و غرب بر آن واقع نمی شود بلکه آشکار گشته در

خورشید. ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ نزدیک است روغن آن روشنی بخشد از صفایی که دارد،

﴿وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾ اگر چه آتش به آن نرسد.

این معنای ظاهر آیه است و اما معنای باطن آیه: مثلی است که خداوند سبحان

برای پیامبرش زده است: «نور خدا» ذات مقدّس آن حضرت است. «مشکاة» سینه مبارک او. «زُجَاجَةٌ» قلب پاک او. «مِصْبَاحٌ» نبوّت او است که روشنی می‌بخشد در دنیا و دین و به وسیله آن مکلفین هدایت می‌شوند.

«يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» یعنی شجره نبوّت و آن ابراهیم عليه السلام است زیرا که او اصل و اساس انبیاء است که بعد از او آمده‌اند و آن‌ها فرزندان او هستند.

«يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» یعنی نزدیک است نور حضرت محمد صلى الله عليه وآله بیان کند برای مردم و آشکار سازد اگر چه تکلم نکرده باشد به آن.

۱ - طبرسی رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه گفته است: از حضرت رضا عليه السلام روایت شده است که فرمودند:

مقصود از «مشکاة» در این آیه شریفه ما هستیم، و «مِصْبَاحٌ» حضرت محمد صلى الله عليه وآله است «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» یعنی خدا هر که را دوست بدارد. به ولایت ما. هدایت می‌کند.

۲ - صدوق رحمته الله به سند خود از فضیل بن یسار روایت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال نمودم: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» فرمود: آری خدا چنین است یعنی روشنی بخش آسمانها و زمین است.

عرض کردم: «مِثْلُ نُورِهِ»؟ فرمود: مثل نور او حضرت محمد صلى الله عليه وآله است.

عرض کردم: «كَمِشْكَاتِهِ»؟ فرمود: «مشکاة» سینه مبارک حضرت محمد صلى الله عليه وآله است.

عرض کردم: «فِيهَا مِصْبَاحٌ»؟ فرمود: چراغی که در آن نور علم یعنی نبوت است.

عرض کردم: «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ»؟ فرمود: مقصود علم رسول خدا است که به قلب

نورانی حضرت علی عليه السلام منعکس گشته است.

عرض کردم: «كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؟ فرمود: چرا «کائنها» می‌خوانی؟ عرض کردم: چه

بخوانم؟ فرمود: «کائه کَوْكَبٌ دُرِّيٌّ».

عرض کردم: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»؟ فرمود: مقصود

امیرالمؤمنین عليه السلام است که نه یهودی بوده و نه نصرانی.

عرض کردم: ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾؟ فرمود: نزدیک است که علم از دهان مبارک عالم از آل محمد ﷺ خارج شود پیش از آنکه به آن تکلم کند.

عرض کردم: ﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ﴾؟ فرمود: امامی به دنبال امام دیگر.^۱

۳ - و نیز به سند خود از عیسی بن راشد و او از امام باقر ﷺ روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

﴿كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾ «مشکاة» نور علم است در سینه مبارک پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ.

﴿الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ﴾ «زجاجه» سینه مقدس امیرالمؤمنین ﷺ است که علم پیامبر ﷺ به آن منتقل گردیده است.

﴿الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ آن «ستاره درخشان» از شجره مبارکه فروزان است یعنی از نور علم برافروخته و فروزان است.

﴿لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ نه یهودی است و نه نصرانی.

﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾ نزدیک است که عالم از آل محمد ﷺ تکلم کند به علم، پیش از آنکه از او سؤال شود.

﴿نُورٌ عَلَى نُورٍ﴾ یعنی امامی که به نور علم و حکمت تأیید شده باشد و به دنبال امامی از آل محمد ﷺ آید، و این ارسال حجج از زمان آدم تا برپایی قیامت بوده و خواهد بود.

آنان اوصیا هستند که خداوند تبارک و تعالی جانشینان خودش در زمین و حجتش بر خلق قرار داده است، زمین در هر عصر و زمانی خالی از یکی از آنان نیست.^۲

۴ - و نیز به سند خود از جابر بن یزید و او از امام باقر ﷺ روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

﴿مِشْكَاةٍ﴾ سینه مبارک رسول خدا ﷺ است. «فِيهَا مِصْبَاحٌ» که در آن مصباح است و

۱. معانی الأخبار: ص ۱۵، ح ۷، توحید: ص ۱۵۷، ح ۳.

۲. التوحید: ص ۱۵۸، ح ۴؛ مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۴۳.

مقصود از «مِصْبَاحُ» علم می باشد. ﴿فِي زُجَاجَةٍ﴾ «زجاجه» امیر المؤمنین علیه السلام است که علم پیامبر صلی الله علیه و آله نزد اوست.^۱

۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش و ایشان از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

مَثَلُ مَا فِي كِتَابِ خَدَا مَثَلُ «مَشْكَاةٍ» اسْت. مَا «مَشْكَاةٍ» هَسْتِمِمْ وَ «مَشْكَاةٍ» بَهْ أَنْ دَرِيچَه دَر دِيوَارِ وَ طَاقِچَه اِي كِه چَرَاغْ رَا دَر آن مِي كَذَارَنْد كُفْتَه مِي شُود.

﴿فِيهَا مِصْبَاحُ﴾ دَر آن چَرَاغْ اسْت.

﴿الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ﴾ «زجاجه» يعنِي شيشه اِي بَلُورِيْن وَ قَنْدِيلِ وَ مَرَاد حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صلی الله علیه و آله اسْت.

﴿كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ فرمود: مقصود علی بن ابی طالب علیه السلام اسْت. «زَيْتُونَةٌ لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْلَمْ تَمَسَّسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلٰى نُورٍ﴾ «زیتون اسْت. نَه شَرْقِي وَ نَه غَرْبِي، نَزْدِيكِ اسْت كِه نُورِش بَتَابِد بَدُونِ آن كِه آتِشِ آن رَا رُوشَن كَنْد» فرمودند: مقصود قرآن اسْت.

﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ «هر كُسي رَا خَدَا بَخُوَاهِد بَه نُورِ آن هِدَايَتِ مِي كَنْد» فرمودند: هر كُسي رَا كِه دُوسْت بَدَارِد بَه وِلَايَتِ مَا هِدَايَتِ مِي كَنْد.^۲

۶ - وَ تَأْيِيْدِ مِي كَنْدِ آن رَا حَدِيثِي كِه بَه سِنْدِ دِيگَرِي از حَضْرَتِ عَلِي بن الحسین علیه السلام رُوَايَتِ كَرْدَه اسْت كِه فرمودند:

هَمَانَا مَثَلُ مَا فِي كِتَابِ خَدَا مَثَلُ «مَشْكَاةٍ» اسْت، مَا «مَشْكَاةٍ» هَسْتِمِمْ.

﴿فِيهَا مِصْبَاحُ﴾ «مِصْبَاحُ» حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صلی الله علیه و آله اسْت.

﴿الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ﴾ مَا «زجاجه» مِي بَاشِمِمْ.

﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ حَضْرَتِ عَلِي بن ابی طالب علیه السلام اسْت.

۱. التوحيد: ص ۱۵۹، ح ۵؛ نور النقلين: ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۱۷۵.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۱۱، ح ۱۶.

﴿زَيْتُونَةٍ﴾ معروف و شناخته شده است،

﴿لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ نه ناشناس و نه بدکار.

﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ﴾ قرآن است.

﴿عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾ «خداوند هر کس را بخواهد به نورش هدایت کند

و خداوند مثل‌ها را برای مردم می‌زند، و خداوند به هر چیز دانا است» فرمود: دانا است به این که هدایت کند به ولایت ما هر کسی را که دوست بدارد.^۱

۷ - و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه

شریفه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ﴾ فرمودند: «مشکاة» یعنی چراغدان وجود مقدس حضرت فاطمه علیها السلام است.^۲

﴿فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾ «در آن چراغ است» مقصود امام حسن علیه السلام است.

﴿الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ﴾ «آن چراغ هم در قندیلی است» مقصود امام حسین علیه السلام است.

﴿الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ «قندیل مانند ستاره فروزانی می‌درخشد» مقصود فاطمه

زهرا علیها السلام است که میان زنان عالم همچون ستاره‌ای درخشان بود.

﴿يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ﴾ «از درخت با برکتی نور می‌گیرد» مقصود حضرت ابراهیم

خلیل علیه السلام است.

﴿زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ «نه شرقی است و نه غربی» یعنی نه یهودی و نه نصرانی

است.

﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ «نورش می‌تابد» یعنی علم از درون آن تراوش می‌کند و از

چشمه‌های آن می‌جوشد.

﴿وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾ «بدون آنکه آتش آن را روشن کند» یعنی بدون آنکه این علم را از

کسی آموخته باشد.

﴿نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ﴾ «نوری بعد از نور دیگر» یعنی امامی بعد از امام دیگر خواهد آمد.

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۲۴ ح ۴۰.

۲. بین دو معقوفه در مصدر نیست و در تفسیر قمی آمده است.

﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾ «خداوند به وسیله نورش هر که را بخواهد هدایت می‌کند»
یعنی خداوند به وسیله ائمه طاهرين عليهم السلام هر که را بخواهد هدایت می‌کند.
﴿وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ «و خداوند برای مردم مثل‌هایی می‌زند» .
راوی از تفسیر آیه دیگری که چند آیه بعد از آیه نور است سؤال کرد و گفت:
مقصود از ظلمات در این آیه ﴿أَوْ كُظُمَاتٍ﴾ چیست؟ فرمود: مقصود اولی و رفیق او
است.

﴿يَغْشَاهُ مَوْجٌ﴾ «موجی آن را فرا گرفت و پوشانید» مقصود سومی است.
﴿مِن فَوْقِهِ مَوْجٌ﴾ «بر فراز آن موج دیگری است» مقصود دومی است.
﴿بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ﴾ «ظلمت‌هایی است یکی بر فراز دیگری» مقصود معاویه و
فتنه‌های بنی امیه است.

﴿إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ﴾ هنگامی که مؤمن در سیاهی فتنه‌های آنان دستش را بیرون آورد نزدیک
است که آن را نبیند.
﴿وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا﴾ «کسی که خدا برای او نوری قرار ندهد» یعنی امامی از
فرزندان حضرت فاطمه عليها السلام .

﴿فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ «برای او نوری نیست» یعنی در روز قیامت امام و پیشوایی نیست.^۱
مؤلف گوید: تحقیق این تأویل اقتضا می‌کند که شجره مبارکه یعنی درخت بزرگ
تقوی و رضوان و هدایت و ایمان درختی باشد که اصل و اساس و ریشه آن نبوت و تنه
آن امامت و شاخه‌هایش تنزیل و برگ‌هایش تأویل و خدمتگزاران آن جبرئیل و میکائیل و
فرشتگان، گروهی بعد از گروهی دیگر باشد. چه می‌شود گفت در فضل آن و چگونه
می‌توان با احادیث و گفتارها مدح و ثنای آن نمود.

و چون معنای مشکاة و مصباح و زجاجه را دانستیم و فهمیدیم که آن‌ها اجسام هستند
و ناگزیرند از داشتن جا و مکانی که در آن جای گیرند، خداوند تبارک و تعالی فرمود:

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۰۵، ۲۰۲.

﴿ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ... ﴾ ﴿۳۶﴾

«در خانه‌هایی که خداوند اذن فرموده شریف و رفیع باشند و نام او در آنها یاد شود و صبح و شام در آن تسبیح او گفته شود، مردانی که تجارت و داد و ستد آنها را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌سازد و باز نمی‌دارد».

معنای آیه شریفه: نور خداوند سبحان که «همانند مشکاة و چراغدانی است که در آن چراغ باشد» در این خانه‌هایی است که اذن داده خدا یعنی امر فرموده که قدر و منزلت آن رفیع و مورد تعظیم و تکریم قرار گیرد، زیرا خداوند اهل آن را که انبیا و اوصیا هستند از هرگونه رجس و پلیدی تطهیر فرموده و شاهدش این کلام نورانی خداوند است که فرموده: ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾^۱ «همانا خداوند تبارک و تعالی اراده فرموده که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را پاک و پاکیزه گرداند»

﴿ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ ﴾ یعنی کتاب او در آن جا تلاوت شود، ﴿ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ

الْأَصَالِ ﴾ «و صبح و شام در آن تسبیح او گویند» مردانی که توصیف فرموده آنان را به اوصافی که جز در آن‌ها یافت نمی‌شود، و آنها انبیا و اوصیا هستند، بنابراین چه بیان آن در تأویل آن بیاید.

۸ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از انس و بریده روایت کرده است که گفتند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه شریفه را تلاوت نمود، شخصی از جا برخاست و عرض کرد:

این خانه کدام خانه‌ها است، ای رسول خدا؟ فرمودند: خانه‌های پیامبران.

ابوبکر برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا، این خانه نیز از آن خانه هاست، و اشاره

کرد به خانه علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، از برترین آن‌ها است.^۲

۱. سوره احزاب: آیه ۳۳.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۲۵، ح ۱۶.

۹ - و نیز به سند خود از محمد بن فضیل روایت کرده است که گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، فرمودند: مقصود از «بیوت» در آیه شریفه بیوت حضرت محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله است، بیوت حضرت علی علیه السلام نیز از آن بیوت است.^۱

۱۰ - و نیز به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «**فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أَنْزَلْنَا اللَّهُ أَنْزَارًا يَوْمَهُمْ فِيهَا اسْمُهُمْ**» فرمودند:

مقصود از «بیوت» در آیه بیوت آل محمد علیهم السلام است. بیت حضرت علی و فاطمه و امام حسن و امام حسین و حمزه و جعفر علیهم السلام است.

راوی یعنی عیسی بن داود می گوید: عرض کردم: «**بِالْبُغْدُو وَالْأَصَالِ**» یعنی چه؟ فرمود: مقصود نماز است در اوقات آن.

سپس خداوند تبارک و تعالی آنان را توصیف نموده و فرموده: «**رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ...**» «بزرگانی که تجارت و داد و ستد آنها را از یاد خدا و به پاداشتن نماز و پرداخت زکات باز ندارد، می ترسند از روزی که دلها و دیدگان در آن دگرگون می شود» فرمود: مقصود آل محمد علیهم السلام هستند و خداوند با آنان غیر آنان را مخلوط نکرده است.

سپس خداوند می فرماید: «**لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ**» «تا به آنان پاداش دهد بهتر از آنچه عمل کردند و از فضل خود به آن بیفزاید» فرمود: آن چه را به ایشان اختصاص داده، از دوستی و ارادت و اطاعتی که برای آنان واجب شده است و مأوای ایشان بهشت گردیده «**وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ**» «و خداوند هر کسی را که بخواهد بدون حساب روزی می دهد».^۲

۱۱ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از عبد الله بن جندب روایت کرده است که

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۲۵، ح ۲.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۲۶ ح ۴؛ تفسیر برهان: ۹۴/۷ ح ۱۰.

گفت: محضر مقدّس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نوشتیم و از تفسیر این آیه شریفه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ سؤال کردم، امام علیه السلام در پاسخ سؤال من فرمودند: این آیه شریفه در شأن ما نازل شده، و خداوند تبارک و تعالی برای ما مثل می زند، و نزد ما است علم به مرگ و میرها و بلاها و نسلها و نژادهای عرب، و هیچ گروهی نیست که باعث گمراهی صد نفر و هدایت صد نفر شود مگر آن که رهبر و جلودار آن و کسی که به پیش می راند و پیروانش را می شناسیم و این مخصوص زمان خاصی نیست بلکه گستره اش تا دامنه قیامت است.^۱

مؤلف علیه السلام در توضیح آیه می فرماید:

«مشکاة» در آیه شریفه ﴿كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِضْبَاحٌ﴾ طاقچه ای است که در آن چراغ را می نهند و با آن خانه روشن می شود، مثل آل محمد علیهم السلام در میان مردم نیز چنین است، خداوند به وسیله آنان دنیا و دین را روشن می سازد و به وسیله آنان مردم به راه هدایت راهنمایی می شوند. و دلیل بر این که آن ها همان آل محمد علیهم السلام هستند و این مثل برای آنان زده شده، کلام نورانی خداوند تبارک و تعالی است که فرموده: ﴿فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَتُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ...﴾.

سپس خداوند مثل دیگری برای دشمنان ایشان و کسانی که با آنان نزاع دارند می زند و می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِغًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ قَوْفَاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ ﴿٢٩﴾

«کسانی که کافرنند اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه از دور آن را آب می پندارد، اما هنگامی که نزدیک آن می آید چیزی نمی یابد و خدا را نزد آن می یابد که حساب او را به طور کامل رسیدگی می کند و خداوند سریع الحساب است.»

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۸۴ ح ۱۰؛ به نقل از تفسیر قمی: ج ۲، ص ۷۹.

۱۲ - شرف الدین نجفی از عمرو بن شمر و او از جابر بن یزید روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، فرمودند:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا﴾ «کسانی که کافر شدند» مقصود بنی امیه اند ﴿أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَخْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً﴾ «اعمال آنان همچون سرابی در یک کویر است که تشنه آن را آب می‌پندارد» مقصود از «تشنه» نعتل یعنی عثمان است، آنان را با خود می‌برد و می‌گوید: شما را به آب وارد می‌کنم. ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾^۱.

سپس خداوند مثل دیگری برای دشمنان زده و فرموده است:

﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ ﴿٥٠﴾

«یا همچون ظلماتی در دریای عمیق و پهناور که موج آن را فراگرفته و بر فراز آن موج دیگر و بر فراز آن ابری تاریک است، ظلمت‌هایی است یکی بر فراز دیگری به گونه‌ای که هرگاه دست خود را خارج کند نزدیک است که آن را نبیند، و کسی که خدا برای او نوری قرار ندهد برای او نوری نیست».

۱۳ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از صالح بن سهل روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود از ﴿ظلمات﴾ در آیه ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ﴾ اولی و رفیق اوست.

﴿فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ﴾ «در دریای عمیق که موج آن را فراگرفته و پوشانیده» مقصود سومی است.

﴿مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ﴾ «بر فراز آن موج دیگری است» مقصود طلحه و زبیر هستند.

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۲۴ ح ۴۱؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۹۶ ح ۲.

﴿ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ﴾ «ظلمت‌هایی است یکی بر فراز دیگری» مقصود معاویه و یزید و فتنه‌های بنی امیه است.

﴿إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ﴾ هنگامی که مؤمن در سیاهی فتنه‌های آنان دستش را بیرون آورد، نزدیک است که آن را نبیند.

﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا﴾ «کسی که خدا برای او نور قرار ندهد» یعنی امامی از فرزندان پاک حضرت فاطمه علیها السلام.

﴿فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ «برای او نوری نیست» یعنی روز قیامت امام و پیشوایی نیست که در پرتو نور او راه رود.^۱

۱۴ - کلینی رحمته الله روایت فوق را به سند خود از صالح بن سهل همدانی روایت کرده است با این تفاوت که:

﴿مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ﴾ را فرموده است: مقصود ظلمت‌های دوّمی است. و در ﴿ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ﴾ یزید را ذکر نکرده و فرموده: مقصود معاویه و فتنه‌های بنی امیه است.^۲

۱۵ - و به سند خود از حکم بن حمران^۳ روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر این آیه شریفه سؤال نمودم و عرض کردم: مقصود از «ظلمات» در این آیه شریفه ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لَيْلٍ يَغْشَاهُ مَوْجٌ﴾ چیست؟ فرمودند: مقصود فلانی و فلانی است.

﴿مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ﴾ فرمود: مقصود اصحاب جمل و صفین و نهروان است.

﴿مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ﴾ فرمود: مقصود بنی امیه است.

﴿إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ﴾ یعنی زمانی که امیر المؤمنین علیه السلام دستش را در ظلمات آنان بیرون آورد. ﴿لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا﴾ یعنی هنگامی که میان آنان سخن به حکمت گوید، هیچ کس از

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۸۱؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۰۵ ذح ۱.

۲. کافی: ج ۱، ص ۱۹۵ ح ۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۹۸ ح ۱؛ نور الثقلین: ج ۵، ص ۱۶۴ ح ۱۹۶.

۳. از این شخص ذکری در رجال ما نشده بلکه آن چه هست روایت حریر از حکم و از حمران است، به معجم رجال الحدیث ج ۷، ص ۱۵۹ و ص ۲۶۱ مراجعه کنید، والله العالم.

او نمی پذیرد؛ مگر آن کسی که اقرار به ولایت و امامت آن حضرت نموده باشد.
 ﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ یعنی کسی که خداوند برای او امامی در دنیا قرار ندهد در آخرت نیز برای او نور نیست. یعنی امامی نیست که او را راهنمایی کند و در طریق بهشت از او پیروی نماید.^۱

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلِّ
 قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾^{۱۱}

«آیا نمی اندیشی که تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند برای خدا تسبیح گویند و پرندگان که بال گسترده و صف کشیده اند هر یک از آن ها نماز و تسبیح خود را می داند، و خداوند به آن چه انجام می دهد دانا است».

۱۶ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از اصیغ بن نباته روایت کرده است که گفت: این کوا از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه درباره این آیه ﴿وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ﴾ سؤال کرد و پرسید: مقصود از این «صف» و «صلاة» و «تسبیح» چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

خداوند سبحان فرشتگان را به صورت ها و شکل های گوناگون آفریده است، او را فرشته ای است به صورت خروس سفید که مقداری سیاهی به آن آمیخته باشد، پنجه های پای او در زمین هفتم و تاج او در زیر عرش خدای رحمان، یک بال او در مشرق از آتش و بال دیگرش در مغرب از یخ است. هنگامی که وقت نماز فرا می رسد بر روی پنجه های پا می ایستد و گردنش را از زیر عرش بلند می کند، سپس دو بالش را به هم می زند همان طور که خروس در منازل شما بال ها را به هم می زند، نه آن بالی که از آتش است بال یخی را ذوب می کند و نه آن بالی که از یخ است آن بال آتشین را خاموش می سازد، سپس فریاد می زند و می گوید:

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۲۴ ح ۴۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۹۹ ح ۳.

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله سيد النبيين، وأن وصيه خيرا الوصيين، سبوح قدوس رب الملائكة والروح؛
گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست، شریکی برای او نمی‌باشد و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده او، سرور پیامبران است و این که وصی او بهترین اوصیاء می‌باشد، پاک و منزّه است پروردگار ملائکه و روح.

پس خروس در منزل‌های شما بال خود را به هم می‌زند و بر روی زمین باقی نمی‌ماند خروسی مگر آن که او را اجابت می‌کند به مانند کلام او یعنی با او در گفتارش هماهنگی می‌کند. و این است معنای فرمایش پروردگار که فرموده است: ﴿كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ﴾ «هریک از آن‌ها نماز و تسبیحش را می‌داند» یعنی هر خروسی که در منزل‌های شما است نماز آن خروس و تسبیحش را می‌داند و از او در گفتار و رفتار پیروی می‌کند.^۱

﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ - إِلَى قَوْلِهِ - أَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۱۷-۱۸)

«و می‌گویند به خدا و رسول ایمان آوردیم... آن‌ها همان رستگاران هستند».

۱۷ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ...﴾ فرمودند:
این آیه درباره امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و عثمان نازل شده است، و قصه‌اش این است که:

میان امیر المؤمنین علیه السلام و عثمان نزاعی در مورد باغی واقع شد، امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمودند: آیا به حکم رسول خدا صلی الله علیه و آله رضایت می‌دهی؟ عبدالرحمان بن عوف به عثمان گفت: داوری را به نزد رسول خدا نبر، زیرا که او به نفع علی علیه السلام و به ضرر تو حکم می‌کند، به نزد ابن ابی شیبه یهودی ببر و او را حکم قرار بده. عثمان به امیر المؤمنین علیه السلام گفت: رضایت نمی‌دهم مگر به ابن ابی شیبه. ابن ابی شیبه به عثمان گفت: رسول خدا حضرت

۱. توحید صدوق: ص ۲۷۵ ح ۱۰ با کمی اختلاف؛ بحار الانوار: ج ۳ ص ۱۸۳ ح ۲۴.

محمد ﷺ را بروحی آسمان امین می دانید و در حکم کردن متهم می نمایید. آن گاه خداوند تبارک و تعالی این آیات را تا ﴿هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ به رسولش نازل فرمود.^۱

۱۸ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت: هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شدند زمینی را به حضرت علی رضی الله عنه و عثمان عطا نمودند، بالای زمین را به عثمان و پایین آن را به حضرت علی رضی الله عنه. حضرت علی رضی الله عنه به عثمان فرمودند: این زمین من نیکو نیست و به کار من نمی آید مگر با زمین تو، آن را از من بخرو یا زمین خود را به من بفروش. عثمان گفت: من می فروشم. حضرت علی رضی الله عنه آن را خرید.

رفقای عثمان به او گفتند: چه کار کردی؟ زمین خود را به علی رضی الله عنه فروختی، اگر تو آب را از او بازمی داشتی از زمین او هیچ چیز نمی روید و طبق حکم تو آن را به تومی فروخت. عثمان نزد حضرت علی رضی الله عنه آمد و عرض کرد: بیع را اجازه نمی دهم. حضرت فرمودند: فروختی و رضایت داده ای و اکنون چنین حقی برای تو نیست. عثمان گفت: شخصی را بین من و خودت داور قرار بده.

حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله.

عثمان عرض کرد: او پسر عموی تو است، غیر او را قرار بده.

حضرت علی رضی الله عنه فرمود: تو را برای محاکمه نزد غیر پیامبر نمی برم، پیامبر گواه است بر ما. عثمان نپذیرفت و امتناع ورزید، خداوند تبارک و تعالی این آیات را تا ﴿هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ نازل فرمود.^۲

۱۹ - و نیز به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه: ﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى...﴾ «می گویند: به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می کنیم، ولی بعد از این ادعا گروهی از آنان روی گردان می شوند. آن ها

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۸۳؛ بحار الانوار: ج ۹، ص ۲۲۷.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۶۳ ح ۸۹؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۰۹ ح ۲.

در حقیقت مؤمن نیستند... گروهی از آنان روی گردان می شوند» فرمودند:

این آیه در مورد کسی نازل شده است که از امیرالمؤمنین علیه السلام زمینی را خرید، سپس بشیمان شد و رفقایش او را بشیمان نمودند، به حضرت علی علیه السلام عرض کرد: من به این زمین حاجتی ندارم، حضرت فرمودند: زمین را خریده‌ای و به آن رضایت داده‌ای، بیا نزاع را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله ببریم. رفقایش به او گفتند: نزد رسول خدا نرو، گفت: بیا نزد ابوبکر و عمر برویم، هر کدام از این دو نفر را اختیار نمودی بین من و تو داوری کند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: نه به خدا قسم، به غیر رسول خدا صلی الله علیه و آله رضایت نمی‌دهم و تنها او باید بین من و تو حکم کند. در این هنگام خداوند تبارک و تعالی این آیات را نازل فرمود: ﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ - **إلى قوله - وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** ^۱.

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مِمَّا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ ﴿٢٥﴾

«بگو خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر سرپیچی نمایید پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خویش هستید اما اگر از او اطاعت کنید هدایت خواهید شد».

۲۰ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

بگو خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر روی گردانیدید همانا به عهده پیامبر است آنچه مسئولیت آن را پذیرفته از گوش کردن ^۲ و اطاعت و امانت و صبر، و بر عهده شما است آنچه بر شما تکلیف شده از عهد و پیمان‌هایی که خداوند از شما در مورد حضرت علی علیه السلام گرفته و آنچه برای شما در قرآن از وجوب اطاعتش بیان کرده است.

۱. بحار الانوار؛ ج ۲۴، ص ۳۶۴ ح ۹۰؛ تفسیر برهان؛ ج ۴، ص ۸۷ ح ۳.

۲. در نسخه‌ای «تبلیغ کردن» است.

و در مورد این قسمت از آیه شریفه ﴿وَإِنْ تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ فرمود: یعنی اگر علی عليه السلام را اطاعت کنید هدایت می شوید.

﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ «و بر پیامبر چیزی جز ابلاغ آشکار نیست» و در آخر حدیث فرمود: این آیه شریفه این گونه نازل شده است.^۱

﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ... لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ ﴿٥﴾

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که آنان را در زمین خلافت بخشد آنگونه که پیشینیان را خلافت بخشید و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده توانمند و ریشه دار سازد و ترس آنان را به آرامش و امنیت مبدل نماید که مرا پرستش کنند و برای من چیزی را شریک نگردانند».

۲۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت: از امام صادق عليه السلام درباره این فرمایش پروردگان: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ...﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند:

این آیه شریفه در شأن علی بن ابی طالب عليه السلام و امامان معصوم از فرزندان آن حضرت نازل شده است.

در مورد این قسمت از آیه پرسیدم ﴿وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ فرمودند: مقصود ظهور امام قائم عليه السلام است.^۲

۲۲ - طبرسی رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه گفته است که از اهل بیت عليهم السلام روایت شده است که این آیه در شأن مهدی آل محمد عليهم السلام نازل شده است.^۳

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۱۱ ح ۲؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۰۳، ح ۶۴.

۲. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۱۳، ح ۶.

۳. مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۵۲.

علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیرش مثل آن را نقل کرده است.^۱

۲۳ - عیاشی رضی الله عنه به سند خود از حضرت علی بن الحسین رضی الله عنه روایت کرده است

که این آیه شریفه را قرائت کردند و فرمودند:

به خدا قسم، آنان شیعیان ما اهل بیت هستند، خدا این وعده اش را نسبت به آنان به دست مردی از ما محقق می سازد و او مهدی این امت است، و او است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن را به قدری طولانی می گرداند تا مردی از عترت من بیاید، نام او نام من است، زمین را پراز عدل و داد می سازد همان طور که پراز ظلم و بیاداد شده باشد.^۲

مؤلف گوید: مثل این روایت از امام باقر و امام صادق رضی الله عنهما نقل شده است.

بنابراین مقصود از «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر و اهل بیت آن حضرت می باشد و آیه بشارت خلافت و حکومت و قدرت و رفع ترس و بیم برای آنان در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام را در بردارد.

و مقصود از «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» این است که شایسته خلافت را خلیفه قرار دهد مثل آدم و ابراهیم و داود و سلیمان و موسی و عیسی - درود خدا بر همه آنان باد- و این مستمر و همیشگی در همه زمان ها خواهد بود.

۲۴ - محمد بن مؤمن نیشابوری در تفسیرش که از تفاسیر دوازده گانه استخراج

شده از طرق آنان از محمد بن مسعود روایت کرده است که گفت:

خلافت خدایی برای چهار نفر واقع شد:

۱- آدم علیه السلام : «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۳ «به خاطر آور

هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین خلیفه و جانشین قرار خواهم داد».

۱. تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۶؛ نور الثقلین: ج ۵، ص ۱۷۲ ح ۲۲۰.

۲. مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۵۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۲۳ ح ۱۱ و ۱۲.

۳. سورة البقرة: ۳۰.

۲- داود عليه السلام : ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾^۱ «ای داود ما تو را خلیفه و جانشین در روی زمین- یعنی بیت المقدس- قرار دادیم».

۳- هارون عليه السلام : حضرت موسی عليه السلام فرمود: ﴿اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي﴾^۲ «جانشین من در میان قوم من باش».

۴- امیرالمؤمنین عليه السلام : ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند- یعنی علی بن ابی طالب عليه السلام- وعده فرموده است ﴿لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ که آنان را در زمین خلافت دهد همان طور که پیشینیان را- یعنی آدم و داود و هارون را- خلافت داد، ﴿وَلِيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده- یعنی اسلام را- قدرتمندی و توانایی بخشد، ﴿وَلِيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنَا﴾ و ترسشان را- از اهل مکه- به امنیت و آرامش- در مدینه- مبدل سازد. ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ تنها مرا پرستش نمایند- یعنی یکتاپرستی نمایند- و چیزی را شریک من نسازند.

﴿وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ﴾ و کسانی که پس از آن کافر شوند- نسبت به ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام- ﴿فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ آن‌ها فاسقانند یعنی نسبت به خدا و رسول او معصیت کارند و نافرمانی کرده‌اند.^۳

۱. سوره ص، آیه ۲۶.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

۳. بحار الانوار: ج ۳۸، ص ۱۵۳؛ تفسیر برهان ج ۷، ص ۱۲۴ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۶۳.

سُورَةُ الْفُرْقَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا﴾ ﴿۲۵﴾

«ستمگران گفتند: شما پیروی نمی‌کنید مگر از شخصی که دچار سحر شده * ببین چگونه مثال‌هایی برای تو زدند، پس گمراه شدند و نمی‌توانند راه را بیابند».

۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت: امام باقر علیه السلام آیه مذکور را این گونه قرائت کردند:

«وَقَالَ الظَّالِمُونَ - لآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ - إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا»

«کسانی که در حق آل محمد علیهم السلام ظلم کننده‌اند گفتند: شما پیروی نمی‌کنید مگر از مردی که به سحر مبتلا شده است» و مقصود آنها حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود.

خداوند تبارک و تعالی به رسولش فرمود: «ببین چگونه برای تو مثال زده‌اند پس گمراه گشتند و نمی‌توانند راه را بیابند» یعنی راه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را نمی‌توانند بیابند، و امیرالمؤمنین علیه السلام راه است و مصداق ﴿سَبِيلٌ﴾ است.^۱

﴿لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا﴾ ﴿۲۶﴾

«امروز يك بار واويلا نگويد، بلکه بسيار واويلا بگويد»

۱. تأویل الآيات، ج. ۱، ص. ۳۷۱، ح. ۱، بحار، ج. ۲۴، ص. ۲۴، ح. ۵۳.

۲ - شیخ طوسی رحمته الله در کتاب امالی به سند خود از کثیر بن طارق روایت کرده است که گفت: از زید بن علی بن الحسین علیه السلام در مورد آیه شریفه ﴿لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا﴾ سؤال کردم، فرمود:

ای کثیر، تو شخص شایسته و درست کاری هستی و مورد اتهام نیستی و من می‌ترسم بر تو که به هلاکت افتی، بدان پیروان هر پیشوای ستمگری هنگامی که به آن‌ها دستور داده می‌شود که به سوی جهنم روند آن پیشوای ظالم را به نامش صدا بزنند و بگویند: ای فلانی، ای کسی که ما را به هلاکت افکندی، اکنون بیا و ما را از این بلایی که دچار شده‌ایم نجات بده، و چون گفته آن‌ها اثری ندارد شروع می‌کنند به واویلا گفتن، در این هنگام به آن‌ها گفته می‌شود: ﴿لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا﴾.

سپس زید بن علی گفت: پدرم از پدر بزرگوارش حسین بن علی علیه السلام روایت کرد که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

يا علي، أنت و أصحابك في الجنة، يا علي أنت و أتباعك في الجنة.

علی جان، تو و اصحاب تو در بهشت هستید، علی جان، تو و پیروان تو در بهشت هستید.^۱

﴿وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾ ﴿٥٠﴾

«بعضی از شما را برای بعضی مایه امتحان قرار دادیم تا ببینیم آیا صبر می‌کنید و پروردگارت همواره بینا بوده و هست.»

۳ - محمد بن عباس رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام و امام

۱. امالی طوسی: ص ۵۷ ح ۵۱ و ص ۱۳۸ ح ۳۷؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۰۱ ح ۶ و ج ۲۴ ص ۲۷۰ ح ۴۳؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۴۶ ح ۳؛ نور الثقلین: ج ۵، ص ۱۹۳ ح ۲۹.

حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را فراخواند و در را به روی آن‌ها بست و فرمود: ای بستگان من و وابستگان به خداوند، خداوند عزّوجلّ بر شما سلام می‌فرستد، و این جبرئیل است که با شما در اینجا حضور دارد و می‌گوید: خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: من دشمنان شما را مایه امتحان و آزمایش شما قرار دادم، در این باره چه می‌گویید؟

گفتند: ای رسول خدا در برابر امر خدا و خواست او و مقدراتش صبر می‌کنیم تا در پیشگاه عدل او حاضر شویم و ثواب فراوان او را کامل نموده باشیم و شنیده‌ایم که او به اهل صبر و شکیبایی وعده خیر داده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن این کلمات گریه کرد به گونه‌ای که صدای ناله‌اش به خارج خانه رسید، پس این آیه شریفه نازل شد: ﴿وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ...﴾^۱.

﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا﴾^(۲۱)

«حکومت و سلطنت حق و واقعی در آن روز از آن خداوند رحمان است.»

۴ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از علی بن أسباط روایت کرده است که گفت: اصحاب ما در تفسیر این آیه شریفه روایت کرده‌اند که فرمود:

إِنَّ الْمَلِكَ لِلرَّحْمَنِ الْيَوْمَ وَ قَبْلَ الْيَوْمِ وَ بَعْدَ الْيَوْمِ وَ لَكِنْ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ يُعْبَدِ إِلَّا اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِالطَّاعَةِ.

سلطنت امروز از آن خداوند رحمان است، دیروز نیز از آن او بوده و فردا نیز از آن او خواهد بود، لکن هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند، جز خداوند تبارک و تعالی با اطاعت از او عبادت نشود.^۲

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۴۸، ح ۲؛ بحار: ج ۲۴، ص ۲۱۹.

۲. منتخب الاثر: ص ۴۷۱، ح ۲.

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ (٣٧)

«روزی که که ستمکار دو دست خود را به دندان گزد و بگوید: ای کاش با رسول

خدا ﷺ راهی را برمی‌گزیدم و می‌گرفتم».

طبرسی رحمته الله در معنای ﴿يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ﴾ می‌گوید:

او دو دست خود را می‌خورد تا به آرنج می‌رسند، سپس دوباره می‌رویند و بیوسته چنین خواهد بود هرگاه دست او می‌روید آن را می‌خورد و این علامت ندامت و پشیمانی او بر اعمالش می‌باشد.^۱

۵ - محمد بن عباس رحمته الله از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

آرزو می‌کنند که ای کاش علی بن ابی طالب عليه السلام را به عنوان رهبر خویش به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌گزیدیم و راه او را اختیار می‌کردیم.^۲

۶ - و تأیید می‌کند آن را روایتی که به سند دیگر از امام باقر عليه السلام روایت کرده است.^۳

۷ - و در تفسیر امام عسکری عليه السلام بیانی برای آن آمده است: حضرت موسی بن جعفر عليه السلام از پدر بزرگوارش، از جدش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمودند:

هیچ زن و مردی نیست که در ظاهر بیعت با امیر المؤمنین نماید و در باطن آن را بشکند و بر این نفاق باقی ماند مگر آن که هنگام آمدن ملک الموت برای قبض روح او، ابلیس و یاورانش، دوزخ و اصناف عذابش، بهشت و منازل آن برایش مجسم می‌شوند، ملک الموت به او می‌گوید: نگاه کن به این باغ‌های بهشت که مقدار سرور و بهجت آن را جز خداوندی که پروردگار جهانیان است نمی‌داند و برای تو آماده و مهیا گردیده است،

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۶۸.

۲. بحار، ج ۲۴، ص ۱۷، ح ۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۸، ح ۲۹.

اگر بر ولایت خود نسبت به برادر حضرت محمد رسول خدا ﷺ باقی مانده بودی جایگاه تو در قیامت آن جا بود، ولی تو آن را شکستی و مخالفت کردی، اکنون این دوزخ است و انواع عذاب آن، و شعله‌های برافروخته آن، افعی‌هایی که دهان گشوده‌اند عقرب‌هایی که دم علم کرده‌اند، درندگانی که چنگ و دندان تیز کرده‌اند، و سایر عذاب‌هایی که برای تو است و سرانجام کار تو به سوی آن‌ها است، در این هنگام می‌گوید: ﴿يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾، کاش آنچه پروردگارم به من امر فرموده بود می‌پذیرفتم و آنچه مرا ملتزم نموده بود نسبت به ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام ملتزم می‌شدم.^۱

﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا حَلِيلًا﴾ ﴿۳۸﴾

«وای بر من، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم».

۸ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمودند:

به خدا قسم خداوند در کتابش کسی را به کنایه نام نبرده و یاد نکرده بود تا آنکه فرمود: ﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا حَلِيلًا﴾ «وای بر من کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم» و در مصحف حضرت علی عليه السلام چنین آمده است: «وای بر من کاش دومی را دوست و رفیق خود نمی‌گرفتم و به زودی روزی ظاهر خواهد شد».^۲

پس معنای این تأویل چنین است که آنکه دو دست خود را به دندان می‌گزد اولی است و این مطلب روشن است و احتیاج به بیان ندارد.

۹ - و آن را تأیید می‌کند روایتی که محمد بن جمهور به سند خود از امام باقر عليه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «روزی که ظالم دست خود را می‌گزد و می‌گوید: کاش با رسول خدا ﷺ راهی را برمی‌گزیدم * وای بر من کاش فلانی را دوست خود

۱. تفسیر امام عسکری عليه السلام: ص ۱۳۴ ج ۶۶؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۸، ج ۳۰.

۲. بحار، ج ۲۴، ص ۱۸، ج ۳۱.

نمی‌گرفتم» فرمود:

این مطلب را اولی به دومی خواهد گفت.^۱

۱۰ - و تأیید می‌کند آن را روایتی که کلینی رحمته الله به سند خود از جابر بن یزید روایت کرده است که گفت:

محضر مقدس امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، به راستی که این اختلاف شیعه در مذهبشان قلب مرا به درد آورده است. امام علیه السلام در پاسخ او مطالبی را یادآور شدند تا آنکه فرمودند:

امیر المؤمنین علیه السلام برای مردم خطبه خواند و در ضمن آن فرمود: و اگر آن دو شقی بدبخت غاصبانه جامه خلافت را به تن کردند، در آنچه حق آن‌ها نبود با من ستیزه‌جویی نمودند، از روی گمراهی به مسند قدرت تکیه زدند و جاهلانه آن را برای خود باور کردند؛ در بد ورطه‌ای وارد شدند و بد سرنوشتی برای خود مهیا نمودند، در خانه‌های قبر یکدیگر را لعنت کنند و هر کدام از دیگری بیزاری و براءت جوید و چون رفیق خود را ملاقات کند بگوید: «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ» «کاش بین من و تو به اندازه بین مشرق و مغرب فاصله بود، بد همنشینی بودی». آن شقی‌تر با بدشکلی و بد حالی اش پاسخ دهد: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِإِنْسَانٍ خَذُولًا» «و ای بر من کاش تو را دوست خود نمی‌گرفتم که مرا از ذکر گمراه ساختی بعد از آنکه به سراغم آمد و شیطان همیشه خوار کننده انسان بوده است».

(پس امیر المؤمنین ادامه دادند:) من آن «ذکر» هستم که (آن بدبخت) از آن گمراه شد و راهی که از آن منحرف گردید و ایمانی که به آن کفر ورزید و قرآنی که آن را مهجور ساخت، و دینی که آن را تکذیب کرد و طریقی که از آن روی گردانید و برگشت. و اگر آن دو نفر در میان علف‌های خشکیده چیده شده و چراگاه دنیای ناپایدار، چریدند و خود را به لب پرتگاه جهنم کشانند، این کار آنان را به بد جایگاهی وارد کند و در میان ناامیدترین

واردشدگان و ملعون‌ترین آنان، فریاد زند و یکدیگر را لعنت کنند و با حسرت و افسوس ناله کنند. برای آن دوراحتی و آسایش نباشد و از عذاب و شکنجه‌هایی نیابند.^۱

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾ ﴿۵۵﴾

«ما آن را به صورت‌های گوناگون در میان آنان بیان کردیم تا به خود آیند ولی بیشتر مردم جز انکار و ناسپاسی را برنگزیدند».

۱۱ - شرف‌الدین نجفی رحمته الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که

فرمودند:

جبرئیل آیه مذکور را این گونه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل فرموده است: ﴿فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ - مِنْ أُمَّتِكَ بَوْلَايَةَ عَلِيٍّ - إِلَّا كُفُورًا﴾ بیشتر مردم از امت تو نسبت به ولایت حضرت علی علیه السلام انکار و ناسپاسی کردند و از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند.^۲

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا﴾ ﴿۵۱﴾

«او کسی است که از آب بشر را آفرید و از دو طریق نسبی و سببی برای او پیوند برقرار کرد و پروردگار تو بر هر چیز توانا است».

معنای آیه و تأویل آن:

«خداوند سبحان از آب یعنی نطفه بشر را آفریده است»، ﴿فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا﴾. «نسب» خویشاوندی است که از راه ولادت حاصل می‌شود. «صهر» خویشاوندی سببی و اختلاطی است که به قرابت شباهت دارد.

و گفته شده: «نسب» کسی است که ازدواج با او حلال نیست، و «صهر» کسی است که ازدواج با او حلال است مانند دختر عمو و عمه و دایی و خاله.

۱. کافی: ج ۸، ص ۲۸، ضمن ج ۴: تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۶۴، ضمن ج ۷.

۲. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۷۸ ج ۱.

و مقصود از آیه شریفه، امیرالمؤمنین علیه السلام است. و این فضیلتی عظیم و افتخاری بزرگ است که اختصاص به آن حضرت دارد و غیر او را شامل نمی‌شود و خداوند سبحان این فضیلت را در این آیه آشکار ساخته و فرموده است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا» «او است که از نطفه انسان را آفریده پس او را نسب و صهر قرار داد» و منحصر ساخت به وجود علی علیه السلام و او را از میان خلق ممتاز فرمود. و قرار داد نسب برای رسول خدا که برادر و پسرعمواست و «صهر» که همسر دختر گرامی آن حضرت است.

۱۲ - همان طور که از طریق عامه از ابن سیرین نقل شده است که گفت:

این آیه شریفه درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. دختر گرامی خود فاطمه علیها السلام را به او تزویج نموده و او پسرعمویش و شوهر دخترش می‌باشد، پس «نسب و صهر» گردیده است.^۱

۱۳ - و آن را تأیید می‌کند روایتی که محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

آیه مذکور در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نازل شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله دختر خود را به علی علیه السلام تزویج نمود در حالی که علی علیه السلام پسر عموی او نیز بود، پس با او پیوند نسبی و سببی برقرار کرد. علی علیه السلام هم داماد رسول خدا و هم پسرعموی آن حضرت است.^۲

۱۴ - و نیز به سند دیگری از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

هنگامی که خداوند آدم را آفرید، نطفه‌ای از آب خلق کرد و آن را به نور خویش ممزوج نمود و در وجود آدم به ودیعه نهاد سپس آن را در وجود فرزندش شیث و پس از آن در وجود فرزند او انوش و سپس قینان، یکی پس از دیگری تا در وجود ابراهیم و پس از او در وجود اسماعیل به ودیعه نهاد، از صلب‌های پاک به ارحام مطهر، تا به عبدالمطلب

۱. تفسیر ثعلبی: ج ۷، ص ۱۴۲؛ مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲، ص ۱۸۱؛ بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۱۰۶.

۲. بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۳۶۱، ج ۳.

منتقل شد آنگاه آن نور دو قسم گردید، قسمی به سوی عبدالله که از او حضرت محمد ﷺ به دنیا آمد، و قسمی به سوی ابوطالب که از او حضرت علی ﷺ متولد گردید، سپس خداوند بین آن دو به نکاح الفت بخشید، علی ﷺ را به فاطمه تزویج نمود و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است. ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا﴾^۱.

۱۵ - و آن را تأیید می‌کند روایتی که صدوق رضی الله عنه به سند خود از انس نقل کرده است که گفت:

روزی رسول خدا ﷺ بر قاطر خویش سوار شدند و به سوی کوه آل فلان روانه گردیدند. در آنجا از قاطر فرود آمدند و به انس فرمودند:

این قاطر را بگیر و به فلان محل برو، علی رضی الله عنه را در آنجا می‌یابی که نشسته و با ریگ تسبیح می‌گوید، به او سلام مرا برسان و او را بر قاطر سوار کن و نزد من بیا.

انس گفت: طبق دستور پیامبر به آن محل رفتم و علی رضی الله عنه را همان طور که رسول خدا توصیف نمود یافتم. آن حضرت را سوار بر مرکب نموده و نزد رسول خدا ﷺ بردم.

همین که آن حضرت، رسول خدا رضی الله عنه را دید، عرض کرد: السلام عليك يا رسول الله، سلام بر شما ای رسول خدا.

رسول خدا ﷺ متقابلاً پاسخ داد و فرمود: و بر شما باد سلام ای ابالحسن، بنشین. اینجا محلی است که هفتاد پیامبر مرسل نشسته‌اند، هیچ یک از انبیاء در اینجا نشسته مگر اینکه من بهتر از او بوده و هستم و در جایگاه هر پیامبر برادر او نیز نشسته است، هیچ یک از آن برادران نشسته مگر اینکه تو بهتر از او بوده و هستی.

انس گوید: نگاه کردم به ابری که بر آن دو بزرگوار سایه افکنده و تا نزدیک سر مبارک ایشان فرود آمده بود.

پیامبر اکرم ﷺ دست خود را به طرف آن بالا بردند و یک خوشه انگور از آن گرفتند و

۱. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۶۱، ح ۴.

آن را بین خود و حضرت علی علیه السلام قرار دادند و فرمودند:

بخورای برادر من، این هدیه‌ای از طرف خداوند به من و سپس به شما است.

انس گفت: عرض کردم ای رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام برادر شما است؟ فرمود: آری، علی علیه السلام برادر من است.

عرض کردم: برای من بیان کنید ای رسول خدا که علی علیه السلام چگونه برادر شما است؟ فرمود:

خداوند تبارک و تعالی سه هزار سال پیش از آفرینش آدم آبی را در زیر عرش آفرید و آن را در مروارید سبزرنگی در علم پنهانش نهاد تا حضرت آدم را آفرید، هنگامی که آدم را آفرید آن آب را از آن مروارید منتقل کرد و در صلب آدم جاری نمود تا آنکه خداوند او را قبض روح نمود، آنگاه آن را به صلب شیث منتقل فرمود، و پیوسته آن آب از پشتی به پشت دیگر منتقل گردید تا در صلب عبدالمطلب قرار گرفت، سپس خداوند آن را دو نیم فرمود، نیمی از آن را در صلب پدرم عبدالله و نیم دیگر آن را در صلب ابی طالب قرار داد، پس من نیمی از آن آب و علی علیه السلام از نیم دیگر آن است، پس علی علیه السلام برادر من در دنیا و آخرت است. آنگاه این آیه شریفه را قرائت نمود: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا﴾^۱.

۱۶ - و به همین مضمون حدیثی است که شیخ ابوجعفر محمد بن جعفر حائری در کتابش مسندا از مولای ما حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

من پشت سر عموم امام حسن علیه السلام و پدرم امام حسین علیه السلام در بعضی از کوجه‌های مدینه راه می‌رفتم و در آن هنگام نوجوانی بودم که به سن بلوغ نرسیده بودم. در بین راه جابر بن عبدالله و انس بن مالک و عده‌ای از قریش و انصار با آن دو بزرگوار یعنی عموم و

۱. امالی طوسی: ص ۳۱۲، ح ۸۴؛ بحار الانوار: ج ۱۵، ص ۱۳، ح ۱۶ و ج ۱۷، ص ۳۶۱، ح ۱۸، و ج ۳۹، ص ۱۲۲، ح ۶؛ نور الثقلین: ج ۵، ص ۲۱۰، ح ۷۷.

پدرم ملاقات کردند، جابر نتوانست خود را نگهدارد و در برابر آنان خود را بر روی قدم‌های آن دو امام علیهم‌السلام انداخت و آن‌ها را بوسید.

مردی از قریش که از نزدیکان مروان بود به جابر بن عبدالله گفت: تو چنین رفتاری می‌کنی با آنان در حالی که در این سن و سال هستی و افتخار صحبت با رسول خدا را دارا می‌باشی - جابر از کسانی است که در بدر حضور داشته است -.

جابر به آن شخص فرمود: دور شو از من، چه حرفی است می‌زنی؟ اگر می‌دانستی از فضیلت و برتری و جایگاه آن‌ها آنچه را من می‌دانم خاک زیر قدم‌های آنان را می‌بوسیدی.

سپس جابر رو کرد به انس و فرمود: ای اباحمزه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد آن دو بزرگوار به من مطلبی فرموده و از امری خبر داده که گمان نمی‌کنم در بشری باشد.

انس گفت: ای اباعبدالله چه مطلبی فرموده و چه خبری داده است؟

حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام فرمود: امام حسن و امام حسین علیه‌السلام رفتند و من ایستادم تا گفتگوی آنان را گوش کنم. پس جابر شروع کرد به سخن گفتن و گفت:

روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حالی که در مسجد حضور داشتند و کسانی که در خدمت حضرت بودند کم شدند به من فرمودند: ای جابر، حسن و حسین مرا فرا بخوان - و آن حضرت به شدت شوق و محبت به آن دو داشتند -.

من رفتم و آن دو را صدا زدم، و در راه گاهی این یکی و گاهی آن دیگری را بردوش می‌گرفتم تا آنان را نزد پیامبر آوردم.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من فرمود - در حالی که من سرور و شادمانی را در چهره آن حضرت به خاطر اظهار محبتم به آن دو مشاهده می‌کردم - : آیا آن‌ها را دوست داری؟ عرض کردم: چرا دوست نداشته باشم در حالی که جایگاه آنان را نسبت به شما می‌دانم، پدر و مادرم به فدای شما!

فرمود: آیا به تواز فضل آن دو خبر دهم؟ عرض کردم: آری پدر و مادرم به فدای شما. فرمود: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی اراده فرمود مرا بیافریند نطفه پاک روشنی آفرید و آن را در صلب آدم به ودیعه نهاد، و آنگاه پیوسته از صلبی پاک به رحمی پاک

منتقل کرد تا نوح و ابراهيم عليهما السلام سپس همچنان ادامه داد تا حضرت عبدالمطلب، و چیزی از پلیدی و آلودگی جاهلیت به من هرگز اصابت نکرد.

سپس آن نطفه دو نیم گردید و از یکدیگر جدا شدند، نیمی به سوی پدرم «عبدالله» و نیمی به سوی «ابوطالب». پدرم عبدالله مرا به دنیا آورد و با من نبوت ختم گردید، و عمویم ابوطالب علی عليه السلام را به دنیا آورد و با او وصایت ختم گردید.

سپس این دو نطفه از من و علی و فاطمه جمع گشته و حسنین یعنی حسن و حسین عليهما السلام را به دنیا آوردیم. و خداوند با آن دو به اسباط نبوت خاتمه داد و ذریه مرا از آن دو قرار داد.

و کسی که شهرهای کفر را فتح می کند از ذریه این عزیز است - و اشاره فرمود به امام حسین عليه السلام - . مردی که در آخرالزمان خروج می کند و زمین را پراز عدل و داد می کند بعد از آنکه پراز جور و ستم باشد.

آری آن دو پاک و پاکیزه اند و آن دو سرور جوانان اهل بهشت اند.

خوشا به حال آنکه آن دو و پدر و مادر ایشان را دوست بدارد و وای به حال کسی که با آنان دشمنی نماید و آنان را دشمن بدارد.^۱

مولف عليه السلام گوید: این مطلب برای صاحبان بصیرت مایه تأمل و برای صاحبان خرد یادآوری است، زمانی که صاحب فکر و اندیشه در آن فکر کند می یابد که آن منقبتی است برای امیرالمؤمنین عليه السلام و در میان مناقب برتر است، و منزلتی است که در میان منزلت ها بالاتر است، و از اینجا است که نفس مقدس نبی مکرم نفس آن حضرت و گوشت او، گوشت آن حضرت و خون او خون آن حضرت گردیده و آن حضرت شریک او در امرش و نظیر او در اصل و اصالتش می باشد و پاک است مانند پاکی او و معصوم است مانند عصمت او. و برای پیامبر صلی الله علیه و آله نبوت و زعامت است و

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۱۸۲، ح ۷؛ بحار الانوار: ج ۲۲، ص ۱۱۰، ملحق ح ۷۶، و ج ۳۷، ص ۴۴، ح ۲۲؛ امالی طوسی: ص ۴۹۹، ح ۲.

برای آن حضرت اخوت و وصایت و امامت است، درود خدا بر آن دو و بر ذریه پاکشان باد، درودی پیوسته و پایدار تا روز قیامت.

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ ﴿۱۷﴾

«بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که بر روی زمین با وقار راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب قرار دهند بگویند: سلام یعنی اعتنا نکنند».

۱۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت ابو جعفر امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر آیات مذکور فرمودند:

این آیات شریفه تا برسد به این جمله ﴿حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾ در شأن اوصیاء و توصیف آنان است.^۱

۱۸ - کلینی رضی الله عنه به سند خود از سلام روایت کرده است: از امام باقر رضی الله عنه در مورد این آیه شریفه سؤال کردم: ﴿الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾؛ «کسانی که با فروتنی و آرامش و وقار بر روی زمین راه می‌روند»، فرمود:

مقصود اوصیاء رضی الله عنهم هستند که از ترس دشمنان‌شان با فروتنی و احتیاط راه می‌روند.^۲ مؤلف در معنای ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ﴾ می‌گوید:

اضافه در اینجا اضافه تخصصیه است، بندگانِ خدای رحمان یعنی بندگان خاص خدای رحمان، و تشریف است یعنی شرافت بخشیده به آنها. و مراد بندگان برتر خداوند رحمان هستند.

﴿الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ یعنی آنان که بر روی زمین با آرامش و وقار و طاعت پروردگار راه می‌روند، نه از روی سبکسری و سرمستی و ناز و تکبر و فساد.

۱. بحار، ج ۲۴، ص ۱۳۶، ح ۱۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۲۷، ح ۷۸؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۷، ح ۷۴.

و امام صادق عليه السلام فرموده اند:

مرد راه می رود به سجده ای که بر آن سرشته شده، ظاهر سازی نمی کند و ناز و تکبر و نخوت نمی نماید.

و این صفت و آنچه بعد از آن آمده از صفات در این آیات جز در ائمه طاهرين و پیشوایان هدایت - که بر آنان باد بهترین صلوات ها و کامل ترین تحیت ها - یافت نمی شود.

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ

حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ ﴿٥٠﴾

«مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح و شایسته بجا آورند، خداوند بدی ها، زشتی ها و گناهان آن ها را به خوبی ها تبدیل نماید و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است».

معنای آیه: مگر کسی که از گناهش توبه کند و به پروردگارش ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد که مقصود ولایت اهل بیت علیهم السلام است و بیانش خواهد آمد. و مقصود از «تبدیل»، محو و نابودی بدی و گناه، و اثبات خوبی و ثواب به جای آن می باشد. و بر این تأویل دلالت می کند:

۱۹ - آنچه مسلم در صحیح خود از ابوذر و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمودند:

روز قیامت مردی را می آورند، گفته می شود که گناهان کوچک او را به او عرضه نمایید و گناهان بزرگش را کنار بگذارید. به او گفته می شود: فلان روز فلان گناه و فلان روز دیگر فلان گناه دیگر مرتکب شدی، و او اقرار می کند و انکار نمی نماید و ترسان است از گناهان بزرگ. آنگاه گفته می شود: به جای هر گناه که مرتکب شده حسنه و ثوابی به او بدهید. پس آن مرد با مشاهده پرونده اش می گوید: برای من گناهی بود که در این پرونده نمی بینم.

ابوذر گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که تبسم نمود به گونه‌ای که دندان‌های آسیاب آن حضرت ظاهر گردید.^۱

۲۰ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود مرفوعاً از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت: از امام باقر حضرت محمد بن علی علیه السلام در مورد این آیه شریفه «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ...» سؤال کردم، فرمود:

فردای قیامت مؤمن گنه‌کاری را به جایگاه حساب می‌آورند تا به حساب او رسیدگی شود. خداوند خودش بررسی حساب او را به عهده دارد و هیچ یک از مردم را بر حساب او آگاه نمی‌نماید. پس گناهانش را یادآور می‌شود و او را از آن‌ها آگاه می‌نماید و او به آن‌ها اقرار می‌کند. آنگاه خداوند به فرشتگانش می‌فرماید: آن‌ها را به حسنات یعنی خوبی‌ها تبدیل کنید و برای مردم ظاهر سازید.

پس مردم در این هنگام می‌گویند: برای این بنده حتی یک گناه نبوده است! سپس خداوند او را امر می‌فرماید که به بهشت برود. و این تأویل آیه شریفه است و تنها در مورد گنه‌کاران شیعه می‌باشد.^۲

۲۱ - و آن را تأیید می‌کند آنچه کلینی رحمته الله به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند سبحان امتم را در عالم ذر (پیش از آنکه بدن من آفریده شده باشد) برای من نمایش داد و نام‌های آنان را به من آموخت همان‌طور که به حضرت آدم همه اسماء را آموخت، پرچمداران را از مقابل من عبور داد و من برای حضرت علی علیه السلام و شیعیان او استغفار نمودم، همانا پروردگار من درباره شیعیان حضرت علی علیه السلام وعده‌ای به من داد.

گفته شد: ای رسول خدا آن وعده چیست؟

۱. صحیح مسلم: ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۳۱۴؛ بحار الانوار: ج ۷، ص ۲۸۶.

۲. امالی طوسی: ص ۷۲، ح ۱۴؛ بحار الانوار: ج ۷، ص ۲۶۱، ح ۱۲، و ج ۶۸، ص ۱۰۰، ح ۴؛ بشاره المصطفی:

ص ۲۶، ح ۹ و ص ۱۴۸، ح ۱۰۳؛ امالی مفید، ص ۲۹۸، ح ۸.

فرمود: آموزش برای کسانی که از آنان ایمان آورند، و از آنان هیچ کوچک و بزرگی را فروگذار نسازند، و برای ایشان بدی‌ها را به خوبی‌ها مبدل نمایند.

۲۲ - ابن قولویه رحمته الله به سند خود از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمودند:
أَهْوَنُ مَا يَكْسِبُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ حَسَنَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ السَّيِّئَةُ وَاحِدَةٌ وَ أَيْنَ الْوَاحِدَةُ مِنْ أَلْفِ حَسَنَةٍ؟

کمترین چیزی که نصیب زائر امام حسین عليه السلام می‌شود این است که هر کار خوب او را یک میلیون کار خوب، و هر کار بد او را یک کار بد نویسند، و یکی کجا و یک میلیون کجا؟

سپس فرمود: ای صفوان، بشارت باد تو را، شادمان باش، خداوند را فرشته‌ای است که با او شاخه‌ای از نور است، هنگامی که فرشته نویسنده اعمال می‌خواهد برای زائر امام حسین عليه السلام گناهی بنویسد، آن فرشته به او می‌گوید: دست نگهدار و او دست نگه می‌دارد؛ و زمانی که کار خوبی انجام دهد، آن فرشته به او می‌گوید: بنویس، «ایشان کسانی هستند که خدا بدی‌های آن‌ها را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند».^۱

۲۳ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از حضرت رضا عليه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل کرده است که فرمود:
حُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكْفِرُ الذُّنُوبَ وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ ...

دوستی ما اهل بیت گناهان را می‌پوشاند و خوبی‌ها را چند برابر می‌کند. خداوند تبارک و تعالی از دوش دوستان ما آنچه بدی نسبت به بندگان خدا است برمی‌دارد مگر آنچه در آن ضرر رساندن یا ستمی به مؤمنان بوده است، پس به قدرت خود به گناهان او دستوری دهد که به خوبی‌ها تبدیل شوید.^۲

۱. کامل الزیارات: ص ۵۴۵، ح ۶؛ بحار الانوار: ج ۱۰۱، ص ۷۴، ح ۲۲؛ مستدرک: ج ۱۰، ص ۲۵۲، ح ۴۳.

۲. امالی طوسی: ص ۱۶۴، ح ۲۶.

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ ۷

«و کسانی که می‌گویند: پروردگارا از همسران و فرزندان آن را که مایه روشنی چشم ما باشند به ما مرحمت کن و ما را امام و پیشوای متقین و پرهیزکاران قرار بده».

۲۴ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

این آیه شریفه در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه نازل شده است، او امام متقین و پیشوای پرهیزکاران است.^۱

۲۵ - و نیز به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه

شریفه «پروردگارا... و ما را برای پرهیزکاران امام قرار بده» فرمودند:

یعنی هدایتگر قرار بده که به وسیله ما هدایت شود، و این تنها برای آل محمد صلی الله علیه و آله

است.

۲۶ - و نیز به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: به امام صادق رضی الله عنه

عرض کردم: ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾؟ فرمودند:

از پروردگارت درخواست بزرگی نمودی، آیه در واقع این‌گونه است: ﴿وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ

الْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ برای ما از اهل تقوا امام قرار بده، و ما مقصود هستیم.^۲

مؤلف گوید: بنا بر قرائت اول که ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ «ما را برای متقین

یعنی شیعیان امام قرار بده» گویندگان ائمه طاهرين رضی الله عنهم هستند.

و بنا بر قرائت دوم یعنی «واجعل لنا من المتقين اماما»، «برای ما از اهل تقوا امام قرار

بده» گوینده و دعا کننده شیعه امامیه است، و خداوند این دعا را از ایشان و از امامان

ایشان پذیرفته و مستجاب فرموده است.

۲۷ - و نیز از ابوسعید خدری روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۳۵، ح ۷؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۰۱، ح ۵.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۳۵، ح ۸؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۰۱، ح ۶.

تفسیر آیه مذکور فرمودند:

از جبرئیل سؤال کردم مراد از ﴿أَزْوَاجِنَا﴾ یعنی «همسران» در آیه شریفه کیست؟ پاسخ داد: خدیجه علیها السلام است.

گفتم: مقصود از «ذریه و فرزندان» کیست؟ پاسخ داد: فاطمه علیها السلام است.

گفتم: مقصود از ﴿قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ یعنی «کسانی که روشنی چشم ما هستند» چه کسانی می باشند؟ گفت: حسن و حسین علیهما السلام.

گفتم: مقصود از ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ کیست؟ گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱



۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۳۵، ح ۹؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۰۱، ح ۷.

سورة الشعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ ①

«اگر بخواهیم برای ایشان از آسمان آیت و نشانه‌ای نازل می‌کنیم که گردن‌های آن‌ها در برابر آن خاضع شود.»

معنای آیه: «اگر بخواهیم نازل می‌کنیم برای ایشان از آسمان آیتی یعنی نشانه و علامتی که وادار کند ایشان را به ایمان آوردن.»

﴿فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ﴾ یعنی صاحبان أعناق - گردن‌ها - در برابر آن آیه و نشانه خاضع گردند. مضاف یعنی «صاحبان» حذف شده، و مضاف الیه یعنی «أعناق: گردن‌ها» قائم مقام آن شده است، زیرا کلام بر آن دلالت دارد.

۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه گفت:

این آیه درباره ما و بنی‌امیه نازل شده است، برای ما دولتی می‌باشد که گردن‌های آن‌ها را بعد از گردنکشی به زیر خواهد آورد و آن‌ها را بعد از عزت و سرافرازی دچار پستی و خواری خواهد نمود.^۱

۲ - و نیز به سند خود از حنان بن سدید روایت کرده است که گفت: از امام باقر رضی الله عنه در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، حضرت فرمودند:

۱. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۸۴، ح ۱۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۱۳، ح ۷.

نَزَلَتْ فِي قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام يُنَادِي بِاسْمِهِ مِنَ السَّمَاءِ.

این آیه در شأن آن قیام کننده آل محمد عليه السلام یعنی حضرت مهدی موعود عليه السلام نازل شده است، و آن آیت آسمانی ندایی است که یک منادی آسمانی به نام مبارک آن حضرت سردهد و به گوش همگان برسد.^۱

۳ - و نیز به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: از امام باقر عليه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، فرمودند:

بنی امیه گردن هایشان برای آن آیت و نشانه فرود می آید، و آن هنگام زوال آشکار می شود، و آن علی بن ابی طالب عليه السلام است، هنگام زوال آفتاب در حضور مردم آشکار می شود تا آنکه چهره مبارک آن حضرت ظاهر و مردم حسب و نسب او را بشناسند.

سپس فرمود: همانا یکی از بنی امیه در کنار درختی مخفی می شود، درخت به صدا می آید و می گوید: پشت من یکی از بنی امیه پنهان شده، او را گرفته و بکشید.^۲

علی بن ابراهیم رضی الله عنه مثل این حدیث را در تفسیرش روایت کرده است.^۳

۴ - و نیز به سند خود از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمودند: امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: در سه چیز انتظار فرج داشته باشید.

عرض کردند: آن سه چیز چیست؟

فرمود: اختلاف بین اهل شام، پرچم های سیاه از خراسان، بیم و هراس در ماه رمضان.

عرض کردند: بیم و هراس در ماه رمضان چیست؟

فرمودند: آیا فرمایش خداوند را در قرآن نشنیده اید که فرموده است ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ «اگر بخواهیم بر آن ها از آسمان آیه و

نشانه ای نازل می کنیم...» و آن آیه و نشانه ای است که دختر نوجوان پرده نشین را از پرده

۱. المحجة: ص ۱۵۹؛ حلیة الابراز: ج ۵، ص ۲۹۳، ح ۸؛ بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۸۴، ح ۱۳؛ معجم: ج ۷،

ص ۴۱۵، ح ۱۶۸۴؛ عوالم العلوم: ج ۱، ص ۲۹۶، ح ۴۶۹.

۲. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۰۹، ح ۲.

۳. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۰۷، ح ۶.

بیرون آورد و شخص خواب را بیدار، و بیدار را دچار بیم و هراس نماید.^۱

﴿فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ لِي رَبِّ حُكْمًا

وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (۱)

«چون از شما ترسیدم گریختم، آنگاه خداوند به من حکمت و حکومت بخشید و مرا از فرستادگان و رسولانش قرار داد».

۵ - شیخ مفید رحمته الله در کتاب غیبت به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده

است که فرمودند:

هنگامی که آن قیام کننده قیام کند مردم را مخاطب سازد و این آیه شریفه را قرائت

کند: ﴿فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ لِي رَبِّ حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾

مؤلف گوید: این قسمت از آیه شریفه ﴿فَوَهَبَ لِي رَبِّ حُكْمًا﴾ در معنای

حقیقی خودش به کار رفته است، زیرا خداوند تبارک و تعالی به او حکومتی مرحمت

خواهد کرد در دنیا، که به کسی از پیشینیان و آیندگان نداده است. و این قسمت از آیه

﴿وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ به معنای مجازی به کار رفته، یعنی مرا از اوصیاء سرور و

سالار رسولان و پایان بخش آنان قرار داده است.

﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (۸)

«برای من در میان آیندگان زبان صدق (نام نیکو یاد نیکو) قرار بده».

معنای آیه: همانا ابراهیم از پروردگارش درخواست کرد که برای او «لسان صدق» قرار

دهد یعنی فرزندی که صاحب زبان صدق باشد و همواره به صدق و راستی سخن

گوید، و مقصود این است که معصوم باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۴.

﴿ فِي الْأَخْرِينَ ﴾ یعنی در آخرین امت که آن امت نبی مکرم اسلام است.

۶ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه فرموده است:
مراد امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۱

۷ - از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

مقصود از ﴿ لِسَانِ صِدْقٍ ﴾ که ابراهیم درخواست نموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۸ - و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

مقصود علی بن ابی طالب علیه السلام است، ولایت آن حضرت بر ابراهیم علیه السلام عرضه شد و او از خداوند درخواست نمود که علی علیه السلام را از ذریه و نسل من قرار بده و خداوند دعایش را اجابت نمود.^۲

مؤلف رضی الله عنه گوید: این معنا در سوره مریم در ذیل این آیه شریفه ﴿ وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴾^۳ گفته شد که مقصود علی بن ابی طالب علیه السلام است. و بنابراین در روایت بدون شک و تردید، این فضیلتی است برای علی بن ابی طالب علیه السلام زیرا اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز اراده شده باشد، ایشان فرموده‌اند: «والفضل بعدي لك يا علي» «علی جان، فضل و برتری بعد از من از آن تو است» و اگر علی علیه السلام اراده شده باشد که مطلب روشن است و بنا بر هر تقدیر و فرضی علی بن ابی طالب علیه السلام صاحب این فضیلت است. زیرا او نفس نفیس پیامبر و برادر و وزیر و مددکار و یار و یاور و پشتیبان آن حضرت است.

﴿ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴾ ﴿ ۳۱ ﴾ و ﴿ ۳۲ ﴾

«شفاعت کننده‌ای برای ما نیست * و دوستان صمیمی که ما را یاری کنند نداریم».

۹ - محمد بن عباس به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۹۹؛ بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۵۷، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۲۴، ح ۴.

۲. کشف الغمّه: ج ۱، ص ۳۲۰؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۲۳، ح ۳.

۳. سوره مریم، آیه ۵۰.

آیه مذکور در مورد ما و شیعیان ما نازل شده است، خداوند سبحان ما و شیعیان ما را برتری بخشید تا آنجا که ما شفاعت می‌کنیم و آنان نیز شفاعت می‌کنند. کسانی که از ایشان نیستند یعنی مخالفین وقتی این مرتبه را از آنان مشاهده می‌کنند می‌گویند: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾ برای ما شفاعت‌کننده‌ای نیست و دوست و یاور صمیمی نداریم.^۱

۱۰ - و نیز به سند خود از سلیمان بن خالد روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم حضرت فرمودند:

هنگامی که ما و شیعیان ما را می‌بینند که در قیامت شفاعت می‌کنیم می‌گویند: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾ «کسی برای ما شفاعت‌کننده نیست * و دوست دلسوزی که ما را یاری کند نداریم».

مقصود از «صدیق» در آیه شریفه معرفت و شناخت و آشنایی است و مراد از «حمیم» قرابت و خویشاوندی است، خویشاوندی که آدمی را دوست بدارد و به کار او اهتمام ورزد.^۲

۱۱ - برقی رحمته الله به سند خود از سلیمان بن خالد روایت کرده است که گفت: در محضر مبارک امام صادق علیه السلام شرفیاب بودیم، حضرت این آیه شریفه را قرائت نمود: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾ و سه مرتبه فرمود:

به خدا قسم شفاعت می‌کنیم. پس از آن سه مرتبه فرمود: و شیعیان ما شفاعت می‌کنند، آنگاه فرمود: تا دشمنان ما بگویند: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ...﴾ شفاعت‌کنندگانی برای ما نیست.^۳

علی بن ابراهیم رحمته الله به سند خود از ابواسامه و او از امام باقر و امام صادق علیه السلام مثل این حدیث را روایت کرده است.^۴

۱۲ - طبرسی رحمته الله در تفسیرش می‌نویسد: عیاشی رحمته الله به سند خود از امام

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۵۸، ح ۶؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۲۹، ح ۱۱.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۵۸، ح ۷؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۲۹، ح ۱۲.

۳. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۲۹، ح ۱۳.

۴. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۹۹؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۳۰، ح ۱۵.

صداق عليه السلام روایت کرده است که فرمودند:

به خدا قسم برای شیعیانمان شفاعت می‌کنیم (و دو بار این جمله را تکرار کردند) تا آنکه مردم می‌گویند ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾ ﴿فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتُكَّرُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ «برای ما شفاعت‌کننده‌ای نیست و نه دوست صمیمی که ما را یاری کند» «اگر برای ما بازگشتی باشد از مؤمنان می‌باشیم».

در روایت دیگری به جای کلمه «مردم» کلمه «عدوئنا یعنی دشمنان ما» فرموده‌اند.^۱

۱۳ - و نیز از ابان بن تغلب روایت کرده است که گفت: از امام صداق عليه السلام شنیدم که فرمودند:

مؤمن فردای قیامت برای اهل بیت خود شفاعت می‌کند و شفاعت او در مورد آن‌ها پذیرفته می‌شود تا آنکه خادمش باقی می‌ماند.

عرض می‌کند: پروردگارا خدمتگزار من بوده و مرا از سرد و گرم حفظ می‌کرده است، پس شفاعتش در مورد او نیز پذیرفته می‌شود.^۲

۱۴ - و نیز طبرسی رحمته الله گفته است: در خبر دیگری که از امام باقر عليه السلام رسیده است فرموده‌اند:

همانا مؤمن برای همسایه‌اش که هیچ حسنه‌ای برای او نیست شفاعت می‌کند و می‌گوید: پروردگارا همسایه من است که اذیت و آزار را از من دور می‌کرد و شفاعتش در مورد او پذیرفته می‌شود، و همانا مؤمنی که کمتر از همه شفاعت می‌کند در مورد سی نفر شفاعت می‌کند.

۱۵ - و آن را تأیید می‌کند روایتی که کلینی رحمته الله به سند خود از عبدالحمید وابشی روایت کرده است، می‌گوید:

به امام باقر عليه السلام عرض کردم: ما را همسایه‌ای است که محرمات را مرتکب می‌شود و

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۹۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۳۰، ح ۱۶.

۲. مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۹۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۳۰، ح ۱۷.

تا حتی نماز را ترک می‌کند.

امام علیه السلام فرمودند: سبحان الله، آیا این در نظر تو خیلی بزرگ آمده؟ می‌خواهی به بدتر از او تورا خبر دهم؟ عرض کردم: آری.

فرمود: ناصبی بدتر از او است. بدان، بنده‌ای نیست که نزد او یادی از اهل بیت شود و قلب او رقت پیدا کند مگر آنکه ملائکه پشت او را مسح می‌کند بار گناه از دوش او برداشته می‌شود و خداوند همه گناهان او را می‌آمرزد، مگر گناهی که او را از ایمان خارج کند، و همانا باب شفاعت باز است و در مورد ناصبی شفاعت کسی پذیرفته نمی‌شود.

و همانا مؤمن برای همسایه‌اش که هیچ حسنه‌ای ندارد شفاعت می‌کند و می‌گوید: پروردگارا همسایه من است که اذیت و آزار را از من باز می‌داشت و شفاعت او پذیرفته می‌شود، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: من پروردگار تو هستم، و من سزاوارترم که از طرف توبه او پاداش دهم و زحماتش را جبران کنم، پس او را داخل بهشت می‌نماید در حالی که هیچ حسنه و کار خوبی در پرونده اعمال او نیست، و کمترین مؤمن از جهت شفاعت حق دارد در مورد سی نفر شفاعت کند، و در این هنگام است که اهل آتش می‌گویند: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾^۱.

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ

مُبِينٍ * وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾ ﴿۱۳۲﴾ ﴿۱۳۱﴾

«آن را روح‌الامین بر قلب تو نازل کرد * تا از بیم‌دهندگان باشی * به زبان عربی روشن * و آن در کتب پیشینیان آمده است».

۱۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابو محمد حنّاط روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ...﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند:

۱. کافی: ج ۸، ص ۱۰۱، ح ۷۲؛ بحار الانوار: ج ۸، ص ۵۶، ح ۷۰.

مراد ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

مؤلف علیه السلام در معنای تأویل آیه می‌گوید: ﴿نَزَلَ بِهِ﴾ یعنی قرآن را نازل کرد ﴿الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ یعنی جبرئیل علیه السلام ﴿عَلَى قَلْبِكَ﴾ یعنی بر قلب پاک تو ای محمد صلی الله علیه و آله ﴿لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ یعنی تا قوم خود را بیم دهی و بترسانی ﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾ یعنی کتاب‌های آسمانی که بر پیامبران نازل شده است. یعنی این امری که به سوی تو نازل گشته در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام در کتب پیامبران پیشین نیز نازل گشته است.

۱۷ - و تأیید می‌کند آن را آنچه مرحوم کلینی به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است، که فرموده‌اند:

وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ رَسُولًا إِلَّا بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ
وَلَايَةَ وَصِيَّتِهِ.

ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام در همه کتاب‌های پیامبران نوشته شده و مذکور است، و خداوند هیچ پیامبری را به رسالت مبعوث نفرموده مگر به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت وصی او حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام.^۲

﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَىٰ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ﴾ ﴿٤٧﴾ - ﴿٤٨﴾

«آیا نمی‌دانی که اگر سالیانی چند آن‌ها را بهره‌مند سازیم، سپس آنچه بدان بیم داده شده‌اند به سراغشان می‌آید، این بهره‌وری و برخورداری از دنیا برای ایشان سودی نمی‌بخشد».

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۷۲، ۹۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۳۵، ۷؛ کلینی علیه السلام در کتاب کافی: ج ۱، ص ۴۱۲، ۱؛ و قمی در تفسیرش، ج ۲، ص ۹۹ مانند این حدیث را روایت کرده‌اند.
۲. کافی: ج ۱، ص ۴۲۷، ۶؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۳۷، ۳؛ بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۸۰، ۲۴.

۱۸ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیات مذکور فرمودند:

آنچه به آن‌ها وعده داده شده، خروج امام قائم علیه السلام است.
 ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَنِعُونَ﴾ آنچه از دنیا برخوردار بوده‌اند - یعنی بنی‌امیه لعنهم الله - با خروج حضرت مهدی موعود، آن بهره‌وری به حال آن‌ها سودی نمی‌بخشد.^۱

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾

«و خویشان نزدیک خود را بیم ده».

۱۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابورافع روایت کرده است که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان عبدالمطلب را فراخواند و آن‌ها در آن روز حدود چهل نفر بودند، آبگوشتی با یک ران گوسفند پخته کرد، سپس نان‌ها را ریز نمود و از آن آبگوشت روی نان‌ها ریخت و تقدیم آن‌ها نمود، همگی خوردند و سیر شدند؛ سپس یک قلدح شیر برای آن‌ها آورد و همه از آن قلدح آشامیدند و سرشار شدند.

ابولهب گفت: به خدا در میان ما کسانی هستند که یکی از آن‌ها یک قابلمه می‌خورد و سیر نمی‌شود و شانزده رطل می‌آشامد و سیراب نمی‌شود، محمد صلی الله علیه و آله ما را فراخواند و با یک ران گوسفند همه را سیر و با یک قلدح همه را سیراب نمود، این به راستی سحر آشکاری است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی به من امر فرموده است که خویشان نزدیک و قوم و قبیله مخلص خود را انذار نمایم و شما خویشاوندان نزدیک و قوم و قبیله مخلص من هستید، خداوند پیامبری را مبعوث نفرموده مگر اینکه از خاندانش برای او برادر، وارث، وصی و وزیری قرار داده، کدام یک از شما حاضر است از جا برخیزد و با من بیعت کند که برادر من و وزیر و وارث و وصی و جانشین من باشد و

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۷۲، ح ۹۶؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۲۷، ح ۳.

جایگاه او نسبت به من به مانند جایگاه هارون نسبت به موسی باشد جز اینکه پیامبری بعد از من نیست؟

آن گروه همه سکوت اختیار کردند.

رسول خدا ﷺ فرمود: یکی از شما برخیزد وگرنه این شخص در غیر شما خواهد بود و آنگاه شما پشیمان خواهید شد.

در این هنگام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه از جا برخاست و در حالی که همه به آن حضرت می‌نگریستند با پیامبر بیعت کرد و به ندای اولبیک گفت.

رسول خدا ﷺ به آن حضرت فرمود: نزدیک بیا و چون نزدیک شد فرمود: دهان خود را باز کن، و آن حضرت دهانش را گشود رسول خدا ﷺ از براق دهان مبارکش در آن انداخت و بین دو شانه و سینه آن حضرت را با آب دهانش معطر ساخت.

ابولهب گفت: به پسر عمویت بد چیزی بخشش نمودی، او دعوت شما را اجابت نمود و شما دهان و چهره‌اش را از آب دهانت پر کردی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: بلکه پر از علم و فهم و حکمت نمودم.^۱

طبرسی رحمته الله در تفسیرش گفته است: این قصه نزد عوام و خواص مشهور است.

۲۰ - و نیز از براء بن عازب نقل کرده است که گفت:

هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا ﷺ فرزندان عبدالمطلب را فراخواند و آن‌ها در آن روز چهل نفر بودند، بعضی از آن‌ها یک بزه می‌خورد و یک قده می‌آشامید. رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه دستور داد یک پای گوسفند تهیه کند و خورشتی بسازد، سپس به آن‌ها فرمود: با نام خدا بیایید و بخورید. آن گروه ده تا ده تا نزدیک می‌شدند و می‌خوردند تا سیر می‌شدند، سپس قده بزرگی از شیر دستور داد بیاورند، و از آن جرعه‌ای برداشت و به آن‌ها فرمود: به نام خدا بیاشامید، آن‌ها همه آشامیدند تا کاملاً رفع عطش نمودند.

۱. بحار الانوار: ج ۳۸، ص ۲۴۹، ح ۴۳؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۴۱، ح ۴.

ابولهب گفت: این، آن چیزی است که با آن شما را سحر نمود. پیامبر خدا ﷺ در آن روز سکوت کرد و سخنی نفرمود. سپس آن‌ها را برای فرمایش فرا خواند و همان خوراکی و آشامیدنی را فراهم نمود، سپس رسول خدا ﷺ آن‌ها را بیم داد و فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب، من از طرف خداوند به شما بیم دهنده و بشارت دهنده‌ام، سخن مرا بشنوید و اطاعت کنید تا هدایت شوید، سپس فرمود: چه کسی با من پیمان برادری می‌بندد و مرا در این امریاری می‌کند، و ولی و وراث و وصی من بعد از من و جانشین من در میان اهلم می‌باشد و دین مرا ادا می‌کند؟

همگی سکوت اختیار کردند، رسول خدا ﷺ گفتار خود را سه مرتبه تکرار نمودند و در هر مرتبه همه سکوت می‌کردند و تنها حضرت علی علیه السلام پاسخ می‌دادند که من برای یاری شما آماده‌ام رسول خدا ﷺ در مرتبه سوم فرمودند: آری کسی که عهده‌دار این امور می‌باشد تویی.

آنگاه آن گروه از جا برخاستند در حالی که به حضرت ابوطالب علیه السلام می‌گفتند: از پسرت اطاعت کن، که بر تو امیر و فرمانروا شد.^۱

ثعلبی در تفسیرش آن را آورده و گفته است: و در قرائت عبدالله بن مسعود چنین آمده: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَرَهْطَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» خویشاوندان نزدیک و قومه و قبیله مخلص خود را بیم بده. و از امام صادق علیه السلام نیز این گونه روایت شده است.^۲

۲۱- و آن را تأیید می‌کند آنچه محمد بن عباس به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این فرمایش «وَرَهْطِكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» فرمودند:

مراد از قوم و قبیله مخلص رسول خدا ﷺ که آن حضرت مأمور شد آن‌ها را بیم دهد حضرت علی علیه السلام حمزه، جعفر، امام حسن، امام حسین و آل محمد علیهم السلام هستند.^۳

سپس خداوند سبحان فرمود:

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۰۶، تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۴۳، ح ۷.
۲. تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۸۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۴۴، ح ۸.
۳. بحار الانوار: ج ۲۵، ص ۲۱۳، ح ۱؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۴۳، ح ۶.

«وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَإِنْ عَصَوْكَ - من بعد - فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ» «بال خود را بگستران برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند * پس اگر تو را نافرمانی کردند - بعد از آن - بگو من از آنچه شما انجام می‌دهیم بیزارم».

و نافرمانی رسول خدا در حالی که از دنیا رحلت فرموده همانند نافرمانی آن حضرت در حال حیات است.^۱

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ * الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ * وَتَقَلُّبِكَ فِي

السَّاجِدِينَ﴾ ﴿١٧﴾ - ﴿١٨﴾

«و بر خداوند عزیز یعنی نیرومند شکست‌ناپذیر و رحیم یعنی مهربان توکل کن * همان کسی که تو را هنگام قیام (برای عبادت) می‌بیند * و حرکت تو و جابه‌جا شدن تو را در میان سجده‌کنندگان».

۲۲ - طبرسی رحمته در معنای این آیه شریفه ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ گفته است: یعنی امر خود را واگذار کن به خداوندی که نیرومند و انتقام‌گیرنده از دشمنانش و رحیم و مهربان نسبت به دوستانش می‌باشد.

﴿الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ﴾ «کسی که تو را می‌بیند هنگامی که در نماز قیام می‌کنی» - و این معنا از ابن عباس روایت شده است و گفته شده:

هنگامی که در شب به عبادت برمی‌خیزی، زیرا که بر آن غیر پروردگار مطلع نمی‌شود و گفته شده: هنگامی که برای بیم دادن و انجام مأموریت الهی قیام می‌کنی.

۱. علی بن ابراهیم رحمته در تفسیر این آیه شریفه «وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» «نسبت به کسانی که از تو پیروی می‌کنند تواضع نشان بده، پس اگر از تو نافرمانی نمودند» فرموده است: یعنی اگر تو را در مورد ولایت علی بن ابی طالب و امامان بعد از او نافرمانی کنند «فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ» «من از آنچه انجام می‌دهید بیزارم، و نافرمانی رسول خدا بعد از وفات او همانند نافرمانی او در حال حیات است».

﴿وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾ یعنی «و می بیند تصرف تو را در نمازگزاران» به رکوع و سجود و قیام و قعود، یعنی اختیار عمل نسبت به رکوع و سجود و... با تو است، و این معنا از ابن عباس نقل شده است.

و اجمالاً معنای آیه شریفه این است که: تو را هنگامی که به نماز می ایستی منفرداً و هنگامی که به جماعت نماز را برگزار می کنی می بیند.^۱

۲۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾ فرمودند:

مقصود از «ساجدین» در این آیه حضرت علی بن ابی طالب، فاطمه، امام حسن، امام حسین و اهل بیت او رضی الله عنهم هستند.

۲۴ - طبرسی رضی الله عنه در تفسیرش فرموده است:

گفته شده: معنای آیه جابجا شدن تو در صلب های پیامبران است از پیامبری به پیامبر دیگری تا آنکه تو را به عنوان پیامبر خارج کرد، و این معنا از ابن عباس روایت شده است.

و از امام باقر و امام صادق رضی الله عنهما روایت شده است که فرمودند:

مراد جابجا شدن او در صلب پیامبران، پیامبری بعد از پیامبر دیگر است تا آنکه او را از صلب پدرش خارج کرد و تمام از حضرت آدم همه از طریق نکاح بوده و هیچ یک از حرام نبوده است.^۲

۲۵ - و مثل آن روایتی است که محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابی جارود نقل کرده است، می گوید: از امام باقر رضی الله عنه در مورد این آیه شریفه ﴿وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند:

می بیند جابجا شدن او را در صلب پیامبران، از پیامبری به پیامبری تا آنکه او را از

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۰۷.

۲. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۰۷؛ بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۲۰۴.

صلب پدرش خارج کرد، و تمام از حضرت آدم همه از طریق نکاح بوده و هیچ یک از حرام نبوده است.

علی بن ابراهیم رضی الله عنه نیز در تفسیرش مثل این حدیث را نقل کرده است.

۲۶ - و از آنچه تأیید می‌کند که عبدالله و ابوطالب رضی الله عنهما هر دو موحد بودند روایتی است که شیخ طوسی در کتاب امالی خود از مفضل بن عمر نقل می‌کند که امام صادق رضی الله عنه فرمودند:

روزی امیرالمؤمنین رضی الله عنه در صحن خانه نشسته بودند و مردم در اطراف حضرت گرد آمده بودند، شخصی برخاست و عرض کرد:

ای امیرمؤمنان، شما در مرتبه و جایگاهی هستید که خدا به شما مرحمت فرموده، با این وصف پدرت در آتش عذاب می‌شود؟

حضرت فرمودند: ساکت باش، خدا دهانت را بشکند. سوگند به آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به حق به پیامبری مبعوث نمود اگر پدرم درباره هر گناه کاری که در روی زمین است شفاعت کند خدا شفاعت او را درباره آنان می‌پذیرد.

پدرم در آتش عذاب می‌شود در حالی که پسرش تقسیم‌کننده دوزخ است؟! سپس فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نُورَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِيُطْفِئَ
أَنْوَارَ الْخَلْقِ إِلَّا خَمْسَةَ أَنْوَارٍ.

سوگند به آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به حق به نبوت مبعوث فرمود، همانا نور حضرت ابوطالب رضی الله عنه در روز قیامت نور تمام خلق را خاموش می‌کند جز پنج نور، نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و نور من و نور فاطمه رضی الله عنها و دو نور امام حسن و امام حسین و فرزندان پاکش از ائمه رضی الله عنهم؛ زیرا که نور او از نور ما است که خداوند آن را دو هزار سال پیش از آفرینش حضرت آدم آفرید.^۱

۱. امالی طوسی: ص ۳۰۵، ح ۵۹ و ص ۷۰۱، ح ۲.

و در مورد بدو خلقت نور مبارکش خبری عظیم آمده است که آن را جز صاحب قلب سلیم و دین پایدار و راه مستقیم نمی‌تواند تحمل کند و آن خبر از فضل و برتری آن حضرت و اهل بیت طاهرینش می‌دهد:

۲۷ - و آن روایتی است که شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از حضرت موسی بن جعفر رحمته الله نقل کرده است که فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی نور حبیب خود محمد صلی الله علیه و آله را از نوری آفرید که آن را از نور عظمت و جلال خود شکافته و آن همان نور الهی است که در طور سینا برای حضرت موسی بن عمران ظاهر شد و درخشید و او توان دیدنش را نداشت، پس فریادی کشید و بر روی زمین بی‌هوش افتاد.

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی اراده فرمود محمد صلی الله علیه و آله را بیافریند آن نور را دو بخش کرد. از بخش اول محمد صلی الله علیه و آله و از بخش دوم علی بن ابی طالب علیه السلام را آفرید. و غیر این دو بزرگوار را از آن نور نیافریده است.

با دست قدرت خود آن دو را آفرید، و از نفس خود در آن دو دمید و صورت آنها را تصویر نمود و آنها را امثال خود قرار داد.

آن دو بزرگوار، گواهان او بر آفرینش، جانشینان او در میان خلایق، چشم بینای او بر مخلوقات، و زبان گویای او در میان مردمند. علم خود را در وجود آنها به ودیعه نهاد و قدرت بیان به آنها آموخت. بر غیب و پنهانی و اسرار خود آنها را آگاه ساخت. یکی از آن دو را نفس خود و دیگری را روح خود قرار داد. آن دو را مؤید یکدیگر ساخت بگونه‌ای که یکی بدون دیگری مقاومت و استواری ندارد.

ظَاهِرُهُمَا بَشَرِيَّةٌ وَ بَاطِنُهُمَا لَاهُوتِيَّةٌ ظَهَرًا لِلْخَلْقِ عَلَى هَيَاكِلِ النَّاسُوتِيَّةِ حَتَّى يُطِيقُوا رُؤْيَا يَتَّهَمَا.

ظاهر آن دو به بشر و باطنشان به خدا منسوب و مربوط است، در میان مردم به شکل مردمان این عالم ظاهر شدند تا تحمل دیدن آنها را داشته باشند.

و این فرمایش خداوند است که فرمود: ﴿وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ﴾ «و همان لباسی

که مردمان پوشند بر آنان بیوشانیم».

فَهُمَا مَقَامَا رَبِّ الْعَالَمِينَ وَحِجَابَا خَالِقِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ بَدْءَ الْخَلَائِقِ وَبِهِمَا يَخْتَمُ الْمُلْكُ وَالْمُقَادِيرَ.

آن دو جانشینان پروردگار و حجاب خداوند یکتا می باشند، آفرینش را با آنها آغاز کرده و هستی و مقدرات را به آنها پایان بخشد.

سپس فاطمه علیها السلام را از نور محمد صلی الله علیه و آله آفرید همان طور که نور محمد صلی الله علیه و آله را از نور خود اقتباس کرد، و از نور فاطمه و علی علیهما السلام، حسن و حسین علیهما السلام را آفرید مثل نوری که از چراغها می توان اقتباس کرد.

اینها از نور آفریده شده اند و از نسلی به نسل دیگر و از صلب پدری به پدر دیگر، و از رحم مادری به مادر دیگر منتقل شده اند، نه اینکه از آب گندیده و نطفه پست نجس باشند، بلکه نوری هستند که از صلب های پاک به رحم های پاکیزه منتقل شده اند، به خاطر اینکه ایشان برگزیده برگزیدگان و جوهر جواهرند.

إِضْطَفَاهُمْ لِنَفْسِهِ وَجَعَلَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِهِ وَبُلْغَاءَ عَنُّهُ إِلَى خَلْقِهِ أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ لِأَنَّهُ لَا يَرَى وَلَا يُدْرِكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِيَّتِيَّتُهُ.

آنها را برای خود انتخاب کرده و برگزیده است، خزانه دار علم و دانش خود و ابلاغ کننده پیغام خود به خلق قرار داده است. آنها را به جای خود نشانده، زیرا او دیده نمی شود و درک نمی گردد، و چگونگی و مکان برای او شناخته نمی شود.

فَهُوَ لِأَنَّ النَّاطِقُونَ الْمُبْلِغُونَ عَنُّهُ الْمُتَصَرِّفُونَ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ فَمِنْهُمْ يَظْهَرُ قُدْرَتُهُ وَ مِنْهُمْ تُرَى آيَاتُهُ وَ مُعْجَزَاتُهُ وَ مِنْهُمْ عَرَفَ عِبَادَةُ نَفْسَهُ وَ مِنْهُمْ يُطَاعُ أَمْرُهُ

اینها از طرف او سخن می گویند و پیام او را می رسانند، و دستورات و نواهی او را بازگو می کنند. پس به سبب آنها خداوند قدرت خود را آشکار کرد و نشانه ها و معجزاتش را نشان داد، و بندگانش را با خود آشنا نمود، و توسط ایشان فرمان او اطاعت می شود.

و اگر ایشان نبودند خداوند شناخته نمی شد و فهمیده نمی شد که چگونه او را عبادت کنند. و خداوند است که امر خود را آن طور که بخواهد اجرا می کند. ﴿لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

وَهُمْ يُسْئَلُونَ ﴿۱﴾ «از آنچه او انجام می دهد سؤال نمی شود و مردمند که بازخواست می شوند و از آنها سؤال می شود»^۱.

﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾ ﴿۳۳﴾ - ﴿۳۴﴾

«شاعران را گمراهان پیروی می کنند * آیا ندیدی که آنان در هر وادی سرگردانند * و سخنانی می گویند که بدان عمل نمی کنند».

۲۸ - در بیان تأویل این آیه شریفه ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾ محمد بن جمهور به سند خود مرفوعاً از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

کدام شاعر را دیده اید که کسی از او پیروی کند؟ مقصود این فقهاء هستند که دل های مردم را دچار فهم و شعور باطل می سازند، در حقیقت آن ها شاعرانی هستند که پیروی می شوند.^۲

۲۹ - و تأیید می کند آن را آنچه طبرسی رحمته الله در تفسیرش آورده، او گفته است: گفته شده: مقصود قصه گوینانی هستند که قصه های دروغ می سازند و آنچه به خاطرشان می رسد می گویند.

۳۰ - و عیاشی رحمته الله مسنداً از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: آن ها گروهی هستند که دانستی ها و آگاهی هایی اندوخته اند نه از علم و دانش صحیح و لذا گمراه گشتند و دیگران را گمراه نمودند.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾ یعنی آن ها در هر گونه و هر نوعی از دروغ سخن می گویند و در هر ناسالم و بیهوده و باطلی فرومی روند، مانند سرگشته و شیدایی که در هر وادی که برایش پیش آید می رود و وادی مثل است برای انواع کلام،

۱. بحار الأنوار: ج ۳۵ ص ۲۸ ح ۲۴، تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۴۸، ۷.

۲. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۵۱، ۲.

﴿وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾ یعنی مردم را وادار می‌کنند بر اموری که خود انجام نمی‌دهند و بازمی‌دارند از کارهایی که خود مرتکب می‌شوند.^۱

۳۱ - و آن را تقویت می‌کند آنچه علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیرش در ذیل این آیات از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است. حضرت فرموده‌اند:

این آیات در شأن کسانی نازل شده که دینی خدا را با آراء و نظرات خود تغییر دادند و با امر و فرمان خداوند مخالفت نمودند. آیا هرگز شاعری را دیده‌اید که کسی از او پیروی کند؟ مقصود کسانی هستند که دینی را با آراء خود وضع می‌کنند و مردم از آن‌ها و دین ساختگی آن‌ها پیروی می‌کنند.

و این مطلب را تأکید می‌کند آیه بعد از آن که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ تَرَأَتْهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾ یعنی با حرف‌های بی‌ربط و بی‌فایده و باطل مناظره می‌کنند و با دلایل واهی و غیر منطقی و فریب‌دهنده مجادله می‌نمایند و به هر راهی می‌روند و به هر دردی می‌زنند.

﴿وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾ یعنی مردم را موعظه می‌کنند ولی خودشان پند نمی‌پذیرند و از زشتی‌ها بازمی‌دارند ولی خودشان ترک نمی‌کنند و به خوبی‌ها امر می‌کنند ولی خودشان انجام نمی‌دهند، و آن‌ها کسانی هستند که حق آل محمد رضی الله عنهم را غصب کردند.

سپس آل محمد رضی الله عنهم و شیعیان هدایت یافته آنان را یاد نموده و فرموده است: ﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا﴾ «مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌نمایند و بعد از آنکه مورد ظلم و ستم قرار گرفتند یاری شدند و پیروز گردیدند».

سپس دشمنان ایشان و ستمگران را یاد کرده و فرموده است: ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا - آل محمد حَقَّهُمْ - أَيَّ مَنَقَلِبٍ يُنْقَلِبُونَ﴾ و به زودی خواهند دانست کسانی که در حق آل محمد رضی الله عنهم ظلم کرده‌اند که چه سرانجامی دارند و بازگشتشان به کجا است و امام رضی الله عنه

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۰۸؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۵۱، ح ۳.

فرموده‌اند: به خدا قسم آیه شریفه این‌گونه نازل شده است.^۱



۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۰؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۵۱، ح ۴.

سُورَةُ النَّامِكِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ﴾ ﴿۵۱﴾

«بگو: سپاس و ستایش از آن خدا است و درود بر بندگان که آنان را برگزیده.»

معنای آیه: خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را امر فرموده است که او را ستایش کند و به او فرمود: ﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ﴾.

۱ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه فرموده است: مقصود از «بندگان برگزیده الهی» آل محمد صلی الله علیه و آله هستند.^۱

﴿أَوَّلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ﴿۵۱﴾

«آیا معبود دیگری با خداوند هست، نه، بلکه بیشتر آنان نمی دانند.»

۲ - علی بن أسباط به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿أَوَّلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ فرمودند:

یعنی آیا پیشوای هدایت و نور با پیشوای ضلالت و گمراهی در قرن واحد و در یک زمان می شود؟

مؤلف رضی الله عنه گوید: یعنی همان طور که جایز نیست با خداوند سبحان معبود

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۵؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۲۲۲، ح ۷؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۸۶، ح ۲.

دیگری باشد، جایز نیست با امام و پیشوای هدایت، همزمان پیشوای ضلالت و گمراهی باشد، زیرا که هدایت و ضلالت هرگز در یک زمان جمع نمی‌شود و هیچ زمانی زمین خالی نیست از امام و پیشوای هدایت که از طرف خداوند معین گردیده باشد، و او به ما آن امام نور را شناسانده تا از او متابعت و پیروی کنیم، برای این کار بعد از این آیه شریفه فرموده است:

﴿أَمِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ

خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ ﴿۳۲﴾

«آیا کسی هست که به بیچاره و درمانده جواب دهد هنگامی که او را بخواند و بدی و گرفتاری را برطرف کند و شما را خلیفه بر روی زمین قرار دهد.»

۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از بُریده و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که - در حالی که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه در کنار ایشان حضور داشتند - فرمودند: ﴿أَمِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾؛ راوی گوید: با شنیدن این آیه امیرمؤمنان علی رضی الله عنه همانند گنجشکی که می‌لرزد به خود لرزید و دچار اضطراب و پریشانی شد.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: علی جان، چه شده است ناآرامی و بی‌تابی می‌کنی؟ امیرالمؤمنین رضی الله عنه عرض کرد: آیا بی‌تابی نکنم در حالی که شما می‌فرمایید: ﴿وَ

۱. چه بسا اضطراب آن حضرت به خاطر شنیدن نام خلافت بود، زیرا میدانست خلافت و حکومت چیزی است که این قوم بر سر آن رقابت میکنند و آن محل نزاع و کشمکش است و در نتیجه باعث تفرقه و سستی است، و گویا مشاهده میکرد خون‌های ریخته شده و کشته‌شدگان بر زمین افتاده را و میدید که چه غوغایی بر سر خلافت به پا میکنند، و ترس و بی‌تابی آن حضرت از این جهت بود نه اینکه از اجرائی عدالت بترسد که او اسطوره عدالت بود، لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله به او دلداری داد که بی‌تابی نکن، چون در این نزاع و درگیری تو بر حق هستی و دشمنان تو همه بر باطل می‌باشند. (هامش امالی شیخ مفید رحمته الله).

يَجْعَلْكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ﴿﴾ «شما را خلیفه بر روی زمین قرار می‌دهد»؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا تَجْزَعُ قَوْلَ اللَّهِ لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ كَافِرٌ»

جزع و بی‌تابی نکن، به خدا قسم تو را هیچ مؤمنی دشمن نمی‌دارد و هیچ کافری دوست نخواهد داشت.^۱

۴ - و آن را تأیید می‌کند آنچه به سند خود از عمران بن حصین روایت کرده است که گفت:

نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودم و امیرالمؤمنین ع در کنار آن حضرت حضور داشتند، رسول خدا ﷺ این آیه شریفه را قرائت نمودند با شنیدن این آیه علی بن ابی طالب ع به خود لرزید. رسول خدا ﷺ با دست مبارک به شانه آن حضرت زد و فرمود: علی جان، تو را چه شده است، این‌گونه می‌لرزی؟

عرض کرد: ای رسول خدا، این آیه را خواندید و من ترسیدم که بدان مبتلا شوم و لذا به من این حالت دست داد که دیدید.

رسول خدا ﷺ فرمود:

يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

علی جان، جز مؤمن تو را دوست ندارد و جز منافق دشمن تو نمی‌باشد.^۲

در تأویل دیگری آمده است که:

مقصود از «مضطر» در آیه امام قائم ع است.

۵ - محمد بن عباس ع به سند خود از امام صادق ع روایت کرده است که فرمودند:

امام قائم ع هنگامی که خروج کند داخل مسجد الحرام شود، در مقابل کعبه قرار

گیرد و پشت به مقام کند و دو رکعت نماز بخواند سپس به پا خیزد و فریاد برآورد:

۱. بحار الانوار؛ ج ۳۹، ص ۲۶۶، ح ۳۹؛ تفسیر برهان؛ ج ۷، ص ۲۸۸، ح ۵.

۲. بحار الانوار؛ ج ۳۹، ص ۲۸۶، ح ۷۹؛ تفسیر برهان؛ ج ۷، ص ۲۸۸، ح ۶.

ای مردم، من سزاوارترین مردم به آدم هستم. ای مردم، من سزاوارترین مردم به ابراهیم هستم. ای مردم، من سزاوارترین مردم به اسماعیل هستم. ای مردم، من سزاوارترین مردم به حضرت محمد ﷺ هستم.

سپس دست‌های مبارک خود را به سوی آسمان بالا می‌برد، دعا می‌کند و آن قدر گریه و زاری و تضرع می‌نماید تا با صورت بر زمین می‌افتد و این فرمایش پروردگار است که فرمود: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أُوْلَئِكَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾^۱.

۶ - و به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ...﴾ فرمودند:

این آیه در مورد امام قائم علیه السلام نازل شده است، هنگامی که خروج کند عمامه بر سر می‌بندد و در کنار مقام ابراهیم نماز می‌گذارد و به پیشگاه پروردگارش تضرع و زاری می‌کند، پس هیچ رایت و پرچم او باز نگردد، یعنی هرگز دچار شکست نشود.^۲
علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام مثل این روایت را نقل کرده است.^۳



﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ

كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ ﴿٨٢﴾

«و چون حکم عذاب بر آنان حتمی شد جنبنده‌ای از زمین برای ایشان بیرون آوریم تا با آنان سخن گوید، همانا مردم به آیات ما یقین ندارند و باور نمی‌کنند.»

۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابو عبد الله جدلی روایت کرده که گفت:

۱. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۵۹، ح ۵۶؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۸۹، ح ۷؛ اثبات الهداة: ج ۷، ص ۶۴۴.
۲. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۵۹؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۸۹، ح ۸؛ اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۲۶، ح ۶۴۴.
۳. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۵؛ بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۴۸، ح ۱۱؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۸۹، ح ۹.

روزی بر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم، به من فرمود: «أَنَا دَابَّةُ الْأَرْضِ» من آن جنبنده زمین هستم.

و نیز به سند دیگری از ابو عبدالله جدلی روایت کرده است که گفت: محضر مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدم، به من فرمودند:

آیا به تو خبر ندهم (و این جمله را سه بار تکرار فرمودند) پیش از آنکه کسی بر من و بر تو وارد شود؟ عرض کردم: بفرمایید تا استفاده کنم.

فرمودند: من بنده خدایم و من آن جنبنده زمین هستم از روی راستی و دادگری، و من برادر پیامبرم. آیا به تو خبر ندهم بینی مهدی و دو چشم او؟ عرض کردم: بفرمایید، با دست مبارکش به سینه پاک خود اشاره کرد و فرمود: من هستم.

۸ - و نیز به سند خود از اصبع بن نباته روایت کرده است که گفت:

خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم در حالی که نان و سرکه و روغن میل می کردند، عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، مقصود از دابة الارض در این آیه شریفه «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» چیست؟ حضرت فرمودند:

جنبنده ای است که نان و سرکه و روغن می خورد.^۱

۹ - و نیز به سند خود از اصبع بن نباته روایت کرده است که گفت:

معاویه به من گفت: ای گروه شیعه، شما می پندارید که علی علیه السلام دابة الارض است؟ گفتم: آری، ما این مطلب را می گوئیم و یهود به آن قائل است.

پس کسی را در پی رأس الجالوت فرستاد. از او سؤال کرد آیا در مکتوباتی که نزد شما است «دابة الارض» دیده ای؟ گفت: آری، سؤال کرد: چیست و چه موجودی است؟ گفت: او یک مرد است. سؤال کرد: آیا می دانی نام او چیست؟ گفت: آری، نام او «ایللیا» است. آنگاه رو به من کرد و گفت: ای اصبع، چه قدر نزدیک است کلمه

۱. بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۱۲، ح ۱۱.

«ایلیا» به علیا.^۱

۱۰ - علی بن ابراهیم علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ...» فرموده است:

روایت شده که این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد خوابیده بود، مقداری ریگ‌ها را جمع کرده و سر مبارک خود را بر روی آن نهاده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله با پای مبارکش آن حضرت را حرکت داد و فرمود: برخیز ای «دابة الارض».

یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول خدا آیا می‌تواند بعضی از ما بعضی دیگر را به این اسم بنامد؟ فرمود: نه به خدا قسم این نام جز برای آن حضرت جایز نیست، و او همان «دابة» است که خداوند در کتابش ذکر کرده و فرمود: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ...»

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی جان، چون آخرالزمان شود خداوند تو را در نیکوترین صورت بیرون آورد در حالی که به همراه میسم (وسیله‌ای که با آن علامت گذازد) داشته باشی و با آن دشمنانت را علامت‌گذاری نمایی.^۲

۱۱ - وروایت شده است که شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به من رسیده که عامه به جای کلمه «تُكَلِّمُهُمْ» در آیه، «تُكَلِّمُهُمْ» می‌گویند (که به معنای «تجرحهم» یعنی آنان را مجروح کند، می‌باشد).

امام صادق علیه السلام فرمودند: خدا آنان را در آتش مجروح گرداند، جز «تُكَلِّمُهُمْ» که از کلام است نازل نشده است.^۳

طبرسی علیه السلام گفته است:

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۹۵، ج ۹؛ مختصر البصائر: ص ۲۰۸؛ بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۱۲، ج ۱۲.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۶؛ بحار الانوار: ج ۳۹، ص ۲۴۳، ج ۳۱؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۲، ج ۱۸.

۳. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۶؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۹۳، ج ۳.

«تکلمهم بما يسوءهم» سخن می‌گوید با آنان به آنچه آن‌ها را ناراحت می‌کند، به زبانی که بفهمند به آن‌ها می‌گوید که سرانجام کارتان جهنم و آتش است.

و گفته شده: به آن‌ها خبر می‌دهد که کدام یک مؤمن و کدام یک کافر هستند.

و گفته شده: سخن می‌گوید با آنان به اینکه به آن‌ها می‌گوید ﴿أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ این مردم به آیات ما باور ندارند و «آیات» سخن گفتن دابه و خروج آن است.

و این تأویل دلالت می‌کند بر اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا بازمی‌گردد، یا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و یا پیش از آن و یا بعد از آن. و اخباری وارد شده که از این مطلب حکایت می‌کند و آثاری رسیده که بر آن دلالت می‌نماید.

و بر رجعت و صحیح بودن آن، این آیه شریفه ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ گواه است. آیه شریفه می‌فرماید: «به خاطر آور روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم، و آن‌ها بازداشت می‌شوند».

طبرسی رحمته الله گفته است: معنای «یوزعون» در آیه «یدفعون» است، یعنی دور می‌شوند، رانده می‌شوند.

و گفته شده: معنایش این است که آن‌ها را حبس می‌کنیم و نگه می‌داریم تا دیگران از آن‌ها به آن‌ها ملحق شوند.

قائلین به رجعت از امامیه با این آیه شریفه بر صحت و درستی رجعت استدلال کرده‌اند، به اینکه گفته‌اند: داخل شدن حرف «مِن» در کلام تبعیض را موجب می‌شود، و دلالت می‌کند بر اینکه روزی که در آیه بدان اشاره شده در آن بعضی از هر امت محشور می‌شوند، و این شأن قیامت نیست که خداوند تبارک و تعالی درباره آن فرموده است: ﴿وَوَحْشَنَاهُمْ فَلَمَّ نُعَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾^۱ «همه آنان را برمی‌انگیزیم و یکی از آنان را فروگذار نخواهیم کرد».

۱. سوره کهف، آیه ۴۷.

و اخبار از ائمه طاهرين عليهم السلام در حد تواتر روایت شده که خداوند تبارک و تعالی به هنگام قیام مهدی موعود عليه السلام گروهی از دوستان و شیعیان آن حضرت را که قبلاً دیده از جهان فرو بسته اند به دنیا بازمی گرداند تا آن حضرت را یاری کنند و به پاداش نصرت وی نائل شوند و حکومت پرافتخار او را ببینند و مسرور شوند، و گروهی از دشمنان آن حضرت را نیز باز می گرداند تا از آن ها انتقام گرفته شود و بعضی از آنچه مستحق هستند از عذاب ببینند، خواری و ذلت خود را با مشاهده مقام و مرتبه شیعیان احساس کنند.

و تردیدی نیست و هیچ عاقلی تردید ندارد که اینها نسبت به قدرت پروردگار محال نیست و خدا بر هر چیزی قادر است و در مورد امت های پیشین چنین کاری انجام داده و قرآن در چند جا از آن حکایت کرده است مثل قصه عزیز و غیر آن.

۱۲ - و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سند صحیح روایت شده است که فرمودند:

به زودی در امت من تحقق پیدا می کند تمام آنچه در بنی اسرائیل رخ داده است، بدون هیچ کم و کاست، تا آنجا که اگر یکی از آنان در لانه سوسماری داخل شده باشد شما هم داخل شوید.^۱

۱۳ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» فرموده است:

این آیه درباره رجعت نازل شده است.

سپس روایت کرده است که شخصی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: عامه می پندارند که این آیه درباره قیامت است.

امام عليه السلام فرمودند: دروغ می گویند این آیه در مورد رجعت است و اما آیه ای که مربوط به قیامت است این آیه شریفه است «وَحَشْرُنَاهُمْ فَلَمَّا نُنَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا» «ما همه آنان را برمی انگیزیم و یکی از آن ها را فروگذار نخواهیم کرد».^۲

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۳۴؛ الايقاظ من الهمجة، ص ۱۰۷، ح ۱۹؛ نور الثقلین: ج ۵، ص ۳۰۰.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۷؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۹۳، ذح ۳.

در رجعت همه برانگیخته نمی شوند، بلکه تنها کسانی به دنیا بازمی گردند که ایمان محض و یا کفر محض باشند و نیز هر شهر و روستایی که اهل آن را هلاک نموده ایم به دنیا بازمی گردند، زیرا خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾^۱ «هر قریه ای که نابودشان کردیم حرام است که به دنیا بازگردند آن ها هرگز باز نخواهند گشت».

۱۴ - و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ فرمودند:

هیچ مؤمنی نیست که در دنیا کشته شده باشد مگر آنکه بازمی گردد تا به مرگ طبیعی از دنیا رود.

و هیچ مؤمنی نیست که به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد مگر آنکه بازمی گردد تا به قتل و کشته شدن از دنیا رود.^۲

مؤلف رحمته الله گوید: و اینها دلیل های واضح و روشنی است بر صحت رجعت^۳ و خداوند داناتر به صواب است و اصل پیدایش از او و بازگشت به سوی او می باشد.

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمِئِذٍ آمِنُونَ * وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

«هر که با خود حسنه - کار نیکو - آورد به او پاداشی بهتر از آن داده می شود و از ترس و هراس آن روز ایمن خواهد بود و کسی که زشتی و بدی آورد با صورت در آتش

می افتد» ﴿۸۸﴾ و ﴿۹۰﴾

۱. سوره انبیاء، آیه ۹۵. این آیه بزرگترین دلیل برای رجعت است، زیرا هیچ مسلمانی نمیتواند انکار کند که در قیامت بدون استثنا همه بازمیگردند چه در دنیا هلاک شده باشند و چه هلاک نشده باشند.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۰۷؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۲۹۸، ح ۱۷.

۳. برای آگاهی از دلایل بیشتر به کتاب «رجعت از منظر قرآن» مراجعه کنید.

۱۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابو عبد الله جدلی روایت کرده است که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمودند:

آیا می دانی حسنه‌ای که هر کس با خود آورد به او پاداشی بهتر از آن داده شود و از ترس و هراس روز قیامت ایمن خواهد بود چیست؟ و آیا می دانی سیئه‌ای که هر کس با خود آورد با صورت در آتش افکنده می شود چیست؟

عرض کردم: نه. حضرت فرمودند:

«حسنة» مودت و دوستی ما اهل بیت، و «سیئه» عداوت و دشمنی ما اهل بیت است.^۱

۱۶ - و نیز به سند دیگری از ابو عبد الله جدلی روایت کرده است که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمودند:

می خواهی به تو خبر دهم از آن «حسنة» که هر کس با خود آورد از ترس و هراس روز قیامت ایمن خواهد بود و از آن «سیئه» که هر کس با خود آورد با صورت در آتش افکنده شود، چیست؟ عرض کردم: آری، ای امیرمؤمنان.

فرمود: «حسنة» حبّ ما و دوستی ما اهل بیت و «سیئه» بغض و کینه و دشمنی ما اهل بیت است.^۲

۱۷ - و نیز به سند خود از عمار سبابلی روایت کرده است که گفت: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، عبد الله بن ابی یعفر از آن حضرت علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا﴾ سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

آیا می دانی «حسنة» چیست؟ همانا مقصود از «حسنة» معرفت امام و اطاعت او است، و اطاعت او از اطاعت خداست.^۳

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۴۱، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۰۱، ح ۶.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۴۲، ح ۳؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۰۲، ح ۷.

۳. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۴۲، ح ۴.

۱۸ - و با همان سندی که ذکر شد از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

مقصود از «حسنه» ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

۱۹ - و نیز به سند خود از جابر جعفی روایت کرده است که او از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کرد، حضرت فرمودند:

«حسنه» ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و «سئئه» بغض و عداوت آن حضرت است.^۲

۲۰ - شیخ طوسی رحمته الله به سند خود از عمار ساباطی روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، یوسف بن ثابت از شما حدیثی نقل کرده است که فرموده‌اید:

با ایمان هیچ عملی ضرر نمی‌زند و با کفر هیچ عملی سود نمی‌بخشد.

امام علیه السلام فرمود: او از تفسیر این کلام از من سؤال نکرد؛

مقصودم از این سخن این است که هر کس امام از آل محمد علیهم السلام را بشناسد و ولایت او را بپذیرد آنچه از اعمال خیر انجام دهد از او پذیرفته می‌شود و چندین برابر به او پاداش داده شود، پس با معرفتی که دارد از اعمال خیر، بهره می‌برد. مقصود من این بود. و همچنین خداوند تبارک و تعالی اعمال صالح کسی را که با ولایت امام ظالمی که از طرف خدا منصوب نشده انجام داده هرگز نمی‌پذیرد.

عبدالله بن ابی یعفر عرض کرد: آیا خداوند تبارک و تعالی نفرموده: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا...﴾؛ «هر کس کار خوبی انجام دهد پاداشی بهتر از آن دارد» پس چگونه اعمال صالح طرفداران ائمه جور سودی نمی‌بخشد؟
امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۴۲، ح ۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۰۲، ح ۹.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ح ۴۲، ح ۶.

آیا می‌دانی مقصود از «حسنه» و کار نیکی که خداوند در این آیه شریفه فرموده چیست؟ به خدا قسم مقصود شناخت امام و اطاعت او است.

و خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾؛ «هر که سیئه یعنی کار زشت بیاورد با صورت در آتش افکنده شود» مقصود از این سیئه انکار امامی است که خداوند او را معین نموده و نصب فرموده است.

سپس امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

کسی که فردای قیامت وارد محشر شود با ولایت امام ظالمی که از طرف خداوند معین نشده و منکر حق ما و ولایت ما باشد خداوند تبارک و تعالی او را در آتش می‌افکند.^۱

۲۱ - و تأیید می‌کند آن را آنچه طبرسی در تفسیرش ذکر کرده، و آن روایتی است

که به سند خود از جابر بن عبدالله روایت کرده است که گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

علی جان، اگر امت من روزه بگیرند به حدی که مانند زه کمان لاغر شوند و نماز بخوانند به قدری که مانند کمان خمیده گردند، با این وصف بغض و کینه تو را داشته باشند، خداوند آن‌ها را با بینی در آتش سرنگون سازد.^۲

۱. أمالی طوسی: ص ۴۱۷، ح ۹۳۹؛ تفسیر برهان: ص ۳۰۱، ح ۵.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۳، ح ۱۳.

سُورَةُ الْقَصَصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ ﴿٥٠﴾

«و اراده کرده ایم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و ایشان را پیشوایان و ارث برندگان قرار دهیم».

معنای آیه: ظاهر این آیه شریفه مربوط به بنی اسرائیل است ولی در باطن آل محمد ﷺ قصد شده اند و این قسمت از فرمایش پروردگار بر آن دلالت می کند که فرموده است: ﴿وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً﴾ «و ایشان را ائمه قرار داد» یعنی زمامدار و پیشوا و مقتدا قرار داد که مردم در خوبی ها به آنان اقتدا کنند، و بعضی از ایشان حاکم باشند و بین مردم به عدل و انصاف حکم کنند به خوبی ها دستور دهند و از زشتی ها باز بدارند، و خداوند تبارک و تعالی امامان و حاکمانی قرار نمی دهد که به ظلم و ستم حکم می کنند آن گونه که بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی ﷺ انجام داد.

و امامی که از جانب خداوند سبحان باشد اطاعت او واجب می باشد ولی اطاعت غیر معصوم واجب نمی باشد، و در میان بنی اسرائیل معصوم جز حضرت موسی و هارون علیهما السلام نبود، و آن دوازدهگانه که ضعیف شمرده شده باشند به دلیل این آیه شریفه که می فرماید: ﴿فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ﴾ «و به برکت آیات ما بر شما دست نمی یابند، شما و پیروانتان پیروز هستید». پس باقی نماند جز

اینکه مراد از «الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا» آل محمد ﷺ باشد. و اخبار و روایاتی در این زمینه به ما رسیده است که شاهد این گفتار است:

۱ - محمد بن عباس ﷺ به سند خود از ربیعة بن ناخذ روایت کرده است که گفت: از امیرالمؤمنین ﷺ شنیدم که در مورد این آیه شریفه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» فرمودند:

این دنیا به اهل بیت ﷺ روی خواهد نمود همان طور که شتر بدخوی به سوی فرزندش بازمی گردد و به او روی می نماید.^۱

۲ - و نیز به سند خود از ابوصالح و او از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ...» فرمودند:

لَتَعْطِقَنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى أَهْلِ النَّبِيِّتِ كَمَا تَعْطِفُ الصَّرْوُسُ عَلَى وَلَدِهَا.

سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را آفرید این دنیا به ما روی می آورد، همان طور که شتر بدخوی به بچه اش روی می آورد و به سوی او بازمی گردد.^۲

۳ - طبرسی ﷺ از عیاشی ﷺ و او مسندا از ابوصباح کنانی روایت کرده است که گفت: امام باقر ﷺ نگاهی به فرزندش امام صادق ﷺ نمود و فرمود:

به خدا قسم این عزیز از کسانی است که خداوند تبارک و تعالی درباره آنان فرموده است: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ...» و از مصادیق این آیه شریفه است.^۳

۴ - و سرور عبادت کنندگان حضرت علی بن الحسین ﷺ فرموده اند:

قسم به آنکه حضرت محمد ﷺ را به حق مبعوث فرمود تا بشارت دهنده و بیم دهنده باشد، نیکوکاران از ما اهل بیت و شیعیان ایشان، به منزله موسی و شیعیان او هستند؛ و

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۷۰، ح ۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۷۰، ح ۶.

۳. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۶۷.

همانا دشمنان ما و پیروان ایشان، به منزله فرعون و پیروان او هستند.^۱

۵ - و آن را تأیید می‌کند گفتار علی بن ابراهیم رضی الله عنه که گفته، در خبر آمده است:

خداوند تبارک و تعالی دوست دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را از اخبار فرعون باخبر سازد، و لذا فرمود: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ «همانا فرعون در زمین برتری طلبی نمود و اهل آن را گروه گروه نمود، گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران ایشان را سر می‌برید و زنان ایشان را زنده نگه می‌داشت، او بدون تردید از مفسدان بود».

آنگاه خبر موسی علیه السلام را قطع کرده و به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله توجه نموده و فرموده است: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾.

و مقصود از «مستضعفان» آل محمد صلی الله علیه و آله هستند، و اگر مقصود فرعون و هامان بودند می‌فرمود: ﴿وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ﴾ «منهما» ما کانتوا یحذرون» و چون فرموده است «منهم» می‌فهمیم که آل محمد صلی الله علیه و آله قصد شده‌اند، زمانی که خداوند به آن‌ها در زمین قدرت و توانایی دهد.

اما این قسمت از آیه شریفه که فرمود: ﴿وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا﴾ «و به فرعون و هامان و لشکریانش یعنی کسانی که حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله را غصب کردند، نشان دهیم»، و آن مانند فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است در خطبه مبارکه‌اش روزی که با آن حضرت بیعت کردند، فرمود:

آگاه باشید، به راستی خداوند فرعون و هامان را هلاک و قارون را در زمین فروبرد؛ و همانا خداوند (در این آیات) به رسول خود خبر داده است که ذریه‌ات در آخرالزمان گرفتار سختی و اذیت و آزار از دشمنان‌شان می‌شوند همان‌طور که حضرت موسی و بنی اسرائیل از فرعون اذیت و آزار دیدند، سپس امرایشان به دست مردی از اهل بیت صلی الله علیه و آله

۱. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۶۷.

(حضرت مهدی علیه السلام) ظاهر می‌گردد، و قصه او علیه السلام مانند قصه موسی علیه السلام می‌باشد. او علیه السلام در میان مردم است ولی به صورت ناشناس زندگی می‌کند و مردم او را نمی‌شناسند تا خداوند تبارک و تعالی به او اجازه دهد، و این فرمایش خداوند است که فرمود: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنِ اتَّخَذُوا عَلَىٰ نَفْسِهِمْ لَقَدِيرًا﴾^۱ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده و به آن‌ها ستم شده اجازه جهاد داده شده و خدا بریاری آن‌ها توانا است».^۲

﴿سَنَسُئِدُكَ بِأَخِيكَ...﴾^۳

«به زودی بازویت را به یاری برادرت محکم می‌گردانیم».

۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از انس روایت کرده است که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله زکات‌گیرنده‌ای را به سوی قومی فرستاد، آن‌ها به او ستم کرده و وی را به قتل رساندند. این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، پس علی علیه السلام را به سوی آنان فرستاد. آن حضرت با آن‌ها جنگید. جنگجویان آن‌ها را کشت و ذریه ایشان را اسیر کرد. وقتی این قضیه به گوش رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید شادمان گردید. و چون علی علیه السلام نزدیک شهر مدینه رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله به استقبال او آمدند و با آن حضرت ملاقات کرده و معانقه نمودند و بین دو چشمانش را بوسیدند و فرمودند:

بِأَبِي وَأُمِّي مَنْ شَدَّ اللَّهُ بِهٖ عَضُدِي كَمَا شَدَّ عَضُدَ مُوسَىٰ بِهَارُونَ.

پدر و مادرم به فدایت که خدا بازوی مرا به وسیله تو محکم نمود، همان‌طور که بازوی موسی را به وسیله برادرش هارون محکم نمود.^۳

۱. سوره حج، آیه ۳۹.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۱۰؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۶۸، ح ۰۳، و ج ۵۳، ص ۵۴، ح ۰۳۲.

۳. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۳۹، ح ۱؛ شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۵۶۱، ح ۵۹۸.

﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ﴾

﴿وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ ﴿۱۱﴾

«و تو در جانب غربی (کوه طور) نبودی هنگامی که به موسی فرمان دادیم، و تواز گواهان آن صحنه نبودی».

۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که در تفسیر این آیه «و تو در جانب غربی نبودی زمانی که به موسی فرمان دادیم» گفته است: برای جانشینی یوشع بن نون برای بعد از او فرمان داده است.

سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: ما هیچ پیامبری را بدون وصی رها نکرده‌ایم، و من پیامبری از نژاد عرب مبعوث می‌گردانم و وصی او را علی رضی الله عنه قرار می‌دهم، و این مضمون فرمایش خداوند است: ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ﴾ هنگامی که به موسی فرمان دادیم در امر جانشینی و خبر داد به آنچه پس از او به وقوع خواهد پیوست.

ابن عباس گفت: و خداوند پیامبرش را خبر داد به آن چه واقع می‌شود و خبر داد به اختلاف این امت پس از او. پس کسی که بپندارد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وصی خود را معین نفرموده است، به خدا و پیامبرش دروغ بسته است.

۸ - در تفسیر اهل بیت علیهم السلام آمده است که بعضی از اصحاب از سعید بن خطاب حدیثی را مرفوعاً از امام صادق رضی الله عنه روایت کرده است که در مورد این آیه شریفه ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ...﴾ فرمودند:

همانا آیه چنین است: «أُو مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ...» آیا تو در جانب غربی (کوه طور) نبودی ...^۱

۹ - امام صادق رضی الله عنه در بعضی از نامه‌های خود فرمودند:

۱. بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۹۶، ۵۹۶ و ۶۰.

لَيْسَ مِنْ مَوْقِفِ أَوْقَفَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ نَبِيَّهُ فِيهِ لَيْشَهْدَهُ وَيَسْتَشْهَدُهُ إِلَّا وَمَعَهُ
أَخُوهُ وَقَرِينُهُ وَابْنُ عَمِّهِ وَوَصِيُّهُ وَيُوءُ خَدُّ مِيثَاقُهُمَا مَعًا.

در هر جایگاهی که خداوند پیامبرش را در آن جایگاه قرار داد که شاهد باشد و
شهادت دهد، در آن جایگاه برادر، قرین، پسر عمو و وصی او، حضرت علی بن ابی
طالب علیه السلام را نیز با آن حضرت و همراه آن حضرت قرار داد.

﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ﴾ (٤١)

«و تو در کنار کوه طور نبودی آنگاه که ندا دادیم، ولی این رحمتی از سوی
پروردگارت بود.»

۱۰ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابوسعید مدائنی روایت کرده است که
گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا﴾ سؤال
کردم، امام علیه السلام فرمودند:

نوشته ای است که خداوند تبارک و تعالی آن را دو هزار سال پیش از آفرینش جهان در
برگ «آس» نوشته و متن آن این است:

ای پیروان آل محمد، پیش از آن که از من درخواست کنید به شما عطا کردم، و پیش
از آن که مرا معصیت کنید شما را آمرزیدم، و پیش از آن که مرتکب گناه شوید شما را
بخشیدم؛ هر کس با ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام نزد من آید به رحمت خویش او را در
بهشت ساکن گردانم.

۱۱ - و آن را تأیید می کند حدیثی که شیخ طوسی رضی الله عنه به سند خود از سلیمان
دیلمی روایت کرده است که گفت: به مولایم امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای سرور من
معنای این آیه شریفه ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا﴾ چیست؟ حضرت فرمودند:
نوشته ای است که خداوند تبارک و تعالی دو هزار سال پیش از خلقت آفرینش بر برگ

درخت مورد نوشته است.

عرض کردم: ای سرور من چه مطلبی در آن نوشته است؟

فرمودند: در آن نوشته شده: ای شیعیان آل محمد، به شما عطا کردم پیش از آنکه در خواست کنید و شما را آموخیم پیش از آنکه معصیت و نافرمانی کنید و شما را عفو نمودم پیش از آنکه گناه کنید هر کدام از شما با ولایت بیاید و ولایت را به همراه داشته باشد او را به رحمت خود در بهشتم ساکن گردانم.^۱

۱۲ - در تفسیر مولا امام عسکری علیه السلام تأویل زیبایی آمده است که ما ذیلاً آن را

می آوریم: امام عسکری علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی حضرت موسی بن عمران علیه السلام را مبعوث نمود و همراز خود برگزید و دریا را برای او شکافت و بنی اسرائیل را نجات داد و به او تورات و الواح عطا فرمود، برای خود موقعیت و جایگاهی نزد پروردگارش احساس کرد و لذا عرض کرد: پروردگارا مرا به کرامتی گرامی داشتی که پیش از من کسی را چنین اکرام نفرموده ای. خداوند تبارک و تعالی فرمود:

يَا مُوسَى، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مُحَمَّدًا أَفْضَلُ عِنْدِي مِنْ جَمِيعِ مَلَائِكَتِي وَخَلْقِي؟

ای موسی، آیا نمی دانی که محمد صلی الله علیه و آله نزد من برتر از تمام ملائکه و تمام مخلوقاتم

می باشد؟

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا اگر محمد صلی الله علیه و آله نزد تو از همه خلق گرامی تر

است، آیا در خاندان انبیاء خاندانی گرامی تر از خاندان من می باشد؟

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای موسی، آیا نمی دانی که برتری خاندان محمد صلی الله علیه و آله بر

تمام خاندان پیامبران مانند برتری محمد صلی الله علیه و آله بر همه رسولان است؟

موسی عرض کرد: اگر آل محمد صلی الله علیه و آله نزد تو از چنین مقامی برخوردارند، آیا نزد تو در

اصحاب انبیاء گرامی تر از اصحاب من می باشد؟

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۲۶۶، ح ۳۰، و ج ۲۶، ص ۲۹۶، ح ۶۲.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای موسی، آیا نمی دانی فضیلت و برتری اصحاب محمد ﷺ بر همه اصحاب رسولان مانند برتری خاندان محمد ﷺ بر همه خاندان پیامبران و مانند برتری محمد ﷺ بر همه رسولان است؟

موسی ﷺ عرض کرد: پروردگارا، اگر محمد ﷺ و خاندان او و اصحابش چنین هستند و چنین مقامی دارند آیا در میان امت پیامبران امتی نزد تو برتر از امت من می باشد، بر آن ها به وسیله ابرها سایه افکندی، شهد گیاه و بلدرچین نازل فرمودی و دریا را برای آنان شکافتی؟

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای موسی، آیا نمی دانی برتری امت محمد ﷺ بر تمام امت ها مانند برتری من بر تمام خلقم می باشد؟

موسی ﷺ در این هنگام عرض کرد: پروردگارا کاش می توانستم آن ها را ببینم. خداوند به او وحی فرمود: ای موسی، تو آن ها را نمی بینی، اکنون هنگام ظاهر شدن آن ها نیست ولی به زودی در بهشت، در بهشت عدن و فردوس آن ها را خواهی دید که در محضر حضرت محمد ﷺ در نعمت های آن غوطه ورنند و در خیرات آن جای گرفته اند، آیا دوست داری کلام آنان را بشنوی؟ عرض کرد: آری ای معبود من.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: در پیشگاه من همچون بنده ذلیلی که در پیشگاه پادشاهی بلند مرتبه می ایستد بایستد. موسی ﷺ همان گونه ایستاد. و آنگاه پروردگار ما ندا داد: ای امت محمد، پس همه آنان به او جواب دادند در حالی که در صلب پدران و رحم مادران بودند: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْكَ لَكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ. لبیک، خداوندا لبیک، شریکی برای تو نیست، لبیک، حمد و سپاس و نعمت و پادشاهی از آن تو است و شریکی برای تو نیست، لبیک.

خداوند این جواب آنان را شعار حج قرار داد.

سپس پروردگار ما آن ها را صدا زد و فرمود: ای امت محمد، حکم و فرمان من و خواست من بر شما این است که رحمتم بر غضبم پیشی گرفته و عفو و بخششم بر عقاب و کیفرم نیز پیشی گرفته است، پیش از آنکه مرا بخوانید و دعا کنید به شما جواب داده و

دعايتان را به اجابت رسانده‌ام و پيش از آنکه از من درخواست کنيد به شما عطا نموده‌ام، هر کدام از شما مرا ملاقات کند در حالی که شهادت دهد که خداوندی جز «الله» نیست، او يکتا است و شریکی برایش نمی‌باشد و اینکه محمد ﷺ بنده و فرستاده او است، در گفتارش صادق و در رفتارش شایسته است و اینکه علی بن ابی طالب برادر او و وصی او بعد از او و ولیش می‌باشد و به اطاعت او مانند اطاعت حضرت محمد ﷺ ملتزم باشد، و شهادت دهد که ذریه او برگزیده و نیکو خصال و پاک می‌باشند، و با غیر خود به سبب آیات شگفت‌انگیز الهی و دلایل حجج پروردگار مابینت دارند اولیاء او بعد از آن دو بزرگوار می‌باشند، چنین کسی را که این‌گونه شهادت می‌دهد و اقرار می‌کند داخل بهشت می‌گردانم اگرچه گناهان او مانند کف دریا فراوان باشد.

امام علیؑ فرمود: هنگامی که خداوند پیامبر ما حضرت محمد ﷺ را به پیامبری مبعوث نمود فرمود: ای محمد ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا﴾ «و تو در کنار طور نبودی هنگامی که امت تو را به این کرامت ندا دادیم».

سپس خداوند تبارک و تعالی به حضرت محمد ﷺ فرمود: ای محمد ﷺ بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى مَا اخْتَصَنِي بِهِ مِنْ هَذِهِ الْفَضِيلَةِ؛ خدا را که پروردگار جهانیان است بر این نعمت و فضیلت که مرا بدان اختصاص داده حمد و سپاس.

و به امتش فرمود: شما نیز بگویید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى مَا اخْتَصَنَّا بِهِ مِنْ هَذِهِ الْفَضَائِلِ. خدا را که پروردگار جهانیان است بر این نعمت‌ها و فضیلت‌ها که ما را بدان اختصاص داده حمد و سپاس می‌گوییم.^۱

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ ☺

«و چه کسی گمراه‌تر است از کسی که از هوای خود پیروی کند بدون اینکه به هدایت الهی توجه کند».

۱. تفسیر امام عسکری علیہ السلام: ص ۴۶، ضمن ح ۱۱؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۴۴، ح ۴.

۱۳ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مقصود کسی است که دین خود را مطابق رأی و نظر خودش بدون راهنمایی و هدایت امامی از ائمه هدی علیهم السلام اتخاذ کند.^۱

﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (۱)

«و برای ایشان گفتار را پی در پی و به طور متصل قرار دادیم باشد که متذکر گردند.»

۱۴ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ فرمودند:

مقصود امام بعد از امام است یعنی به طور پیوسته یکی پس از دیگری برای هدایت بشر آمده اند.^۲

۱۵ - و مؤید آن روایتی است که مرحوم کلینی به سند خود از عبدالله بن جنذب روایت کرده است که گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، فرمودند:

مقصود اتصال زمانی امامی به امام دیگر است که میان آنان فاصله ای نباشد.^۳

۱۶ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ...﴾ فرمودند:

مقصود امامی بعد از امام دیگر است.^۴

مؤلف رضی الله عنه در معنای این فرمایش پروردگار ﴿وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ فرموده است:

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۴۷، ح ۴؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۵۲، ح ۴۲.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۱، ح ۴۹.

۳. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۱، ح ۵۰؛ به نقل از کافی: ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۸.

۴. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۱۸؛ بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۰، ح ۴۸.

مقصود قول در امامت است، یعنی خداوند آن را متصل و به هم پیوسته قرار داده از امامی به امام دیگر از دوران حضرت آدم تا آخرین حجت الهی امام قائم علیه السلام و مقصود از «قول»، قول خداوند تبارک و تعالی است: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ «هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد»

یعنی پیوسته چنین خواهم کرد، زیرا که زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نیست تا آنکه برای مردم حجتی بر پروردگار نباشند و عذری نداشته باشد و به خاطر فرمایش پروردگار متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ «همانا من تو را برای مردم امام و پیشوا قرار دادم. (عرض کرد): و از دودمان من نیز قرار خواهی داد؟ فرمود: عهد من به ستمگران نمی‌رسد».

و اما معنای این قسمت از آیه: ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ «شاید متذکر شوند». از «ذکری» به معنای یادآوری است مثل این کلام خداوند که فرمود: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ «یادآوری کن که یادآوری کردن به مؤمنان سود می‌بخشد» و معنای دیگر این است که به یادآورند قول در امامت را به اینکه متصل و پیوسته است از امامی به امام دیگر تا امام قائم علیه السلام.

﴿أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ ﴿٦١﴾

«آیا کسی که به او وعده نیکو داده‌ایم و آن را دیدار می‌کند مانند کسی است که او را از متاع دنیا بهره‌مند ساخته‌ایم؟»

۱۷ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از مجاهد روایت کرده است که در تفسیر

این آیه شریفه ﴿أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ﴾ گفته است:

این آیه در مورد حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه و حمزه رضی الله عنه نازل شده است.^۱

۱۸ - و آن را تأیید می‌کند آنچه دیلمی رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

موعود در این آیه علی بن ابی طالب علیه السلام است. خداوند تبارک و تعالی به او وعده فرموده است که از دشمنان او در دنیا انتقام گیرد و در آخرت وعده بهشت داده است.^۱ طبرسی رضی الله عنه در تفسیرش ذکر کرده آنچه را که مؤید حدیث اول در سبب نزول است. گفته است:

گفته شده که آیه شریفه در مورد حمزه بن عبدالمطلب و علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است.^۲

﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ

يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ﴾^۳ و^۴

«روزی که آن‌ها را ندا می‌دهد و می‌فرماید: چه جوابی به رسولان دادید * در آن روز همه اخبار بر آنان پوشیده می‌ماند، و از یکدیگر سؤال نمی‌کنند».

۱۹ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ﴾ گفته است:

عامه می‌پندارند که این مربوط به روز قیامت است اما خاصه یعنی شیعیان روایت کرده‌اند که وقتی انسان را در قبر نهادند دو ملک به نام‌های نکیر و منکر وارد می‌شوند از او سؤال می‌کنند از خدا و از پیامبر و از امام، اگر مؤمن باشد جواب می‌دهد، و اگر کافر باشد خواهد گفت: نمی‌دانم و این معنای این فرمایش خداوند است که فرموده: ﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ﴾.^۳

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۶۳، ح ۲.

۲. مجمع البیان: ج ۷، ص ۲۶۱.

۳. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۱۹؛ بحار الانوار: ج ۶، ص ۲۲۴، ح ۲۵.

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ (۸۵)

«کسی که قرآن را بر تو فرض نمود و به عهده تو نهاد، تو را به وعده گاه و محل بازگشت بازمی گرداند».

۲۰ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از صالح بن میثم روایت کرده است که

گفت:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: به من خبر بده. حضرت فرمودند: آیا از پدرت نشیدی؟ عرض کردم: پدرم هلاک شد در حالی که من کودک بودم. اکنون من می گویم، اگر درست گفتم، شما بفرمایید آری، و اگر اشتباه گفتم، مرا به خطایم آگاه کنید. امام علیه السلام فرمودند: چه شرط دشواری! عرض کردم: من می گویم، اگر درست گفتم شما سکوت کنید و اگر اشتباه گفتم، مرا از خطایم باز بدارید. امام علیه السلام فرمودند: این، آسانتر است. عرض کردم: من می پندارم که علی علیه السلام «دابة الارض» است و ساکت شدم.

امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا قسم با خود می اندیشیدم که تو می گویی: «همانا علی علیه السلام به سوی ما باز می گردد» و این آیه را می خوانی ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾.

عرض کردم، این از مسائلی بود که می خواستم سؤال کنم ولی فراموش کردم.

امام علیه السلام فرمودند: به تو خبر دهم از چیزی که بزرگ تر از این است، این آیه شریفه که می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾^۱ هیچ سرزمینی نمی ماند مگر آنکه در آن به یکتایی خداوند و رسالت پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله ندا سر دهند و با دست مبارک اشاره به کرانه ها و اطراف زمین نمود.^۲

۲۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابومروان روایت کرده است که گفت: از

امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردم، حضرت فرمودند:

۱. سوره سباء، آیه ۲۸.

۲. مختصر البصائر، ص ۴۸۹، ح ۴۱؛ الايقاظ من الهجعة، ص ۳۸۵، ح ۱۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۳، ح ۱۵.

لا والله، لا تنقضي الدنيا ولا تذهب حتى يجتمع رسول الله ﷺ وعلي ﷺ بالثوية، فيلتقيان وبينيان بالثوية مسجدا له اثنا عشر ألف باب.

به خدا قسم دنیا به پایان نمی رسد تا آنکه رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ در محلی از کوفه گرد هم می آیند و با یکدیگر دیدار می نمایند و در آنجا مسجدی بنا می کنند که هزار در داشته باشد.^۱

۲۲ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر این آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ گفته است:

عامه روایت کرده اند که بازگشت قیامت است، اما خاصه یعنی شیعیان روایت کرده اند که مربوط به رجعت است.^۲

۲۳ - روایت شده که از امام باقر رضی الله عنه درباره جابر سؤال شد، حضرت فرمودند: خدا جابر را رحمت کند، از علم و دانش به مرتبه ای رسیده بود که تاویل این آیه شریفه را می دانست، یعنی نسبت به مسأله رجعت، معرفت و شناخت داشت.^۳

۲۴ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از حضرت علی بن الحسین رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ ﷺ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَالْأَئِمَّةُ رضی الله عنهم.

پیامبر شما و امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین رضی الله عنهم به سوی شما باز می گردند.^۴

۱. تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۷۶، ح ۸.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۲۳.

۳. مختصر البصائر: ص ۱۵۱، ح ۱۱۷؛ تفسیر قمی: ج ۱، ص ۲۵، مقدمه کتاب؛ بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۶۱، ح ۵۱؛ الايقاظ من الهجعة: ص ۳۳۳، ح ۴۸؛ الرجعة: ص ۴۷۹، ح ۵۰.

۴. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۴۷؛ الايقاظ من الهجعة: ص ۳۴۳، ح ۹۵، باب ۱۰؛ بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۵۶، ح ۳۳؛ ترجمه کتاب «القرآن وفضائل اهل بیت»: ص ۳۹۵؛ معجم احادیث الامام المهدي رضی الله عنه: ج ۷، ص ۴۵۸، ح ۱۷۱۶؛ الرجعة: ص ۸۳، ح ۵۴.

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهَ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ﴿۸۸﴾

«هر چیزی در معرض هلاکت و نابودی است و فانی می شود جز «وجه» او، حاکمیت تنها از آن او است و همه به سوی او بازگردانده می شوید».

۲۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از سلام بن مستنیر روایت کرده است که گفت: از امام باقر رضی الله عنه در مورد این آیه شریفه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ سؤال کردم، فرمود:

به خدا قسم ما آن «وجه» هستیم که فرموده است، و تا روز قیامت هرگز هلاک و نابود نمی شویم. کسی که در پیشگاه ربوبی آید در حالی که به آنچه امر فرموده از اطاعت ما و ارادت و دوستی ما عمل کرده باشد، به خدا این همان وجهی است که او فرموده: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ هیچ کدام از ما خاندان نمی میرد تا روز قیامت، مگر اینکه فرزندی از او جانشین او خواهد بود.^۱

۲۶ - و نیز به سند خود از صالح بن سهل روایت کرده است که گفت: از امام صادق رضی الله عنه شنیدم که در تفسیر این آیه شریفه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ فرمودند: ما «وجه الله» هستیم، یعنی ما آن جهتی هستیم که باید از آن جهت به درگاه الهی توجه نمود.^۲

۲۷ - و نیز به سند خود از امام صادق رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ فرمودند:

یعنی هر چیزی فانی است و نابود می شود جز آنچه به آن وجه خدا اراده شده و وجه خدا علی بن ابی طالب رضی الله عنه است.^۳

۲۸ - و مؤید آن روایتی است که علی بن ابراهیم رضی الله عنه به سند خود از ابو حمزه نقل

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۹۳، ح ۱۱؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۲.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۹۳، ح ۱۲.

۳. بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۱۵۱، ح ۱۳۰.

کرده است که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: معنای این آیه شریفه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

هر چیزی هلاک و نابود می شود و تنها «وجه» باقی می ماند، و خداوند بزرگ تر و برتر از این است که به وجه توصیف شود و لکن معنای آیه این است که هر چیزی از بین رفتنی است جز دین او.

و ما آن «وجه» و «جهت» هستیم که از آن به درگاه ربوبی می توان راه یافت. پیوسته در میان بندگان خداییم تا مادامی که برای خداوند در مورد آن ها «روبه» است، سپس ما را بالا می برد و آنچه بخواهد در مورد ما انجام می دهد.

عرض کردم: فدای شما شوم «روبه» چیست؟ فرمود: یعنی حاجت. مؤلف گوید: یعنی اراده و لذا معنای عبارت این است که ما در میان بندگان خدا هستیم تا مادامی که اراده و خواست خداوند باشد.^۱

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۲۴؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۹۳، ح ۱۳.

سورة العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الم * أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ ﴿۱﴾ و ﴿۲﴾

«الم از رموز قرآن است، آیا مردم می‌پندارند همین که گفتند: ایمان آوردیم رهایشان می‌کنند و آزمایش نمی‌شوند».

- ۱ - علی بن ابراهیم رضی الله عنه از پدرش و او از محمد بن فضیل روایت کرده است که گفت: از حضرت موسی بن جعفر رضی الله عنه در مورد این آیه شریفه ﴿الم * أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ سؤال کردم، امام رضی الله عنه فرمودند: عباس خدمت امیرالمؤمنین رضی الله عنه رسید و عرض کرد: بیایید برویم تا مردم با شما بیعت کنند. حضرت فرمودند: فکر می‌کنی آن‌ها این کار را انجام می‌دهند؟ عرض کرد: آری.
- حضرت فرمودند: پس این فرمایش خداوند چیست و موردش کجا است که فرمود: ﴿الم * أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ «آیا می‌پنداری به همین مقدار که گفتند ایمان آوردیم آن‌ها را رها می‌کنند و در بوته امتحان قرار نمی‌گیرند!»^۱
- ۲ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حسین بن علی رضی الله عنه و آن حضرت از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین رضی الله عنه روایت کرده است که فرمودند:
- هنگامی که این آیه نازل شد عرض کردم: ای رسول خدا، این «فتنه» که در آیه به آن اشاره شده چیست؟

۱. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۲۵؛ بحار الانوار: ج ۲۲، ص ۲۸۹، ح ۶۰؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۸۸، ح ۳.

رسول خدا ﷺ فرمودند: علی جان، مردم به وسیله شما مورد امتحان قرار می‌گیرند و با شما خصومت می‌کنند، پس خود را برای خصومت و دشمنی آنان آماده کن.^۱

۳ - و نیز به سند خود از عمرو بن ثابت روایت کرده است که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: این سخن خدا را که به پیامبرش فرموده: «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ»^۲ برایم تفسیر کنید. امام علیه السلام فرمودند:

رسول خدا ﷺ بسیار حریص بود بر اینکه علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از او امیر و فرمانروا باشد و مردم همه آن را بپذیرند ولی نزد خدا خلاف این مطلب بود و این فرمایش خداوند حکایت از آن می‌کند که فرموده است: «الْعَر * أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» «آیا مردم گمان کرده‌اند همین که بگویند: «ایمان آوردیم» به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم باید علم خداوند در مورد راستگویان و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد» و رسول خدا صلی الله علیه و آله به امر خداوند راضی گردید.^۳

۴ - و نیز به سند خود از سماعة بن مهران و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بودند، نزدیک صبح امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن حضرت را صدا زدند، امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: بله یا رسول الله. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: علی جان، نزد من بیا و هنگامی که نزدیک آمد، فرمود:

علی جان شب را بیتوته کردم همان‌گونه که می‌بینی و از پروردگارم هزار حاجت درخواست نمودم و او آن‌ها را برآورده نمود و برای تو همانند آن را خواستم و خدا خواسته‌ام

۱. بحار الانوار؛ ج ۲۴، ص ۲۲۸، ح ۲۶؛ تفسیر برهان؛ ج ۷، ص ۳۸۸، ح ۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۲۸، مقصود از «امر» در این آیه شریفه امر امامت و امارت است که در اختیار پروردگار است تنها خداوند است که امام را معین میکند و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را معرفی میکند.

۳. بحار الانوار؛ ج ۲۸، ص ۸۱، ح ۴۲؛ تفسیر برهان؛ ج ۷، ص ۳۸۸، ح ۵.

را برآورده نمود و از او خواستم که بعد از من اتمم همه گرد توجع شوند، ولی امتناع ورزید و فرمود: ﴿الرَّحِمَةُ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۱.

۵ - و نیز به سند خود از سدی روایت کرده است که در تفسیر این آیات در مورد «الذین صدقوا» گفته است:

مراد علی بن ابی طالب علیه السلام و اصحاب آن حضرت هستند
و در مورد ﴿الكَافِرِينَ﴾ گفته است: مقصود دشمنان آن حضرت هستند.^۲

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ * مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۳

«آیا کسانی که کارهای زشت انجام می دهند گمان می کنند که بر ما چیره خواهند شد، بد داوری می کنند * کسی که به دیدار حق و رحمت او امیدوار است بدانند که اجل و مهلت الهی سر می رسد و او شنوا و دانا است * هر کس بکوشد و جهاد کند برای خویش کوشش و جهاد کرده است، همانا خداوند از همه جهانیان بی نیاز است».

۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابن عباس روایت کرده که در تفسیر این آیه شریفه ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ گفته است:

این آیه در شأن عتبه و شیبه و ولید نازل شده و اینها کسانی هستند که با حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه علیه السلام و عبیده مبارزه کردند، و درباره این بزرگواران دو آیه بعد نازل شده است که می فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ﴾^۳.

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۲۸، ح ۲۷؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۸۹، ح ۶.

۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۲۸، ح ۲۸؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۸۹، ح ۷.

۳. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۱۷، ح ۲۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۳۹۰، ح ۱۱؛ حاکم حسانی در شواهد

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ ﴿١﴾

«مَثَلِ كَسَانِي كِه غِيرَاز خُدا رَا اَوْلِيَاءِ خُود مِی گِیرِنْد مَثَلِ عَنكَبُوتِ اسْتِ كِه خَانِه اِی بَرایِ خُود گِرَفْتِه دَر حَالِی كِه سَسْت تَرِینِ خَانِه هَا خَانِه عَنكَبُوتِ اسْتِ اِگَر مِی دَانَسْتِنْد».

برای این آیه مبارکه یک معنای ظاهر و یک معنای باطن است، معنای ظاهر آیه که روشن است و اما معنای باطن آیه:

۷ - محمد بن خالد برقی رحمته الله به سند خود از سالم بن مکرم و او از پدرش روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند: این آیه شریفه در شأن حمیراء نازل شده است.^۱

معنای این تأویل: همانا از «حمیراء» به عنوان «عنكبوت» کنیه آورده شده، زیرا عنكبوت حیوان ضعیفی است که خانه ضعیف و سستی را اتخاذ کرده که سست ترین و ضعیف ترین خانه است، نه منفعتی را باعث می شود و نه ضرر و زیانی را دفع می کند، حمیراء نیز چنین است، او هم حیوانی است ضعیف به خاطر کمی عقل و دین، از رأی و نظر ضعیف و ناتوان خود و عقل نارسایش بیستی را در مخالفت و عداوت با مولایش اتخاذ کرده مانند بیت عنكبوت در سستی و ضعف که نفعی به او نمی بخشید بلکه باعث ضرر و زیان او در دنیا و آخرت است زیرا آن را بنا نموده ﴿عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ﴾^۲ «بر کنار پرتگاه سستی که ناگهان در آتش دوزخ فرو می ریزد». او و کسی که برای او اساس کار را بنا نهاده و ارکان آن را محکم کرده و

التنزیل، ج ۱، ص ۴۴۰، ح ۶۰۴، به سند خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت: آیه مذکور «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ...» در شأن حضرت علی علیه السلام و دو یار همراه او حضرت حمزه و عبیده نازل شده است و آن ها بودند که دلیرانه با مشرکین جهاد کردند و به لشکر اسلام قوت و شوکت بخشیدند.

۱. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۸۶، ح ۲۴۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۳، ح ۲.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۹.

پروردگارش را در این رابطه نافرمانی و از شیطان‌ش اطاعت نموده و لشکریان و یارانش را به گمراهی کشانیده و آن‌ها را در آتش سوزان جهنم وارد ساخته است، و این پاداش ستمگران است. و حمد و سپاس شایسته خداوندی است که پروردگار جهانیان می‌باشد.

﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (۴۳)

«و این مثال‌ها را ما برای مردم می‌زنیم و درباره آن نمی‌اندیشند و آن‌ها را درک نمی‌کنند جز دانایان».

۸ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از فضیل بن یسار و او از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر این فرمایش پروردگار ﴿وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ فرمودند: مقصود از ﴿الْعَالِمُونَ﴾ «دانایان» ما هستیم.^۱

آری «عالمون» آن‌ها هستند زیرا که خزان علم الهی و آخرین حد علم و دانش و نهایت آن هستند که بازگشت هر علمی به آن‌ها است و آن‌ها راسخون در علمند یعنی علم و دانش در قلب منور آن‌ها رسوخ نموده است و امر و فرمان و حکم کردن مربوط به ایشان می‌باشد.

و علی بن ابراهیم رضی الله عنه مثل این حدیث را در تفسیرش ذکر کرده است.^۲

﴿فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ﴾ (۴۷)

«کسانی که به آن‌ها کتاب داده‌ایم به آن ایمان می‌آورند و بعضی از این مردم نیز به آن مؤمن می‌شوند».

۹ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابوجارود و او از امام باقر رضی الله عنه روایت کرده است که در تفسیر صدر آیه مذکور یعنی ﴿فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ فرمودند:

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۲۲، ح ۹؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۱۳، ح ۳.

۲. تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۲۷.

مقصود آل محمد عليهم السلام هستند.

و نسبت به قسمت دوم آیه **﴿وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ﴾** فرمودند:

مراد اهل ایمان از اهل قبله یعنی مؤمنینی که روبه قبله نماز می خوانند می باشند.^۱

۱۰ - و نیز به سند خود از ابوورد و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر

قسمت اول از آیه مذکور یعنی **﴿فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾** فرمودند:

آن ها آل محمد عليهم السلام هستند.^۲

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ (۱۱)

«بلکه آن آیاتی است روشن و آشکار که در سینه های صاحبان علم و دانش

جای گرفته است».

۱۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابوبصیر و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده

است که در تفسیر این آیه شریفه **﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾** فرمودند:

مقصود از «صاحبان علم» در این آیه شریفه ما هستیم.

عرض کردم: «صاحبان علم» شما هستید؟ امام علیه السلام فرمودند:

چه کسانی گمان می کنی باشند در حالی که ما «راسخون در علم» هستیم؟^۳

۱۲ - و نیز به سند خود از برید بن معاویه روایت کرده است که گفت: از امام

باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه **﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾** سؤال کردم، حضرت فرمودند:

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۸، ح ۱؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۱۷، ح ۱؛ تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۲۸.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۸، ح ۲؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۱۷، ح ۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۴۸۵.

۳. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۹، ح ۳؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۱، ح ۱۵.

تنها ما مقصود از «صاحبان علم» در این آیه شریفه هستیم.^۱

۱۳ - و نیز به سند خود از علی بن اسباط روایت کرده است که گفت: شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

مقصود از «صاحبان علم» که «آیات بینات» در سینه‌های آنان است ما هستیم.

سؤال کننده عرض کرد: فدای شما، آن قیام کننده شما چه زمانی قیام می‌کند؟

امام علیه السلام فرمودند: همه ما یکی پس از دیگری قیام کننده به امر خدا هستیم تا صاحب شمشیر یعنی آخرین حجت الهی بیاید، و چون صاحب شمشیر آید اوضاع به گونه دیگری خواهد بود.^۲

۱۴ - و نیز به سند خود از عبدالعزیز عبدی روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه مذکور سؤال کردم، حضرت فرمودند:

آن‌ها امامان از آل محمد علیهم السلام هستند. درود خدا بر همه آنان، درودی دائم و پیوسته که همه زمان‌ها را فراگیرد.^۳

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (۱۶)

«کسانی که در راه ما تلاش و کوشش کنند ما راه‌های هدایت خود را به آنان

نشان می‌دهیم و بدون تردید خداوند با نیکوکاران است.»

۱۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از محمد بن حنفیه و او از پدر بزرگوارش علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ «خداوند با نیکوکاران

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۲۲، ح ۱۱؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۱، ح ۱۶.

۲. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۹، ح ۴؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۲، ح ۱۷.

۳. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۸۹، ح ۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۲، ح ۱۸.

است» و من آن نیکوکار هستم.^۱

۱۶ - و نیز به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در مورد این آیه شریفه
﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ...﴾ فرمودند:

این آیه در شأن ما نازل شده است.^۲

۱۷ - و نیز به سند خود از زید بن علی علیه السلام روایت کرده است که در مورد آیه مذکور
گفته است:

مقصود از ﴿الْمُحْسِنِينَ﴾ در این آیه ما هستیم.

راوی یعنی مسلم حداء می گوید: گفتم: اگر شما نباشید پس چه کسی خواهد
بود؟!^۳



۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۹۰، ح ۱۱؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۴، ح ۶.
۲. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۵۰، ح ۳۵؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۵، ح ۷.
۳. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۱۵۱، ح ۳۶؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۵، ح ۸.

سُورَةُ الرَّوْمِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * غَلَبَتِ الرَّومُ *﴾

﴿فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾ (۱-۳)

«الف، لام، میم * رومیان در نزدیک ترین سرزمین شکست خوردند و آن ها پس از مغلوب شدنشان به زودی غالب آیند».

۱ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه ﴿الم * غَلَبَتِ الرَّوْمُ﴾ فرمودند:

این آیه در مورد ما، و در مورد بنی امیه نازل شده است.^۱

۲ - و نیز به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه و تفسیر آن سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود:

مقصود از ﴿الرَّوْمُ﴾ در آیه بنی امیه هستند.

و مقصود از ﴿يَفْرُجُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ﴾ هنگام قیام امام قائم علیه السلام است که اهل ایمان شاد و مسرور می گردند.^۲

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (۴)

«پس روی خود را متوجه دین پاک و خالص پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن سرشته است».

۱. بحار الانوار: ج ۳۱، ص ۵۱۶، ح ۱۳؛ تفسیر برهان: ج ۷، ص ۴۲۸، ح ۱.

۲. بحار الانوار: ج ۳۱، ص ۵۱۶، ح ۱۴؛ عوالم العلوم: ج ۱، ص ۳۰۲.

معنای آیه: ﴿فَأَقْرَهُ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ یعنی «قصد خود را برای دین مایل گردان» و متوجه ساز و بر آن ثابت بدار ﴿فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ یعنی «فطرت الهی که خدا مردم را بر آن فطرت آفریده» و آن اسلام و توحید و ولایت است همان طور که در حدیث آمده است.

۳ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿فَأَقْرَهُ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ سؤال کردم، حضرت فرمودند: مقصود ولایت است.^۱

۴ - صفار رضی الله عنه به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

یعنی فطرت پاک آدمی را بر توحید و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سرشته است.^۲

﴿فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهٗ﴾

«پس حق خویشاوند را بده»

۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که گفت: هنگامی که این آیه شریفه ﴿فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهٗ﴾ نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را فراخواند و فدک را به آن حضرت عطا نمود.^۳

۱. بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۳۶۵، ح ۲۷؛ قمی در تفسیر، ج ۲، ص ۱۳۲؛ و کلینی در کتاب کافی: ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۳۵، این حدیث را روایت کرده‌اند. و در حدیث دیگری حضرت فرمودند: فطرتی که خدا بر آن فطرت انسان را آفریده شهادت به یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد و ولایت علی بن ابی طالب است و این هر سه در دایره توحیدند، یا مکمل توحید و یا شرط آن هستند.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۵۹، ح ۷؛ بحار الانوار: ج ۶۷، ص ۱۳۲، ح ۴.

۳. بحار الانوار: ج ۲۹، ص ۱۱۱، ح ۴.

سُورَةُ لُقْمَانَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ ﴿۳۱﴾

«ما انسان را نسبت به پدر و مادرش توصیه نمودیم، مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی (با تحمل رنج‌ها و ناراحتی‌هایی که برایش پیش می‌آمد) حمل کرد، دوران شیرخوارگی او دو سال پایان می‌یابد، (توصیه کردیم که) سپاسگزار من و والدین خود باشد، که بازگشت همه به سوی من است.»

۶ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از عبدالله بن سلیمان روایت کرده است که گفت: جابر جعفی را در محضر امام باقر علیه السلام مشاهده نمودم در حالی که روایت می‌کرد: مراد از «والدان» در آیه ﴿أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام هستند.

عبدالله بن سلیمان می‌گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: از ما می‌باشد آن کسی که خمس را حلال کرده است، و از ماست آن کسی که با درستی و راستگویی می‌آید، و مودّتی که خداوند در کتابش به آن امر فرموده، در حق ماست. و علی علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، آن دو «والد» هستند که خداوند نسبت به ذریّه و فرزندان آن‌ها سفارش فرموده و فرمان داده تا سپاسگزار ایشان باشید.

۷ - و نیز به سند خود از زراره و او از عبدالواحد بن مختار روایت کرده است که

گفت: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم به من فرمودند:

آیا نمی‌دانی که علی بن ابی طالب علیه السلام یکی از دو والد هستند که خداوند در قرآن فرموده: ﴿اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾ .

زراره گفت: نمی‌دانستم مقصود کدام آیه است، آیه‌ای که در سوره بنی‌اسرائیل است و یا آیه‌ای که در سوره لقمان است.

قسمتم شد که حج مشرف شدم و خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و چون آن حضرت تنها شد عرض کردم: فدای شما شوم عبدالواحد حدیثی را برای ما آورده است، حضرت فرمودند: آری. عرض کردم: کدام آیه است؟ آیه‌ای که در سوره لقمان است یا آیه‌ای که در سوره بنی‌اسرائیل است؟ فرمودند: آیه‌ای که در سوره لقمان است.

۸ - و نیز به سند خود از جابر روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که در تفسیر این آیه شریفه ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ﴾ فرمودند:

مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد.

۹ - و نیز به سند خود از بشیر دهان روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از دو والد هستند.

عرض کردم: دیگری؟ فرمودند: علی بن ابی طالب علیه السلام است.

مؤلف رحمته الله گوید: بنابراین تأویل معنای آیه شریفه این است که ما نوع انسان را به

اطاعت از والدین توصیه نمودیم و آن دو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وصی آن حضرت هستند.

و از آن دو بزرگوار به «والدین» کنایه آورده شده زیرا والد یعنی پدر سبب اقوی در

ایجاد فرزند است و اگر پدر نباشد فرزندی نخواهد بود و در مورد حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز چنین است اگر این دو شخصیت نبودند خبری از عالم و آدم

نبود، نه انسانی و نه حیوانی و نه دنیایی و نه آخرتی بود.

۱۰ - همان طور که در دعا آمده است:

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لِحَمْدِهِ وَ آلِ

مُحَمَّدٌ ﷺ .

پاک و منزه است خداوندی که دنیا و آخرت و همه موجودات را به خاطر محمد و آل محمد ﷺ آفرید.

۱۱ - و در حدیث قدسی آمده است:

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلاكَ .

اگر تو نبودى - اى رسول خدا - افلاك را نمى آفریدم .

۱۲ - و در حدیث دیگری آمده است که خداوند سبحان به حضرت آدم فرمود:

اگر آن دو شخصى که اراده کرده ام آن ها را بيافرینم نبودند هرگز تو را نمى آفریدم .

و معنای دیگری که برای کلام پروردگار در ارتباط با آن تأویل به نظر می رسد این است که: همان طور که پدر به فرزندش غذا می رساند و فرزند با آب و نان او تغذیه می شود، پیامبر ﷺ و امام ﷺ نیز به انسان غذا می رسانند و آن ها با علم و ادب و بیان ایشان تغذیه می شوند با این تفاوت که پدر غذای جسم فرزند را فراهم می کند که باعث حیات مادی او می شود و پیامبر و ائمه ﷺ غذای روح انسان را به او می رسانند که باعث حیات معنوی او می گردد.

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾

«و نعمت های آشکار و نهان خود را بر شما سرازیر نمود.»

۱۳ - علی بن ابراهیم ﷺ به سند خود از جابر روایت کرده است که گفت: شخصی

نزد امام باقر ﷺ این آیه شریفه را قرائت نمود. امام ﷺ در تفسیر آیه مذکور فرمودند:

«نعمت آشکار» وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ است و آنچه از توحید و معرفت پروردگار

آورده اند و اما «نعمت پنهان» ولایت ما اهل بیت ﷺ و پیمان دوستی با ما است .

و آن را تأیید می کند این سخن پروردگار که فرموده است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ

دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ .

نعمتی را که خداوند سبحان با آن بر بندگانش منت نهاده نعمت وجود پیامبر اکرم ﷺ است و آنچه آورده‌اند، این نعمتی است از طرف پروردگار و ظاهر و آشکار برای مردم می‌باشد ولی به تنهایی کامل نبود، هنگامی که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ذریه طاهرین آن حضرت فرض گردید و اعلام شد خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ پس ولایت اهل بیت علیهم السلام نعمت باطنه‌ای است که به سبب آن دین کامل و نعمت پروردگار جهانیان تمام گردید.

﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَ

إِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ ۱۴

«کسی که خود را تسلیم درگاه ربوبی گرداند در حالی که نیکوکار است به دست آویز محکم و مورد اطمینان چنگ زده، و سرانجام امور و پایان کار به سوی خدا است».

۱۴ - طبرسی رحمته الله علیه در تفسیر ﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ﴾ گفته است:

یعنی کسی که دین خود را خالص و قصد و نیت خود را در کارهایش تقرب به پروردگار قرار دهد و گفته شده: تسلیم نمودن وجه به سوی خدا گردن نهادن در برابر دستورات الهی و خودداری از نواهی او است و آن متضمن علم و عمل است و آن دورا دربردارد.

﴿فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾ آویخته به دست آویز محکم و استواری که مورد اعتماد است و بیم آن نیست که از یکدیگر گسسته شود.

تاویل ﴿الْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾

۱۵ - محمد بن عباس رضی الله عنه به سند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدرش، از پدرانش علیهم السلام که درود خدا بر آنان باد - روایت کرده است که فرمود:

مراد از ﴿الْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾ در این آیه شریفه ﴿فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾ محبت و مودت ما اهل بیت است.

۱۶ - و نیز به سند خود از زید بن علی علیه السلام روایت کرده است که گفت:
 ﴿الْعُزْوَةُ الْوُفْقَى﴾ دوستی و ارادت به آل محمد و خاندان رسالت صلی الله علیه و آله است.^۱

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ
 مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (۷)

«اگر درختان روی زمین همه قلم شوند و دریا را هفت دریای دیگر کمک کند کلمات
 خدا پایان نمی پذیرد».

۱۷ - شیخ طبرسی رحمته الله در کتاب احتجاج روایت کرده است که: یحیی بن اکثم از
 حضرت علی بن محمد امام هادی علیه السلام در مورد این آیه سؤال کرد و گفت:
 این هفت دریا کدام هستند و کلماتی که پایان نمی پذیرند چیست؟
 امام علیه السلام فرمودند: اما دریاها عبارتند از چشمه کبریت، چشمه یمن، چشمه برهوت،
 چشمه طبریّه، چشمه جوشنده ماسیدان، چشمه پرآب آفریقا و چشمه ماجودان.
 اما مقصود از «کلمات» ما هستیم، ما کلماتی هستیم که فضائل ما درک نمی شوند و
 استقصا نمی گردند.^۲

و نیز دلالت می کند بر این که آن ها «کلمات» هستند آیه شریفه: ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ
 كَلِمَاتٍ﴾ و آیه مبارکه ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾. پس آن ها «کلمات تامه الهیه»
 هستند.

بهترین درود و کامل ترین تحیات در همه اوقات و زمان ها بر آن ها باد.

۱. بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۸۵ ح ۸.

۲. احتجاج: ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحار الانوار: ج ۴، ص ۱۵۱ ح ۳.

به فضل الهی و توجّهات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء،

ترجمه جزء اوّل این کتاب شریف به پایان رسید

و به دنبال آن ترجمه جزء دوّم خواهد آمد.

﴿وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

وصلّى الله على محمّد وآله الطاهرين.